

# فرهنگ لغت آرام



انگلیسی - کُردی - فارسی

ترجمه و تألیف : امیر امینی

«کاملًا جدید»

# فرهنگ لغت آرام

انگلیسی - کُردی - فارسی

ترجمه و تالیف: امیر امینی

۸۵ - ۱۳۸۴

***Dictionary of English***

***Kurdish - Persian***

***Written by:***

***AMINI AMIR***

**2005 \_ 2006**

امینی ، امیر ، ۱۳۳۶ - پاوه (اورامانات)

فرهنگ لغت آرام (انگلیسی - کردی - فارسی) بافونیک / تألیف :

امیر امینی. (قائم‌شهر) : نشر : آرام گستر ، ۱۳۸۳

عنوان به انگلیسی: Dictionary English Kudish - Persian

Written : by : Amini, Amir

ISBN

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی بیش از انتشار)

، ۱ زبان انگلیسی - واژه نامه‌ها - چند زبانه. الف. عنوان.

۴۲۳/فا/۳

۲ الف ۲ ف / ۱۶۴۵ PE

نام کتاب: فرهنگ لغت آرام - انگلیسی - کردی - فارسی

مؤلف: امیر امینی تلفن ۲۲۴۵۰۶۳ - ۱۲۳۰

ناشر: آرام گستر (قائم‌شهر)

لینوگرافی و چاپ: رضایی بابل

نوبت چاپ: دوم ۸۵ - ۱۳۸۴

تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۶۴ - ۸۲۶۸ - ۰۱ - ۰ - ۰

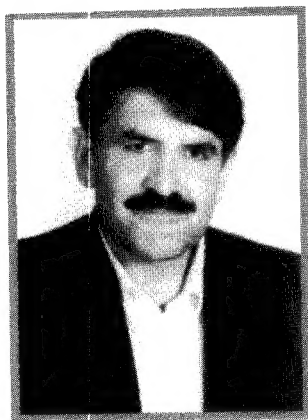
این کتاب طبق مجوز رسمی به شماره ۱۴۱۸۳۲ وزارت فرهنگ و ارشاد مرکز به چاپ رسید.  
۸۲/۴/۲۵

کلیه حقوق چاپ برای مؤلف محفوظ است.



## سیاسگزاری و تقدیم:

تقدیم به ملت ایران بویژه ملت کُرد (کُردستانی - کرمانشانی - ایلامی)  
و جناب آقای دکتر عزیزی از شهرستان قائم‌شهر و برادران صمدی از  
شهرستان مهاباد



## (مقدمه دکتر آرش رضایی)

کتاب حاضر اولین فرهنگ لغت سه زبانه انگلیسی به کردی و فارسی است که در مناطق کُردنشین حرف اول را می‌زند و بسیار خرسندم که به من اجازه داده شده تا بار دیگر مقدمه‌ایی بر کتاب اُستاد امینی بنویسم. در ابتدای نوشته خود می‌خواستم مراتب تشکر خویش را از ایشان برای انتخاب این جانب اعلام بدارم.

نمی‌دانم برای نوشتن در یک صفحه و چند سطر باید چگونه بنویسم تا کلمات من دل خوانندگان را نزند و از طرفی توانسته باشم لااقل حرفی زده باشم که به درد مقدمه کتاب بخورد و جنس کلام از جنس دل و فطرت خوانندگان عزیز باشد. شاید پرداختن به موضوع فعالیت‌های اُستاد امینی برای خود من جذابیت خاصی داشته باشد تا جایی که مرا وادار به مرور کردن گذشته‌یی نه چندان دور تا به امروز می‌کند و خود این موضوع فضایی بیشتر از یک مقدمه را می‌طلبد و هم چنین زمان دیگری را، لاجرم می‌خواهم به این حداقل بسنده نمایم.

گویا امینی همیشه رذپایی از کارهای خود باقی می‌گذارد. باید به عرضتان برسانم ایشان در اندک نوشته‌های خود که بعد از مدتهای طولانی فرصت به چاپ رساندنشان را پیدا کرده، با عشق و علاقه وافر و گاه عجیب، ناستالژی کُردستان را در دل می‌پروراند و این او را خواه و نخواهی وادار به پویندن در مسیر زندگی خویش با عشق به کُردستان می‌کند. امضای او در پای کارهایش از جنس کُردستان می‌باشد و او این را سند محکم و قوی برای خودش و درون مایه‌اش بشمار می‌آورد. دوستانه به خوانندگان کتاب ایشان توصیه می‌نمایم قبل از هر چیز سعی نمائید با نزدیک شدن به شخصیت او ذره‌ایی بیشتر به کنکاش در درون ایشان بپردازید قطعاً هویت او شما را به یاد مردمانی می‌اندازد که بی شباهت با او نیستند، مردمانی که سالهاست زندگی را با بو و عشق کُردستان به سر برده‌اند و از تار و پود این سرزمین خسته هارمونی صلابت را نواخته‌اند. این جانب

خیلی علاقمندم در آینده‌ای نزدیک کارکرد تخیلی ایشان را در زمینه داستان نویسی مشاهده نمایم. حتم دارم از جنس خودشان و قوم و سرزمینشان خواهند نوشت. چرا که صرف الفبای زبان و زندگی مادری اغلب برای ایشان فراتر از یک دغدغه کاری بوده است.

برای بنده ثابت شده است، او توان بهره‌گیری از امکانات محدود و ناجیر را دارد و تا به امروز کارهایش را با دست خالی به فرجام رسانیده است. در پس کارهای او عشق قابل رؤیت است. به فردا امیدوار است، این را کاملاً می‌توان در قدمهای خسته‌شان به وضوح درک کرد. قدمهای سنگینی که آدمی را به یاد مردی می‌اندازد که نالستالزی (حسرت) زبان و خاک و سرزمین مادری را در دل دارد. از او شاهد کارهای دیگری در آینده خواهیم بود. اگر این دفعه کار او تنها را غافلگیر نکرده باشد مطمئنم با پشتکار فراوانی که در ایشان سراغ دارم او را می‌توان کم‌کم در مسیر علاقه و ذائقه خوانندگانش دید چرا که ایشان هیچ‌گاه خارج از مردم زندگی نکرده است.

امینی فعلاً در حال نگرستن به اطراف است و غم غربت چیزی نیست که از چشمهای دل او پنهان بماند. منتظر نوشته‌های بعدی او خواهیم بود. خیلی راغبم بدانم برای ما بار دیگر ایشان از چه ناگفته‌ها و نانوشته‌های دیگر خواهد گفت و خواهد نوشت. کلام اصیل او مرا به باد اصالت سرزمین و مردمان ایشان می‌اندازد. اصالتی که اتفاقاً پر خواسته، از درون مایه دل فلتنهب ایشان است.

مازندران (قائم‌شهر)

دکتر آرش رضایی

عضو شورای عالی نویسندگان

جمهوری فدراتیو روسیه

تیرماه ۸۵-۸۴

## به نام ایزد توانا و دادگر

### مقدمه مؤلف برای چاپ دوم فرهنگ لغت آرام

زبان وسیله ارتباط بین افراد و نوع بشر بوده و خود به سه نوع گفتاری - شنیداری و رفتاری تقسیم می‌گردد در فارسی اعراب و حرکات شامل همان فتحه و ضمه و کسره عربی است که به صورت ا - ا - ا برای ادای کلمات به کار می‌آینده اما در کردی، هنگام نوشتن، فتحه و ضمه و کسره قابل نوشتن است و علائم قراردادی برای آنها به کار گرفته می‌شود و ا - ا - ا به صورت - - - و ضمه - - - ا - ا به صورت - - - ی - ی - ی نوشته شده و موسی و عیسی و کبری به صورت موسا - عیسا - کبرا نوشته می‌شوند و صداهای ترکیبی دیگری هم داریم مثل - د - و - و - ر - نو - نو - ئی - ئی - ئی - نا - نه، یعنی به جای ا - ا - ا و به جای ضمه - - - (و) نوشته می‌شود و همین نرمش و کشش الفبای ۳۸ حرفی کردی را به صورت یک الفبای بی‌نظیر در جامعه بین الملل در آورده و این زبان کهن اولین آریاها را به جامعه جهانی در بین بیش از ۲۴۰ کشور جهان معرفی مینماید در زبان کردی بویژه اورامانی که ویژه منطقه اورامانات ایران و عراق و تاتی و گویش زازا در آرزنجان و درسیم ترکیه، طبرستان، فردوس، یاتون و زاغمرز در نكاء مازندران و منطقه دیلم و طالش گیلان می‌گردد از نظر دستوری مثل زبان‌های انگلیسی و عربی زن و مرد و اشیاء توسط حروف خاصی از هم جدا و معلوم می‌شوند مثلاً اگر زنی به منزل کسی وارد شود، نوع کلمه برای خوشامدگویی با هنگامی که یک مرد و یا یک بچه دختر یا پسر وارد می‌شود فرق دارد و برای هر کدام نوعی کلمه خاص به کار می‌رود و کلمات به جای شش قالب که در گویش‌های دیگر کردی و فارسی صرف می‌شود اینجا در هشت قالب صرف می‌شوند مثل زبان انگلیسی و حتی اشیای جاندار و بیجان نیز به شیوه خاصی مشخص و صرف می‌شوند و این غنای زبان کردی آن را در بین بقیه زبان‌ها متمایز می‌نماید چنانکه می‌دانیم در زبان انگلیسی ما حدود ۴۴ واج داریم که به ۲۰ مصوت (حروف صدا دار) مشخص و ۲۴ بیصدا

تقسیم می‌شود و حروفی مثل چ - خ - ژ - ف - ق - غ در انگلیسی به تنهایی وجود ندارند و برای نشان دادن آنها باید از دو حرف استفاده کنیم مثلاً چ را به صورت ch خ را به صورت Kh یا X و حروف ق و غ را با Q یا GH و ژ را با ZH نمایش می‌دهند فرهنگ لغت سه زبانه آرام به کردی سورانی و اورامانی به یاری اهورامزدا برای بار دوم با تشویق‌ها و دلگرمی‌های هموطنان بویژه هموطنان کرد در استانهای آذربایجان غربی و کردستان و کرمانشاهان و ایلام به چاپ رسید و در چنین دنیای بی‌تسرفته وجود یک فرهنگ لغت مطمئن و برجسته و انهم به زبان مادری کردی برای هر کس واجب و لازم است در این فرهنگ که منابع آن برگرفته از فرهنگ لغت آکسفورد می‌باشد تلفظ هر کلمه توسط فتحه و ضمه و کسر بدقت نشان داده شده و نشانه‌های گرامری هم همینطور معلوم گشته و در آخر فرهنگ حاضر برای دانشجویان و دانش‌آموزان و عموم افراد یک فرهنگ دسته بندی و فشرده شده نیز به همراه نکات دستوری و مطالب دیگری که برای هر خواننده لازم است گنجانده شده که برتری و کاملی این فرهنگ را در بین سایر فرهنگ‌های موجود به اثبات می‌رساند و فرهنگ لغت آرام در چاپ دوم حاوی تعدادی تصاویر برای درک سریع و بهبود یادگیری است امیدوارم خوانندگان عزیز دوستان خوبی برای فرهنگ سه زبانه آرام باشند و خطاهای مؤلف را با بزرگواری و قضاوت منطقی خودشان ببخشند، چون این کوچک شما بدون سرمایه کافی و با استرسهای عدیده و فراوان کتاب را چاپ کرده و خودم هم آنرا بدوش کشیده و از شهری به شهری بخش نموده‌ام تا یک خدمت کوچک فرهنگی برای هموطنان گرانقدرم انجام داده باشم و در خاتمه مارک تواین نویسنده آمریکایی می‌فرماید: خدمت یعنی عمل کردن و خلاقیت و نوآوری بد بار آوردن نه چون طبل خالی صدا دادن و قوه حسادت و نادانی و انتقاد ناآگاهانه را بروز دادن.

با تشکر خدمت خوانندگان

امیر امینی پاوه (اورامانات)

خرداد ۸۵ - ۱۳۸۴

## شرح کلی

### فرهنگ سه زبانه کُردی - فارسی - انگلیسی

لغات کُردی - فارسی و انگلیسی را معرفی نموده و باید دانست که حدود ۷۰٪ لغات امروزی متداول در فارسی ریشهٔ عربی دارد ولی طوری این کلمات عربی رنگ فارسی به خود گرفته‌اند که عربیت آنها معلوم نمی‌باشد و زبان کُردی لغات عربی و ترکی کمتری در قیاس با فارسی به خود گرفته به طوریکه ۹۵٪ لغات زبان کُردی آریایی و ریشه اوستایی دارند و حتی طریقهٔ خواندن اوستا کتاب دینی زرتشت در اورامان و پاوه بویژه (Roware - رووه‌ری) در شمال پاوه و اورامان تخت و که مالاو - وه‌سیسا (اوستای دوم زردتشت) هنوز سراییده می‌شود و نوشتن کتاب اوستا بار اول در مشکین شهر فعلی آذربایجان که نام اولیه‌اش اورامی بوده و بار دوم در ئاویسه‌ر (Awesar) در شمال شهر اورامی (ته‌ویله Tawele) در غرب پاوه که روی پوست آهوی زرد حکاکی و نوشته شده و در آتشکده فروزان پاوه به همراه ۳۰۰ جلد کتاب پوست نوشته پزشکی و نجوم نگهداری می‌شده، لیکن در حمله اعراب در سال ۲۳ هجری به پاوه و کشته شدن سکنه بومی، تخریب و همهٔ کتابها به آتش کشیده شدند و حتی مانی پیامبر کُرد اورامانی در سال ۲۶۵ میلادی کتاب باینگام Baingam را که امروزه باینگان گفته می‌شود و به معنی شعله نور می‌باشد به آتشکده پاوه هدیه کرده و خود در هیروی (Hirve) که به معنی هیربد است به پرورش مغان و مویدان و هیربدان می‌پرداخته و در محل نه‌یسانه و به‌له‌بزان معابد زردشتی برای ستایش اهورامزدا و خدای نوریا به قول مانویان Nrwe (نرو) وجود داشته‌اند که یکی از این معابد آثار آن با همان نام زردشتی در روستای نه‌روی در شمال غرب پاوه هنوز به چشم می‌خورد و حتی کاسی‌ها که در کوههای زاگرس و بویژه اورامان می‌زیستند خدایان متعددی روی قله کوهها بصورت بت طلا یا سنگ داشتند که می‌پرستیدند مثل خدای سور یا ش که در نزدیکی پاوه محلی به نام سریاس شاید بازمانده از نام این خدای کاسی‌ها باشد و خدای دیگر آنها کاژو نام داشت که در شمال پاوه کوهی بنام کاژ که احتمالاً بنام همان خدای کاسی است هنوز سینه به سینه نامش آمده و به‌له‌بزان در اوستا به معنی مکان ستایش ایزد مقدس آمده و پرفسور مینورسکی نام Naisana را آشوری دانسته و می‌فرماید

که خدای نیسان که امروزه به لفظ رومی و یهود هم نیسان گفته می‌شود، در دوره آشوریان به همراه خدای شمش یهود پرستش می‌شده‌اند و در شمال نوسود و نوڈشه هنوز نام خدای شمش قوم یهود و آشوری و بابلی بنام که لوشه مشی پابرجا بوده چون این اقوام بت خدایان خود را روی نوک کوه‌های بلند گذاشته و مراسم سالیانه شکرگذاری بر پای می‌داشتند و به هر حال زبان کردی از ورود لغات بیگانه سالم مانده ولی زبان فارسی چون زبان رسمی ایرانیان بوده دستخوش تغییرات لغوی زیادی از عربی گشته مثل تقاضا - تمنا - صلات - زکات - مظلوم - مرحمت - قضاء - مفرح مکالمه، البته لغات زیادی هم از فارسی و کردی وارد عربی شده که تغییراتی یافته‌اند مثل:

عربی	فارسی
ابریق	آبریز - آفتابه
جلستان	گلستان
جمهور	جموور
جوهر	گوهر
ریباسی	ریواس
افستا	اوستا
آوا	آواز
بارود	باروت
مارستان	بیمارستان
سراج	چراغ
فرسخ	فرسنگ
نرجس	نرگس
هندام	اندام

هشت حرف الفبای کنونی فارسی مخصوص زبان عربی است و عبارتند از «ث، ح، ص، ض، ط، ظ، ع، ق» در فارسی و کردی دیده نمی‌شوند و کلماتی که دارای یکی از این هشت حرف باشند

عربی‌اند مثل صبر، ضمیر، حاکم، ثریا، مریض، طلوع، ظفر، عدل، نظام و کلماتی که دارای یکی از ۴ نوع حروف «ژ - پ - گ - چ» باشند و فارسی و کردی بوده و عربی نمی‌باشند. مثل ژژو - چشمه پهن - گُرز - همچنین همزه در زبان فارسی در اول کلمه می‌آید و قبول حرکت نمی‌کند مثل ابر ایران و اگر همزه آهنگ دار باشد یعنی بعد از همزه الف بیاید بصورت زیر نوشته می‌شود «آفتاب آرام - ولی در عربی همزه قبول حرکت کرده و در اول و وسط و آخر کلمات می‌آید مثل اُکرام رأس - شیء و در کردی اعراب و حرکات یعنی فتحه و ضمه و کسره و همزه و تنوین قابل نوشتن هستند.

حرکات	علامت در کردی	مثال
ـَ فتحه	ئه - ئا (آ)	ئه‌مین - ئارام
ـِ کسره	ـِ - ی	میوه - پیاوِی
ـُ ضمه	و	گول - مورغ
ـُ تنوین	—	ناچاره‌ن - دووّمه‌ن

و در کردی تنوین وجود ندارد و به جای حروف ص - ث - فقط (س) می‌گذارند و به جای حروف ذ - ظ - ض فقط حرف (ز) می‌گذارند و به جای (ط) فقط (ت) می‌آید حرف لام سنگین هم در کردی و هم در انگلیسی موجود بوده ولی در فارسی دیده نمی‌شود مثل دلّ - گولّ که در انگلیسی تلفظ کلماتی مانند Wall - Call آنها مشخص می‌کند و حرف (و) هم در کردی و فارسی دیده می‌شود مثل تلفظ عدد ۱۷ (حَه‌فده) یا جاوه که جاوه تلفظ می‌شود و در انگلیسی معادل آن حرف (V) است مثل (Voice) صدا، در طول زمان و قرن‌های متوالی نژاد بشر با هم اختلاط یافته و لغات فراوانی از زبانهای گوناگون بویژه زبانهای انگلیسی و روسی و فرانسه و ترکی و عربی وارد زبان فارسی و اخیراً زبان کردی شده که فرهنگستان یا آکادمی زبان فارسی و کردی می‌باید برای این لغات بیگانه وارد شده به حوزه زبان مادری کلمات جدید ساخته تا لطمه به زبان گیرنده نرسد مثلاً ما برای تلفن در فارسی دورگو و برای تلگراف دورنویس و برای فاکس کلمه دورنگار را ساخته‌ایم بسیاری از کلمات از روسی و ترکی و فرانسه و یونانی به زبان فارسی وارد شده و بعضی‌ها عیناً بکار می‌روند



مثلاً کلمات سماور - آپارات - اتو - ترمز - فرغون - کوپه - واکس - از روسی وارد زبان فارسی شده‌اند و یا کلمات یورش - یاغی - قاچ - قاچاق - قیچی - قشلاق - قندان - قشون - قورمه - قُلدر - قالی - قایق - قزاق - شلاق - سوقات - سوگلی - بقچه - اتراف از ترکی و مغولی به فارسی یا گردی وارد شده‌اند و همچنین بعضی از کلمات یونانی هستند مثل نفت استرلاب (وسیلهٔ سنجش ارتفاع ستارگان و خورشید) شاقول - فانوس - فیلسوف و کلماتی از زبان فرانسه به فارسی وارد شده‌اند مثل کمد - هروئین - هتل - ویلا - مترو - موزه - وازلین - ویتامین - ویزا - ویزیت - مُد - لوستر - ماسک - ماتیک - لیست - کنتور - کودتا - گاز - گارد - گاراژ - کنسرو - کنکور - کوپن - کلپ - گازینو - کاباره - فرمول - فولکلور - شوقاژ - سالن - سریال - سُرنگ - ژاندارم - ژتون - رُمان - رز - دیس - دیپلم - لیسانس - دویل - تربیون - تیراژ - تاکسی - تراکتور - تِرن - پلاستیک - پراگرام - پاسپورت - پاک - بوفه - بانک - بال (محل رقص) - اتوبوس - آمپول - ایده - پاستور - سادیسم و طبق نظر دانشمندان زبان شناس ملتی که پیشرفت‌های علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی‌اش سرآمد بقیهٔ ملت‌ها باشد لغات زبانی آنها به زبان اقوام در ترازهای پایین‌تر منتقل خواهد شد و علت ورود لغات انگلیسی و فرانسه و آلمانی و روسی به حوزهٔ زبانی کشورهای جهان سوم به همین علت ذکر شدهٔ بالا و دلایل دیگر سیاسی است و این روند توسعه و ترقی سیاسی و اجتماعی و علمی و اقتصادی ویژهٔ یک قاره یا یک ملت یا نژاد نمی‌باشد و از نظر جغرافیایی مرتباً این تکامل و تجدد ملت‌ها در جهان در حال عوض شدن است مثلاً زمانی قاره آسیا مهد تمدن و پیشرفت جهان بود و امپراطوری‌های ایرانی و روم یک‌ه تاز جهان آن روز بودند و یا امپراطوری‌های مصر و آشور و بابل و هندوچین را همه در تاریخ خوانده‌اند ولی بعدها قاره‌های اروپا و بعد آمریکا روند توسعه و پویایی ملت‌های جهان شده و اکنون ابرقدرت جهانیان معرفی می‌شوند و حق دارند که به خود ببالند.

امیر امینی خرداد ۱۳۸۳

پاوه (اورامانات)

## اختصارات

## ABBREVIATIONS

adj. = adjective	صفت
adv. = adverb	قید
adv.part. = adverbial particle	ادات قیدی
art. = article	حرف تعریف
aux. = auxiliary	کمکی (فعل کمکی)
conj. = conjunction	حرف عطف - ربط
def. art. = definite article	حرف تعرف معین
demonstr. = demonstrative	ضمیر / صفت اشاره
id. = idiom	اصطلاح - معنی ویژه
im. = imperative	فعل امری
indef. art. = indefinite article	حرف تعریف نامعین، حرف نکره
int. = interjection	حرف ندا، صوت
n. = noun	اسم
n. pl. = noun plural	اسم جمع
nc. = noun compound	اسم مرکب
np. = nounphrase	عبارت اسمی
obj. = objective	مفعول
part. = participle	وصفی

part. adj. = participial adjective	وجه وصفی
pl. = plural	جمع
pos. = possessive	حالت ملکی
pp. = past participle	اسم مفعول، قسمت سوم فعل
pref. = prefix	پیشوند
prep. = preposition	حرف اضافه
pron. = pronoun	ضمیر
rel. = relative	موصول
s. = sentence	جمله
sing. = singular	مفرد
suff. = suffix	پسوند
v. verb	فعل
vi. = verb intransitive	فعل لازم
vp. = verb phrase	عبارت فعلی
vt. verb transitive	فعل متعدی

## راهنمای تلفظ حروف انگلیسی

الف: حروف صدادار و ترکیبی

مثال	صدا	نشانه	مثال	صدا	نشانه
1. see/si:/	ای (بلند)	i:	11. fur/fɜ:(r)/	اِ (بلند)	ɜ:
2. sit/sit/	ی	i	12. ago/əgəʊ/	اِ (کوتاه)	ə
3. ten/ten/	اِ	e	13. page/peɪdʒ/	اِئِ (بلند)	ei
4. hat/hæt/	اَ	æ	14. home/həʊm/	اِو - اُ	əʊ
5. arm/a:m/	اَ (بلند)	a:	15. five/faɪv/	اِی	ai
6. got/gɒl/	اَ (کوتاه)	ɒ	16. now/naʊ/	اَو	aʊ
7. saw/səʊ/	ئو	ɔ:	17. join/dʒɔɪn/	اِئِ	ɔɪ
8. put/pəʊt/	او (کوتاه)	ʊ	18. near/nɪə(r)/	یِ	ɪə
9. too/tu:/	او (بلند)	u:	19. hair/heə(r)/	اِئِ (کوتاه)	eə
10. cup/kʌp/	اَ (کوتاه)	ʌ	20. pure/pjʊə(r)/	اِ	ʊə

ب - حروف بیصدا

1.	p	پ	pen/pen/	13.	s	س	so/səu/
2.	b	ب	bad/bæd/	14.	z	ز	zoo/zu:/
3.	t	ت	tea/ti:/	15.	f	ش	she/fi:/
4.	d	د	did/did/	16.	ʒ	ژ	vision/viʒn/
5.	k	ک	cat/kæt/	17.	h	ح	how/haʊ/
6.	g	گ	got/gɒt/	18.	m	م	man/mæn/
7.	tʃ	چ	chin/tʃin/	19.	n	ن	no/nəʊ/
8.	dʒ	ج	June/dʒu:n/	20.	ŋ	نگ	sing/siŋ/
9.	f	ف	fall/fɔ:l/	21.	l	ل	leg/leg/
10.	v	و-ف	voice/vois/	22.	r	ر	red/red/
11.	th=θ	ث-ت	thin/θin/	23.	j	ی	yes/jes/
12.	ð	ظ-د	then/ðen/	24.	w-o	و	wet/wet/
				25.	kh-x	خ	Khob-xob

## key to phonetic symbols

### Vowels and diphthongs

### (حروف صدا دار)

i: as in see/si:/

ɪ as in sit/sɪt/

e as in ten/ten/

æ as in hat/hæt/

a: as in arm/a:m/

ɒ as in got/gɒt/

ɔ: as in saw/sɔ:/

ʊ as in put/put/

u: as in too/tu:/

ʌ as in cup/kʌp/

ʒ: as in fur/fʒ:(r)/

ə as in ago/ə'gəʊ/

eɪ as in page/peɪdʒ/

əʊ as in home/həʊm/

aɪ as in five/faɪv/

aʊ as in now/naʊ/

ɔɪ as in join/dʒɔɪn/

ɪə as in near/nɪə(r)/

eə as in hair/heə(r)/

ʊə as in pure/heə(r)/

## consonants (حروف بی صدا)

p	as	in	pen/pen/
b	as	in	bad/bæd/
t	as	in	tea/ti:/
d	as	in	did/did/
k	as	in	cat/kæt/
g	as	in	got/got/
tʃ	as	in	chin/tʃɪn/
dʒ	as	in	June/dʒu:n/
f	as	in	fall/fɔ:l/
v	as	in	voice/vɔɪs/
θ	as	in	thin/θɪn/
ð	as	in	thin/ðɪn/

s	as	in	so/səʊ/
z	as	in	zoo/zu:/
ʃ	as	in	she/ʃi:/
ʒ	as	in	vision/'vɪʒn/
h	as	in	how/haʊ/
m	as	in	man/mæn/
n	as	in	no/nəʊ/
ŋ	as	in	sing/sɪŋ/
l	as	in	leg/leg/
r	as	in	red/red/
j	as	in	yes/jes/
w	as	in	wet/wet/

## راهنمای تلفظ کلمات انگلیسی - فارسی - کردی

کردی	فارسی	انگلیسی (نشان آوایی)
ئا	آ	a: - Aa
ئ-ئه-ه-ه	أ-ع- (فتحه)	Aa
ئ	کسره کوتاه (.)	E
ئ-ئ	کسره بلند (!)	E - e
ه (ه)	فتحه (ـَ)	A
و	ضمه (ـُ)	U
ۆ-تۆ	و-کوتاه-ئو	O OW
وو	و-بلند-ئوو	OU - OO
و-و-عادی	و	w - o
و-وی	و	v
ی کشیده	یی = i:	1:
ی کوتاه	ی	i = Y
گی	گی	g - G
ج	ج	J - j
کی	کی	k - c - que
خ	خ	kh - x
ق-غ	ق-غ	Gh - q
ژ	ژ	Zh
چ-چر	چ-چر	ch - ture - č



کردی	فارسی	انگلیسی (نشان آوایی)
ش	ش (شن - شز)	sion - cious - sh
ح - ه	ح - ه	H
ت	ت	th - T
س	س - ص - ث	s - th - c
د	د	D - th
ر	ر	R
ر	ر مکرر	R
ز	ز - ذ - ض - ظ	(th گاهی) Z
ع	ع - آ	A-6

### اصوات ترکیبی در کردی و معادل فارسی - انگلیسی

کردی	فارسی	انگلیسی	مثال
ئا	آ	a:	ئاوات - آرزو
ئه	آ	a	ئهوه - آن
ئه <sup>ٚ</sup>	إ	e	ئیه - شما
ئیه	یی	I یا i:	ئیهه - این
ئو	أ	Ow	که وئو - آبی
ئوو	ئو	o _ oo	ئوونی - آنها
د	د	D	مادی - پارچه - نان پختن
ئو - ئه	آو	aw	به ئو / بیگ - خان

## باورهای مردم اورامان و پاوه در عهد قدیم اشکانی

عهد فرهاد چهارم اشکانی اُسقف مُطران از ارمنستان همراه فرمانداری ارمنی به نام پاونی برای ویج کیش مسیح به پاوه و اورامانات مهاجرت کردند و نام طایفه میتران یا متران هنوز در پاوه نیده می‌شود که بازماندگان آن اسقف مسیحی‌اند و در محل فعلی مسجد جامع پاوه کلیسای کزی را ساختند و در اطراف این کلیسا سردابه‌های زیادی برای غُسل تعمید ایجاد کردند که در ن سردابه‌های مقدس با آب خود را غسل می‌دادند و نام یک محله پاوه به نام محله سردابه‌ها هنوز سرزبانهاست و سهردی (sarde) می‌گویند یعنی محل سردابه‌های مقدس مسیح و دو کلیسای بگر در همین زمان که حدود سال ۵۰ میلادی می‌شد در پاوه در محله شیشو (Shishow) و پشته Psht ساخته شدند که بترتیب نام یکی از حواریون مسیح و کلیسای محکم گفته می‌شد و مردم رامان برای محکم کردن در خانه می‌گویند پشکولّه‌ش بنیه یعنی چوب پشت در را بگذار که پشته همین محکمی در عظیم آن گرفته شده و کلیساها برای جمع آوری اعانه و کمک از مردم که در باغ یشان گردوی زیادی داشتند تقاضا کردند که برای درآمد کلیساها کمک کنند و هر کس کمی گردو به یسا کمک می‌کرد و حتی در زمستان نان خاصی به نام نیمه فیس (Nimafis) در کلیسا بین مردم سیم می‌شد و هر کس برای جمع کردن گردو به باغ می‌رفت به ته کیسه خود یک گردو می‌بست و گفت نینه بنه پیتنه Ina bna Pitana و این کلمه هنوز در بین مردم آریایی انگلستان و منستان و اورامان یک ریشه داشته و به کار می‌رود و معادل انگلیسی و ارمنی برای این مه ے benefice می‌باشد یعنی در آمد کلیسایی که کلمه نیمه فیس از همین کلمه ریشه دارد و مله بنه پیتنه از کلمه benefit ے ریشه دارد که به معنی سود و احسان کردن می‌باشد و یا مردم رامان چون خورشید پرست بودند می‌گفتند جایگاه خورشید پرستان یا اورامان ے اور

یعنی نه یریا آتشین و مان یعنی خانه ۛ و وقتی کسی می‌مُرد مردم باگریه و زاری به اطرافیان می‌گفتند باو که روّ یعنی پدرم به خورشید یا نور یا اشعه خورشید که مقدس بود ملحق شد و یا براروّ یعنی برادرم به روّ (Ray) یا اشعه پیوست این کلمه در زبان اورامانی و انگلیسی وارمنی به یک معنی یعنی همان اشعه یا پرتو معنی می‌دهد و مردم می‌گویند روّچن یعنی سوراخی در پشت بام در اورامان که نور را به داخل خانه هدایت می‌کرد تا بتوانند در خانه تاریک و بدون پنجره بهتر ببینند ۛ روّ یعنی اشعه و چن (chn) یعنی جذب کننده یا گیرنده نور پس روّ همان Ray به معنی پرتو است و مردم هنوز در کردستان و خاصه اورامان می‌گویند براروّ یعنی پدر یا برادرم به جانب اهورا مزدا یا خورشید شتافت و این زردشتی بودن مردم این سامان را در قدیم و اکنون که زوال یافته نشان می‌دهد.



یزدگرد دوم



یزدگرد سوم



پیروز پسر یزدگرد سوم

م - ۶۵۰



یزدگرد اول

م - ۴۰۰



فرهاد چهارم اشکانی

۳۷ ق - م



۱ شاه پور دوم

## راهنمای تلفظ حروف صدادار و بی صدادر فارسی و کردی

کردی	فارسی	مثال به فارسی و کردی
ئا	اَ	آزاد - نازاد
ئه - ئه	اَ	ابر - نه‌بر - نه‌وه - آن
ه - هه	فتحه َ	مَن - مهن
ی - یی	کسره اول و وسط و آخر کلمه	بیا - بی - مهربان - میهربان
و	ضمه ُ	گُل - گول
وو	و کشیده	او - ئوو - مو - موو
ۆ	و کوتاه	تو - تۆ
ع	ع	علی - آلی - علی
ل ˆ	ل	دل - دلّ - دلیّ - گُل - گول
رّ	رر - رَ	رَام - رَام
ز	ض ز ضه	زَر - زَیّر - ضامن - زامن
ز	ذ	ذال - زَال - ذَکر - زَکر
ز	ضه	وضو - وزوو - ضامن - زامن
سه	صه	ثریا - سوره بیا - صابون - سابوون

## (ژماره‌کان - شماری) اعداد و طریقه درست خواندن

Numerical Expressions section will give you help in the reading, speaking which commonly contain numbers. The following and writing of numbers and expressions

### Numbers

CARDINAL	(اعداد اصلی)	ORDINAL	(اعداد ترتیبی)
1. one	یو - یهک	1. st first	(یه کهم یا نهوهل)
2. two	دوی - دوو	2. nd second	(دووهم)
3. three	یه‌ری - سی	3. rd third	سییه‌م
4. four	چوار - چووار	4. th fourth	چووارهم
5. five	په‌نج - پینچ	5. th fifth	پینجه‌م
6. six	شش - شه‌ش	6. th sixth	
7. seven		7. th seventh	
8. eight		8. th eighth	
9. nine		9. th ninth	
10. ten		10. th tenth	
11. eleven		11. th eleventh	
12. twelve		12. th twelfth	
13. thirteen		13. th thirteenth	
14. fourteen		14. th fourteenth	

15. fifteen	15. th fifteenth
16. sixteen	16. th sixteenth
17. seventeen	17. th seventeenth
18. eighteen	18. th eighteenth
19. nineteen	19. th nineteenth
20. twenty	20. th twentieth
21. twenty-one	21. st twenty-first
22. twenty-two	22. nd twenty-second
23. twenty-three	23. rd twenty-third
30. thirty	30. th thirtieth
40. forty	40. th fortieth
50. fifty	50. th fiftieth
60. sixty	60. th sixtieth
70. seventy	70. th seventieth
80. eighty	80. th eightieth
90. ninety	90. th ninetieth
100. one hundred	100. th one hundredth
200. two hundred	200. th two hundredredth
1000. one thousand	1000. th one thousandth
10000. ten thousand	10000. th ten thousandth
100000 one hundred thousand	100000.th onehundred thousandth
1000000. one million	1000000. th one millionth

1000 000 000 000 000 one

1000 000 000 one thousand

thousand billion(s)

million(s)

1000 000 000 000 000 000 trillion (us one quadrillion)

## EXAMPLES OF MORE COMPLEX

101. one hundred one

101. st one hundred and first

334. three hundred and thirty-four

542. nd five hundred and forty-second

1101. one thousand, one hundred and one

1234753. one million, two hundred and thirty-four

DECIMAL FRACTIONS (کسره‌های اعشاری)

(کسره‌های متعارفی)

VULGAR FRACTIONS

(شماره‌های جامع)

COLLECTIVE NUMBERS

6. a half dozen/half a dozen نیم دو جین یا ۶ عدد

12. a/one dozen (24 is two dozen not two dozens)

20. a/one score (یک ۲۰ تایی)

144. a/one gross ۱۴۴ عدد یا یک قُراض

## اعداد - ژماره (شماری)

۳۰ ←	سی (سی)	۰ ←	هیج - صفر
۳۳	سیوسی	۱	یه ک - یۆ
۴۰	چل	۲	دوو - دوی
۴۴	چلووچوار	۳	سی - یه ری
۵۰	په نجا	۴	چوار
۵۳	په نجاوسی	۵	په نج - پینج
۶۰	شه ست (شه س)	۶	شه شی - ششی
۶۷	شه ستوو چه فت	۷	چه وت - چه فت
۷۰	چه فتا	۸	هه شت
۷۹	چه فتا ونۆ	۹	نۆ
۸۰	هه شتا	۱۰	ده
۸۲	هه شتا و دوو	۱۱	یانزه
۹۰	نه وه د - نه وه د	۱۲	دوانزه (دوازده)
۹۳	نه وه دووسی	۱۳	سیانزه - سیئزه
۱۰۰	سه د (سه د)	۱۴	چوارده
۱۰۱	سه دو یه ک	۱۵	پانزه
۲۰۰	دو سه د	۱۶	شانزه
۳۰۰۰	سی هه زار	۱۷	چه فده
۱۰۰۰/۰۰۰	ملیۆن - ملوین	۱۸	هه ژده
۷۰۰۰/۰۰۰	چه فت - ملوین	۱۹	نۆژده
۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	میلیارد یا بلیۆن	۲۰	بیست - بیسی
۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	تریلیۆن	۲۱	بیست و یه ک
۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	کاتریلیۆن	۲۲	بیست و دوو



فارسی (ژماره‌ی به جی) (شماری رَز دریا‌ی)	کُر دی
یکم	یه که م (نه وه لَین)
دوم	دو هه م (دو و مین)
سوم	سی هه م (یه رومین)
چهارم	چوار هه م (چوواروم)
پنجم	په نهجه م (په نهچوم)
ششم	شه شه م (ششوم)
هفتم	حه فته م (حه فتوم)
هشتم	هه شته م (هه شتوم)
نهم	نویه م (نهوم)
دهم	ده یه م (ده هوم)
یازدهم	یانزه مین (یانزه هوم)
دوازدهم	دوانزه مین (دوانزه هوم)
یستم	بیسته مین (بیسوم)
جفت (زوج)	جووتی - جووت - جفت
مفرد	تاق - فه رد
نیم - نصف $\frac{1}{2}$	نیو - نیمه - نیوه - لت - له ت
$\frac{1}{4}$	سی یه ک - یه ری به یه ک
$\frac{1}{3}$	چوار یه ک (چاره ک) چوار به یه ک
$\frac{1}{5}$	پینچ یه ک - په نهج به یه ک
یک بار	جاریک (جاری وه)
دو بار	دو و جار - دوی جاری
چهار بار	چوار جار - چوار جاری
یک برابر	یه ک نه وه نده - یه که ناندّه
دو برابر	دو و نه وه نده - دوی ناندّه
سه برابر	سی نه وه نده - یه ری ناندّه

## اسم (NOUN)

تعریف - اسم کلمه‌ای است که برای نام بردن کسی یا چیزی یا بیان حالت کسی یا چیزی بکار می‌رود.

تقسیمات اسم:

۱- اسم معنی (Abstract noun)

اسم عام (Common noun)

اسم خاص (Proper noun)

۲- اسم ذات

اسم جمع (Collective noun)

اسم مرکب (Compound noun)

اسم جنس (Material noun)

اسم معنی (Abstract noun) - بر مفهومی دلالت می‌کند که وجودش در چیز دیگری باشد.

زیبایی beauty

جوانی youth

آزادی freedom

ترس fear

جرات courage

شادی joy

اسم ذات (concrete noun) - نام چیزی است که بخودی خود وجود دارد. این نوع اسم نیز بر چند

دسته تقسیم می‌شود.

اسم عام - اسم خاص - اسم جمع - اسم مرکب - اسم جنس

اسم عام (Common noun) - اسم عام به کلمه‌ای می‌گوییم که با آن اشخاص یا چیزهای هم نوع را می‌توان نام برد.

book	کتاب
bicycle	دوچرخه
tree	درخت
boy	پسر
dog	سگ
table	میز
man	مرد

اسم خاص (proper noun) - اسم خاص کلمه‌ای است که برای نام بردن یک شخص یا یک چیز معین به کار می‌رود.

Tehran	تهران
Hafez	حافظ
Iran	ایران
france	فرانسه
Mr. Amini	آقای امینی

اسم جمع (Collective noun) - اسم جمع کلمه‌ای است که برای نام بردن یک گروه یا دسته‌ای از

اشخاص و یا اشیاء مشابه به کار می‌رود.

team	تیم
crowd	جمعیت
company	شرکت
audience	شنوندگان - خُضار

اسم جنس (Material noun) - اسم جنس کلمه‌ای است که برای نام بردن یک نوع مخصوص از جنس یا ماده به کار می‌رود.

wood	چوب
Iron	آهن
milk	شیر
butter	کره
water	آب

اسم مرکب (Compound noun) - اسم مرکب از دو یا چند اسم تشکیل می‌شود.

living - room	اتاق نشیمن
---------------	------------

جنسیت اسم (Gender) - منظور از جنسیت اسم تعیین مذکر - مؤنث یا خنثی بودن آن اسم می‌باشد. در زبان انگلیسی جنسیت اسم در ضمیر و صفت ملکی تاثیر می‌گذارد.

man \_\_\_\_\_ he, his, ...

woman \_\_\_\_\_ she, her, ...

۱- جنس مذکر (Masculine gender) - جنس مذکر مخصوص موجودات مذکر می‌باشد.

man مرد

boy پسر

cock خروس

۲- جنس مؤنث (Feminine gender) - جنس مؤنث مخصوص موجودات مؤنث می باشد.

woman زن

girl دختر

hen مرغ

بعضی اسم های مؤنث با اضافه کردن (-ess) به اسم مذکر ساخته می شوند.

البته باید توجه داشت که اغلب حرف (e یا o) در کلماتی که به (er یا or) ختم شوند حذف می شود.

manager \_\_\_\_\_ manageress

actor \_\_\_\_\_ actress

conductor \_\_\_\_\_ conductress

۳- جنس خنثی (neuter gender) - اصولاً این نوع جنس مخصوص موجودات بی جان می باشد.

chair صندلی

pen قلم

car ماشین

جنس عام (common gender) - جنس عام برای هر دو اسم مذکر و مؤنث بکار می‌رود.

parent	ولی (پدر یا مادر)	cook	آشپز
child	بچه	prisoner	زندانی
cousin	پسر عمو - دختر عمو	singer	آواز خوان
author	مؤلف	dancer	رقاص
painter	نقاش	reporter	خبرنگار - گزارشگر
artist	هنرمند	journalist	روزنامه نگار
rider	سوار کار	friend	دوست
driver	راننده	relation	قوم و خویش
pupil	محصل - دانش آموز	student	دانشجو - محصل
enemy	دشمن	infant	کودک - طفل
baby	طفل - بچه	orphan	یتیم
bird	پرنده	person	شخص
servant	خدمتکار		
teacher	معلم		

زده ردویی در پاوه

سه ریل زده‌هاو

بعضی اسم‌ها شکل مذکر و مؤنث متفاوت دارند.

مذکر (نر)	مؤنث (ماده)	
brother	sister	خواهر
uncle	aunt	عمه - خاله
nephew	niece	برادرزاده - خواهرزاده
برادر		
عمو - دایی		
خواهرزاده		

مذکر	مونث	
lord	lady	خانم
آقا (ارباب)		
cock	hen	مرغ
خروس		
son	daughter	دختر (فرزند)
پسر (فرزند)		
boy	girl	دختر
پسر		
father	mother	مادر
پدر		
papa	mama	ماما
پاپا		
sir	madam	خانم
آقا		
widower	widow	بیوه زن
بیوه مرد		
husband	wife	زوجه - همسر
شوهر		
king	queen	ملکه
شاه		
man	woman	زن
مرد		
grandfather	grandmother	مادر بزرگ
پدر بزرگ		
gentleman	lady	خانم
آقا		
bachelor	spinster	دختر شوهر نکرده (پیر دختر)
مرد بی زن - مجرد		
dad - dy	dam	مادر (حیوان)
پدر جان		

## مفرد و جمع اسم (Singular and plural noun)

مفرد (Singular) - اسمی است که بر یکی دلالت می‌کند و معمولاً قبل از آن از حروف تعریف a/an استفاده می‌شود.

a boy	یک پسر
a book	یک کتاب
a girl	یک دختر
a pen	یک قلم

جمع (plural) - اسمی است که بر بیش از یکی دلالت می‌کند و قبل از آن حروف تعریف a/an کاربرد ندارد.

two boys	دو پسر
two books	دو کتاب
three girls	سه دختر
ten pens	ده قلم

## قواعد جمع بستن در زبان انگلیسی

برای جمع بستن اسم در زبان انگلیسی قواعدی وجود دارد که آنها را بررسی می‌کنیم:

۱- قاعده کلی برای جمع بستن یک اسم مفرد اضافه کردن (s) به آن اسم می‌باشد.

a book	یک کتاب	two books	دو کتاب
an apple	یک سیب	two apples	دو سیب
a student	یک دانش آموز	two students	دو دانش آموز



۲- اگر اسم مفرد مختوم به (s-ch-sh-x-z) باشد در موقع جمع بستن به آن (es) اضافه می‌شود.

class	کلاس	classes	کلاسها
box	جعبه	boxes	جعبه ها
watch	ساعت	watches	ساعت ها
dish	ظرف	dishes	ظروف

۳- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (o + حرف بیصدا) باشد. در موقع جمع بستن به آن (es) اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
negro	سیاهپوست	negroes
hero	قهرمان	heroes
echo	انعکاس صوت	echoes
potato	سیبزمینی	potatoes
tomato	گوجه فرنگی	tomatoes

اسم‌های زیر از این قاعده مستثنی می‌باشند و فقط با اضافه کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

مفرد		جمع
piano	پیانو	pianos
photo	عکس	photos
embryo	جنین	embryos
kilo	کیلو	kilos
Eskimo	اسکیمو	ESKimos

۴- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (o + حرف با صدا) باشد در موقع جمع بستن به آن (s) اضافه

می شود.

مفرد		جمع
radio	رادیو	radios
zoo	باغ وحش	zoos

۵- بعضی اسم ها که به o ختم می شوند با اضافه کردن (s) و (es) جمع بسته می شوند.

مفرد		جمع
cargo	محموله	cargos, cargoes
volcano	کوه آتشفشان	volcanos, volcanoes
tobacco	توتون	tobaccos, tobaccoes
motto	شعار	mottos, mottoes
buffalo	گاومیش	buffalos, buffaloes
zero	صفر	zeros, zeroes

۶- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (y + حرف بی صدا) باشد در موقع جمع بستن حرف (y) را به (i) تغییر

داده به آن (es) اضافه می شود.

مفرد		جمع
body	بدن	bodies
lady	خانم	ladies
country	کشور	countries
party	میهمانی	parties
baby	بچه	babies
city	شهر	cities
story	داستان	stories
fly	مگس	flies

۷- اگر دو حرف آخر اسم مفرد (y + حرف با صدا) باشد در موقع جمع بستن فقط (s) اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
toy	اسباب بازی	toys
key	کلید	keys
day	روز	days
play	نمایشنامه	plays

۸- اگر اسم مفرد به (f) یا (fe) ختم شود در موقع جمع بستن (f و fe) آخر اسم به (v) تغییر کرده (es) به آن اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
knife	چاقو	knives
life	زندگی	lives
wife	زن	wives
leaf	برگ	leaves
shelf	قفسه	shelves
thief	دزد	thieves
half	نصف	halves
wolf	گرگ	wolves
loaf	قرص نان	loaves
self	خود	selves

۹- اسم‌های زیر از این قاعده مستثنی می‌باشند و موقع جمع بستن فقط (s) به آنها اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
fife	نی	fifes
belief	اعتقاد	beliefs
chief	رئیس	chiefs
cliff	پرتگاه	cliffs
handkerchief	دستمال	handkerchiefs
roof	پشت بام	roofs
proof	مدرک	proofs
safe	گاو صندوق	safes
cuff	سرآستین	cuffs
grief	غم	griefs
strife	نزاع	strifes
serf	بنده - غلام	serfs
gulf	خلیج	gulfs

۱۰- اسم‌های زیر با د و روش اضافه کردن (s) و حذف (f و fe) و اضافه کردن (ves) جمع بسته می‌شوند.

مفرد		جمع
scarf	روسری - شال گردن	scarfs, scarves
dwarf	کوتوله	dwarfs, dwarves
hoof	سُم اسب	hoofs, hooves
whorf	اسکله	whorfs, whorves
turf	چمن	turfs, turves
staff	چوبدستی	staffs, staves
beef	گوشت‌گاو	beefs, beeves

مفرد		جمع
bawk	بابه - باؤک - پدر	باوه کان - بابی
Dayk	مادر - دایک - نأ	ئه دای - دایکان
khoshk	خواهر - وائی (وال) - خویشک	خویشکان - وائی
Bra	برادر - برالّه	برایان - برائی

۱۱ - بعضی اسمها با تغییر حرف با صدا بطور بی قاعده جمع بسته می شوند.

مفرد		جمع
woman	زن	women
man	مرد	men
mouce	موش	mice
tooth	دندان	teeth
foot	پا	feet
louse	شپش	lice
goose	غاز	geese

۱۲ - بعضی اسمها با اضافه کردن (en) جمع بسته می شوند.

مفرد		جمع
child	بچه	children
ox	گاو	oxen
brother	برادر دینی	brotheren

۱۳- بعضی اسم‌ها شکل مفرد و جمع یکسان دارند.

مفرد		جمع
sheep	گوسفند	sheep
fish	ماهی	fish
deer	آهو	deer
salmon	ماهی آزاد	salmon
trout	ماهی قزل آلا	trout
series	سری - ردیف	series
couple	جفت	couple

fish به شکل جمع fishes میین نوع ماهی می باشد.

۱۴- اسم‌های ملیت که به صدای /s/ یا /z/ ختم شود شکل مفرد و جمع یکسان دارند.

مفرد		جمع
a swiss	یک سوئیسی	several swiss
a chinese	یک چینی	several chinese
a japanese	یک ژاپنی	several japanese

۱۵- حروف الفباء اعداد و علائم با اضافه کردن (s) جمع بسته می شوند.

There are two a's and two 3's and three 6's

در این کلمه دو حرف (a) و دو حرف (3) وجود دارد.

You should write two 3's and three 6's

شما باید دو تا عدد ۳ و سه تا عدد ۶ بنویسید.

Two t/s and two -'s should be used

دو علامت جمع و دو علامت منها باید بکار برده شود.

۱۶- اگر اسم مرکب با حرف اضافه باشد برای جمع بستن (s) به کلمه اول اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
Father-in-law	پدر شوهر = زن	Father-in-law
mother-in-law	مادر زن	mothers-in-law
son-in-law	داماد	sons - in - law
looker-on	تماشاچی	lookers-on

۱۷- دو اسم مرکب بدون حرف اضافه (s) جمع به اسم مهم اضافه می‌شود.

مفرد		جمع
maid servant	خدمتکار زن	maid servants
step daughter	نادختری	step daughters
step son	ناپسری	step sons
step father	ناپدری	step fathers
step mother	نامادری	step mothers
court martial	دادگاه نظامی	courts martial
arm chair	مبل	arm chairs
book case	جاکتابی	book cases

۱۸- هرگاه کلمات man و woman و lord در ابتدای اسم مرکب باشد هر دو اسم جمع بسته می‌شود.

مفرد		جمع
man-servant	خدمتکار مرد	men-servants
woman-servant	خدمتکار زن	women-servants
woman-teacher	معلم زن	women-teachers
lord-justice	وزیر دادگستری	lords-justices

۱۹- اسم‌هایی که به (ful) ختم شوند با اضافه کردن (s) جمع بسته می‌شوند.

handful , handfuls

armful , armfuls

۲۰- اسم‌های خارجی که وارد زبان انگلیسی شده‌اند با تغییر حرف یا حروف از آخر کلمات جمع بسته می‌شوند. در جدول زیر حرف یا حروف آخر اسم مفرد و جمع نشان داده شده است.

حرف یا حروف آخر اسم مفرد	حرف یا حروف آخر اسم جمع
---- a	---- æ
---- eau	---- esux
---- ex	---- ices
---- ix	---- ices
---- is	---- es
---- on	---- a
---- um	---- a
---- us	---- i



مفرد	جمع
formula	فرمول formulae
larva	کرم حشره larvae
vertebra	مُهره پشت vertebrae
plateau	جلگه مرتفع - فلات plateaux
vortex	گرداب vortices
appendix	ضمیمه appendices
matrix	زهدان - قالب matrices
crisis	بحران crises
parenthesis	پرانتز parentheses
basis	پایه - اساسی bases
phenomenon	پدیده phenomena
ovum	تخم - یاخته - سلول ماده ova
memorandum	یادداشت memoranda
radius	شعاع radii
stimulus	انگیزه - تأثیر stimuli
thesis	فرضیه theses
datum	چیز مفروض data

۲۱- هرگاه اعداد hundred (ص) و thousand (هزار) و million (میلیون) بر تعداد معین دلالت کنند قبل از

اسم، جمع بسته نمی‌شوند ولی برای بیان تعدد بشکل جمع با حرف اضافه of همراه اسم به کار می‌روند.

Two hundred men دویست مرد

Two hundred and ten pounds دویست و ده پوند

hundreds of people صدها نفر

۲۲- اسم hair (مو) بشکل مفرد بکار برده می‌شود.

His hair is long موهایش بلند است.

هر گاه منظور تار مو باشد بشکل جمع بکار برده خواهد شد.

he has a few white hairs on his head.

چند تار موی سفید روی سرش دارد.

۲۳- بعضی اسم‌های همیشه مفرد بوده و برای این قبیل اسم‌ها فعل نیز بشکل مفرد (is و was و

has و s/es + قسمت اول فعل)) بکار برده می‌شود.

news	اخبار	clothing	لباس
advice	پند	cutlery	کارد و چنگال
information	اطلاعات	food	غذا
knowledge	دانش	crockery	بدل چینی
furniture	وسایل منزل	stationery	نوشت‌افزار - لوازم التحریر
luggage	اثاثیه - بار و بند	footwear	پا افزار
baggage	اثاثیه	gallows	چوبه دار
scenery	منظره	suds	آب صابون
nonsense	حرف بیهوده	pains	رنجها

The furniture is to be delivered today.

this news is very good.

No news is good news.

good advices is not always heeded.

برای بیان تعدادی معین از این اسم‌ها می‌بایست از عبارت some pieces of a piece از آنها استفاده شود.

a piece of news                      یک خبر

some pieces of news              چند خبر

۲۴- اسم بعضی از شاخه‌های علوم که به (ICS) ختم شوند و بعضی بیماری‌ها مفرد بوده بنابراین با فعل مفرد نیز بکار برده می‌شوند.

physics	علم فیزیک	mumps	اریون
mathematics	علم ریاضیات	measles	سرخجه
economics	علم اقتصاد	rickets	نرمی استخوان
mechanics	علم مکانیک		
politics	علم سیاست		
methaphysics	علم ماوراء طبیعت		
ethics	علم اخلاق		
optics	علم نور و بصر		

physics is an important subject in the modern world.

Mumps is a series illness for grown-up people.

Mathematics is his weak subject.

هرگاه Mathematics به مفهوم عملیات و محاسبات ریاضی باشد و economics به مفهوم اصول

علم اقتصاد جمع بوده بنابراین با فعل جمع نیز بکار می‌روند.

The area of the room is 160 square meters, if my mathematics are correct.

The economics of the situation have been discussed.

His mathematics are weak.

What are your politics?

My brother's politics seem to change radically every four years.

۲۵- هرگاه اسمی قبل از اسم دیگر نقش صفت را داشته باشد و مقدار یا تعداد خاصی را برساند در

این حالت بصورت مفرد بکار می‌رود حتی اگر مفهوم جمع را برساند.

shoe-repairer

a ten-mile walk

car door

a three-man expedition

cassette box

a two-bed room

table leg

toothbrush

کلمات sports و customs و arms و clothes و accounts از این قاعده مستثناً هستند.

sports car

customs officer

arms production

arms production

clothes shop



اردشیر اول

م-۲۲۶

accounts department

کلمات men و women نیز بعنوان صفت قبل از اسم دیگری بکار برده می‌شوند.

men drivers

women pilots

۲۷- اسم بعضی بازیها که به (s) ختم شوند مفرد بوده و با فعل مفرد نیز بکار می‌روند.

billiards

بازی بیلیارد

draughts

جریان هوا - کشش



پوراندهخت:



فرهاد چهارم  
۳۷ - ق - م



ولایت اول  
۵۲ - م



جوانشیر پسر خسرو و پرویز  
پسر گردویه خواهر بهرام چوبین  
۶۳۰ - م



خسرو اول  
۵۲۲ - م

## الفبا و صداها

الفبای زبان انگلیسی ۲۶ حرف است و آنرا به چهار شکل می‌نویسند.

اول حرف بزرگ چاپی از این قرار:

اِ	بی	سی	دی	ای	اف	جی	اِچ
اِی	چِ	کِ	اِل	اِم	اِن	اُ	پی
کیو	اَز	اِس	تی	یو	وی	دَبلیو	اِکس
وای	زد.						
A	B	C	D	E	F	G	H
I	J	K	L	M	N	O	P
Q	R	S	T	U	V	W	X
Y	Z						

دوم حروف کوچک چاپی

اِ	بی	سی	دی	ای	اف	جی	اِچ
اِی	چِ	کِ	اِل	اِم	اِن	اُ	پی
کیو	اَز	اِس	تی	یو	وی	دَبلیو	اِکس
وای	زد.						
a	b	c	d	e	f	g	h
i	j	k	l	m	n	o	p
q	r	s	t	u	v	w	x
y	z						

حروف صدا دار عبارتند از: A - E - O - I - U

۱- ب- پ- ت- ج- چ- خ- د- ذ- ر- ز- س- ش- غ- ف- ک- گ- ل- م- ن- و- ه- ی  
هشت حرف از ۳۲ حرف الفبای فارسی، عربی و ترکی بوده و عبارتند از: ث- ح- ص- ض- ط- ظ  
ع- = ق و کلمات ساخته شده با این حروف فارسی نبوده بلکه عربی یا ترکی اند و چهار حرف ژ-  
گ- پ- چ مخصوص زبان فارسی و کُردی بوده و کلمات ساخته شده با این حروف فقط فارسی یا  
کُردی اند.

## خانواده زبان‌های هند و اروپایی یا آریایی

۳۰۰۰ سال پیش از میلاد

آریایی (ایرانی - هندی - اروپایی)

اروپایی (ژرمانی - لاتین - یونانی - اسلاوی - انگلوساکسون)

ایرانی (پارسی - مادی - پارسی - سکایی مخلوطی از مادی و پارسی است)

پارسی (پارسی‌باستان - میانه - امروزی)

پارسی (پشتو - پهلوی - دری - زاولی - سگزی - سُغدی - هروی)

مادی (هوری - کردی - گیلی - طبری - طالشی - دیلمی - بندری - خوانساری و تاتی)

کردی (سوّرانی - کرمانجی - اورامانی یا گۆرانی)

اورامانی: ته‌ویله و بیاره - ژاوه‌رو - پاوه و لهوونی - ته‌ختی و ره‌زاوی - زازا - ده‌یله‌می - تاتی

زاغمرزی نکاء مازندران

زه‌نگه‌نه و تاله‌بانی - باژه‌لانی شه به کی‌موسل - تالشی - کردهای طیس و فردوس (تون) خراسان

شاخه‌های فرعی اورامانی (لری - بختیاری - فیلی - لکی - کرمانشانی - بیجاری گیلی - دیلمی -

تاتی)

کرمانجی (هکاری - بوتانی - دیاربکری - جلالی - میلانی - شکاک - بادینان)

سوّرانی (اردلانی، مکریانی، بابان، جاف، ایناخی، روژیانی، باوه‌جانی، گِراالی، یزدانبخشی، مُرادی)



## ریشه‌زبانهای هند و اروپایی یا آریایی

زبانهای هند و اروپایی یا آریایی شامل این زبان‌ها هستند:

- ۱- هندی: که شامل سانسکریت - هندی امروز - اردو - بنگالی - پنجابی می‌باشد.
- ۲- ایرانی: که شامل زبانهای اوستایی و فارسی باستان در گذشته و فارسی و پشتو و کردی در امروزه می‌باشد.
- ۳- اسلاوی: شامل روسی - اوکراینی - لهستانی - چک - اسلواکی - صربی - بلغاری - کروواتی.
- ۴- بالتی: شامل لیتوانی - لتونی - استونی.
- ۵- یونانی: شامی یونانی باستان و یونانی فعلی و آلبانیایی است.
- ۶- ایتالیک: شامل لاتینی قدیم و پرتغالی - اسپانیولی - فرانسوی - ایتالیایی - رومانیایی فعلی است.
- ۷- سلتی: شامل زبانهای ایرلندی - گلی اسکاتی - ویلیزی - برتونی.
- ۸- ژرمنی: شامل گوتی و ایسلندی قدیم و ژرمنی قدیم و انگلیسی قدیم بوده و شامل زبانهای فعلی به قرار زیر است: انگلیسی - آلمانی - هلندی - فلاندری - سوئدی - دانمارکی - نروژی و ایسلندی می‌باشد.
- زبانهای غیر آریایی هم شامل چینی - ژاپنی - مغولی - ترکی - گرجی و زبان سیاه‌پوستان آفریقا و نقاط دیگر جهان و... می‌باشند که از بحث ما خارجند.

## کلمه سازی در انگلیسی

صفت	پسوند	فعل
creative	ive	create
payable	able	pay

قید → + ly صفت

easily → easy + ly

recently → recent + ly

اسم	→	پسوند	+	فعل
ورود	arrival	al		arrive
حرکت - خروج	departure	ture		depart
ارتش	army	y		arm
موافقت	agreement	ment		agree
ناراحتی	annoyance	ance(ence)		annoy
آموزگار	teacher	er		teach
مدیر	director	or		direct

اسم	→	پسوند	+	صفت
مهربانی	kindness	ness		kind
فعالیت	activity	ity		active

اسم	+	پسونده	→	صفت	
fool		ish		foolish	نادان
cloud		y		cloudy	ابری
friend		ly		friendly	دوستانه
power		less		powerless	ضعیف
faith		ful		faithful	باوفا

اسم	→	پسوند	+	فعل
		tion		
		ance		
		ence		
مثال		education		فرهنگ
		importance		اهمیت

wife	زن	زنه
or		
+	اسم فاعل	
فاعل		
er		
actor	هنرپیشه	مثال
worker	کارگر	

اسم	+	پسونہ	→	صفت	
rain		y		rainy	بارانی
colour		ful		colourful	پہر رنگ

صفت	+	پسوند	→	قید
easy		ly		easily

صفت	قید
hard	hard
good	well

## un - dis - im - ir

## پیشوندهای منفی ساز

un + happy	غمگین
dis + agree	مخالف
im + possible	غیر ممکن
ir + regular	بی قاعده
ir + regular →	irregular

## تلفظ کلمات و علائم مربوطه

ی	ی	i:	3:	ا
ی	ی	ɪ	ə	ا کوتاه
ا	ئی	e	eɪ = ei	ای
ا	نه	æ	əʊ	او
آ بلند	نا-بلاو	a:	ai = aɪ	آی
آ کوتاه	نا-کورت	ɒ	aʊ	او
نو	نوو	ɔ:	ɔɪ	ای
و	ا	ʊ=ʊ	ɪə	ی
وو	وو	u:	eə	ای
ا وسط	ناوه سه ت	ʌ	ʊə	ا

مثال:

گ = g → got/gɒt/

چ = tʃ → chin/tʃɪn/

ج = dʒ → June/dʒu:n/

و = v

ت = θ → thin (θɪn)

د = ڌ = ʤ → Then (ðen)

ش = ʃ → she (ʃi:)

ژ → ʒ

نگ = ŋ → sing/sɪŋ/

ل = l

ی = j = yes (jes)

# الفبا و خطوط باستانی ایران THE SCRIPTS OF IRAN

	خط پهلوی پارسی OLD PERSIAN CUNEIFORM	پهلوی اشکانی PARTHIAN PAHLAVI	پهلوی ساسانی SASANIAN PAHLAVI	پهلوی کتابی BOOK PAHLAVI	پهلوی AVESTAN	
A	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	𐎠	آ
B	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	𐎡	ب
C						
D	𐎢 𐎣 𐎤	𐎢	𐎢	𐎢	𐎢	د
E						
F	𐎥			𐎥	𐎥	ف
G	𐎦 𐎧	𐎦	𐎦	𐎦	𐎦	گ
H	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	𐎨	ه
I	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	𐎩	ی
J	𐎪 𐎫			𐎪	𐎪	ج
K	𐎬 𐎭	𐎬	𐎬	𐎬	𐎬	ک
L	𐎮	𐎮	𐎮	𐎮	𐎮	ل
M	𐎯 𐎰 𐎱	𐎯	𐎯	𐎯	𐎯	م
N	𐎲 𐎳	𐎲	𐎲	𐎲	𐎲	ن
O						
P	𐎴	𐎴	𐎴	𐎴	𐎴	پ

# الفبا و خطوط باستانی ایران THE SCRIPTS OF IRAN

	خط میخی، پارسی OLD PERSIAN CUNEIFORM	پهلوی ساسانی SASANIAN PAHLAVI	پهلوی کتابی BOOK PAHLAVI	اوستایی AVESTAN	
Q <sup>(71)</sup>					
R	𐎠 𐎡	𐭪	𐭮 𐭯	𐬰	ر
S	𐎢	𐭫	𐭮	𐬱	س
T	𐎣	𐭬	𐭯	𐬲	ت
U <sup>9</sup>	𐎤	𐭭	𐭰	𐬳	او
V, W <sup>(72)</sup>	𐎥 𐎦	𐭮 𐭯	𐭰 𐭱	𐬴 «واک»	و
X <sup>(10)</sup>					
Y	𐎧	𐭯	𐭱	𐬵	ی
Z	𐎨	𐭰	𐭲	𐬶	ز
Ch	𐎩		𐭳	𐬷	چ
Dh <sup>(11)</sup>				𐬸	ذ
Gh			𐭴	𐬹	غ
Kh	𐎪	𐭱	𐭳	𐬺	خ
Sh	𐎫	𐭲	𐭴	𐬻	ش
Th <sup>(12)</sup>	𐎬			𐬼	ث
Zh <sup>(13)</sup>				𐬽	ژ

## فهرست مندرجات فرهنگ لغت آرام

<i>A</i> .....	۱
<i>B</i> .....	۲۶
<i>C</i> .....	۵۰
<i>D</i> .....	۹۶
<i>E</i> .....	۱۲۲
<i>F</i> .....	۱۴۴
<i>G</i> .....	۱۷۰
<i>H</i> .....	۱۹۰
<i>I</i> .....	۲۱۰
<i>J</i> .....	۲۲۹
<i>K</i> .....	۲۳۶
<i>L</i> .....	۲۴۳
<i>M</i> .....	۲۶۵
<i>N</i> .....	۲۹۲
<i>O</i> .....	۳۰۲
<i>P</i> .....	۳۱۴
<i>Q</i> .....	۳۵۵
<i>R</i> .....	۳۶۰
<i>S</i> .....	۳۹۳
<i>T</i> .....	۴۶۸
<i>U</i> .....	۵۰۷
<i>V</i> .....	۵۱۷
<i>W</i> .....	۵۲۵
<i>X</i> .....	۵۴۳
<i>Y</i> .....	۵۴۵
<i>Z</i> .....	۵۴۸





# A a

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>A</b> <i>n</i>	ای	اولین پیتی ته لفا	اولین حرف الفبای انگلیسی
<b>AA</b> <i>adv</i>	آ - آ	ئائا - ئه ی	بلی - آری
<b>aardvark</b> <i>n</i>	آردوارک	به پازی خاکی	خوک خاکی
<b>aba</b> <i>Im, v</i>	آبه	ئابده - ئابه	بده
<b>a</b> <i>art, adj</i>	ای	یه ک - یۆ	یک، ی - هر، هرکدام
<b>an</b> <i>adj, art</i>	ان	یه ک - ی	یک، ی، هر، هرکدام، واحد
<b>abandon</b> <i>v, (abandan)</i>	ابن دین	پیدان - په نه دای، بهردان	واگذاشتن، رها کردن
<b>abbreviation</b> <i>n</i>	ابری ویشن	کورت - ئه و بهر به موخته سه ر	مخفف، مختصر، کوتاه نویسی
<b>ability</b> <i>n (pl. ties)</i>	ابی لیتی	وه کاری - لیا قه ت - چه نه ئامه ی	توانایی، استعداد، حلیقت
<b>able</b> <i>adj</i>	ابل	قابل - به هیز - توانا	قادر، توانا - لایق
<b>ablution</b> <i>n</i>	ایالیش	ده سوودیم - خوشووردن	وضو، غسل، شستشو
<b>aboard</b> <i>n prep, adj</i>	ابورد	دلێ له ناو - چه سه ر - بانی	روی، داخل (کشتی / هواپیما)
<b>abolish</b> <i>v</i>	ایولیش	لابردن - چه دلێ بهرده ی	منسوخ کردن، برانداختن
<b>abolition</b> <i>n</i>	ایولیشن	قه داخه بهر گری - هه لگری	براندازی، لغو، بچیندن
<b>about</b> <i>prep, adv</i>	ابوت	چه مه وه س - له باری	درباره، راجع به، در مورد
		له سه ر	در حدود، تقریباً، حدود
		ده ورویه ر - نزیککی	در اطراف، در حوالی
<b>above</b> <i>adv</i>	ابو	له بانی له سه ر - چه سه رو	بالای، بروی، برفراز، بالاتر

ی	ی کوتاه	ئ	آ	آ کوتاه	ئ	ئ	و
i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put
							too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
در/بەخارج (کشور)خارجە	لە دەره‌وه‌ی وه‌ڵات - جە بەرۆ	ایرود	abroad <i>adv</i>
تند - درشت، ناگهان	سەرەوژێر نا ماوه - تووڤه	ایرآیت	abrupt <i>daj</i>
غایب، مفقود	نا دیار - نه‌ بوون	ایزنت	absent <i>daj</i>
غیاب، غیب‌بیندن	نه‌وی دیار، نه‌هات، نهم	ایزنس	absence <i>n</i>
پرشان خاطر، فراموشکار،	مۆق - بێ هوش - گنج	ایزنت	absent-minded <i>adj</i>
کم حافظه	سه‌ و داسەر	مایندد	ده‌ مه‌یه‌ و شمال پاوه
کامل، خالص، واقعی	پاک - ته‌واو، خالس	آبز لوتو	absolute <i>adj</i>
کاملًا، مطلقًا	به‌ ته‌واوی، به‌یه‌ کجاری	آبز ولووتلی	absolutly <i>adj</i>
جذب کردن، کشیدن	کێشان - لووشتیه‌	آبز ورب	absorb <i>v</i>
جذب‌کننده‌، جاذب	کێشەر - لووشەر	آبز وربنت	absorbent <i>adj</i>
خیلی جالب، دلربا	دل کێش - فره‌ باش	آبز وربینگ	absorbing <i>adj</i>
چرند، پوچ، نامعقول	پوچ - ناماقوول	آبز رد	absurd <i>adj</i>
احمقانه	بێ نه‌ قلاته‌ - به‌ خامی	آبز ردلی	absurdly <i>adv</i>
دشنام دادن - بێرفتار کردن	دژوین دان - خراواته‌ی	آ بیوز	abuse <i>v</i>
دشنام، سوءاستفاده‌ سازا	دژوین - دژمانی - سفله‌ یی	آ بیوز	abuse <i>n</i>
له‌ چه‌ تکیه‌ صد لیسبک	له‌ فزده‌ نگ دا گر تن، مه‌ ده‌	آکسینت	accent <i>n</i>
باتکیه‌ تلفظ کردن - تاکید	به‌ ته‌ کیه‌ که‌ لام قسه‌ کردن	آکسینت	accent <i>v</i>
قبول کردن، توافق کردن	واژنه‌ ورده‌ی - قه‌ بوول کردن	آکسپیت	accept <i>v</i>
پسندیده‌، قابل قبول	په‌ سه‌ن کرا - په‌ سه‌ن کریا	آکسپیتبل	acceptable <i>adj</i>
دسترسی، تقرب، ورود	جی ده‌س - نزیکی - ده‌س په‌ نا	آکسپیز	access <i>n</i>
تصادف، سانحه‌، حادثه	هوژ ته‌ ق - به‌ رها ت	آکسی دنت	accident <i>n</i>
از گله‌ باوه‌ جانی	قو میای - چیو وه‌ رنامه‌ی	سایا لاغ	

آکوتا

Λ

cup

اکوتا

3:

bird

ای

ei

day

آ

eu

go

آی

ar

five

آو

au

now

آی

oi

boy

ای

io

near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی					
English	Pronunciation	Kurdish	Persian					
accident <i>n</i>	اکسی دنت	هۆر ته ق به رهات	تصادف، سانحه، حادثه					
		قۆمیاى - چۆوه ره ئامه ی	شارى شمشیر له پاوه					
accidental <i>daj</i>	اکسی دنتل	به جوۆرى پيش مات هۆر كه وت	اتفاقی، غیر منتظره شانسى					
accidentally <i>daj</i>	اکسی دنتلی	بهمه لکه وت به هۆر كه وت	به طور اتفاقی، تصادفاً					
accommodate <i>n</i>	إكامپیت	مال دان - یا گه دای به یۆی	منزل دادن - جوور کردن					
		وارده ی - حیساب کردن	آریان					
accommodation <i>n</i>	إكامپیشن	یا گئی - مالمو جی - یۆوه رى	جا، منزل، سازگارى					
accompany <i>v</i>	إکام پنی	چه نى یۆی بیه ی	همراه بودن، müşāyet					
		له گه ل که سیکا چوون	کردن					
accomplish <i>v</i>	إکام پلش	ته و او کردن - ته مام کردن	به انجام رساندن - کامل کردن					
according to <i>prep</i>	إکردینگ توو	به قه و لۆویه نابه به نه زه رى	برطبق - به عقیده					
account <i>n</i>	إکاوت	حه ساو - راپورت	گزارش - صورت حساب					
		سوورته - حیساب	حساب بانكى، اعتبار					
accountant <i>n</i>	إکاوتننت	حه ساو که ره - حیسابگر	حسابدار					
account <i>n</i>	إکاوت	ده فته ره ساو - ده فته ره حیساب	دفتر حساب دخل و خرچ					
account <i>v, n</i>	إکاوت	باس کردن به یان که رده ی	صورتحساب - توضیح دادن					
accurate <i>adj</i>	أكیریت	دروست - ریک درۆس	صحيح، دقیق، کامل					
accurately <i>adv</i>	أكیریتلی	به درۆستی به ریکى و پیکى	دقیقا، به طور دقیق					
accuse <i>v</i>	أكیزو	بوختان که رده ی په ی	متهم ساختن					
		بوخت کردن بۆ به مل نیا ن	مقصود دانستن					
ده ربه ندیخان								
uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اورامان	بوخت بوختانی، ته شه ر	آکیوزین	accusation <i>n</i>
اتهام، تهمت، سوزنش	فیر که رده ی - عاده ت دان	آکاس یم	accustom <i>v</i>
عادت کردن / دادن	ئیش که رده ی (کردن)	ایک	ache <sup>1</sup> <i>v</i>
درد کردن / گرفتن	ده رد - ئیش - زریکه	ایک	ache <sup>2</sup> <i>n</i>
درد، آلمرنج، سوز	خوش کردن - وهش که رده ی	اچیو	achieve <i>v</i>
انجام دادن - موفق شدن	ته ره قی - کاری که وه	اچیوینت	achievement <i>n</i>
کارستوگ و بزورگ، کامیابی	ترش - چییو ترش - ترش نام	آسید	acid <i>n</i>
اسید، سوزنده ترش	ئیقرار که رده ی - شناسین	آکنالیج	acknowledge <i>vt</i>
شناختن - اعتراف کردن	په ی به رده ی		
قنردانی کردن	په ی شیقرار - نه ژناسای	آکنالیج مینت	acknowledgement <i>n</i>
شناسائی، اعلام، اذعان	نه ژناسای له زووناسی ژناس	آکاوین یتس	acquaintance <i>n</i>
آشنایی - سابقه	پیدا که رده ی بیه دهس هینان	آکواپر	acquire <i>n</i>
به دست آوردن، خریدن	واحدی پیوانه ی فره نگه ی	ایکر	acre <i>n</i>
آکر - جویب فرنگی	جه پانای (مه د) له ولا	آکراس	across <i>adv, prep</i>
فر آن طوف، از عرض، عرض	له روه ی - نه وه ر		
به طور ضربدر	کار کردن، عه مه ل که رده ی	آکت	act <i>v</i>
عمل کردن، رفتار کردن	ئاسانیی که رده ی		
کرماشان	عه مه ل - کار	آکشن	action <i>n</i>
عمل، کار - اقدام	کرده وه - ئاسانیی		
سه رشیو مریوان	قانون - قه واله	آکت	act <i>n</i>
قانون - پرده (در نمایش)	په رده ی - سینه ما		
حکم دادگاه			

ف      و      ت      د      س      ز      ش      ژ  
 f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
 fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مۆتر، دایر، کاری	گورج و گۆل - نه ویس	اکیو	active <i>adj</i>
جذی	بی قه رار - ده ردوه		
به طور مؤثر، فعالانه	به جوړی ده ردخورعه مه لکه ر	اکیولی	actively <i>adv</i>
سرگرمی، فعالیت، اقدام	جم و جوول - تی کوشی	اکیوی تی	activity <i>n</i>
فعال، کاری، ساعی	تی کوش - چه نه نامه - کوشه ر	اکیو	active <sup>2</sup> <i>adj</i>
هنرپیشه (مرد)، بازیگر مرد	هونه رپیشه ی پیاو	اکیر	actor <i>n</i>
که مالا	پیا ی هونه رکار		
هنرپیشه (زن)	هونه رپیشه ی ژن	اکیرس	actress <i>n, fem</i>
ساحب سقر	ژه نی هونه رکاره		
حقیقی، واقعی، کنونی	هه ره قه تی هه قیقی	اک چوال	actual <i>adj</i>
عملاً، واقعاً	له هه قیقه ت - جه عه مه له نه	اک چواللی	actually <i>adv</i>
بعد از میلاد (مسیح)	دما و میلادی دوا ی میلادی	یه دی	A.D. ( <i>Anno domini</i> )
شاهو (شاه کوه) درپاوه	مه سیح		
وفق دادن، متناسب ساختن	یوسه ی - به ک خستن	اډیت	adapt <i>v</i>
انعطاف پذیر، سازگار	مناسب - نه رمش داری	اډیت لیل	adaptable <i>adj</i>
افزودن، اضافه کردن	ئاده ی سه ره کرده ی غره کردن	آد	add <i>v</i>
اضافه بر مطلب گفتن	جه م کردن		
افزایش - پیوست، اضافی	ئزافه زیاده ره زور - جه م	اډیشن	addition <i>n</i>
(مار) الفی - جعفری	جوړیو ه ماری نه فی نامریکایی	آدر	adder <i>n</i>
آدرس، نشانی	نام و نشانی - ئاد ره س	اډرس	address <sup>1</sup> <i>n</i>
آدرس نوشتن / دادن	ئاد ره س نووسین - ئاد ره س دای	اډرس	address <sup>2</sup> <i>v</i>

ه	م	ن	نگ	ل	ر	ی	و
h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایوان ایلام	به سوه سۆ - په نه که و ته ی	آدی کویت	adequate <i>adj</i>
کافی، مناسب، بسنده	سقه ت سیقه ت - ناولا وین	یجکتیو	adjective <i>n</i>
میزان کردن، درست کردن	رێک که ده ی - دروست کردن	یدجاست	adjust <i>v</i>
اداره کردن، اجرا کردن	پوره یا وای - پیاگه یین	آدمی نی ستر	administer <i>v</i>
ده ربه ندیخان	ئه داره که رده ی		
اداره، حکومت، اعمال	ئه داره - عه داره ده لۆه ت	آدمی نی سترشن	administration <i>v</i>
ستایش کردن، پسندیدن	ستایش کردن - په سه ن کردن	أعماير	admire <i>v</i>
دریاسالار	ده لیاوان	آدمیرال	admiral <i>n</i>
تحسین، شگفت، تمجید	ته حسین - په سه ن - ستایش	آدمیریشین	admiration <i>n</i>
تصدیق کردن، بستری	ری دان - قه بوول	یدمیت	admit <i>v</i>
کردن	که رده ی - ئیجازه دای		
القرار (اجازه) ورود	ایجازه په ی دلێ	آدمی شین	admission <i>n</i>
جواز ورود	قه بوول پریدن		
پالنگان			
نوجوان، بی تجربه	بالتی - عازه و - تازه جوان	آدلیست	adolescent <i>n</i>
اقتباس کردن، پذیرفتن	قه بوول کردن - گرتی جه	یدایت	adopt <i>v</i>
پرسیدن، دوست داشتن	چتیی ستایش کردن - وه ش	لذر	adore <i>v</i>
سه و لا و ای مریوان	گه ره ک بیه ی - په رسای		
ماهر - زرنگ	وریا - مدریک	یدرویت	adroit <i>adj</i>

شبیروان چرد اول ایلام

وو	ئو	آکرتا،	آ	آ	ی کوته	بی
u:	o:	ɒ	a:	æ	ɪ	i:
too	saw	got	arm	hat	sit	see

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شخص بالغ، بزرگسال	بالتق - گه‌وره سالت - پیر	أدالت	adult <i>n</i>
پیشرفت کردن، جلوتر رفتن	وه‌رولتوای به‌روچوون	أدوانس	advance <i>v</i>
کاکه‌یی کرکوک	به‌ره‌پیدان		
پیشرفته، مترقی، عالی	به‌روچووک - وه‌رولتو	أدوانسد	advanced <i>adj</i>
دَکَره شاری ایلام	ته‌ره‌قی که‌رده		
مزیت، سود، تفوق	نه‌فحه‌سه‌رف - خه‌یر	أدوان تیج	advantage <i>n</i>
ماجرا، حادثه، سرگذشت	ماجه‌را - سه‌رهات	أدون چر	adventure <i>n</i>
مه‌نسور آغه	سه‌ره‌نامه‌یی		
ماجراجویانه، بَرم‌ماجرا	ماجه‌رادار سه‌ره‌هات‌هر	أدون چرس	adventurous <i>adj</i>
سلیمانی	سه‌ره‌نامه‌سین سه‌خت		
قید	هوکر - فه‌رمان لاوین	أدورب	adverb <i>v</i>
	یاری فیعل - قه‌ید		
آگهی‌دادن، تبلیغ کردن	چارچاردان - چاروخه‌وردای	أدورتایز	advertise <i>v</i>
	راگه‌یاندن		
اعلان، آگهی، تبلیغ	چار - خه‌به‌ر - ناگاداری	أدورتایزمینت	advertisement <i>n</i>
توصیه کردن، اندرز دادن	په‌نه‌سپاردی - ناگاداری دان	أدوایز	advise <i>n</i>
نصیحت، انمُرز	نه‌سیحه‌ت	أدوایس	advice <i>n</i>
اَتن (فرستنده گیرنده)، هوایی	ثانتن مه‌وجگیری هه‌وا	أل	aerial <i>n</i>
هواپیما	فروکه - ته‌یاره‌بالتوین	ألپلین (لرپلین)	aeroplane <i>n</i>
کار، شغل - امر، موضوع	پیشه‌پروداوه‌سه‌لی	أفر	affair <i>n</i>
حادثه، رویداد			



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اثر گذاشتن بر - تظاهر کردن	ئه سه رکردن - ئه سه رنیای	اِفکَت	affect <i>v</i>
مهربان، پرمحبت	وه ش روو - شیرین زۆان	اِفک ش نیت	affectionate <i>adv</i>
ایل مامش	میهره بان		
به مهریانی	به میهره بانی بیه محی به ت	اِفک ش ن تلی	affectionately <i>adv</i>
توان داشتن، فراهم کردن	توانین - لئی هاتین	اِفورد	afford <i>v</i>
قشلاق پاوه	چه نه ئامه ی - تاوای		
ترسیده، ترسان	ته رسا - ترسا - ته رس دریا	اِفرید	afraid <i>adj</i>
بعد از - در عقب، پشت سر	له دوائ - جه ده ماو - جه پهشت	اِفتر	after <i>prep, adv</i>
بعد از ظهر	ده مانیمه رو - دوانیوه رو	اِفتر نون	afternoon <i>n</i>
سپس، بعدی	له دوائی - دماوه	اِفتر زوردز	afterwards <i>adv</i>
هه ورامان (اورامانات)	له دواو		
دوباره، بارها، باز	دووباره - دیسان - ههم	اِگین	again <i>adv</i>
در مقابل، مخالف - نزدیک به،	له به راته ری - زدی	اِگین ست	against <i>prep</i>
به - بر ضد، علیه	دژبه - جه وه رانوه		
سن، عمر - دوره، عصر	سنه - عه مر - عومر	اِیج	age <i>n</i>
سن قانونی	ده وره - زه مانه - ته مه ن		
ساله، در سن، پیر، مسن	پیران - جه سنه - ساله	اِی جد	aged <i>adj</i>
دزلی هه ورامان	سالان - که وه نسال		
کارگزار، نماینده، واسطه	واسیته - کارزان	اِی خنت	agent <i>n</i>
دلال	کارچی - خه رده رال	سقز	

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>ago</b> <i>adv, adj</i>	اگو	وه لێ ئێ نه ی-میژ	پیش، قبل
		به رله مه - پیش له مه	ایل مامش
<b>agony</b> <i>n</i>	اگینی	ده دره نهج-قوشمی-خه فه ت	هردرنج، عذاب، زجر
<b>agree</b> <i>v</i>	اگری	رازی بیه ی-قه بو ل کردن	موافق بودن، قبول کردن
<b>agreement</b> <i>n</i>	اگری مینت	رازی بیه ی-قه بو ل	توافق، سازش، همدلی
<b>agriculture</b> <i>n</i>	اگری کالچر	کشتوکال-کیله ری-غه لای	کشاورزی، فلاحت
<b>agricultural</b> <i>adj</i>	اگری کال چۆل	کشتوکالی - فه لای	کشاورزی
<b>ahead</b> <i>adv</i>	ایهد	پیش - بدر - وه	پیش، جلو، به پیش
<b>aid</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	اید	کۆمه ک - یاری	کمک، یاری، همیاری
<b>aid</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	اید	یاری دای-کۆمه ک کردن	کمک کردن، یاری رساندن
<b>aim</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	ایم	ئاره زوو که رده ئی (کردن)-قه ره	نشانه رفتن - آرزو داشتن
		و ل گرتنه ی-گه ره ک بیه ی	جنبان سقز
<b>aim</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	ایم	گه ره ک-ئاره زوو-قه ره و ل	هدفگیری، آرزو، منظور
<b>air</b> <sup>1</sup> <i>n, adj</i>	ار	هه وا- به زم وئا هه نگ	هوا، نمایش، سیما
		شیوه - به ژن	آهنگ
<b>aircraft</b> <i>n</i>	ایرکرافت	ته یاره بیا لۆین خرو وکه	هواپیما، طیاره
<b>airfield</b> <i>n</i>	ایرفیلد	ئوه داگا-خوارگاوارگا	فرودگاه کوچک
<b>airforce</b> <i>n</i>	ایرفورس	هیزی هه وایی-قه (زوری) هه وایی	نیروی هوایی
<b>airline</b> <i>n</i>	ایرلاین	خه ته ی هه وایی به-خه تی	خط هوایی
		هه وایی بو فزو که	شرکت هواپیمایی
<b>airmail</b> <i>n</i>	ایرمیل	پۆستی هه وایی-پۆسی هه وایی	پست هوایی، نامه پست هوایی

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شوشمی غرب پاوه	وارگا - خوارگا	ایرپورت	airport <sup>n</sup>
فروگاه			air <sup>2 v</sup>
باد/هوادان، اعلام کردن	لههوادان به هوادای یا پیدان	لر	alarm <sup>1 n</sup>
اوپر خطر علامت خطر	زه نگور خه تهری زه نگی خه تهر	إلارم	alarm <sup>2 v</sup>
از خطر آگاهانیدن	جه خه تهری لادای له خه تهر	إلارم	
دلواپس کردن	لادان - وریا کردن		album <sup>n</sup>
البوم (تمبر، عکس،...)	ئالبوم - جیی عه کس	آلبم	
گهنجی قروه	یاگه عه کس		alcohol <sup>n</sup>
الکل، مشروب الکلی	ئه لکول، هه لکول	آل کپ هال (هول)	alcoholic <sup>adj</sup>
الکلی	ئه لکولی - هه لکولی	آل کپ هالیک	alert <sup>1 adj</sup>
هوشیار، بیدار - اوپر	وریاهوشیار زیره ک	إلرت	alert <sup>2 n</sup>
اعلام آماده باش، اعلام خطر	جاره خه تهر را پورتی خه تهر	إلرت	algebra <sup>n</sup>
علم جبر	علموجه بری - علمی جه بر	آل جیبر	alight <sup>1 adj</sup>
به زمین نشستن، فرود آمدن	خوار هاتن - وار نامه ی	إلایت	
موجش در سنج	زه مین نشته ی		alight <sup>2 n</sup>
شعله ور، سوزان، نورانی	بلی سه دار - گردار شوله ی	إلایت	
ایل هرکی	نور		alike <sup>adj, adv</sup>
ههاتند، شبیه، یکسان	یه ک جور - پسه یوی	إلایک	
ایل آلان سردشت	وه ک یه ک		alive <sup>adj</sup>
زنده، سر حال، فعال	زینده زینگ زیندوو	إلایو	all <sup>adj, adv</sup>
همه - همگی - به کلی	گردگشت - همه موو	آل (تول)	
دزاوه خرم - باوه	یه کجار - یه ته وای		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
boil <sup>2</sup> <i>n</i>	بویل	د مه‌ل لیرو جۆش و هیری	کوک، دهل-جوش
bold <i>adj</i>	بولد	بی‌باک ده لیږنه ته رس	جسور، شجاع، دلیر، بی‌هروا
boldly <i>adv</i>	بولدلی	نه ته رسی ده لیږی بی‌باکانه	جسورانه، شجاعانه
bolt <sup>1</sup> <i>n</i>	بولت	جهر-پیچ که شای ده-پشکۆڤ	کشوی درجفت در پیچ، صاعقه
bolt <sup>2</sup> <i>v</i>	بولت	سله میای غره دان-پیچ بهستن	قلاب کردن - دم کردن
bomb <sup>1</sup> <i>n</i> (bombard)	بام	به مه-چیوه‌ی که بته قو به م	بمب - بمباران کردن
bomber <i>n</i>	بایمر	فرۆکه‌ی به م هاو یژ به م ئه ره وز	هواپیما، بمب افکن
bone-setter <i>n</i>	بون-سِتر	شکسه به ن	شکسته‌بند
bond <i>n</i>	باند	به نچاق-قه‌واله-قه‌رارسه نه د	پیمان-بند (قرضه) تعهدنامه
bone <i>n</i>	بۆن	پیشه - ئسخان - ئسقان	استخوان
bonfire <i>n</i>	بان فایر	ئه یری گه‌وره ئاوری گه‌وره	برپایی آتش عظیم
bonnet <i>n</i>	بانیت	کلاوی به ن داریکا پوتی ماشین	کلاه بند دار - کاپوت ماشین
book <sup>1</sup> <i>n</i>	بۆک	کتیب - کتیبو ده فتر	کتاب، دفتر، برز و کردن
bookcase <i>n</i>	بۆک کیز	قه‌فه‌سه‌ی کتیبو - یا گه کتیبو	قفسه کتاب، جاکتابی
book <sup>2</sup> <i>n</i>	بۆک	یا گه گرتی - جی گرتن له میژ	رزرو کردن
boom <i>n</i>	بوم	گر مه - خوڤه - ته قه، هاره	غرش (توپ، توپخانه، ...)
boot <i>n</i>	بووت	چه کمی - چه کمه سه‌نوقی	پوتین - صندوق عقب ماشین
		دوای ماشین	ایل پیران
border <i>n</i>	بوردر	سنوورسه‌رحه ده قه‌راخ	کناره، لبه - مرز، سرحد
		په‌راویژ، لچ‌ولپو	
bore <sup>1</sup> <i>v</i>	بور	شه‌که‌ت کردن د یق پنه نه‌که‌رده‌ی	حوصله کسی را سر بردن
boneman	بون‌من	کۆنه فروش	سمسار، کهنه‌فروش

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
boredom <i>n</i>		ماندووی شه که تی هیلای، بیزاری بوردام	خستگی، بیزاری، دلزدگی
boring <i>adj</i>		شه که ت - ماندوو	خسته، کسل، ملالت‌آور
bore <sup>2</sup> <i>n</i>		راوار-ژاژۆل-مزاحم-لاژاو	مزاحم، پرچانه
bore <sup>3</sup> <i>v</i>		کونا کردن-ۆل که رده ی	سوراخ کردن، خسته کردن
		پۆر که رده ی	
born <i>adj</i>		زای، له دایک بوون زایین	متولد شدن، بدنیا آمدن
borrow <i>v</i>		ته‌زگرته ی - ته‌مانه‌ت هاوردن	قرض کردن، وام گرفتن
boss <i>n</i>		سه‌روک ره یس سه‌رپرس	مدیر، رئیس، سرپرست
bossy <i>adj</i>		ره یس خوا سه‌روک ره‌وا	ریاست طلب، پُرمُدا
botany <i>n</i>		گیواوه ژناسای - گیای ژناسی	گیاه‌شناسی
botanical <i>adj</i>		گیواوی - گیاهی	گیاهی
botanist <i>n</i>		گیواوشناس - گیای ژناس	گیاه‌شناس
both <i>pron-conj</i>		هه‌ردوی هه‌ردوک - ته‌م و ته‌و	هر دو - هم این هم آن
bother <sup>1</sup> <i>v</i>		ده‌ردیسه‌ردای مزاحم یون	در دسودادن، مزاحم شدن
bother <sup>2</sup> <i>n</i>		ده‌ردیسه‌ر - مزاحم	در دسره، مزاحمت، مزاحمت
bottle <sup>1</sup> <i>n</i>		شووشه شیشی - قاپ	بطری، شیشه
bottle <sup>2</sup> <i>v</i>		له‌تاوشوشه‌ر ژاندن	در بطری / شیشه ریختن
		دلی بتری ی که رده ی	
bottom <i>n</i>		بنه - ژیر - خواروار	پایین - ته، سیرین، زیرین
		بیخ - سمتی	
boulder <i>n</i>		ماکه‌مه‌ر - تاویر به‌ردی‌گه‌وره	سنگ بزرگ

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جستن - بالا انداختن	هۆرپرای ده رپه رین	ب نونس	bounce <sup>v</sup>
	هووشه که ده ی، هارو هاجی کردن		
عازم بختم، یقین، ههز	حه تم بئی شک لوه رروین	ب ئوند	bound <sup>1 adj</sup>
جست و خیز کردن	جهم و جوول که ده ی - په رین	ب ئوند	bound <sup>2 v</sup>
پرش - جهش	بازی باز - په رینه وه - قوین	ب ئوند	bound <sup>3 n</sup>
خط، سرحد، ههز	سه رحه ده مرز سنوور	ب ئونددری	boundary <sup>n</sup>
تعظیم کردن، خم شدن	چه میای سه ردانو اندن به سه ر	بو (ئو) بو	bow <sup>1 v</sup>
	سلا و کردن بوی چه منای		
تعظیم، بگزنش	سلام به سه ره - ته عزیم - چه مان	بُو	bow <sup>2 n</sup>
کمان - ارشه - گره	که مان - که وان - لکه	بُو	bow <sup>3 n</sup>
ظرف توگردکاسه، ورزشگاه	بادیه - پیاله - کاسه	بول - بئول	bowl <sup>n</sup>
جعبه، جعبه میوه، بوکس	چنگله سه وه ته سندن دوق	باکس	box <sup>1 n</sup>
بوکس بازی ردن	بوکس بازی - مشتته کولانی	باکس	box <sup>2 v</sup>
بوکس، مشت، سیلی	مشت سیخورمه - مشتته	باکسینگ	boxing <sup>n</sup>
پسر	کورزه ورو - کورپه	بوی	boy <sup>n</sup>
انگو، دستبند	خرخال باز نه	بهرس لیت	bracelet <sup>n</sup>
بندشلوار، بست، زوج	ئه نجه نه بیه خوین	برس	brace <sup>n</sup>
طاقچه دیواری، ستون	ره فه - تا قچه، کوله که	برکیت	bracket <sup>1 n</sup>
پوانتیز، دوا برو، بست	دوکه وان دوئه برو - په رانتز	برکیت	bracket <sup>2 n</sup>
خودستایی کردن، نازیدن	وی هور کیشای به خونازین	برج	brag <sup>v</sup>
مغز، مخ و مخچه هوش	مه ژک مه غزموخ - کړوک	برین	brain <sup>n</sup>
ترمز (قطار، دوچرخه، ...)	ترمز راوه ست (بویس)	بریک	brake <sup>1 n</sup>

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
brake <sup>2</sup> <sub>v</sub>	بریک	ویسان - مندرای	تومز کردن
branch <sup>1</sup> <sub>n</sub>	برانچ	له قشانه، بهش - خیل	شاخه، شعبه، شاخه درخت
branch <sup>2</sup> <sub>v</sub>	برانچ	جیا که ردهی - جگی کردن	منشعب کردن / شدن
brand <sup>1</sup> <sub>n</sub>	برند	نیشانی - نیشان - تیزگه چلو سکه	مارک، علامت، بدنامی
brand - new <sup>adj</sup>	برند	تازه و نو، تازه - تازه	دست‌اول، تازه‌تازه
brand <sup>2</sup> <sub>v</sub>	برند	دیاری که ردهی - داخ دان	داغ زدن (بر حیوان)
brass <sup>1</sup> <sub>n</sub>	براس	برینجه - (نالیازی روی + مس)	برنج (الیازی از مس و روی)
brass <sup>2</sup> <sup>adj</sup>	براس	برینجه - فلزیکه، روداری	برنج، ساز بادی، توهین
brave <sup>adj</sup>	بریو	بی‌باک - جه رگدار	دلیر، شجاع
bravely <sup>adv</sup>	بریولی	به ده لیبری به بی‌باکی	دلیرانه، شجاعانه
bread <sub>n</sub>	برد	نان - نانه - پیخور، رسق	نان - روزی خدا
breadth <sub>n</sub>	برت	پانی - پو - ده د، برین	پهنا، عرض - وسعت
break <sup>1</sup> <sub>v</sub>	بریک	شکاندن - ماردهی	شکستن - از هم پاشیدن
break <sup>2</sup> <sub>n</sub>	بریک	ئه وه سیای - میڕ یا - شکان	شکست، استراحت کوتاه، بام
breakfast <sub>n</sub>	بریک فست	سوخانه - سبخانه	ناشتا، صبحانه
breast <sub>n</sub>	برست	سینه - چیچه به ره ک پاوه ش	پستان، سینماغوش
breathless <sup>adj</sup>	برت لِس	هه سکه هه سک - هه ناسه سواری	نفس، دم، از نفس افتاده
breathe <sub>v</sub>	بریت	نه فه س کیشان - نه فه س	تنفس کردن - دم زدن
		کیشای (دان)	
breed <sup>1</sup> <sub>v</sub>	برید	به خوو کردن - زار و داریه ی	زاد و ولد کردن - پروراندن
breed <sup>2</sup> <sub>n</sub>	برید	ره گه - نژاد - نه ته وه - تخم	نژاد، نسل، نوع

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نسیم	سروه - شنه - نه سیم بای سه با	بریز	breeze <i>n</i>
نوشیدنی تهیه کردن	ئابجو گرتی - نوشانه	بروو	brew <i>v</i> (brewer)
(ابجو - چای)	درست کردن - خیال په زین، ئابجوساز		
کارخانه آبجوسازی	کارخانه و ئابجو و شه کهرده ی	برووری	brewery <i>n</i>
	ئابجو سازی		
رشوه دادن	به رتیل دای - رشوه دان	برایب	bribe <sup>1</sup> <i>v</i>
رشوه	به رتیل - رشوه	برایب	bribe <sup>2</sup> <i>n</i>
رشوه گیری، رشوه خواری	به رتیل گیری	براییری	bribery <i>n</i>
آجر - هر چیز اجری شکل	ئاجور - خشته - خشت	بریك	brick <i>n</i>
عروس	بووک - وه وی - وه یوه	برآید	bride <i>n</i>
ناهمزدی، عروسی، عروسانه	ده زگیران - زه ماره ند، بوکانه	بریدل	bridal <i>adj</i>
ساقدوش عروس، ندیمه	پاوه یوه - ژنی نار داوله	براید اسمچید	bridesmaid
	گهل بووک		
داماد	زاوا - زه ما	برآید گروم	bridegroom <i>n</i>
پل، متصل کردن	پرد - پیل - پرده	بریج	bridge <i>n</i>
افسار، مهار، لگام	هه و سار - وه رگیر - له غاو	برآیدل	bridle <i>n</i>
کوتاه، مختصر، خلاصه پرورده	کورت - کوّتا	بریف	brief <i>adj</i>
به اختصار، مختصراً	به کورتی - به کوّتا	برییف لی	briefly <i>adv</i>
کیف، مدرسه، کیف دستی	کیفی مه دره سه وده ستی	بریف کیز	briefcase <i>n</i>
تابان، درخشان	شاد - روشن - بیر یقه دار	برآیت	bright <i>adj</i>
درخشان، جواهرات، الماس تراش	ژیر - تابان - جه هوش - جبر لیان	بری لینت	brilliant <i>adj</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کناره، لبه، حاشیه	قه‌راخ‌ده‌ور - په‌راویژ	پریم	brim <i>n</i>
اوردن (چیزی / کسی)	هاوردن - نه‌ورده‌ی	برینگ	bring <i>v</i>
پرویدن، تربیت کردن	په‌ورده‌کردن - وه‌ی‌که‌رده‌ی	برینگ آب	bring up <i>v</i>
تیز، تند، تیز، هوای مفرح	گورج - وه‌کار - تیژ	بریسک	brisk <i>adj</i>
شکننده، ثود	ترت‌سو‌ی‌مارش‌کین - ناسک	بریتل	brittle <i>adj</i>
پهن، عریض - وسیع	پان‌وازیح - مه‌دار - جیلاو	برود	broad <i>adj</i>
پخش کردن از (رادیو /	بلا‌کردنی - خه‌به‌رله‌رادیو	برودکاست	broadcast <sup>1</sup> <i>v</i>
تلویزیون)	و تلفزیون		
گوینده رادیو / تلویزیون	ویژ‌ه‌ری‌رادیو و تلفزیون	برودکاستر	broadcaster <i>n</i>
پخش، سخن‌پراکنی	بلا‌و - ولای قسان	برودکاست	broadcast <sup>2</sup> <i>n, adj</i>
شکسته - خراب	میریا - شکاو - خراو	بروین	broken <i>adj</i>
برونز، مفرغ	مه‌فره‌ق - فالیاژ‌ی‌مس - وه‌لای	برونز	bronze <i>n</i>
سنجاق سینه	سنجاق یا گولی سه‌ر سینه	برنوج	brooch <i>n</i>
جوجه‌گان همزاد	جوو‌جه‌لی - جوو‌جه‌له‌کان	برئود	brood <sup>1</sup> <i>n</i>
در فکر و اندوه فرو رفتن	مات‌بیه‌ی - خه‌مبار‌بون‌بیه - نت‌بون‌برئود		brood <sup>2</sup> <i>v</i>
جویبار، نهر - تاب‌آوردن	جوو - جوو‌گه - چه‌م	برئوک	brook <i>n</i>
جاروب دسته بلند	گری - گزک - خره‌باله	برئوم	broom <i>n</i>
برادر - دوست‌صمیمی	برا - براله	برادر	brother <i>n</i>
برادر زن - برادر شوهر، شوهر	برای‌زن‌بیرای‌شو و شو‌شو‌ی	برادر این‌لو	brother-in-law <i>n</i>
خواهر	خوشک - شو‌والی		
ابرو	ئه‌برو - برو	برآو	brow <i>n</i>
قه‌ه‌وای (رنگ) - بیداد	قاوه‌یی‌ره‌نگ، برژان	برآون	brown <i>adj, n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
bruise <sup>1</sup> n	بروز	کویا-کویاگ-کو تراو	کوفتگی، کبودشدگی
brush <sup>1</sup> n	براش	بروس دیان شور-قه له م مو	برس، قلم مو، مسواک
brush <sup>2</sup> v	براش	مسواک دای-بروس کیشان	برس کشیدن، برس زدن
brute n	بروت	حه یوان سفت-حه یوان، جاش	هیوان، حیوان صفت، آدم وحشی
brutal adj	بروتل	بی-ره حم-وه حشی-در	وحشی، بیرحم، نفهم
brutally adv	بروتلی	وه حشیانه، جاش بام	وحشیانه
bubble <sup>1</sup> n	بابل	قول-بیلق بیا کرد	حباب (هوا/گاز)
bubble <sup>2</sup> n	بابل	قول کرده ی بیلق کردن	حباب درست کردن، کف کردن
buck n	باک	جوته خستن-له ق شه نه ی	گوزن نوبختک، انداختن
ناسکی نیر			
bucket or pail n	باکیت	سه تله-ئاو هو رکیش-سه تل	سطل، دلو
buckle n	باکل	به راز وانه-قولا وه یش	سگسگیره، قلاب کمر بند
bud n	باد	خونچه-گو-خه وار	شکوفه، جوانه، غنچه
گو پیتکه-غونچه و گولان و پاوه ی			
budge v	باج	ته کان دای-ته کان دان (جوین)	تکان / حرکت دادن
راوه شانندن، جمنای			
budget n	باجیت	بوو جه-تواز-کوما پول بوکاری	بودجه، اعتبار
bug n	باگ	ساسی ساسی داره مژه	ساس-عیب
bugle n	باگل	شه پیور پیوره-مزه نگیانه	شیپور، بوق، منجوق، سونا
build v (builder)	بیلد	سازین-هوه ش کرده ی	ساختن، بنا کردن
building n	بیلدینگ	سازه-یانه-خانگ-خانو	ساختمان، بنا

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پیاز - هرچیز پیازی شکل	پیازه سه ر-گلوپ-پیواز	بالب	bulb <i>n</i>
بادکردن، قلنبه شدن	باکردن- له م ئامه ی	بالج	bulge <sup>1</sup> <i>v</i>
برآمدگی، شکم	سک له مه قو قزی، له م ئامه	بالج	bulge <sup>2</sup> <i>n</i>
جنس نر حیوانات، گاو نر	گاوی نیر-نیڤه گا، گاوهیت	بول	bull <i>n</i>
گوساله نر، گاواخته	گوره که ی نیر-گوڤره که نیر	بولک	bullock <i>n</i> (که له گا)
بولدوز-خاک بردار	بولد یزر، خاک هه لگر	بولدوز	bulldozer <i>n</i>
گلوله (تفنگ)	گرو لیه گولله- تیره هنی شه ک	بولیت	bullet <i>n</i>
شخص ضعیف کش / زورگو	زورواچ- ئازارده ر	بولی	bully <sup>1</sup> <i>n</i>
زورگویی کردن	هورملی که رده ی	بولی	bully <sup>2</sup> <i>v</i>
مربوان	هه ره شه کردن		
خوردن، اصابت کردن	ته قیای لیدان، داوه نه ی	بامپ	bump <sup>1</sup> <i>v</i>
صدای وزز- - آماس، ورم	ماسا بیا کزدگ ده سه ناز	بامپ	bump <sup>2</sup> <i>n</i>
سپر (اتومبیل) بضریه گیر	قه لځانی ماشین وه رپل	بامپر	bumper <i>n</i>
کلوچه - نان گرده	جو ره ی کلووچی، شه که له مڼ	بان	bun <i>n</i>
خوشه، دسته، انباشتن	بنجه ده سه ده سه	بانچ	bunch <i>n</i>
بسته بپچه، دسته کردن	پیارزه- توشه به ره- کوک	باندل	bundle <i>n</i>
خانه ویلایی، خانه کوچک	یانه وه سه یرانی مالی که ناری بان گل نو		bungalow <i>n</i>
	ده لیا که باغی بیت		
تخت خواب باریک سفری	جی خه وی ته سک بوسه فه ر	بانک	bunk <i>n</i>
راهنمای شناور در یلبویه	را به ری ئاو گهر (که شتی)	بوی	buoy <i>n</i>
ساین قه لا	له ده لیا حله وانی ده لیا، شادمان		

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
burden <i>n</i>	پردن	باری قورس باری خەم	بار سنگین، سربار شدن
burglar <i>n</i>	پرگلر	دز - جە رە - چە تە	دزد - ساق
burglary <i>n</i>	پرگلیری	دزی - چە تە یی	دزدی - مورو و غیر مجاز
burn <sup>1</sup> <i>v</i>	پرن	سوچنای - سووتن، سوتاندن	سوختن - سوژاندن - ساختن
burn <sup>2</sup> <i>n</i>	پری	سووته - سوته ی	سوختگی
burrow <i>n</i>	بارئو	نکم - کیسه ره - ده خمه سه رداو	دخمه، نقب
burst <sup>1</sup> <i>v</i>	پرست	تره کاندن - ته قای	ترکانیدن، منفجر شدن
burst <sup>2</sup> <i>n</i>	پرست	پوچه - تره کینه وه - تره که ی	انفجار، ترکیدگی
bury <i>v</i>	پری	چال کردن سزاوانای بوری	(مردمرا) دفن کردن، پنهان
burial <i>n</i>	پربال	ری و ره سمی مرد و ناشتن	مراسم بکن و دفن، تدفین
bus <i>n</i>	باس	ئوبوس	اتوبوس
bus stop <i>n</i>	باس ستوپ	ئیزگای ئوبوس	ایستگاه اتوبوس
bush <i>n</i>	بوش	متکه - تزار باهیر	بوتمز مین لم یزوع، بوتەزار
business <i>n</i>	بیزینز	کار - پیشه کاسبی - تجاره ت	شغل کاسبی - تجارت، دادوستد
	بیزی نیس		تجار تەخانە کار، مطلب، امر
businessman <i>n</i>	بیزینس مەن	تاجر مامولە گەر	تاجر، سوداگر، معامله گر
busy <i>adj</i>	بیزی	سەرگەرم - خەریک	فعال، کار، مشغول
busily <i>adv</i>	بیزی لی	جمو جوله که ره کارانه	فعالانه
		پرکار	میراوا ی ثلاث باباجانی
but	بات	بەلام - وه لی - جا	ولی، اما
butcher <i>n</i>	باچر	قه ساو	قصاب - کشتار کردن
butter <i>n</i>	بایر	که ره - که ری	کره (روغن حیوانی)

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
buttercup <i>n</i>	باتیرکاپ	گولی میرگ محاس مال	گل آلاله
butterfly <i>n</i>	باتیرفلائی	په پووله - پاپلی	پروانه
button <i>n</i>	باتن	دگمه - قو لچه - دکمه	دکمه - شستی
buttonhole <i>n</i>	باتن هُل	یاگه دگمه - جی دگمه - سنج	مادگی، بجا دکمه، سماجت کردن
buy <i>v</i>	بای	سه ندن - نه سه ی - کَرین	خریدن
buzz <i>v</i> (ویزه نامه ی)	باز	گمه گم که رده ی - وزه و ز کردن	و ز و ز کردن
buzzer <i>n</i>	بازر	جووری ده زگای تاقی	نوعی دستگاه تست، زنگ
کردنه وه (ناز مایش)، فیکه که ره			
by <i>prep, adv</i>	بای	نزیک - پال بیه بیه ده ست - تا کن - پال - له - به ر	نزدیک، کنار - یا، بوسیله، از طریق - قبل از، پیش از، تا از پهلوی - از، اثر
by <i>and by adv</i>	بای اندبای	وه ختی وه نه بیه م زوه	کم کم - انشاه آله
bye - bye <i>n</i>	بای بای	لای لای - خه یرها ت	لالا (خواب) - خدا حافظ
by - law <i>n</i>	بای ل	یاسای تاییدت - تائین نامه	آیین نامه، قانون و بزه محلی
by path <i>n (pass)</i>	بای پس	په سه ر - ریگی که نار	جاده فرعی، راه کوتاه میانبر
byzantine <i>adj</i>	بیزن تین	رومی بیزانس	روم شرقی - پیچیده و مرموز
by road <i>n (detour)</i>	بای رود	رپی لاده ر - په سه ر - توله را	جاده فرعی
by word <i>n</i>	بای ورد	مه ته ل - عیبه رت	عبرت - ضرب المثل
bzmar <i>n</i>	بزمار	بزماری ماری ناوی خودای مار که له میزه وه که له کوردستان پرسو یانه و هه یکه لی له کیوی نه ز مه رله سه رده می ناشوریه کان یوه و کیوی نه ز مه ریا یز ماریه ناوی نه و خودای ماره گیرا وه ناوی نا تنوری خودای مار gazmaro تراوه و گۆرانی بزماریه بزماریه و خودای ماره یاز ماره تراوه و له کوردستان نه م گۆرانی له میزه و بیا و یوه	میخو لادی و ناهرب النوع مار درگز درستان در عهد آشوریان بوده بر فراز کوه از مردر سلیمانیه عراق  کانگه وهر  ایل کرمانج

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



BINOCULARS



BUCKLE



BOWS



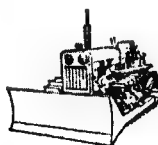
BARREL



BADGER



BLOCK AND TACKLE



BULLDOZER



CROW



SWIFT



CUCKOO



SWALLOW



PIGEON



KINGFISHER



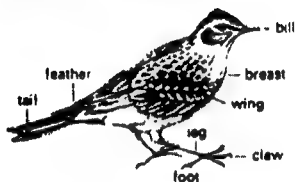
GREAT TIT



NIGHTINGALE



SPARROW



SKYLARK



ROBIN



بهرام کرمانشاه  
پسر شاهپور سوم  
م-۲۸۸

# C c

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>C</b> <i>n</i>	سی	سی یه پیتی ته لغبا	سومین حرف الفبای انگلیسی
<b>can ni</b>	کانی	کانی (هانه چه مه)	چشمه آب خدای صخره
<b>cabllagh</b> <i>n(sablakh)</i>	سابلاغ	ناوی کۆنی شاری رازاوه ی مه ها بادل ه سه رده می ماد	نام قدیمی شهرستان مهاباد که از نام رب النوع سبز هزاران گرفته شده در عهد مادها
<b>cab</b> <i>n</i>	کَب	درو شکه تاکسی - ئو تاقی شو فیر	تاکسی - اتا کک کامیون
<b>cabbage</b> <i>n</i>	کَبیج	توپه که له م - که له م	کلم، کلم پیچ
<b>cabin</b> <i>n</i>	کَبین	که ویلێ چوین - که پره	کابین - کلبه چوبی
<b>cabinet</b> <i>n</i>	کَبینت	کۆمه لی وه زیران - قه فه سه و کومد	قفسه کابینه، هیئت دولت
<b>cable</b> <i>v</i>	کیبل (کابل)	ته نافه - کابل - ته نافه ی ته لینه	سیم و پوشتلر کابل - تلگراف
<b>cackle</b> <i>v</i>	ککل	ده نگی مر (مامر) ده رها و ردن ده نگو و که رگی به رنه و رده ئی	صدای مرغ در آوردن
<b>cactus</b> <i>n</i>	ککتوس	کا کتوس جو ره گیا یه ک	کاکتوس
<b>cafe</b> <i>n</i>	کافی	قا واخانه - کافه - چایخانه	کافه، قهوه خانه
<b>cage</b> <i>n</i>	کیج	قه فه سه - قه فه س	قفس (میله داری فلزی)
<b>cake</b> <i>n</i>	کیک	که یکه - جو ره ی شیرینی نانی	کیک - قالبی به خ
<b>calculate</b> <i>v</i>	کلکیولیت	حساب کردن - حساب و کده رده ی	حساب کردن
<b>calculation</b> <i>n</i>	کلکیولیشن	حساب به یه ک دای - حساب و	برآورد، پیش بینی
<b>calendar</b> <i>n</i>	کالنیر	ته قیۆم - گانا م سال سرنج	تقویم، سالنامه

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گوساله، غصله پشت ساق پا	گۆره که - گۆیره که - پوزی پی	کَلَف	calf <sup>1</sup> n
ساق پا	پوزی پا - پوزه و پای	کَلَف	calf <sup>2</sup> n
ناییدن - فریاد زدن - دیدار	بانگ کردن (چریه ی) ته قازا	کۆل	call <sup>1</sup> v
کردن، تلفن / صدا زدن	کردن - ته له یفون که رده ی		
فریاد - دیدار - احضار، خبر،	فریاد پیچام دیدار - خه بهر	کۆل	call <sup>2</sup> n
(از طریق) تلفن (کس یرا			
خواستن) - تقاضا			
آرام، ساکت، آرامش	ئارام بی ده نگ هیمن	کام	calm adj
به آرامی	به ئارامی به هیواش	کاملی	calmly adv
			came see come
شتر	هوشتر - وشتر	کابل	camel n
دوربین (عکاسی / -)	دوورینی وینه گرتن	کامیرا	camera n
لباس استتارنهمان	لیباسی خوگۆرین سیپالی	کَمُفلاژ	camouflage <sup>1</sup> v
سازی	وی شارده ی جو مه ره نگ بون		
استتار کردن نهمان سازی	وی پوژنای - خوگۆران	کَمُفلاژ	camouflage <sup>2</sup> v
کمپ، اردوگاه دوگانه	ئوردوو - ئوردوگا	کَمپ	camp <sup>1</sup> n
در کمپ زندگی کردن	چادر هۆردای - چادر هه ل دان	کَمپ	camp <sup>2</sup> v
زندگی در کمپ	له چادر ژیان کردن	کَمپینگ	camping n
لشکرکشی - طرح مبارزه	ئوردو که شی - نه خشه خه بات	کَمپین	campaign n
توانستن، قادر بودن	توانین - تاوای	کَن	can <sup>1</sup> v
قووی حلبی / کنسرو	قتوه ی حه له رینه - کونسرف	کَن	can <sup>2</sup> n

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کانال دست‌ساز، آبراه	کیه‌ره - کیه - ئاورا	کانال (کتل)	canal <i>n</i>
قناری	قه‌ناری	کَنیری	canary <i>n</i>
هذف / باطل کردن	خراو کردن مه تال کردن	کن بیل	cancel <i>v</i>
	قرنتای		
بیماری سرطان، بُرج سرطان	سه‌ره تان، ده‌ردی گران	کَن بېر	cancer <i>n</i>
داوطلب، نامزد	وی گه‌ره گ - خو خواز	کَن دی دیت	candidate <i>n</i>
کاندید	حازر باش، نام‌براو		
شمع	شه‌مه - شه‌مع	کَن‌دیل	candle <i>n</i>
نی، خیزوان - عصا	نه یجی - قامیش - گیاشه‌که‌ر	کین	cane <sup>1</sup> <i>n</i>
با چوب خیزوان تنبیه کردن	به‌نه یچه لی‌دان - فله‌لاه کردن	کین	cane <sup>2</sup> <i>v</i>
توپ بزرگ جنگی، توپ هواپیما	توپه - توپی شه‌روفر وکه	کَین	cannon <i>n</i>
بلمه، زورق، کرجی	ئاوگه‌ر - قایق - ئاو گیل	کِنو	canoe <i>n</i>
کانتین، برستوران، اوتشس	جیی ناَن خوار دن - یا گیی	کَن‌تین	canteen <i>n</i>
قلم‌مه‌اب	نان وارده‌ی - مه‌تاره ئاو		
کوریاس، برزنت	جنسی که تانی - پارچه‌ی که تانی	کَن‌پوس	canvas <i>n</i>
شپ‌کلاه، کلاهک، سرپوش	کلاو بوورگه - کلاوی شه‌وان	کَپ	cap <i>n</i>
لایق، با استعداد، با عرضه	وه کار - مزوخت - لایق	کَپ لیل	capable <i>adj</i>
	جهد ده‌س ئامه		
گنجایش، ظرفیت، لیاقت	ئه‌ندازه - جی داری - ناوهر وک	کَپ سیتی	capacity <i>n</i>
دماغه - شینل	جوهره‌ی چاروا - تی کیوه	کیپ	cape <i>n</i>
	وشکامی لوا بو دلی ئاوی (ده‌لیا) - ئاودر		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
capital <i>n</i>	کَپیتال	پایتەخت - پایتەخت دەس مایە	پایتخت، حرفه، بزرگ
		پیتی گەورە لە ئەلفبا	سرمایه
captive <i>n</i>	کَپتیو	دیل - ئەسیر - گیراو - گیریا	اسیر، دستگیر، دلباخته
capture <i>v</i>	کَپچر	گرتن بیه دیل گرتە ی	اسیر / دستگیر کردن
car <i>n</i>	کار	ماشین - ماشین	اتومبیل - طافک - اسانسور
car park <i>n</i>	کارپارک	یاگە ماشین - جێی ماشین	پارکینگ
caravan <i>n</i>	کَروَون	کاروان	کاروان
carbon <i>n</i>	کاربن	زوخال - کەربون	کربن - شاربون
carcass <i>n</i>	کارکیز	کەلاک - لاشە - مردار	لاشه، مردار
card <i>n</i>	کارد	کارت - وەرەق - کارتە	کارت، ورق، کارت تبریک
cardboard <i>n</i>	کاردبورد	مقوای ناسکە - ئاسەری	مقوا، شومیز
cardigan <i>n</i>	کاردی جن	ژاکەتی پەژمین - جاکەت	ژاکت پشمی
cardinal <i>n</i>	کاردینال	کاردینال - کلیسا - ئەسڵ	کاردینال، کلیسا، عُمده
care <sup>1</sup> <i>v</i>	کیر	لە لەودایانی کەردە ی	پرستاری کردن، نگرانی
		هۆشیاری کردن - چاودێری کردن	عشق ورزیدن
care <sup>2</sup> <i>n</i>	کیر	هۆشیاری - چەم داری	پرستاری - مواظبت
		پەرەستاری	
careful <i>adj</i>	کیرفول	هۆشیار - جگ دە قیق	مواظب، بالهتیا، محواس، جمع
careless <i>adj</i>	کیرلیس	ساواله - بی خیاڵ	بی احتیاط، سر به هوا
• cargo <i>n</i>	کارگ تو	بار - ئەسپاو	بار، محموله
carpentry <i>n</i>	کارپن تری	چۆتاشی - چپۆتاشی	دروگرگی، نجاری

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دروگر، نجار	چیو تاش - چو تاش	کاربن تر	carpenter <i>n</i>
قالی، زیلو، فرش	قالی - قالیه بهر	کارپیت	carpet <i>n</i>
واگن قطار - کالسکه	دروشکه دیوی قه تار	کاریج	carriage <i>n</i>
زردک، هویج	هه ویج - گزه رگ - که زه	کرنوت	carrot <i>n</i>
حمل کردن، بردن، پختن کردن	بهرده ی - بردن، گه یاندن	کری	carry <i>v</i>
ساک پلاستیکی / کاغذی	توره که ی نایلوئی	کریپر	bag carrier
دسته دار	توره که ی باغه یین ده لۆ		or carrier <i>n</i>
گاری - حمل کردن	گاری - دروشکه	کارت	cart <i>n</i>
کارتن - پاکت بسته	جابه ی مه قه وایی محقه با	کارٹن (کابین)	carton <i>n</i>
کنده کاری کردن، قاج کردن	تاشای که ندن بهر نه ورده ی جبه	کارو	carve <i>v</i>
سروگشت - دعوا، زد و خورد	داواحه رافه سه رها ت	کیز	case <sup>1</sup> <i>n</i>
- نوع بیماری، الت، وضع	وه زعه - کیلان - کز - جلد		case <sup>2</sup> <i>n</i>
چمبه، جلد، غلاف	سه نوۆ - جلد - قاپ - روبه ند	کیز	case <sup>1</sup> <i>n</i>
پول نقد - تنخواه	پوولی نه خت	کش	cash <sup>1</sup> <i>n</i>
چک و نقد کردن	نه خت که رده ی - پوول	کش	cash <sup>2</sup> <i>v</i>
	نه خت کردن		
صندوقدار، تحویلدار	سه نوۆ دار، خه زانه دار	کش پر	cashier <i>n</i>
دریای خزر، شمال	ده لیای مازنده ران - ده ریاو	کسپین سی	caspian sea <i>n</i>
	خه زه ری		
نوار کاستینوار، ویدئو	شریتی کاست - نه واری تو مار	کاسیت	cassette <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ژل، نقش، اثر، روحیه	عه مه ل - کار - پیشه	کاست	cast <i>n</i>
دژ، محوطه نظامی، قصر	قه لا - کو شک - عمارت	کابل	castle <i>n</i>
اتفاقی - معمولی	ناوامه هور که وت - نا کاو	کازوال	casual <i>adv</i>
نامرتب	هه ل که وت		
گربه - گربه سان	کته - کتک - پیشله	کت	cat <i>n</i>
کاتالوگ، فهرست نامه	ناواخن - کاتالوگ	کاتالوگ	catalogue <i>n(log)</i>
	سوورته	(کتب لوگ)	
گرفتن - بدست آوردن	گرتن گرتی بدهس نه ورده ی	کچ	catch <sup>1</sup> <i>v</i>
دستگیره، اخراجفت	ده سگیره - گرتنه بگر	کچ	catch <sup>2</sup> <i>n</i>
نوع، طبقه، دسته، صنف	جور - ده سته ده سه - چین	کچیری	category <i>n(pl-ries)</i>
کرم صدف، کرم حشره	کرمی دار - کرمه ی سه د پا	کچریلر	caterpillar <i>n</i>
کلیسای جامع شهر	کلیسای گه وره ی ناوشار	کتی دزل	cathedral <i>n</i>
کاتولیک، همگانی	کاتولیک له تی دینی مه سیح	کاتولیک	catholic <i>n,adj</i>
احشام و اغنام، گله گاو	مالات - گله ی گاو	کتیل	cattle <i>n</i>
گل کلم، کلم گل	گوله که له م	کولی فلور	cauliflower <i>n</i>
سبب شدن، ایجاد شدن	سه به بیه ی ببا عیس بودن	کوز	cause <sup>1</sup> <i>v</i>
سبب، علت، دلیل - هدف	سه به بیه لیل ببا عیس	کوز	cause <sup>2</sup> <i>n</i>
هوشیاری، احتیاط	هوشیاری - پاریز به سه ور	کوئین	caution <i>n</i>
محتاج، مواظب	تم هوشیار - یوز نه	کوئیر	cautious <i>adj</i>
هوشیارانه	هوشیاری - پاریز به سه ور	کوئیزلی	cautiously <i>adv</i>
غار	مغار - نه شکه وت - مه ره	کاو	cave <i>n</i>
ایستادن، دست کشیدن	دهس کشان له مندرای جه	سبز	cease <i>v</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دائِم، پیوسته، همواره	هه‌میشه - دایم	سبزلِس	ceaseless <i>adj</i>
به‌طور دائمی	هه‌میشه‌یی - دایمی	سبزلِس لی	ceaselessly <i>adv</i>
سقف، حداکثر قیمت	میچ - چیربان - ژیربان	سبیلِنگ	ceiling <i>n</i>
عید / جشن گرفتن	چه‌ژن یا چه‌یدکه‌رده‌ی	سبیلِپریت	celebrate <i>v</i>
بزرگداشت	چه‌ژن‌گرتن		
مراسم، جشن	چه‌ژن - ته‌داره‌ک	سبیلِپریشن	celebration <i>n</i>
سلول، زندان، سلول‌بدن، باتری	سلول - نو‌تاقی بچووک	سِیل	cell <i>n</i>
سودابه، سودا، بزرگ‌بینی	ژیرزه‌وی - سه‌رداو	سِیلار (سِیلر)	cellar <i>n</i>
دخمه	چیره‌زمین هماره‌شه‌راو		
سیمان، سمیت، سیمان‌کردن	سیمان - چه‌سپ ساروج	سیمِنت (سمِنت)	cement <i>n</i>
قبرستان، گورستان	قه‌ورسان - گورستان	سِپِتری	cemetery <i>n</i>
سرشماری، آمار، احصاء	سه‌رژمِیری - هه‌ژمار - سووره‌تنامه	سِسنِز	census <i>n</i>
سنت (واحد پول) یک‌صدم دلار	یه‌ک سه‌دومی دلار	سِپِنت	cent <i>n</i>
	سه‌دیه‌کی دلار		
سانتیگراد	سانتی‌گراد - سه‌ده‌ده‌جه	سِنتیگرید	centigrade <i>n</i>
سانتیمتر - یک‌صدم‌تر	سانتی‌متر	سِنتیمتر	centimetre <i>n</i>
مرکز، وسط - کانون	ئاوه‌راست - دل‌پ‌راسته‌تی	سِنتِر	centre <i>n</i>
محل تجمع	ئاوه‌ند		
مرکزی - میانی	ئاوه‌راستی - دل‌پ‌راسته‌یی	سِنتِرال	central <i>adj</i>
قرن، سده، صدسال	قه‌رَن - سه‌ده، سه‌دسال	سِنچِری	century <i>n</i>
غله، حبوبات، صبحانه	خه‌له، سبجانه	سِرییل	cereal <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
ceremony <sup>n</sup>	بیریمونی	چه ژن سال هات ره سم	مراسم، سالروز، تشییقات
certain <sup>1</sup> <i>adj</i>	بیرتین	دَلنیا به خاتر چه م یزانه یی زه ند	مطمئن، قطعی، مسلم
certainly <i>adv</i>	بیرتین لی	به خاتر چه م به دَلنیا یی	به طور حتم، البته
certify <i>v</i>	بیرتی فای	قه بول کردن	گواهی کردن، تضمین کردن (چک)
certificate <i>n</i>	بیرتیفیکیت	مه دره ک - خو ناس نامه	مدرک، گواهینامه، پروانه
chain <sup>1</sup> <i>n</i>	چین	بنچاق - گه واهی، جه واز	جواز - سند
chain <sup>2</sup> <i>v</i>	چین	زه نجیر - زری	زنجیر - سلسله
chair <i>n</i>	چیر	زه نجیر که رده ی - زه نجیر کردن	زنجیر کردن، مقید کردن
chairman	چیرین	که ت سه ریش - ته ختی دانیشن	صندلی، کرسی، مقام
chalk <i>n</i>	چوک	سه روک سه ریرس - ره یس	رنیس، رئیس جلسه و کمیته
	(چنوک، چاک)	خو له سپی - گه چ	گچ، گچ تحریر، گلیسفید
challenge <sup>1</sup> <i>v</i>	چلینج	تاقی که رده ی - داخواز	آزمایش / رقابت کردن
		لی کردن - هه ولدان	به مبارزه خواستن
challenge <sup>2</sup> <i>n</i>	چلینج	تاقی کرد د ژبه شه رخوازی	مبارزه، آمایش، عرض اندام
champion <i>n</i>	چمپین	پاله وان - قاره مان - گوربز	پهلوان، قهرمان، مبارز
championship <i>n</i>	چمپین شپ	پاله وانی - قاره مانی	قهرمانی
chance <i>n</i>	چانس	شانس - ئیقبال هه لکه وت	اتفاق، شانسی، اقبال، بخت
change <sup>1</sup> <i>v</i>	چنج	وارای - گورین - ورده پوول	عوض شدن / کردن
change <sup>2</sup> <i>n</i>	چنج	پووله ورده بگوری - یواری	پول خرد، تبدیل کردن
		بو ار - پول گوران	معاوضه

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ابراهه، کانال، نهر	کیه ره - کیه - چارۆله	چَنَل	channel <sup>1</sup> n
مجرأ	ئاوگوزهر - شه به که - کار یز		
کانال کردن، مجرأ ساختن	کیه ره که نه ی - کیه که ندن	چَنَل	channel <sup>2</sup> v
سرود / آواز خواندن	گۆرانی واته ی - سۆز کردن	چانت	chant <sup>1</sup> v
سرود، آواز شاعر	گۆرانی سۆز - ئاواز دیلانی	چانت	chant <sup>2</sup> n
کلیسای کوچک، نمازخانه	کلیسای بچوک - یا گه نما	چَنَل	chapel n
تالار ختم	نما - نو یژ		
فصل / قسمت (کتاب) شعبه	به ش - قسمت - عنوان	چَیتر	chapter n
شخصیت (داستان)، سرنوشت	ته به - خلۆقه ت - شه خسیه ت	کَر کَیتر	character n
ویژگی، ماهیت، قسم	جیا وازی - نیشانی - نیشان	کَر ی کَیتر یستیک	characteristic n
زغال چوب	خه لۆز - ز خوال	چار کول	charcoal n
پول مطالبه کردن - سرزنش	پوول داوا کردن - ئه ره کو وای	چار ج	charge <sup>1</sup> v
کردن، حساب کردن	بوختان کردن - سه رکوت کردن		
هزینه - سند - پورش	خه رج - قیمة ت - هیرش	چار ج	charge <sup>2</sup> n
خرج - مراقب - اجرت	هوشیار - شارژ		
خیرخواهی - صدقه، نیکوکاری	سه دا قه - خه یر خوازی	چریتی	charity n
مؤسسه خیریه	ده سگیری له - که رم		
لذت بردن، مفتون ساختن، جادو	دلکش کردن - ده ی له زه ت بردن	چار م	charm <sup>1</sup> v
باتمک، ملیح، شاد، جذاب	شاد - نمه کین - زه ریف دل به ر	چار مینگ	charming adj
ملاحت، طلسم، افسون	جوانی - ته لیسم - نمه ک دار	چار م	charm <sup>2</sup> n

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
chart <sup>n</sup>		نه قشه‌ی (جو غرافیا ده لیا هه‌ندسه) چارت	نقشه (جغرافیائی/هندسی) نمودار
chase <sup>1</sup> <sub>v</sub>		له دو اچوون شو نه ره لوای چیز	دنبال کردن، فراوان دادن
chase <sup>2</sup> <sub>n</sub>		به شوون دو اچوون نه چاودیری چیز	دنبال، پی، تعاقب
		چهم وزی شوین گرت	
chat <sup>1</sup> <sub>v</sub>		قسی دوسانی که رده‌ی چت	گفتگوی دوستانه کردن
		وت وویژی دوسانه کردن	گپ زدن
chatter <sub>v,n</sub>		راودای - ژاژ ولبیه‌ی چتر	یاوه سرایی کردن
		زوردوان - دیان چیری	زورز - وزاجی
cheap <sup>adj</sup>		هه رزان که کم قیمت چپ	لرزان، کم بها، نامرغوب
cheat <sup>1</sup> <sub>v</sub>		فه ریودان - خله تنای چیت	فریب دادن، گول زدن
cheat <sup>2</sup> <sub>n</sub>		زول ده سیر - که له کباز، گه ربا ز چیت	کلاهبرداری، متقلب، جوزن
check <sup>1</sup> <sub>v</sub>		ئه وه په رسای - پوره یاوای چک	کنترل کردن، چک کردن
		لیکۆلینه وه - پرس کردن	جلوگیری کردن
check <sup>2</sup> <sub>n</sub>		کۆلینه وه - دیا پوره، ویسان چک	کنترل، بازبینی، توقف
		چهم داری دیسان بینی	
cheek <sub>n</sub>		گونا - گولم - کولم، روداری چبیک	گونه (صورت)، گستاخی، لپ
cheeky <sup>adj</sup>		زولولا و به لووی بی ته ده ب چبیک	پرو، گستاخ، وقیح
		روودار حمل هور	
cheer <sup>1</sup> <sub>v</sub>		ئافه رین و تن هه شحال چپر	فریاد شادی سردادن
		بیه - قیواندن، چیری که رده‌ی	مسرور بودن

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هواغریاد تحسین سرور	ئافەرم-ئافەرین، رازی بون	چیر	cheer <sup>2</sup> n
باشاش، شاد، مسرور	وەشی-شادی-دڵ وەش	چیرفول	cheerful <sup>adj</sup>
دل باز	فەریح- مەسرور		
شادمانە-مسرورانە	بە شادی-بە مەسروری	چیرفولی	cheerfully <sup>adv</sup>
پنیر	پەنیر- پەنیرە	چیز	cheese <sup>n</sup>
شیمیایی	دەرمان-شیمیای	کمیكل	chemical <sup>1</sup> n
ماده شیمیایی	مادە-شیمیای-داروو	کمیكل	chemical <sup>2</sup> adj
داروساز- شیمیدان	دەرمان ساز-شیمی زان-دارو ساز	کمیست	chemist <sup>n</sup>
شیمی- علم شیمی	شیمی-علمی زانستی مادە کان	کمیستری	chemistry <sup>n</sup>
چک، حواله	باتی پول-چەکی بانگ	چک	cheque <sup>n</sup>
	چه کو بانگی		
لفسه سینه- جعبه بزرگ	سەنۆق-لاتای-سینە-سینگ	چست	chest <sup>n</sup>
جویدن- چیزجویدنی	ژاواى هه جوین-کاوژ	چوو	chew <sup>v</sup>
جوجه، جوجه مرغ	جوولک-جوجه لئ	چیک	chick <sup>n</sup>
مرغ-ترسوگوشتر مرغ	کەرگە-مەرمەشک-مامەر	چیکن	chicken <sup>n</sup>
مهمترین، عمد، فرمانده	زۆریە-بەشی-فرە-سەر-تەر-جە	چییف	chief <sup>1</sup> adj
سردسته	بانترله-فره زور		
اغلب، بیشتر، بطور عمده	فرە-تەر-فرە-و-جاری-زۆر-تر	چییف لی	chiefly <sup>adv</sup>
حکم، رئیس، رهبر	سەرۆک-گە-و-رە-را-بەر	چییف	chief <sup>2</sup> n
شیخ، رئیس قبیله سالار	رەیس-سەر-پرس-سەر-پەل	چییف تین	chieftain <sup>n</sup>

(گرو)

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بچه‌پسر / دختر-چنین	زاوړو منال زه وړو	چایلد	child <i>n</i>
بچگی، طفولیت	منالی یوه ختووزه وړویی	چایلد هُد	childhood <i>n</i>
	تلفی، کاتی منالی		
کودکانه، بچه‌گانه‌بی تجربه	زه وروانه منالانه	چایلدیش	childish <i>adj</i>
کودکانه‌وار	تلفانه - منالانه	چایلدیش‌لی	childishly <i>adv</i>
نواختن (زنگ...)	زه نگ لیږدان زه نگ وه نه دای چیم (چیم)		chime <i>v</i>
زنگ، ناقوس	زه نگ	چیم	chime <i>n</i>
دودکش	دوو کله به ردوو کله کیش	چیم نی	chimney <i>n</i>
شمپانزه	شمپانزه - جوړی مه یمون	چیم بنزی	chimpanzee <i>n</i>
چانه‌زن خندان - بار فیکس کردن	چه ناکه - زنج	چین	chin <i>n</i>
چینی (الات) کشور چین	چینی جات - مووری مازی	چین-چین	china <i>n</i>
	مازه‌ی پشت، وه لاتی چین		
لب پریدگی (شکست‌یها)	که‌ل - نو قسان - قاز - نوی	چپ	chip <sup>1</sup> <i>n</i>
برش نازک سیب زمینی سرخ‌شده	سیوه زه مینه‌ی سوور کراو		
میکروچیپ بنزاد سفیر			
لب پریده کردن	که‌ل که رده‌ی قاز که رده‌ی (کردن) چپ		chip <sup>2</sup> <i>v</i>
تواشه کردن	ره‌نده کردن - لیو قرتان		
جیک-جیک و جیر جیر کردن	جیکه جیک - جیر جیر	چیرب	chirp <i>n</i>
شکلات - کاکائو	چکلیت - جوړی شیرینی	چاکلیت	chocolate <i>n, adj</i>
	له شیر و شه که‌ر		
انتخاب، پسند چاره خوب	هه‌ل بژیر هوو چن - جیا کرایه‌ال	چویس	choice <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گروه کُر، گروه همخوان	چینی هه لپر که ده سه و گۆرانی واچان (دو عاکه ران)	کۆپر (کواپر)	choir <i>n</i>
برگزیدن، انتخاب کردن	هه لپژاردن هور و چن یه ی	چووژ	choose <i>v</i>
با تبر / با کارد ریز کردن	لت که رده ی وورد کردن (گۆشت) - جیا که رده ی	چنۆپ	chop <sup>1</sup> <i>v</i>
گوشت با استخوان	گۆشتی پیشه دار	چنۆپ	chop <sup>2</sup> <i>n</i>
گروه آوازخوان	ده سته ی گۆرانی بیژان	کورس	chorus <i>n</i>
لام تعمیدی مسیحی روی	ده سه و گۆرانی واچان نامی نیای - ناوی مه سیح	کرستن	christen <i>v</i>
کسی گذاشتن	بو که سی نان		
مراسم تعمید	خو شۆردنی مه سیحیه کان وی شته و مه سیحیان جه ر ویوه تایوه تیه نه	کرستینینگ	christening <i>n</i>
مسیحی	مه سیحی - نسه یری	کریس چن	christian <i>n</i>
عید میلاد مسیح	جه ژنی له دایک بونی مه سیح	کرسمس	christmas <i>n</i>
نخودی خندیدن، هرهر خندیدن	به بزه که نین به دم قوو جیای خوای چاکل		chuckle <i>v</i>
لپخند، تبسم، خنده ملایم	دهم خوه - خنده لیو - خنده ی	چاکل	chuckle <i>n</i>
	نادیار - بزه		
کلیسا فرقه مسیحی	کلیسا ده یره ونسه یریان مزگی مه سیحیان که نیسا	چرچ	church <i>n</i>

h m n η l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سیگار بزرگ	جگه ره ی لا پێچ سیگاری به رگ	سیگار	cigar <i>n</i>
سیگار / سیگارت	جگه ره سیگار د دوو که لی ده م	سیگرت	cigarette <i>n</i>
سینما سانس سینما	سینما - یانیوه تاییه ت که شیوه	سینما	cinema <i>n</i>
دایره - محفل، انجمن	(وینه) ئیشانه مه در یۆ باز نه - خر خال هه لقی	بیرکل	circle <i>n</i>
باند - دورزدن	جهم خانه - خره ر - کۆر		
مدور، گرد، بخشنامه	خرت - خر - خه به ر نامه	بیرکیولر	circular <i>adj</i>
دورزدن، پخش کردن	ده ووردای هه لۆ که ر یان	بیرکیولیت	circulate <i>adj</i>
گردش، دورپخش	بلا و کردن - بادان ده و ر بلا و گیلیا به ش که رد	بیرکیولشن	circulation <i>n</i>
محیط دایره	ده وری دایره	س کام فرنس	circumference <i>n</i>
پیشامدها - اوضاع	وه زعه - پیشامه دی	بیرکیم	circumstances <i>n</i>
شرایط	پیش هاته کان - قومان	استینس	
سیرکباز یگران سیرک	سیرک مه یدان شوی نی نشان	بیرکس	circus <i>n</i>
شهروند، شهری - تبعه	دانی گیان له به ره کان ناوشاری دلی شاری شاری	سیتیزن	citizen <i>n</i>
شهر بزرگ	ژیان له شار که ر شار - شاری گه و ره	سیتی	city <i>n</i>
مؤدب غیر نظامی حتمدن	به ته ده ب - عه ده و مه ده نی	سیویل	civil <i>adj</i>
کارمندان و خدمت کشوری	خز مه تو و سه روازی کار مه ندانی وه ته ن	سیویل سرویس	civil service <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شخصی، غیر نظامی	غەیری نێزانی - تایبەتی کەسێ	سیویل ین	civilian <sup>n</sup>
متمدن کردن یا شدن	بە تەمەدن ئە ورده ی	سیویل آیز	civilize <sup>v</sup>
تمدن، مدنیت	تەمەدن - مەردمی قانوندار	سیویل ای	civilization <sup>n</sup>
حق داشتن، خواستن	و بە فەرەه نگی	زیشن	claim <sup>1 v</sup>
ادعا کردن	هەق دارێبە ی - گەرە ک بیە ی	کلیم	claim <sup>2 n</sup>
مطالبه، ادعا، دعوی	لێ خواستن تەلەب		
طلب	لێ خواز - گەرە ک چه	کلیم	
صدای (زنگ / ناقوس / ...)	هەق لە (چه) خوازین		
صدای چکش	دەنگی لێدانی دوو چت	کلنگ	clang <sup>n</sup>
کف زدن، دست زدن	دەنگی زەنگ - تەقە نامە ی		
صدای برعده آسای کف زدن، تق	چە پلە کووای - چە پلە لێدان	کلپ	clap <sup>1 v</sup>
	دەنگی چە پلە لێدان	کلپ	clap <sup>2 n</sup>
درگیر شدن - نا هماهنگ بودن	دەنگوو چە پلان - تەقە		
ناسازگاری	جوورنە و بە ی - یۆرە لوای	کلش	clash <sup>1 v</sup>
درگیری، سرکوبی، برخورد	پۆقە نامە ی - شکیان		
	لە یە ک دان دەنگی شکان	کلش	clash <sup>2 n</sup>
محکم نگه داشتن	هۆر تەق		
چفت، سنگ، گیره بندینه	تن (تند) گرتە ی - لە باوش گرتن	کلاسپ	clasp <sup>1 v</sup>
	بە رازوانە - ئە نجامە، قولاو	کلاسپ	clasp <sup>2 n</sup>

ʌ      ɜ:      ə      eɪ      əʊ      aɪ      aʊ      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلاس درس - طبقه، نوع	که لاسی ده رس - جوړ	کلاس	class <sup>n</sup>
دسته	نهۆم - قات، ده سته		
اتاق درس، کلاس	نو تاقه وده رسی - که لاسه	کلاس رووم	classroom <sup>n</sup>
	که لاس - ناموزگا		
سروصدای بلند، تق تق	قال ده نگي به رز - قه ره بالځ	کلیر	clatter <sup>n</sup>
سروصداکردن، تاق تاق	قاله قال که رده ی ده نگ	کلیر	clatter <sup>v</sup>
کردن	درها تن ده نگ نامه ی چپوه ی		
عبارت (گرامری)، معاده	نا ته و او پره ست - جمله ی	کلوز	clause <sup>n</sup>
بند - جزء	ده ستووری کورت خفه قه ره		
پنجه، چنگال، چنگ	په نجه - چه پوله - چنگ	کلو	claw <sup>1 n</sup>
ناخن تیز	چنگوځ		
چنگ زدن، چنگال کشیدن	چنگوځ گر ته ی - چنگ گر تن	کلو	claw <sup>2 v</sup>
خراشیدن	کلاوه ده س - زیرای		
تمیزبهاک، نظیف	ته میس - خاوین - پاک	کلبین	clean <sup>1 adj</sup>
تمیز / پاک کردن	ته میز و پاک کردن - ته میس که رده ی	کلبین	clean <sup>2 v</sup>
نظافتچی، پاک کن	ته میس که ر - پاکو که ر	کلبینر	cleaner <sup>n</sup>
	خاوین که ر		
آشکار بر سبز لال، صاف	زه رال پروشن پروناک دیار	کلیر	clear <sup>1 adj</sup>
بوضوح، بروشنی	به پروشنی به ناشکرا	کلیرلی	clearly <sup>adv</sup>
	روی پروشن		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure      pen      bed      tea      did      cat      got      chin      June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
تمیز کردن، براق کردن	ته‌میز کردن - پاک‌کرده‌ی	کلیر	clear <sup>2</sup> v
بی‌گناه بودن	بریقه‌وسه‌ی		
روحانی، کشیش	پاوی‌ئایی - که‌شیش	کلرجی مَن	clergyman n
	شیخی مه‌سیخی		
منشی، دبیر، دفتر‌دار	کارمه‌ند - جیگری سه‌رپرس	کلرک	clerk n
	ره‌یس‌یار		
زُرنگ، باهوش، زیرک، زیل	هۆشدار مزیره‌ک - ئوس‌تاد - قابل	کلور	clever <sup>adj</sup>
زیرکانه	هۆشدارانه‌ی زیره‌ک‌کانه	کلورلی	cleverly <sup>adv</sup>
	به‌وریایی		
صخره‌په‌ر نگاه‌سنگی	چیا‌ی به‌ردین مر‌زاق - لو‌وته	کلیف	cliff n
	توه‌ن - هه‌ورازه‌به‌رد		
آب‌وه‌وا - اقلیم	ئاوه‌وا - چو‌ئیه‌تی ئاو‌وسه‌عان، کلا‌ی میت		climate n
اقلیم‌شناسی	مه‌ل‌به‌ند ناسی ئاوه‌وا	کلیماتولوژی	climatology
بالا‌رفتن - کوه‌پیمایی	سه‌رلو‌ای مه‌اته‌بان که‌شه‌وانی	کلایم	climb <sup>1</sup> v
	که‌رده‌ی سه‌رکه‌وتن له‌که‌ل		
صعود، بالا‌روی	که‌شه‌وانی - هۆرسه‌رچوون	کلایم	climb <sup>2</sup> n
محکم‌چسبیدن - نگه‌داشتن	وی‌لکنای - تند‌گرته‌ی	کلینگ	cling v
	خۆش‌واردن به - گرتن		
کلینیک، درمانگاه	ده‌رمانگا - جی‌ده‌رمان	کلینیک	clinic n
	یانه‌ده‌رمان		

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گیره کاغذ، بستن جاک، پینس	گیره - گیره‌ر	کلیپ	clip <sup>1</sup> <sub>n</sub>
باگیو، بستن، پیریدن	قرتنای به گیره به سه ی	کلیپ	clip <sup>2</sup> <sub>v</sub>
محکم بزدن	موو برین، خوری چننین		
ردا، خوله، شنبیل، عبا	که واکو واته‌ن پۆش	کلتوک	cloak <sub>n</sub>
ساعت دیواری	تاو شمار سه عاتی دیواری	کلاک	clock <sub>n</sub>
	کات ژمیری مأل		
در جهت حرکت عقربه	گه‌ریان ره که سه عات - گیلای	کلاک وایز	clockwise <sub>v</sub>
ساعت	پسه و سه عاتی		
عکس جهت حرکت عقربه	گه‌ریان دژ به سه هات - چه پوانه	آنتی کلاک	anticlockwise <sub>adv</sub>
ساعت	وسه عاتی لوای	وایز	
بسته شدن، بستن، بند آوردن	بینای به ستن - ته و او کردن	کلتوز	close <sup>1</sup> <sub>v</sub>
نزدیک، صمیمی، بسته	نزیك و ئاشنا - به سان	کلتوز	close <sup>2</sup> <sub>adj</sub>
پارچه، تکه پارچه، قماش	جنس - پارچه - کو و تال - وال	کلات	cloth <sub>n</sub>
لباس، جامه	جل لباس - سییالی	کلتودز	clothes <sub>n</sub>
پوشاک، جامه، لباس	لیباس - پوشه - جل و به رگ	کلتوزینگ	clothing <sub>n</sub>
ابر - دمه - دم	هه وروهه لا	کلاود	cloud <sub>n</sub>
ابری - تار و گوفته	هه وری لیل - په شیو حال	کلادی - کلاودی	cloudy <sub>adj</sub>
دلقک، لوده	لوتی - کابرای خوه نه ورسا و آل	کلۆن	clown <sub>n</sub>
کلوب، باشگاه، کانون	کۆر - جه م خانه - یا گئی جه	کلاب	club <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	مویییه ی خه لکی		
چماق، گورز، باتون	گورز - گو پال سه تره ق، گا چوون	کلاب	club <sup>2</sup> <sub>n</sub>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلید (معمما) - سرخ، مفتاح	رَی چاره - شو نه بو هور که ری	کلوو	clue <i>n</i>
بی تجربه، ناوارد، ناشی	نه زان - نه که ره سه ره و نه ویه	کلامزی	clumsy <i>adj</i>
ناشیانه، باشلختگی	سه رده نه چو وگ - خام		
محکم چسبیدن، ناپیدن	به نه زانی سه ره نه ویه ی	کلامزیلی	clumsily <i>adv</i>
کلاچ	که لاج دای سو شواره ی	کلاچ	clutch <i>v</i>
اتوبوس، واگن قطار - کالسکه،	چنگ دان - کلاچی ماشین		
دلچان - مریی	تتوبوس - دیو ی که تار - گاری	کتوچ	coach <sup>1</sup> <i>n</i>
برای امتحان آماده کردن	سه رپرس		
تعلیم دادن	ناماده بوون بو متحان باتاقی کردن و مکتوچ		coach <sup>2</sup> <i>v</i>
مریی - سوپرست	به ی نه وه نه رسای ناماده بیه ی		
زغال سنگ - زغال	فیر که ر - ئیشان ده ر دایان	کتوچ	coach <sup>3</sup> <i>n</i>
زیربخشن - بی ادب	زخوال - زوخال - خه لووز	کتول	coal <i>n</i>
دریاکنار، ساحل، بشزیدن	به رده زخوال		
خط ساحل	زوور زرو - روش، هار	کُرز	coarse <i>adj</i>
	قه راخوده لیای که ناری	کتوست	coast <i>n</i>
	ده ریایگو شه ی ناو - خزین		
	خه ته و قه راخوده لیای	کتوست	coastline <i>n</i>
کت - پشم و خز	لیوه ده لیا	لاین	
	کورت - کوت - پالتاو	کتوت	coat <i>n</i>
	کوله بال - فهره جی		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نولۆش کردن	لاناوای-لواندن-گالته	کُکس	coax <sup>v</sup>
ریشخند کردن	کردن به-په نه خوا ی		
تار عنکبوت	تال جالجالوکه-تال	کُپ پب	cobweb <sup>n</sup>
	ککله موشان-زویپل		
پرنده نر (بخصوص خروس)	په له وه ری نیر-که ره	کاک (کُک)	cock <sup>n</sup>
شیر آب و گاز	شیل-که له شیر-کلای لارنان		
پودر کاکانو-کاکانو	کاکانو-کاکاو به ره می داریک	کوکو	cocoa <sup>n</sup>
	له ئامریکا و ئافریقا		
نارگیل	نالگیر-نارگیل به ره می	کُکنات	coconut <sup>n</sup>
	داریک له ئاسیای غه ربی		
یک نوع ماهی خوراکی	جوړی ماسی خوارده مه نی	کُد	cod <sup>n</sup>
	ماساوه وروه ن گرتی		
کدیر همزی پیش شماره	ره مز، نیشانه، قانون کود	کُد	code <sup>n</sup>
قهوه / فنجان قهوه	قاوه به ره می داریک له ئاسیا	کُفی	coffee <sup>n</sup>
	و ئافریقا و ئامریکا		
تابوت	تابوت-تاوت-ته ختی بردنی	کُفین	coffin <sup>n</sup>
	مردگ بو گورستان		
پیچاندن - پیچ غور دن	پیچنای-پیچان-گرولی	کُیل	coil <sup>1</sup> <sup>v-n</sup>
پیچ - حلقه، کلاف	که رده ی-ده سه که رده ی		
حلقه چنبر-کنگروه	هه لقی حه لقه-په پکی ماری	کُیل	coil <sup>2</sup> <sup>n</sup>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سکه - سکه زدن	سکێ - سکه لێ دان	کتوین	coin <i>n</i>
خنک، سردیی عاطفه	سارد سه ر د یج یگ فینک	کولد	cold <sup>1</sup> <i>adj</i>
سوماخوردگی - سرما	سه ر د ا سه ر ما خوار د نه وه	کولد	cold <sup>2</sup> <i>n</i>
غش	سه ر د ا گ ر ته، سارد حال		
خواب شدن، فرو ریختن	خراو ییه - خراو بوون - پ ژای کاپس		collapse <i>v</i>
	ته پین موروخان		
یقه - قلاده گر بیان	یه خێ - یه خه ملوه نی	کالر	collar <i>n</i>
	ملوانکه		
جمع کردن، گرد آمدن	جه م که ر ده ی - جه م کردن	کالکت	collect <i>v</i>
وصول کردن	گلیر و که ر ده ی		
کلکسیون، مجموعه، جمع آوری	کۆمه له چت - پیارزه چپو	کالکشن	collection <i>n</i>
کالج، دانشکده، آموزشگاه	زانزگه - علم گا	کالچ	college <i>n</i>
	زانگا		
با شدت بهم خوردن	ئه وه کول یای - هور ته قیای	کلاید	collide <i>v</i>
تصادف کردن	له یه ک دان		
تصادف، برخورد، تصادم	هور ته ق - ته قیاله یه ک دان	کلیژن	collision <i>n</i>
کولون، دونقطه (:)، برده بزرگ	دو ی نوختی - دو نوخته	کُلن	colon <i>n</i>
کنل، سرهنگ	سه ره نگ	کیل	colonel <i>n</i>
مستعمر، مهاجر نشین	وه لاتی که له ژیر ده سه لاتی	کلنی (کالینی)	colony <i>n</i>
	وه لاتی که تری به لاتی بی سه رخو		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مستعمره‌ای، استعماری	وه لاتی بی سه رخویی	کلینال	colonial <i>adj</i>
کوچگر	وه لاتی چیرده س، کوچه ر		
رنگسوزنگیزه جلوه	ره نگ، ره نگدانه	کالر	colour <i>n</i>
رنگارنگ برنگی	ره نگاوره نگ بره نگین	کالر قول	colourful <i>adj</i>
رنگ زدن، رنگ کردن	ره نگ کردن ره نگ که رده ی	کالر	colour <i>v</i>
ستون، بنابر دیف برکن	کۆله که (کۆله کی) له به رد	کالیم	column <i>n</i>
	وچچو رزو چپوه ی		
شانه، تاج خروس	شانه ی سه ر- پوپه	کُم	comb <sup>1</sup> <i>n</i>
شانه زدن / کردن	شانه که رده ی- شاننه کردن	کُم	comb <sup>2</sup> <i>v</i>
جوور شدن، بهیم پیوستن	جوور به ی- جوور بوون	کیم یاین	combine <i>v</i>
ماشین کمباین	به یه که گه بین، کو مبین (خه له)		
آمیختگی، آمیزش-اتلاف	ئاو پته- تیکه ل- جوور	کامببینشن	combination <i>n</i>
کارتل - اتحادیه	ئامیته		
آمدن، آمدن بطرف گوینده	ها تن- ئامه ی- یا وای- گه یین	کام	come <i>v</i>
کمدی، نمایش خنده آور	نمایشی خوه دار- کو مدی	کامیدی (کُمیدی)	comedy <i>n</i>
ستاره دنباله دار، شهاب سنگ	جوو ره ئه ستیره ی بریقّه دار	کامیت	comet <i>n</i>
راحت، آسوده	دلداری ره حه ت- ئاسوده	کام فورت	comfort <sup>1</sup> <i>n</i>
دلداری / تسلی دادن	دلداری دان- دلداری دای	کام فورت	comfort <sup>2</sup> <i>v</i>
راحت کردن	ئاسوده که رده ی		
راحت، آسوده، آرام بخش	ره حه ت- ئاسوده- ئازاد	کام فورتبل	comfortable <i>adj</i>
در آسودگی	جه ره حه تی له ره حه تی	کام فوربیلی	comfortably <i>adv</i>
	ئاسوده یی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خنده‌آور، هسخک، کاریکاتور	خوه‌ئه ورکه نین دار - خوه دار کامیک		comic <sup>1</sup> adj
کتاب داستان مصور	کتیوی ره نگی خوه وشوخی کامیک		comic <sup>2</sup> n
کاما (ا) ویرگول	کاما - جوړه نیشانیکی (،) کُم (کاما)		comma n
فرمان دادن - امر دادن	فرمان دان - ده سوردای کِماند (کامند)		command <sup>1</sup> v
فرمان، امر - توان، یگان	ئه مره - ده سوو - ئه مر کِماند (کامند)		command <sup>2</sup> n
فرماندهی	فرمان، بنکه‌ی نیزامی		
توضیح / تفسیر کردن	نه زه ردای (دان) - شیو کابنت		comment <sup>1</sup> v
اظهار نظر کردن	کهرده‌ی - پاس کردن		
توضیح، تفسیر، تعبیر، نظر	نه زه رلیکۆلین - پاس کابنت		comment <sup>2</sup> n
توضیح، تفسیر، گزارش	راپورت - گوێ گه یان - روشن کابنتیری		commentary n
مفسر - گزارشگر	کهری - پاس کرد روشن کهر - نه زه رده ر کابنتیتر		commentator n
	راپورت ده - رشیو کهر		
معامله، تجارت، دادوستد	معامله - مامۆله - تجارت کامرس		commerce n
تجارتی، بازرگانی، آگهی	تجاره تی - خه به‌ری کیمرشل		commercial adj
خطائی مرتکب شدن	خه تا کردن (کهرده‌ی) کامیت		commit v
کمیته، هیئت بررسی، کمیسیون	جمله ده - سته - تا قومه کامیتی		committee n
معمولی، همگانی، مشترک	گشتی - گردی، هه موان کامان (کُمن)		common adj
کشورهای مشترک المنافع	وه لاتانی شه ریکه به‌ش کامان ولس		commonwealth n
یاآزاد - مردم	وئازاد		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گفتگو/مکاتبه کردن	و تو وێژ-قسه که رده ی-نامه کامیونیکییت		communicate <i>v</i>
رساندن - آگاه کردن	نووسین بویه ک-قسه کردن		
ارتباط/تماس یودن یا	پیوه ندی-رابطه-خه بهر کامیونیکییشن		communication <i>n</i>
رساله ها، ارتباطات	پیوه ندیه کان، گه یینه ره کان کامیونیکییشن س		communications <i>n</i>
مکاتبات	خه بهر ده ران بو گشت		
انجمن، اجتماع، جامعه	جه مخانه-کور-کو مه لله کامیونیتی		community <i>n</i>
همراه، همدم، مصاحب	هاوری-شهریک-ها مرا کمپین		companion <i>n</i>
همراه - شرکت، جمعیت،	شه را که ت-ره فیق-گرو کامپنی		company <i>n</i>
انجمن - اکپ			
مقایسه ای، صفت / قید	سفه تی بهر تر یا هه م تراز کیمپرتیو		comparative <i>n, adj</i>
تفضیلی، قیاسی			
مقایسه کردن	لیک دان-هورسه ننگای کیمپر		compare <i>vt</i>
تشبیه کردن	به رانبه ر کردن		
مقایسه، سنجش، قیاس	وه رانوه ره به رانبه ره کیمپریزن		comparison <i>n</i>
هماندی	خوارویان هه ل سه نگان		
قطب نما، پرگار، بؤر دصد	قوتب نما-پرگار-ده ننگ چون کام پس		compass <i>n</i>
وادر / مجبور ساختن	مه جبوور کردن (که رده ی) کیم پل		compel <i>v</i>
لچار کردن	وادر که رده ی-باعیس بون		
رقابت کردن-همچشمی	مل ملانی-ره قابه ت کردن کیم (کام)		compete <i>v</i>
کردن	چهم وزی که رده ی پیت		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مسابقه، رقابت، همکاری، هم	پیش برکێ، کێ به رکێ، هاوکاری، چاوالێ گهری-چەموزی	(کام)کیمیڤین	competition <i>n</i>
چشمی			
رقیب، حریف، هه‌ماورد	نه یار-چه موزره قیب	کیم پتی تر	competitor <i>n</i>
شکوه کردن، شکایت کردن	شکات کردن-داد به رده ی	کیم پلین	complain <i>v</i>
شکایت کردن	شکات که رده ی		
شکایت، دادخواهی، عرض حال	داد شکات-گلگی-قال	کام (کیم) پلینت	complaint <i>n</i>
کامل، تمام، مختوم	کامل-ته مام-ته واو	کام (کیم) پایت	complete <sup>1</sup> <i>adj</i>
تکمیل	ته مام بیه		
به طور کامل-کالا	به ته واوی-یه ک سه ره	کام (کیم) پلینتلی	completely <i>adj</i>
	گرد و گرد-هه مو		
کامل کردن، خاتمه دادن	ته مام که رده ی-ته واو کردن	کام (کیم) پلینت	complete <sup>2</sup> <i>v</i>
پیچیده، بغرنج، تفریق	پیچیا-گیر-بێ چیاگ	کام (کیم)	complicated <i>adj</i>
	لک وارده	پلینتید	
تعریف، دروستایی	تاریقی-تاریف دراو	(کام)کیم پلینت	compliment <sup>1</sup> <i>n</i>
تعریف کردن	تاریف دای-تاریف کردن	(کام)کیم پلینت	compliment <sup>2</sup> <i>v</i>
ساختن، درست کردن، انشاء	وهش که رده ی-دروست کردن	کام پوز (کیم) پز	compose <i>v</i>
آهنگ ساز-فصفا	ناهه نگ ساز-ناهه نگ وهش که ر	کیم پز بکام	composer <i>n</i>
		پوزر	
انشاء، تصنیف، ترکیب	ثامینه-ناهه نگ-ئینشا	کیم پزینشن	composition <i>n</i>
آهنگ سازی	دهس به قه لّم، سازین	(کام)پوزینشن	

i:	ɪ	e	ae	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
محوطه، حیاط، ترکیب کردن	چه وشه - چه سار و په رژین	کیم پوند	compound <i>n</i>
اجباری، مجبور کننده	زوری - ئیجباری - دل پونه ویه	(کام) کیم پال	compulsory <i>adj</i>
کامپیوتر - رایانه	کامپیوتر	بیری	computer <i>n</i>
پنهان ساختن، نایم کردن	پوژنای - دا پوشتن - شارده ی	کانسییل	conceal <i>v</i>
تمرکز داشتن - عصا ره	وریابوون - مراقب بیه ی - به	(کین سییل)	concentrate <i>v</i>
غلظت کردن	خودا چوون - به خیا لاچوون	تویت	concern <sup>1</sup> <i>adj</i>
نگرانی، دلواپسی - وابسته	په شیوی - مه لولوی - حیران بوون	کان بیرن	concerned <i>adj</i>
نگران، دلواپس، صاحب سود	مات - خه مین - غه مبار	کان بیرند	concern <sup>2</sup> <i>v</i>
مربوط بودن، نگران بودن	مه ربووت بیه ی - مه ربووت بوون	کان بیرن	concerning <i>prep</i>
در باره - در مورد	جه مه وه سووله مه به سستی	کان بیرنینگ	concert <i>n</i>
کنسرت - همکاری	شوینی موسیقایی - ده سه	کان بیرت	
توافق	و موسیقا و ئاهه نگ ژه نان	(کنسرت)	
به پایان رساندن، نتیجه	ته مام که رده ی - ته و او کردن	کان (کین)	conclude <i>v</i>
گرفتن - تمام کردن	ئاخر - ته مام - ته مام بی	کلود	conclusion <i>n</i>
پایان - استنتاج، انعقاد	ته و او - نه نتیجه	کان (کین) کلووژن	
بتن / بتن واقعی	ره ق سه خت - بتون	کان کریبت	concrete <i>n</i>
	ره قه بنه و او، ئاشکرا		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
محکوم کردن / شدن	تاوان یار که رده ی مه حکوم کردن (کن) دم		condemn <i>v</i>
حالت، وضع، شرط، بزه	وه زعه - حالت - شه رت	کِن (کان) دِشَن	condition <i>n</i>
	وجۆر - مقام		
ادلوه کردن - رهبری کردن	پانموونی که رده ی به ریوه (کان) کِن داکت		conduct <sup>1</sup> <i>v</i>
رفتار - اخلاق	بردن - سه پرسی کردن		
رهبر، اُرتسەر - بلیط فروش	رِیه ری موسیقا - ئوساژه (کِن) داکتیر		conductor <i>n</i>
وسانا	نوموسیقای بلیت فروش		
سلوک، رفتار، اخلاق، اجرا	ره رفتار - ئخلاق رهوت (کِن) داکت		conduct <i>n</i>
مخروط میوه کاج	مه خرووت - قو وچ بره حه تی کُن		cone <i>n</i>
کنفرانس، مذاکره، گردهمایی	وتووێژ مه جلسو تسه که رده ی کُنفِرَنس		conference <i>n</i>
همایش	کۆر - جه م خانە - تسه گامه ره (جه پاوه نه)		
اقرار / اعتراف کردن	چیر لوی - ئیروین هه ق رتن کِن فِئس		confess <i>v</i>
اعتراف نامه، اقرار، اشد	راس گوویی - ئقرار نامه کِن فِشن		confession <i>n</i>
مطمئن، دلگرم، بخاطر جمع	خا تر جه م دلتیاسیی ورکه کِن (کان) فِئینت		confident <i>adj</i>
اطمینان، اعتقاد ساز داری	ئتمینان ببا و ر - ئیمان زات کِن (کان)		confidence <i>n</i>
	فیلبیس		
تایید / تصدیق کردن	قه بو ل کردن - راس زانای کِن فِرم		confirm <i>v</i>
تایید، تصدیق، تصویب	ته سقی - قه بو ل راس زان کِن (کان) فِرمِشن		confirmation <i>n</i>
ستیزه، برخورد، نزاع، تضاد	به یه کاجو ون ده نکه ده نگ کِن (کان) فِلیکت		conflict <sup>1</sup> <i>n</i>
ناسازگاری	ده م قره - گِیر و کِیشه، ناسازی		

uo pure    p pen    b bed    t tea    d did    k cat    g got    tʃ chin    dʒ June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
متضاد/ ناسازگار بودن	ناسازییه ی زردبون-گزیای	بِن (کان)	conflict <sup>2</sup> v
	ناله باربون	فلپکت	
گیج کردن-نامرتب کردن	گیج کهرده ی به یوزانای	بِن (کان)	confuse v
	گیج بون-شیواندن	فیوز	
گیجی، درهم برهمی	گیژی-سهروه نه شیویا	بِن (کان)	confusion n
حیرت	شیواو- شپرز، به حت	فیوژن	
تبریک گفتن، شادباش گفتن	شادباش و تن مواره ک	بِن (کان)	congratulate v
	واته ی	گراتیولیت	
تبریک مبارک باد	شادباش مواره ک باد	بِن (کان)	congratulation n
		گراتیولیشن	
کلمه ربط	هۆکهری لکینه ر-حه رفی	بِن جان	conjunction n
	ره بت - لکنه ر	کیشن	
وصل/ متصل کردن	لکاندن-ئه وه بینای به ستن	کانپکت	connect v
اتصال، پیوستگی، براب	به ستنه وه-یولکنا	کانپکشن	connection n
	به یه ک لکاندن-مه ربوت		
غلبه کردن-شکست دادن	تیی شکانندن سه رکه و تن	بِن (کان) یکر	conquer v
	مه رده ی		
غلبه، پیروزی-فتح	پیروزی- تیی شکان	بِن (کان)	conquest n
	فایق بون	کپست	
وجدان، باطن، شعور، ذاتی	وژدان - ویجدان	بِن شینس	conscience n

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آگاه، بیدار، متوجه	هوشیار، مدریک-ژیر	کِن شِس	conscious <i>adj</i>
	به هوش - وریا		
آگاهانه، هوشیارانه	به هوشانه، به ژیری-ژیرانه	کِن شِس لی	consciously <i>adv</i>
رضایت دادن	واژه ورده ی-ده سی به رد ار	کِن سینت	consent <sup>1</sup> <i>v</i>
راضی بودن	بوون - ره زابون		
موافقت، رضایت، اجازه	ده ست به رد ار ره زابیه	کِن سینت	consent <sup>2</sup> <i>n</i>
	قه بوول ره زامه ندی		
نتیجه، پیامد، اهمیت	به ره م-نه نتیجه سه مه ر	کِن (کان) سی کونس	consequence <i>n</i>
در نتیجه، بنابراین	مه علو و مه ن-ئا شکرایه	کِن (کان) سی کوتلی	consequently <i>adv</i>
	جایزانه، به م جو ره		
نگهداری - محافظت	نگاداری-پاریزراگری	کان بېروشن	conservation <i>n</i>
فرض کردن، بررسی کردن	به حساب هاوردن-جه نه زه	(کان) کِن	consider <i>v</i>
رعایت کردن	رگرته ی - نه ره نیای	سیڤر	
رسیدگی، رعایت، تفکر	به رچاو خستنه وه لی کو لین	کِن سیڤرین	consideration <i>n</i>
	پوره یا وای سه ردای		
شامل / مرکب بودن از	وه ش بیه ی جه دوست بون له	کان (کِن)	consist <i>v</i>
	ساحیو جیریتی بون له	زیست	
حرف بی صدل هماهنگی	پیتی بی ده نگ-گۆی	کان سینت	consonant <i>n</i>
متوافق	بی ده نگه پسه و بی سی-ب		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>constant</b> <i>adj</i>	هه می شه ی - دایم - خه تاهه تای - نه مه ر کانس تنت		پایدار، جاوید، دایم، با وفا
<b>constantly</b> <i>adv</i>	دایمی - نه مه رانه - تا و سه ری کان ستینلی		جاویدانه، همیشه
<b>constituency</b> <i>n</i>	جی ی (خانوی) هه لیژاردن کس یت یوانسی		هوزه انتخاباتی
	ئه نجه نو هور و چنای مه ردمی		
<b>constitution</b> <i>n</i>	قانونی مه ده نی گه ل کس یت یوئیشن		اساسنامه قانون اساسی
	ئه ساسنامه دمه رزران		
<b>constitutional</b> <i>adj</i>	به رانبه ری قانون - قانونی کس یت یوئیشن		برطبق قانون وابسته
	قانون و اج		به قانون
<b>construct</b> <i>v</i>	دروست کردن - هه ش کرده ی کین ستراکت		بناکردن، ساختن
	ئه وه که رده ی - سازین		
<b>construction</b> <i>n</i>	کین ستراکشن (یا نه مه آل - خانو)		ساختمان، بنا، احدات
<b>consul</b> <i>n</i>	شابه نده - ر کونسول ببالوئیز کین (کان) بیل		کنسول، قنصل
<b>consult</b> <i>v</i>	چاره گه ری که رده ی - عه لاج کردن کین سالت		مشورت کردن
<b>consume</b> <i>v</i>	واردی - خواردن - مه سرووف (کان) کین سیوم		مصرف کردن، نابود کردن
	کردن - سو چنای، خه ساردان		هله ر دادن
<b>consumption</b> <i>n</i>	مه سرووف - سو ته مه نی، سیل کین سیوم پشن		مصرف، سوخت - بیل
<b>contact</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	ها تو چو کردن - ئامو شیه (کان) کُن تکت		تماس گرفتن با / مکاتبه کردن
	که رده ی، که ینو به ین		
<b>contact</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	ئامو شیه - وه سل - تریات (کان) کُن تکت		اتصاف، تماس، بر خور دار، تباط
<b>contain</b> <i>v</i>	تیا بوون - چه نه بیه ی (کان) کین تین		دارا بودن، هه ریداشتن
<b>container</b> <i>n</i>	ده فر دارا - هه نه ئوق - صاحب (کان) کین تینر		ظرف، مه حتوی، مه حفظه

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
همچشمی کردن، رقابت کردن	چاوی لێگه‌ری کردن - چه‌موسی - کین ژند		<b>contend</b> <i>adj</i>
خشنودن رضای بقناعت	فه ریح دڵ وه ش پرازی	کان (کین) ژنت	<b>content</b> <i>adj</i>
خوشحال، خشنودن قناعت	دلشاد - مه سروور	کان (کان) کین تینتید	<b>contented</b> <i>adj</i>
	سه‌رخوش، تیر		
محتویات - ظرفیت	تیا داری - نه‌ندازه‌دلی داری	کان (کان) کین تئست	<b>contents</b> <i>n</i>
رقابت، مشاجره، مسابقه	ده‌نگه‌ده‌نگ - هه‌ول	کان (کین) تئست	<b>contest</b> <i>n</i>
تقلا	مسابقه، هاوچاوی کردن		
قاره، بهر هیزگار	(تیکه - که‌رت) - خوشکامی	کان (کین) تینت	<b>continent</b> <i>n</i>
	پاک‌داوین		
قاره‌ای - قاره‌مانند	وشکامی - ئوروپا ییجگه‌له	کان (کین) تی نیتل	<b>continental</b> <i>adj</i>
	بریتانیا		
ادامه‌دادن، دنبال کردن	دریژه‌پیدا - دریژه‌په‌نه‌دای	کان (کین) تین یو	<b>continue</b> <i>v</i>
دالعی، مدام، مگور	دایمی - هه‌میشه‌یی - مدام	کان (کین) تین یول	<b>continual</b> <i>adj</i>
ممتد، پیوسته‌ییایی	یی‌پران - گورای‌گور	کان (کین) تین یوز	<b>continuous</b> <i>adj</i>
	یی‌وچان، مدام		
مقاطعه، قرار داد هیمان	نویسه‌وبه‌ینی - قه‌رار داگ	کان (کین) تروکت	<b>contract</b> <i>n</i>
مغایرت، ناهماهنگی	نوارده‌ی - نایه‌جی - ناخوانی	کان (کین) توری	<b>contrary</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
بغلاف، برعکس - خلاف	دژبه - پیچوانه وخیلاف	کان (کین) توری	<b>contrary</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>
تفاوت داشتن - مقابله کردن	وه‌رانوه‌ر مدرای - راوه‌ستان	کان (کین) تراست	<b>contrast</b> <sup>2</sup> <i>vt</i>
مقایسه کردن	دژبه‌فه‌رق که‌رده‌ی، مزه‌نه‌گرتن		
اختلاف، تفاوت	فه‌رق - وه‌رانوه‌ره - جیاوازی	کان (کین) تراست	<b>contrast</b> <sup>2</sup> <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سهام دادن - سهیم بودن	به‌ش داربوون به‌ش دای	کان (کِن) تری	contribute <sup>v</sup>
اهدا کردن	(دان) - یاری دان	بووت	
دانگه، اعانه، سهم	دانگه - به‌ش - یاری	کان (کِن) تری	contribution <sup>n</sup>
اهدا دادن، بخشش	خه لّات	بووشن	
سرپرستی / کنترل کردن	زاوته بیهی - چاود پیری کردن کان (کِن) تزل		control <sup>1 n</sup>
تنظیم / تأیید کردن	سهر په‌رسی که‌رده‌ی		
کنترل، تسلط، هدايت	چاود پیری - زاوته	کان (کِن) تزل	control <sup>2 n</sup>
	سهر په‌رسی، دکمه‌ی رادیو		
مناسب، مفید، راحت، مقدور	چاک - خاس باش به‌یاگه	کان (کِن) وینپنت	convenient <sup>adj</sup>
راحتی، سهولت، آسایش	ره‌حه‌تی - ئارامی - ئه‌منی	کان (کِن) وینپنس	convenience <sup>n</sup>
دیر، صومعه، خانقاه	دیل - عبادتگاه - پروکه‌نیس کان (کِن)		convent <sup>n</sup>
	پونت		
گفتگو، مکالمه، صحبت	وتوو پز کردن - قسه‌که‌رده‌ی کان ورسې یشن		conversation <sup>n</sup>
برگرداندن - تبدیل کردن	هورو گیلنای هه‌لگه‌راندن کان (کِن) ورت		convert <sup>v</sup>
تغییر، تبدیل، تغییر مذهب	وارپای - گوران - شیواوی کان (کِن)		conversion <sup>n</sup>
	ثابین گوران	ورشن (ژن)	
حمل کردن، رساندن، بردن	بردن - یاونای به‌رده‌ی	کان (کِن) وی	convey <sup>v</sup>
محکوم / متهم کردن	بوختان په‌ی که‌رده‌ی	کان ویکت	convict <sup>1 v</sup>
	مه‌حکوم کردن - بوخت بو کردن		
مجموعه نگاهکار، زندانی	گونایار - گوناکار - جرم‌دار کان ویکت		convict <sup>2 n</sup>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مقاعد / قانع کردن	قانع کردن - رازی که رده ی	کان (کن) وینس	convince <sup>v</sup>
غذاپختن، آشپزی کردن	ناشپه زی که رده ی - چیشْت	کُک	cook <sup>1 v</sup>
	کردن - چی شت لینان		
آشپز	ناشپه ز - چاشت که ر	کُک	cook <sup>2 n</sup>
چراغ خوراک پزی	چرای چیشْت لینان - چراوی	کُکیر	cooker <sup>n</sup>
	چاشت که رده ی		
خنک - آرام، خونسرد	چیا فینک - آرام - سارد - منتم	کویل	cool <sup>1 adj</sup>
خنک شدن، خنک کردن	فینکویه ی خینک کردن	کویل	cool <sup>2 v</sup>
	سارد کردن		
باهم کار کردن، همکاری کردن	هاوکاری کردن - پیوره کار که رده ی	کُپیریت	cooperate <sup>v</sup>
همکاری، تعاون	هاوکاری - یاری دان	کُپیرشن	cooperation <sup>adj</sup>
تعاونی، شرکت تعاونی	یارمه تی - یاری ده ی - شراکه ت	کُپیرتیو	cooperative <sup>adj</sup>
مس - آجانب	مس - مسینه - فلز یوه ن، ئاتاس	کُپر (کاپر)	copper <sup>n</sup>
رونوشت / کپی گرفتن	فتوکوپیی گرتن - نوسخه گرتن	کُبی (کاپی)	copy <sup>1 v</sup>
رونوشت، کپی، نسخه	رونوئیس - کوی - ورونوس	کُبی (کاپی)	copy <sup>2 n</sup>
طناب، پرسیمان، نازکسیم، بند	ته نافه - گروئیس - وه ر - یسه - ته ل	کُند کُرد	cord <sup>n</sup>
چوب پنبه، چوپتری	چوپه مه - چوپه مگ	کُرک	cork <sup>n</sup>
غله، بلال، میخچه	خه له - گه نم و جو، بالوک	کُرن	corn <sup>n</sup>
گوشه، کنج، نبش	سو وچ - کوئج - گو شه - چزه	کُرنیز	corner <sup>n</sup>
بنگاه (تجاری، ...)، شرکت	شرکه ت - شدریکه ئانسی - تجاره ت	کُرپری شین	corporation <sup>n</sup>
اطاق تکثیر	ئو تاقی - رونوئیس	کُبی روم	copy room <sup>n</sup>

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
corpse <i>n</i>	کُرپس	که لاک - لاشه، مردار	جسد، نعش، جنازه
correct <sup>1</sup> <i>adj</i>	کُرکت	دروست، رِیک، راس	صحیح، درست، یو‌است
correct <sup>2</sup> <i>v</i>		دروس کردن، وه‌ش که رده‌ی کُرکت (کارکت)	صحیح / اصلاح کردن
correctly <i>adv</i>		به جووری، دروست به دروسی، کُرکتلی	به طور صحیح
correction <i>n</i>		رِیک، دروست، ساقو که رد، کُرکشن	اصلاح، تصحیح، یو‌رایش
correspond <i>v</i>		یو‌یه ک نووسین نامه نویسه‌ی کاریس باند	مکاتبه کردن
		په‌ی یه کترینی، یه کئی بون (کُرپس باند)	مطابقت داشتن
correspondence <i>n</i>		ته فه رنج - سرنج، کاریس باندیس	مراسلات - مکاتبات
		نویسه کئی (کان) له یه ک نووسان	همخوانی، مشابهت
		چون یه ک	
corridor <i>n</i>		هه یوانه سالۆن، پِیش خانوو، کُریدۆر (کاریدۆر)	سالن / راهرو، ساختمان
cosmetic <i>n</i>		ئه سپایی خو جوان کردن، کارم تیکس	لوازم آرایش
		ئه سپابوو ئارایشی	
cost <sup>1</sup> <i>n</i>		قیمه‌ت، ئه رزش جایی، ئِیژای، کاست	لوژش، قیمت، هه‌زینه
cost <sup>2</sup> <i>v</i>		ئِیژای، ئه ژیان، کاست	لوزیدن، قیمت داشتن
costly <i>adj</i>		قیمه‌تی، گران، ئه نتیک، کاستلی	قیمتی، گران، پُره‌خرج
costume <i>n</i>		لیباسی نه ته وه‌یی، کاستیوم	لباس سنتی / محلی، جامه
		لیباسی ویمانی، جل و به‌رگ	
cot <i>n</i>		جئی خه‌وی منال، کۆزه، که پره، کات	تخت‌خواب بچه / کودک / اسفر
cottage <i>n</i>		مالی لادی، یانه باخی، کاتیج	خانه روستائی، کلبه
cotton <i>n</i>		وره‌نه یه سلۆکه ده‌رگ، کاتن	پنبه، پنبه، گتان

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باند زخم، بانداز	باندوزە خمی - زە خم (زام) پیچ	کاتن وول	cotton - wool <i>n</i>
تخت کانا به، بیان خاص	تەختی - رە حەت - نیمکە تی	کتوج (کُوج)	couch <i>n</i>
سرفه	قە - کۆ - قە - قوزە	کاف - کتوف	cough <sup>1</sup> <i>n</i>
سرفه کردن	قە - کە - رە - قوزای	کاف - کتوف	cough <sup>2</sup> <i>v</i>
	کۆ - کە - کردن		
گذشته can (توانستن)	توانین - تاوای - وێ - رە - وکە نی	کُود (کود)	could <i>v</i>
انجمن بشورا، مجلس، هیئت	کۆر - چە - مخانە - مە - جلیس	کتونسیل	council <i>n</i>
عضو بشورا / انجمن	داخڵ - بە - جە - مخانە - سە - رە	کتونسیلەر	councillor <i>n</i>
	مە - جلیس		
شمردن، شمارش کردن	ژماردن - شمارای - ژمارای	کتونت	count <sup>1</sup> <i>v</i>
	حە - ساو - کە - رە - ی		
عمل شمارش، محاسبه	عە - مە - لی - ژماردە - وە - کارو - ژماردە - ی	کتونت	count <sup>2</sup> <i>n</i>
پیشخوان، تون، میز	ژۆ - نو - گە - مە - ی - وە - رە - س	کتونیر	counter <i>n</i>
ضد	پیش خوان - بی سات		
کشور، روستا، دهکده، وطن	و - ل - ات - دە - گ - گون - دە - ی، زاگا	کانتیری	country <i>n</i>
یلاقات، هموه، بیرون شهر	قە - راخە - و - شاری - دە - و - ر - و - بە - ری - شار - کانتیری - ساید		countryside <i>n</i>
	تیلّاخ - هە - و - ارگە		
زوج، دو تازین و شوهر	ژن و شوو - دوان - جفت	کاپل	couple <i>n</i>
به هم وصل کردن	جووتی، نه نجامه و به ری		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوپن - بۆش	کوپن - کاغەزی وردی باتی	کوپن - کوپُن	coupon <i>n</i>
قبض تخفیف	پوولی - جوۆری بیتاقە و بلیت		
دلاوری، شجاعت، دلیری	شە جیع، جە جەرگ زرنگی	کاریج	courage <i>n</i>
رشید، دلیر، پەڕد	دلیرزات دار - ئازا	کاری چس	courageous <i>adj</i>
طی - مسیر - رشتە، دورە، پُرس	دەورە - رشتە - پُری - را، دەس	کورس	course <i>n</i>
دادگاھ - میدان ورزشی - دربار	دادگا میدان مە یدان	کورت	court <i>n</i>
حیاطە	بارگا، حەوش		
عمە زادە، خالە زادە، عمو زادە	خالۆزا - پوو زامە تیه زامە	کازین	cousin <i>n</i>
دایی زادە	مامۆزا - لالۆزا - دێدەزا - پوو زامە		
پوشاندن، پنهان کردن	پۆژ نا - پۆشان - دا پۆشان	کاوړ	cover <sup>1</sup> <i>v</i>
روکش، پوشش، جلد	پۆشە - روو کەش، روبە ند	کاوړ	cover <sup>2</sup> <i>n</i>
گاو شیردە، گا و مادە	مانگا - مانگا وە	کتو (ک)	cow <i>n</i>
ترسوویی، بزدلی، آدم ترسو	بێ زات - تەرسە نوک - کەم جەرگ - کورد		coward <i>n</i>
بزدلانە، باترس و لوز	ناپیا - تەرسە نوکی - بێ زاتی	کتوردلی	cowardly <i>adj</i>
گا و چوان (امریکایی)	شوانە و گاوان - گا چە رین	کتوبوی	cowboy <i>n</i>
خوڕچنگ، آدم بدخلق	قورژال - قارژنگی - قارژنگ	کُرب	crab <i>n</i>
توک خوړدن	میرپای ترە ک بە رده ی	کُرك	crack <sup>1</sup> <i>v</i>
صدای شکستن چیزی	ترە ک خواردن، پۆقە و تە قە هاتن		
توک، فرز - صدای رعد آسا	ترە کە - تریشکە - ترە ک	کُرك	crack <sup>2</sup> <i>n</i>
شکاف، ماهر	گرمە و هارە ی (شکان		
گهوارە، ننو	پیشکی - لاله - لانک - پیشکە	کُربدل	cradle <i>n</i>

ʌ	ɜ:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کار دستی - کشتی، هواپیما	سَنهت - ئو سایی - که شتی	کرافت	craft <sup>n</sup>
ناو، هَرمندی، بَکر	بالوین ته یاره ده ست ساز		
په‌کردن - چپاندن - غرقوایی	ته پَنای - په‌کردن - په‌که‌رده‌ی	کزم	cram <sup>v</sup>
چوئقیل / چوئقال، ئوژنا	چه‌ره سه‌قیل - ماشینی هه‌لگر	کرین	crane <sup>n</sup>
گودن / راژ کردن	قازی و قولنگ، مل در یژ کردن		
سرو صدای شدید - تصادف	پۆقه هور ته‌ق ده‌نگی زل	کزش (کراش)	crash <sup>1 n</sup>
سرو صدای شدید کردن	ته‌قیای - یه‌یک ده‌کردن	کزش	crash <sup>2 n</sup>
سقوط / تصادف کردن	پۆقه که‌رده‌ی (خوار که‌وتن)		
صندوق / جعبه چوبی بزرگ	چنگله سه‌نۆق - لاتای یه‌غدان	کریت	crate <sup>n</sup>
سینه‌خیز رفتن، خزیدن	گاله کوتی لوای به‌هرزا	کزل-زل	crawl <sup>v</sup>
	خو کیشان - سینه‌خزای		
مداد شمعی / رنگ	مه‌داده‌نگی - مه‌داد شه‌معی	کرین	crayon <sup>n</sup>
دیوانه، احمق، هُل	شیت دیوانه - ئازار دار	کرپی	crazy <sup>adj</sup>
مجنون	موکل دار، گه‌وج		
قرچ قرچ کردن	جیره جیره که‌رده‌ی	کرپک	creak <sup>n</sup>
جیر / غژ کردن	قرچه قرچ کردن وه‌ک‌ناور		
سروشیر، خامه، کرم پوست	توشوتی - چه‌وری شوتی	کریم	cream <sup>1 n</sup>
زیده	تویی شیر سه‌رشیر، په‌ساووریا		
(رنگ) کرم، سرآمد	ره‌نگی کریم - ره‌نگوکه چه‌ره‌ی	کریم	cream <sup>2 adj, n</sup>
	ره‌نگی به‌ینی سپی وزه‌رد		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نیم دایره	نیو دایره	کرسینت	crescent <i>n</i>
افریدن، خلق کردن	وهش که رده ی - خولقاندن	کرییت	create <i>v</i>
هست کردن	خولقنای - خوش کردن، کردیت		
خلقت، افرینش، مخلوقات	خولقنا - خولقان - وهش که رد	کرییشن	creation <i>n</i>
آفریده - مخلوق	مه خولق - خه لک - وهش یه	کرییچر	creature <i>n</i>
	به دی هات		
شهرت، اعتبار، نسیه،	شوره ت - قه رز - جار و بهش	کرییت	credit <i>n</i>
اعتماد - قسطنی	که رت، باور		
خزیدن، جز دانه خزیدن	خشکیای - خوبه زه وی دا کیشان	کریپ	creep <i>v</i>
گسترده در گیاهان	له مه خشکی لوی		
تاج و تاجک - نوک هر چیزی	کا کو لی - نووک - کا کو ل	کریست	crest <i>n</i>
الله	که ل، سه ر - تاجه، پوپه		
کارکنان گشتی، خدمه	کریکاران له که شتی	کروو	crew <i>n</i>
کارگران	کارگه ری که شتی، کری کاران		
بازی کریکت، جبرجیرک	کایه ی کریکت - جورپوه	کریکیت	cricket <sup>1</sup> <i>n</i>
	گه مه به توپه و چو		
جبرجیرک، زنجیره	جیر جیره که ره سی سه رگی	کریکیت	cricket <sup>2</sup> <i>n</i>
گریه کردن، غریه ادا کردن	قیپنای - قیپاندن قیچاندن	کرای	cry
	کرای		cries <i>see cry</i>
گناه، جنایت، جرم، جنایت	گونا نه گو ناح - جنایه ت - تاوان	کریم (کرایم)	crime <i>n</i>

f fall    v voice    θ thin    ð they    s so    z zoo    ʃ she    ʒ vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جنايتكار-جانی، مجرم	تاوان دار-جنایی-تاوانباری کړی مینل		criminal <i>n</i>
	مجرم		
جنایی - تبه کار	تاوانی-جنایی-به د کرده وه کړی مینل		criminal <i>adj</i>
سرخ، خون رنگ، زرشکی	سوور-ثال-ون ره ننگ کریم زن		crimson <i>n</i>
	خوین ره ننگ		
چلاق، انگ، معلول، شل	شل - کوچ، گیر کړی پل		cripple <i>n</i>
چلاق / لنگ شدن	شل بیهی-شل بوون کرپل		cripple <sup>1</sup> <i>v</i>
	کوچ وئی فلیج بیهی		
بهران، گرفتاری، شور	گرفتاری-ته ننگ و چه له مه، کرابسیز		crisis <i>n</i>
	وه یویر خاله باری شیواوی		
تود، شکننده - تود و تازه	نهرم و شل-توت-چین دار-تاز، کریسپ		crisp <sup>1</sup> <i>n</i>
چیپس - فروغ بخش	چیپس، لول-ثالاو-خوش، کریسپ		crisp <sup>2</sup> <i>n</i>
ایراد گرفتن، سخن سنجی	ئیرا د گرت هی-دا کوتان کړی تی		criticize <i>v</i>
کردن	به ره ک گرت هی، رخنه گرتن ساینز		
منتقد، انتقاد کننده، خُرده گیر	هه یب گیر-ثاشو-ته شه رده ر کړی تیک		critic <i>n</i>
انتقادی، ایرادگیر، نقدگرانه	ئیرا د گرتی-چو لکه شکین کړی تیکال		critical <i>adj</i>
انتقاد، نکوهش، نقد	ته شه ر-چو لکه شکین کړی تی		criticism <i>n</i>
	ورده گیر-ئیراد سیزم		
صدای قورباغه وکلاغ	ده نگو قرواقی که رده ی-قرواقی کړوکی		croak <i>v</i>
دراوردن	ده نگی قرواقی ده رهاوردن		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کاسه بشقاب، کاسه (ظروف سفالی)	دهوری، جامو له کاسه، فنجان	کۆکری	crockery <i>n</i>
تمساح، کروکودیل	تیمساح، ماره ساوه ی ئاویه	کۆکدیل	crocodile <i>n</i>
پریسج و خم، بشیا دنگلاردار	نه هه نگی پوزه دار	(کروکودیل)	crooked <i>adj</i>
غله، حبوبات - بار، محصول	کۆل - لاریگیرته مچ دار، بادار	کۆکید	crop <i>n</i>
گروه، چینه دان	به ره م - حاصل بهر	کۆپ	
علامت ضربدر (x)، حلیب	مووی کۆل، کلۆزرک		cross <sup>1</sup> <i>n</i>
گذشتن، عبور کردن، دورگه	مه ددو خیت سه لیب - پانی	کراس	cross <sup>2</sup> <i>v</i>
چهارراه، تقاطع	ره دبییه ی - گوزهر کردن	کراس	crossing <i>n</i>
ناراحت، خشمگین	جوارری (را) - یاگی هورت ته قی	کراسینگ	cross <sup>3</sup> <i>adj</i>
پیوند زدن	توره ناره حه ت، جری	کراس	
(تقاطع) چند راه	بازودوه ره نگ - قه لۆ		crossroads <i>n</i>
جدول حروف	چوار را - شارا	کراس رودز	crossword <i>n</i>
چمباتمه / چهارزانو زدن	جه دوه ل	کراس ورد	crouch <i>v</i>
قوز / کز کردن	دانۆندن نامیای - قوتو دای	کرونچ	
زاغ - کلاغ، بالیدن	جو جکه دای - چوار جامه دای، کز کردن		crow <i>n</i>
انبوه مردم، جمعیت	قشقه ره - جورهی قالاوی	کرنو	
لزدحام کردن، جمع شدن	سیاو و چه ره مه - قه ل - قالاو		crowd <sup>1</sup> <i>n</i>
شلوغ، پرجمعیت	جه م یه و مه رمی - شلوق	کرنود	
	قه ره بالغ - قال		crowd <sup>2</sup> <i>v</i>
	جه م یون - جه م بییه ی - گلیر و بییه ی	کرنود	crowded <i>adj</i>
	شلوقی - قال - پرنفوس	کرنود	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تاج، دیهیم شاهی	تاجه - جخه - تاج و نه فسه ر	کرون	<b>crown</b> <sup>1</sup> n
تاجگذاری کردن	تاج سه ره نیای - تاج له سه رکودن	کرون	<b>crown</b> <sup>2</sup> v
نارس - ناجور، نامربوط	خام نیا و اسنه گه ییگ	کروود	<b>crude</b> adj
خام	ناره و، ده یمی		
بیرحم، دیگر از لایزالم	بیر په حم زالم نیا پیاو	کروول (کزل)	<b>cruel</b> adj
بیرحمانه، بالاساوت	بیر په حمی زالمی	کرولی	<b>cruelly</b> adv
	به دل ره قی	(کزلی)	
دیگر از لای، ستمکاری	بیر په حمی زالمه یه تی	کرولتی	<b>cruelty</b> n
خود، تکه	ورده نان - تیکه چت ورده	کرام	<b>crumb</b> n
فروریختن، ریزش کردن	کرو چای - کروتیه ی ورد کردن	کرامبل	<b>crumble</b> v
ریز کردن	رژای - ته پین، روخان		
با فشار سنگین صدمه دیدن	تلیقنای - پلچو که رده ی	کراش	<b>crush</b> v
له شدن، ظلم کردن	پانو کردن وردبون		
بخش خاچی (نان)، پوسته زمین	لجی نانی - پی ست ده ورئ نان کراست		<b>crust</b> n
چوب ز پریرفل چوبدستی	چو چیر و بالی - گوجان	کراچ	<b>crutch</b> n
	چیوی ژیری بال، گالوک		
فریاد کشیدن - گریه کردن	قیقنای قیقرا نندن	کرای	<b>cry</b> <sup>1</sup> v
زلی کردن	گه وه ای (گریان)، به کول گریان		
داد و پز یا دزلی	هاوار داد و خه ریاد	کرای	<b>cry</b> <sup>2</sup> n
تولگر به سالان، بیچه	پار کو له - توت ته کو له - توتک	کاب	<b>cub</b> n
	منالی نا آرام به چکه		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
cube <i>n</i>	کیوب-کاب	هه شت سووچ-موکه عه ب	مکعب، توان سوم ریاضی
		شه ش دیم (رو)	
cubic <i>adj</i>	کیوبیک	هه شت سووچی-شه ش رو	مکعبی، مکعب شکل
		شیوه	
cucumber <i>n(cud)</i>	کیوکامپر	هاروی-خه یار-خیار-کاوێژ	خیار - نشخوار
		تروزی و چه مه ره	
cuddle <i>n</i>	کادل	له باوه ش گرتن-ئه وشێ گرتن	دراغوش کشیدن، بغل کردن
cuff <i>n</i>	کاف	سه رقوڵ-په راوێژ و لیباسی	سراستین، لبه لباس و...
cultivate <i>v</i>	کالی تی ویت	کیلان کالای، په روه ردن	آماده کشت کردن
		کشت و کال که رده ی	به عمل آوردن
cultivation <i>n</i>	کالی تی وشن	کشت و کال-وه ی که ری	آماده کشت و زرع، پرورش
		به خێوکه ری، کیل	
culture <i>n</i>	کال چر	ریوره سمی ژ یانی خه لک	فرهنگ (راه و روش زندگی)
		- فه ره نگ - ده هب	مردم، تربیت
cunning <i>adj</i>	کاتینگ	نادرووس-زول-غه ریوکار	حقه باز، نیرنگ باز
		فیل باز	مکار - حيله
cup <i>n</i>	کاپ	فنجان-جام (جامی شه راو)	فنجان - جام، کاپ
cupboard <i>n</i>	کاپ بورد	گه نجه-قه فه سه-کومود	قفسه، گنجینه، کابینت
cure <sup>1</sup> <i>v-n</i>	کیور	شه فادان-ده رمان که رده ی	درمان / معالجه کردن
		عیلاج کردن، چاره، عیلاج	چاره - شفا

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شفا، درمان، علاج	شه‌فاعةلاج-عه‌یلاج-ده‌رمان	کیور	cure <sup>2</sup> <i>n</i>
کنجکاوی، پیگیری، فضول	گوش‌به‌زه‌نگ‌شون‌گیر	کیوریس	curious <i>adj</i>
	وری‌او‌چاودیر، عه‌راف		
کنجکاوانه، فضولانه	به‌وری‌ایی-چه‌م‌داری	کیوریس‌لی	curiously <i>adv</i>
کنجکاو، ئه‌حفه	وری‌ایانه-چه‌م‌داری	کیوریس‌تی	curiosity <i>n</i>
پیچ دادن - حلقه زدن،	پیچنای‌سلول‌که‌رده‌ی	کیرل	curl <sup>1</sup> <i>v</i>
فرزدن - پیچاندن	هه‌لقه‌کردن و خولدان و یادان		
پیچ، حلقه، فز، تاب	پیچ‌هه‌لقه‌سلول‌بیا	کیرل	curl <sup>2</sup> <i>n</i>
حلقوی، پیچی، فزی	خرتی-خری-خرخالی	کیرلی	curly <i>adj</i>
	ئاسا‌سلولی و یادانی		
پول (رایج)، دست‌به‌دست	پوولی‌مه‌رسووم‌بیلّاو	کارنسی	currency <i>n</i>
گشتن - گردش پول	پوولی‌باوی‌روژ		
جریان (اب، برق، ...)	باو‌ره‌سم‌بیلّاو-قرمه‌و‌ئاوی	کارنت	current <i>n</i>
رایج کنونی	ره‌وه‌نده‌ها تو‌چو-ئاموشیه		
غذای تند و تیز و زردچوبه	جو‌ره‌ی‌پیخو‌رقه‌شاو	کاری	curry <i>n</i>
هندی	چاشتی تونه‌زه‌رده‌چو		
غذای ادویه دار	چیشتی تن و ئالته دار	کارید	curried <i>adj</i>
	چاشته‌ی ئالته داره		
نفرین / لعنت فرستادن	کروزی‌ی‌دژمان‌دای‌دوعا‌کردن	کیرز	curse <sup>1</sup> <i>v</i>
بدنه‌ی کردن	خراوه و تن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نفوین، لعنت، دشنام، ناسزا	خراوه، دژمانی، دوعا، خراپه	کیرز	curse <sup>2</sup> <i>n</i>
پرده (پنجره، در، ...)	په‌رده - دهر پۆش	کیرتن	curtain <i>n</i>
پیچ، انحنا، قوس، خمیدگی	کۆل که وان قه‌مچ و با	کیرو	curve <sup>1</sup> <i>n</i>
	که‌مان و بادان		
پیچیدن، پیچ خوردن	قه‌مچای - پیچ خواردن	کیرو	curve <sup>2</sup> <i>v</i>
دور زدن	ئه‌وه گیلای - چه‌ماندن ده‌وردان		
بالشتک تزئینی، پُشتی	سَرینگا پانی - پُشتی چکۆله	کُشن	cushion <i>n</i>
رسم، سنت، رسم و رسوم	ده‌هه‌پوره‌سم - پری‌پوره‌سم	کاستیم	custom <i>n</i>
عوارض گمرکی	وعادەت، هه‌قه‌گمرگ		
مرسوم، متداول، روا	عاده‌تی - جی که‌فت بیاو	کاستیری	customary <i>adj</i>
مشتری، خریدار	مشته‌ری - سانه‌رخه‌ریدار	کاستیر	customer <i>n</i>
گمرک	گمرگ	کاستیمز	customs <i>n</i>
کوتاه کردن - قطع / تکه تکه /	په‌یه‌ی برین - کۆلۆ	کات	cut <i>v</i>
بریدن و جدا کردن	که‌رده‌ی - جگتی کردن		
بریدگی / زخم - قطع، برش	زام - بریش - کوت - پاچ - پرنا	کات	cut <sup>2</sup> <i>n</i> (cutting)
سرویس کارد و چنگال	کۆمه‌له‌ی کیرد و چنگال	کات لری	cutlery <i>n</i>
ابزارهای برنده	ده‌سوکارده و چنگالی		
چرخه‌دوچرخه‌زمانه‌دوره	دو‌چرخه‌ده‌وره‌دوره‌وران - خول سای کل		cycle <sup>1</sup> <i>n</i>
دوچرخه‌سوار و موتورسوار	دو‌چرخه‌رخه‌سوار	سای کل بستم	cyclist <i>n</i>
دوچرخه سواری کردن	دو‌چرخه‌رخه‌سواری کردن	سای کل	cycle <sup>2</sup> <i>v</i>

(که‌رده‌ی)

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوچرخه سواری	دووچه رخرانی	سای کلینگ	cycling <i>n</i>
چردباد - ئدباد	توفی قورس - گه رده لولول	سای کیلون	cyclone <i>n</i>
سیلندر، استوانه	ئستوانه - لولوله ئاسا	سیلندر	cylinder <i>n</i>
استوانه‌ای	ئستوانه یی لولوله یی	سیلندری	cylindrical <i>adj</i>
مثانه - تخمدان - کیست	گمیزدان - تیزانگی - توم دان	کال	cyst <i>n</i>
قیصر - همه کاره امور	قه یسه ر - تزار	تزار - زار	czar <i>n</i>
زبان چک (شاخه‌ای از اسلاوی)	زمانی چه کی	چک	czech <i>n</i>
کازه (نام خدای اریایی در اورامان شمال پاوه) در عهد اشوریان (کازو)	کازه ناوی یه کی له خودا کانی		cza = cazha <i>n</i>
ورم مثانه	با کردن و نه خوشی	سیس تای نیس	cystitis <i>n</i>
آدم‌بدین و منفی باف	به شهری به دگومان و جاش	سی نیک	cynic <i>n</i>
لباس	جل و بهرگ و لیباس	سیال	cypali <i>n</i>
سیاه - مشکی	سیاو - رهش	سیاو	cyaw <i>adj</i>

i:    ɪ    e    ae    a:    ɒ    ʊ    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too



colonnade



corkscrew



crocodile(def 1)



crab(def 1)



cones



cockle



centaur



JAGUAR



LYNX



PANTHER



LEOPARD



LIONESS



LION



TIGER



PUMA

# D d

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>D</b> <sup>n</sup>	دی	چواره مین پیتی ئه لڤیا	چهارمین حرف الفبای انگلیسی
<b>daata</b> <sup>n</sup>	داته	تاته بیاوک بیا بیا به	پدر - بابا
<b>dab</b> <sup>vt</sup>	دَب	ره نگ که رده ی (کردن)	رنگ کردن، آهسته زدن
<b>dabble</b> <sup>vt,vi</sup>	دبَل	ته رک کردن محالای مالین	تور کردن محالیدن، شلپ شلپ
<b>daddy</b> <sup>n</sup> (dad)	دَدی	تاته بیاوک بیا به داده	پدر - بابا
<b>daffodil</b> <sup>n</sup>	دَف دِل	نه رگسه زه ردک نه رگسی زه رد	نرگس زرد
<b>dagger</b> <sup>n</sup>	دَچِر	خنجره - خه نجره	خنجر، قمه، دشنه
<b>dally</b> <sup>adj,adv</sup>	دِلی	روژانه گرده روویه	روزانه، یومیه، روزمره
<b>dairy=creamy</b> <sup>n</sup>	دِیری	کارخانه ی شیران	لبنیاتی، لبنیات فروش
		شوَت وره شی	
<b>dam</b> <sup>1 n</sup>	دَم	وه رپه نگ سه ده بیه ریه ست	سد، آب بند
<b>dam</b> <sup>2 v(dammed)</sup>	دَم	وه ریه سه ی سه دلیدان	سد بستن، سد زدن
		وه رپه نگ دای - ئاویه ست	
<b>damage</b> <sup>1 n</sup>	دَمِج	له تمه زه ره، تاوان	خسارت، صدمه، آسیب
<b>damage</b> <sup>2 v</sup>	دَمِج	له تمه ده ی زه ره رکردن	خسارت / صدمه دیدن

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مرطوب، نم‌دار، رطوبت	نمناک نه‌م‌دار، ته‌رسنرم	دَمپ	damp <sup>adj</sup>
رقصیدن، رقص	هۆرپرای هه‌له‌په‌رین	دانس	dance <sup>1 v</sup>
رقاص، رامشگر	هۆرپه‌که که ره‌هه‌له‌په‌که که‌ر	دان سیر	dancer <sup>n</sup>
رقص - مهمانی / مجلس	ره‌قس میوانی	دانس	dance <sup>2 n</sup>
رقص	کۆری هه‌له‌په‌رکی		
دانمارکی	خه‌لکی دانمارک دانمارکی	دین	dane <sup>n</sup>
ریسک، خطر - ضرر	مه‌ترسی - خه‌ته‌ر	دین چر	danger <sup>n</sup>
خطرناک، خطر	مه‌ترسی دار-پر خه‌ته‌ر	دین جوس	dangerous <sup>adj</sup>
شجاع بودن، شهامت داشتن	دیرزات دار بیه‌ی سی‌باک	دیر	dare <sup>v</sup>
	بوون		
تاریک‌تیره، رنگ، شبانگه	تاریکی لیلی	دارک	dark <sup>1 adj</sup>
تاریکی - تیرگی	تاریکی لیلی	دارک‌نس	darkness <sup>n</sup>
تاریکی - تاریک	تاریکی لیلی	دارک	dark <sup>2 n</sup>
عزیز، ملوس، جگرگوشه	به‌نوودلی - نازیز شیرین	دارلینگ	darling <sup>n, adj</sup>
دارت (نوعی بازی)	تیره‌ره‌مه - جوړی کایه	دارت	dart <sup>1 n</sup>
تیر-زوبین - خیز	(گه‌مه)، گوله		
تیز/سریع رفتن، خیز زدن	تندلوی خه‌ته‌کردن	دارت	dart <sup>2 v</sup>
سریع / باشتاب رفتن، کوفتن	به‌فره‌لوی جه‌توند چوون	دَش	dash <sup>1 v</sup>
خط تیره (-)، ذره	خه‌ته‌ی به‌ینه‌وشه	دَش	dash <sup>2 n</sup>
	خه‌ته‌وما به‌ینوکه لیمان		
تاریخ (روز، مه، سال)، خرما	ته‌نرێخ - تاریخ وه‌خت وکات	دیت	date <sup>1 n</sup>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خرما - زُطَب	خورما	دیت	date <sup>2</sup> <i>n</i>
دختر - دخت	کناچێ - کچ - نیشک - دئود	دُتر	daughter <i>n</i>
سپیده دم، فجر - سحر	شەفەق - تووله کوسوچی	دُن	dawn <i>n</i>
آغاز	به‌ریه‌یان		
روز - شبانه روز، ۲۴ ساعت	رۆژ-رۆشه‌وورۆژ	دی	day <i>n</i>
روشنی روز، سپیده‌صبح	رۆشنا - خۆرتاویو	دی لایت	daylight <i>n</i>
	کاتی‌رووناکی به‌یان		
هنگام‌روز - روز	رۆه‌خت - کاتی‌رۆژ	دی تایم	daytime <i>n</i>
مُرده - بی‌جان	مردو - مه‌رده - گیان به‌رشیه	دِد	dead <sup>1</sup> <i>adj</i>
کشنده، مهلك	کوژه‌ر - کوشه‌ر - گیان‌گیر	دِدی	deadly <i>adj</i>
مردگان - مُرده	مه‌ردی - مردوان - مردگه‌کان	دِد	dead <sup>2</sup> <i>n</i>
گُر، ناشنوا	که‌ر - نه‌ژنه‌وانه‌بیسەر	دِف	deaf <i>adj</i>
دادوستد - اندازه - چوب‌کاج	مامۆله‌به‌ش - ئە‌نازه	دِیل	deal <sup>1</sup> <i>n</i>
معامه / تجارت / داد و ستد /	مامۆله‌که‌رده‌ی (کردن)	دِیل	deal <sup>2</sup> <i>v</i>
رسیدگی کردن - دادن، تقسیم	دابەش کردن - ره‌فتار کردن		
کردن			
معامله گر، دلال، واسطه	مامۆله‌گه‌رده‌رآل	دِیلیر	dealer <i>n</i>
عامل	چیووره‌ش - چت‌فروش		
عزیز - گران - گرانمایه	ئازیزه‌روه‌ر - گران - عه‌زیز	دِیر	dear <sup>1</sup> <i>adj</i>
بسیار، گران	زۆر - گران - فره	دِیرلی	dearly <i>adv</i>
گران، گرانبه‌قیمت	گران قییمەت	دِیر	dear <sup>2</sup> <i>adj</i>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
death <i>n</i>	دِث	مردن - مەر دهر دێ، فوَتیان	مرگ، سستی - درگذشت
debate <sup>1</sup> <i>n</i>	دِی بَیت	باس - گو فتو گو - قسه کردن	مذاکرات مهم - رایزنی، بحث
debate <sup>2</sup> <i>v</i>	دِی بَیت	گو فتو گو کردن - باس کەر دهر دێ	مذاکره / مباحثه کردن
debt <i>n</i>	دِث	قەر زلاوه بیهی - دهر دێ، قەر زار	قرض، دین، بدهی
decay <sup>1</sup> <i>v</i>	دِی کِی	پو ترکیای - دار زیان - خمریای	فاسد / خراب شدن
decay <sup>2</sup> <i>n</i>	دِی کِی	وهرین - خمریای - دار زیان - گه نا	خرابی، پوسیدگی، فساد
deceive <i>v</i>	دِی سِیو	خَله تنای - خه ر یو دان	گول زدن، فریب دادن
deceit <i>n</i>	دِی سِیت	خَله تنای - خه ر یو، فیل	فریب، حقه، نیرنگ، تقلب
december <i>n</i>	دِی سِیم پِر	مانگی دوازده مه له سالێ میلادی دی سیم پِر	دسامبر (دوازدهمین ماه)
decent <i>adj</i>	دِی سِنت	باش - شایسته و لایق	مناسب - شایسته
decide <i>v</i>	دِی ساید	ئیراده کردن - گه ره ک بوون	تصمیم گرفتن، اراده کردن
لێ پرا نا مادده بوون			
decision <i>n</i>	دِی سِی ژن	ئیراده گه ره ک بوونه وه	تصمیم، فصل، حکم
لێ پرا نا مادده بوستن			
deck <i>n</i>	دِک	بنه جیخ جه که شتی	عرشه، کف
عه ر ش دێ که شتی			
declare <i>v</i>	دِیک لِر	وتن - چیر لوی واته ی	اظهار / اعلان / ابراز کردن
declaration <i>n</i>	دِک لیری شِین	چیر لوی واته وه واته وه	اظهار، اعلان، بیانیه
باس - پرا گه یانندن			
decorate <i>v</i>	دِکۆریت	رازانندن - نه وه رازانای	تزیین کردن، مَدال دادن
وێ کو شته ی			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تزیین، دکوراسیون	پازاندنه وه‌ی پازنا	دیکوریشن	decoration <i>n</i>
زینت دادن			
کاهش یافتن - کم شدن	کم بیهی - کم کردن	دی کریس	decrease <sup>1</sup> <i>v</i>
کاهش، نقصان، تقلیل	وارنه‌ورده که کم کرده کم کرد	دی کریس	decrease <sup>2</sup> <i>n</i>
رفتار، کردار، سند مالکیت	ره‌وشت - عه‌مه‌ل‌وره فتار	دید	deed <i>n</i>
عمیق، گود - دور	قوول - قوول	دیپ	deep <i>adj</i>
عمق، ژرفا	قوولایی، چنه‌ئاو	دپس (دیت)	depth <i>n</i>
گوزن - آهو	جور یوه که‌ل - ناسک	دی‌پر	deer <i>n</i>
مغلوب کردن - شکست دادن	تیک‌شکاندن - تارنا‌ی‌ما‌رای	دی فیت	defeat <sup>1</sup> <i>v</i>
باخت، شکست	تارنا - تیک‌شکان - باخت	دی فیت	defeat <sup>2</sup> <i>n</i>
	میریای		
دفاع کردن از - حمایت کردن	پشتیبانی کردن - سه‌ری	دی فند	defend <i>v</i>
	که‌رده‌ی - پشت‌گرتن		
دفاع - حمایت	سه‌ری - پشتیبانی - پشت‌گرتن	دی فنس	defenc <i>n</i>
واضح، مطمئن، معلوم	مه‌علووم - پروون - ناشکرا	دفی نیت	definite <i>adj</i>
به وضوح، قطعاً	به‌ناشکرای - به‌روشنی	دفی نیت لی	definitely <i>adv</i>
یاغی شدن، عیب‌ان کردن	چه‌ته‌گری که‌رده‌ی مل‌ه‌وری کردن	دی فای	defy <i>v</i>
گستاخ، نافرمان، گردن‌کش	روودار - چه‌توون مل‌ه‌ور	دی فاینت	defiant <i>adj</i>
درجه، مدرک، لیسانس، پایه	ده‌ره‌جه‌مه‌دره‌کی - دانشگا - پوول	دی گری	degree <i>n</i>
تاخیر، دیرکرد، معطلی	دیر‌هات - دما که‌وت - دیر کرد	دی لی	delay <sup>1</sup> <i>n</i>
به تعویق انداختن، دیر آمدن	دواخستن - ماتل که‌رده‌ی	دی لی	delay <sup>2</sup> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>deliberate</b> <i>adj</i>	دی لی پریت	ئه نه سه سه خۆم به سه سی	عمدی، ارادی، سنجیده
<b>deliberately</b> <i>adv</i>	دی لی پریتلی	ئه نه سه سه سه ده سه سی	عمدا
		به سه سی	
<b>delicate</b> <i>adj</i>	دی لی کیت	نهرم وشل به ره ریفانه و توت	تورده ظریف، دلپذیر
<b>delicious</b> <i>adj</i>	دی لی شیز	وهش تام - خوش تام	خوشمزه، لذت بخش
<b>delight</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	دی لایت	مه سرور - سهروهش	خوشی، شادی، مسرت
		خوشی وهشی	
<b>delight</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	دی لایت	سهروهش که دهی	مسرور ساختن / کردن
		خوشحال کردن	
<b>deliver</b> <i>v</i>	دی لی وړ	په نه سپارده ی به پی دان	تحویل دادن، بهانهیدن
<b>delivery</b> <i>n</i>	دی لی وری	په نه دای - پی سپار - په نه سپار	تحویل، زایمان
		پیدان	
<b>demand</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	دی ماند	لیخواز تن - گهره ک بیهی	درخواست / تقاضا کردن
		نیاز بون، تواستن	طلبیدن
<b>demand</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	دی ماند	لیخواز - چه نه واز	تقاضا، درخواست، مطالبه
		لئ گهره ک بووگ، خوازین	
<b>democracy</b> <i>n (...PL, ctes)</i>	دیموکراسی	دیموکراسی - حکومه تی	دموکراسی، مردم سالاری
		مللی و مه ردومی	برابری حقوق
<b>demolish</b> <i>v</i>	دیمولیش	ویران که دهی - حرژنای	خراب / تخریب کردن
		رووخاندن	

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
demolition <i>n</i>	دیمولیشن	ویرانی - خراوی - روو خاندنه وه	ویرانی، خرابی، تخریب
demonstrate <i>v</i>	دیمونستری	پێ نیشان دان - په نه نیشان دای	به وضوح نشان دادن
demonstration <i>n</i>	دیمونستریشن	پێ وتن	اثبات کردن
den <i>n</i>	دین	ده لیل - واته ی - نما نای	شرح - تظاهر، برهان و بیان
dense <i>adj</i>	دینس	لیانه و گیانداران - مه ره - کون	پیشه، کثام، خلوتگاه
dentist <i>n</i>	دینتست	هه س - پته و شیریا - پور	اتبوه، متراکم، کتندذهن
deny <i>v</i>	دینتست	ده ندان سازد و کتور و دانی	دندانپزشک
		هه شا که ره دی - ژیری بار نه روین دی نای	تکذیب / انکار کردن
		مل نه دان	طرده / عاق / کردن
depart <i>v</i>	دی پارت	روین - هه ره جمای - پروشتن	حرکت / ترک کردن
departure <i>n</i>	دی پارچر	جمای - دا جوین - لوه ی	حرکت، عزیمت، رهسپار
department <i>n</i>	دی پارت مینت	به شی - هه داره - شوین	بخش، حوزه، اداره
depend <i>v</i>	دی پند	مه ربووت بیه ی - بیا و کردن	وابسته بودن - اعتماد کردن
dependent <i>adj</i>	دی پندنت	مه ربووت وه سل - با وهر	وابسته، متکی، دلگرمی
deposit <sup>1</sup> <i>v</i>	دپوزیت	ئه ره وه سی - هه مانه ت سپارده ی	گذاشتن - سپرده بانکی
		دانان، پول و سته ی	داشتن، و سوب کردن
deposit <sup>2</sup> <i>n</i>	دی پوزیت	به یعانه وه لی - دا - پیش دهر	ودیه، پیش پرداخت، سپرده
depot <i>n</i>	دی بو	همار - هماره بار یار کیشی	باربری، اتوبار، پایانه
depress <i>v</i>	دی پرس	خه مین - که ره دی - غه مبار کردن	افسرده کردن، فشار دادن
depression <i>n</i>	دی پرسین	خه مینی - له لوه لی - غه مباری	افسردگی، غمگینی، تورفتگی
depth <i>see deep</i>	دپ	قوول	عمیق

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جانشین، نماینده، معاون	جێ‌نشین - یاگه گیر - وه کێل	دی بیوتی	deputy <sup>n</sup>
پایین / فرود آمدن	خوار هاتن - وه نیشته ی	دی بێند	descend <sup>v</sup>
	وارنامه ی		
خلف، زاده، فرزند، نواده	زه وروڵوله - منال کۆرپه	دی بێندنت	descendant <sup>n</sup>
توصیف / تشبیه کردن	باس کرده ی (کردن)	دیس کراب	describe <sup>v</sup>
	کێشای هۆردای (به بیان کردن)		
تصویر، توصیف، تعریف، نوع	باس - کێشان به بیان - نوع	دیس کرابیش	description <sup>n</sup>
صحرا، کویر، بیابان	بیوان ههردنزار - چۆل - سارا	دیزرت	desert <sup>1 n</sup>
نهی بلد کردن، رها ساختن	بهردان - جیانا سه ی جه سه روازی	دیزرت	desert <sup>2 v</sup>
سزوار بودن، لایق بودن	لایق بیه ی - سزوار بوون	دیزرو	deserve <sup>v</sup>
الگو نقشه، طرح، پروژه	نه خشه - نیه ت بهر نامه	دیزاین	design <sup>1 n</sup>
نقشه... را ریختن	نه خشه مته ی له چاوگرتن	دیزاین	design <sup>2 v</sup>
برنامه ریزی کردن	گه ره ک بیه ی		
آرزو، امید (میرگه واروه شه)	ئاره زوو - ئومید - ئاوات	دیزایر	desire <sup>1 n</sup>
آرزو کردن / داشتن	ئاره زوو کردن - ئاوات واسه ی	دیزایر	desire <sup>2 v</sup>
میز تحریر، میز کار	میزو نویسه ی - میزی نووسان	دیسک	desk <sup>n</sup>
ناامیدی، یاس	ئاومیدی - جێ ئاره زوویی	دیس پر	despair <sup>1 n</sup>
	یاس بون		
ناامید / مایوس شدن	ئاومیدی به ی (بوون)	دیس پر	despair <sup>2 v</sup>
دلسرد بودن	بێ ئاره زوو بیه ی - یاس بون		
درمانده، ناامید، ناچار	بێ په ناخئاومید - ئاواته واز	دیس پیریت	desperate <sup>adj</sup>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نامیدانه، ناچار	به ناو میډی به ناواته وازی	دیس پریت	<b>desperately</b> <i>adv</i>
متفرد / بیزار بودن	بچووک ژمیږدن بیزاریهی	دیس یاز	<b>despise</b> <i>v</i>
علیرغم، برخلاف، باوجود	هه رچه نیچ - هه رچنده ییچ	دیس یایت	<b>despite</b> <i>prep</i>
دسرپس، خوراک	چیوانه یی که دماو نانئ موهران	دیزرت	<b>dessert</b> <i>n</i>
مقصد، سر منزل، هدف	مه به ست - ئا مانج - ئاوات	دس تین شن	<b>destination</b> <i>n</i>
ناپود کردن / ساختن	ویران کردن - خاپوور که ردی	دیس تری	<b>destroy</b> <i>v</i>
ناپودی، خوابی، داغان	ویرانی - خاپووری - خراوی	دیس تراک شن	<b>destruction</b> <i>n</i>
جزء، تفصیل، بیگاری	بهش کوتئ له تئ به شه کان	دی تیل	<b>detail</b> <i>n</i>
کشف / پیدا کردن	ئوه یی سه ی دوزینه و مزاین	دی نکت	<b>detect</b> <i>v</i>
کاراگاه	کارزان - ئاگا کار - سه ره ره چو	دی تکتیو	<b>detective</b> <i>n</i>
پاک کننده، زدا کننده	پاکو که ره ته میس که ر	دیترجنت	<b>detergent</b> <i>n</i>
بدتر شدن، کاستن	خراو کردن به ته که رده ی	دی تیرپریت	<b>deteriorate</b> <i>v</i>
تصمیم قاطع گرفتن	خراو به یی - پو تر کنای		
اراده، عزم، تصمیم	بریار دان به تر ناورد کردن	دی ترمین	<b>determine</b> <i>v</i>
بیزار / متفرد بودن	ئیراده - هه زم - خیال	دی ترمی ئی شن	<b>determination</b> <i>n</i>
توسعه پیدا کردن، رشد یافتن	بیزاری به یی - قین ورق لی هاتن	دی تست	<b>detest</b> <i>v</i>
رشد، توسعه، گسترش	به ره پئ دان - زیاد که رده ی	دی ولپ	<b>develop</b> <i>v</i>
	به ره پئ دان - خره که ردیز یاد که ر	دی ولپ بنت	<b>development</b> <i>n</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نقشه، حيله، کلک	نه خشه یی، سه ی، فیلی	دی وایس	device <sup>n</sup>
آرم، ابزار	زۆلی، ده زگا - ته دبیر		
صرف کردن (وقت،...)	فیداکردن - مه سروپ کهرده ی	دی وئوت	devote <sup>v</sup>
ژاله، شبنم	شەو نم - هه لسه گول - نه سه شهو	دینودوو	dew <sup>n</sup>
أریبی، راه أریب، مورب، قطر	چهوت - لار شیه فتوول	دایا ئیل	diagonal <sup>n</sup>
نمودار (نقشه / کار) نما	عه کسه یینه ی چتی نه خشه	دایگزم	diagram <sup>n</sup>
صفحه، مدرج (تلفن،...)	سه فحه ی سه عات و ته له یفون	دایل (دایال)	dial <sup>1 n</sup>
شماره گیر - دکمه	ورادیو (غهریوی بسوچی)		
(با تلفن) شماره گرفتن	ژماره گرتن - شماره گرتی پی	دایل (دایال)	dial <sup>2 v</sup>
	ته له یفونی		
قطر، قطر دایره، ضخامت	قایمی - نه ستووری - خه ته ی	دایمیتیر	diameter <sup>n</sup>
	نیمه کهره جه دایره		
الماس، لوزی	نه لماس به رده تیژه	دایچند	diamond <sup>n</sup>
	(به ردی به نه رخ)		
دفتر یادداشت روزانه	روژانه نویسی - ده فته روکاری	دایپی	diary <sup>n</sup>
طاس (بازی)، بازی نرد	ته خته نه رده کهرده ی	دایس	dice <sup>v-n</sup>
	تاس و نه رده کردن - ته خته نه رده		
دیکته کردن / گفتن - تحمیل	به ده نگ و تن دیکته کهرده ی	دیکتیت	dictate <sup>v</sup>
دیکته - املا - امر	ئیملا دیکته - ته لقینی	دیکتیشن	dictation <sup>n</sup>
فرهنگ لغت، واژه نامه	لوفته نامه - کتیبی و شهو شه نامه	دیکشنری	dictionary <sup>n</sup>
گذشته do (انجام دادن)	رابر دووی فره مانی دوو	دید	did <sup>v</sup>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put
							too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فردن، خاموش شدن	مردن - مه‌رده‌ی، تاس	دای	<b>die</b> <i>v(died, dying)</i>
موتور گاز و ئیلی، موتور دیزل	گاز و ئیل - موتوری دیزلی	دیزل	<b>diesel</b> <i>n</i>
خوراکسۆزیم، غذای، برزق	چیشیت - چاشتی - پیخۆر	دایت	<b>diet</b> <i>n</i>
اختلاف / تفاوت داشتن	فەرق‌بە‌یه‌یه‌که‌ نه‌ خوار دن	دی فر	<b>differ</b> <i>v</i>
	جوۆ نه‌ بوون		
دیگه، متفاوت، گوناگون	جوۆاو جوۆ - یۆ نه‌ ویه‌ی	دی فرنت	<b>different</b> <i>adj</i>
اختلاف، تفاوت، توغیر	فەرق - جیاوازی، شەر	دی فرنس	<b>difference</b> <i>n</i>
پیچیدگی، دشواری، سختی	گیر و گرفت - سه‌ختی	دی فی	<b>difficulty</b> <i>n</i>
	ده‌ردیسه‌ر - زه‌حه‌مت	کولتی	
چال کردن، هه‌ر کردن، گندن	که‌ندن - که‌ نه‌ی کیلان (کالای)	دیگ	<b>dig</b> <i>v(dug, digging)</i>
	کیه‌ره‌ دای، چال که‌ندن		
هضم / گوارا شدن (غذا)	هه‌ز مۆ تاویای - تواندن	دی جست	<b>digest</b> <i>v</i>
خلاصه کردن	(چیشیت) ورد بوون		
هضم، گوارا شدن	هه‌زم - تاویای - تواو	دی جس	<b>digestion</b> <i>n</i>
	ورد بوون و نه‌	شین	
وقار، بزرگی، خونسۆردی، شان	گه‌وره‌یی - ختم سه‌نگینی	دیگ نرتی	<b>dignity</b> <i>n</i>
کم، سۆ، ضعیف، کم‌نور	زایف - که‌م سۆما - تار و ئیل	دیم	<b>dism</b> <i>adj</i>
به‌ طور ضعیف	به‌ زایفی - به‌ تار ی	دیم‌لی	<b>dimly</b> <i>adv</i>
قیل و قال، غوغا کردن	قاله‌ قال - هه‌راهه‌را	دین	<b>din</b> <i>n</i>
	سه‌رنای		
شام	چیشیتی ئیوار - نه‌انه‌ و ویره‌ گه‌ی	دی یر	<b>dinner</b> <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
در مایع فرو بردن و درآوردن	مه له که رده ی - دلی ناولوای	دپ	<b>dip</b> <i>v(dipped, dipping)</i>
مستقیم، راست، کامل	راس - ریگ، سه راس	دای رکت	<b>direct</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
به طور مستقیم	جابه جا - به ریگی	دای رکتلی	<b>directly</b> <i>adv</i>
رهنامایی کردن، اداره	ریشموونی کردن - رانموونی	دای رکت	<b>direct</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن	که رده ی - نیشان دای		
جهت، راه، مدیریت، حکم	ری - را - لاجار سه مت	دای رکشین	<b>direction</b> <i>n</i>
رئیس، مدیر، کارگردان	ره یس - گه وره مودیر	دای رکتیر	<b>director</b> <i>n</i>
دفترچه راهنما	ده قته ری - ره هنامه - قته رو	دای رکتیری	<b>directory</b> <i>n</i>
	ته له یقونی یا...		
جاده خاکی	جاده ی خاکی	دیرت رنود	<b>dirt - road</b> <i>n</i>
لکه (قابل برطرف شدن)، چرک	چلکین - چه په ل له که، خوّل	دیرت	<b>dirt</b> <i>n</i>
کثیف، آلوده، نادرست	پیس - چلکین، حیز و خیز	دیری	<b>dirty</b> <i>adj</i>
معلول، ناتوان	داماگ - نگو مه زایف یی - هاز	دیس ای بلد	<b>disable</b> <i>adj</i>
عیب، نقص، کم مایگی	عه یبه - قه ناسی - ناریکی	دیس ادوان تیج	<b>disadvantage</b> <i>n</i>
	زه ره لاره خوار		
نپذیرفتن، مخالفت کردن	پازی نهویه (نه بون) - ره دکردن	دیس اگری	<b>disagree</b> <i>v</i>
ناسازگاری، اختلاف	نارازی - ساگو کی - نه سه له میا	دیس اگری مینت	<b>disagreement</b> <i>n</i>
ناپدید / پنهان شدن	نقم بیه ی - گوم بون - خوشاردن	دیس لیر	<b>disappear</b> <i>v</i>
مایوس / ناامید کردن	ناثومید کردن - تاره زوو	دیس لپوینت	<b>disappoint</b> <i>v</i>
	په دّل ناسه ی، دلّسه رد کردن		
ناامیدی، خیطی	ناثومیدی - تاواته وازی	دیس لپوینت مینت	<b>disappointment</b> <i>n</i>

ua p b t d k g tf d3  
pure pen bed tea did cat got chin June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مصیبت، بلا، دیاری	به لاشه رنگبه تی - قوشمه	دیزآستیر	disaster <i>n</i>
صفحه گرامافون، صفحه	هواره گرام سه نه ی ناوازو پینه	دیسک	disc = disk <i>n</i>
انضباط، نظم، اطاعت	نه زم - ته رتیب رازاوه نه زم داری	دی سی بلین	discipline <i>n</i>
تخفیف - کاهش	که م کرد نه وه که م و که رد	دیس کتونت	discount <i>n</i>
منصرف کردن، مأیوس	په شیمان که رده ی دلسارد	دیس کاریج	discourage <i>v</i>
کردن	کردن له		
کشف کردن، دریافتن	پیس ی دوزین - په نه زانای	دیس کاور	discover <i>v</i>
کشف، اکتشاف، نوایی	دوزینه وه - نه وه پیسه	دیس کاوری	discovery <i>n</i>
	رایه رده ی به		
تشخیص دادن - تبعیض	جیاواز که رده ی هورسره	دیس کری می نیت	discriminate <i>v</i>
قابل شدن	نگنای - بویه رده ی (بردن) - زانین		
تبعیض، شناخت	جیاواز ناره و افه رق دان	دیس کری می نیشن	discrimination <i>n</i>
گفتگو کردن درباره چیزی	قسه که رده ی جه مه وه سی وه	دیس کاس	discuss <i>v</i>
	نه بیاس کردن بو		
گفتگو، بحث، حرف زدن	قسه و بیاس - گفتگو گو - تو و بوژ	دیس کاس	discussion <i>n</i>
	شن		
بیماری، مرض، ناخوشی	ناوه شی - نه خوشی - نازاره	دیزیز	disease <i>n</i>
رسوا، شرمند هتنگ	به دنامی - رسوا جی ئا پرویی	دیس گریس	disgrace <i>n</i>
تغییر قیافه / لباس دادن	وی واری - خو گوژان	دیس گایز	disguise <sup>1</sup> <i>v</i>
	شیوه واری		
تغییر قیافه، لباس مبدل	خو گوژری وی واری	دیس گایز	disguise <sup>2</sup> <i>n</i>

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تغییر قیافه، نقاب	خۆگۆری-هۆی واری	دیس گایز	disguise <sup>2</sup> n
پیزار کردن - انزجار	پیزار که رده ی-هاسی کردن	دیس گاست	disgust <sup>1</sup> v
زنده، تهوع آور	رق لئ چوقین وه نه نامه	دیس گاس	disgusting adj
	هۆق ناوهر	تینگ	
تغیر، پیزاری، انزجار	هاسی پیزاری-زیل وه	دیس گاست	disgust <sup>2</sup> n
	نه شیویای-قین لئ هات		
بشقاب - خوراک، غذا	ده وری-چیشته-چاشتی	دیش	dish n
نادرست، متقلب، دغل	فیل باز-چاچۆلباز-لار	دیس انیست	dishonest adj
ضد عفونی کردن	میکروب کوشتن-میکروب	دیس این فکت	disinfect v
	کوشته ی		
ضد عفونی کننده، گندزد	میکروب کوژ-میکروب کوش	دیس این فکتند	disinfectant n
نفرت داشتن، پیزار بودن	قین وه نه نامه ی-رق لئ بوون	دیس لایک	dislike <sup>1</sup> v
	خۆش نه هاتن بی مه یلی		
نفرت، تنفر، پیزار	قینه ر ق قین-خۆش نه هات	دیس لایک	dislike <sup>2</sup> n
ناسپاس، بی وفا، خاین	بی وه فاسی به ر چار	دیس ل پل	disloyal adj
	بی وه ر چه م-سقله		
غم انگیز، ملال آور، تیره	خه مناک-خه فته بار، تاریک	دیزیل	dismal adj
نگرانی، بهت زدگی، بیم	په ریشانی-حه یرانی به حت	دیس می	dismay n
موضع / اخراج کردن	وه ردای به ردان به ر که رده ی	دیس میس	dismiss v
	ده ر کردن		
تمرد / نافرمانی کردن	مل هۆری که رده ی-گۆی شل	دیس ایی	disobey v
	نه کردن		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نافرمانی، سرپیچی	مل هوڤی-گوڤی نه دان	دیس لی دینس	disobedience <i>n</i>
	ژیر نه چون		
نافرمان، سرکش	مل هوڤ-چیر نه لوا	دیس لی دینت	disobedient <i>adj</i>
	گوڤی نه دهر		
نامرتب، مختل، بی نظم	تاریک هه له شه نه بیه جی	دیس آرگنایس	disorganize <i>adj</i>
به نمایش گذاشتن	پی شان دان - ئیشان دای	دیس پلی	display <sup>1</sup> <i>v</i>
نمایشگاه، نمایش	ئیشان دای به رچاودیران	دیس پلی	display <sup>2</sup> <i>n, v</i>
	له به رچاوخستن، پشانگه		
موتب کردن - متعایل کردن	نه زم دان - سامان دان	دیس پیوز	dispose <i>v</i>
دعول، دعوی لفظی، بگو مگو	داوا دهم قه شه رهم	دیس پیوت	dispute <i>n</i>
ناراضی، ناخوسند	ناره زایی، مل نه دان	دیس آتی س	dissatisfied <i>adj</i>
	فاید		
حل شدن، کردن، بسخ	تاواندن - تاوانای - حل کهرده ی	دیزولو	dissolve <i>v</i>
دور، دور دست، دیراشنا	دور - دورره جی	دیس تنت	distant <i>adj</i>
فاصله، مسافت، دوری	مایه بین - دوری - به بین	دیس تنس	distance <i>n</i>
مشخص، مختلف، مجزا	جگجی - جیا به علوم پروون	دیس تینکت	distinct <i>adj</i>
به وضوح، به روشنی	به ناشکرا - به روشنی	دیس تینکتلی	distinctly <i>adv</i>
تشخیص دادن، ممتاز کردن	په ی به رده ی - ژناسین	دیس تینگ ویش	distinguish <i>v</i>
	بی ژانین		
معروف، برجسته، ممتاز	بناو یا نگ - نامدار	دیس تینگ ویش د	distinguished <i>adj</i>

i:    ɪ    e    ae    a:    ʌ    ɔ:    u    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گرفتاری - پریشانی	په‌ریشانی، گیر و گرفت	دیس ترس	distress <sup>1</sup> n
پریشان / مضطرب ساختن	په‌ریشان کردن - ته‌رس له‌دل	دیس ترس	distress <sup>2</sup> v
رنج دادن	(بردن) - سۆلنای		
بخش - توزیع کردن	به‌ش کردن به‌ش که‌رده‌ی	دیس‌تری بیوت	distribute v
پهن کردن	بلاو کردن، داخستن		
توزیع، بخش، سهم	بلاو - به‌ش - دابه‌ش	دیس‌تری بیوت	distribution n
منطقه، ناحیه، حوزه	وه‌لات - ته‌ته‌قه‌مه‌له‌ند	دیس‌تریکت	district n
مزاحم شدن - جابجا کردن	تیک‌دای - ملۆزم و موکل بیه‌ی	دیس‌ترب	disturb v
بی‌نظمی، اغتشاش، مزاحم	ته‌ق‌وله‌ق - ناشۆشلۆق	دیس‌تربنس	disturbance n
جویبار، نه‌ر، گودال	جو - جوگه - چالی - ده‌ره‌وچه‌م	دیج	ditch n
شیرجه‌رفتن، زیرآب	فرته‌ناو - دلێ ناوی پرای	دایو	dive v
رفتن	ناوئاو پهرین و قونین		
غواص، شیرجه‌رو	ئاو باز مه‌له‌وان - ئاو پەر	دایور	diver n
تقسیم شدن / کردن	به‌ش کردن به‌ش که‌رده‌ی	دی واید	divide v
تقسیم - بخش، قسمت	به‌ش - دابه‌ش - بیلۆ	دی وی ژن	division n
خدائی، الهی، حدس، نیکو	خودایی - نه‌هووری - خوایی	دی واین	divine adj
طلاق گرفتن / دادن	ته‌لاق دای - جیاوه‌بیه‌ی	دی وُرس	divorce <sup>1</sup> v
	ته‌لاق دان		
طلاق، جدایی، قطع رابطه	ته‌لاق - جیایی - جگئی بوون	دی وُرس	divorce <sup>2</sup> n
احساس دوران سر، گیج	گیج جین هوڤ - گیج‌جان	دی زی	dizzy adj
فنگه، حیران	خوله‌سه‌ر		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زمان حال فعل (انجام دادن)	فهرمانی کردن-کهرده ی	دوو	do <sup>1</sup> v
	سه رفی ده یو کسه یاسی فه	جمع	مفرد
	کردمان - کهردتان	We do	I do
	کردتان - کهردتان	You do	You do
	کردیان - کهردشان	They do	He/she/It does
زمان گذشته فعل do	فهرمانی رابردوی do	دید	did (p of do)
	و یهرده و دووی		
اسم مفعول do	ناوی مه مفعول بو ده شیوه	دان	done (pp of do)
	و یه رو مو دووی		
وجه وصفی حال ده کارها	دووی ئای ئن جی داریکاره کان	دوینگ	doing npl
انجام دادن، کردن	کردن-کهرده ی-خاس کهرده ی	دو	do <sup>2</sup> v
ممیزی اسناد	چاودیری سه نه ده کان		document control n
بارانداز، لنگرگاه، بندرگاه	یاگه بار-جی بارخست باروزگا	داک	dock <sup>1</sup> n
پهلو گرفتن، لنگر انداختن	ویسان-مندرای-یاگن	داک	dock <sup>2</sup> v
	مندراو که شتی		
پزشک، دکتر	دوگدر-حه کیم-دوکتور	داکتیر	doctor n
جا خالی دادن، ویراژ رفتن	له ژیرده رچوون-لاره قسه کهرده ی	داچ	dodge v
از مشتقات do	له قی فهرمانی دوو do	داز	does v
	له قودووی-کردن		
سگ، آدم پست فطرت	سه گ-توو ته ده ل وگه مال	داگ	dog n

ua p b t d k g tʃ dʒ  
pure pen bed tea did cat got chin June

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>dog days</b> <i>npl</i>	داگ دیز	چله‌ی هاوین-چله‌ی هامنی	چله تابستان
<b>doll</b> <i>n</i>	دال - دُل	وه یوئێ-یوکه کایه یوکیله	عروسک
<b>dollar</b> <i>n</i>	دَلار - دِلِر	پوئێ ئامریکا-دولار	دلار (واحد پول) (ک)
		جوړیوه پوول	
<b>dome</b> <i>n</i>	دنوم	گومه زاتاق مه مه شیوه	گنبد، طاق گرد، گنبد
<b>domestic</b> <i>adj</i>	دیمستیک	لینی-یانه گیل مال ره و مالآت	خانگی - اهلی، درونی
<b>dominate</b> <i>v</i>	دومی نیت	دهس لوای زاتوته داریبیه	سلطه / نفوذ داشتن
		دهس چوون-نفوز داربون	مسلط از نظر، ارتفاع
<b>donate</b> <i>v</i>	دنونیت	به خشای-خه لات کردن	بخشیدن، اهدا کردن
		دیاری پیدان	
<b>donation</b> <i>n</i>	دنونیشن	به خشای-خه لات دیاری	اهدا، بخشش
<b>donor</b> <i>n</i>	دنونیز	دیاری دهر-خه لات کەر	بخشنده، اعطاء کننده
<b>domino</b> <i>n</i>	دامینو	موره‌ی دو مینه	شهره دومینو
<b>donkey</b> <i>n</i>	دانکی	هه ره، که ره لاخ، جاش	الاغ، خر
<b>door</b> <i>n</i>	دُر	ده ره ره ده رگا-ئاسانه	در، درب (چوبی، فلزی...) درگاه
<b>doorway</b> <i>n</i>	دُروی	پالاوه ژبه ره ده رگا	استانه در، درگاه
		ئاسانه و به ره یه ره ده رک	
<b>dormitory</b> <i>n,pl</i>	دُرمیتَری	خه وگای گشتی-یا گه و ته ی گرده	خوابگاه عمومی، خوابگاه
		خه وگه ی گشتی	
<b>dose</b> <i>n</i>	دوز	میزان دوه وای به شه ی له ده و	مقدار دوا، دوز، میزان دارو
<b>dormitory</b> <i>n,pl</i>	دورمیتَری	جێ خه و بو چه ن کهس	خوابگاه چند نفری

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نقطه، خال	خال - نوخته - نوختی	دات	dot <i>n</i>
دو برابر، دو لنگه، زوج، دولا	دوانی - جوت - جفت	دابل	double <sup>1</sup> <i>adj, adv, n</i>
دوتایی، دونفره	دووچار، دولا		
دو برابر کردن / شدن	دو یه رانبه ر کردن - دوه به رانبه ر	دابل	double <sup>2</sup> <i>v</i>
تو دید داشتن، شک کردن	بیهی - دووچاران دووشک بیهی - شک کردن	دوت	doubt <sup>1</sup> <i>v</i>
شک، تردید، دودل، گمان	خانه گمانی کردن خانه گمان - دووشک - شک		doubt <sup>2</sup> <i>n</i>
مردد، مشکوک	دودل - شک دار - شک پهی لوا	دوت	doubtful <i>adj</i>
بدون تردید، بی گمان	بی شک - زه ندیبی گومان	دوت لیس	doubtless <i>adv</i>
خمیر (نان)	هه میر و نانی - هه ویری نان	دو	dough <i>n</i>
پایین، زیر، به طرف پایین،	خواروار - ژیر - چیر	داون - دنون	down <i>adv, prep, adj</i>
در امتداد - به زیر	به ره و خوار		
به طرف پایین	روه و وار - روو به خوار	داون - ورس	downwards <i>adv</i>
	به ره و خوار		
سرازیری، در سواشییی	سه ره - چیر سه ره و خوار که	داون هیل	downhill <i>adv</i>
وارونه - معکوس	سه ره و وار - سه ره و خوار	آپ سایداون	upside - down <i>adv</i>
گرمی - نوم	کولکی و نه رم شل	داونی	downy <i>adj</i>
جهیزه عروس	جهاز - پئی ته ک	داوری	dowry <i>n</i>
ستایش و حمد	شو کروحه مد	داکسا لچی	doxology <i>n</i>
در طبقه پایین	له قاتی خوار - چیر خان	داون اس ترز	downstairs <i>adv</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
doze <sup>1</sup> v	داز	وه نوژه رده ی-بووژان کردن	چرت زدن، خواب کوتاه
		ناکابه خه و چوون-پینۆکی لوی	
doze <sup>2</sup> n	داز	وه نوژی-پینۆکی-کوله خه و	چرت، خواب آبی
dozen n	دازن	دوانزه چت-دوانزه جه چیه ی	دوجین (دوازده تا)
Dr or doctor	داکتیر	وشه ی به جیی دوکتور	مخفف doctor
		باتی دوگدوری	
drag v	دزگ	به رکێ شای-ده رکیشان	روی زمین کشیدن - لارویی
		کیش کردن-هۆرگۆسه ی	کردن
dragon n	دزگین	ئه ژده ها-هیز دیا-حه فو	اژدها (هیولای افسانه‌ای)
		ماری فره گه و ره	
drain <sup>1</sup> n	دزین	کبه ئار-کیه ره-نکم ئار-کیش	مجرای فاضلاب، زه کشی کردن
		ئاو ره و-گۆل (گۆله) ری ئاو	راه آب
drain <sup>2</sup> v	دزین	ئاو-کیشای میرگی-ئاوده رکردن له	آب کشیدن از - چلانیدن
		گوشین- شواره ی	
drama n		چیرۆک یوئ-نمانای-خۆناندن درامی	نمایشنامه، درام - تحریک
dramatic adj	درمیتیک	وهک داستان-پیر ماجه را	نمایشی، داستان مانند
drank see drink			پیر ماجه را
draught n	درافت	شنه نامه ی دلی-واهور کرد	وزش باد به درون خانه
		سروه ی نه سیم هاتن	
draughty	درافتی	واگابا وشنه دار	باددار - کوران دار

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چرخه، دوز، دم	قولبه ناو-چۆرگولم	درافت	draft <i>n</i>
	ئابجۆبو شکه ی		
توسیم کردن، فرودادن	نه قاشی کیشان-چیو کیشای	دُر	draw <i>v</i>
	ره سم که رده ی، هه ل مژین		
طراحی، رسم، نقشه کشی	نه قاشی چه سم-ته رحه	دروینگ	drawing <i>n</i>
	نه خشه (کیشی)		
کشو	که شاو	دروړ	drawer <i>n</i>
گُفت - جالباسی	گه نهجه کومید-جی لیباس	چست آف دروړ	chest of drawers <i>n</i>
دردناک، وحشتناک، دلهره	ئیش دار فره خراو-ته رس دار	دردفول	dreadful <i>adj</i>
خواب / رؤیا دیدن	وهرم دیدی-خه ودین	دریم	dream <sup>1</sup> <i>v</i>
خواب، رؤیا، خیال	خ-خواوه-رم، خه و	دریم	dream <sup>2</sup> <i>n</i>
کاملاً خیس کردن	ته پر کردن-ته پر که رده ی	درینج	drench <i>v</i>
	فیسنا ی، خویساندن		
لباس پوشیدن، پانسمان کردن	لیباس له بهر کردن-لیباس وهر	دِرس	dress <sup>1</sup> <i>v</i>
پوشاک	که رده ی، جل و بهرگ		
لباس زنانه / دخترانه	لیباس-جل-سیپالّی	دِرس	dress <sup>2</sup> <i>n</i>
لباس یک تکه	(ژنانه سکننا چانه)		
جمع / توده شدن	وانه ورده ی بیا هاورد	دریفت	drift <i>v, n</i>
تمایل - باد آورد	گلیر و بیه ی-جه موبوون		
	ماشو ناوی، بیره وه روه		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بامته سو راخ کردن، تمرین	به مه ته کون کردن-لۆ کە رده ی	دریل	drill <sup>1</sup> v
مته، دریل، ماشینی پلۆکار	مه تی مه ته، مه شق	دریل	drill <sup>2</sup> n
مست کردن، نوشیدن	نۆشای - خواردن	درینک	drink <sup>1</sup> v
سرکشیدن تا آخر	مه سی کە رده ی، هۆر قۆرنای		
نوشیدنی، مشروب، نوشابه	نۆشانه مه ی مه سرووری	درینک	drink <sup>2</sup> n
	نۆشه ری		
ریختن، چکه کردن، چکیدن	تکه کە رده ی - تکیین - ریژان	دریپ	drip <sup>1</sup> v
قطره، چکه، تراوش	دلۆپ قه تره - تکه، چۆره	دریپ	drip <sup>2</sup> n
رانندن، رانندگی کردن	به ره پانه ی - ری بردن	دراپو	drive <sup>1</sup> v
به حرکت در آوردن	رانه به رده ی، به ریوه بردن		
راننده	شغور - ریهر	دراپور	driver n
مسافرت - جاده اختصاصی	ریی تاییه ت سه فه ر	دراپو	drive <sup>2</sup> n
پشتکار	یه دوور - ته یوه تی را		
پژمرده شدن، پلاسیدن	سه ر شوڤ کردن - سیسیایی	درووب	droop v
	هه ژارییه ی - شل بون		
انداختن، افتادن، رها کردن	تکای - تکیین کە و ته ی جه که و تن	دراپ	drop <sup>1</sup> v
قطره، چکه، بریزش	قه تره - تکه - دلۆپ، که می	دراپ	drop <sup>2</sup> n
خشکسالی، بی آبی	وشک سالی - بی ناوی	دراوت	drought n
	بی وارانای		
قطره چکان	قه تره چکین	دراپر	dropper

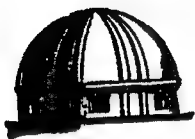
ua p b t d k g tf d3  
pure pen bed tea did cat got chin June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
در آب غرق شدن، غرق شدن	خنیک یای - خنکان	دراون	drown <sup>v</sup>
دارو و دوا، ماده مخدر	دار و دوه در مان - ده وای	دراگ	drug <sup>n</sup>
طبل - ظرف فلزی، دهل	ته پل، په ر ده ی گو ی	درام	drum <sup>1</sup> <sup>n</sup>
طبل زدن، د م بک زدن	ته پل و نه دای - ته پل لی دان	درام	drum <sup>2</sup> <sup>v</sup>
طبال، طبل زن	ته پل و نه دهر - ته پل لی ده ر	دراپر	drummer <sup>n</sup>
مست، مغمور، الکلی	سه ر و ه ش مه ست عی هوش	درانک	drunk <sup>1</sup> <sup>adj</sup>
مست، دایم الخمر	سه ر و ه ش مه ست عی هوش	درانکین	drunken <sup>adj</sup>
خشک، کم باران	وشک، بی ناو	درای	dry <sup>1</sup> <sup>adj</sup>
خشک کردن / شدن	وشکو کرده ی - وشک کردن	درای	dry <sup>2</sup> <sup>v</sup>
دیم کاری	ده یم کاری	درای فارمینگ	dry-farming <sup>v</sup>
مرغابی، اردک، زیوایی	مراوی - مرغابی، چیراوی	داک	duck <sup>n</sup>
بچه مرغابی / اردک	به چه مرغابی - به چه مراوی	داک لینگ	duckling <sup>n</sup>
	جولکه مراوی		
پرداختی - وقت مقرر، درخور	ده ین هه ق هه ق به لا - پیا، ان	دیو و - دیو	due <sup>adj</sup>
به علت، به سبب	له به ر به خاتره و - جه وه رو	دیو و - توو	due to <sup>prep</sup>
چک بی محل	چه کی بی محل و خالی	دادچک	dud-cheque
وعده - سر رسید	وه عده - وهخت	دادبیت	dud-date

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>duffer</b> <i>n</i>	دافِر	گیل - زۆل گه وج	ادم کودن - متقلب
<b>dull</b> <i>adj</i>	دال	ته مه‌ل - دیز - تیر، خول گه وج و گیل لیل	تیره، گرفته - تنبل، کودن
<b>dumb</b> <i>adj</i>	دام	لال، گنگ، کم حرف	
<b>dump</b> <sup>1</sup> <i>v, n</i>	دامپ	فره دای فیره دان و فروتن	دور ریختن، بیرون ریختن
<b>dump</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	دامپ	مته‌ی - گوربز زویل دان - جیگه زویل	خپل، توده اشغال خوابه، زباله دانی
<b>during</b> <i>prep</i>	دیورینگ	جهد و ختوله کاتی له واده‌ی	در مدت - در زمان، طی،
<b>dusk</b> <i>n</i>	داسک	جهد و عده و ویره گه - نیواره و هخت	در خلال - موقع غروب، سرشب
<b>dust</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	داست	مه غریو لیل و مه غریوی تۆزه - خاک و گهره	گرد و خاک، غبار
<b>dust</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	داست	خو‌ل و خاک خاک و خو‌ل مالای گهره	گردگیری کردن
<b>dustbin</b> <i>n</i>	داست بین	وتۆز مالین زویل دان - جیگه شه خه‌ل	اشغال دانی / زباله دانی
<b>dusty</b> <i>adj</i>	داستی	یاگه شه خه‌ل تۆزی - خو‌لی - خاکی	خاکی، پرگرد و خاک
خاکی پۆه تلیا (خه‌ریبی بنالی)			

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وظیفه - در حال انجام وظیفه	وه زیفه - ماموریت	دیووتی	duty <i>n</i>
کوئوله کوئاه قد	با واقوهرت - کورته بالا	دورف	dwarf <i>n</i>
رنگ کردن، رنگ زدن	ره نگ کردن - ره نگ کرده ی	دای	dye <sup>1</sup> <i>v-n</i>
	ره نگ		
کارخانه رنگ	کارخانه ی ره نگ	دای وورکس	dye <sup>2</sup> works <i>n</i>
رنگرز - صباغ	ره نگ که ره ر - نگر یز - خم چی	دایر	dyer <i>n</i>
کارخانه رنگرزی	کارخانه ی ره نگ کردن	دای وورکس	dye works <i>n</i>
	خم خانه		
رنگرزی - صباغی	ره نگ گه ری - خم گه ری	داینگ	dyeing <i>n</i>
	داینگ		
رنگ - جوهر - ماده رنگ	ره نگ - خم	دای استاف	dye-stuff <i>n</i>
مردنی - در حال مردن	مهرده لۆخ حیی هازیی تین	داینگ	dying <i>adj</i>
دینامیت	دینامیت (ته قه مه نی)	دای ن مایت	dynamite <i>n</i>
دینام - دستگاه مولد برق	ده زگای به رق ده ر	دای نیو	dynamo <i>n</i>
اسهال خونی	سک چون - له م لوای	دی سن تری	dysentery <i>n</i>
سوء هاضمه	سک ترش کردن - ناکوکی	دیس پسی	dyspepsia <i>n</i>
	میده		



DOME



DEER



DAFFODIL



DRUM



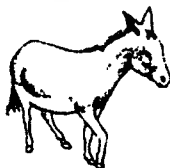
WATER BUFFALO



SHEEP



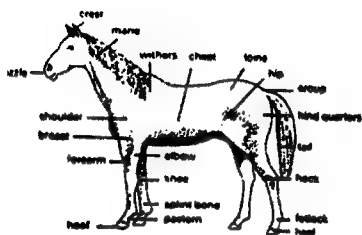
PIG



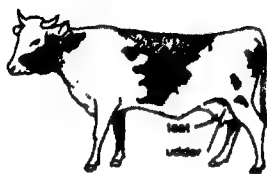
DONKEY



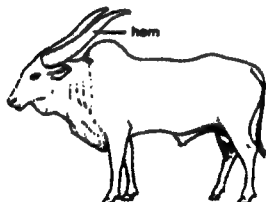
GOAT



HORSE



COW



OX



DICE

# E e

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پنجمین حرف الفبای انگلیسی	پیتی په نجه م له نه لfbای ئینگلیزی	ئى	E <i>n</i>
مادر - الهه بارووی	ئا-ئیا خودای ئاشوری (دایک)	ئا- ئا	aaa <i>n</i>
هر (هرکدام په تنهانی) هریک	هه ره هه رکام هه رکامی	ایچ	each
مشتاق، شیفته، علاقمند	بی قه رار-ئا و اخواز	ایچر (ایگر)	eager <i>adj</i>
	چه مه روان		
مشتاقانه، بابی، تابى	به بی قه راری چه چا وه روانی	ایگرلی	eagerly <i>adv</i>
	به هیوا وه		
عقاب (پرندة تیز پرواز) باز	دال-قوش هه لۆی کیوی	ایگل	eagle <i>n</i>
گوش - خوشه، سنبله	گوی-گوش-گوییچکه، هوشه	ایر	ear <i>n</i>
گوشواره	گوشواره-گوشواری	ایرینگ	earring <i>n</i>
پیش از وقت مقربزود	به وه خت-زو و-گورج	ایللی	early <i>adj,adv</i>
هرامد داشتن، به دست آوردن	به ده س هیئان به ده س هاوردن	لین	earn <i>v</i>
	گیر نه ورده ی		
زمین، کره زمین - خاک	زه ی-زمین کورده ی-زه ی-خۆل	لارز (لارس)	earth <i>n</i>
زمین لرزه، زلزله	بو و مه له زره-زه مین جو ه	لارس کوپک	earthquake <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
راحت، آسان، آسودگی	ره‌حه‌ت، سه‌ده و ئاسوده	ایز	<b>ease</b> <sup>1</sup> n
آسوده کردن / ساختن	ئاسوده که‌رده‌ی ره‌حه‌ت	ایز	<b>ease</b> <sup>2</sup> v
تسکین دادن	کردن، شل کردن		
خاور، مشرق	خۆرده‌ره‌هات، رۆژه‌لآت	ایست	<b>east</b> n, adj, adv
	رۆجیاره‌وۆز		
شرقی، خاوری	رۆژه‌لآت‌ی رۆجیاره‌وۆز	ایس تێن	<b>eastern</b> adj
به طرف شرق یا خاور	رووبه‌رۆژه‌لآت‌ی رووه‌و	ایست	<b>eastwards</b> adv
	رۆجیاره‌وۆز	وردس	
راحت، بی‌درد سه‌را سو‌ده	ره‌حه‌ت بی‌کێشه	اییزی	<b>easy</b> adj
به راحتی، به آسانی	به‌ره‌حه‌تی به‌ئاسوده‌ی	اییزی‌لی	<b>easily</b> adv
	به‌ئاسانی		
خوردن، بلعیدن	واردی-خواردن-قوت دان	اییت	<b>eat</b> v
صدا منعکس شدن	ده‌نگ‌وادی-ده‌نگ‌ه‌لوگه‌ریان	یکو	<b>echo</b> <sup>1</sup> v
برگشتن صدا	ده‌نگ‌ه‌وۆرگیلا‌ی		
انعکاس صدا، پژواک	ده‌نگ‌ه‌وۆرگیلا-ده‌نگ‌ه‌ه	یکو	<b>echo</b> <sup>2</sup> n
تکرار صدا	لگه‌رانه‌وه		
خسوف، کسوف	رۆجیارگرت‌هه‌تاوگرت	ایک لییس	<b>eclipse</b> n (e, of the sun)
	خۆرگرت‌مانگ‌گرت		(e, of the moon)
اقتصاد، وضع اقتصادی	ده‌س‌پۆگرت‌ه‌ی مآل‌ودارایی	ایکون می	<b>economy</b> n
اقتصادی-علم اقتصاد	مآل‌ودارایی-ئقتصادی	ایکنامیک	<b>economic</b> adj (mics)

u      p      b      t      d      k      g      t/      d3  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باصرف کم مصرف	به سوود و که لک به نه فح و سوود	ایکنامیکل	economical <i>adj</i>
لبه، کتاوه - لپه تیز (کار...)	قەراخ دەور لێو لێج، بان جیه	لج	edge <i>n</i>
حد و مرز	ده مه چاقۆ مۆدا، حدود		
ناشر، سردیر (روزنامه...)	بلاوکه ر په خشوکه ر	ئیدیتور	editor <i>n</i>
چاپ (کتاب، روزنامه) و پرايش	به ر یوه به ر		
تعلیم دادن، آموختن	چاپ - بلاوده و ره	ایدی تین	edition <i>n</i>
تربیت کردن	فیر کردن - یادگری ته ی	ئجوکیته	educate <i>v</i>
تعلیم و تربیت، پرهنگ	ته ربیه ته که ر ده ی		
آموزش و پرورش	فیری - یادگری - ته ربیه ته	ئجوکشین	education <i>n</i>
آموزشی، تعلیمی	تالییم، ماریفته		
مارماهی	فه ره نگه - فیرایی - تالیم	ئجوکیشنل	educational <i>adj</i>
اثر، تأثیر، نتیجه، فایده	مارماسی مارماساو	اییل	eel <i>n</i>
حاصل	نفوزه - کار که ر نه سه ره	ای فکت	effect <i>n</i>
مؤثر، عملی، ثمر بخش	نه سه ره دار به که لک و سوود	ای فکت تیو	effective <i>adj</i>
پُرکار، زودنگ، کارا	که ر ده و به ی		
مدریک و گورج	لایق و ده س لوا کار لیهات	ای فی شنت	efficient <i>adj</i>
بایزکاری، بابازده	به پشتکاری، به تیکۆ شه ری	ای فی شنتلی	efficiently <i>adv</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تلاش، تکاپو، کوشش	هه‌ل و ته قالا کۆشش	إفورث	effort <i>n</i>
برای مثال	بۆ نمونه - پی ی نمونه ی	إگی	e.g. ( <i>exempli gratia</i> )
تخم مرغ، تخم (کبوتر، مار، ماهی...)	هیلکه ی گیانله به ران هیله و که رگی و پله و ه ران و ماری	إگی	egg <i>n</i>
مصر، کشور مصر	وه لاتی میسر - له لاتی مۆسری	ای جیبت	egypt <i>n</i>
مصری، اهل کشور مصر	میسری - خه لکی میسر	ای جیپشن	egyptian <i>n</i>
عدد ۸	نه هلو مۆسری		
هشتم، هشتمین	ژماره ی هه شت - شماره وه ه شتی	ایت	eighth <i>n, adj</i>
عدد ۱۸	هه شته م - هه شتۆم	ایت	eighth <i>n, adj</i>
هیجدهم، یک هیجدهم	هه ژده - ژماره ی هه ژده	ایتین	eighteen <i>n, adj</i>
عدد ۸۰	هه ژده یه م - هه ژده هۆم	ایتین س (ت)	eighteenth <i>n, adj</i>
هشتاد، هشتادمین	ژماره ی هه شتا - شماره وه ه شتای	ایتی	eighty <i>n, adj</i>
شکست نور در میدان جاذبه	هه شتایه م - هه شتا هۆم	ای تیس	eightieth <i>n, adj</i>
زمین	شکانی نوور له مه ی دانی	ای نس تین	einstein effect <i>n</i>
هر کدام، یکی از دو تا	جازه ی زه وین	إفکت	
پُرچَرز نیات - پیچیده	هر کام - له دووان یکی	ای یر	either <i>adj, conj</i>
کشی، کش دار	چه دوینه یو		
آرنج، بازو، نچزدن	پر ماحه را - پر گری	ای لپرت	elaborate <i>adj, conj</i>
بزرگتر، ارشد	که ژدار کی شکی - کی ش قامه	ای لستیک	elastic <sup>1</sup> <i>adj</i>
	هه ریزن - نه نشک	لل بنو	elbow <i>n</i>
	گه وره ته رگه وره تر	لل یر	elder <i>adj</i>

h in n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بزرگترین	گه‌وره‌ته‌وین - گه‌وره‌ترین	لال دِست	eldest <i>adj</i>
انتخاب کردن، برگزیدن	هه‌لبژاردن - وچنیه‌ی	ایلیکت	elect <i>v</i>
الکتریسته، برق	کاره‌بابه‌رق بیری - بروسکه	ایلیک‌تریستی	electricity <i>n</i>
برقی، الکتریکی	کاره‌بابی - به‌رقی - بیری	ایلیک‌تریک	electric <i>adj</i>
الکتریکی، برقی	برقی - سکاره‌بابی	ایلیک‌تری‌کال	electrical <i>adj</i>
برقکار - مکانیک برق	به‌رق چی - بیری چی - بیری	ایلیک‌تری‌شان	electrician <i>n</i>
دروست‌کەر			
زیباشیک‌گیرا	جوان - زه‌ریف، وه‌ش دوخت - ای چنت		elegant <i>adj</i>
به‌زیبایی	به‌جوانی - به‌زه‌ریفی	ایلی چنتلی	elegantly <i>adv</i>
عنصر، جسم، سبب، سازه	عوّسور - تا‌قه‌ه‌ست	ایلی مینت	element <i>n</i>
ابتدائی، مقدماتی، اساسی	سه‌ره‌تایی - وه‌لی - وه‌لین	ایلی مینتری	elementary <i>adj</i>
فیل	فیل	ایلی فنت	elephant <i>n</i>
عدد ۱۱	ژماره‌ی یازده - شماره‌و یانزه‌ی	ای ل ون	eleven <i>n, adj</i>
یازدهم، $\frac{1}{11}$	یازده‌یه‌م - یانزه‌هۆم	این‌لونس(ت)	eleventh <i>n, adj</i>
حذف کردن، دفع کردن	لایه‌رده‌ی - لایه‌بردن - پاک‌و	ای‌لی‌یه‌ت	eliminate <i>v</i>
کردن			
دیگر، به‌جای - پیشتر، علاوه	ئی ترباتی - غره‌تر - جگه‌له	ایلس	else <i>adv</i>
بر			
در جای دیگر	یا‌گه‌ی ته‌ر - جی‌گه‌یی ته‌ر	ایلس وەر	elsewhere <i>adv</i>
شو‌نه‌ی ته‌ر			
خیط/دست‌پاچه‌کیچ کردن	ده‌سه‌پاچه‌ک‌رده‌ی - گنج کردن	ایم‌بیرس	embarrass <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
embarrassment <i>n</i>	ایمپرسمنت	دهس پاچهیی، گنجی ههولی	دستپاچی، شرم‌نگی، عیا
embassy <i>n</i>	إمپ سی	بالوێزخانه، یاگه سه‌فیر	سفارتخانه، سفیر
embrace <sup>1</sup> <i>v</i>	ایم بریس	له‌باوه‌ش گرتن، نه‌وشی گرتن	در اغوش گرفتن
embrace <sup>2</sup> <i>n</i>	ایم بریس	له‌باوه‌ش گری، جه‌نه‌وش گیری	در اغوش گیری
embroider <i>v</i>	ایم برای در	نه‌خشو‌نگاروسه‌ی	گلدوزی کردن
embroidery <i>n</i>	ایم‌برای‌دری	گو‌لد‌و‌زی کردن	
emerge <i>v</i>	ای میج	نه‌خش و نگار، گو‌لد‌و‌زی	گلدوزی، سوزن دوزی
emergency <i>n</i>	ای مریجنسی	دیاری دای به‌ده‌رکه‌وتن	خارج شدن، بیرون آمدن
		فه‌ریاده‌س بو‌رووداوه‌کان	اوروانس، اضطرار
		په‌له‌په‌ی وه‌رگلو‌روداوی‌زوویازی	
emir <i>n</i>	إمیر	ئه‌میر، میر، پاشا، شاه	امیر، حاکم
emotion <i>n</i>	ای موئین	ره‌حم و مروه‌ت، زوو‌ج‌و‌ش	عاطفه، احساس، شور
		گه‌رم‌مه‌زاج	
emperor <i>n</i>	إم پەر	حاکمی، حاکمان	امپراتور
		شای وه‌لاتانی زو‌ر	
empire <i>n</i>	إم پایر	ئه‌مپراتوری	امپراتوری
empress <i>n</i>	إم پریس	ژنی، ئه‌مپراتۆر	همسر امپراتور
		ژه‌نه‌و ئیمپراتۆری	علیا حضرت
emphasize <i>v</i>	إم‌فیسایز	سه‌رو‌تسی، ره‌لو‌ای	تاکید کردن، سفارش
		له‌بان قسه‌و‌یسان	کردن

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
استخدام کردن	بوکار گرتن - پهی کاری گرتی	ایم پلی	employ <sup>v</sup>
به کار بردن	بوخزمه ت گرتن به کار نان		
کارمند، مستخدم	خزمه ت کار به کار گرت	ایم پلوی	employee <sup>n</sup>
	به کار گیر یا		
کارفرما، صاحب کار	کار ده ر - صاحب کار	ایم پلویر	employer <sup>n</sup>
کار شغل، استخدام	کار - پیشه	ایم پلی منت	employment <sup>n</sup>
خالی، بوج، تهی	خالی - هالی و هو لا	ایم بی تی	empty <sup>1 adj</sup>
خالی کردن، تخلیه نمودن	خالی کردن - هالی که ر ده ی	ایم بی تی	empty <sup>2 v</sup>
قادر کردن، توانا ساختن	قوره ت به نه دای به هیژ کردن	ای نیبل	enable <sup>v</sup>
لعاب، مینای دندان	سریش و رینگی له عاو	ای نمل	enamel <sup>n</sup>
	مینا و رووکesh		
احاطه / محصور کردن	ده و روبه ر گرتن - ده و ر گرتی	این کلتوز	enclose <sup>v</sup>
محوطه بسته، محوطه	حه سار - جیی ده و ر گیر او	این کلتوزر	enclosure <sup>n</sup>
نرده	یا گئی ده و ر بینای		
تشویق کردن، دلگرمی دادن	دلگه رم کردن - دلگه رم که ر ده ی	این کاریج	encourage <sup>v</sup>
دائرة المعارف، دانش نامه	فه ره نگي وشه ولو غه ت	این	encyclopedia <sup>n</sup>
	سای کلوییدی		
پایان، آخر، انتها، خاتمه	ئاخر - ته و او - ته مام سه ره ات	ایند	end <sup>1 n</sup>
تمام شدن، به پایان رسیدن	ته و او بیون به ئاخر یا وای	ایند	end <sup>2 v</sup>
	ته مام بییه		
سرتیاجام، پایان	ئا قیبه ت دوا هات دما ئامه	ایندینگ	ending <sup>n</sup>

u	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هست اندازی و تجاوز کردن	داگیر کردن - تهره گرتی	لن کروج	encroach <i>v</i>
بی پایان، بی انتها، مداوم	بی دواها تیی - دما تاهمه	ئندلس	endless <i>adj</i>
	بی شوون و مه رز		
طاقت آوردن، تحمل کردن	سه ختی کیشای - تاقه ت	این دوور (دیور)	endure <i>v</i>
	ئه ورده ی - سه بر کردن		
بردباری، تحمل، طاقت	تاقه ت سه ختی سه بر	این دیتورنس	endurance <i>n</i>
دشمن، خصم	دژمه ن - دوژمن	این می	enemy <i>n</i>
نیرو، توان، انرژی	قوه هیز - زور	این رچی	energy <i>n</i>
پرانرژی، فعال	پرهیز - پرزور - قوه دار	این رجتیک	energetic <i>adj</i>
با انرژی	به هیز - به قوه	این رجتیکی	energetically <i>adv</i>
وکیل گرفتن - نامزد کردن	به کار گر تن - قه بول کردن	این گیج	engage <i>v</i>
	دلی کاری به رده ی		
نامزدی - قرار داد، تعهد	کار قه راره ل بزار گرفتاری	این گیج منت	engagement <i>n</i>
موتور (بنزینی، ...)	موتور (ماشین)	لن جین	engine <i>n</i>
لوکوموتیوران	شفووره قه تار قه تار پین	لن جین درلیور	engine driver <i>n</i>
مهندس (راه...)	موه ندس - ته ندازیار	این جی نییر	engineer <i>n</i>
رشته مهندسی	له قی موه ندسی - ته ندازیاری	این جی نییرینگ	engineering <i>n</i>
از... لذت بردن، خوش آمدن	له زه دبه رده ی - خوشی و	این جوی	enjoy <i>v</i>
انگلستان	له زه ت بردن (ئینگلیس)	این گلند	england <i>n</i>
لذت بخش، دلپذیر	له زه ت دار دلی کیش - وه ش	این جوی	enjoyable <i>adj</i>

ایل

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لذت، خوشی، بهرهمندی	له‌زه دله زهت - خو‌شی	این جوی	enjoyment <i>n</i>
بزرگتر کردن، توسعه دادن	وه‌شی - نیشات گه‌وره تر کردن - گه‌وره که‌رده‌ی (عه‌کسه)	ونت این لارج	enlarge <i>v</i>
بسیار بزرگ، عظیم	فره‌گه‌وره زل‌وده عبا زورگه‌وره	اینورمیس	enormous <i>adj</i>
بحد کافی، کافی، بسنده	به‌ئه ندازه و به‌س - وه‌سی - وه‌سی	ایناف	enough <i>adj, adv, n</i>
نام‌نویسی کردن	ناونوسی کردن - نام‌نویسی که‌رده‌ی	این‌رنول	enroll <i>vt</i>
حاصل‌خیز کردن - پولدار کردن	قوره‌ت دار کردن - خاک	این‌ریچ	enrich <i>vt</i>
وارد شدن، داخل شدن	دلی‌تامة‌ی - ناو هاتن	لن‌تر	enter <i>v</i>
مهمانی کردن - سرگرم کردن	خلفانای میوانی کردن سه‌رگه‌رم کردن	یت‌ترین	entertain <i>v</i>
سرگرمی، تفریح، پذیرایی	خلفانای میوانی - سه‌رگه‌رم ده‌عه‌ت	لن‌ترین ونت	entertainment <i>n</i>
شوق، علاقه، اشتیاق	شه‌و قه‌گه‌رمی - ثیلاقه - شه‌ور	این تیوز یازم	enthusiasm <i>n</i>
علاقه‌مند، پرشور	به‌ثیلاقه - وه‌به‌شه‌و قه‌وه	این تیوز یاس‌تیک	enthusiastic <i>adj</i>
تمام، کامل، ازگار	گرده‌مو - گوشت - ته‌مام	این تایر	entire <i>adj</i>
به‌طور کلی، کلاً	به‌ته‌واوی - گردو گرد	این تایرلی	entirely <i>adv</i>
مداخل، فرورودی - آغاز، شروع	ناوده‌رگابو ناو - په‌ی دلی دلی - شه‌وه‌ل - ناوده‌رک	این ترانس	entrance <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
entry <sup>n</sup>	لین ترای	روه و دلی به ره و ناو دلی - ناو	ورود، دخول، راهرو
envelope <sup>n</sup>	لین ولوپ	پاکه ته نامه - پاکه تی نامه	پاکت نامه
environment <sup>n</sup>	این ولیرن	پوژنه ر - دا پوژنه ر ده و روبه ر - جیی ژیان	محیط، دور و بر، محیط زیست
envy <sup>1 n</sup>	لین وی	یا گئی ژ یوای (ناو - خاک هه و ا) - مینت	غبطه، رشک، حسد
envious <sup>adj</sup>	لین ویس	به خیل - چه سودی	حسود، غبطه خور
envy <sup>2 v</sup>	لین وی	چه سود به خیل به خیل به خیل بیه ی - چه سودی	غبطه خوردن، حسد بردن به
epidemic <sup>n</sup>	ای بی میک	کردن په تانامه ی - نه خوشی گشت گیر	بیماری مسری و واگیر
equal <sup>1 adj</sup>	ای کول	ناوه شی گردگیر به رانیه ر - یگ یو ه ک یه ک	مساوی، برابر، همپایه
equality <sup>n</sup>	ای کولی تی	به رانیه ری به یه ک نه ندازه	یکسانی، تساوی، برابری
equally <sup>adv</sup>	ای کولی	به یه ک نه ندازه به قه دیه ک	به طور برابر
equalize <sup>vt</sup>	ای کولایز	یه ک جوړ کردن	مساوی کردن، برابر کردن
equal <sup>2 n</sup>	ای کول	پسه یو یو ه ک یه ک به رانیه ر	همپایه، هموتیه، یکسان
equal <sup>3 v</sup>	ای کول	به رانیه ربوون به یه ک	مساوی / برابر بودن
equator <sup>n</sup>	ای کویتیر	نه ندازه بوون خه ته ولت که ره و زه مینی خه تی له ت که ری زه وی	خط استوا، استوا

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مجهز کردن، تجهیز کردن	ئاماده و موجهه ز کردن	ای کویپ	equip <i>v</i>
وسایل، تجهیزات	ئاماده کرده ی		
واست، عمودی	وه سیلی - ئامراز - ئامرازه کان	ای کویپمنت	equipment <i>n</i>
	راسو کهرده قنچ و قیت	ای رکت	erect <sup>1</sup> <i>adj</i>
	راسو بوو		
برپاداشتن / برافراشتن	ئهره مەرز نای - دامه ز راندن	ای رکت	erect <sup>2</sup> <i>v</i>
	ئهره کهرده ی - سازین		
پی کاری رفتن، مأموریت	به شویتی کاریکا چوون	ایرند	errand <i>n</i>
	پیشام به رده ی، دانیان		
غلط، اشتباه، خطا	خه تابه هه له چوون - نادرو س	ایر	error <i>n</i>
فوران کردن، منفجر شدن	تره کای - ته کای - تره کین - ته قین	ای رابت	erupt <i>v</i>
پله برقی	پله کانه ی به رقیه - پله ی برقی	ایس کلیتر	escalator <i>n</i>
گریختن، رها / آزاد شدن	خه لاس و ئازاد بوون - راکردن	ایس کیب	escape <sup>1</sup> <i>v</i>
نشست کردن گاز	به رشیه ی، قولیره ئه ورده ی		
فلوژ بهای، نجات	خه لاس - به رشیه	ایس کیب	escape <sup>2</sup> <i>n</i>
	ئازادی - نجات		
همراهی کردن، بدرقه	له گه لاچوون - چه نی یوی لوی	ایس کُرت	escort <i>v</i>
کردن	به دره قه کردن		
اسکورت، ملازم، بدرقه	به دره قه هاویری	ایس کُرت	escort <i>n</i>
	چه نی بیه ی		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>especially</b> <i>adv</i>	به تاییدت - ته یه تی زۆری زۆر	بیش از اندازه به خصوص، مخصوصاً	
<b>essay</b> <i>n</i>	نوسراوه ی کورت - نووسراوه	مقاله، نوشته کوتاه، رساله	
	نویسه ی کۆل		
<b>essential</b> <i>adj</i>	نیاز زه روور ریشه یی	اساسی، ضروری، واجب	
<b>estate</b> <i>n</i>	تیکه زه وی گه وره - پارچه	قطعه زمین بزرگ، وضع	
	زه مینی گه وره - ملک و مال	دارایی	
<b>estimate</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	ته قمین دای بهر ئاورد کردن	تخمین / حدس زدن	
	له پیش حساب کردن		
<b>estimate</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	ته قمین بهر ئاورد	حدس، تخمین، برآورد غیره	
<b>etc.</b>	چیوانی ته ر - چتانی تر	و از این قبیل	
<b>even</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	ساف بهرانبه ر - جوت، ئارام	صاف، برابر، زوج، ملایم	
<b>evenly</b> <i>adv</i>	به جور ی بهرانبه ر	به طور یکسان / یکنواخت	
	یه ک جور و ریک		
<b>even</b> <sup>2</sup> <i>adv</i>	هیمار - جار یکان - چه تا	حتی - هم، هنوز	
	بۆ نموونه، هیچتا		
<b>evening</b> <i>n</i>	ویره گه - ئیواره سه غریوی	غروب، سروب	
	سه ر شهو		
<b>evening party</b> <i>adv</i>	ئینینگ پارتی	شب نشینی	
<b>event</b> <i>n</i>	روه دار ووداو - چیوقومیا ی	اتفاق، رویداد، واقعه	
<b>eventually</b> <i>adv</i>	ئاقیبهت - دوا هات سه رئاخر	سراپتام، بالاخره	

uə      p      b      t      d      k      g      t/      d3  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تاکنون، تا حال - همیشه	تا ئیسە - تا ئیستا	اوپر	<b>ever</b> <i>adv</i>
هر، هرکدام - تمام	هه ره که کام هه ره کامان	اوپری	<b>every</b> <i>adj</i>
هرکس، همه (کس)	هه ره که س هه ره که هه مو که س	اوپری بادی	<b>everybody</b> <i>pron</i>
	گر ده که س		
هر روز و هر روز مه	هه مو روژی، گر ده رو یه	اوپری دی	<b>everyday</b> <i>adv</i>
هر چیز، همه چیز	هه ره چی وه ی هه ره چت	اوپری سینگ	<b>everything</b> <i>adj</i>
	گر ده چی وه ی هه ره مو چت		
همه جا، در همه جا، به همه جا	هه ره یا گه ی هه ره شوینی	اوپری ڤر	<b>everywhere</b> <i>adv</i>
	گر ده یا گه ی گشت شوین		
طیله نگاه، مدرک، نشانه	ده لیله مه ده که بچن چاقه	اوپری ڤنس	<b>evidence</b> <i>n</i>
	شاهید - ده لیل		
واضح، آشکار، روشن	روون ئاشکرا پرۆشن	اوی ڤنت	<b>evident</b> <i>adj</i>
آشکارا، موضوع	به ئاشکرا پرۆی پرۆشن	اوی ڤنتلی	<b>evidently</b> <i>adv</i>
	به روونی		
شیطانی، ناجوانمردانه، بفسر	شه ڤر نه ورجه ئا خراوه	نی ڤل	<b>evil</b> <i>adj</i>
	خرا به شیتان موکل		
سز - سوم - بلا	پیش وشه به مانای له میژ	اکس	<b>ex</b> <i>pref</i>
پیشوند (بمعنی قبلی) - در - از	چی و له له مه ره به رله چه (مه ره)	یو	<b>ewe</b> <i>n</i>
گوسفند ماده - میش	ته واد و دوست - ریک و راس	ای ی زکت	<b>exact</b> <i>adj</i>
کاملاً صحیح - حقیق	ئو تا قی تا قی کرد نه وه		<b>examination-Rom</b> <i>n</i>
أطاق معاینه			

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کاملاً دقیقاً	پێک و پاس - کامیله ن	ایک زکتملی	exactly <i>adv</i>
مهاله کردن، غزالی کردن	دروستی دروست شاخو پال په نه دای	ای زج ریت	exaggerate <i>v</i>
آزمایش، بررسی	زۆروتن - به فره روین تاقی که ری - تاقی که رده ی	ایک	examination <i>n</i>
مخفف examination	لیکۆلین دوو که لیمه ی به ک مانا	ی مینیشن ایگزیم	examination <i>n</i>
معاینه / امتحان کردن	به باتی یۆ - ئمتحان تاقی کردن - تاقیۆ که رده ی	ایگزیمین	(exam) <i>n</i> examine <i>v</i>
نمونه - بعنوان مثال	چه نه په رسای سه ره شق - نموونه - میسال	ایگزیم پل	example <i>n</i>
از حد خارج شدن	له نه ندازه پادا کیشان	ایک سیید	exceed <i>n</i>
پافرا گذاشتن	چه چه دبیهرده ی مومتاز خفه خاس زۆر باش	ایک سلنت	excellent <i>adj</i>
عالی بسیار خوب، ارجمند	زۆر به باشی چه مومتازی	ایک سلنتلی	excellently <i>adv</i>
به طور فوق العاده	جگه، بیجگه بیجگه م	ایک بیهت	except <i>n</i>
بجز، به استثنای	جیا واز - جیا چه گره	ایک بیب	exception <i>adj</i>
استثنای	جگه له گشت به جیا وازی چه تاییه ت	شین	exceptionally <i>adv</i>
به طور استثنائی	به جووری جگه و تاییه ت	ایک بیب شین لی	

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اضافه، افزونی، زیاده روی	زیادی زیاده روی	ایک بیس	<b>excess</b> <i>n, adj</i>
مازاد	زۆرفره یی		
مبادله کردن، معاوضه	ئالۆگۆر کردن	ایکس چنج	<b>exchange</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
کردن	عه وه زوبه ده ل کهرده ی		
مبادله، معاوضه، دادوستد	عه وه زوبه ده ل ئالۆگۆر	ایکس چنج	<b>exchange</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	س ریه سه ر		
هیجانزده کردن، تحریک	هانه هانه دای دیو نای	ایک سایت	<b>excite</b> <i>v</i>
کردن	هه لئیان هۆر نیای		
هیجانزده، برانگیخته	هه ل نرا وهانه هانه دریا	ایک سایت	<b>excited</b> <i>adj</i>
	هۆر نریا دیو یانگه رم حال		
هیجان، شوریدگی، شور	حال گۆریان - حال واریا	ایک سایت	<b>excitement</b> <i>n</i>
	دیو یانه لئیان شۆر	میت	
هیجان انگیز، شورانگیز	حال وار - حال گۆر	ایک سای	<b>exciting</b> <i>adj</i>
مهیج	دیو نه ره له ل نیه ر	تینگ	
از تعجب فریاد کشیدن	هاوار و قال کهرده ی	ایکس کلیم	<b>exclaim</b> <i>v</i>
داد زدن	هاوار و یانگ کردن، قیراندن		
فریاد (از درد، ...) داهندا	هاوار - قال بیانگ	ایکس کلیمیش	<b>exclamation</b> <i>n</i>
علامت تعجب (!) در آخر	عه لاهمه تی عه جه بیات	ایکس کلیمیش	<b>exclamation mark</b> <i>n</i>
جمله	له ناخری جمله	مارک	
طرد/حذف/بیرون کردن	ده رکردن بیه رکهرده ی برانه دای	ایکس کلود	<b>exclude</b> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گردش تفریحی، تفریح	سه یاران و گه‌ریان سه یاران و ایکس‌کرشن		excursion <i>n</i>
	وه‌شی که‌رده‌ی		
بخشیدن، عفو کردن	به‌خشی به‌خشین - عه‌فو کردن ایکس‌کیووز		excuse <sup>1</sup> <i>v</i>
عذر / معذرت خواهی	عوزر - تکاوالله - تکایه ایکس‌کیووز		excuse <sup>2</sup> <i>n</i>
اعدام کردن، اجرا کردن	له‌سیداره‌دان - عا‌دام که‌رده‌ی ایکس‌کیووت		execute <i>v</i>
	دروست کردن		
اعدام، اجرا	عا‌دام سیداره - ئیجرا ایکس‌ی‌کیویشن		execution <i>n</i>
	دروست		
ورزش، مشق، اعمال، اجرا	وه‌رجس مه‌شق - ته‌کلیف ایکمیرسایز		exercise <sup>1</sup> <i>n</i>
تمرین / ورزش دادن	مه‌شق کردن - وه‌رزش کردن ایکمیرسایز		exercise <sup>2</sup> <i>v</i>
از پا / رمق افتادن	مانگ وهیلاک بوون - ته‌مام ایگزُست		exhaust <sup>1</sup> <i>v</i>
تمام کردن	که‌رده‌ی، پرو‌بیه‌ی		
خروج گاز از لوله اگزوز	ده‌ره‌اتنی گاز له‌لوله‌ی ایگزُست		exhaust <sup>2</sup> <i>n</i>
تماماً مصرف کردن	ئگزوز - دوکه‌لی مو‌تر		
نمایش دادن، بروز دادن	پیشاندان - ئیشاندای ایگری بیت		exhibit <i>v</i>
نمایشگاه	پیشانگا - ئیشانگا ایگری پیشن		exhibition <i>n</i>
تبعید، آدم تبعید	دوور کردن - دوور له‌وه‌ته‌ن ایکسایل		exile <i>n</i>
شده	دوورچه‌وه‌ته‌ن		
وجود داشتن، بودن	ژیواوبیه‌ی - ژیان‌وزینگه‌ی کردن ایگ زیست		exist <i>v</i>
هستی، وجود، حیات	ژیوای - ژیان - ژینگه‌ی ایگ‌زیستنس		existence <i>n</i>
	هه‌ست و وجود		

ʌ      ɜ:      ə      eɪ      əʊ      aɪ      aʊ      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	گُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
راه خروجی، خروجی	ده رها تن پری بۆده	إکعبیت	exit <i>n</i>
توسعه / بسط / گسترش دادن	راوبه ری مرووه بهر بلاوۆ کردن - تهره قی پیدان	إکس پند	expand <i>v</i>
گسترش، توسعه، گشادی	پهره په نه دای پهره - تهره قی بلاو واز	إکس پن شین	expansion <i>n</i>
تصور داشتن، گمان کردن،	گومان کردن - خیال کرده ی	ایکس پکت	expect <i>v</i>
انتظار داشتن	ته وه قوایی چه		
سفر علمی / اکتشافی، اُردو	گهشت و سه یران سه فهر - ثور دو	ایکس پیدی شین	expedition <i>n</i>
اخراج / بیرون کردن	ده رک کردن بهر که رده ی	ایکس پل	expel <i>v</i>
	ته ره زنیه ی		
اخراج، دفع	ده رک کردن بهر که ری - ته ره زینه	ایکس پال	expulsion <i>n</i>
	به روز - وه ده رک کرد	شین	
گران بها، گران، بُر قیمت	گران - قیمه ت گران	ایکس پن میو	expensive <i>adj</i>
هزینه، خرج، اجرت	خارج - مه سرووف	ایکس پنس	expense <i>n</i>
رویداد - تجربه	رووداد - ته جره به - تاقی که رد	ایکس پیرینس	experience <sup>1</sup> <i>n</i>
	سه رنامه		
تجربه آموختن، اتفاق افتادن	تاقی ته وه که رده ی	ایکس پیری نس	experience <sup>2</sup> <i>v</i>
	سه ختی کیشان - ته جره به کردن		
با تجربه، کارآمد، ماهر	ته جره به دار کارزان	ایکس پیرینست	experienced <i>adj</i>
	لیّ هات - چه نه نامه		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تجربه، آزمایش، آزمودن	تاقی کردنه وه - نازمایش	ایکس پری منت	experiment <sup>1</sup> n
تجربه کردن، آزمایش کردن	تاقی کردن - نازمایش	ایکس پری	experiment <sup>2</sup> v
آزمودن	که رده ی	منت	expert n
آگاه، کاردان، متخصص	زاناوریا - یرکارزان	یکس پرت	expert n
خبره	کارناس		
شرح / توضیح دادن	به یان کردن - واته ی	ایکس بلین	explain v
بیان کردن	باس کردن		
دلیل، شرح، بیان، شرح	به یان یاس - واته ی	یکس بلان یشین	explanation n
منفجر شدن / کردن	ئه وه ته قنای - ته قانندن	ایکس بلود	explode v
	تره کنای		
انفجار	ته قنای نه وه - ته قه - گرمه و پوقه	ایکس بلوژن	explosion n
ماده منفجره، ترکیبندی	ماده ی ته قینه وه - ماده و سوته ی	ایکس بلوزیو	explosive n
	زه ر ئیق ناسا		
سیاحت / اکتشاف کردن	گه ران و ژیر و بان کردن	ایکس بلور	explore v
	په ی گیلای - شو نه ره لوای		
کاوش، اکتشاف، بازاریابی	به دوا گه ران - په ی گیلای	ایکس بلوری	exploration n
	دوژینه وه - لی کو لین	شین	
مکتشف، کاوشگر، جهان	دوژه ریزه - ره و یز	ایکس بلوورر	explorer n
پژوه، کاشف	به دوا گه ر		

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



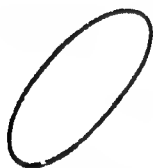
فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صادر کردن، صادرات	بۆده‌وه‌ی وه‌لات ناردن	ایکس پورت	export <sup>1</sup> v
	په‌ی به‌ری کیانای		
کالای صادراتی / صادرات	سادات - چتانی ناردنی	ایکس پورت	export <sup>2</sup> n
	چیوی ساداتیی		
نپوشاندن، روباز گذاشتن	به‌رووسه‌ی - ناشکرا کردن	ایکس پوز	expose v
افشا کردن	نیشان دای سه‌ری ریگه نیان (منال)		
اظهار / بیان داشتن	به‌یان کردن وه‌تیی	ایکس پرس	express <sup>1</sup> v
	باس که‌رده‌ی		
اظهار، بیان، حالت، ابراز	به‌یان بباس - نه‌وه‌واته	ایکس پرس‌شین	expression n
سریع، السیر، اکسپرس	توند ره‌و - تامرازی توند	ایکس پرس	express <sup>2</sup> n
فردم	په‌یکی تند و تیژ - تندرابه‌ر		
تمدید / طولانی‌تر کردن	دریژه‌پیی‌دان دریژه‌ره	ایکس‌تند	extend v
	که‌رده‌ی معاوه‌دان		
تمدید، امتداد، گسترش	دریژه‌کیش داواز کرد	ایکس‌تین‌شین	extension n
	بلا و لئا و معاوه‌مده		
وسیع، بزرگ، پهناور	گه‌وره‌بلا و - پان و و لئا	ایکس‌تین‌سیو	extensive adj
	وه‌رو لئا		
وسعت، بزرگی، گسترده‌گی	وازیحی - بلاوی	ایکس‌تنت	extent n
	گه‌وره‌و لئاوی و برینی		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>external</b> <i>adj</i>		به‌ری-ده‌ری-ده‌ره-ده‌یمو به‌ری ایکس‌تِرنل	خارجی، بیرونی، از بیرون
<b>extinguish</b> <i>v</i>		کوژاندن-کوژشای-لا بردن ایکس‌تین‌گوئیش	خاموش کردن، نابود کردن
<b>extinguisher</b> <i>n</i>		خه‌فه‌که‌ر-ئاگر کوژین ایکس‌تین‌گوئیشیر	اتش خاموش کردن
<b>extra</b> <i>adj, adv, n</i>		ئه‌یر کوژش زیادجه‌حه‌دزۆروئیزافه	اتش نشان فوق‌العاده، بیش از حد
<b>extract</b> <i>v</i>		دداڤ کیشان به‌رئه‌ورده‌ی ده‌رهاوردن، ئا و گرتن	معمول، اضافی کشیدن، بیرون کشیدن
<b>extraordinary</b> <i>adj</i>		فره‌جه‌سه‌ر زۆر له‌بان تابیه‌ت و ته‌ل	خارق‌العاده، غیر عادی
<b>extravagant</b> <i>adj</i>		ده‌س با‌د‌فره‌خه‌ر که‌ر وی‌ل‌خه‌ر ج-ژاژۆل	ولخرج، افراطی
<b>extravagance</b> <i>n</i>		زیاده‌ره‌وی-کار یا قسه‌ی ئاما قۆل- وی‌ل‌خه‌رجی	اسرافکاری، زیاده‌روی
<b>extreme</b> <i>adj</i>		دوورترین-ئاسۆ-نه‌هایه‌ت بی‌ئه‌ندازه‌حه‌ر فره	دوورترین، منتهی‌الیه، شدید
<b>extremely</b> <i>adv</i>		یه‌کجار زۆر	بینهایت، خیلی، به‌شدت
<b>eye</b> <i>n</i>		چاو-چه‌م-کونه‌ده‌رزی هه‌لقی، نه‌زه‌ر	چشم- سوراخ سوزن بینایی

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تخم چشم، نرود چشم	بیل بیلە ی چا و گلی نه و چه مان	آی بول	eyeball <i>n</i>
	گلاره		
ابرو، استخوان ابرو	ئه برۆ - برۆ	آی براو	eyebrow <i>n</i>
	(برو)		
مژه	بژانگی بژانگ بژانگ	آی لَش	eyelash <i>n</i>
پلک چشم - جفن	پیلە ی چا و - پیلایی چه می	آی لید	eyelid <i>n</i>
بینایی، دید چشم، دید	بینایی بینایی چا و بینایی چه می	آی سایت	eyesight <i>n</i>
	سو مای چاوان		
بدشکل - بدنما	به د شکل به د ته شک - ناشرین	آی ژر	eye - sore <i>n</i>
درمان چشم - تظاهر	ده رمانو چه می - ده رمانی چار	آی واش	eye - wash <i>n</i>
شاهد عینی	شاید - شاهید بزان	آی ویت	eye - witness
	چەم چۆ وە بیە	نس	
چشم سال	چاوی سال	آی یز	eye year <i>n</i>
چشم عمر جوانی	چاوی جوانی و لاوی	آی یوت	eye youth <i>n</i>
چشم زیرکی	چاوی به ر قدار بویت ویتو چه مان	آی ویت	eyewit <i>n</i>



ELLIPSE



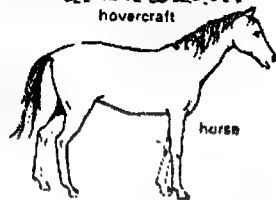
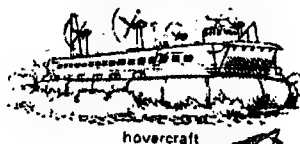
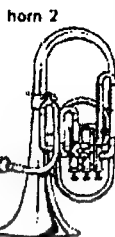
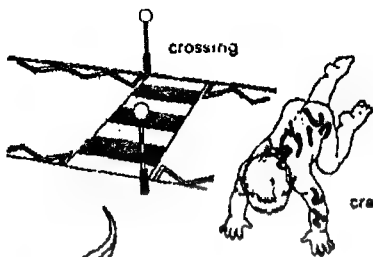
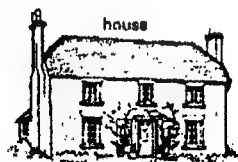
EAGLE



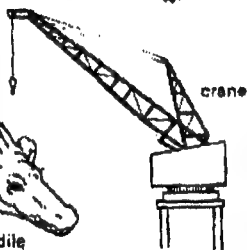
EGGSHELL



ELEPHANT



crocodile



شاهپور سوم

۳-۲۸۴



کواز یا قباد یا شیروی

۳-۶۲۸

## F f

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
ششمین حرف الفبای انگلیسی	شه شه مین پیتی ته لفا	یف	F <i>n</i>
فهم و عقل و درک	فام و هو ش (و یته و یت)	فام	faam = wit <i>n</i>
چهارمین نُت موسیقی	چواره مین نو ت له موسیقا	فا	fa <i>adj</i>
حکایت آموزنده، فسانه، قصه	حه کایه ت رازی - قسه	فیل	fable <i>n</i>
پارچه، بقائش، بافته	جنس - کو تال - چوار چیوه	فَبْرِیک	fabric <i>n</i>
صورت، چهار منما، صفحه	رووه و روومه ت - شپوه - روو	فیس	face <sup>1</sup> <i>n</i>
مواجه شدن، برو به	وه رانوه ریه ی	فیس	face <sup>2</sup> <i>v</i>
طرفی بودن	و یسیان له به رانبه رهو رته ق		
وسایل، محلهای عمومی، انسانی	وه سیله کی - ئام رازی گشتی	فَسِیلِیتِیس	facilities
حقیقت، واقع، رویداد	روه دایروودا و هه قیقه ت	فَکت	fact <i>n</i>
کارخانه	کارخانه	فَکتری	factory <i>n</i>
رنگ باختن - پژمرده شدن	سیسیای - کالویه ی	فید	fade <i>v</i>
	هه ژار بوون - چه کو بوون		
فahrenheit، گرما سنج	گه رما ژناس - ئام رازی سه ردو	فَارِنهَایت	fahrenheit <i>n</i>
	گه رما ژان له ۳۲ تا ۲۱۲ دهره جه	(ف)	
دسته هیزم	لیژینه هیزم ی - ده سته ی دار	فاگِت	faggot <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>fall</b> <i>v</i>	فیل	نه تاوای سه‌ر نه که و تن بکه و ته ی	توانستن = رو شدن
<b>failure</b> <i>n</i>	فیلیر	ناموادی عاجزی - چه نه مه نه	ناکامی، شکست، کمبود
<b>faint</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	فینت	ثو فتاده، زایفی زافی که ده ی بی ختیار که و ته ی	بی عرضه غش / ضعف کردن
<b>faint</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>	فینت	غەش کردن غی داری	ضعیف، خفیف، غش
<b>fair</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	فیر	زایف و نزار شل بی ره گ عادل ی به دوستی - چاک	عادلان، نسبتاً خوب، نمایشگاه
<b>fairly</b> <i>adj</i>	فیرلی	توز یوه - که میک بیریک	کمی، فره ای، منصفانه
<b>fair</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	فیر	نیشانگا - پیشان گا	نمایشگاه، بورز بیا
<b>fairy</b> <i>n</i>	فیری	جن - جنو که - په ریه	پری، جن
<b>faith</b> <i>n</i>	فیس	باوه ریه و ر - ته قیده و وه فا	ایمان، اعتقاد، وفاداری
<b>faithful</b> <i>adj</i>	فیس فول	وه فادار - پر باوه ر - ته مین	وفادار، پایبند، درست
<b>faithfully</b> <i>adv</i>	فیس فولی	به وه فاداری ته واو	صادقانه، بالایمان
<b>fall</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	فُل	به دوستی و ریکی وار که و ته ی - خوار که و تن	پایین افتادن، فرو ریختن
<b>fall</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	فُل	که م بوون - (له نرخ) بارین وار - خوار که م - نو خسان	آفت کردن سقوط، کاهش، تنزل، بارش
<b>false</b> <i>adj</i>	فُلَس	قه لب هوار یا درو یی	غلط، دروغ = مصنوعی
<b>falsely</b> <i>adv</i>	فُلَس لی	ده س ساز، بی مه یل به جو ری ده ست ساز درو یی بی عه سلی	بی وفا به طور مصنوعی

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آوازه شهرت، خوشنامی	شۆڤه تـئاوازه خنامی لوا	فیم	fame <i>n</i>
معروف، مشهور، نامی	مه یـشووړنامدار-شۆڤه تی	فیمیس	famous <i>adj</i>
خودمانی، متداول، شناسی	خۆمانی حویمانه بیار	فمیلیر	familiar <i>adj</i>
اعضای خانواده	زاناوارده به، شناس مال و بینه ماله خیل	فیمیلیر	family <i>n</i>
قوم و خویش	یانه و کلفت، خزمان		
قحط، عطش، خشکسالی	قاتی سال بېرسیه تی - نه وای	فمین	famine <i>n</i>
پنجه، پاهیزن، پرواله داشین	پانکه بیاوه شین حواشه ن	فن	fan <sup>1</sup> <i>n</i>
پافزن، پراکنده کردن	باوه شین کردن بیا لیدان	فن	fan <sup>2</sup> <i>v</i>
	واوه نه دای		
فانتزی، تخیلی، تصویر	خیال - حه وه س گومان، زیاد	فن سی	fancy <sup>1</sup> <i>adj</i>
گمان کردن - هوس کردن	خیال کردن - گومان کردن	فن سی	fancy <sup>2</sup> <i>v</i>
	خیال کرده ی		
دور، فاصله دور،	دور - یانگی دور - دور - ده س	فار	far <i>adv, adj</i>
فاصله خیلی زیاد			
کرایه (مسائل نقلیه) پول کرایه	کری - بکرا حمز، رودار	فیر	fare <i>n</i>
مزرعه (همراه با دامپروری)	زه وی بو مالات	فارم	farm <i>n</i>
کشزار	زه مینو تا بوه تی گه له داری		
کشاورز، مزرعه دار	وه رزیه ر - ره عیدت - جوتیار	فارمیر	farmer <i>n</i>
	زه مین دار		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
farming <i>n</i>	فارمینگ	جووتیاری، کشت و کال نه لایی	زراعت، کشاورزی
farmyard <i>n</i>	فارم یارد	زهوی ده و رو بهری چاربه مینی ده و رو به رو چاری جیلاو	محوطه باز مرعه و بوستان
farsi <i>n, adj</i>	فارسی	زوانو فارسی، زمانی فارسی	زبان فارسی = فارسی
fascinate <i>v</i>	فاسینیت	روه و، وی کیشای	مجبوب کردن، جلب کردن
fascination <i>n</i>	فاسینیشن	جادو کردن به ره رو خو کیشان (فیسینیت) دلکیشی، ره ریو دلی	فرهنگی، دلربایی
fashion <i>n</i>	فاشین	نمه کینی وشه یدایی باوچه رسم - ته ری قه پره وش	گهزیایی فدیرسم، باب و روش
fashionable <i>adj</i>	فاشینابل	داکه و تو - یا گه که و ته و باو	موسوم، ممتداول، شیک
fashionably <i>adv</i>	فاشینابلی	ره سم و جی که و ت باوی روژ با و ره سموروی	فد از نظر مد روز
fast <sup>1</sup> <i>adj</i>	فاست	تن و تیژ گورج - تیژ بته و	سریع، چابک، محکم، ثابت
fast <sup>2</sup> <i>adv</i>	فاست	به توندی به رق ناسا محکم	به سرعت - به طور محکم
fast <sup>3</sup> <i>v</i>	فاست	روچه گرتی پروژ و گرتن	ویژه گرفتن
fasten <i>v</i>	فاین	به ستن، ته نگ دان محکم کرده ی	روی هم / محکم بستن
fastener <i>n</i>	فاینیر	قولا به - قولا و گیرده ر	قلاب، گیره، چفت، بست
fat <sup>1</sup> <i>adj</i>	فت	قه له و چاخ - په رگوشت	چاق، پیه، دنبه
fat <i>v</i>	فت	په رواری کرده ی - نه ره بینای	پرواز کردن، فره کردن

دایه ستن به خپو کردن

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
روغن، چربی (حیوانی)	رۆن-چه وری-دو وگ	فَت	fat <sup>2</sup> <i>n</i>
	دمه-وه زبه-ز، روهن		
هولناک، مرگ آفرین	خوفناک-گیانگیر-هیلاک-که ر فیتل		fatal <i>adj</i>
	سام دار		
به طور هولناک، هلاکت	تو قنای بیه سام داری	فیتلی	fatally <i>adv</i>
	به جوری مه ترسی		
سرنوشت، تقدیر	ثاقیبه ت-دواناخر نه جه ل	فیت (فت)	fate <i>n</i>
	دوایی و سه ره نجام		
پدر یا بalamؤسس	بارک بابه-تاته باب، بانی	فایر	father <i>n</i>
په‌رزن / شوهر	هه سووره	فاذراین ل	father-in-law <i>n</i>
گناه، تقصیر، عیب و نقص	خه تا گونا-عه یب، که می	فُلت	fault <i>n</i>
بی تقصیر، بی گناه	بی خه تا بی گونا بی عه یب	فُلتیس	faultless <i>adj</i>
لطف، توجه، عنایت	لوتف-نه زه ری خاسه	فیور	favour <i>n</i>
	عه نایه ت، چاکه بو		
مناسب، سودمند، مساعد	خاس بیاش-یاری ده ر	فیورابل	favourable <i>adj</i>
	به که لک و چاک		
مطلوب، برگزیده، محبوب	ئاره زو وکرا و به رگوزیده	فیوریت	favourite <i>adj</i>
	گه ره ک بیه-چاک بیاش		
ترسیدن، بیم داشتن	ترسین-ته رسای تو قای	فیپرغیر	fear <sup>1</sup> <i>v</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	گُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هواس، ترس، بیم، پروا	ته رسی - ترس - خوئی - تو قای	فیر فیر	fear <sup>2</sup> <i>n</i>
خیلی بد، وحشتناک	ته رسی دار - خو ف دار	فیر فول	fearful <i>adj</i>
هواسان	مه ترسی دار		
شجاع، ترس، دلیر	نه ترس - جه رگدار عزات دار	فیرلس	fearless <i>adj</i>
مهمانی، ضیافت، بزم	میوانی - میمانی، به زم	فیست	feast <sup>1</sup> <i>n</i>
عید	چه ژن و خوشی		
در ضیافت / در مهمانی	نانی میوانی خواردن	فیست	feast <sup>2</sup> <i>v</i>
خوردن	خوش را بوردن له میوانی		
پَر (پرندگان) نوع - جور	پهل - پهل و پو - جور	فِ زَر	feather <i>n</i>
سیم، چهره، ویژگی	شیوه - مرووه - مرو - و - له ت	فیچر	feature <i>n</i>
فوریه (ماه دوم میلادی)	مانگی دو و هم له سالی میلادی	فیرنوری	february <i>n</i>
فدرال - اتحاد	ها و په یمان - یه ک گر تو و	فِ دِرَل	federal <i>adj</i>
هم بستگان	هام په یمان		
فدراسیون، اتحادیه	یه کیه تی وه لا تان هام په یمانی	فِ دِریشن	federation <i>n</i>
	وه لا ته کان - یه کیه تی و یویی		
حق ویزیت، شهریه و...	هه ق - هه قی دو کتور	فی ی	fee <i>n</i>
اجرت	وه کیل - نام نویسی، مز		
نا توان، لاغر، نحیف، نزار	نزار و لا و زاله - رزایفی - تین	فی ی پِل	feeble <i>adj</i>
غذا دادن، چراندن علوفه	چیشت و نان دان به، ئالف	فیید	feed <i>v</i>
	نان یا شو ت دای به لو ر نای، گزره		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure      pen      bed      tea      did      cat      got      chin      June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
احساس کردن - گمان کردن	گومان کردن - پاسه م زانای	فییل	feel <i>v</i>
پس بودن	گمان کە رە دە ی، فامین		
حسن، اخراک، حسن لاسه	گومان - گمانه - پاسه م زانان	فیییلینگ	feeling <i>n</i>
احساسات	به چه م نه ورعه ست وهه واس		
وانمود کردن	خو به نه زانی دان	فین	feign <i>vt</i>
شخص، آدم، مرد، یارو	به شه ر - پیا - که سیك - مرو ف	فیلو	fellow <i>n</i>
همکار، همراه	دوس - یار و - کوره که		
مؤنث، ماده، زنانه	مای - مینگه - جنسی مینگه	فی میل	female <sup>1</sup> <i>adj</i>
زن، ماده	ژە نی - ژن مای - می و مینگه	فی میل	female <sup>2</sup> <i>n</i>
زنانه، زنواره، ظریف	ژە نانه - ژنانه - پسه ژە نی	فی می نین	feminine <i>adj</i>
	وه که ژن، جور ژن		
نرده (چوبی/اهنی) حصار	مه عجه ر - په ر چین وحه سار	فینس	fence <sup>1</sup> <i>n</i>
	په ر ژین (ناخ دوری!)		
حصار / نرده کشیدن	حه سار کیشان - په ر چین	فینس	fence <sup>2</sup> <i>v</i>
شمشیر بازی کردن	که رده ی، شه ره خه نجه ر		
سرخس	جوره رووه کی - جوره گیواوه ی فیرن		fern <i>n</i>
	جه نسرم و سیوهره نه		
کشتی گذاره - گذرگاه	گوزه رگاوی پری	فیری	ferry <i>n</i> (ried-rying)
	یاگی نه وه پرای جه روخانه نه		
حاصلخیز، بارور، پرثمر	په رده که ت - په ر بار بار نه بر	فیرتایل	fertile <i>adj</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حاصلخیز / پر بار کردن	قوت کەردە ی-پر بار کردن	فرتیلایز	<b>fertilize</b> <i>v</i>
	کوود پیدان		
جشن، عید، فستیوال	جە ژنە عەید-جیژن-جە ژن	فستیوال	<b>festival</b> <i>n</i>
رفتن و چیزی آوردن	رویین و هاوردن-لوای و	فچ-فچ	<b>fetch</b> <i>v</i>
	ئەوردە ی چیۆە ی-غرتە ئامە ی		
تب	یاو- تە و	فیور	<b>fever</b> <i>n</i>
عده کمی، چند تا، اندک	چە ن دانە بێر یۆ-باز یۆ	فیو	<b>few</b> <i>adj,n</i>
	کەمیک		
لیف، رشته، تار و پود	تانو پۆ تالە بە ن-تۆر-تالیک	فیبر	<b>fibre</b> <i>n</i>
مزرعه، کشتزار (نرده دار) دشت	ملکی پەرچین دار	فیلد	<b>field</b> <i>n</i>
رشته، میدان ورزش	زەوی پەرژین دار		
بیرحم، خشن، وحشی	بێرە حم-چە توون-دەر	فیرس	<b>fierce</b> <i>adj</i>
هار	ستە مکار وە حش و هار		
وحشیانه، بیرهمانه	بە بێرە حمی بە ستە مکاری	فیبرس لی	<b>fiercely</b> <i>adv</i>
	وە حشیانە		
عدد ۱۵	ژمارە ی پانزە-شماره	فی فتین	<b>fifteen</b> <i>adj,n</i>
	و پانزە ی		
پانزدهم $\frac{1}{15}$	پانزە یەم-پانزە هۆم	فی فتین س	<b>fifteenth</b> <i>adj,n</i>
عدد ۵۰	ژمارە ی پەنجاشمارە ی-پەنجای	فی فتی	<b>fifty</b> <i>adj,n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پنجاهم، پنجاهمین <sup>۱</sup> هه	په نجاهم - په نجاهۆم	فی فئیس	fiftieth <i>adj, n</i>
انبجیر	هه نجیر	فیک	fig <i>n</i>
زد و خورد کردن، جنگیدن	جه نگیں - جه نگ کرده ی	فایت	fight <sup>1</sup> <i>v</i>
دعوا کردن	به شه رها تن		
زد و خورد، نزاع، جنگ	جه نگ و جلّه وه شه ردّاوه نه ی	فایت	fight <sup>2</sup> <i>n</i>
رقم، عدد - قیافه، شکل	شکل شییۆه - ژماره	فیکر (فیکر)	figure <i>n</i>
بها	عه ده ده سه ژن، تاپۆ		
بایگانی - گیره، صف	رزقه تاریکا هه زگیر	فایل	file <sup>1</sup> <i>n</i>
پوشه - پرونده	بو وشه - پهروه نده		
بایگانی کردن - به صف رفتن	بایگانی کرده ی - پهروه نده	فایل	file <sup>2</sup> <i>v</i>
سوهان زدن	خه فنای سه ف لوائی		
پر کردن / شدن	پر کردن - په پر کرده ی	فیل	fill <i>v</i>
منسوب کردن	په ریه ی (پر بون)		
ماده پرکننده	ماده ی پر وکه رماده ی	فایلینک	filling <i>n</i>
فیلم عکاسی، ... پوسته	په روکه ر فیلمی وینه گرین فیلمو	فیلم	film <sup>1</sup> <i>n</i>
فیلم برداری کردن	عه کسی یاسینه مای فیلم گرتنه ی وینه یان	فیلم	film <sup>2</sup> <i>v</i>
خیلی کثیف، ناپاک، پلید	عه کس گرتن نا پاک - پیس - چه په ل	فیلتی	filthy <i>adj</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
<b>fin</b> <i>n</i>	فین	بآله و پهل و ماساوی	باله ماهی
		بآله‌ی ماسی	
<b>final</b> <i>adj</i>	فینال	ئاخری و دوا ئاخرد ما ئامه‌ی ته	نهایی، آخری، آخرین
	(فایبل)	وار	آخر
<b>finally</b> <i>adv</i>	فاینلی	ئا قییه ت سه ر ئاخر، دوا یی	بالاخره، سرانجام، أخیرسر
<b>finance</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	فیننس	مال و دارایی بینه‌ی مالی	کنترل امور مالی، دارایی
<b>financial</b> <i>adj</i>	فیننشیل	مه ربووت به بینه‌ی مالی	وابسته به امور مالی
<b>financially</b> <i>adv</i>	فیننشیلی	له نه زه‌ری بینه‌ی مالی و بو وجه وه	از نظر امور مالی
<b>finance</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	فیننس	پول به ده‌س هیئان بو کار یک	برای طرحی پول تهیه کردن
		پول گیر نه ورده‌ی په‌ی چیوه‌ی	
<b>find</b> <i>v</i>	فایند	بی سه‌ی به‌ی یدا کردن	پیدا کردن، یافتن
		بو ده رکه و تن زانای	فرو کردن
<b>fine</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	فاین	جوان زه ریف سو متاز نه ناسک	زیبا، شگفت‌انگیز، اعلای
<b>fine</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	فاین	چه ریمه نه تاوان، چاک	جریمه، ناپ
<b>fine</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	فاین	چه ریمه کردن به ریمه بیه‌ی	جریمه کردن / شدن
<b>finger</b> <i>n</i>	فین گر	ئه نگو سه به قامک کلک	انگشت
<b>finish</b> <i>v</i>	فینیش	ته و او کردن ته مام بیه‌ی	پایان یافتن، تمام کردن
<b>fire</b> <i>n</i>	فایر	ئه یر ئا گر ئا و سو چه	آتش، آتش سوزی، حریق
		گرو ئار	
<b>fire - brigade</b> <i>n</i>	فایر بریگد	ماموری ئه یر و کو شنای	مامورین آتش نشانی
		ئا گر کو ئینه ران	

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>fireworks</b> <i>n.pl</i>	فایرورک	ترێقه-چۆی ئه یربازی	ترقه - آتش بازی
<b>firm</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>		تره قه و ئاگر باران مه زه ر نیق ئاسا	
<b>firmly</b> <i>adv</i>		مه که م سفت و سه خت بته و پته و فرم	محکم، سفت - ثابت قدم
		به محکه می بته به و ی	به طور محکم / ثابت قدم
<b>firm</b> <sup>2</sup> <i>n</i>		به جووری پته و	
<b>first</b> <i>adv</i>		شرکه ت - تجاره تخانه شه ریک، فرم	شرکت، کمپانی، تجارتخانه
		وه لێ گردی هه وه ل - ئه وه ل، فرست	نخستین، اولین، اول
<b>first aid</b> <i>n</i>		یه که م - یه کو م، جاری ئه وه ل	
		یارمه تیه کانی هه وه ل	کمک های اولیه
<b>fish</b> <sup>1</sup> <i>n</i>		یاریانو جابه جای، زو یاری	
<b>fish</b> <sup>2</sup> <i>v</i>		ماساوی ماسی، ماهیه	ماهی
<b>fishing</b> <i>n</i>		ماسی گرتن - ماسا و گرتی	ماهی گرفتن / صید کردن
<b>fist</b> <i>n</i>		ماسا و گیری ماسی گری	ماهیگیری
<b>fit</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>		مشته - مشته کو له - مشته	مشت
		فیت - ئه ندازه ریک	سالم، خوب - درخور، مناسب
<b>fit</b> <sup>2</sup> <i>v</i>		باش - چاک	
		ئه ندازه یه یی - ئه ندازه ی	مناسب بودن - کار گذاشتن
<b>five</b> <i>adj.n</i>		که سی یون	
		ژماره ی پینچ - شماره	عدد ۵
		و په نجی	

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پنجم، پنجمین <sup>۱</sup> کار گذاشتن - تعیین کردن	په نجه م - په نچۆ م - پینچه م کار نیای - نه سب کردن	فایفس-فیفث فیکس	fifth <i>adj, n</i> fix <i>v</i>
محکم / تعمیر کردن فیوژن...	دامه زانندن - نه ره مه ز نای فس فشە فش که رده ی		
پرچم، بیرق میله پرچم، تیر پرچم	ئالا - ئالا یه - په رچه مه سور پیاز ئیا و ئالا یی - داری ئالا	فیز فلگ فلگ پل	fizz <i>adj</i> flag <i>n</i> flagpole <i>n</i>
تکه دانه مزه پولک	چیو - چۆ په رچه می تۆ لاش - تیکه - په لاشه		flake <i>n</i>
زبانه آتش، شعله بال زدن، بهم زدن	گرو لیه په ژم - پوله ک گلپه و گره شو له نه بر - گره بال فرین بال و گره ته ی	فلیم فلپ	flame <i>n</i> flap <sup>1</sup> <i>v</i>
در (جیب، پاکت...) پرده - تپ تپ	جوانندن - جمنای به ره و گیفانی ده ری گیفان		flap <sup>2</sup> <i>n</i>
فلاش، برق ناگهانی، برق زدن درخشیدن	(گرفان) - شه به قه کلا و ده رک بروسکه به برق به رتی نا و امه	فلش	flash <sup>1</sup> <i>n</i>
نور انداختن، چراغ دادن برق زدن	شهو ق - نووری زۆر بو ده می ک شوق و نوور ها و یشتن - شهو ق	فلش	flash <sup>2</sup> <i>v</i>
فلاسک / فلاسک	ونوور و سه ی - چهرادان مه تاره - قمقمه و ئاو ی ده فزی ئاو - جیی تاییه ت بو یه خ و ئاو و چای	فلاسک	flask <i>n</i>



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هموار، صاف، پنجره‌مانده	ساف و ته‌خت - کرکای، برین	فَلَت	flat <sup>1</sup> adj
هموار کردن / ساختن	ساف و ته‌خت کردن - ته‌تت	فَلَتَن	flatten v
که رده‌ی			
آپارتمان	کۆمه‌له‌ی مآلی چه‌ن قات،	فَلَت	flat <sup>2</sup> or
	کلۆپه یانی چنډ نهۆمی		apartment n
چاپلوسی کردن، تملق	خۆلته‌کری - ریاکاری	فَلَتیری	flattery n
	چه‌ررزوانی ده‌سمال به‌ده‌س		
طعم، مزه، چاشنی	تام - همه‌زه - نمک و تام	فلی‌ور	flavour n
کیک / کک	که‌کی - کچ - که‌ک	فلیی	flea n
گریختن، فرار کردن، فر رفتن	فرین و را کردن - ره‌مای	فلی‌ی	flee v
	به‌رشیه‌ی ده‌رچوون		
پشم (گوسفند / بز)	په‌ژم - خوری - مو و بزبان	فلیس	fleece n
جمع کشتیها، ناوگان	هیزی ده‌لیا - کۆمه‌لی که‌شتیه	فلییت	fleet n
سریع	کان، کلۆپه که‌شتیی، تون و تیژ		
گوشت - جسم، ماهیچه	گوشت - له‌ش - گوشتی	فِلش	flesh n
میائیر میوه	میوه‌کان		flew see fly
پرواز	فرای - فرین - کوچ - هور	فَلایت	flight n
شناور بودن، تأسیس کردن	سه‌روئاویره‌که‌وته‌ی	فَلت (فلتوت)	float v
شرکت و...	به‌سه‌رئاودا که‌وتن، دامه‌زران		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
flock <sup>n</sup>	فلاک	گه له ده سته گرو - پهل	گله، دسته، رمه
		گرو لیه نه یه	
flood <sup>1</sup> <sub>n</sub>	فلاد	هه ره سه هه ره س - لافار	سیل، تنداب
flood <sup>2</sup> <sub>v</sub>	فلاد	هه ره س و لافاو نامه ی - لافاو داگرتن	زیر سیل رفتن، در بر گرفتن
		هه رس مالمای	
floor <sup>n</sup>	فلر	ته ختی مالم - ته ختویانه ی	کف اتاق - طبقه ساختمان
		قات - نهوم	
flour <sup>n</sup>	فلتور	ناردی - نارد - نارد هه وخه له ی	آرد (غلات)
flourish <sub>v</sub>	فلاریش	گه و ره بیه ی - ژوان و گه و ره	رشد کردن - به وجد آمدن
		بوون، سامان گرتن	رونق گرفتن
flow <sup>1</sup> <sub>v</sub>	فل (فلتو)	ئاو هور نشته ی - ئاور ی که و تن	روان شدن
		لافاو که رده ی	
flow <sup>2</sup> <sub>n</sub>	فل (فلتو)	لافاو هور نشته ی که و تن	جریان، عبور، گردش
flower <sup>1</sup> <sub>n</sub>	فلاور	گول - نه شکوفه - لای	گل، شکوفه
		وه رزو جوانی، گول کردن	گل دادن
flower - bed <sub>n</sub>	فلاور بید	باخچه و گولان باغچه ی	باغچه گل
		گولان	
flue <sub>n</sub>	فلوو	دوو که کیش، هه واکیش	دودکش، لوله، بگرم، هواکش
fluency <sub>n</sub>	فلواینسی	قسه که ری چاک	روانی زبان و کلام
fluent <sub>adj</sub>	فلوایت	فه سیح و ره وان - نه رم و ره حه ت	روان، راحت، سلیس

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به راحتی و فصاحت	به ره‌حه‌تی به‌ره‌وانی	فلووانتلی	fluently <sup>1</sup> adv
کوک، پشم، پُز	کولکی - تووک مووی نه‌رم	فلاف	fluff <sup>n</sup>
مایع، ماده سیال	چییوی روان و نورالو ره‌ئاوین	فلووید	fluid <sup>1</sup> <sup>n</sup>
وروان	وروان - چتی وه‌ک‌ئاو		
فلوت (نوع ساز بادی)	شمشال بیلوی رسلولی واده منه	فلووت	flute <sup>n</sup>
پرواز کردن - دویدن	فرین و بالوگرتن - پرای	فلای	fly <sup>1</sup> <sup>v</sup>
افراشتن	وبالوگرتی		
مگس	مه‌شی مییش	فلای	fly <sup>2</sup> <sup>n</sup>
کوه اسب - گره‌زاییدن	به‌چکه‌ئه سب به‌چه‌ئه سب	فتول (فول)	foal <sup>n</sup>
کف، حباب، ابرهمام	کوره‌ئه سب قولی - قول له‌سان - قول که‌ف	فتوم (فوم) (بلی)	foam <sup>n</sup>
مه - گیجی	ته‌مه - ته‌م و مترحه وروسه‌ر	فاگی	fog <sup>n</sup>
مه‌الوده گرفته	وزه‌مینی ته‌م دار - ئالو وده به‌ته‌م	فاگی	foggy <sup>adj</sup>
پیچیدن، تا کردن / زدن	پرته‌م و مژ پیچانی - پیچان ده‌ق‌دای	فُلد	fold <sup>1</sup> <sup>v</sup>
پوشه، لفاف، پرونده	ده‌ق‌دان، دانیان پوشه - پو شه‌ر	فُلدر	folder <sup>n</sup>
تا، لایچین، اغل	ده‌ق - لا - چین - تو - توئی، په‌چه	فُلد	fold <sup>2</sup> <sup>n</sup>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
توده، خلق، مردم	کۆمه‌له‌ی خه‌لک - خه‌لکی	فُلک	folk <i>n</i>
قومی	مه‌ردم		
دنبال کردن / آمدن	به‌شۆن که‌و ته‌ی به‌شوینا روین	فالو	follow <i>v</i>
تقلید کردن	گۆش په‌نه‌دای		
علاقه‌مند، شیفته	ما یل وزو باوه‌ر شه‌یدا	فاند	fond <i>adj</i>
دل باخته	خۆش و یستن		
غذا، خوراک، طعام	پێخۆر - چاشتی - چیشْت	فوود	food <i>n</i>
خُل، احمق، کم‌عقل	گیج و خول یی - نه‌قل - نه‌قام	فوول	fool <sup>1</sup> <i>n</i>
نادان، احمق، ابله	گه‌وج - نه‌زان - تی نه‌گه‌یشتوو	فوولیش	foolish <i>adj</i>
احمقانه، ابله‌انه	نه‌قامانه به‌ی به‌ی هه‌قلی	فوولیش لی	foolishly <i>adv</i>
	به‌نه‌زانی		
گول زدن، فریب دادن	خه‌ل خه‌ل تانندن	فوول	fool <sup>2</sup> <i>v</i>
	فه‌ر یودان		
په‌-پایین - فوت	پا-پی - نه‌ندازه‌یی	فووت	foot <i>n</i>
ته، پایه	به‌رانبه‌ریه ۳۰ سانت		
فوتبال، بازی فوتبال	تۆپی پی - تۆپه‌و پای	فووتبول	football <i>n</i>
	گه‌مه‌و تۆپه‌و پای		
پیمانه‌رو، پراه‌باریک	پاره‌و - پیاده‌ره‌و	فووت‌پت	footpath <i>n</i>
ردپا، جای پا	یاگه‌ پا - جی پی	فووت‌پرینت	footprint <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدایا، اثر یا اثر	ده‌نگو پای ده‌نگی پی جی پی	فوت استب	footstep <i>n</i>
برای (مورد مصرف) -	تو - پی - چون - یو ما وی	فور	for <i>prep</i>
(دریافت کننده/مالک) -	جه و رو، باتی، بو -		
(مسافت/ مدت) - (مقصد) -	له بهر -		
به (قیمت) - برای (معنی) -			
برای			
به عنوان مثال، برای مثال	بو نمونه - پی نمونه ی	این سرتس	for instance <i>n</i>
		فورا گزمیل	for example <i>n</i>
منع کردن، ممنوع بودن	وه رگر تی بهر رگر تن	فورید	forbid <i>v</i>
جلوگیری کردن	قه داخه که رده ی		
وادر کردن / ساختن	مه جبوور که رده ی مه جبوور که رن فورس		force <sup>1</sup> <i>v</i>
زور، نیرو، زورگویی	زور بیگاری - جه بهر هیژ	فورس	force <sup>2</sup> <i>n</i>
گذرگاه قابل عبور رودخانه	ویری - گوزه رگای ناوی	فورد	ford <i>n</i>
گذر	جی ی گوزه رگای ناوی		
	جی ی گوزه رله ناوی روخانه		
پیش بینی، پیشگویی	پیش بینی کردن سه ربینی	فورکاست	forecast <i>n</i>
	که رده ی		
پیشانی، جبین	ته ویله - ته ویل	فارید	forehead <i>n</i>
بیگانه، خارجی، اجنبی، غریبه	نه چنه بی بیگانه نه ناس	فارین (فاین)	foreign <i>adj</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خارجی، بیگانه	بیگانه - خه لکی ده ره وه ی وه لات	فارینر	foreigner <i>n</i>
سركارگر، فورمن، سروگروه	سه ره مه له سه ره پرسی	فُرمین	foreman <i>n</i>
جنگل، انبوه	دارستان - دارسان	فاریست	forest <i>n</i>
ندام، همیشه، تا ابد	دایم - هه میشه	فُورور	forever <i>adv</i>
جعل کردن، تقلبی ساختن	چیوی قه لب وه ش که رده ی	فورج	forge <i>v-n</i>
کورده و دکان آهنگری	خراب دروست کردن		
کُبی، جعلی	کوپی به جی بباتی قه لب	فورچری	forgery <i>n</i>
از یاد بردن، فراموش کردن	وه ک خو ی - وینه گیراو		
	فه راموش کردن - جه یاد	فورگت	forget <i>v</i>
	به رده ی		
عفو کردن، بخشیدن	به خشان وعه فو کردن	فورگیو	forgive <i>v</i>
	به خشای		
چنگال، چهارشاخه - دو راهی	چنگال - چواره له ق دور ی نه	فورک	fork <sup>1</sup> <i>n</i>
دو قسمت / منشعب شدن	جیا وه بییه ی - جگ ی وه بوون	فورک	fork <sup>2</sup> <i>v</i>
کلاس مدرسه، ساخت، عرف	شکل - که لاسی ده رس له ش	فورم	form <sup>1</sup> <i>n</i>
سازمان / تشکیل دادن	ئه ره مه رزنای دامه ز راندن	فورم	form <sup>2</sup> <i>v</i>
	خوش کردن		
تشکیل، شکل، وضع، تأسیس	شکل گیری - شکل دامه ز ران	فورمیشین	formation <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رسمی، قانونی، تشریفاتی	قانونی، ره سمی	فورمیل	formal <i>adj</i>
جلوتو قبلی، قدیم	چه وو له مێژ له پیش	فورمیر	former <i>adj</i>
قبلاً، سابقاً	له مه و بهر له رابردو دا نه و سا	فورمیرلی	formerly <i>adv</i>
فرمول، دستور، قاعده	ده سوور فرموله ری و چاره	فورمیول	formula <i>n</i>
قلعه، دژ، سنگر، بادگان	قه لاکه لات، سه ر یازگا	فُرت	fort <i>n</i>
استحكامات، دژ	قه لای سه ر یازی - قه لآو	فُرترس	fortress <i>n</i>
	جه نگی		
(مدت) دو هفته	دوو حه و ته دو ی حه فتی	فورت نایت	fortnight <i>n</i>
شانس، اقبال - ثروت	چاره و شانسه سیب	فورچن	fortune <i>n</i>
تقدیر	ناو چاو - ئیقبال و به خته		
خوشبخت، نیکبخت	وه شه به خت - چاره دار - ناو چاو دار	فورچنیت	fortunate <i>adj</i>
خوشبختانه	به خوشه ختی جبه وه شبه ختی	فورچنیتلی	fortunately <i>adv</i>
عدد ۴۰ - چهل تا	ژماره ی چل - شماره و چلی	فورتی	forty <i>adj, n</i>
چهل، چهلمین $\frac{1}{40}$	چله م - چلو م - چله مین	فورتیس	fortieth <i>adj</i>
	چلو مین		
به جلو، به طرف جلو	به ره بهر رو ره و ره رو به بهر	فورورد	forward <i>adv</i>
فسیل، سنگواره	به رد بای - توه نه ئاسا	فوسیل	fossil <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناخوشایند، کثیف	نالە بارناخۆش - پیس	فاول (فول)	foul <i>adj</i>
لکه دار	نا پاک - نا جۆر		
شکل سوم فایند	شکلی سییه می، فایند	فاوند (فوند)	found <sup>1</sup> <i>n</i>
دوب - بنیاد	وێهرده و فایندی، تاویان		
تأسیس کردن / نمودن	دامه ز راندن - ئه ره مه رز نای	فاوند	found <sup>2</sup> <i>v</i>
بنای پایه، اساس، پی افکنی	دامه ز ران - پایه بنه و این چین	فونیدی شین	foundation <i>n</i>
پایه ساختمان	بنه وای مال - چین ی خانو	فونیدی شین س	foundations <i>n</i>
فواره چشمه، منبع	فواره - ئاو پێگه - ئاو پێژین	فونتین	fountain <i>n</i>
عدد ۴	چوار - چوار - ژماره ی چوار فور		four <i>adj, n</i>
چهارم، چهارمین - ۴	چواره م - چواروم - چواره مین فورس (ت)		fourth <i>adj, n</i>
عدد ۱۴	ژماره ی چواره ده شمارو چواره ی فورتن		fourteen <i>adj, n</i>
چهاردهم، ۱۴	چواره ده یه م - چواره ده هوم	فورتن س	fourteenth <i>adj</i>
مرغ و خروس، ماکیان	بالنده - په له وه ری	فول	fowl <i>n</i>
	پسه که رگی و که له شیر ی		
روپاه غریب دادن	رواسی - پوی	(فوکس)	fox <i>n</i>
کم، جزئی، پاره، عدد گسری	ورده - که م به شی - نه خته ی	فرکشن	fraction <i>n</i>
شکستن، ترک خوردن	میریای - شکیان نور شکان	فرکچر	fracture <sup>1</sup> <i>v</i>
شکستگی	تره که - تلیشه - تره ک	فرکچر	fracture <sup>2</sup> <i>n</i>
خرد، شکسته، پاره	له ت - کوتی - تیکویه	فرگمنت	fragment <i>n</i>
	تیکه ولت		
نا توان، ضعیف، نحیف، نزل	زایف - که و ته که له لابی تین	فریل	frail <i>adj</i>



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اسکلت، شاسی - قاب	چوارچۆ - چوارچۆ - قاب	فریم	frame <sup>1</sup> n
روحیه	وه زعو حال		
در چهارچوب قرار دادن	له چوارچۆ دانان - دلّی	فریم	frame <sup>2</sup> v
قاب گرفتن	چوارچۆ نیای		
آزادیکار - مجانی - برها	موختار - ئازاد - دهس وازمفت	فری ی	free <sup>1</sup> adj
آزادی، اختیار - امتیاز	ئازادی - خو - موختار	فری یم	freedom n
	وی موختار، ههق		
آزادانه، به میل خود	به ئازادی - به ئازادییه وه	فری یلی	freely adv
آزاد کردن، رها ساختن	ئازاد کردن - ئازاد کردی - هور دای	فری ی	free <sup>2</sup> v
منجمد شدن، یخ زدن	رچیای - گرسای - گرسین	فریز	freeze v
	رچیان ویهخ بهستن		
فریزریخ ساز - یخزن	رچینه - ر - چینگه - ساردوکر	فریزر	freezer n
متعدد و شکز	زورفره - په ی په ی	فری کوئت	frequent adj
مداوم	ته که ل ته که ل، ده م به ده م		
به طور مکرر - اغلب	زوری جارفره وه ختی	فری کوئتلی	frequently adv
	فره جار		
ترو تازه - نو - خنک	تازه و نووه - فینک - تازه	فریش	fresh adj
جمعه (نهمین روز هفته)	هه پنی - جو محه - جه عمه	فرای دی	friday n
یخچال	چاله وه روسه ردوکر	فرایج	fridge n
	سه هو لدان - یه خه چال		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
friend <i>n</i>	فِرند	دۆس پر هَقی شه ریک	رفیق، دوست (قابل اعتماد)
		دۆست	
friendly <i>adj</i>	فِرندلی	دۆستانه به ره هَقی	دوستانه، صمیمانه
		دۆس ئاسا	
friendship <i>n</i>	فِرندشپ	دۆستی پر هَقی	دوستی، رفاقت
fright <i>n</i>	فِرایت	ترس - ته رسی دله چرکی	هراس، ترس، هول
		دله له رزه	
frighten <i>v</i>	فِرایتین	ترساندن - ته رسانی - ته رسای	ترساندن، ترسیدن، بترساندن
fringe <i>n</i>	فِرینج	ریشوولی - ریشک - چه تره	حاشیه - موی چتری - لبه
		وزلقان - قه راخ ده ور	
frock <i>n</i>	فِراک	سیپالی و سه رسیپالی ژه	فِراک (لباس زنانه / دخترانه)
		نانو پیا و زه و پروان - که وا	ردا - قبا
		سه ر جل - عابا	
frog <i>n</i>	فِرایی	قرواقی - قرووق	وزغ، قورباغه، غوک
from <i>prep</i>	فِرام	له - جه له وه ختی له	از (حرکت از) - (کسی) / به
		لایان - جه وه ختو	کسی - (جایی) - (چیزی)
			(علتی) - در اثر
front <i>n, adj</i>	فِرانت	به ره وه رینی، پیش	جلو، جلویی، کناری، قدامت
frontier <i>n</i>	فِرانت پر	سه ره ده سنوور - حد وود	خط مرزی، مرز
		مه یدان	

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شبنم یخ زده، برفک	یه خه شه ونم - ئالشتی	فراست	frost <i>n</i>
هوای یخ بندان	یه خه کزه، ژیری سفر		
ابرو و هم کشیدن، اخم کردن	روه پیوره دای - روت ترش کردن	فراون	frown <sup>1</sup> <i>v</i>
یخ زدن	یه خ به ستن - یه خ دای	فرئوز	froze <i>see</i> freeze
میوه - ثمر - بار	میوه سه مه ره باخی	فرووت	fruit <i>n</i>
نیمرو / بار وغن سرخ کردن	سورو که رده ی - هیلکه وروڤ	فرای	fry <i>v</i>
	کردن - سوورو کردن		
سوخت، مواد سوختنی	مه وادی سو و ته مه نی	فیوال	fuel <i>n</i>
	مه وادی سو چه ری - سوچ		
به تعهد خود عمل کردن	وه عده به گانه وردی	فُل فیل	fulfil <i>v</i>
انجام دادن	کار چاک و دروست کردن		
پُر بول، سرشار، کاملاً	په ر - بیر - ته مام - ته واو	فُل	full <i>adj</i>
کاملاً، به طور کامل	به ته واوی به ته مامی - یه کجار	فُلّی	fully <i>adv</i>
(.) نقطه	خال - نوختی - نوخته	فُل استاب	full stop <i>n</i>
سرگرمی، تفریح، کیف	خوشی و سه یران وه شی	فان	fun <i>n</i>
	خه لافنای - شوخی		
کار، وظیفه، عمل کردن	وه زیفه - عه مه ل و پشته	فان کئین	function <sup>1</sup> <i>n</i>
کار کردن	کار کردن - کار که رده ی	فان کئین	function <sup>2</sup> <i>v</i>
نقدینگی، سرمایه، وجه نقد	وه جه ده سه لآت	فاند	fund <i>n</i>
	مال و سه رمایه		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
funeral <i>n</i>	ره سَمی به خاکسپاری مردوو فیوئزل		مواسم تشییع / سوگواری
	ده سوورو که فن و ده فنو مه رده ی		خاکسپاری
fungus <i>n</i>	هه لچى - کارگ	فان گس	قارچ
funnel <i>n</i>	ره حه تی لئو له سو به	فانل	قیف - دودکش
	دوو که ل کیش		
funny <i>adj</i>	خوه نه ور - پێ که نین دار	فانی	سرگرم کننده - عجیب
	عه جه یو، مه زه دار		خنده دار
fur <i>n</i>	تووکن - پیستی پر موو	فِر	پوستخز،... مو
	پۆسی توو کدار باری زوان		کرک
furious <i>adj</i>	ئه یری مه زاج - درو تووره	فیوریس	بسیار خشمگین
	تووره وئاگری		برآشفته
furnace <i>n</i>	کوړی - کوړه - ته نوور	فِرْنیس	کوره - تنور
furnish <i>n</i>	به مویل رازاندن - مویل کاری	فِرْنیش	مبلان کردن / ساختن
	که رده ی - مویل کردن		تهیه کردن
furniture <i>n</i>	ئه سپاو - ئه سپاپ وه سیله	فِرْنیچر	اثاثیه خانه، اسباب خانه
further <i>see far</i>	که لوو پهل		
fuss <sup>1</sup> <i>n</i>	قَالو و مقال - هه راهه را	فاس	جار و جنجال، قیل و قال
	قیژ و قاز		
fuss <sup>2</sup> <i>v</i>	قیچنای هه راهه را کردن	فاس	جار و جنجال کردن
	قیژ و قاز که رده ی، جرهاتن		جوش زدن

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>fusilier</b> <i>n</i>	فیوزیلیر	چه کداری تایه تی بوشه پ	تفنگدار
<b>fusillade</b> <i>n</i>	فیوزیلاید	تیره باران - تیرواران - ره می	تیرباران - شلیک مکرر
<b>fusion</b> <i>n</i>	فیوژن	ئاویو - تاویا - تاوا	گداز - ذوب
		تاویان	هم آمیزی
<b>fussy</b> <i>adj</i>	فاسی	بۆله بۆل - رینگه رینگه کر	غروندی، نق نقی - بی قرار
<b>future</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	فیوچر	داها توو - ئاقیه ت - وه ر ئاما	سرنوشت، آینده
		سه ر ئاخیری کار	
<b>future</b> <sup>2</sup> <i>n, adj</i>	فیوچر	به رهات - پاشه روژ	آینده، آتی، به زمان آینده
		ئامه رو	
<b>futurity</b> <i>n</i>	فیوچریتی	ئاقیه ت - دوا سه ر	آخوت - عاقبت
<b>fuzzy</b> <i>adj</i>	فازی	کۆلکین - لولول - ئالاول	گُرکی - فز - وِزوزی
		قه مچیا، توکن	
<b>fazzy</b>	فَزی	وه زی - گو یز - یوزی، گرده کان	گردو
<b>fazany</b>	فَزَنی	وه زه نی ماری - پیلانی مار	وارونه شدن مار
<b>fuzzyvine</b> <i>n</i>	فازی واین	داره تری ئالاول - میوه ی	درخت انگور پیچ خورده
		قه مچیای	



square



circle



triangle



rectangle/oblong



oval



cube



sphere



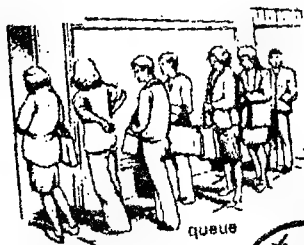
pyramid



cone



cylinder



queue



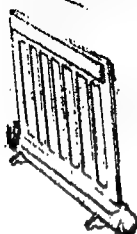
rabbit



dog



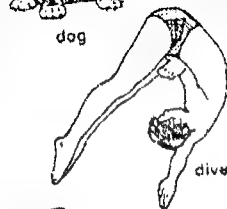
doll



radiator 1



radio 2



dive



diving-board



donkey

# G g

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حرف هفتم الفبای انگلیسی	پیتی حه و ته م له ئه لڤبا	جی	G <i>n</i>
امین اموال (جنسی)	حیسابدار ی مالی		G-A-finanical-agent <i>n, pl</i>
بیج بیج و اجی، گپ زدن	پچه بیج - ژاژۆلی راواری	گب	gab <i>n</i>
شادمانی، نشاط	شادی - خوشدلی - شهوق	گییتی	gaiety <i>n</i>
برنده شدن، به دست آوردن	به ده ست هیئان به ده س نه ورده ی گین		gain <i>v-n</i>
سود - نفع	نزیکۆبیه ی به، خه یر		
باد شدید / تندصدای	توف - وای سه خت - گه رده لوله	گیل	gale <i>n</i>
ناگهانی و بلند	تونه با (ته نیایی و اردان)		
نمایشگاه (نارهنری) و اهر و	پیشانگا - ئیشانگای هونه ری	گالری	gallery <i>n</i>
گالن (واحد سنجش مایعات)	جوړه پیوانه یه ک - جوړیوه	گالین	gallon <i>n</i>
	په بمانه ی ۵/۴ لیتری چه بریتانیا		
به تاخیر رفتن، چهار نعل رفتن	چوار نالۆ غار نیای - غار کردن	گیلپ	gallop <sup>1</sup> <i>v</i>
چهار نعل - تاخت	چوار نالۆ غار - تیژ و تار	گیلپ	gallop <sup>2</sup> <i>n</i>
	هور		
شرط بندی کردن، قمار کردن	شهرت به ستن - شهرت کرده ی	گمبل	gamble <i>v</i>
بازی (تابع مقررات) - سرگرمی	کایه - گه مه - ئلیو یای	گیم	game <sup>1</sup> <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June





فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
درودی (ساختمان) - دروازه	ده روده رواز - ده رگ به ره	گیت	gate <i>n</i>
جمع کردن - فهمیدن	کو کردن - جه م کرده ی	گِژر	gather <i>v</i>
	فامای - چنینه		
گردهمایی - جلسه	کوڤ - گیلر و بیه ی	گَژرینگ	gathering <i>n</i>
چین پارچه	کو بو ونه وه		
به دقت اندازه گرفتن	ئه اندازه گرتن - پیمای	گیج	gauge <sup>1</sup> <i>v</i>
	وئه اندازه گرتی		
وسیله / دستگاه اندازه گیری	پیوان - ئامرازی پیوان	گیج	gauge <sup>2</sup> <i>n</i>
پیمانه	وه سیله وئه اندازه گیری		gave <i>see</i> give
شاد، بشاش، سرحال	شاد بشاد و مه سرور - کوک	جی	gay <i>adj</i>
چشم دوختن، خیره نگریستن	عو د به حته یی - ناوی فکر ا روین گیز		gaze <i>v</i>
ژل زدن	واق بوون به		
دنده (وسیله نقلیه) - ابزار	ده نده ی ماشین وه سیله	گییر	gear <i>n</i>
تو دنده گذاشتن	ئه سپاب		geese <i>see</i> goose
جواهر، سنگ قیمتی	به ردی قیمه تی - جواهر	چیم	gem <i>n</i>
گوهر	گه وه ری شه و چراغ		
همگانی، عمومی - عام	گشتی - گردی - کو مه لایه تی	چنرل	general <sup>1</sup> <i>adj</i>
	جه می		
به طور کلی، معمولاً - اکثراً	به ته وای به یه یک جاری به ته نامی چنرالی		generally <i>adv</i>
فرمانده تیپ، سرتیپ، تیمسار	سه ر تیپ - عامل هیژ	چنرل	general <sup>2</sup> <i>n</i> (عبدالکریم قاسم)

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایجاد/تولید کردن، زادن	به دی هینان موهش که رده ی	چنریت	<b>generate</b> <i>v</i>
ژنراتور، موتور برق	مۆترو به رقی مۆتری	چنریتز	<b>generator</b> <i>n</i>
سازنده	کاره با		
نسل، ایجاد زایش	ره گه زونه سل، زاین زای	چنری شین	<b>generation</b> <i>n</i>
بخشنده، کریم، بزرگ	په شتا و په شت - تخم		
زیاد	به خشه نده دهس بلسا و که ریم	چنریس	<b>generous</b> <i>adj</i>
سخاوت، بخشنده	و که ره مدار، شه راوی چاک		
خوش قریحه، نابغه، مبتکر	به خشه نده بی دهس وازی	چنرازیتی	<b>generosity</b> <i>n</i>
جنس - نوع - طبقه	ناییغه مه ژگدار - خالق	جیین پس	<b>genius</b> <i>n</i>
مهربان، آرام، ملایم	و مدریک به هوش - جوړ	چنس	<b>genus</b> <i>n</i>
نجیب، باگذشت	نه جیم - عه ده و ما قوول	چن تل	<b>gentle</b> <i>adj</i>
باذقت، با ملایمت، آرام، آرام	و ئارام به جیم و ئه مین		
مرد نجیب، آقا، جوان، مرد	به ئارامی و هیمنی به نه رمی	چن تلی	<b>gently</b> <i>adv</i>
لوطی	پیا و باش - پیا و ما قوول	چن تل مین	<b>gentleman</b> <i>n</i>
اصل، واقعی، حقیقی، معتبر	ته مام پیا و خاس - پیا و چاک		
واقعا - حقیقتا	عه سل و پاک خالس هه ره قه تی چن یوین		<b>genuine</b> <i>adj</i>
جغرافی، جغرافیا، گیتاشناسی	به خالسی ته و او به راستی	چن یوین لی	<b>genuinely</b> <i>adv</i>
زمین شناسی	جوغرافیا	جیاگرفی	<b>geography</b> <i>n</i>
	زه وین ناسی مزه مین ژناسی	جیولچی	<b>geology</b> <i>n</i>
	ته رز ناسی	(جیالی جی)	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هندسه	ئه ندازه - علمی ئه ندازه	جیامتری	geometry <sup>n</sup>
میکروب - تخمبدا	وپیوان میکروب - زریه ت - گودره خت چرم		germ <sup>n</sup>
روئیدن - جوانه زدن	چووزه گیاو گو پیت که، ینگه گو که رده ی پروان و چووزه دان چرمینیت		germinate <sup>v</sup>
نمویرشدن - شکفت	سه وزیه ی روا بروه ک سه وز و خیزای چرمی نیشن		germination <sup>n</sup>
ایما و اشار مؤست	سه روده س و چاو جمنای چس چر		gesture <sup>1 n</sup>
	وه ختو قسان ده ستوسه ر جواندن له کاتی قسان - گالی		
ایما و اشاره کردن	ئیشاره کردن - ئیما و ئیشاره چس چر		gesture <sup>2 v</sup>
دست و سرتکان دادن	که رده ی - گال گه سه ی		
خریدن، دریافت داشتن / کردن،	گرتن (گرتنه ی) - یاوا ی گه یین	گیت	get <sup>v</sup>
به دست آوردن - بشدن - داشتن،	هاتن - بیون - ده س یاوا ی - مه جیو یون		
دارا بودن - واو دشدن - برسیدن،	به جی گه یشتن - زانین		
آمدن - بایستن			
روح - شیخ - روح مرده	روح - گیان - تا پو سه یه	قوست	ghost <sup>n</sup>
روح مانند، شیخ گونه	روح ئاساوه ک روح	قوست لی	ghostly <sup>adj</sup>
غول، دیو، حول	دیو - حول - ده عبا	چاینت	giant <sup>1 n</sup>
	غول - میرد زمه	(چی نت)	

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
glant <sup>2</sup> <i>adj</i>	جاینت	فره وزوڤه گره زل	بزرگ - عظیم
		به شه ری ده عبا - جه جال	
giddy <i>adj</i>	گیدی	گیجی گه وچ بێ فکر مه نگ	گیجی، داوای فکر کم، خنگ
gift <i>n</i>	گفت	دیاری - خه لات، زه وق	هدیه، کادو، سوغات
gigantic <i>adj</i>	جای گن تیک	زوڤه گره وزل وه ک دیو	بسیار بزرگ، غول پیکر
		گه وره گره زل	
giggle <i>v</i>	گی گل	به قله خوای - چکۆله پیکه نین	بی مورد خندیدن، هرهر
		چیرۆی که رده ی، پری قه ی که نین	خندیدن
gills = gill <i>n</i>	سی ئاوی - ئاوشو ئشی سی ئاوی	سی ئاوی - ئاوشو ئشی سی ئاوی	آبشش - برانش
ginger <i>n</i>	جین چر	زهنجه فیل - ریشه و گیو او	زنجبیل - گرد / پودر زنجبیل
		وزه نجه فیلی (زاله که رگ...)	
giraffe <i>n</i>	جیراف	زه رافه - جوڤه حه یوانی درێژ	زرافه
girl <i>n</i>	گزل	کناچی - کچ که نیشک دود	دختر - زن، جۆد
give <i>v</i>	گیو	به که سی به خشین دای دان	دادن، بخشیدن - پرداختن،
		به رگری کردن - حساب کردن	پرداخت کردن، پول دادن -
		نامیای - ته سلیم بون	منع شدن، ممنوع کردن /
			شدن - مجاز نبودن
glad <i>adj</i>	گلد	شاده مه سرو و ره شحال	خرسند، شاد، خوشحال
gladly <i>adv</i>	گلدلی	به وه شی به مه سرو وری	باخوشحالی، خرسندانه
		به خو شیه وه به بزه ی لیو	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نظر اجمالی انداختن،	نه زه ره ی کو تا و سه ی- یو ماو، یی گلاس		glance <sup>1</sup> v
کمانه کردن	چاو خستن دزه دیای- که مانه کردن		glare <sup>1</sup> v
برق زدن - خیره نگریستن	تپرد یای درو شان گیر		
چپچپ نگاه کردن	شه وق خستن شه وق و سه ی		glare <sup>2</sup> n
درخشندگی، درخشش	پرشنگی بر یقه درو شیا ی گیر		
چشم غزه، نور تابناک	بر و سه که وشه وق و بر وکیای		glass n
شیشه، لیوان، ... گیلان	ئاو خو ری شیشی شو وشه گلس		glasses n
عینک	عهینه ک بهر چاو وه رچه م گلسیز		gleam = glisten v
سوسو زدن، نور دادن	بر وکیای بر وکه هاتن گلییم- گلی سن		
برق زدن، تابان شدن	نوری ئارام دان بر یقه دان، درو شیان		gleam n
سوسو، نورانی، نورگم	بر وکه، نوری ئارام- شه و قه ی گلییم		
	بی تین وکه مه- پر شنگ		glide v
آرام آرام حرکت کردن	خزای- خزین- ئارام لوای گلاید		
لغزیدن- سزیدن	ئارام پروین		glider n
هواپیمای بدون موتور	سو روه- سو و پو ر خور گلایدر		
سوسو زدن	ته یاره ی بی مو تر درو شان گلی بر		glimmer v
نگاه آلی، نظر اجمالی	ته ماشای کو تا- تا و ه ی دیای گلیم پس		glimpse <sup>1</sup> n
وتند	کور ته نه زه ر- چه م و سه ی		glimpse <sup>2</sup> v
نظر اجمالی انداختن	بو تا و ی روانین- پیه ی تا و ه ی گلیم پس		
	ته ماشا که رده ی- چه م و سه ی		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
glitter <i>v</i>	گلٲٲٲر	درۆشیای-درۆشیان-برٲٲقه دان	درخشیدن، تالالۆ داشتن
		پرۆشنگ دای	برق زدن
glitter <i>n</i>	گلٲٲٲر	برٲٲقه-درۆشیای-پرۆشنگ	تابناکی، درخشندگی
		برووکە - پرۆشە	تالالۆ
globe <i>n</i>	گلٲلوب	پسەبیل-قول-خرٲٲی	کره زمین - گوی، کره
		خرک-گرۆلٲی-بلٲ	
gloom <i>n</i>	گلووم	لٲٲلٲی-تاریکی-دلٲه نگی	تیره گی - افسردگی
gloomy <i>adj</i>	گلووومی	کزوخە مٲاک-غە مٲار	افسرده، غم افزا
		دلٲه ننگ کەر، لٲٲلٲی	کم نوری
glory <i>n</i>	گلٲوری	ئفتخار-گەرەبی-وجە لال	جلال، افتخار، فخر
		سەرپەرزی-ئابروو-شۆرەت	عزت
glorious <i>adj</i>	گلٲورٲس	شۆرەتی-زۆر باش-بە فەر	باشکۆه - خٲٲلی خوب
		وشکۆ-زۆر چاک	عالی
glove <i>n</i>	گلاو	جووتٲی-دەستکٲش-جفتە ی	(یک جفت) دەستکٲش (بوکس)
		دەسکٲشی	
glow <sup>1</sup> <i>v</i>	گلٲو (گلۆ)	شەوق-هاوٲشتن-شەوق و	تاباندن، نگاه گرم انداختن
		نوور و سە ی-تەواشا بە شەوق کردن	نور دادن
glow <sup>2</sup> <i>n</i>	گلٲو (گلۆ)	شەوقە-نوور-پرۆشنگ دار	تابش، برافروختگی، شرم
glow worm <i>n</i>	گلووم	شەوق و ڤۆشنا، ئە پەرە قوٲلٲی	نوردهی-کرم شٲتاب

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation:	Kurdish	Persian
glue <sup>1</sup> <i>n</i>		چه سپ سر یشنه سر یش، گلو یز	چسب، سریش
glue <sup>2</sup> <i>v</i>		به چه سپ لکاندن لکنای به چه سپ گلوو	با چسب چسباندن
gnaw <i>v</i>		ژاوا ی هه جوین - قه پ گرتە ی گنۆنۆ	گاز زدن، جویدن
		(گرتن)، دار زیان	فرسوده شدن
go <i>v</i>		لوای پروین پرویشتن	حرکت/کردن، رفتن، شدن
		کار کردن	
go <sup>2</sup> <i>n</i> (Try)		کو شش هه ول - ته قالا، مناسب	تلاش، سعی، موفقیت
goal <i>n</i>		هه ده ف و ئاوات دهه ر وازه	دروازه (در بازی فوتبال)
		له کایە ی تویی پی	گول - هدف - امتیاز
goat <i>n</i>		گدی - په زبزن بزه	بز
god <i>n</i>		خودا - خودا - خودا - هورمز	خدا، الله
goad		یه زان هوره هور، نه قیزه	مهمیز شک، چوب سرتیز
goddess <i>n</i>		ئیللاه هورمز یار - خودای	ربه النوع، الهه زن
		تایبەت وه ک خودای ئار - ژنی چاک	زن بسیار زیبا
gold <i>v</i>		زیر - تلّا - ته لا	طلا، طلایی، رنگسوز
golden <i>adj</i>		تلّایی - تلّه یین	طلایی، رنگی
golden touch <i>n</i>		هیزی خیالی که توانیویه هه ر گوندن تاچ	نیروی افسانه‌ای که
		چتی بکا ته تلّا - قوه و تلّا که ری	با لمس چیزی آن شی‌مه
			طلا تبدیل می‌گردد

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گلف، بازی گلف	جۆره وه رزشی - گه میوه	گالف - گلف	golf <i>n</i>
گنگ (ورقه آهنی)	به توپه و چۆ	(گولف)	gong <i>n</i>
نیک، نیکو - مفید، خوب،	جۆریوه زه نگی گوره (ناقوس)	گانگ	good <sup>1</sup> <i>adj</i>
مناسب - مؤدب - خوش	باش - چاک - خاس به جی	گُد	good <sup>2</sup> <i>n</i>
مفید، صحیح، نیکی	وهش - زۆر		goodness <i>n</i>
خوبی، مهربانی	درۆس - خاس به سوود، چاکی	گُد	goods <i>pl, n</i>
کالا، جنس - بار - محموله	باشی - شیرین زوانی - چاکه	گُذیس	goose <i>n</i>
غاز - آدم لوس	بار - که لو و پهل - چت، مال	گُذیز	gorgeous <i>adj</i>
زیبا، لذت بخش	غاز - غازی	گووس	
مجلل	ئه وه راز نابه نازوته داره ک	گورچس	gorilla <i>n</i>
گوریل، نوعی میمون	جوان و رازاوه، دَل رفین		
بی دُم	جۆریوه مه یمون - جۆره	گیریل	gossip <sup>1</sup> <i>n</i>
بدگوی، غیبت - بدگو،	مه یموونی - گۆریل	(گوریل)	
سخن چین، خبرچین، شایعه	به دگویی - شات و شووت - زه م	گاسپ	gossip <sup>2</sup> <i>v</i>
بدگوی / غیبت کردن	چاو		got <i>see</i> get
که رده ی - زه م کردن	چاودا خستن به دگویی	گاسپ	gourd <i>n</i>
کدو، کدو حلواپی	که رده ی - زه م کردن		
بطری کدویی	کوله که - کوله کی - کوله که	گورد	
	خاتمانی (قلیانی)		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حکومت / کنترل کردن	حکومت کردن - چاودیری کردن گاڤرن		govern <i>v</i>
فرمانروایی کردن	چەم داری کەردە ی		
حکومت، دولت، کنترل	حکومت - دەلۆه	گاڤرن مینت	government <i>n</i>
تسلط	دەوڵەت، حکمرانی		
حاکم، فرماندار، استاندار	فەرماندار، والی - ئۆستاندار	گاڤرنێز	governor <i>n</i>
لباس شب - لباس کار	لیباسی درێژی ژەنان	گۆن	gown <i>n</i>
ماتو، روپوش	جەلیباسی شەو - دەردامانی، ماتو		
چنگ زدن، قاپیدن	رفانای - چنگ لێدان - گزب		grab <i>v</i>
موزون - دعا، طواف	فەیزووش نیە تی - نتم وە قار	گریس	grace <i>n</i>
زیبا، عموزون، دلریا	جوان - نتم وە نگیں	گریس فول	graceful <i>adj</i>
رعنا	خۆش بە ژن، زەریف		
بادلریایی، باوقار	بە دڵ گێشی بە وە قارو	گریس فۆلی	gracefully <i>adv</i>
	سە نگینی		
مهربان، مطلوب، بزرگوار	چاک و دڵسۆز - محیبت دار	گری شیز	gracious <i>adj</i>
	خەیرخوا، نتم		
اندازه، هرجه، نوع	دەره جە - ئەندازە - جور	گرید	grade <sup>1</sup> <i>n</i>
پایه، نمره	روتیه - کلاس - نوع، نمره		
طبقه بندی کردن	رزچنین - جیاوه کەردە ی	گرید	grade <sup>2</sup> <i>v</i>
نمره دادن	قات و تە بە قە بە ندی کردن		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تدریجی، کم‌کم	ورده و رده - که م‌کم - ملایم	گَرَجْوال	gradual <i>adv</i>
به تدریج برفته رفته	که م‌کم به ناارامی به نه هوه‌ند	گَرَجْوالی	gradually <i>adv</i>
فارغ التحصیل شدن	ده‌رس دواها و رده‌ده‌رس	گَرَجْوا یت	graduate <sup>1</sup> <i>v</i>
	ته‌مام که رده‌ی		
فارغ التحصیل، پایان تحصیل	ده‌رس ته‌مام که رده‌ده‌رس	گَرَجْوا یت	graduate <sup>2</sup> <i>n</i>
	دواها و رده‌ن		
غله، دانه، حبّه - ژَه	دَنکه - خه‌له بیو له - توژیک	گیرین	grain <i>n</i>
شالی، دانه شکر و نمک	گرمه - ثامرازی کیشانه کردن		gram or gramme <i>n</i>
گرمه (واحد وزن)	ثایره و هورسره تگنا و کیشانه‌ی		
گرام، دستور زبان	رپی فیروونی زمان	گرامر	grammar <i>n</i>
صرف و نحو	راو فیرویه و زوانی		
گرامافون، گرام	ده‌زگا و ئاشکرا که رده و شه	گَرَم‌فون (فون)	gramophone <i>n</i>
	پوئی ده‌نگی - گرام و ئاشکرا		
	که‌ری ده‌نگ ده‌نگ‌گیر		
بزرگ و مجلل، برجسته	سه‌ریه‌فه‌رگه‌وره و پرشکۆ	گَرَنَد	grand <i>adj</i>
نوه (نر یا ماده) نییره	ئه‌ولادی ئه‌ولاد کوره‌زا	گَرَنَد چیلد	grandchild <i>n</i>
	کچه‌زا		
نوه دختری	کناچه‌زا کچه‌زا دودزا	گَرَنَد داتیر	granddaughter <i>n</i>
پدر بزرگ‌نیا جد	باو که گه‌وره بیابه گه‌وره	گَرَنَد فادیر	grandfather <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مادربزرگسجده	ئه داگه وری - دایکه گه وره	گرتندمادر	grandmother <i>n</i>
نوه پسری	کوره زا	گرتندمان	grandson <i>v</i>
اعطاء کردن، بخشیدن	به خشای - به خشین	گران	grant <sup>1</sup> <i>v</i>
پذیرفتن، اهدا، اعطا	ته پوڵ کردن، خه لات	گران	grant <sup>2</sup> <i>n</i>
انگورسجبه	هه نگور و هه لالی - هه نگووری - تری - گریپ		grape <i>n</i>
گریپ فروت - دارابی	میو یوه پسه پر ته قالی	گریپ	grapefruit <i>n</i>
	گه وره ی - جوړیک پر ته قالی	فرووت	
	ناو سوورو گه وره		
نمودار، طرح خطی	هیلی نو اندن - که وان	گراف	graph <i>n</i>
منحنی	نیشانی خه تی به		
کاغذ شطرنجی	کاغه زی شه توه نجی	گراف پیپر	graph - paper <i>n</i>
محکم گرفتن - فهمیدن	فامای - توندگرتن - تندگرتی - فامین - گرتسپ		grasp <i>v</i>
علف، سبزه، مرغزار	چیمه ن سه وزایی - گیایکیواو - ئالف گرتس		grass <i>n</i>
علفزار، سبزه زار، مرعوف	چیمه ن زار سه وزه زار، گزره	گرتسی	grassy <i>adj</i>
ملخ	کولله - قولمه	گرتس هاپر	grasshopper <i>n</i>
شبکه اهلی شومینه، منقل	سویه دلی دیواری، ناگردان	گرتیت	grate <sup>1</sup> <i>n</i>
ساییدن، بنده کردن	ره بنده که رده ی - ساوای	گرتیت	grate <sup>2</sup> <i>v</i>
آزودن	به یه ک مالن		
ممنون، سپاسگزار	سپاس که ری مال ناوایی	گرتیت فول	grateful <i>adj</i>

قه درشناسی

h	m	n	ŋ	l	r	j	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
gratefully <i>adv</i>	گریت فو لی	به قه در شناسی جیه مآل ئا وایی	قبر شناسانه
gratitude <i>n</i>	گر تئیی دود	هه ق شناسی - قه در زانی	قبر شناسی، حق شناسی
		وه ناداری	
grave <sup>1</sup> <i>n</i>	گر یو	قه و ره - گور زیاره ت - قه بر	قبر، گور، مهم، و خیم
grave <sup>2</sup> <i>adj</i>	گر یو	سه خت و خه ته ره مو هیم	خطرناک حیاتی
gravely <i>adv</i>	گر یولی	به سه ختی به ناله باری	به طور وخیم / جدی
gravel <i>v</i>	گر و ل	ریزی ریخ - پیچه کی	شن، سنگریزه، ریگ
		به رده ورده	
gravity <i>n</i>	گر ویتی	هیزی کیشانی نه رز - قوه	ثقل، زمین، جاذبه زمین
		و کیشا و زه مینی - قوه ی لووشان	وقار - وزن
graze <sup>1</sup> <i>v</i>	گر یز	له و ره راندن لور نای، زامدار یون	چراندن - خراش برداشتن
		هور کلاشای - قرنجیای	
graze <sup>2</sup> <i>n</i>	گر یز	هور کلاش له و ره زریای	خراش، زخم سطحی
		ئالوش، زامداری	
grease <sup>1</sup> <i>n</i>	گر یس	رو ن - روه ن - چه وری، دمه	گریس، روغن، چربی، بیه
grease <sup>2</sup> <i>v</i>	گر یس	رو ن لیدان - روه ن که رده ی (کردن)	روغن زدن، گریس زدن
greasy <i>adj</i>	گر یسی	روه نی - روئی - چه وری	گریسی، روغنی
great <i>adj</i>	گریت	گه و ره مو هیم - با قو و ل زل	بزرگ، عظیم، کبیر، مهم
great-grandchild <i>adj</i>	گریت گرند	کور په زه - کچه زه (گه و ره تر)	نوه دختری / پسری
	چیلد		(بزرگترین فزوند)

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جد، جده، پدر	دایر بایر - جان و بن جان	گریت گوند	great -
مادر بزرگ	بایی بایر بابه - ناگه وری	پاریت	grandparent <i>n</i>
طمع، از، حرص	ته ماعه - ته ماع	پارنت	greed <i>n</i>
حرص، آزمند، شکم پرست	ته ماعی - ته ماع دار	گرییدی	greedy <i>adj</i>
سبزه، رنگ سبز، نرسیده	سه و زره نگی سه و ز - کال	گرین	green <i>adj, n</i>
گلخانه، گرمخانه	یانه و گولان - گولخانه	گرین هاوس	greenhouse <i>n</i>
	ماله گول		
خوشامد گفتن، درود گفتن	سلام کرده ی یوه خیر و تن	گریت	greet <i>v</i>
سلام کردن	خه یر نامه کرده ی		
سلام، درود، تهنیت	سلام بر و ژباش به خیر	گری تینگ	greeting <i>n</i>
	خه یر نامه و تن		
سبز شدن	سه و زبون	گرنو	grew <i>see grow</i>
(رنگ) خاکستری	ره نگی بو و لین یو و ره نگی میشی گری		grey <i>adj, n</i>
اندوه، غم، غصه، ماتم	خه فته - خه م - غم - گرفت	گریف	grief <i>n</i>
نیش واکردن، پوزخند زدن	چیر و که رده ی - زه رده خه نده	گرین	grin <sup>1</sup> <i>v</i>
	کردن به تانه پیکه نین		
پوزخند، تبسم، لبخند	ده م داچه قان - چیری - خوه ی	گرین	grin <sup>2</sup> <i>n</i>
	تانه دار - پیکه نینی تانه دار		
آرد کردن، آسیاب کردن	نارد کردن هارین به ناش	گراینند	grind <i>v</i>
	وئاسا و هارای		
محکم گرفتن، چسبیدن	تندگرتی - تو ندگرتن - یو ره لکبای گریب		grip <sup>1</sup> <i>n</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دستگیره - دسته‌گیره	وی لکنا - گیر - چنگه ماشی	گریپ	<b>grip</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	خولکان به		
فریاد زدن - نالیدن	گروه و هواوار که رده ی	گرون	<b>groan</b> <i>n</i>
	نال و گریان کردن له ده رد		
نال، شکوه، فریاد	هوا و ناله - گروه - شین	گرون	<b>groan</b> <i>v</i>
	ور - ور - و، و ی رو		
خواربار، فروش، بقال	دووکا ندار - سه موچت فروش	گرویر	<b>grocer</b> <i>n</i>
	هه مه چیزه وره ش، بنه کدار		
خواربار، جنس	هه مه چیزه - چیوه دوکان	گرویریس	<b>groceries</b>
	چت و جنسی دوکان		
خواربار فروش، بقالی	دوکاندار - چت فروش	گرویری	<b>grocery</b> <i>n</i>
	چیوره ش		
شیار، خط، گودی، بریل	کنرا و - که رته - شیو - گوله	گروو	<b>groove</b> <i>n</i>
	خه ت - گرنج - برگه		
زمین (سطح زمین)	زه وی و خاک - زه - مین - یاگی	گزوند	<b>ground</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	جی		
مطلوب - رشته	ده ور و به ری مال - چواره ده	گزوندس	<b>ground</b> <sup>2</sup> <i>see</i> <b>grind</b>
محوطه بیرون ساختمان	ور و یانه ی، حه وش		
حیات	باده مه زه - مینیه - یاده م	گزوندنات	<b>groundnut</b> <i>n</i>
بادام زمینی	زه وینی - وام هندی		

ua pure    p pen    b bed    t tea    d did    k cat    g got    tf chin    dʒ June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دسته، گروه، جمعیت	ده سه - گرو - کو مه ل - تا قمه ی	گرووب	group <i>n</i>
رشد کردن - سبز شدن	گه و ره بیه ی سه و زی به ی	گرو (گرنو)	grow <i>v</i>
بزرگ شدن	سه و زی بوون		
بزرگسال، بالغ	عازه و عه زه ب یالق	گرون آب	grown - up <i>adj, n</i>
	گه و ره		
رشد، نمو، پرورش - ترقی	روا وه لسان بیه ر ثامه	گرنوس	growth <i>n</i>
	سه و زی به، خیز یای		
خوناس / غوغا کردن	مر خنای مر خاندن - پر خنای	گزول	growl <i>v</i>
	پر خاندن، مر نای مر اندن		
غوغا، خرناس، غرورش	مر خه - پر خه، مره	گزول	growl <i>n</i>
کثیف، نامرتب	گه رو کر مه ژن - چلکی و ناتمه یس	گرابی	grubby <i>adj</i>
نالاله کردن، غرزدن	نالین - نالئای کروز یای بۆله	گرامپس	grumble <i>v</i>
اخم، ترشرو، بهانه گیر	به د خو مو قن - ئیرا دگر	گرامپی	grumpy <i>adj</i>
	قه پۆزن، بۆله بۆل کەر		
باترشرویی، باعبوسی	به تر شر وویی ببه به د خو یی	گرامپیلی	grumpily <i>adv</i>
	به عه بووسی - چو ترشی		
صدای خوک در آوردن	ده نگویه کانه ی به رته ورده ی	گرنات	grunt <i>v</i>
	ده نگی خو وگ ده رها وردن (مشه)		
خرناس کردن	ده نگویه کانه ی ده نگی به ر ز	گرنات	grunt <i>n</i>
صدای خوک	قه ول و به یمان - پابه ند، بلین	گزنئی	guarantee <sup>1</sup> <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ضمانت / قول دادن	قه وڵدان - پابه ندبوون	گزنٔتی	guarantee <sup>2</sup> <sub>v</sub>
نگهبانی کردن / دادن	پاسه وانی کردن - هوَشیارییه ی	گارد	guard <sup>1</sup> <sub>v</sub>
نگهبان، پاسدار - نگهبانی	چه م داری که رده ی چه م داری - پاسه وانی	گارد	guard <sup>2</sup> <sub>n</sub>
سرپرست، قیم، ولی	سه پر س - سا حیب - چا و دیر	گاردین	guardian <sub>n</sub>
مدافع	پاسه وان		
گواو (نوعی میوه)	جو ری میوه - نو عیوه میوه	گواو	guava <sub>n</sub>
چریک، پارتیزان	شهری چریکی - جه نگی پیش	گربیلی	guerilla <sub>n</sub>
جنگجوی غیرنظامی	مه رگه بی ئاسا، چه ته گه ری		
حدس زدن، گمان بردن	زه ند و گو مانه به رده ی	گِس	guess <sup>1</sup> <sub>v</sub>
حدس، گمان، فخرچن	گو مان بردن، مه رج کردن		
مهمان، مشتری هتل و...	گو مانه زه نده - گو مان بیا وِر	گِس	guess <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	میوان - میمان	گِست	guest <sub>n</sub>
ارشاد/ راهنمایی/ و هبری کردن	رِشموونی کردن - رِشموونی	گاید	guide <sup>1</sup> <sub>v</sub>
انجمن، اتحادیه صنفی	که رده ی - جه م گه - یه کیه تی	گیلد	guild <sub>n</sub>
راهنما، رهبر، کتاب راهنما	را به ر - سه رده سه ر - انموون	گاید	guide <sup>2</sup> <sub>n</sub>
راهنمایی، کمک، ارشاد	یاری - یار مه تی - رِشموونی	گایدینس	guidance <sub>n</sub>
گناه، تقصیر، جرم، بزه	گو ناعه - خه تا - تاوان	گیلت	guilt <sub>n</sub>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مقصور، مجرم، گناهکار	تاوانبار - خه تاکەر	گيلتی	guilty <i>adj</i>
گیتار (نوعی ساز زهی)	جوړه سازي له موسيقا سازپوه	گيتار	guitar <i>n</i>
خليج شخاڅاپ، خور	که ند او - ئاو که نه شخا خاوه	گالف - گولف	gulf <i>n</i>
قورت دادن، بلعیدن	قووت دای - قووت دان	گالپ	gulp <sup>1</sup> <i>v</i>
قورت، بلع، جرعه	قووت ته - قووت - گولپ	گالپ	gulp <sup>2</sup> <i>n</i>
چسب - لته (دندان)	ویژن - جا چکه - چه سپ	گام	gum <i>n</i>
انگم - صمغ	هاروه - بنیشیت		
تفنگ - تپانچه	چه ک - تته نگ - سیلاح	گان	gun <i>n</i> (son of a gun تخم سگ)
تند باد، باد شدید	ره شه با - توف هوای ز لان	گاست	gust <i>n</i>
ابراهه، آب و سناودان	پلورره - ئاوبه - ئاوره وکیه، جو	گاتر	gutter <i>n</i>
ژیمناستیک	جوړپوه وه زرش	جیم نسیک	gymnastics <i>n</i>
مخفف gymnastics	کورته ی ژیمناستیک	جیم	gym <i>n</i>
دوران کردن - چرخ زدن	ده ورو دای - چه رخ خوار دن	جای ریت	gyrate <i>vt</i>
زنجیر	گه ران - گه ریان		
روشن شدن	زه نجیر زری - ئاسنینه	جایوز	gyves <i>n, pl</i>
صدای پشه - سماور	داگیر سان - گیسای	گیسای	gyslay <i>v</i>
صدای عبور سنگ از کنار گوش	ده نگی سه ماوه - ر - خا که	گیزه	gyza <i>n</i>
گرفتار شدن	گیفه - گنه	گیفه	gyfa <i>n</i>
ژیروسکوپ - تراز نما	گیر وده - گیر و کیش	گیر وده	gyroda
	تولایی پیو	جیروسکوپ	gyroscoppe <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



GLOBE ARTICHOKE



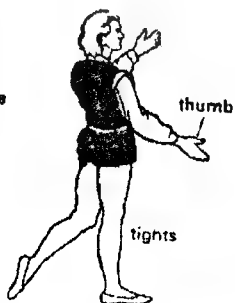
GREYHOUND



GIRAFFE

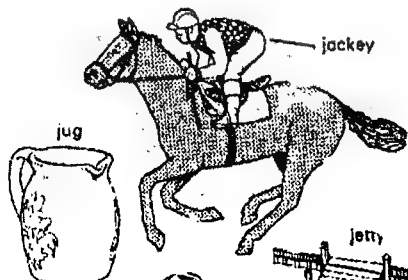


tie



thumb

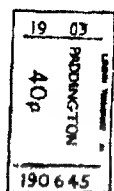
tights



jockey



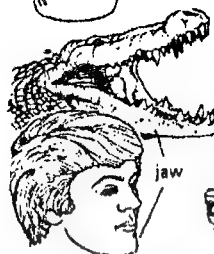
jug



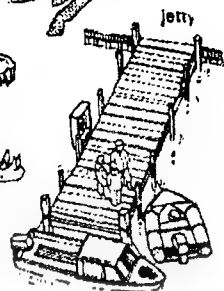
ticket



tilt



jaw



jett



هرمز پنجم



نرماد پنجم  
۲ ق م



ملکه موزا  
(دو - ق - م)



اردوان سوم. ۵۶ ق م

# H h

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هشتمین حرف الفبای انگلیسی	هه شته مین پیتی نه لفا	ایچ	H <sup>n</sup>
ها - وه	ها - به لّی	ها	Ha <sup>int</sup>
خواری فروش	فروشه ری وه سایی لیاس	هابر داشیر	haberdasher <sup>n</sup>
خواری	دورکانی نه سپایی جل و لیاس	هابر داشیری	haberdashery <sup>n</sup>
عادت، عوی، سروشت	خولق - حاله ت - ته ییعه ت	هَبیت	habit <sup>n</sup>
گذشته فعل have (داشتن)	ویه رده ی have -هبوی -بیش	هَد	had <sup>v</sup>
	خوارد		
پیرزن بدجنس - عفرینه	پیره ژه نی بی قه ره - پیره	هَچ	hag <sup>n</sup>
	زالی ناشیرین و چرچ		
تگور، خوشامدگفت	توه رگی - ته رزه - توه رگ بارین	هیل	hail <sup>1</sup> <sup>n</sup>
دانه تگور	دانه و توه رگی - دنکی توه رگ	هیل استون	hailstone <sup>n</sup>
تگور باریدن	توه رگ و شته ی - توه رگ بارین	هیل	hail <sup>2</sup> <sup>v</sup>
موی (انسان / حیوان)	موو - تووک - تاله موو - زلف	هیر	hair <sup>n</sup>
تار مو - زلف			
پیرایشگر، سلمانی	سه ره تاش - سه ر تاش	هیردیر	hairdresser <sup>n</sup>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
half <sup>n</sup>	هاف	نیوه - نیمه - لته	نصف، نیم، نیمه، نصفه
hall <sup>n</sup>	هَل	دالان - جهم خانه سالۆن	سالن - تالار، دالان، گریدور
halt <sup>1 v</sup>	هَلت	گیردان - مندرنای - وێسان	ایست دادن / کردن
halt <sup>2 n</sup>	هَلت	گیرمندرناو - وێسان، ماتلی	توقف، ایست، مکث
halter <sup>n</sup>	هئولتیر	راوهستان، مه مه گر	پستان بند - افسار
halve <sup>v</sup>	هاو	لته کردن - نیمه کهره، کوز	دو نیم کردن، نصف کردن
ham <sup>n</sup>	هَم	قاوومه و رانو خوگی - ژامبون	ژامبون
hamburger <sup>n</sup>	هَمبرگر	هه مبرگر - جوړیوه کفتی	همبرگر، گوشت کاو چرخ شده
hammer <sup>1 n</sup>	هایمر	چه کوش - میکووت	چکش
hammer <sup>2 v</sup>		چه کوش شنه - چه کوش کاری کردن	چکش کاری کردن
hand <sup>1 n</sup>	هَند	دهست - دهسه - کاژمیر	دست - عقربه ساعت،
		ئه قره وه، لاجار هیز	جهت، نیرو
handbag <sup>n</sup>	هَندبگ	کیفی ژه نانه - کیفی ژنانه	کیف دستی (خانمها)
handful <sup>n</sup>	هَندفُل	مشتی - مشتیه، بره ی	به اندازه یک مشت، معدودی
handwriting <sup>n</sup>	هَندرایتینگ	دهسه خهت - دهسه نویسی	خط، دست خط
handy <sup>adj</sup>	هَندی	نزیك - چه نزیك له پال دهس	نزدیک، در دسترس، آسان
hand <sup>2 v</sup>	هَند	به دهس دان بیه دهس دای	با دست دادن (جایزه) رد کردن
handicap <sup>1 n</sup>	هَندی کَب	گیر و گرفت بهر گر و ره گیر	مانع، مشکل، نقص، عَرجه
handicap <sup>2 v</sup>	هَندی کَب	وهرگر ته ی بهرگر تن	مانع شدن / بودن
handkerchief <sup>n</sup>	هَنگ کِرچیف	دهسه ره - دهسه مال	دستمال
handle <sup>1 n</sup>	هَندِل	دهسه دهسه بوته و ره و ره	دسته (فر، کیف، تیر)، دسته فر
handle <sup>2 v</sup>	هَندِل	به خیر کردن - دهسه داره کهرده ی	استفاده / اداره کردن

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دسته دوچرخه	فه‌رمانی دووچەر خه	هَنډل بارس	handlebar <i>n</i>
خوشگل، خوش تیپ	ده‌سه‌ودووچەر خه‌ی		
اویختن - دازدن - ماندن	زه‌ریف - خو جوان - نمه‌کین	هَنډسام (بیم)	handsome <i>adj</i>
به دیوار زن (عکس)	هه‌لو استن - ئالو چنای	هَنگ	hang <i>v</i>
اویز، جالباسی، غلاب	سیداره‌دای، دالکاندن		
اتفاق افتادن، رخ دادن	چولیباسی - لیاس گیر، قولار	هَنجیر	hanger <i>n</i>
رویداد، حادثه، پیشامد	روودان - پرووه‌دای به‌سه‌رهاتن	هَپن	happen <i>v</i>
	به‌سه‌رهات - پروودانه‌وه	هَپنینگ	happening <i>n</i>
خوشحال، خرسند، شاد	رووداو - قومیای		
فرخنده	دَل‌فه‌ریخ - دَل‌شاده‌وه شحال	هَپی	happy <i>adj</i>
باخوشحالی، شادی	رازی، مه‌سروور		
خوشبختانه، خرسندی	به‌وه‌شی به‌خوشی و که یف	هَپیلی	happily <i>adv</i>
بندر، انگرگاه‌کشتی	وه‌شحالی - له‌خورازی	هَپی نس	happiness <i>n</i>
سخت، سفت - مشکل	ده‌لیاشار - شاری گوی ی‌ئار	هاریر	harbour <i>n</i>
قاطع - حشن	ره‌ق - سه‌خت - پرووش	هارد (ه‌اد)	hard <sup>1</sup> <i>adj</i>
سفت / سخت شدن	پرووشایی - یه‌کجار سه‌خت	هارد (ه‌اد)	hard <sup>2</sup> <i>adv</i>
به‌لذت، به‌سختی	تندویی - یه‌سفت کردن	هاردن	harden <i>v</i>
خرگوش وحشی	به‌سه‌ختی - که‌م - جار و بار	هاردلی	hardly <i>adi</i>
پیروز، زشت - فاحشه‌از	هه‌ریشه‌که‌رویشک - خه‌روش	هیر	hare <i>n</i>
کار افتاده	پیره‌ئه‌نی جاش په‌روه‌ر	هاریدن	harridan <i>n</i>
	پیره‌ژنه‌چرچه		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدمه، خسارت، نگزند	زهره رمال ویرانی	ه‌ارم (هام)	harm <sup>1</sup> n
	عه‌زیه ت له تمه		
بدنزیان آور، مضر، مودی	خراوخی سودیزه ره رته‌ور	ه‌ارم فول	harmful adj
	نال‌بار		
بی ضرر، بی زیان	بی زهره ریخی‌ناشو	ه‌ارم یس	harmless adj
	ناخراو		
مزاحم شدن، صدمه زدن	مزاحم بیه ی له تمه دای	ه‌ارم (هام)	harm <sup>2</sup> v
	زهره ردان		
نامطبوع، خشن	زور زرو نا کلو کار، ناجور	ه‌اش	harsh adj
گوشخوانش	تووره مو قن - قه لژ	(ه‌ارش)	
با خشونت، با تندى	به تووره یی به توندی	ه‌اشلی	harshly adv
فصل درو/ برداشت، خرمن	فه سه ودره وی - وه ختی	ه‌او یست	harvest <sup>1</sup> n
محصول	خه رمان ودره و		
محصول جمع کردن	کو که ن سه مه رج‌م کردن	ه‌او یست	harvest <sup>2</sup> v
درو کردن	باخ ته کنای، خه رمان کو تان		
کلمه انگلیسی از مشتقات	وشه ی تاییه ت بو li, he, she	ه‌ز	has v
have که با it, she, li, he به کار			
می‌رود			
عجله، سرعت، شتاب	په له - تاو هور پر ای جه - توندی	هیست	haste n
شتابزده، تند، فوری	تند - توند - تاو در یا - تیژ	هیستی	hasty adj

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فرواښتابان، باعجله	به توند و تیزه تار، جابه جا	هپستیلی	<b>hastily</b> <i>adv</i>
کلاه	کلاو، کلاوه	هَت	<b>hat</b> <i>n</i>
از تخم درآمدن، روی تخم	هور تو قای هیله هور	هَج	<b>hatch</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
خواهیدن، طرح ریختن	نامه ی، جوولک درها تن		
روزنه، دریچه	وله، کون روچن	هَج	<b>hatch</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
متغیر بودن، نفرت داشتن	قین وه نه نامه ی، رِق لی ها تن	هیت	<b>hate</b> <i>v</i>
بدآمدن از	زیلوشیو یای جه		
نفرت، کینه، بیزاری، تنفر	رِق له، دوری جه، قین له، بیزاری	هیتربید	<b>hatred</b> <i>n</i>
کشیدن (جسمی سنگین)	کیشای، کیش کردن	هَل	<b>haul</b> <i>v</i>
حمل ویدک کردن	کیش که رده ی		
(در مورد ارواح) دیدن	نامو ولو اکه رده ی، بینینی	هَنت	<b>haunt</b> <i>v</i>
پاتوق کردن	روحوود یو		
زمان حال <i>have</i> (داشتن)	خواردن، وارده ی، بون	هَو	<b>have</b> <sup>1</sup> ( <i>aux</i> ), <i>v</i>
جمع			
هه مانه، هه نمان	داریم	هه مه، هه نم	I have
هه تانه، هه نتان	دارید	هه ته، هه نت	You have
هه یانه، هه نشان	دارند	هه یه تی، هه نش	He/she/It has
زمان گذشته فعل <i>have</i>	و شه ی رابوردووی <i>have</i>	هَد	<b>had</b> <i>aux, v</i>
(داشتن) وجه وصفی حال	بیه ی - بون	هَوینگ	<b>having</b> ( <i>To</i> )

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
have got to <sup>v</sup>	هَڤ تو	مه جیو ریه ی - ناعه لاج بیه ی	مجبور بودن، بایستن
have <sup>2</sup> <sub>v</sub>	هَڤ	مه شیا ی - نه بو ای - ده با	داشتن، دارا بودن، بچه دار شدن
have got	هَوگات	وشه ی باتی (به جیی) have	به جای have به کار می رود
hawk <sub>n</sub>	هَک	هه لَو یاز - تر لان رواشه	شاهین، باز، قوش
hay <sub>n</sub>	هی	گزره - گیای وشک - یو نجی	علف خشک، یونجه
hazard <sub>n</sub>	هَزِد	وینجه، کا - سمه ری	کاه
hazardous <sub>adj</sub>	هَزِڊس	مه تر سی - خه ته ر، شانس	خطرناک، خطرناک، اقبال
haze <sub>n</sub>	هیز	مه تر سی دار - پر خه ته ر	خطرناک - اتفاقی
hazy <sub>adj</sub>	هیزی	مژ - ته مه - ته م، ماتی	به کم، غبار - ابهام
he <sub>pron</sub>	هی	مژ دار - ته م دار	مه الود، مه گرفته
head <sup>1</sup> <sub>n</sub>	هید	نه و - ئاد (زه میر بو ئیر) نانه	او (ضمیر مذکر)
		سه ره - سه ر - ره یس	فهم - سر - رئیس - جلو
		به ر - بان، گه وره	ذهن، مدیر
		وه ر - فام وهوش	بالا - عمده
headache <sub>n</sub>	هیدایک	سه ریئشه - سه ر ژان	سر درد
heading <sub>n</sub>	هیدینگ	عینان - سه ره تا سه ره پر	عنوان، سرصفحه، سرتیتر
headlight <sub>n</sub>	هیدلایت	چرای به ری ماشین - چراوه و	چراغ جلوی اتومبیل
		وه ر و ماشینی	وقه تار
headline <sub>n</sub>	هیدلاین	چاودیر - چه م گیر - عینان	تیتر (روزنامه)، عنوان، مقاله
headmaster <sub>n</sub>	هیدماستیر	مودیر - سه ر پر س	مدیر، سرپرست، مدرسه

ʌ	ɜ:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مدیره (مدرسه) زن‌مدیر	مودیری ژن-دایان-ئوساژەن	هیدمستریس	headmistress <i>n</i>
پیشاپیش / جلو / درآس گروهبودن، دربالاقرار گرفتن-باسرزدن	جه سه روپییه له به روپون پیشه وابون	هید	head <sup>2</sup> <i>v</i>
دفتر مرکزی، ستاد	ده فته ری ناوه ندی ده فته ر	هیدکواتیرز	headquarters <i>n</i>
مرکز فرماندهی	دلی راسه ی، بنکه ی ناوه ندی		
معالجه شدن، شفا / بهبود	شه فاگر ته ی-خاسوپییه ی	هیل	heal <i>v</i>
یافتن	عه لاج بوون-چاکو بوون		
تندرستی، بهداشت، سلامتی	ساخی له ش-سلامه تی	هیلز (ت)	health <i>n</i>
تندرست، نیرومند، سالم	به هیژ-سلامه ت له ش ساق هلمستی (تی) هلمتی		healthy <i>adj</i>
توده، انبوه، کومه	گروړه-کووما-ته پ	هیپ	heap <sup>1</sup> <i>n</i>
	لیژینه، یارگه، ملو		
انباشت، پرکردن	پرکردن-گواله گرتە ی	هیپ	heap <sup>2</sup> <i>v</i>
	په رکه رده ی-ته پاندن		
شنیدن-باخبر شدن، رسیدگی	ئه ژنه ویه ی بیستن-ژنه وتن	هیر	hear <i>v</i>
شنوایی، قوه شنوایی	هیزی بیستن-ئه ژنه وای	هیرینگ	hearing <i>n</i>
	ژنه وتی		
قلب؛ دل؛ طبع؛ مرکز؛ وجدان	دل-قه لب-ته بعه دلی راسه	هارت	heart <i>n</i>
ضربان قلب؛ طپش قلب	دل فره دله کوه دل کوتان	هارت بیت	heartbeat <i>n</i>
سنگدل؛ بیرحم؛ بی عاطفه	بی ره حم دل به ردین بی دل	هارت لیس	heartless <i>adj</i>
حرارت؛ گرمایی؛ گرمی؛ خشم	گه رما-تین بیوق، ده وره	هیت	heat <sup>1</sup> <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حرارت دادن، گرم کردن	گه رم که رده ی (کردن) - تاودای	هیت	heat <sup>2</sup> v
بخاری، باگرمکن	سو به - ئاته ژدان - ئارگا	هیتز	heater n
با تلاش / به سختی کشیدن	به زور کیشای - جیی به جیی کردن	هیو	heave v
بهشت آسمان، گردون، عوش	به هه شت - جیی حو و فریشته	هیون	heaven n
بهشتی - مطبوع، آسمانی	به هه شتی - ئاسمانی، لاهوتی	هیونلی	heavenly adj
سنگین، وزین، دشوار	سه قیل - قورس سه نگیان	هیوی	heavy adj
هکتار (۱۰۰۰۰ مترمربع)	هکتار ده هه زار متری	هیکتار	hectare n
حصار، پرچین، چتر	په رجین چه ر ژین - که له که	هیچ	hedge n
پاشنه پا - پاشنه کفش	پاژنه و پای - پاژنه و پالای	هیل	heel n
	پشت پی - پاشنه ی پا		
ارتفاع، بلندی، قله	به رزی - ئاسو به رزایی	هیت	height n
نوک	بلیند و هه وراز	(هایت)	
وژنه، وارث، میراث بر	وه ره سه به ش یا وابه ش گر	هیر	heir n
برداشتن - بلند کردن	هه لگر تن - هورگر ته ی	هیلد	held see hold
هلی کوپتر، چرخبال	هلی کوپتر باله فرکه - خوله بال	هلی کوپتر	helicopter n
جهنم، دوزخ، دژک	جه هه نم - یا گئی په رجه دیو	هیل	hell n
	و موکل و شیاتین و نه یری		
سلام (وقتی... آشناست)	سلام - نه حوال په رسای	هیلو	hello int
کلاه کاسکت، کلاه ایمنی	کلاوی پاریزه ر - کلاوه ی	هیلمیت	helmet n
	پاریزه ره		
کمک کردن، یاری رساندن	یاری دای - یارمه تی کردن	هیلپ	help <sup>1</sup> v
	کو مه ک کردن		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مفید، سودمند	باش - عال - خاس - چاک	هېپ فۆل	helpful <i>adj</i>
پُرس غذا، وعده	به شه چِشت به شه چاشتی	هېلینگ	helping <i>n</i>
ناتوان، بدون کمک	بی ده سه لات - چه نه نامه	هېپ لِس	helpless <i>n</i>
عاجز	لێ نه ها تو ودا ماگ، به سزوان		
کمک، یاری - امداد، مدد	کۆمه ک - یاری - یارمه تی	هېپ	help <sup>2</sup> <i>n</i>
لبه (دامن، پیلوهن، ...)	په راویژ لیلوی لیباس	هیم	hem <sup>1</sup> <i>n</i>
سجاف	لچه لیباس		
تو گذاشتن لبه لباس	په راویژ دای - ده وردروینی	هیم	hem <sup>2</sup> <i>v</i>
نیمکره، ... نیمکره	لیباس - قه راخ و راسه ی		
نیم کره	نیمه توپ - نیمه خرت	هیمی سفیر	hemisphere <i>n</i>
زمین	نیم کاسه	(هیمی سفیر)	
مرغ (پرنده ساده)	که رگه مر - ما مر - مریشک	هین	hen <i>n</i>
او را - مال او (زن)	ئهی ئی نه و - ئینو ئادی - هینی نه و	هیر	her <i>pron-adj</i>
علف، گیاه، گیاه دارویی	گیواو - گیارواو	هیرب	herb <i>n</i>
گله، رمه	گه له شه گه له ران	هیرد	herd <sup>1</sup> <i>n</i>
شبان، / گله داری کردن	گه له داری که رده ی - شوانی کردن	هیرد	herd <sup>2</sup> <i>v</i>
اینجا، در اینجا	چی گه نه - چی گه لیره	هیر	here <i>adv</i>
قهرمان، پهلوان	پاله وان - قاره مان	هیرو (هیرو)	hero <i>n</i>
قهرمانی، پهلوانی، حماسی	پاله وانی - قاره مانی	هیروئیک	heroic <i>adj</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دانمکھیو، هسته زنبور	هیری لیرو جۆش، پوره	هایوز	<b>hives</b> <i>npl</i>
احتکار کردن، اندوختن	جه م کردن همار که رده ی	هرد (هَد)	<b>hoard</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
انباشت	هور و دای هه لگرتن		
احتکار، ذخیره، نگه	همار و گلیر - پاش که رت خست	هرد (هَد)	<b>hoard</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
(در مورد صدا) گرفته	ده نگ گرده نگ گیر یا	هَرس	<b>hoarse</b> <i>adj</i>
دو رگه	ده نگ قور - قترخن		
سرگرمی، تفریح	نیشات مه شغوولی، که یف	هَبی (هایبی)	<b>hobby</b> <i>n</i>
کار ذوقی	خله نجنای سه رگه رم		
هاکی، بازی هاکی	جوره ی گه مه - جوره کا به	هاکی	<b>hockey</b> <i>n</i>
	یه ک به توپ		
کج بیل، صاف کردن	پیل نه سکه ره - جوره	هتو	<b>hoe</b> <i>n</i>
	بیله یک لاره - لاره بیل		
با طناب / قرقوه بالا بردن	باز پر دنه و ر کیشای سه ریه دی	هَیست	<b>hoist</b> <i>v</i>
دارا بودن، داشتن	گرتن (گرتی) هه لگرتن	هتولد	<b>hold</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
مهار کردن	(هورگرتی) جه دارا بیه ی		
نگهداری یا دست، دسته	به ده س گرتی - را گرتن	هتولد	<b>hold</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
گودال، حفزه، سوراخ، چال	کون - وله - چالی - چال	هتول (هَل)	<b>hole</b> <i>n</i>
مرخصی، تعطیلی		هالیئدی	<b>holiday</b> <i>n</i>
توخالی، خالی، پوک	هه ر و ل دلی خالی	هَلتو	<b>hollow</b> <i>adj</i>
الهی، مقدس، پاک، پارسا	پاکه ره دار سه ریه نه - عه ده س	هتولی (هَلی)	<b>holy</b> <i>adj</i>
اسب سواری - سوارگاری	غارانی - غار کردن	هورس من شیب	<b>horsemanship</b> <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خودنوشت - وصیت نامه	خۆنوس حوێ نوێس	هولوگراف	holograph <i>n</i>
ماه مبارک	مانگی شه‌ریف مانگی مقه‌ده‌س هتولی مانت		holy month <i>n</i>
جهاد	جیهادیو خوداشه‌رکردن	هتولی وُر	holy war <i>n</i>
خانه، منزل	مال - خانوو - یانه - که‌ویل	هتوم	home <i>n, adj, adv</i>
تکلیف شپ، مشق منزل	کاری شه‌و - ته‌مرینی شه‌وان	هتوم وِرک	homework <i>n</i>
	له‌مال، کاریانه		
شریف، دروستان، امین	دروست کار شه‌ریف - چاک	هانپست	honest <i>adj</i>
	پیاخاس		
صافخانه، به‌خدا	پاکانه‌دروستانه	هانپستلی	honestly <i>adv</i>
دروستکاری، شرافت	دروستکاری به‌شه‌ره‌ف	هانپستی	honesty <i>n</i>
عسل، شهد	هه‌نگوین هه‌نگوین	هانی	honey <i>n</i>
ماه عسل	مانگه‌وکه‌یفوه‌شی مانگی	هانی موون	honeymoon <i>n</i>
	سرووری پاش زه‌ماوه‌ن		
افتخار، احترام، آبرو	شانازی بریزخه‌خر	هابر	honour <sup>1</sup> <i>n</i>
احترام کردن	نیحترام نیای سپاس کردن	هابر	honour <sup>2</sup> <i>v</i>
	حرمه‌ت گرتی		
گلاه بارچه‌ای، کلاهک کاپوت	فیس ممشکی، کلاو وِچن	هَد	hood <i>n</i>
کفشک، شمش (اسب، ...)	سمو حه‌یوانی سسی نه‌سپ وِزن	هووف	hoof <i>n</i>
قلاب، چنگک، گیره	قولا په‌قولا وِگیره	هَک	hook <sup>1</sup> <i>n</i>
با قلاب بستن / گرفتن	به‌قولا پ گرتی به‌قولا وِبه‌ستن	هَک	hook <sup>2</sup> <i>v</i>
حلقه، تسمه	هه‌لقه‌هه‌لقی بیاز نه	هووپ	hoop <i>v</i>
	ته‌وکه، خرخال شیوه		

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
hoot <sup>v</sup>	هووت	قاله قَال - قیژ و قاز، ده نگی بوم	جیغ کشیدن، داد زدن
		هه راهه را کردن	هوهو
hop <sup>v</sup>	هَپ	پرای - په رین - چو و زانی	لی لی کردن - پریدن، جستن
		باز بردن	
hope <sup>1 v</sup>	هتوب	ئومید واری به ی - ئاوات خواستن	امید داشتن، امیدوار بودن
		ئاره زوو که رده ی	
hope <sup>2 n</sup>	هتوب	ئومید - ئاره زوو - ئاوات - هه سه ره ت هتوب	انتظار، امید، آرزو
hopeful <sup>adj</sup>	هتوب فوول	ئومیدوار - ئاواته واز	امیدوار - امیدبخش
hopefully <sup>adv</sup>	هتوب فوولی	به ئومید به وه به ئاواته وه	امیدوارانه
hopeless <sup>adj</sup>	هتوب بلس	نا ئومید فخره خراو	نا امید، بسیار بد
		زور خراب - بی چاره	
hopelessly <sup>adv</sup>	هتوب بلس لی	به نا ئومید به وه - نا ئومیدانه	ناامیدانه، مایوسانه
horizon <sup>n</sup>	هزیزن (هزیزن)	ئاسۆ - ئاخو رین چاو بین	افق
		دیار گاکه ل	
horizontal <sup>adj</sup>	هه رابرین	له ولا - لا وه لاله بان زه وی	افقی، مسطح، برابر
	(هزیزن) تال		
horn <sup>n</sup>		شاخ - بیت شه ییو وریو قی ماشین هُرن (هُن)	شاخ - بوق - شیبور
horrify <sup>v</sup>	هَریفای	ته رستای - تو قنای - ترساندن	وحشت زده کردن
horror <sup>n</sup>		ترس - ته رسی - ده شه ت سام و خوف هُهر	ترس، وحشت، نفرت
horrible <sup>adj</sup>	هَریفیل	په ترس - سام دار	مخوف، وحشتناک
horrid <sup>adj</sup>	هَریفید	ژیه و شیون - قه لب - ناشرین	نامطبوع، ناگوار، بد

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
horse <i>n</i>	هَرس	ئه سَپ مَـاڵ و مین مَـاين	اسب
horseback <i>n</i>	هَرس پَک	ئه سَپ سوار سواره	سوار پر اسب
horse - shoe <i>n</i>	هَرس شوو	ناڵۆ ئه سَپى نالۆ ئه سَپ	نعل اسب و قاطر
hose <sup>1</sup> <i>n</i>	هَنوز	شَلنگۆ ناوێ شَلینگى ناو	شیلنگ اب، لوله لاستیکی
hose <sup>2</sup> <i>v</i>	هَنوز	لوولە ی لا سَپى کى گۆیروا ئاو پاشى کە رده ی به شَلنگ ناو: ناو هَنوز	چوراب بلند با شیلنگ اب دادن
hospital <i>n</i>	هاس پیتل	چَپۆى کە ژدار نە خو شخا نە خە سە خانە	بیمارستان، مریضخانه
hospitality <i>n</i>	هاس پیتالیتی	بیمارسان، مەرخانە مِیما نە وازی مِیوان داری	مهر = سلامت مهمان نوازی، غریب نوازی
host <i>n</i>	هَئوست	ساحِب مَـاڵ - پەل دە سە مِیواندار	میزبان، انبوه مردم
hostess <i>n</i>	هَوس تیس	ژنی مِیواندار ژە نه ی مِیما ندارە هوس تیس	زن میزبان، میزبان زن
hostage <i>n</i>	هَستِیج (هاس تِیج)	دیل گِیر یا شى له ده س گِیرا و	گروگان گرفتن
hostel <i>n</i>	هَستِل	مِیوان خانە مە درە سە یا دانشگای شه وروژى (هاس تِل)	مسافرخانه، مهمانسرا
hostile <i>adj</i>	هاس تِل	دوژمن مە ده عی دژ مە نانه	دشمن، خصم، خصمانه
hot <i>adj</i>	هات	داخ - گەرم - تند و تیز	داغ، گرم - تند، تیز
hotel <i>n</i>	هَئوتِل	هوتل مِیوان خانە ی تایبەت	هتل - مهمانخانه
		مِیوان گِیر	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
hound <i>n</i>	هئوند	تانجیه - تانجی - پیسکه پیا	سگ شکاری، آزار کردن
hour <i>n</i>	کات - تا و سه عات - سه خت (کۆر) (آور)	چلکا و وه (خۆر) مزاحیم	ساعت، بزمان
house <i>n</i>	هوس (هاوس)	مال - یانه - خانگ - خانوو	خانه، منزل، ساختمان
household <i>n</i>	هوس (هاوس هلد)	خانه واده مال و منال	اهل، خانه / منزل
housewife <i>n</i>	هوس وایف	ژه نه و یانه ی - ژنی مال و منالدار	خانگی
hover <i>v</i>	هَور (هاوِر)	سه مسه ماکه رده ی - له هه و ا	در هوا بیحرکت ایستادن
hovel <i>n</i>	هاول	راوه ستان وه ک باز	در جا بال زدن
how <i>adv</i>	هاو (هئو)	ماله باغ - که و پل	کلبه
however <i>adv, conj</i>	هاونور	چلۆن - چه نی - چه وه خت	چطور، چگونه - چه وقت، چقدر
howl <i>v-n</i>	(هئونور)	به هه ر حال - هه ر چۆنی	هرچقدر - به هر حال
hug <sup>1</sup> <i>v</i>	هول	هه ر چه ن بیه لام	ولی
hug <sup>2</sup> <i>n</i>	هول	هیلنای - سه رنای - قیژاندن	زوزه کشیدن، جیغ کشیدن
huge <i>adj</i>	هویج	قیژنای - لوورنای - شریخاندن	عریده - ناله
hum <i>v</i>	هام	له باوه ش گرتن - نه وشی گرتی	دراغوش گرفتن، بغل کردن
		هه وشی - بیا و ش - داوین	اغوش - بغل
		فره گه و ره مزو زل - ده عیا فره	بسیار بزرگ، زیاد، تنومند
		چو ته چو ت کده ی - گیغه نامه ی	ووزو کردن - زمزمه کردن
		گغه کردن، ویره - گیزه	

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

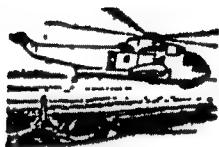


فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انسان، بشری، آدم	مروڤ - ئینسان به شه‌ر	هیومین	human <i>adj</i>
فروتن، فقیر، متواضع	نتم به‌ ژار به‌ حه‌ یا وشه‌رم	هامپل	humble <i>adj</i>
	سه‌ نگین		
مذهب، نوع پرستی	نوع په‌روه‌ری	هیوم‌نیزم	humanism <i>n</i>
شوخی، خوشمزگی، طبع	شوخی - گلوڤ - خولق و خو	هیومیر	humour <i>n</i>
شوخی، بذله‌گو، خنده‌دار	شوخی - قسه‌ وه‌ش - قسه‌ خو‌ش	هیومیرس	humorous <i>adj</i>
کوهان، کوز، قوز	کۆل - قور ته‌ ملکه - چه‌ ماو	هامپ	hump <i>n</i>
عدد ۱۰۰ - یکصد	شماره‌ وه‌سه‌ دی - ژماره‌ ی سه‌د	هاتدرد	hundred <i>n, adj</i>
یکصدمین، صدم	سه‌ دویمین - ژماره‌ ی په‌ جی	هاتدردس	hundredth <i>n, adj</i>
$\frac{1}{100}$ اویزان کردن	سه‌ ده‌م، سه‌ ده‌م هه‌ لو استن - ئالو چنای - راو چی	هنگ	hung <i>see hang v</i>
گرسنه، آرزومند	ئه‌ ورا برسی - ژمه‌ن لوا	هانگری	hungry <i>adj</i>
شکار کردن - گشتن	که‌ شه‌ وانی که‌ رده‌ ی سه‌ یادی	هانت	hunt <i>v</i>
جستجو	کردن (که‌ رده‌ ی) راو کردن		
شکارچی، صیاد	که‌ شه‌ وان که‌ ژه‌ وان، راو که‌ر	هانت‌ر	hunter <i>n</i>
به‌ شدت پرتاب کردن	فره‌ دای - تورودای - فره‌ دان	هیرل	hurl <i>vt</i>
هورا (آوای تحسین و شادی)	ئافه‌رین - ئافه‌رم - ده‌نگی	هوری (هورا)	hurrah(y) <i>int</i>
	پشتی و شادی		
تندباد / توفان شدید	توف - وای سه‌خت	هاری‌کن	hurricane <i>n</i>
دریایی	بای سه‌ر سه‌ر - شه‌ با		
عجله‌ داشتن / کردن	په‌له‌ که‌ رده‌ ی - په‌له‌ کردن	هاری	hurry <sup>1</sup> <i>v</i>
عجله، شتاب	په‌له‌ هور - رانه‌ وستان	هاری	hurry <sup>2</sup> <i>n</i>

ua	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
hurt <i>v</i>	هیرت	زهره‌ریه‌ی له‌تمه‌وه نه‌دای	آسیب‌رساندن / دیندن
		ئه‌زیه‌ت کردن - ئازاردان	
hussy <i>n</i>	هاسی	ژن یا کچی‌روودار	زن یا دختر پُرو
husband <i>n</i>	هازبند	شو و هام‌لف‌میرد	شوهر، همسر
hut <i>n</i>	هات	یانه‌ی چۆین - که‌پره	کلبه، اتاقک، تَهر
		که‌وێڵ‌مالی‌چۆین	
hydrogen <i>n</i>	های‌دروچن	هیدروژن - جوّره‌گازیک	هیدروژن
		له‌هه‌واوله‌تار	
hyena <i>n</i>	هایِن	که‌متار - جانه‌وه‌ریکی	کفتار (انگل حیوان‌ها)
		مردارخوڕوجاش‌یاو	
hygiene <i>n</i>	های‌جین	عیلمی‌بهداشت - خوڤراگرتن	بهداشت، علم به‌بهداشت
		وێداری	
hygienic <i>adj</i>	های‌جینیک	وێ پارێزی - خوڤراگری	بهداشتی - سلامتی‌زا
hymen <i>n</i>	های‌مین	هامین - خودای زه‌ماوه‌ند	هَمْدای عروسی
hymn <i>n</i>	هیم	مناجات - هَوَزه‌سروودی‌نایینی	سرود مذهبی
hyacinth <i>n</i>	های‌سینت	گوڵ سومبول	گُل سنبل
hybrid <i>n</i>	های‌برید	دوره‌گه‌بازه‌چارپۆه‌ن	جانور یا گیاه دورگه‌نیولدی
hydrology <i>n</i>	های‌دراالی‌جی	علمی‌ئاونا‌سی	علم آب‌شناسی
hydrophobia <i>n</i>	های‌دروفوبیا	نه‌خۆشی‌هاری	گژدین سگ‌هار
hypochondriac <i>n</i>	های‌پوکاندریک	نه‌خۆشی‌خیالی‌و‌پوچی	مال‌خویلیا - بیماری‌هراس
		میراق	

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation:	Kurdish	Persian
hydrogenbomb <i>n</i>	های دِجَن	به مه‌ی هیدروژنیه	هیدروژنی
hyphen <i>n</i>	های فَن	به می هیدروژنی خه تی به یَن وشه - خه ته وجیا	خط تیره (ـه)، خط پیوند
hypology <i>n</i>	هیپنالِجی	خه وناسی (خه و درونیه)	خواب شناسی
hypocrite <i>n</i>	هیپوکریت	جاش - ریای که ردوورو	ادمه‌نیکار، دورو
hypothesis <i>n</i>	های پوتیزیس	بنیه ره‌خه رزکه، وه بزانه	فرض، گمانه
hypnosis <i>n</i>	هیپنوزیس	خه‌ری جه‌زه به‌وه رمی ته‌لقینی	خواب مصنوعی - هیپنوتیزم
hysteria <i>n</i>	هستیری	نازاری فی‌وی ختیار	بیماری غش و حمله
			بی‌هوشی - تشنج



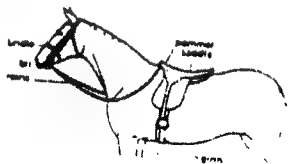
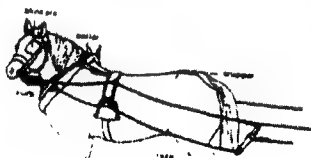
HELICOPTER



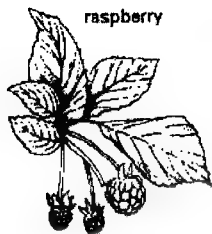
HAMMOCK



HANDCUFFS



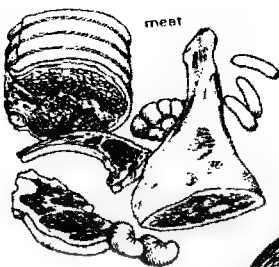
A HORSES HARNESS



raspberry



read 1



meat



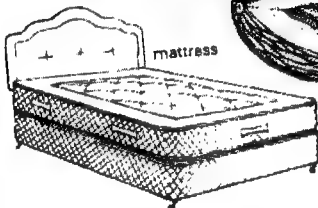
medal



receiver



rat



mattress



melon

# I i

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نهمین حرف الفبای انگلیسی	نۆیه مین پیتی ئەلفبا	آی	I <i>n</i>
من (ضمیمه‌ای اول شخص)	ئە من - ئە ز - ئە م	آی	I <i>pron</i>
یخ، بستنی دو آمریکا	یەخ - سە هوڵ - چە	آیس	ice <i>n</i>
بستنی	بەستەنی - شیرشە کەری سارد	آیس کریم	ice - cream <i>n</i>
بسیار سرد - یخی	چە زۆر سارد - یە خین	آی سی	icy <i>adj</i>
کوه یخ شناور	کە ژێ یەخ - کە شی - یە خین	آیس بێرگ	Iceberg <i>n</i>
خامه‌یک، رویه	خامە ی بانی کە یک - تو ی ی کە یک - آی سینگ		Icing <i>n</i>
	تۆ سە روکە یکێ		
عقیده، ایده، نظر، فکر، باور	ئیده - فکەر - ئە قیدە - ئە زەر	آیدیا (ی)	Idea <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایدهال، عالی، تخیلی	زۆرباش خۆه خاس-عال، گمان	ایدیل	ideal <i>adj</i>
همان، یکی، همانند	هه ره وه هه ره ئانه-ئه وه	آیدنتیکال	identical <i>adj</i>
یکجور	یه کجور	(کِل)	
شناسایی کردن، شناختن، تشخیص دادن	شناسین-ئه ژناسای-خامین	آیدن تی	identify <i>n</i>
مدرک شناسایی	کارتی خو ناسی-کارتی	فای	identification <i>n</i>
هویت	ناسینه وه	آیدن تی فی	
هویت، شناسایی، همانندی	ناسینه وه-ئه وه ناسیای	کیشن	identity <i>n</i>
اصطلاح، گویش، لهجه	دانیان-که لیمی ئه ره نریا	آیدیم	idiom <i>n</i>
زبان محلی	و شه ی تیکه ل، زاراو، له فز		
بیکار، خوابیده - تنبل	ته مه ل-لا وازی پ ره گ	آیدل	idle <i>adj</i>
بی فایده - ولگرد	نه که رکار - بی خه یر		
بت، تندیس، معبود	بو ته جوت بباتی پرس	آیدل	idol <i>n</i>
شرح کوتاه زندگی روستایی	دیلاتی بپاسی ژیان له دی	آیدیل	ldyl <i>n</i>
اگر - که - هرگاه، کاش	ئه گه ر-ئامه و-ها تو و	ایف	if <i>conj</i>
بی اطلاع، ناآگاه - نادان	بی خه وه ری بی خه به رته زان	ایگنورنت	ignorant <i>adj</i>

i: see    ɪ sit    e ten    æ hat    ɑ: arm    ɒ got    ɔ: saw    u put    u: too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناگاہی، بی اطلاعی - جهل	بی‌خه‌وه‌ری بی‌خه‌به‌ری	ایگنورنس	ignorance <i>n</i>
	نه‌زانی		
نادیده‌گرفتن، محل	گوی بی‌نه‌دان-گوش	ایگنور	ignore <i>v</i>
نگذاشتن	په‌نه‌نه‌دای، لی‌نه‌پرسان		
بیمار، مرض، شوم، درد	نه‌خوش-ناوه‌ش-بیمار، نه‌حسن	ایل	ill <sup>1</sup> <i>adj</i>
بیماری، مریضی	نه‌خوشی-ناوه‌شی	ایل‌ینس	illness <i>n</i>
(به صورت پیشوند) بد، بی	خراو-خراوی-پیش‌وشه	ایل	ill <sup>2</sup> <i>adv</i>
غیرقانونی، غیرمجاز	بی‌قانونی-ده‌ره‌به‌گی	ایل‌یگل	illegal <i>adj</i>
	ناعه‌داله‌تی		
ناخوانا، نوشته‌ناخوانا	نوانیا-نه‌خو‌نیاگ	ایل‌یجبل	illegible <i>adj</i>
بدخط	ئه‌وه‌نوانیا، خه‌ت‌خراپ		
روشن کردن / شدن	ئه‌ره‌گیسنای-روشن کردن	ایل‌یومی‌ن‌یت	illuminate <i>v-n</i>
چراغانی - توضیح	چراغانی‌که‌رده‌ی		
عکس دار کردن	به‌شکل‌حالی‌که‌رده‌ی، باس	ایل‌یستریت	illustrate <i>v</i>
توضیح دادن	عه‌کس‌دارکردن		
تصویر-توضیح-عکس	وینه‌شیوه‌شکل‌باس	ایل‌یستریشن	illustration <i>n</i>
	دوخت		
تصویر ذهنی - مجسمه	مجه‌سه‌مه‌نه‌قش-خه‌یال	ایمیج	Image <i>n</i>
کپی، خاطره	زه‌ین‌نامه‌شکل‌سازی		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>Imagine</b> <i>v</i>	ایماجین	ختووره کهرده ی-نبیره واته ی	حدس زدن، پنداشتن
		گمان کردن، خه یال	گمان، تصویر
<b>Imaginable</b> <i>adj</i>	ایماجینبیل	به بیرها تن ویرنامه ی	قابل تصویر
<b>Imaginary</b> <i>adj</i>	ایماجینبری	خیالی مه حالی-ختووری	خیالی، تخیلی، غیرواقعی
		فه رزی	
<b>Imagination</b> <i>n</i>	ایماجینشن	خه یال-ئه جیای هوا زانین	پندار، خیال، ذوق
		پسه زانای، قابلی	نوآوری
<b>imbibe</b> <i>vt</i>	ایمبایب	لوشته ی-نووشان، مژین	آشامیدن، جذب کردن
<b>imitate</b> <i>v</i>	ایمیتیت	چه ما و چه م کهرده ی	تقلید کردن، کپی کردن
		به دو اکه وتن، چاوالی گهری	بدل - ادا
<b>imitation</b> <i>n</i>	ای می-تیشن	باتی لف- به جیبی	بدل، کپی، تقلید
		چه م و سه ی، قه لب	جعل
<b>immediate</b> <i>adj</i>	ایمیدیت	زو-گورج-تون دملکان	سریع، فوری، متصل
<b>immediately</b> <i>adv</i>	ایمیدیتلی	به تاو- به توندو تیر	فوراً، به سرعت، آنجا
		به ده وان، جابه جا	
<b>Immense</b> <i>adj</i>	ایمنس	زورگه وره فره زل بباو	بسیار بزرگ، عظیم، پهناور
<b>immensely</b> <i>adv</i>	ایمنسیلی	زورگه وره فره راوان	بسیار، خیلی
<b>Immunize</b> <i>v</i>	ایمیونایز	پاریز نای هیقم کهرده ی	مصلون ساختن، ایمن کردن
<b>immunization</b> <i>n</i>	ایمیونایزشن	هیقمی-پاریز-پاراستن	مصلونیت سازی
<b>Impatient</b> <i>adj</i>	ایم پیشنت	ده سه پاچه بیی سه ور	دستپاچه، ناآرام، بی صبر
		بی تاقه ت	

uɒ      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure      pen      bed      tea      did      cat      got      chin      June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عجول، کم‌حوصله، بی‌تابی	که م‌حه و سه له که م‌ تاقه تی	ایم پیشنس	impatience <i>n</i>
عجولانه - بی‌صبری	بی سه برانه بی سه وری	ایم پیشنتلی	Impatiently <i>adv</i>
الزامی - امری - واجب	عه مری - زه و وری - لازم	ایم پرتیو	Imperative <i>n, adj</i>
مُستأخ - بی‌ربط	رووداری بی شه رمی - هار	ایم پرتی ننت	impertinent <i>adj</i>
گستاخی - نامربوطی	بی عه ده وی بی ته ریه تی	ایم پرتی ننس	Impertinence <i>n</i>
بی تربیت، بی ادب	بی عه ده وی ته ریه ت	ایم پلیت	impolite <i>adj</i>
وارد کردن (از خارج)	هاوردن له نه و رده ی	ایم پرت (ایم پورت)	Import <sup>1</sup> <i>v</i>
واردات - اهمیت	هاوردنی - نه و رده مه نی	ایم پورت	Import <sup>2</sup> <i>n</i>
مهم، بانفوذه، مقتدر	نفوز دار به که لک	ایم پورتنت	important <i>adj</i>
اهمیت، اعتبار	نفوز داری ده س لوای	ایم پورتنس	Importance <i>n</i>
غیرممکن، امکان ناپذیر	محال - ناممکن	ایم پوسمیل	impossible <i>adj</i>
به طور غیرممکن	به محالی به نامومکنی	ایم پوسیبلی	impossibly <i>adv</i>
تأثیر داشتن، اثر کردن	کار کردن - نما نای مور کردن	ایم پرس	impr
اثر، فکر، نظر، نقش	نوانده - نما نای فکر نه زه ر	ایم پرتین	Impression <i>n</i>
مؤثر، گیرا	گیرا - نه و نه نما نا	ایم پرسایو	impressive <i>adj</i>
حبس / زندانی کردن	هورنای زیندانی که رده ی له به نه د	ایم پریزن	Imprison <i>v</i>
توقیف، حبس، زندان	کردن به نه دگیران وه رگیریا	ایم پریزن	Imprisonment <i>n</i>
	منت		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بهبتر کردن / شدن، آباد	ئەودان کەردە ی - خاس کردن ایم پروو		improve <i>v</i>
	ئارەدان کردن - چاک بون		
اصلاح، بهبودی، پیشرفت	ئارەدان - ئەودان	ایم پروو مینت	improvement <i>n</i>
	رووه و خاسی، بهرە و چاک ی		
انگیزه، میل، نیروی - حرکت	جەم و جوول - هیزی کارخەر	ایم بالس	impulse <i>n</i>
	قۆرەتی کاردەر - تەکان		
تابع احساسات - سوق دهنده	وەرۆبەر - تەکاندەر	ایم بالسیو	impulsive <i>adj</i>
	پیش بەر - تاودەر		
در (جایی) - در (داخل جایی)	لە - جە - دلێ - لە ناو	این	in <i>prep, adv</i>
در (خلال) / پایان - در (خانه)			
دسته	دەسە	این بندس	inbands <i>npl</i>
بی لیاقتی - ناتوانی	بیّ قابلی، بیّ عورزە	این لی لیتی	inability <i>n</i>
بیگار - غیرفعال	بیگار بیّ کار - ورمات	این آکتیو	inactive <i>adj</i>
نابسنده، ناکافی - نالایق	کەم بەش نە کەربەش نە کرد	این آد کویت	inadequate <i>adj</i>
ناتوان، بی عرضه	عاجز - بیّ دەسە لات	این کپ پیل	incapable <i>adj</i>
عاجز	جە دەس نامە بیّ قابل		
اینچ - هسته رفتن	۲/۵ سانت - ئەیرە و پیمای	اینچ	inch <i>n</i>
اتفاق، رویداد، حادثه	رووداو وەرنامە - پیشامەد	این سی دنت	incident <i>n</i>
گرایش داشتن - خم کردن	چەمنا ی - چەماندن	این کلاین	incline <i>v</i>
شیب	لار کەردە ی - سازنا ی	(کلین)	

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
در برداشتن - گنجاندن	تیا بوون - جه دلّی نه بیه ی	این کلود	include <sup>v-n</sup>
شامل - دارا	یا گه که رده ی، له ناوابون		
در آمد، عایدی - دخل	ده رنامه دینه فحه - چت گیرهاتن	این کام	income <sup>n</sup>
نا تمام، ناقص	نا ته واره - قهره ت - نا ته مام	این کم پلیت	incomplete <sup>adj</sup>
نامناسب، زحمت ده	نالہ بار - ناجوړ	این کین وی	inconvenient <sup>adj</sup>
		نینت	
گرفتاری - سارا حتی	گرفتاری - گیر و گرفت	این کین وی	inconvenience <sup>n</sup>
		نینس	
غلط، اشتباه نابجا	سه هوه - خه تا هه له - جوړ یا	این کرکت	incorrect <sup>adj</sup>
به طور اشتباه	به هه له بیه خه تا - نه زانی	این کرکتلی	incorrectly <sup>adv</sup>
افزایش دادن - زیاد کردن	فوه که رده ی - زوړ کردن	این کریز	increase <sup>1 v</sup>
	زیاد کردن		
افزایش - رشد	زیاد فوه زوړ	این کریز	increase <sup>2 n</sup>
واقعا، حقیقتا	به راستی - جه هه قی قه ت	این دید	indeed <sup>adv</sup>
نامعلوم، مبهم، نامحدود	نامه علوم - ون - ناد یاری	این دفی	indefinite <sup>adj</sup>
		نیت	
به طور نامعین	به جوړی نامه علوم	این دفی	indefinitely <sup>adv</sup>
	به ناد یاری	نیتلی	
مستقل، آزاد و خود فرمان	آزاد و هه ریه ره لا	این دی بن	independent <sup>adj</sup>
	وبی نیاز	دنت	

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	əu	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
independence <i>n</i>	این دی پەن	ئازادی - ماف گرتن	آزادی، استقلال
	پەنس	سەربەخۆیی	خودطرمانی
index <i>n</i>	این دێکس	ناوئاخن - فێرست - وەرچەم	ایندکس - فهرست، ضریب
indicate <i>v</i>	این دی کیت	نیشان دای - نیشان دان	نشان دادن، اشاره کردن
indication <i>n</i>	این دی	نیشانه - نیشاره - عهلامەت	نشانه، اشاره، علامت
	کیشن	قیزگە	
indicator <i>n</i>	این دی کیتز	رێنمون - چرای رێنمونی	راهنما، چراغ راهنما - نماینده
		پەلەد	شاخص
indignant <i>adj</i>	این دی	تووڕەنارەحەت - قەلژ	خشمگین، عصبانی
	گنیت		
indignantly <i>adv</i>	این دی	بەتووڕەیی بەنارەحەتی	خشمگینانه
	گنیتلی		
indirect <i>adj</i>	این دی رکت	لار - چەوت - ناراس	کج، غیرمستقیم، ناراست
indirectly <i>adv</i>	این دی رکتلی	بەناراسی - بچەوتی	بەطور غیرمستقیم
		بەلاری	
individual <sup>1</sup> <i>n</i>	این دی وی یوال	کەس - یۆیو - تایبەتی	فرد، کس، شخص
		تایوہ تی	
Individual <sup>2</sup> <i>adj</i>	این دی وی یوال	جیاوازی - یۆیو - تەنیاوتاک	جداگانه فردی، یگانە
	(جوال)		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور فردی، یکی‌یکی	به‌جیا وازی به‌ته‌نیا یی	این‌دی‌وی‌یوالی (جوالی)	<b>individually</b> <i>adv</i>
داخلی، خانگی	دلی‌نا و مالی - یا نه یی	این‌دُر	<b>indoor</b> <i>adj</i>
درخانه‌رو به‌داخل	ده‌روونی له‌مال - جه‌یا نه دلی‌یا نه	این‌دُرز	<b>indoors</b> <i>adv</i>
صنعت - مهارت	کار و پیشه - صنعت	این‌داس‌تری	<b>industry</b> <i>n</i>
صنعتی	وه‌ش‌که‌رد ملی‌هاتن سنته‌تی - پیشه‌سازی	(دِس‌تری) این‌داس‌تریل	<b>industrial</b> <i>adj</i>
کودک، طفل، نوپاوه	وه‌ش‌که‌ری زه‌و رو - تلف - تازه‌زا	این‌فنت	<b>infant</b> <i>n</i>
کال	منال - کال (کاله‌به‌ی)		
(بیماری) سرایت کردن	ناوه‌شی‌لا یا وای - نه‌خو‌شی	این‌فکت	<b>Infect</b> <i>v</i>
مبتلا - آلودن	گرتن		
بیماری عفونی - واگیر	نه‌خو‌شی‌واگیر - ناوه‌شی	این‌فکشن	<b>infection</b> <i>n</i>
الودگی	گیرا - پیسی		
مُسری، واگیردار، عفونی	گیرا - په‌تا - لا‌گه‌یی	این‌فکشیز	<b>Infectious</b> <i>adj</i>
نامحدود بی‌پایان	بی‌ئاخر - نا‌ته‌وا و - قاف	این‌فی‌نیت	<b>infinite</b> <i>adj</i>
بی‌نهایت، بی‌اندازه	بی‌ئه‌ندازه - حه‌رف‌ره	این‌فی‌نیتلی	<b>infinitely</b> <i>adv</i>
	بی‌نه‌هایه‌ت - زوری‌زور		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>Inflate</b> <i>v</i>	این فلیت	فوتی کردن - جا کردن	پریاد کردن، باد کردن
<b>Influence</b> <i>adj</i>	این فلوانس	فودلی کرده ی ئه سه ره ده - ئا - نفووزه	پل تأثیر، نفوذ، اثر
<b>influential</b> <i>adj</i>	این فلوان شیل	کار کرد بانفوز - ئه سه ره که ریکار که ر	مؤثر، بانفوذ، مؤثر
<b>Influence</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	این فلوانس	نفووز کردن - ئه سه ره که رده ی	اثر گذاشتن، نفوذ
<b>influenza</b> <i>n</i>	این فلوانز	ئانفلوانزا - جور یوه	آنفلوانزا
<b>inform</b> <i>v</i>	این فوم	ئه لامة ت درم (ویروسی)	خبر / اطلاع دادن، لودادن
<b>information</b> <i>n</i>	این فومی شن	خه به ر - خه وه رات ده - نگ و باس	اطلاعات، اطلاع، آگاهی
<b>informal</b> <i>adj</i>	این فومیل	پسه جار ان - عاده تی، خو مانی	عادی، غیر رسمی
<b>informally</b> <i>adv</i>	این فومیلی	به جور ی عاده تی	به طور غیر رسمی، خودمانی
<b>ingredient</b> <i>n</i>	این گری	به شی ی بر یوه - که ره سته ی	جزء ترکیبی - عنصر
<b>Inhabitant</b> <i>n</i>	دینت	کومه ل	ساکن، مقیم، جاهل
<b>inherit</b> <i>v</i>	این هبی زنت	دانیشتو و نیشته جا	لرث بردن، مالک شدن
<b>Inheritance</b> <i>n</i>	ان هریت	ساحیو بیه ی - ئیرس گرتن	میراث، ارث وراثت
<b>initial</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	این هری بنس	میراس - ئیرس - ئیرس	مالی دوامه رگ
<b>Initial</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>	ئی نی شیل	ئه وه ل پیت - بنه پیت	نخستین حرف
	ئی نی شیل	ئه وه لین - ئه وه لین - یه که م	اول، اولیه، نخستین

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به صورت اولیه، در ابتدا	به جوړی هه وهڵ، جه وهڵ پسه وئه وهڵی له ئه وهڵ	ئی نی ئیلی	Initially <sup>adv</sup>
تزریق کردن، سوزن زدن	پوره کهرده ی دلی کهرده ی ده رزی (چهن) دان دای	این چکت	inject <sup>v</sup>
تزریق، داروی تزریقی	ده رزیوه شانندن ده وای شه نه ی - چه نی دای	این جک شین	Injection <sup>n</sup>
صدمه زدن، آسیب دیدن	له تمه دای - خه ساردیه ی زه رهران	این چر	Injure <sup>v</sup>
آسیب، صدمه زخمی	له تمه زه ره - خه سارزام	این چری	injury <sup>n</sup>
بی ادبگری، بی عدالتی	زلم و زور بێ عه داله تی بی داد، بی وژدانی	این جاس تیس	Injustice <sup>n</sup>
جوهر، مرکب، مرکب چاپ	جه وه ره ره که و - نا نویسه	اینک	ink <sup>n</sup>
دور از دریا، خشکی درونی	وشکامی دور و جه ده لیا وشکی دور له مه رز	این لند	Inland <sup>1 adj</sup>
در خشکی - داخلی	جه وشکی له وشکی له نا نه ند	این لند	Inland <sup>2 adv</sup>
پسوند و به معنی خویشاوند	قه وم و خیش - خزمان دوای وشه	این ل	in - law <sup>n</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مهمانخانه، هتل، هتل	مییما نخانه - میوان خانه	این	Inn <i>n</i>
داخلی، وسطی، نهادهن	دلی پراسه - جه دلی بیاتنی	اینیر	inner <i>adj</i>
	له ناو - ناوه ند، ون		
بی گناه، بی تقصیر	بی گونا جی خه تا	این ن ب سنت	Innocent <i>adj</i>
بی زیان	بی ته خسیر - دل پاک		
بی گناهی، بی تقصیری	بی گوناعی - جی خه تایی	این ن ب سنس	innocence <i>n</i>
پرسیدن، جو یا شدن	پرسین - پهرسای - جو یا بیه ی	این کوایر	inquire <i>v</i>
بازجویی، پرس و جو، تحقیق	پرس و جو - پهرس و جو	این کوایری	inquiry <i>n</i>
دیوانه، بخل، احمقانه	شیت گنجج - نه قل	این بین	insane <i>adj</i>
حشر، حشره کش	مور - حه شه ره شه ش پی	این بیکت	insect <i>n</i> (insecticide)
گنجاندن، درج کردن، فرو کردن	تیای - دانیان - یا گه ر سه ی، لا	این زرت	insert <i>v</i>
داخل، میان، درون، بحرمانه	دلی - ناو - جه دلی	این ساید	inside <sup>1</sup> <i>n</i>
اصرار کردن / ورزیدن	ئه وه لالیای خفه له سه رار وین	این زیست	insist <i>v</i>
لج - پافشاری	پافشاری کردن		
بازدید، بررسی کردن	دلی نه گیلای - ناوا گه ر یان	این س پکت	inspect <i>v</i>
	ئه وه پهرسای - چاودیری		
بازرسی، تفتیش	دلی گیلای - ناوا گه ر یانه	این سپکشن	inspection <i>n</i>
بازبینی	ئه وه پهرسا - چاوخست		
بازرس - افسر پلیس	چاودیر بازرس	این سپکتیر	inspector <i>n</i>
مامور ارشد	ئه وه پرس		

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کار گذاشتن، نصب کردن	کار نیای - ئه ره مه رز نای	این اسٹل	Install <i>v</i>
نصب‌جستگاه، سوار کردن	دامه زان - ئه ره مه رز نای	این سٹلشن	Installation <i>n</i>
تاسیسات	کار نیا		
مورد، نمونه مرحله	نمونه چاو خست - وه چهم	این سٹینس	Instance <i>n</i>
فوری، آنی - لحظه	گورج - زوو - توند - تیژ	این یستنت	instant <i>adj</i>
فورا، بلافاصله، زود	توندو تیژ - جابه جابه په له	این سٹینتلی	instantly <i>adv</i>
به جای، در عوض	باتی به یا گئی به جیی	این سٹید	instead <i>adv</i>
	به جیای		
به جای، به عوض	به جیگه ی به باتی	این سٹید آف	instead of <i>prep</i>
غریزه، غطرتنا استعداد	غهریزی - زاتی - جه وه ری	این سٹین کت	instinct <i>n</i>
غریزی، طبیعی، غطری	غهریزی - زاتی - جه وه ری	این سٹین کیو	instinctive <i>adj</i>
انستیتو، انجمن، مؤسسه	جه م خانه - کو مه ل گاه	این سٹیت یوت	institute <i>n</i>
بنیاد - ایجاد کردن	کور - بنه و اسمه ره		
مؤسسه، بنگاه، ایجاد، عرف	ئاژانس - بئکه - بینه واه	این سٹیت یووشن	institution <i>n</i>
آموختن، یاد دادن - راهنمایی	فیر کردن - ئیشان دای	این سٹراکت	instruct <i>v</i>
	فیر که رده ی		
تذکره، دستور، آموزش	په نه واته ی - ده سوور	این سٹراکشن	instruction <i>n</i>
	ده ستوور - فیر که ری		
مربی، معلم، مدرس	ده رزه ر - ئاموژ که ر	این سٹراکتور	instructor <i>n</i>
	ده رس ویز		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ابزار، وسیله، آلت، سند	ئه سپاب بوه سیله، چت - چپو	این س تراپنت	instrument <i>n</i>
توهین کردن، فحش دادن	دژوین دان دژمان دای به	این سالت	insult <sup>1</sup> <i>v</i>
	ئه وه سولنای		
دشنام، فحش، توهین	دژمانی دژوین - خراوه	این سالت	insult <sup>2</sup> <i>n</i>
	سولنای		
بیمه، حق بیمه، بیمه گری	بیمه - موره ویاری - نگا دار	این شورنس	insurance <i>n</i>
	پار یزه ر		
زیرک، باهوش	به هوش - زیره ک - وریا - ژیر	این تلچنت	intelligent <i>adj</i>
عقل - فهم - هوش	ئه قل - قام - هوش	این تیل کت	intellect <i>n</i>
زیرکی، هوش - خبر	ژیری - زیره کی - وریایی	این تلچنس	intelligence <i>n</i>
قصد داشتن، تصمیم گرفتن	گه ره ک بوون - گه ره ک بیه ی	این رند	intend <i>v</i>
	بر یاردان		
قصد، نیت، منظور	نیه ت - خه یال - خیال	این تین شین	intention <i>n</i>
با هم جفت گیری کردن	جوت بون (په یده رزه که ی)	این تیرید	interbreed <i>v</i>
سود، بهره، ریج، طمع، علاقه	نه فحه - قانجاز - منفه عه ت	این تریمت	interest <sup>1</sup> <i>n</i>
علاقه مند ساختن، جلب کردن	شهریک کردن - چه شکه که رده ی	این تریمست	interest <sup>2</sup> <i>v</i>
مداخله کردن، فضاولی	ده خاله ت که رده ی - خوئی گه	این تر فیر	interfere <i>v</i>
کردن	یاندن - پاده رمیانی کردن		
مداخله، دخالت، انگیزگی	ده خاله ت که رده ی - تی گه	این تر فیرنس	interference <i>n</i>
فضولی	یاندنه وه - پاده رمیانی		

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بخش داخلی، داخلی	به‌شی‌ده‌روون دلی	این‌تریر	interior <i>n</i>
دروین مرز	ناوی‌ناو-کروک		
بخش داخلی، درونی	باتنی‌ده‌روونی‌سروشتی	این‌ترنل	internal <i>adj</i>
باطنی	جه‌دلی‌وه	کارآموز- <i>(intern)</i>	
وزارت کشور	وه‌زاره‌تی‌ناو‌خو - دلی		ministry of the interior <i>n</i>
بین‌المللی-جهانی	به‌ین‌ومله‌تان‌به‌ینی‌مله‌ته‌کان	این‌ترن‌شیل	international <i>adj</i>
	جیهانی		
قطع کردن، گسیختن، مزاحم	وه‌رگرتی‌به‌سه‌ی‌به‌ستن	این‌تراپت	interrupt <i>v</i>
وقفه، ایست‌فاصله، مکث	به‌ین‌مخندرای‌ویسان	این‌ترپول	interval <i>n</i>
مذاکره، مصاحبه	قسه‌که‌ری‌وتوو‌یژ-قسه‌ویاس	این‌تریویو	interview <sup>1</sup> <i>n</i>
مصاحبه کردن	قسه‌که‌رده‌ی‌وتوو‌یژکردن	این‌تریویو	interview <sup>2</sup> <i>v</i>
به، در، داخل، به‌داخل	به‌مله‌جه‌ناوی‌دلی، بو‌ناو	این‌تو	into <i>prep</i>
فعل لازم‌بناگنرا!	فه‌رمانی‌لازم‌فیعلی‌لازم	این‌ترانزیتیو	intransitive <i>n, adj</i>
معرفی کردن، شناساندن	ئه‌ژناسنای - ئیشان‌دان	این‌تریدیوس	introduce <i>v</i>
معرفی، دیباچه‌مقدمه	سه‌ره‌تاوهر‌نویس - ئه‌ژناسنا	این‌تریداکشن	introduction <i>n</i>
یورش بردن، حمله کردن	تالان‌کردن‌هه‌لمه‌ت‌دای	این‌وید	invade <i>v</i>
	مله‌ره‌دای، هیرش کردن		
تهاجم، هجوم، یورش، تجاوز	هجوم‌هه‌لمه‌ت - تالان	این‌وی‌ژن	invasion <i>n</i>
علیل، ناتوان، نزار، باطل	زایف‌کزیی‌تین‌هه‌لیل	این‌ولید	invalid <i>n (invalid-والید) adj</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	o:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کُردی Kurdish	فارسی Persian
invent <i>v</i>	این وِنت	وه‌ش‌که‌رده‌ی‌سازین	اختراع کردن، ساختن
invention <i>n</i>	این وِن‌شِن	دروست کردن سازینه-کرده‌وه	ساخت، اختراع، خلاقیت
inventor <i>n</i>	این وِن‌تِر	دروست‌که‌روه‌ش‌که‌ر سازینه‌ر	مخترع، سازنده
investigate <i>v</i>	این وِس‌تی گیت	لِی‌پرسین-چه‌نه‌په‌رسای	بازجویی کردن
investigation <i>v</i>	این وِس‌تی گیشن	لِی‌پرسینه‌وه-په‌رسایه‌وه	تحقیق کردن بازجویی، رسیدگی
invisible <i>adj</i>	این وی‌زی	چه‌نه‌په‌رسی نقم‌بگوم‌ون-نا‌پیدا	بررسی ناپیدا، نامرئی، ناآشکار
invite <i>v</i>	این وایت	نامه‌علوم ده‌عوه‌ده‌که‌رده‌ی‌ده‌عوه‌ت	دعوت کردن، خواستن
invitation <i>n</i>	این وی‌تِیشن	کردن ده‌عوه‌ده‌عوه‌ت-چِرَیه‌ی	دعوت، فراخوان
involve <i>v</i>	این والو	گرفتار کردن (که‌رده‌ی)	شامل / متضمن بودن
inwards <i>adv, adj</i>	این وِذر	په‌کُژره‌دای، گیر‌وده‌بون په‌نا‌وابه‌دلیره‌روه‌ودلی	پیچیده کردن، درگیر شدن به‌داخل، به‌درون-رونی
Iran <i>n</i>	ایران	ئیران-عه‌جه‌مسان	ایران، کشور ایران

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ایرانی، اهل ایران	ئیرانی - خەڵکی ئێران	ایرانی	Iranian <i>adj</i>
عراق، کشور عراق	ئێراق - دهلوه تو ئێراقی	ایراک	Iraq <i>n</i>
آهن - اطو	ئاسن - تئوو	آیرن	iron <sup>1</sup> <i>n</i>
اطو کردن	تئو که رده ی - تئو کردن	آیرن	Iron <sup>2</sup> <i>v</i>
نامرتب، نامنظم، ناصاف	نامره ته ب - شپهز - تو چیا	ایرگیولر	irregular <i>adj</i>
به طور نامرتب	شپهزی - نارێکی - نامره ته بی	ایرگیولری	irregularly <i>adv</i>
آبیاری کردن - شستشو کردن	ئاوده رده ی - ئاود ئیران	ایرگییت	irrigate <i>v</i>
آبیاری - آبرسانی	ئاو یاری - ئاود ئیری	ایرگییشن	irrigation <i>n</i>
عصبانی کردن، آزردهن	توو ره که رده ی - جهرئه ورده ی	ایری تیت	irritate <i>v</i>
جزیره	جهزیره - وشکی چواره و ئار	آیس لند - آیلند	island <i>n</i>
جزیره نشین	جهزیره نشین	آی لندیر	islander <i>n</i>
مجازا ساختن، جدا کردن	جیا وه که رده ی - جگئی کردن	آی سیرلیت	isolate <i>v</i>
اسرائیل	ئسراییل له قه بی یاقوب (ع)	ایزریل	israel <i>n</i>
دادن، صادر کردن	دان - دای - بهر دای - دهردان	ایسیو (ایسو)	issue <sup>1</sup> <i>v</i>
توزیع، صدور، انتشار، خروج	بلاو کردنه وه بهر شه که ری، ده ر	ایسیو	issue <sup>2</sup> <i>n</i>
بوزخ - تنگه خشکی - باریکه	وشکی له به یینی دوده لیا	ایست میس	Isthmus <i>n</i>
آن، آن راه، ضعیف خشی	ئانه - ئه وه (پانا ما)	ایت	it
خاریدن، خارش داشتن	ئالوش کردن - کلاشیای	ایچ	itch <sup>1</sup> <i>v</i>
	خارش که رده ی - خوران		
میلز یا خارش، خارشدار	ئالوش - خارش - کیرنای	ایچ	itch <sup>2</sup> <i>n</i> (itchy) <i>adj</i>
فقره - قلم - قلمه غیری، مورد	جور - که ره ت - قه له م	آی یم	item <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
قهرمان زن شیرزن	ژە نه ی پالە وانه - ژنی پالە وان	هروین	heroine <i>n</i>
مال او - زن (ضمیمه ملکی)	مالی ئە و - ئینی ئە و - ئینو	هیرز	hers <i>pron</i>
	ئادی (ئادی)		
خودش (ضمیمه انعکاسی) - زن	خۆی - ویش - راناوی - ملکی ژن هریلف		herself <i>pron</i>
تردید داشتن، دودل بودن	دووشک به یی - دوو دل بوون	هیزی تیت	hesitate <i>v</i>
دودلی، تردید، مکث	دوودل - دووشک به دگومان	هیزی تیشن	hesitation <i>n</i>
	خانه گومان		
پنهان / مخفی کردن	شارده ی - ئە و شاردن - پوژنای	هاید	hide <sup>1</sup> <i>v</i>
	داپوشین		
پوست حیوان	پیستی چه یوان - پوسو	هاید	hide <sup>2</sup> <i>n</i>
	چه یوانی - چه رم		
بلند، مرتفع - بزرگ	به رزها - یلیند - هه وراز	های	high <i>adj</i>
بلندی	ئاسو - که ل ملو و ته		
والا حضرت، بلندی، ارتفاع	شارژن - شای ژنان	های نیس	highness <i>n</i>
شاهراه، اتوبان	شارانگه و ره رابلا وهری، به رزی	های وی	highway <i>n</i>
(هواپیما) ربایی کردن، سرقت مسلحانه	که له به ل دزین - ته یاره و فاندن	های چک	hijack <i>v</i>
(هواپیما / ترن / ... ) ربا	ته یاره رفین - ته یاره دزد و گاراجی های چکر		hijacker <i>n</i>
سوارشویی، پرتبه	لیژ - به ره خوارکه	هیلی	hilly
تپه، پشته، توده	ته پو له خاک - ته په	هیل	hill <i>n</i>
به او، او را - مرد	به ئە و به ئادی (نیژ)	هیم	him <i>pron</i>
ضمیمه انعکاسی، خودش	خۆی - ویش (نیژ)	هیم بیلف	himself <i>pron</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
عقب‌پسین، پشت	دماين دواين، پشت	هاند	hind
جلوگیری کردن، مانع شدن	به‌رگری کردن و ه‌رگری	هیندر	hinder <sup>v</sup>
هندو (پیرو مکتب هندو)	هندو و هندستانی - گاپرس	هیندو	hindu <sup>n</sup>
لولا، بند، مفصل	ئه‌نجامه‌له ولای‌ده‌ر	هینج	hinge <sup>n</sup>
اشاره کردن، تذکر دادن	نیشاره‌ت کردن - نیشاره‌ک‌رده‌ی	هینت	hint <sup>1 v</sup>
کنایه، اشاره، تذکر	لاره‌واته - نیشاره‌ت - نیشاره،	هینت	hint <sup>2 n</sup>
مفصل‌ران - کفل، باسن	لا‌قند - سستی - که‌ف‌ل	هیپ	hip <sup>n</sup>
اسبابی	ئه‌سپی ناوی	هی‌پ‌پوتامس	hippopotamus <sup>n</sup>
		(هیپوتامس)	
کرایه، اجرت، اجاره، کرایه کردن	کری - کرها - نیجاره، مز	هایر	hire <sup>v</sup>
مال او... ش (مرد)	ئینی نو - ئینی نو ئادی (پیاو)	هیز	his <sup>adj, pron</sup>
هیس کردن، هو کردن	جوړه‌ی ده‌نگ‌ک‌رده‌ی	هیس	hiss <sup>v</sup>
	هیس کردن - هوس‌ک‌رده‌ی		
هیس، هو	هیس - هوس - ففس - ففس	هیس	hiss <sup>n</sup>
تاریخ، سرگذشت	تاریخ - میژوو	هیستوری	history <sup>n</sup>
تاریخی - مشهور، مهم	تاریخی - میژووویی - مه‌ی شور	هیستوریک	historic <sup>adj</sup>
تاریخی	تاریخی - میژووویی	هیستوریکال	historical <sup>adj</sup>
زدن، ضربه زدن، صدمه زدن	داره‌نه‌ی بلیدان - هورته‌ق‌ک‌رده‌ی هیت		hit <sup>1 v</sup>
شناس - ترازه / فیلم عامه	شناس - گورانی - فیلمی	هیت	hit <sup>2 n</sup>
پسند	پرت‌ره‌فدار		

ʌ      ɜ:      ə      eɪ      ɔu      aɪ      au      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
its <i>pron</i>	ایتس	سغه تی ملکی - ئی نی ئه و	صفت ملکی / تعالیان
itself <i>pron</i>	ایت سیلف	خوێ - خویش (زه میربو خو)	خودش (ضمیر انعکاسی) به خودش
ivory <i>n</i>	آی وری	ده دانی فیل - ددانو فیل - عاج	عاج، ددان فیل
ivy <i>n</i>	آی وی	له ولای ئاوی یا وه حشی	شیپری رنگ
l-woo <i>vt</i>	آی وو	ووگیان واته ی - خوازیبیتی	پپچک - عشقه
		کردن، هیجوی	خواستگاری کردن - اظهار
l-word <i>n</i>		واته وشه، که لام - قسه	عشق کردن
l-woe <i>n</i>	وئو	غم - موهی رو - مهینه ت، وئو	لغت - کلام - پیغام - گفتار
l-vow <i>n, vt</i>		واو خودا واته ی - نه زروه خوادان واو	محنت - غم - گرفتاری
			نذر - نذر کردن

توجه: در کلمات Vow - Woe - Word - Woo حرف (I) به امانت گرفته شده و معنی ندارد.

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too





IBIS



IRON



IBEX



finger

fingerprint



triangle



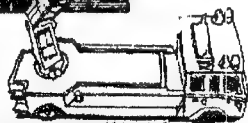
tray



fireman

fire 1

fire-engine



tree



trolley



trigger



بلاش اشکائی

۹-۵۲



بهرام کور یا پنجم

۴۲۰-م

# J j

فارسی	گرږدی	تلفظ	انګلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دهمین حرف الفبای انگلیسی	ده یه مین پیتی نه لښا	جی	J <i>n</i>
خوب	ده ی بوچی - جا (وشه ی هورامانی) جا		jaa <i>prep</i>
فرو کردن / بودن، سیخ زدن	پوره چه قنای - پیا کردن	جَب	jab <i>v</i>
شغال	چه قهَل - تخمور و اسی	جَکَل	jackal <i>n</i>
نیم تنه، ژاکت - روکش	جا که ت - کراس - گجی	جَکیت	jacket <i>n</i>
دارای بریدگی ناهموار	د دانه دار ببر گذار	جَجید (گید)	jagged <i>adj</i>
دندان دار	گرنج گرنج		
جگوار	جَوَرِیک یوز پله نگ یا پلنگ	جَگوار	jaguar <i>n</i>
حبس، زندان	زیندان به ند یخانه - گه ور	جیل (چیل)	jail <i>or</i> gaol <i>n</i>
چپاندن، جا دادن - سفت	ته پنا ی - گواله گر تن به ره که	جَم	jam <sup>1</sup> <i>v</i>
شدن - ضرب خوردن	دلّی که رده ی - جیدان، ته که		
تواکم، به هم چسبیدگی	شوارای به به یک لکان، حه چه ل	جَم	jam <sup>2</sup> <i>n</i>
مربا	مربه با کولای میوه	جَم	jam <sup>3</sup> <i>n</i>

وشه که ر

جوانرو

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ژانویه (ماه اول میلادی)	ژانویه (ئه وه ل مانگی)	جینیوری	january <i>n</i>
	فهره نگی)		
ظرفسپارچ، خمره بلند صدا	پارچ ده فیه ده پان کوز مزرکه	چار	jar <i>n</i>
آرولره، فک	که لوه - چه نا که زه نه خ	ج	jaw <i>n</i>
جاز (موسیقی با ریتم تند)	موسیقای جاز - جو ره	جاز (جَز)	jazz <i>n</i>
	موسیقیه ک		
حسودغیور، مواظب	حه سو ودر ژد یوریا	چیس	jealous <i>adj</i>
	پیدار		
حسودانه	جه حه سو وده لیه ده ل ره شی	چیسلی	jealously <i>adv</i>
حسادت، رشک	حه سو وده - رژدی	چیسلی	jealousy <i>n</i>
شلوارچین یا لی	شهروالی، جین - پارچه ی که تان	چینس (جینز)	jean <i>n</i>
	جنسی که تانی		
جیب	ماشینی جیب - جو ریوه ماشین	جیب	jeep <i>n</i>
مسخره کردن، طعنه زدن	ته شهردان - تانه دای	چیر (جیر)	jeer <i>v</i>
هو	به که سه ی خوای		
ماده لزج، جسم، لاتینی	چیوی لیق - ژلوق	چلی	jelly <i>n</i>
ژله	چتی نه رم نیا		
درد دل - شرح غم دار	ده ردی دل	چری مای آد	jeremiad <i>n</i>
توتیا (خار پشت دریانی)	توتیا وده لیای که رته شی ناوی	چلی فیش	jellyfish <i>n</i>
تکان تند / شدید داهن	تون ته کان دان - ئه وه شه کنای	جُرک	jerk <sup>1</sup> <i>v</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تکان شدید/ تند، ضربه	شوکه - ته کان له تئای	جُرک	jerk <sup>2</sup> <sub>n</sub>
ناکس	راوه شان کورکیان، لاره ئامه‌ی		
پلور و جزیر پیراهن کشی	ژیر کراس - چیر گجی	چیزی	jersey <sub>n</sub>
	ژاکه‌ت		
فلوره، شیر - (هواپیما) جت	فوارمانا پزگه تیاره، جت، شوێ	چت	jet <sub>n</sub>
سد، بند - اسکله، بارانداز	بار و زیار خستی ی که شتی	چتی	jetty <sub>n</sub>
ته ویلی <sup>۲</sup> غرب پاوه	بارگه و که شتی سه دی ئاو		
گوه‌ر، جواهر، یهودی	جه و اهیر - ئالتون، گه وه‌ر	جوول	jewel <sub>n</sub> (جو)
صدای یکنواخت و تکراری	جرینگه جرینگه هژواوه	جین گل	jingle <sub>v</sub>
وظیفه، کار - شغل، حرفه	پیشه کار شوغل، مقام	جاب	job <sub>n</sub>
پیوستن، متصل شدن - ملحق	به یه ک لکاندن به یوه لکنای	جوین	join <sup>1</sup> <sub>v</sub>
شدن، ملاقات کردن - عضو شدن	په نه یا وای - پین گه یین		
نجاری	نه جار ی - چو تاشی	جوییری	joinery <sub>n</sub>
محل اتصال - وصل	جیی لکان - یا گه لکا	جوین	join <sup>2</sup> <sub>n</sub>
مفصل، بند، تکه گوشت، آولا	جهمگه له ولاوه سل، تریشکه	جوینت	joint <sup>1</sup> <sub>n</sub>
مشترک، مشاع، شرکی	به یوه - پیکه وه	جوینت	joint <sup>2</sup> <sub>adj</sub>
مزران	لکا - پیوه ره		
مشترک: تواما	شه‌ریکی هه و مالی	جوینتلی	jointly <sub>adv</sub>
تساهینی کامیاران	دوو قوولی		
جوک، لطیفه، شوخی	شوخی - قسه‌ی خوش	جوک (جُک)	joke <sup>1</sup> <sub>n</sub>

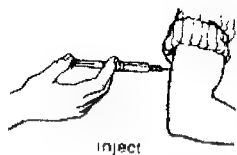
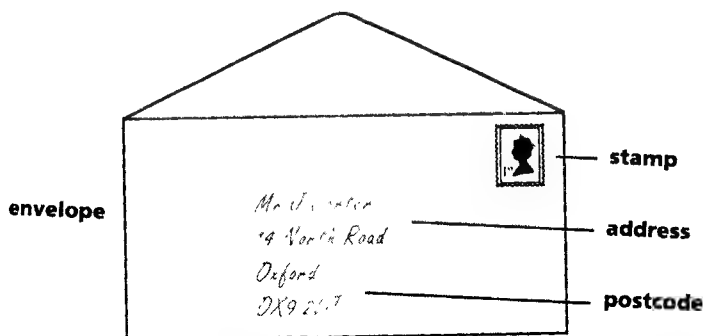
فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لطیفه گفتن، شوخی کردن	شوخی کردن - قسه وه ش	جک	joke <sup>2</sup> <i>v</i>
	که رده ی		
شنگول، سر حال، شاد	سهروه ش سه ره خوش شوخ - کو کجالی		jolly <sup>1</sup> <i>adj</i>
بسیار شاد، دلشادی	خووشی - وه شی	جالی نس	jolliness <sup>2</sup> <i>adv</i>
تکان ضربه رو هی	ته کانه له قاندنه وه، راوه شان	جولت	jolt <sup>1</sup> <i>n</i>
تکان دادن	ته کان دای - جمنای - جواندن	جولت	jolt <sup>2</sup> <i>v</i>
	له قاندن، راوه شان		
مجله - روزنامه	مه جه له - روژنامه	جورنال	Journal <sup>n</sup>
دفتر روزانه	ده فتری روژانه	(چرنال)	
روزنامه نگاری، خبری خشی	روژنامه نووسی - روژنامه گه ری	جورنالیزم	journalism <sup>n</sup>
روزنامه نگار	روژنامه نویس - روژنامه نویس	جورنالیست	journalist <sup>n</sup>
مسافرت، سیاحت	سه فه ره مسافرت	چرنی	journey <sup>n</sup>
شادمانی، سرور - لذت، حَقْ	شادی - خووشی - دل فه ری حی	جوی	joy <sup>n</sup>
شادمان، مسرور	شادمان مه سرور - پر نیشات	جوی فول	joyful <sup>adj</sup>
شادمانه	به شادمانی به سه ره خووشی یه وه	جوی فولی	joyfully <sup>adv</sup>
غمگین، نا شاد	خه مین و غه مبار	جوی لیس	joyless <sup>adj</sup>
قاضی - داور - دافرس	داوهر - قازی	جاج	judge <sup>1</sup> <i>n</i>
نظر دادن - داوری کردن	داوهری کردن - نه زه ردای	جاج	judge <sup>2</sup> <i>v</i>
	حوکم که رده ی		
قضاوت، داوری، نظر، حدس	داوهر - نه زه ره - حوکم	جاج منت	judgement <sup>n</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جودو	جوڤدو - جوڤره فه نیک	جودو	judo <i>n</i>
کوزه (سته دار) تنگ	بو پالەوانی		
گۆزه (سته دار) تنگ	گۆزه - گۆشی - ئافتاوی	جاگ	jug <i>n</i>
ژردستی / شعبده بازی کردن	چه م به سی که رده ی	جاگل	juggle <i>v</i>
	چاوپه سی کردن		
شعبده باز، تروست	ره مال - چه م به س	جوگلیر	juggler <i>n</i>
خفه باز	جادو و گهر - چاوپه س		
اب (میوه / سبزی / گوشت)	ئاو میوه - ئاوی میوه، شیر	جوس	juice <i>n</i>
پراب، آبدار، پیرسود	ئاو دار - پیر ئاو - پیر ئاو	جوسی	juicy <i>adj</i>
ژونیه (ماه هفتم میلادی)	ژوولای - حه فته مین	جولای	july <i>n</i>
	مانگه ی میلادی		
به هم زدن، در هم آمیختن	تیک دای - تیکه ل بیه ی	جامبل	jumble <i>v</i>
	ئاو یته کردن		
پرنیدن - از جا جستن	جمای - پرای باز به رده ی	جامپ	jump <sup>1</sup> <i>v</i>
	قونین - پهرین هور پرای		
جست، پرش - تکان، هول	پراب بازی - قونی - جفتی	جامپ	jump <sup>2</sup> <i>n</i>
	ته کانه - ته که - پهرین		
نیم تنه، بلوز، پلور	بلوز - باز به ر	جامپر	jumper <i>n</i>
	چوره ی گجی - جاکه تی ژنانه		
چهارراه، دوراهی، پیوند	چوارپی - دوه راهه سل	جانک شین	junction <i>n</i>

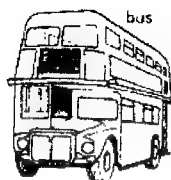
h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how   man   no   sing   leg   red   yes   wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ژوئن (ماه ششم میلادی)	مانگی شه شه می میلادی - ج وون	جون	June <i>n</i>
جنگل	دارستان - دارسان - جه نگه ل	جان گل	jungle <i>n</i>
خوردسال - دون پایه	وردی بیچووک - گولاله تهر	چونیر	junior <i>adj</i>
اشغال، فرودریز (اسقاط)	شه خه ل - زویل، چته کو نه	جانک	junk <i>n</i>
هیئت منصفه دادگاه	گه لی داوهر و عادل - نه نجمه نی باش چوری		jury <i>n(pl,ries)</i>
به له بزآن غرب باوه	ویژان - کووری قانونزان		
دروست، عینا - الساعة، همین	عادل - ئیسه - ئیستا که	جاست	just <sup>1</sup> <i>adv</i>
الان - چند لحظه پیش، یک	ریک - فه قه ت، که می		
لحظه پیش - فقط، عادلانه	به سی		
بجا، دروست - عادل	به جی به یا گئی به سی	جاست	just <sup>2</sup> <i>adj</i>
وزارت دادگستری	دادگهر		
قاضی - عدالت، انصاف - داد	عه داله ت - عینساف - داوهر	جاستیس	justice <i>n(ministry of justice)</i>
به حق، به درستی	به راستی - هه قانه ت	جاستلی	justly <i>adv</i>
مجاز - تصدیق، توجیه	مجه وز - نامه ی ره سمی	جاستی فی کی شن	justification <i>n</i>
جوان - جوان نما، بچه	جوان - لاو - جوان ئاسا	چوون آیل	juvenile <i>adj</i>
جوانی - جوانان	جوانی و لاوی	چوونی لیتی	juvenility <i>adv</i>
پهلوی هم گذاشتن	لای یه ک نیان - پالوی یو ینبای	جاکست پوز	juxtapose <i>v</i>
یهه نز دیک سازی - الحاق	به یه ک نز یک کردن	جاست کس ت	juxtaposition <i>n</i>
شاپور خواز (خرم آباد)	پوزی شن		
صدای باز شدن در	جیره ئامه ی (هاتن)	چیره	jyrra <i>n</i>

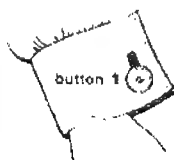
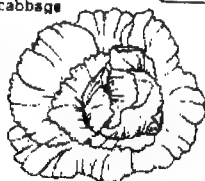
i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



bulb 2



cabbage





# K k

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
K <i>n</i>	کی	پیتی یازده یه م له ته لڤیا	نام یازدهمین حرف الفبای انگلیسی
kaaw-kaawat <i>n</i>	کاوکاوات	ئه شکه وتی پاوه، مه ره و	نام غار معروف در اورامانات
kaiser	کایزر	کاواتی	وگلوگاه در کوهستان
kale <i>n</i>	کیل	قه یسه ری رۆم	قیصر
		جو ره ی که له می تو بی	جنس کلم - کلم پیچ
		تو په که له م	گاواره نه شاپد
kalahari Desert <i>n</i>	کالاهاری	بیایانی ئا فریقای خواروو	صحرائی کالاهاری (در)
	دیزرت	بیایانو ئا فریقای وارینی	افریقای جنوبی)
kangaroo <i>n</i>	کنگرو	کانگرو (جانه وه ری	کانگارو (نمی دانه مانوری)
		گیاخو ری ئوسترالیا)	
keen <i>adj</i>	کیین	ئاواته واز - تاسه	مشتاق، آرزومند
		ئاره زرو مه ند - تیز	زی غرب پاوه
keenly <i>adv</i>	کیین لی	به تاسه وه بیه ئاواته خوازی	مشتاقانه - زیرکانه
		ده قیقی - تیزی	زاله ایناخنی غرب باوه

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
keenness <i>n</i>	کیننس	وریایی-مدریکی-تیش	تیزی - زیرکی
keepsake <i>n</i>	کیپسک	یادگاری - دیاری	یادگار - یادگاری
keep <sup>i</sup> <i>v</i>	کیپ	گرته‌ی - به‌خیو کردن	گرفتن، داشتن، نگهداشتن -
		نگاه‌رده‌ی - پراگرتن - مدریژه پیدان	محافظت کردن، نگهداری
		به‌رگرتن - چه‌م‌داری - که‌رده‌ی	کردن - ادلوه کردن، عهده‌دار
			شدن، بی‌حرکت ماندن
keeper <i>n</i>	کیپ‌پر	نگادار - پاری‌زهر	نگهبان، پاسدار
		چه‌م‌داری - پاسه‌وان	
keep <sup>2</sup> <i>n</i>	کیپ	پئ‌خور - وارده‌مه‌نی	خرچی، معاش، خوراک
		خه‌رج	
kennel <i>n</i>	کیل	لیانه‌و تووته‌ی یام‌رواسی	لانه‌سگ، سگدان
		کولانه‌سه‌گ	
keeping <i>n</i>	کی‌پینگ	هوشیاری - چاودیری	نگهداری - حفاظت، هراست
kerb <i>n (curb)</i>	کیرب	قه‌را خو‌خیابانی - جه‌دوله‌ی	حاشیه‌پیاده‌رو / خیابان
		خیابان‌لیو - که‌ناره	مه‌ار - جدول
kerosene <i>n</i>	کیرزین	نه‌فته‌ی چه‌رمی - نه‌وتی	پارافین - نفت سفید
		چه‌رمگ	(چراغ)
kettle <i>n</i>	کیل	کتريه - کتری‌ئاسنین	کتري - قوری فلزی
key <i>n</i>	کی	کريل - کلیل - کلیلی	کلید، سوئیچ - کلید، دکمه (هر)
		ئامرازی موسیقا - مقام	آلات موسیقی، ... - حل مسئله

f fall v voice θ thin ð they s so z zoo ʃ she ʒ vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سوراخ کلید	جۆ کلیل - یاگه کرێل	کی هُل	keyhole <i>n</i>
خاکی، رنگ خاک - ماشی رنگ	بومه زه نگ - خاکی ماشی	خاکی - کا	khaki <i>adj, n</i>
لگد انداختن، لگد زدن	له ق شه نه ی شه ق وه شاندن	کیک	kick <sup>1</sup> <i>v</i>
لگد - احساس هیجان	له ق وشه ق، جوته کهر	کیک	kick <sup>2</sup> <i>n</i>
لگدن سلگدننده	له ق وه شان شه ق شان	کیکر	kicker <i>n</i>
بزغاله، بچه (از آن بشر)	بزله کار منال - کار مامز	کید	kid <i>n</i>
بچه دزدی / آدم ربایی کردن	زه ورو - شوخی منال دزین زاور و دزی	کیدنپ	kidnap <i>v</i>
آدم ربا، بچه دزد	به شه ر به رده ی به شه رد ز زه ورو دز	کیدنپ پر	kidnapper <i>n</i>
کلیه، قلوه	گو جیلی - گولی - گو جیله	کیدنی	kidney <i>n</i>
آتش خانه، کوره	ولک، کیله - ئارگا (گرا له)	کیلن	kiln = kil <i>n</i>
کشتن، به قتل رساندن	کوشتن - کوشته ی	کیل	kill <i>v</i>
قاتل، جانی، دزنده	قاتل گیان گیر - پیا کوژ (جاش)	کیلر	killer <i>n</i>
کیلوگرم (واحد اندازه گیری)	ئه یه و پیمای - نیشانی	کیلوگرم	kilogram <i>or</i>
وزن) هزار گرم	پیان (۱۰۰۰ گرم)		kilogramme <i>n</i>
مخفف kilogram	به جۆ ی کیلوگرم	کیلو	kilo <i>n</i>
کیلومتر (کیلومتر، ۱۰۰۰ متر)	کیلومتر (۱۰۰۰ متر)	کیلومتر	kilometre <i>n</i>
مخفف kilometre	هه زار متر کورتی کیلومتر	کیلومتر	km <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلیسا	که نیسا-مژگی مه سیحیان	کک	kirk <i>n</i>
قوم و خویش، فامیل	خزمان-قه و م و کهس-خیشان	کین	kin <i>n</i>
	قه و می		
نوع، دسته، گروه، مهربان	نوع-دهسته-گرو-پهل، جوړ	کابند	kind <sup>1</sup> <i>n</i>
خوب، مهربان	خاس-عال-میهره بان-چاک	کابند	kind <sup>2</sup> <i>adj</i>
خوش قلب، مهربان	دلّ فره ریخ-دل وهش	کابندهارتد	kind - hearted <i>adj</i>
	دلّ پاک-برو و نا کدلّ، ره عوف		
مهربانی، لطف	میهره بانی-مو حییه ت	کابندیس	kindness <i>n</i>
	وهش خه نده رانی-خوش که لامی		
روشن شدن / کردن	روشن که رده ی-ئه ره گیسنای	کیندل	kindle <i>v</i>
سوزاندن	داگیر سان، سوچنای		
پادشاه، شاه، شهریار	شا-پادشاه-سه روک	کینگ	king <i>n</i>
سلطنت، پادشاهی	سه لته نه ت-پادشایی	کینگدم	kingdom <i>n</i>
بوسیدن، بوسه زدن	ماچ کردن-ماچ که رده ی	کیس	kiss <i>v</i>
بوسه، بوس، آب نبات	ماچ-دهم له بانی ده م (سیوی لبنانه)	کیس	kiss <i>n</i>
کوله پشتی، بار وینه - کیت	توره که و کوئی-توره که ی	کیت	kit <sup>1</sup> <i>v</i>
ابزار کار	کولّ-چن گله-لاتای، نامراز		
پست فطرت - فرومایه	به شیری ناپیار-جاش باو	کینیش	knavish <i>adj</i>
مطبخ، آشپزخانه	مه دبه خ-یا که چاشت	کچین	kitchen <sup>2</sup> <i>n</i>
	ناشیه ز خانه-چیشت خانه		
بادبادک، کایت، بزغن	وا به ره مایر دک بایر د، قازی	کایت	kite <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بچه گریه، پیشی	پشیلێ - پشیلە - پشلە یه، کتێ	کیتن	kitten = kitty <i>n</i>
آمیختن، خمیر کردن	هه وێر کردن - ئامیخته که ده ی	نید	knead <i>v</i>
ماساژ دادن	هه میر که ده ی، مألین		
زانو	ئه ژنۆزه نگۆل	نی	knee <i>n</i>
زانو زدن	چوار جامه پیکای - ئه ژنۆدان	نیل	kneel <i>v</i>
فهمیدن - شناختن	زانین - ئه ژناسای	نُ	knew <i>see</i> know
زیرپوش زنانه / دخترانه	چیرگجی ژه نانه - ژیر کراسی	نیکهز	knickers <i>n</i>
شلوار کلف	ژ نانه		
ادم بی شوف، نابکار	جاش و خوڤروش - قاحبه باب	نیو	knave <i>n</i>
کار دچاقو، چاقو زدن	چه قو - چاقو - کار دی	نایف	knife <i>n</i>
شوالیه، عیار	پیای عازا - کوری کورانه	نایت	knight <i>n</i>
	پیای ساحب جه رگ و که مال		
	ودژه جاش		
بافندگی / کشفایی کردن	جا که ت چنیه ی - جو لایی - چنبین	نیت	knit <i>v</i>
کشفایی، بافندگی، اخم	بافای - چنیه ی - جو لئی، بادان	نیت تینگ	knitting <i>n</i>
دکمه، دسته، دستگیره	دگمه - ده سته ی ده ر - پیچ	ناب	knob <i>n</i>
	جه ر - کو مَر		
زدن، کوبیدن، کوفتن	کوا ی - کو تان - داوه نه ی	ناک	knock <sup>1</sup> <i>v</i>
	لیدان له درگا		

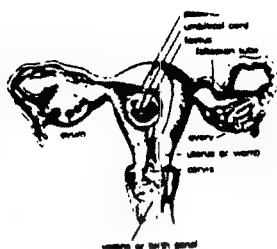
ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای کوبیدن... در زدن	ته قه ته ق - جیره جیری ده ر	ناک	knock <sup>2</sup> <sub>1</sub>
ضربه زدن	ته قه و به ر ی، عه یب گری،		
گره، خوشه	لکه لک - پهل، هو شه	نات	knot <sup>1</sup> <sub>n</sub>
گره زدن - بستن	لک دای لک دان به ستن	نات	knot <sup>2</sup> <sub>v</sub>
شناختن، تشخیص دادن	ناسین - نه ژ ناسای	نو	know <sub>v</sub>
دانش، علم، معرفت	زانست - علم ماریفت	ناليج	knowledge <sub>n</sub>
آگاه، داناوار، مطلع	دانا زانا جور یا - ناگا	ناليج ليل	knowledgeable <sub>adj</sub>
بند انگشت	جمگه به ندی ده ست وپی	ناکل	knuckle <sub>n</sub>
قرآن	قورعان - قورحان	کورآن	koran <sub>n</sub>
کُره ای - خه لکی کُره	کُره ای	کورین	korean <sub>adj</sub>
سیاه چادر گردان جاف	ره ش مالانی جاف - دَوار	کورده مال	kordamal <sub>n</sub>
مکان کُردزبانان	کورده واری (باغی گولان)	کورده واری	kordawari <sub>adv</sub>
اعتبار، احترام، ستایش	قورب - حرمت - ریز	کیوداس	kudos <sub>n</sub>
در قسانون یهود (هلال) -	یاسای جوو - قانون موسایی	کوشیر	kosher <sub>adj</sub>
دُرست			
شُر مه - کهل	سورمه ی سوبحان - کله	کول	kohl <sub>n</sub>
که یمنه غرب باوه	کلی چاو ره شتن		
(محل تجمع مغان)	(جه مخانه ی موغان)	کومَره	kowmara <sub>n</sub>
نام دهی در غرب پاوه	شوینی که له خواری پاوه وه		
نام محله ایی در پاوه که	ناوی دوشوین له پاوه که له	کلیان	kallan <sub>n</sub>
به معنی کُره و آتش خانه است	میژ وه ئارگا و کُوره خانه یوه		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



KETTLE



VAGINA OR BIRTH CANAL



VOLCANO



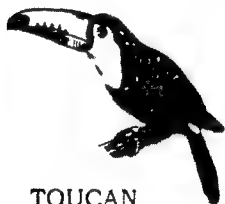
VIOLIN



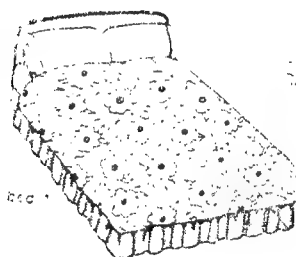
YOKE



OSTRICH



TOUCAN



bed



bed-bug

# L l

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوازدهمین حرف الفبای انگلیسی	پیتی دوازده یه می نه لقب	ل	<b>L</b> <i>n</i>
دست بردار - ول کردن	لاوه - لاوه ره	لاوه	<b>laawa</b> <i>vt</i>
دراز و لاغر و کم مایه	قرال در پژی یی تین	لاچر	<b>laager</b> <i>adj</i>
چادر زدن - چادر	ده واریان چادر هه ل دان	لاچر	<b>laager</b> <i>vt,n</i>
	رهش مال		
برچسب یا تیکت	به رچه سب - تیکه چه سب	لیبل	<b>label</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
آزمایشگاه، لابراتوار	تاقی کردنه وه - لابراتوار	لَب پتری	<b>laboratory</b> <i>n</i>
مخفف laboratory	کورت کراوی laboratory	لَب	<b>lab</b>
کار، تلاش - کارگر	کار - کاریگر - کَر کار	لی پیر	<b>labour</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
زحمت کشیدن، برنج زایمان	زه حمه ت کیشان (کیشای)	لی پیر	<b>labour</b> <sup>2</sup> <i>v-n</i>
عمه، کارگر بشاگرد بنا	عه مه له هه روه نه - کارگر	لی پیر	<b>labourer</b> <i>r</i>
	فه عله		
بند کفش - قیطان، نوار	به ن پال - قه یتان	لیس	<b>lace</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	شریت - تووَر		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فژیدن - پاره کردن	درین دَر نای، کوَت کو تکردن	لاس یریت	lacerate <sup>v</sup>
با بند محکم / سفت بستن	به به ن به ستن - تند بینای	لیس	lace <sup>2 v</sup>
فاقد بودن، کم داشتن	نه ویه ی - نه بون که م بون	لک	lack <sup>1 v</sup>
فقدان، کمیود	نه ویه که م بوود - قاتی	لک	lack <sup>2 n</sup>
جوانک، پسر بچه	لاو - تازه جوان - کوره جوانه	لُد	lad <sup>n</sup>
نرده بان	سرد - په یچه	لیر	ladder <sup>n</sup>
پُریار بارگیری شده	په ربار داری پر میوه، بارگیری	لیدن	laden <sup>adj</sup>
ملاقه، چمچه	مه لاقه - چه مچه - که و جیز	لیدل	ladle <sup>n</sup>
خانم - همسر لُرد	خانم - ژنی ناودار	لیدی	lady <sup>n</sup>
واشرافی	ئوساژهن دۆس		
اهسته تر حرکت کردن	سه ریو ش نیای - ئارام لوای	لگی	lag <sup>v</sup>
عقب افتادن	(روین) - لاروله نجه کردن		
تخم کردن - بر زمین نهادن	دانیان - هیله که رده ی	لی (لید)	laid <sup>see</sup> lay <sup>v</sup>
دراز کشیدن - دروغ گفتن	لائه ره ئاسه ی - راکیشان	لای	lain <sup>see</sup> lie <sup>v</sup>
	درودای		
دریاچه	ده لیاچه زه و روده لیای	لیک	lake <sup>n</sup>
بَره گوشت بَره	به رخ - و ره	لم	lamb <sup>n</sup>
چلای، لنگشیل، ناموجه	شه ل - کوچ له نگ، گَیر	لیم	lame <sup>adj</sup>
لنگان لنگان	عه تری - شه له شه ل	لیملی	lamely <sup>adv</sup>
لامپ، چراغ	گَلۆپ - لامپ - چراوی - چیرا	لَمپ	lamp <sup>n</sup>
ستون / تیر چراغ برق	دار ته ل - دار به رقی - دار برق	لَمپ پست	lamp - post <sup>n</sup>

f	v	θ	ð	s	z	ʃ	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خُباب چراغ - اَبازور	پیرانه چراو - پیرانه چرا	لَمپ شید	lampshade <sup>n</sup>
نور تاب	چرای خه و - چرای نوردەر		
خُشکی، زمین گُشور، فرود	وَشکی، وِشکامی، زه وی، مَلک	لَند	land <sup>1</sup> <sup>n</sup>
مالک (زن) - مودیرزن	ژنی، مودیر، ژنی، ساحیب، مَلک	لَندیدی	landlady <sup>n</sup>
صاحب ملک (مرد)	پیاوی، مالک، ساحیب، یانه	لَندلرد	landlord <sup>n</sup>
موچر - ارباب	مالدار		
منظر، چشم انداز، دور نما	دیمه ن، پرو و مه ت، پروانگاه	لَنداسکیب	landscape <sup>n</sup>
به زمین نشستن	ئه وه نشته ی، سه ری، زه وی، نیشتن	لَند	land <sup>2</sup> <sup>v</sup>
فرود آمدن	ئه وه دای		
فرود، ورود به خشکی	خوار هاتن، سه روزه مینی، ئه وه دای، لَندینگ		landing <sup>n</sup>
کوچه، جاده باریک، راه	کۆلّان، کو و جیه، باریکه را	لین	lane <sup>n</sup>
زبان، وسیله ارتباط	زوان و قسه، که ده ی، زوانی	لَنگویج	language <sup>n</sup>
	ئه ده ب و قسان		
فانوس، چراغ توری، چراغ	چراو توڤه - چراو توڤر	لَنترن	lantern <sup>n</sup>
	چراوی ده سیه		
شلپ، دور، گردش، دامان	سوڤ - خول، لَلپه ئار، ئه وشی	لَپ	lap <sup>1</sup> <sup>n</sup>
بازبان، خوردن - سرکشیدن	لَسپنای، لوشته ی، به زوان	لَپ	lap <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	چته ی، خواردن، هَوڤ قوڤر نای		
گنجه (خوراکی)، دولا بچه	پِیخوڤر، خانه - که نو	لَرد	larder <sup>n</sup>
	جی خوڤراک		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وسیع، جادو، بزرگ، گنده	گه وره - یا گه دار - جی دار	لارچ	<b>large</b> <i>adj</i>
بیشتر - اکثراً	گه وره ته زلتنه ریگه وره تر	لارچلی	<b>largely</b> <i>adv</i>
لیزر، اشعه لیزر	له یزر - تیژگی کو کراوی نوور	لیزر	<b>laser</b> <i>n</i>
تیژگه و نووری ته یوه تی			
شلاق زدن، بستن	شه لاخ دای - شه و بینای	لش	<b>lash</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
تکان دادن	به ته ناف به ستن		
مُؤسّسلاق، تسمه شلاق	بژانگی بژ ژانگ شه لاخ	لش	<b>lash</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
کمند	که مه ند	لاش	<b>lasso</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
کمند انداختن	به که مه ند گرتن - به که مه ند گرتنه ی	لاش	<b>lasso</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
اخیرین، آخر - گذشته، اخیر	ئاخر - ئاخرین - بویه رده	لاست	<b>last</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
	را بزدوو، قالبی که وش		
بالاخره، در پایان	تاقیبه ت دیسانه و - پاشان	لاستی	<b>lastly</b> <i>adv</i>
طول کشیدن، دوام داشتن -	دریژه کیشان - توول په نه دای	لاست	<b>last</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
ماندن، دوام کردن / داشتن -	به س بون - مه نه ی مان		
پس بودن			
دیر - تاخیر، محروم	دیر - دیره ی، دیر کرد، میژ	لیت	<b>late</b> <i>adj, adv</i>
اخیراً، به تازگی	به ینیه و نه ده میکه	لیتی	<b>lately</b> <i>adv</i>
	ماوه یکه		
تازه ترین، آخرین	ئاخرین - تازه ترین	لیتست	<b>latest</b> <i>adj</i>
	نوی ترین		

i:    ɪ    e    ae    a:    ɒ    ɔ:    ʊ    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
<i>Persian</i>	<i>Kurdish</i>	<i>Pronunciation</i>	<i>English</i>
کف صابون - صابون زدن	که فه ساون - که فی سابون	لَایِر	<b>lather</b> <i>n</i>
	ناره قوئه سپی - کف کردن		
عوض جغرافیائی، آزادی عمل	پانای جو جغرافیایی - عه رزی لَئی تیود (توود)		<b>latitude</b> <i>n</i>
	جو جغرافیایی - مه د		
آخری، آخرنهایی	د ماین - ناخری - ناخر	لَئِر	<b>latter</b> <i>adj</i>
خندیدن، قهقهه سردادن	خوای - که نین - پری قه وه نه دای	لاف	<b>laugh</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
صدای خنده، قهقهه	ده نگو خوه ی - پری قه و خوه ی	لافَئِر - لافَئِر	<b>laughter</b> <i>n</i>
	قاقاده نگگی پی که نین		
خنده، قهقهه	خوه - که نین - قاقا - قه قه	لاف	<b>laugh</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
لنج، قایق موتوری	ئاو گیلی مو تر دار	لُئِج	<b>launch</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
پرتاب موشک	ئاو گه ری مو تر دار		
به آب انداختن - صادر کردن	به ئاو خستن بیه ئاو و سه ی	لُئِج	<b>launch</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
رختشویخانه، لباس شستنی	لیباس شو رخانه	لُندری	<b>laundry</b> <i>n</i>
	یاگی شته و لیباسان		
مواد مذاب (کوه آتشفشان)	ماده ی هه ویری ئا گر پِژن	لا (لاوا)	<b>lava</b> <i>n</i>
	فیشقه و که شه ئه یرینه ی		

ʌ      3:      ə      eɪ      əʊ      aɪ      aʊ      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آبریزگاه، دستشویی	که ناراوە - دەششوری	لَوتَری	lavatory <i>n</i>
فسترا	که ناراو		
شریعت، قانون، علم حقوق	قانون - هه قووق	لُ	law <i>n</i>
	یاسا و عورف		
حقوق دان، وکیل دعاوی	وه کیل - هه قووق زان	لُوپِر	lawyer <i>n</i>
چمن	چه مەن - سه وزایی	لون	lawn <i>n</i>
	چیمەن		
دستگاه چمن زنی	چیمەن پر چه مەن قرتین	لون مۆر	lawn mower <i>n</i>
گذاشتن، نهادن - تخم کردن	هیلە کردە ی	لی	lay <sup>1</sup> <i>v</i>
پهن کردن - چین	ئەرە نیای - دانیان	لای	lay <sup>2</sup> <i>see</i> lie
لایه، ورقه، برگه، طبقه	تۆ - توی - لا - چین	لیر	layer <i>n</i>
چینه	قات		
تنبل، تن پرور	تە مەل - لاواز نە که رکار	لیزی	lazy <i>adj</i>
با تنبلی	بە تە مەللی - بە لاوازی	لیزی لی	lazily <i>adv</i>
هدایت کردن - رهبری کردن	رێنموونی کردن بواردن	لید	lead <sup>1</sup> <i>v</i>
سبب بودن	رابەری کردە ی - پیش بردن		

i:      ɪ      e      æ      a:      ɒ      u      u:  
see    sit    ten    hat    arm    got    saw    put    too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پیشوا، رئیس، رهبر	را بهر - سه ده سه	لیدر	leader <sup>n</sup>
فرمانده	سه روک		
پیشواز - افسار، دهنه، اشاره	هه و سار له غاو - په ته	لید	lead <sup>2</sup> <sup>n</sup>
شرب - مغزی مداد / اتود	سرپ - قور قوشم	لید	lead <sup>3</sup> <sup>n</sup>
	مه غزه مه داد		
برگ - لنگه در - ورق	گه لاوه ره قوه لگ	لیف	leaf <sup>n</sup>
صفحه	لنگه به ره - لا به ره		
برگ چاپی (تبلیغاتی، ...)	به رگه ی ته بلیغات	لیفلیت	leaflet <sup>n</sup>
نشریه، اعلامیه	وه ره قی چاپی - به رگی		
	بلا کردنه وه		
مجمع، اتحادیه، عهد	په یمان - یه کیه تی	لیگ	league <sup>n</sup>
	یوبیه ی - کو مه ل - گرو		
سوزاخ، درز پر خنه، ترک	وله - کون - تریشکه	لیک	leak <sup>1</sup> <sup>n</sup>
دوژنه - چکه	تکه و بانی - تره که - تره ک		
	ده لاندن		
درز دار، ترک دار، چکه یی	تره کدار - ولدان	لیکی	leaky <sup>adj</sup>
	کوندار - شر		
چکه کردن، نشست کردن	تکه که رده ی - ده لئای	لیک	leak <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	دلاندن - تکه کردن		
کج شدن - تکیه دادن	لاروبیه ی - لاروبون	لین	lean <sup>1</sup> <sup>v</sup>
	نامیای - پالودان		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لاغر، نحیف	له ر - لاواز - بێ تین	لین	lean <sup>2</sup> adj
پریدن، چستن، جهیدن	پرای - په رین، قونین	لیپ	leap <sup>1</sup> v
	باز بردن (به رده ی)		
پرش، جهش، بوجه	بازی - ته کانی - قونین	لیپ	leap <sup>2</sup> n
	را په رین		
کیسه، سال کیسه	ساله ی یه ره سه دو	لیپ پر	leap year n
	شه سوشش رو سالی ته واکات		
آموختن - از برگردن	یادگرتی - فیر بوون	لین	learn v
	خه به رداریه ی - بێ زانین		
کمترین، کوچکترین	که مترین - که مه رین	لیست	least adv
	وردی ته رین بیجو و کترین		
چرم، تیماج	چهرم - پوسوگاوی	لیر (لدر)	leather n
	پستی وشک له مالات		
رها ساختن - رفتن	لوای مروین به ردان	لیو	leave <sup>1</sup> v
	وه ردای - دانیان		
به جا گذاشتن	ئیجازه - مه ره خه سی	لیو	leave <sup>2</sup> n
مرخصی - اجازه	گه لا - گلا - گه لایان	لیف	leaves see leaf
برگ - ورق	گه لاکئی		
سخنرانی - کنفرانس علمی	قسه کردن - وتووێژ	لیکچر	lecture <sup>1</sup> n
خطابه	باس کردن، کوپونه وه		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شەخەڕانی کوردن	قسە کردن - قسە کەردە ی	لێکچەر	lecture <sup>2</sup> v
	ئەوێ دوای		
شەخەڕان، مەدرەس	قسە کەر - باس کەر	لێکچەر	lecturer n
	ئەرە دوێ		
بەرامەنگی، لێه (صەخوێ)، تاق	لێچ - ڕەفە - تاقچە	لێچ	ledge n
لێو، قەرەخ	پاسار - لێو - تاق		
چەپ، دەست چەپ	چەپ - تەرەفی چەپ	لێفت	left <sup>2</sup> n
چەپ دەست	چەپ دەس (دەست چەپ)	لێفت هەند	left - handed adj
پا، ساق پا - پایە (مەندلی، ...)	لەنگ - پا - پایە ی، پایە	لێگ	leg n
سەتۆن	سەندەلی و مێز		
شەری قانۆنی، قەضایی	قانۆنی هە قۆتی شەری	لێگەل	legal adj
افسانە، قەسە، زێرنۆیس	ئەفسانە - قەسی - راز - پرازی	لێچەند	legend n
واضح، خوانا، روشن	وازیچ - ڕۆشن - ڕوون	لێچەل	legible adj
	ئاشکرا		
فراغت، فرصت، مەجال	فرسەت - ئاسایش - مەجال	لێ ژەر	leisure n
لیمو، عەمائی، لیمو ترش	لیمو ئامانی، لیمو و شک	لێ مۆن	lemon n
لیمو، نەدە شەربەت، لیمو	شەری تەوئا، لیمو، لیمو نەد	لێ مۆن بەد	lemonade n
قەرز، دانی، وام، دانی	وام، دای - قەرز، دای (دان)	لێند	lend v
قەد، انداز، مەطول، درواز، ئەکە	دریژ، ئایە - دریژی - قەد	لێنگس	length n
درواز، طولانی، مەفصل	دریژ - دریژە دار	لێنگسی	lengthy adj
درواز، کوردن / شەش	دریژ کردن - دریژە پە	لێنگین	lengthen v
	نە دای - دریژە پە دانی		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision



انگلیسی <i>English</i>	تلفظ <i>Pronunciation</i>	کردی <i>Kurdish</i>	فارسی <i>Persian</i>
<b>lens</b> <i>n</i>	لنز	لنزى دوورین	لنز، عدسی (دوربین)
		شیشه‌ی عه ده‌سی	شیشه عینک
<b>leopard</b> <i>n</i>	لیرد	پالنگ - پلنگ	پلنگ
<b>less</b> <i>adv</i>	لس	که م - که‌متەر	کم، کمتر
<b>lessen</b> <i>v</i>	لسن	که‌م کردن - که‌م کرده‌ی	کوچکتر شدن / کردن
<b>lesson</b> <i>n</i>	لسن	ده‌رز - ده‌رس	درس، عبرت
<b>let</b> <i>v</i>	لت	ئىجازه‌داى - ئىزن دان	اجازه دادن - واگذار کردن
<b>letter</b> <i>n</i>	لتر	پستى ته لڤبا - گوته	حروف الفبا - نامه
		لفبایى - نامى - نامه	لفظ
<b>letter box</b> <i>n</i>	لترباکس	سه نوڤى پو‌ست	صندوق پست
		جه عبه و نامى	
<b>lettuce</b> <i>n</i>	لتنیس	کاهوو - جوړه گیاه ک	کاهو
		خوارده‌مه‌نى	
<b>level</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>	لول	میزان - ته خت - ساف	هموار - برابر، هم‌پراز
		کرکای کرک، مقام	ترازبویه - مرتبه
<b>level</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	لول	میزان کردن - ته‌خت‌کەرده‌ی	مسطح کردن / ساختن
<b>lever</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	لور	نوئیل - ده‌یله‌م - ده‌سه	دیل، اهرم، دسته، میله
		توهر - میل - تل‌ده‌ر	
<b>lever</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	لور	به‌نوئیل تل‌داى - تل‌دان	با اهرم حرکت دادن
<b>liable</b> <i>adj</i>	لای‌ایل	سزاور - تاوانبار - جوابگو	مسئول - سزاوار - محکوم
		پا‌نامه - به‌پى‌هات	

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
liar <i>n</i>	لایپر	دروژن - دروویژ	دروغگو
liberty <i>n</i>	لیپرتی	ئازادی - سه‌ربه‌وی	آزادی‌بره‌ایی
library <i>n</i>	لیبرری	سه‌ربه‌خویی	امتیاز
librarian <i>n</i>	لیبررین	کتیب‌خانه - کتیو‌خانه	کتابخانه
lice <i>see louse n</i>	لئوز	کتیو‌دار - کتیب‌دار	کابدار، متمدی‌کتابخانه
licence=license <i>n</i>	لای سنس	سپی - هه‌ش پشی	شپش
		جواز - گه‌واهینامه	گواهینامه، جواز، پروانه
license <i>v</i>	لای‌سنس	په‌روانه - ئیجازه‌سه‌نه‌د	جواز دادن، اجازه‌دادن
lick <i>v</i>	لیک	ئیجازه‌دان - جواز‌دای	لیس زدن، لیسیدن
lid <i>n</i>	لید	لیسای - لیسین‌ل‌سپنای	دربوش، سربوش، کلاهک
lie <sup>1</sup> <i>v</i>	لای	ده‌رپوش - به‌ره‌و	
		ده‌فری - پیلا‌ی چه‌می	
lie <sup>2</sup> <i>v</i>	لای	ه‌راز کشیدن - قرار‌داشتن	
		لاه‌ره‌ئاسه‌ی‌ه‌راکیشان	
		مه‌نه‌ی - بوون - یه‌ی	بودن
		درووتن - درودای	فروغ‌گفتن
lie <sup>3</sup> <i>n</i>	لای	ه‌وشه‌که‌رده‌ی	
lieutenant <i>n</i>	لیوتیننت	درو‌ی - درو‌ی - ه‌وشی	فروغ
		ستوان‌سه‌ره‌په‌ل‌سه‌رگرو	ستوان‌خایب، دستیار
	(لف‌تیننت)	یاری‌ده‌ر	
life <i>n</i>	لایف	ه‌یات - زینگی - حیات	زندگی - عمر - بیوگرافی، حیات
lifetime <i>n</i>	لایف‌تایم	یه‌ک‌ه‌مه‌ره‌دریژی‌ژیان	مدت‌زندگی، یک‌عمر

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
lift <sup>1</sup> v	لیفت	هۆرگرتە ی - هەڵگرتن	برداشتن، بلند / بالا کردن
lift <sup>2</sup> n	لیفت	سه‌رلوای (چوون) ئاسەنسۆر - سه‌ربه‌ر	آسانسور - کمک
light <sup>1</sup> n	لایت	بان به‌ر چرا - نوور - رۆشنایی	سواری مجانی، جالابری روشنایی، نور - چراغ، لامپ
lighting <sup>n</sup>	لای‌تینگ	چراقوه - فەندە ک	نور، روشنایی، پیرتو
light <sup>2</sup> adj	لایت	نوور پرووناکی - رۆشنا	روشن، سبک، کم‌وزن، شاد
lighten <sup>v</sup>	لایتین	رۆشن - سووک - شوڵە	سبک کردن / شدن،
light <sup>3</sup> v	لایت	رۆشن کردن - گئی سنای سووک کە رده‌ی باری گلوپ ئه‌ره‌ گئی سنای	روشن کردن / شدن روشن کردن (لامپ،...)
lightning <sup>n</sup>	لای‌تینگ	رۆشن کە رده‌ی داگرسان به‌رقی ئاسمان پرووسکه	صاعقه، برق (آسمان)
like <sup>1</sup> v-n	لایک	چه‌خماخانی، تری شقه گه‌ره‌ کیه‌ی سه‌ش وه	آفرخش دوست داشتن، خواستن
liking <sup>n</sup>	لای‌کینگ	نه‌ئامه‌ی - هه‌ز کردن له هه‌ز - وه‌ش ئامه‌ی	همانند - یک‌چوور میل، تمایل - ذوق
like <sup>2</sup> prep	لایک	مه‌یل - خو‌ش هات له وه‌ک - په‌سه‌و - عه‌ینوو	علاقه مانند - مثل، شبیه به
likely <sup>adj</sup>	لایکلی	ممکینه‌ن - وادیاره مه‌خو‌نچیو - ریک	احتمالی - مناسب، محتملاً

Λ	3:	ə	er	ou	ai	au	oi	io
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
همانندی، شباهت	شکل دای - شیوه شییه	لایکنس	likeness <sup>n</sup>
تشابه	لیچوره ک-پسه		
همچنین، نیز، همینطور	هه روا - هه رپاسه	لایک وایز	likewise <sup>adv</sup>
	پاجوره، ئارا		
زنبق، سوسن	گول زه مه ق سۆسه ن	لیلی	lily <sup>n</sup>
اندام، عضو، دست، پا	ئه ندام - تخمه شیتان	لیم	limb <sup>n</sup>
بال	پهل (ده س-پا) له قی دار		
لیمو ترش، لیموعمانی	لیمو ترش - لیمو	لایم	lime <sup>n</sup>
اهک	ئامانی - ئاهاک		
سرحد، کنار، حد	سنورمه رز-حدود	لی میت	limit <sup>1 n</sup>
مه رز	سه رحه د - ئاخو		
محدود کردن، منحصر کردن	جیاوه که رده ی - جگگی	لی میت	limit <sup>2 v</sup>
	کردن - ته یوه تی که رده ی		
نرم - خم شوئشل	نهرم و نیا - تر توئوه	لیمپ	limp <sup>1 adj</sup>
	قه مچیا - نیا		
لنگیدن، شلیدن	شه لای - درنگه نامه ی	لیمپ	limp <sup>2 v</sup>
	شه ل بوون		
پای لنگ، لنگ	شه ل - ئی فلیج	لیمپ	limp <sup>3 n</sup>
سطر، خط - طناب	خیره - خه ت وه ریسه	لاین	line <sup>1 n</sup>
	گرویس - دیر - ته ل		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به صف آوردن - سروش	رزدای - دەرپۆش نان	لاین	line <sup>2</sup> <i>v</i>
گذاشتن، مشخص	خهت کیشان		
پارچه کان، پارچه نخی	جنسی که تانی - پارچه ی	لینن	linen <i>n</i>
ملافه	که تان - پارچه ی نه یین (ده زگی)		
استر - لنت هاشین	ناستره - ئاسهر	لای نینگ	lining <i>n</i>
حلقه / دانه زنجیر، ربط	هه لقی زه نجیری - چلۆ	لینک	link <sup>1</sup> <i>n</i>
رشته	سکه مه شعه له وه سل		
به هم پیوستن، وصل کردن	پیوه یینای - به یه	لینک	link <sup>2</sup> <i>v</i>
	کابه ستن - وه سل کردن		
شیر نر شیر مرد	نهره شیر - شیر ی نیر	لاین	lion <i>n</i>
شیر ماده	شیری مای - مینگه شیر	لاین س	lioness <i>n</i>
لب لبه هر چیز	لیو - لیچ	لیپ	lip <i>n</i>
ماتیک، روزلب	لیچ سوور که ره - ماتیک	لیپ استیک	lipstick <i>n</i>
	لیو قه له م		
مایع - نقد	وه ک ئاو - ئاو ئاسا	لیکوید	liquid <i>n</i>
	ره وان و ته ره - نهخت		
آبکی	ئاوه رنگ - ئاوه کی	لیکوید	liquid <i>adj</i>
	ئاوشیوه		
لیست، فهرست، صورت	ئاواخن - سووره ته	لیست	list <sup>1</sup> <i>n</i>
	مینوت - فیرست		
لیست کردن، فهرست کردن	سووره گر ته ی خیرست گر تین	لیست	list <sup>2</sup> <i>v</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گوش کردن / دادن	گوش کە دەهێ-گوش دای	لی سن	listen <sup>v</sup>
نور - سبک، لیوایی	گوی گرتن (دان) چراوی	لایت	lit <sup>see</sup> light <sup>adj</sup>
ادبیات، فرهنگ ادبی مردم	سووک-روشن-نور	لیتر	literature <sup>n</sup>
لیتر واحد سنجش	لیتر-ئایره یا عه یار یوه	لیتر	litre=liter <sup>n</sup>
مایعات	په ی هورگوسای-عه یاره ی گوستن	لیتر	litter <sup>n</sup>
اشغال، زیاله - توله ها	زویل - شه خه ل - رۆله	لیتر	litter <sup>n</sup>
برانکار	و حه شی یام توته ی	لیتل	little <sup>1</sup> <sup>adj</sup>
کوچک، قد کوتا مکم	وردی - بچوک، کم	لیتل	little <sup>1</sup> <sup>adj</sup>
کم، نه زیاد - خیلی کم، اندک	چکۆله - گولاله	لیتل	little <sup>2</sup> <sup>adj</sup>
زندگی کردن، زنده بودن	که م-تۆزه ی-که مپیره ی	لیو	live <sup>1</sup> <sup>v</sup>
اقامت داشتن، امرار معاش کردن	ژیان کردن-زینده بیه ی	لیو	live <sup>1</sup> <sup>v</sup>
زنده زلدگی، بقاء	عمر بیا رای	لیوینگ	living <sup>adj</sup>
زنده پرائژی	زینگی-ژیان-زینده	لیوینگ	living <sup>adj</sup>
زنده پرائژی	زیندوو - سه زینده	لایو	live <sup>2</sup> <sup>adj</sup>
پر جنب و جوش، شاداب	دل ته رشوخ-زنده دل	لایولی	lively <sup>adj</sup>
چگړ، کبد	جهرگ-یه هه ر، ناسک	لیور	liver <sup>n</sup>
بزمجه، مارمولک	مار میله که مه زووکی-تمتمه	لیزرد	lizard <sup>n</sup>
محموله، بار، ظرفیت	بار - کۆل، بارگیری	لود(لود)	load <sup>1</sup> <sup>n</sup>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بار کردن - بُرکردن اسحله	بارکه رده‌ی ببار کردن	لود (لئود)	load <sup>2</sup> v
گورده‌نان - فُوص‌نان	تفه‌نگ په‌رکه رده‌ی نانه‌ی ساقه - خه پلّ کولیره (کولیره‌ی)	لوف (لئوف)	loaf n
وام، قرض	قه رز - وام	لون (لئون)	loan n
قرض دادن، وام دادن	قه‌رزدا‌ی - قه‌رزدان	لون (لئون)	loan <sup>2</sup> v
متغیر بودن، نفرت داشتن	وام‌دای (دان) بیزاریه‌ی - رِقْلّی هاتن قین‌لّی هاتن (نامه‌ی)	لوز (لئوز)	loathe v (loathe)
خرچنگ دریایی	قارژنگی ده‌لیای	لایستِر	lobster n (crab)
موضعی، محلی - داخلی	قرژانگی ده‌ریا ویمانه - خو‌مانی	لوکال (لئوکال)	local adj
تعیین محل کردن، یافتن	ناوچه‌یی - ناوخو له جیّ دانیان - نه ره	لوکیت	locate v
مستقر کردن	مه رزنای - نه ره‌نیای مه علووم کردن		
مکان، موقعیت‌نمیسیر، جا	یاگیّ - جیّ - فرسه‌ت	لوکی‌شن	location n
قفل، کاکلیگیسو	قولف - پشکۆله، گیّس	لاک	lock <sup>1</sup> n
قفل کردن / زدن	قولف‌که‌رده‌ی (کردن) قولف دان لاک		lock <sup>2</sup> v
گنجه کلیددار، محفظه	گه‌نجه سه‌نوق - به‌عدان ولیاسان - کومدی ده‌ردار	لاکِر	locker n

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ملخ - آفاقیا	قولمه - کولله	لوکیست	locust <sup>v</sup>
اتاق اجاره کردن - جادادن	یانه گرتە ی - ئوتاق گرتن	لاج	lodge <sup>v</sup>
فرستادن	مال گرتن، ناردن		
مستأجر، کرایه ده	یانه گیر - مال گرتن - نشین	لاچر	lodger <sup>n</sup>
	مال (ئوتاق) گرتن		
اتاق کرایه ای / اجاره ای	ئوتاقی گرتن - یانه	لاچینگس	lodging
	و کرهادای		
کنده درخت، سرعت سنج، الوار	ته مووه دار - ناوه دار - تاو پیو، دار	لاگ	log <sup>n</sup>
تنها، بی کس، خلوت، غریب	ته نیایی کەس - په شیو	لون لی (لئونلی)	lonely <sup>adj</sup>
مدید، طولانی، دراز، زیاد	دریژ - نه وه نه وریا زور	لانگ	long <sup>1 adj</sup>
طول، درازا	فره وه خت - دریژی		
مدت مدیدی - مدتھا	کاتی زۆر سوخته یکی فره	لانگ	long <sup>2 adv</sup>
آرزو داشتن، اشتیاق داشتن	ئاره زوو و ئومید هه	لانگ	long <sup>3 v</sup>
	بوون - ئاره زوو که رده ی		
طول جغرافیایی	دریژی جوغرافیایی	لانجی تیود	longitude <sup>n</sup>
به نظر رسیدن / آمدن	ته واشا کردن - به یاد	لک	look <sup>1 v</sup>
نگاه کردن	ئامە ی - په ی دیای، روانین		
نظر، نگاه، ظاهر، قیافه	ته ماشا - نه زه ره - یا په ی	لک	look <sup>2 n</sup>
زیبایی، خوش قیافگی	زه ریقی - جوانی باشی	لکس	good looks <sup>adj</sup>
دستگاه بافندگی	ده زگا و جو له یی	لووم	loom <sup>n</sup>
نمودار	ده زگای بافتن و چین		

Λ	3:	ə	er	əu	ar	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حلقه بیه کره، چنبر	هه لقی - لکه جه	لووپ	loop <i>n</i>
	وه ریسه - پیچه ته ناف، گری		
آزاد، وها، شل، ههزه	لهق - شل - نه وه کریا	لووس	loose <i>adj</i>
لق	خا وواز - ئالۆ، خیز - خیز		
باز کردن، شل کردن	شل کردن - نه وه که رده ی	لووین	loosen <i>v</i>
	واز که رده ی		
لوردا قاپار باب، مالک	پیاگه وره - ئاغا	لرد	lord <i>n</i>
	دهس لوا		
کامیون - بارکش	ماشینی باری	لاری (لری)	lorry <i>n</i> = truck
گم کردن - یاختن	گم که رده ی (کردن)	لووز	lose <i>v-n</i>
شکست، نابود	جه دهس دای له دهس دان		
خسارت، زیان، ضرر، باخت	زه ره رله تمه - خ ساره ت	لاس	loss <i>n</i>
ناییدا، گم شده، تپاه	گم - ون - نقم - نادیار	لاست	lost <i>adj</i>
مقدار زیاد بهر قسمت، قروعه	هه رفه زوریه ش له ت، گرو	لات	lot <i>n</i>
لوسیون - آب دارو	ئاوده رمان - داروی ئاودار	لوشین	lotion <i>n</i>
محلول			
نیلوفر آبی - درخت سمر	داری سدر له ولای ئاوی	لوتس	lotus <i>n</i>
بلند، رسا - ئو صددا	ده نگی بهرز - ده نگی	لود - لاود	loud <i>adj</i>
گوش خراش	قور - بهرز و قیران		
با صدای بلند و رسا	به ده نگی توند و بهرز	لودلی	loudly <i>adv</i>
	به ده نگی نه وه یارا		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بلندگو	بله‌نگۆ - تندگو	لود اسپیکر	loudspeaker <i>n</i>
	توندویژ - به رزواچ		
	ده‌نگ فره‌که‌ر		
اتاق استراحت‌بلم‌دان	دیوی‌حه‌سانه‌وه، قه‌رار	لُنْج	lounge <i>n</i>
آرام راه رفتن	ئوتاقه و لا ئاسه‌ری		
شېش (کتاب - چوب)	هه شېشی - سپی	لُوس (لُوس)	louse <i>n</i>
شېشو - بد	هه شېشه‌ین - سپی‌دار	لُوزی	lousy <i>adj</i>
دوست داشتن - عشق	وه‌ش گه‌ره‌ک بیه‌ی	لاو	love <sup>1</sup> <i>v</i>
ورزیدن	حه‌ز لی کردن		
محبوب، دوست داشتنی	وه‌ش وه‌نه ئامه‌خ‌دوس	لاوِیل	lovable <i>adj</i>
نازنین	حه‌ز لی هاتن، ئازیز		
عشق ورزی - مهربان	حه‌ز لی هاتوو - حه‌ز لی	لاوینگ	loving <i>adj</i>
	که‌ری وه‌ش چه‌نه ئامه‌ی		
با علاقه - از روی مهر	جه‌رو وه‌وه‌شه‌ویسی	لاوینگ لی	lovingly <i>adv</i>
	به شه‌وق و ئلاقه		
علاقه شدید، عشق - محبت	ئه‌وین - ئشق - فره	لاو	love <sup>2</sup> <i>n</i>
	وه‌ش چه‌نه ئامه‌ - حه‌ز		
دوست داشتنی، دلریا	دل کیش - وه‌ش وه‌نه	لاولی	lovely <i>adj</i>
زیبا	ئامه - نمه‌کین و جوان		
کوتاه، پایین - صدای بم‌کم	واری - خوار - نرم - کۆل‌که‌م	(لو)لئو	low <i>adj</i>
بچه هرام‌زاده - تخم‌ه‌رام	زۆل - به‌چه‌که جاش	لاوچايلد	love-child <i>n</i>

f fall    v voice    θ thin    ð they    s so    z zoo    ʃ she    s vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پایین آوردن / کشیدن - رسوا	وار نه ورده ی جه مقامی، خوار	لوپور	lower <i>v-n</i>
زیرین، پایین تر	خوار کیشان زایف که رده ی، وار		
دشت، فلات	ده شته - پانایی	لوئند	lowland <i>n</i>
	ده شتی بلاو		
وفادار، پابرجا - صادق	وه فادار بجا وه قاسر استکار	لویال	loyal <i>adj</i>
وفاداری، صداقت، اخلاص	باوه فایی - راستی	لویالتی	loyalty <i>n</i>
شانس - اقبال - بهت	به خت به خته - تیقبال	لاکی	luck <i>n</i>
یعنی	شانس		
خوشبختی، سعادت، بهروز	وه شبه خت به ش قه ده م	لاکی	lucky <i>adj</i>
شانسی، خوشبختانه	شانسی - هه لکه وت	لاکی لی	luckily <i>adv</i>
	هو رکوت - خوداشوکر		
بارونه سفر، اثاثیه (سفر)	باروسه فیری - جی لیباس	لاگیج	luggage <i>n</i>
توشه	کو لو باری سه فیر		
ولرم - نیم گرم	نیمه گرم - شو تینه	لوک ورم	lukewarm <i>adj</i>
کم اشتیاق	نیمه سارد (سهرد)		
لالایی - خواب کردن بچه	لای لای - لایه لای و له گیان	لالایی (بای)	lullaby <i>n</i>
تکه (بی قواره) - آماس - کلوخه	کلو قو قز به شیری نگهت	لامپ	lump <i>n</i>
زمخت - کلفت - موج دار	قاییم - نه ستوور	لامپی	lumpy <i>n</i>
ناصاف	ناکل و کار - لپ دار		
دیوانه، مجنون، سفیه	دیوانه - شیپ	لوپ نیک	lunatic <i>adj</i>
ناهار / نهار	نانه نیمه رو ی چیشتی نیوه رو	لانچ	lunch <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شش بره جگوسفید	شوشی - سی	لارگ	lung <i>n</i>
درکمین نشستن، پنهان	وی هه شار دای، پاریز	لک (لرک)	lurk <i>u</i>
ماندن (به قصد سوء)	خودا گرتن وی نه ره گرتی		
شهووت، نفس اماره	شه هووت - زرناقی	لاست	lust <i>n</i>
میل زیاد	زۆل - دل ته ری		
تجمل، نعمت - خوشی	وه شی - ناز و نیعمه ت	لاک شیری	luxury <i>n</i>
کالای لوکس	خوش رابردن، لوکس باو		
لوکس، تجملی، مجلل	وهش گوزهران - خوش	لاک ژریس	luxurious <i>adj</i>
	رابوار - ته جه ملات، رازاندن		
زایمان	زارو زای - زان	لاینگ این	lying - in <i>n</i>
	منال هاوردن		
زایشگاه	زایشگاه - یانگی زای	لاینگ این	lying - in hospital <i>n</i>
	زاگا - جیی زان	هامپیتال	
جای سخن رانی - بنگاه ادب	بنکه ی نه ده ب - قسه گا	لای سیم	lyceum <i>n</i>
کالبدشناسی - لئف	له نف - خویناو	لیمف	lymph <i>n</i>
بدون محاکمه کشتن	بی لی پرسین کوشتن	لینچ	lynch <i>v</i>
سیاه گوش (گربه سانان)	جو ره جان وه ری که سه گبار	لینک کس	lynx <i>n</i>
بَریط - چنگ	چه ننگ وعوود	لیر - لایر	lyre <i>n</i>
غزل شعر غنایی، اولزی	ئاراز - غه زل	لیریک	lyric <i>n</i>
تیزبین	چاو تیژ - چه م تیژ	لینکس آید	lynx-eyed <i>adj</i>
عزایات اشعار غنایی	هو نراوه کانی غه زه لی		lyrics <i>npl</i>

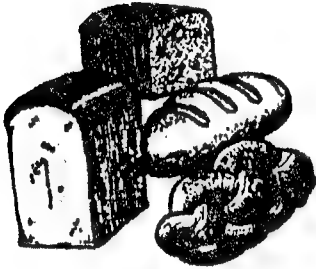
i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



LADLE



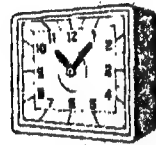
LIFE JACKET



LOAF



cloud



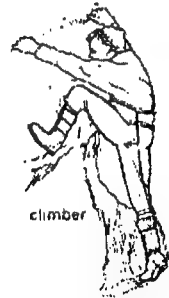
clock



خسرو دوم (خسرو پرویز)  
۵۹۰ م



coat 1



climber

# M m

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سیزدهمین حرف الفباء	سیزدهمین پیتی ئه لڤیا	إم	<b>M</b>
مادر بزرگ	ئالی ماماگه وری، دادا	ماما	<b>mamma</b> <i>n</i>
خوفناک - ترسناک	سامدار - خوڤناک	مکابر	<b>macabre</b> <i>adj</i>
قلوه سنگ، آسفالت سرد	ورده بهرده - توهن فه رش	مکدم	<b>macadam</b> <i>n</i>
ماکارونی - نوعی رشته فرنگی	ماکاروونی - جوړه	میکرونی	<b>macaroni</b> <i>n</i>
ماشین، دستگاه سازمان هزی	ماشین - ده زگا	ماشین (مشین)	<b>machine</b> <i>n</i>
مُسلَس - تیربار	تفهنگی خودکاره شاشه	مشین گان	<b>machine - gun</b> <i>n</i>
ماشین آلات - دستگاه	ده زگاکی - ماشین و	مشین ری	<b>machinery</b> <i>n</i>
(لباس) بارانی	چپو - ئامرازی ماشین وارانی - کوتری بارانی وارانی کورت	مکین تاش	<b>mackintosh</b> <i>n</i>
دیوانه، هار - ابله، احمق	هار و هاج شیت بی ئه قَل	مَد	<b>mad</b> <i>adj</i>
احمقانه، ابلهانه - دیوانه وار	بی ئه قلاَنه - شیتانه	مدلی	<b>madly</b> <i>adv</i>
بانو، خانم، مادام	ئوسازَن - خانمه - خانم	مَدیم	<b>madam</b> <i>n</i>
مجله، نشریات، آثار مهمات	مه جه له، خه شاو بزاخه	مگزیین	<b>magazine</b> <i>n</i>
سحر، جادو - تروستی	جادو - سیحر - فیل	مَجیک	<b>magic</b> <sup>1</sup> <i>n</i>

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
magical <i>adj</i>	مَجِیکال	جادویی - سیخردار	جادویی - سحرآمیز
magically <i>adv</i>	مَجِیکلی	به جادوگری - به قیل	از طریق جادوگری
magician <i>n</i>	مجیشن	ره مآل - جادووگر	شعبده باز، جادوگر، ساهر
magic <sup>2</sup> <i>adj</i>	مجیک	جادویی - خیالی	سحرانگیز، سحرآمیز
		سیخراوی	
magnet <i>n</i>	مَگنیت	ئاسن کیش - ئاسن	اهنریا - مغناطیس
		رفین - مه قناتیس	
magnetic <i>adj</i>	مَگنیتیک	مه قناتیس، هوا و کیشای	مغناطیسی - جذاب
		هیزی کیشان یو ئاسن	
magnificent <i>adj</i>	مَگنی فی سنت	گه وره شکو و جه لال	مجلل، باشکوه عالی، والا
magnificently <i>adv</i>	مَگنی فی سنتلی	به شکو - به گه وره یی	با عظمت
magnify <i>v</i>	مَگنی فای	گه وره نیشان دان	بزرگ نشان دادن
		شاخوبال په نه دای	لاف زدن
maid <i>n</i>	مید	کناچی - دایانه کچ - نوکەر	کلفت، خدمتکار زن - دختر
maiden <i>n</i>	میدن	کناچی عازوه - کچ	دوشیزه، دختر، آغازین
mail <i>n</i>	میل	زری - پوست - نامه و	پست، نامه ها و بسته های پستی
		به سه ی پوستی	
main <i>adj</i>	مین	به شی زور - کوتی فره	اصلی، عمده - شاه لوله
		موهیم	
mainly <i>adv</i>	مینلی	به ته و او ی به گرد و دۆزۆر تر	به طور عمده - اساساً
maintain <i>v</i>	مین تین	نگهداری که رده ی - چاودیری	نگهداری کردن - ادامه دادن
		کردن - به خییو کردن	

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
maize <i>n</i>	میز	زه‌پاتی - گه نمه شامیه	ذرت، بلال
majestic <i>adj</i>	مچستیک	زه‌رات شاهانه - به شکو	باعظمت - شاهانه
majestically <i>adv</i>	مچستیکلی	و فده‌وه گه‌وره و سه‌رفه راز	با شکوه - بافر
major <sup>1</sup> <i>n</i>	میجر	سه‌ریه‌فه‌ر جه‌گردی‌باته‌رین	مهمترین، عمده‌ترین
majority <i>n</i>	مجاریتی	زۆریه‌ی‌گشت، گه‌وره‌تر فره‌ته‌ر - زۆرتر له	برتر غالبه، اکثریت
major <sup>2</sup> <i>n</i>	میجر	همه‌مو - ته‌واوه‌تی سه‌رگورد - عامل هیژ	سرگرد (جول‌تشن) - اعظم
make <i>v</i>	میک	سه‌رگرو - گه‌وره وه‌ش‌که‌رده‌ی - دوست کردن - سازین - هانه‌دان هه‌لنیان	ساختن، درست کردن - به هست آوردن، کسب کردن، برنده شدن - وادار ساختن، مجبور کردن / ساختن
make - up <i>n</i>	میک آپ	ئارایش‌وی - رازنا، سازین	آرایش‌گریم - ترکیب کردن
malaria <i>n</i>	میلری	مه‌ره‌زی‌ماله‌ریا - ناوه‌شی یا‌وله‌رزی - ته‌وی‌میش (مالاریا)	مالاریا، بیماری مالاریا
male <sup>1</sup> <i>adj</i>	میل	گیاندارى نیر - نیروک	جنس مذکر، جنس نر، مردانه

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مذکر، نر - مردانه	نێر - نێرۆکه - پیاوانه	میل	male <sup>2</sup> n
سوء تغذیه	نه خوۆشی کهم خواردن	مل نیو	malnutrition n
حیوان پستاندار	که م ژه مه نی	تریشن	mammal n
مردانسان، آدم، بشر، شخص	جان وه ری گواندار	مَمِل	man n
نوع بشر، آدم	ئەنسان - مَرۆف - به شه ر	مَن	mankind n
ساخته دست بشر	تخمی به شه ر	مَن کایند	man - made adj
مصنوعی	جۆری به شه ر	مَن مید	manage v
اداره / کنترل کردن، گرداندن	به شه ر ساز کرده	مَن مینج	managment n
مدیریت - اداره - کاردانی	ده ست سازی ئاده م	مَنج منت	manager n
مدیر، رئیس، گرداننده	پیا گه یین - عه داره که رده ی	مَنیچر	mane n
پال اسب	سه ره پرسی - مودیری	مین	mango n
منگو، انبه، درخت انبه	کارزانی، کوئترۆل	منگو	manner n
شیوه، روش - لحن - رفتار	مۆدیر - سه ره پرسی - ره یس	مانیر (مَنیر)	manual adj
نوع	یال - یالی تی تکی	مانیر (مَنیر)	manually adv
دستی، کتاب، دستی، راهنما	داری نان له ئافریقا	مانیر (مَنیر)	manufacture <sup>1</sup> v
با دست	جۆریو ه میوه ی خه رزه شکل	مانیر (مَنیر)	
با ماشین تولید انبوه کردن	ته ریقه - ره فتار - شیوه	مانیر (مَنیر)	
ساختن	ره وشت، جۆر	مانیر (مَنیر)	
	ده ستی - ده سی	مانیر (مَنیر)	
	به ده ست - به ده س	مانیر (مَنیر)	
	وه ش که رده ی به عه مه ل	مانیر (مَنیر)	
	هاوردن - سازین	مانیر (مَنیر)	

f   v   θ   ð   s   z   ʃ   ʒ  
fall   voice   thin   they   so   zoo   she   vision

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
manufacture <sup>2</sup> n	مَنیوُفَک چَر	ساز-سَنعَت -خوْش کرد	صنعت، ساخت، تولید
many adj	مَنی	فره - زوَر - فِه راوان	خیلی، زیاد، متعدد
map n	مَپ	نَه قَشه-نَه خَشه ی جوغرافیا	نقشه، نقشه جغرافیا
marbel n	ماربل	بهردی مەر مەر مووری	مومر، سنگ مومر - تپله
march <sup>1</sup> v	مارچ	بیل-تو هَنی خله ره-خَره به رد ریژِه لوای - ریوَه پوین	مارش رفتن، رژه رفتن
march <sup>2</sup> n	مارچ	به جوْری نزامی به قه تار لوای ریژِه - به قه دهم چوون	مارش، رژه - اهنگ رژه
march n	مارچ	مانگی سییه می میلادی	مارس (ماه سوم میلادی)
margarine n	مارجرین	سه رحه د - مه رز جوْریک ره - که ریوَه تایوَه تیه	مارگارین - کره خارجی
margin n	مارجین	دهور - حاشیه - قه راخ	حاشیه، کناره کاغذ سفید
mark <sup>1</sup> n	مارک	په راویز، فەرق ئیشان - نمره - جی	تفاوت لکه، خط نشان، نمره شهر
mark <sup>2</sup> v	مارک	پولی ئالمان - موْر نمره دای - دیاری	اثر - هدف لکه دار کردن - خط زدن
market n	مارکت	که رده ی - عه لامه ت نان بازار - بازار و دوکان	بازار، سرخ
marry v	مَری	ماره کردن - زه ماوه ند	ازدواج کردن - عقد کردن
		که رده ی - شو دای	

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عروسی، ازدواج، نکاح	زه‌ماوه‌ند - شووکردن	مَریج	marriage <i>n</i>
مرداب، باتلاق	میرگه - میرگ - زه‌لاوه	مارش	marsh <i>n</i>
شهید	شه‌هید - کوژران یو خودا	مارتیر	martyr <i>n</i>
شهادت	شاده‌ت - شه‌هاده‌ت	مارتیردیم	martyrdom <i>n</i>
شگفت‌آور، عجیب، محشر	عه‌جایب - عه‌جه‌یوات	مارولوس	marvelous <i>adj</i>
جنس نر - مردانه	جنسی نیر - مه‌ردانه	مَسکولین	masculine <i>adj</i>
	پیاوسفته		
ماسک، نقاب	نه‌قاو - روویه‌ند	ماسک	mask <i>n</i>
	رووپوش		
توده، انبوه - جمعیت انبوه	کَلوپه - گروړه - گه	مَس	mass <i>n</i>
جرم - شام‌خو	لِیک - به‌شی‌زور		
کشتار کردن، قتل عام	ره‌گه‌زکوشی‌که‌رده‌ی	مَسیکِر	massacre <sup>1</sup> <i>v</i>
کردن	به‌تیکرا‌کوشتن		
قتل عام، کشتار دسته‌جمعی	گردکوشی - گشت‌کوژی	مَسیکِر	massacre <sup>2</sup> <i>n</i>
	کوشتار		
دکل، تیربوق	دار‌ته‌ل - تیره‌که‌کۆله‌که	مانست	mast <i>n</i>
ارباب، رئیس - آقا	ره‌ییس - سه‌روک - ئاغه	ماسټر	master <i>n</i>
حصیر، پوریاپادری	حه‌سیره - پالاوه‌ژی - قورگیر	مَت	mat <i>n</i>
کیریت، چوب‌کیریت، سفتیله	کر‌میت - شقار‌ته - گۆرد	مَچ	match <sup>1</sup> <i>n</i>
همانند - پراپر	فتیله، جوت، نه‌زیر		
مسابقه، رقابت	ته‌قالا‌حسا‌بیقه‌یکی‌به‌رکی	مَچ	match <sup>2</sup> <i>n</i>
	باش‌بوون - ریک‌بییه‌ی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جوړبون، مناسب بودن	جوړبیه ی - باش بوون	مَچ	match <sup>3</sup> v
دوست، همکار - چلت	رێک بیه ی لف - لنگه - ره فێق	میت	mate <sup>1</sup> n
لنگه	یار - دۆس		
چلتگیری کردن - وصلت	نزیکی که رده ی - ره فێق	میت	mate <sup>2</sup> v-n
همسر	تێکه ل بوون - لکای		
ماده، مصالح - پارچه کال	جنس - ماده - پارچه	مَتریل	material n
ریاضیات - علوم ریاضی	ریازی - ته ندازه وحه ساب	مَتمَتیکس	mathematics npl
ریاضی وابسته به آن	ریازی - ته ندازه وحه ساب	مَتمَتی کال	mathematical adj
سرپرستار بیمارستان - کدبانو	ژنی مودیر - ژنی مال	میترن	matron n
مدیر	ژه نی سهر په ره ستاره		
ماده - مطلب - چیز	ماده - چێو - چت - مه	مَتر	matter <sup>1</sup> n
زحمت، در دسر	تلوه - مه سه له - چلک		
مهم بودن - اهمیت	مهیم بیه ی - مهیم بوون	مَتر	matter <sup>2</sup> v-n
تشک خواب	دۆشه ک - دۆشه که	مَترس	mattress n
	چێرووز - ژیرخهر		
بالغ - کامل - سررسید	هازه و بالتی - یاوا - گه ییگ	میتور	mature adj
حداکثر، نهایت - اوج	نه هایه ت - ته وچ - ئاخو	مَکسی می	maximum <sup>1</sup> n
بیشترین، حداکثر	فره ترین - زۆرترین	مَکسی می	maximum <sup>2</sup> adj

بانته رین

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مه (ینجمین ماه سال میلادی)	مانگی په نجه می میلادی	می	may <sup>n</sup>
ممکن بودن - اجازه داشتن	مومکن بوون - ئیجازه دای	می	may <sup>v-n</sup>
امید داشتن - شاید	گه هاز - مومکینه		
شاید - ممکن است	مومکنه - گه هاز به نکه	می-بی	maybe <sup>adv</sup>
مرا، به من (ضمیر شخصی)	به من - په م - به ئه من	می	me <sup>pron</sup>
مفعولی)			
غذا، خوراک - بلغور	چاشتی - پیخۆر - په تله	میل	meal <sup>n</sup>
	ولۆشه - پرویش		
نامهربان، خسیس	پهس - رژد - په ست	مین	mean <sup>1 adj</sup>
معنی دادن - قصد داشتن	گه ره ک بیه ی - معنی دان	مین	mean <sup>2 v</sup>
معنی	مه عنا - مانا	مینینگ	meaning <sup>n</sup>
وسپله، راه، روش - پول	مال - چپو - وه سیله	مینز	means <sup>n</sup>
دارایی	ره وشت		
در این هنگام	له م کاته - چی وه خته نه	مین وایل	meanwhile <sup>adv, n</sup>
اندازه، لایحه، ارزیابی	ئه اندازه، کار، په یمانه	میزر	measure <sup>1 n</sup>
اندازه گرفتن، سنجیدن	ئه اندازه گرتن - ئه	میزر	measure <sup>2 v</sup>
	ندازه گرتی		
اندازه، پیمانه	ئه اندازه، په یمانه	میزرمنت	measurement <sup>n</sup>
گوشت (حلال)	گوشت	میت	meat <sup>n</sup>
مکانیک، تعمیرکار	مه کانیک - ته عمیرکه ر	مکانیک (میکانیک)	mechanic <sup>n</sup>
مکانیکی، خودکار	مه کانیکی - کار له سه ری	میکانیکل	mechanical <sup>adj</sup>
به طور مکانیکی	به جووری کاری ومه کانیکی	میکانیکالی	mechanically <sup>adv</sup>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مدال، نشان	نیشان - نیشانه	مدال	medal <i>n</i>
	مه‌داله		
پزشکی - دِلرو	ده‌رمان‌ده‌وای - چه‌کیمی	میدسن	medicine <i>n</i>
طبی، پزشکی	چه‌کیمی - پزشکی	میدیکال	medical <i>adj</i>
	دو‌گدوری		
متوسط، میانه‌سویه	وه‌سه‌ت - مابه‌ین	میدیم	medlum <i>adj</i>
اضمارکننده‌ارواح	وه‌سیله، محیط		
ملاقات کردن / شدن	ملاقات‌که‌رده‌ی - هَوَرته‌ق	میت	meet <i>v</i>
اشنا شدن	که‌رده‌ی - چاری‌که‌وتن		
جاسه‌بگرده‌م‌ایی - مجمع	پیوه‌ره - جه‌مو‌یه‌ی	میتینگ	meeting <i>n</i>
	کۆر - جه‌مگه، دیدار		
ملودی، آهنگ اصلی، نوا	ناهه‌نگ - به‌زم - مقام	میلدی	melody <i>n</i>
خربزه	خه‌ریزه - کاله‌ک	میلن	melon <i>n</i>
ذوب کردن / شدن	ئه‌وه‌تاوانای - تاواندن	میلت	melt <i>v</i>
حل کردن	ئاو‌که‌رده‌ی		
عضو (گروه / دسته) - اندام	ئه‌ندام - جمله‌به‌ش‌له‌ق	میمپر	member <i>n</i>
عضویت - وابستگی	جه‌جمله - له‌ئه‌ندام	میمپرشیپ	membership <i>n</i>
	جه‌رگه - مهربوت		
حافظه - خاطره، یادگار	زه‌ین و هوش - یاد	میموری	memory <i>n</i>
	ویرثامه - حافظه		
تهدید، خطر، آزار، عاب	خه‌ته‌ره‌ره‌شه‌ه‌ره‌شی	مینیس	menace <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مرمت کردن، تعمیر کردن	وه شو کهرده ی - خاسو کردن	مِند	mend <i>v</i>
روحي، برواني، دماغي، فكري	په واني - روحي خيالي - زه يني	مِنتال	mental <i>adj</i>
از نظر روحي - عقلاً	جه نه زه ره و روحي	مِنتالي	mentally <i>adv</i>
ذکر کردن - نام بردن	له باري په واني و نه قلی واته ی - وتن - نیشاره	مِین شین	mention <i>v</i>
منو، لیست غذا	کهرده ی - ناو بردن مینووت فهرس (ناو ناخن)	مین یو	menu <i>n</i>
فهرست امکانات	به رگی چیشته		
تاجر، بازرگان	تاجر مال خه ر بازارگان	مِرچینت	merchant <i>n</i>
جیوه، سیماپ، عطارد	جیوه زیوک شیشه پوش	مِرکیوری	mercury <i>n</i>
رحمت، بخشش، برکت، عفو	ره حم به زه ی - ره حمه ت	مِرسی	mercy <i>n</i>
رحیم، بخشنده - کریم	دل واز ره حم - کریم	مِرسی فول	merciful <i>adj</i>
از نظر بخشنده گی	سه خی - به خشه ر له روی مه رحه مه ت	مِرسی فولی	mercifully <i>adv</i>
سنگدل، بی رحم	لتف و کهرم بی ره حم - دل رق	مِرسی لیس	merciless <i>adj</i>
بی رحمانه	ناپیاو بی ره حمانه - به	مِرسی لیس	mercilessly <i>adv</i>
صرف، محض - تنها	دل ره شی بهس - جهوهر - به نا له بهر	لی مِیر	mere <i>adj</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فقط - صرفاً	فه قهت - ته نیاجه س	میرلی	merely <sup>adv</sup>
لیاقت، شایستگی، سزاوار	شایسته - لایق - قابل	میریت	merit <sup>1</sup> n
سزاوار بودن	سزاوارییهی - لایق بوون	میریت	merit <sup>2</sup> v
خوشحال، شادمان	شاد - سه رخۆش	میری	merry <sup>adj</sup>
	دلّ شاد - کوکمره ئامه ی		
شادمانه - از روی نشاط	شادمانه - به دلّ شادی	میری لی	merrily <sup>adv</sup>
	به وه شی و نیشات		
چرخ فلک	چه رخۆفله ک	میری گُروند	merry-go-round <sup>n</sup>
کتیف، نامرتب - خوراک	پیس - ناریک	میس	mess <sup>1</sup> n
مانده	بی نه زم - خوراک		
نامرتب، کتیف، درهم برهم	چه پهل - پیس شیرزی	مسی	messy <sup>adj</sup>
نامرتب کردن - بهم زدن	شیواندن - نامره ته ب	میس	mess <sup>2</sup> v
	کهرده ی - شیونای		
پیام، پیغام	پیخام - پیغام	مسی ج	message <sup>n</sup>
فرستاده، پیامبر - قاصد	پیخام بهر - پیغام گه یین	میسین چر	messenger <sup>n</sup>
فلز - سنگ فرش	فلز - توهنی پهی توهن	میتل	metal <sup>1</sup> n
	فه رشی، بهر دقه رش		
فلزی	فلزی	میتل	metal <sup>2</sup> adj
کتبۆر - مصروف نما	کوتتۆر - حه ساوگهر	میتیر	meter <sup>n</sup>
وزن شعر	مه سرف ویژ		
مُتدروس، طریقه، نظم	متۆد - رهوش - شیوه	میتۆد	method <sup>n</sup>
	ته رِیقه ونه زم		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
متر (۱۰۰- cm)	مِتر - متر - گه زه‌ی	میتَر	metre <i>n</i>
متری، متریک، اندازهای	مِتری - متری	میتَرِیک	metric <i>adj</i>
میو (صدای گریه)	میاو - ده نگو کتّی	میوو	miaow <i>v</i>
کامپیوتر کوچک	کامپیوتری بچوک	میکرو کامپیوتر (مایکرو کامپیوتر)	microcomputer <i>n</i>
رایانه کوچک	(وردی)		
میکروفون لفظ فرانسه	میکروفون - ده‌نگ‌گیر	مایکروفون	microphone <i>n</i>
صدابَر	وه سیلیوه‌ته مواجّی		
هواشناسی	سه‌وتیّ مه‌گیر وه‌ه واناسی مِتئور و جیکال		meteorological <i>n</i>
میکروسکوپ (فرانسه)	وه سیلیوه چیویّ نه	مایکروسکوپ	microscope <i>n</i>
	وینیای ئی شانمه‌دو		
نیمروز، ظهر، ظهري	نیمه‌رو - نیوه‌رو	میدی	midday <i>n</i>
میان، وسط، مرکز	ناوه‌راست - به‌ین	میدل	middle <sup>1</sup> <i>n</i>
	دلی‌راسه - ناوه‌ند		
میانه، متوسط، وسطی	وه‌سه‌ت - میانه	میدل	middle <sup>2</sup> <i>adj</i>
	ما به‌ین		
لیمه شب	نیمه‌شه‌و - شه‌وگار	میدنایت	midnight <i>n</i>
	زره‌نگیای		
قدرت، نیرو، زور	قوهرت - هیژ - قوه‌زور	مایت	might <sup>2</sup> <i>n</i>
مقتدر، نیرومند - زیاد	به‌هیژ - گوربز - وه‌کار	مایتی	mighty <i>adj</i>
	شه‌جیع		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوچ / مهاجرت کردن	کوچ کەردە ی - بار	مای گریٲ	migrate <sup>v</sup>
کوچ، مهاجرت	کوچ کەردە ی - کوچ کردن کوچ - بارکەری	مای گریشن	migration <sup>n</sup>
آرام، ملایم - نرم	جی به جی بون (ناخ کوچ!) نارام - نه من - مه لایم - نتم	مایلد	mild <sup>adj</sup>
مایل لفظ فرانسه	پیمه ریوه وه رانوهه	مایل	mile <sup>n</sup>
برابر با ۱۶۰۰ متر	به هه زار و ششسه دمتري		
نظامی - نظامیان - ژاندارم	نیزامی و سهربازی	های لی تری	military <sup>adj</sup>
شیر (حیوانی) - دوشیدن	شۆب - شیر	میلک	milk <sup>1</sup> <sup>n</sup>
شیرفروش	شیر فروش - شۆت	میلک من	milkman <sup>n</sup>
	وره ش		
شیردوشیدن	شیردۆشین - شۆت	میلک	milk <sup>2</sup> <sup>vt</sup>
	دۆشای (خه فەت بـسۆچی)		
اسیاب - کارخانه، کارگاه	ناش - ناساو - کارخانه	میل	mill <sup>n</sup>
	- هاره - ددانه		
لوزان	هه رزان و تالان	میلیت	million <sup>n</sup>
میلیون	میلیون - ملوین - هه زار	میلیون	million <sup>n, adj</sup>
	- هه زاری	(هراپین)	
میلیونر، پولدار	ملیۆتر - دارا - پولدار	میلینیر	millionaire <sup>n</sup>
بالیامه و اشارە مێهاندن،	گالۆگه سه ی - نیشاره، لاساوی	مایم	mime <sup>n</sup>
مقلد	کردن (که رده ی)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دلنک بازی دراوردن	عیفال پەر ئە وردە ی	مای میک	mimic <sup>v</sup>
نقلیدی	ئاسانیی کەردە ی دەم و چا و		
	لار و کردن، لاساوی		
ادا، تقلید - مسخره	عیفالی - ئاسانی، لاساوی	مای میک	mimic <sup>n</sup>
	دەم لار کەری - تەقلید		
گوشت چرخ کردن - قیمه	قیمه - گوشت چەرخ	مینس	mince <sup>1 v</sup>
کردن	کردن - ورد کەردە ی		
گوشت چرخ کرده	گوشتی ورد کریا	مینس	mince <sup>2 n-v</sup>
با ناز سخن گفتن	گوشتی چە رخ کرا و		
اندیشه فکری، نظر، هوش	فکرویر - نە زەر نیە ت	ماین	mind <sup>1 n</sup>
مراقب / مواظب بودن - نفوت	هوشیارایی - یاد	ماین	mind <sup>2 v</sup>
داشتن، متنفذ بودن، توجه	ئە وردە ی - چا و دێری		
کردن	کردن بیزایی - دوری کردن		
مال من (ضمیمه ملکی شخصی)	ئێ نی من - ئێ نوو ئە	ماین	mine <sup>1 n-pron</sup>
	من - مالی من		
کان، معدن - مین	کانگه - مە عەدەن - کان	ماین (مین)	mine <sup>2 n</sup>
	سەر چا وە بیلە بە نگە مین		
برای استخراج حفر کردن	دە رها و ردن - کە ندن	ماین	mine <sup>3 v</sup>
مین گذاری کردن	زە مین کە نە ی - کبیرە رە نە دای		
معدنچی	کانچی مە عەدەنچی کان کەن	ماینر	miner <sup>n</sup>

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
معدنی - کانی	کانی - مه عده نی	مینرال	mineral <i>n</i>
آب معدنی - آب چشمه	ئاوی مه عده نی - ئاوی	مینرال واتر	mineral water <i>n</i>
مینیا تور خاşı کوچک شده	چه مه ی - ئاوی کانی مینیا تور نه قاشی	مینیاچر	miniature <i>adj</i>
	بجووک نه قاشی وردی		
	ئه وه کریا (خه ریوی مه رگه ن)		
حداقل - باین ترین	که مترین - که مترین	مینی می	minimum <sup>1</sup> <i>n</i>
کمترین	خوارترین - وارته رین	مینی می	minimum <sup>2</sup> <i>adj</i>
وزیر کشیش، کاردار	وه زیر - که شیش	مینی ستر	minister <i>n</i>
وزارت خانه، وزارت	وه زاره ت خانه - کوَری	مینی	ministry <i>n</i>
	وه زیران - کوگا ووه زیران	ستیزی	
جزئی، کوچکتر - مختصر	وردی بجووک ببریوه	مای نر	minor <i>adj</i>
اقلیت (نژادی، ملی)	به شی که م مه رد می که م	مای نریتی	minority <i>n</i>
(در غم حساب) منها	به مینها - که م کرد نه وه	مای نیس	minus <i>prep</i>
منفی (-)			
دقیقه - یادداشت	کات - تاوه ی - ده قه	مینی ت	minute <sup>1</sup> <i>n</i>
صورت جلسه	ده ییقه		
ریز، خیلی کوچک - ناچیز	فره بجووک - فره ورد	مینی ت	minute <sup>1</sup> <i>adj</i>
	نه خته ی - زورچکۆله		
معجزه - کار عجیب	مَوْجزه - عه جه بیات	میرکل	miracle <i>n</i>
شگفت انگیز - معجزه نما	سه رسو ورمان - عه جه یواتی	میرکیولس	miraculous <i>adj</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به طور حیرت انگیز	به جوّری سه‌ر سوورمان	میرکیولس لی	miraculously <i>adv.</i>
آینه - جام	ئاوینه - ئهینه - جام	مای پر	mirror <i>n</i>
بدرفتاری کردن	خراوه کرده‌ی د‌روست	میس‌بی‌ه‌یو	misbehave <i>v</i>
بی ادبی کردن	ره‌فتار نه کردن		
اذیت، شیطنت، شرارت	فیتنه - دووزان	میس چیف	mischief <i>n</i>
فتنه	ئه‌زیه ت - ناپیاگی		
شیطان‌مودی - مفسر	زول‌شیتان، فیتنه	میس چی‌وس	mischievous <i>adj</i>
تخس	جه‌له‌ب - ناساق (جاش)		
درماندگی، بیچارگی، رنج	به دبه‌ختی - سیاچاره	می‌زری	misery <i>n</i>
	داماگی - بی‌شانسی		
ناراحت‌کننده - بدبخت	بیچاره - به دبه‌خت	می‌زربیل	miserable <i>adj</i>
پست، مسخ‌روز	سووک - سیا‌به‌خت		
بدبختی، بدشانسی	به دشانسی - په‌ی نه‌وری	میزفورچن	misfortune <i>n</i>
	داماگی		
آر دسب دادن، اصبابت نکردن	گم کرده‌ی - جه‌ده‌س شیه‌ی	میس	miss <i>v</i>
گم کردن، مفقود ساختن	نه‌پیکای (نه‌پیکان) - خه‌تانه‌ی		
دلتنگ شدن، غم‌خیزیدن	بگاردن - ویارای جه‌چه‌م - نیاوای		
عنوانی برای دختر / زن	وشه‌ی تایبته بوکچ	میس	miss <i>n</i>
	که‌لیمی‌په‌ی چریه‌و کناچی		
دیتاب شه‌نده، مخرب - کلونه	سوز‌شیک - جیمی‌تک	می‌سایل‌می‌میل	missile <i>n</i>
	ومه‌دان‌ده‌ر - سوز‌و‌س‌ر		

h      m      n      u      l      r      J      w  
how    man    no    sing    leg    red    yes    wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مبلغ مذهبی-مامور	قسه کهری ئایینی	می‌شین ری	missionary <sup>n</sup>
محل ماموریت مبلغین-تبلیغ	واچه‌ری مه‌زه‌وی-کیانیا		
دفتر سیاسی-سفارت	ده‌عوته - باس کهرد	می‌شن	mission <sup>n</sup>
	یاگی کیانیا مه‌زه		
	ویدکان - ده‌عوته		
مه - مه‌گرفتن	مژ - ته‌مه - ته‌م‌داگرتن	می‌ست	mist <sup>n-vi</sup>
مه‌الود - تاریک	ته‌مه‌رو - مژاوی	می‌ستی	misty <sup>adj</sup>
	ته‌مه‌داره - ته‌م‌گرتو		
خطا، اشتباه، غلط	هه‌له - خه‌تا - لار	می‌س‌تیک	mistake <sup>1 n</sup>
	نادروس		
اشتباه کردن / گرفتن	هه‌له‌چوون - نه	می‌س‌تیک	mistake <sup>2 v</sup>
	زانای - خه‌تالوای		
معمله، معلم‌زن-مذیر	ژه‌نی ده‌رزواجه - ژنی	می‌س‌تریس	mistress <sup>n</sup>
	فیرکهر، مودیری ژن		
مرهم، آمیختن، مخلوط کردن	تیکه‌ل کردن - ئامیته	می‌کس	mix <sup>v</sup>
	کهرده‌ی		
مخلوط، ترکیب، معجون	تیکه‌ل - ئامیته	می‌کس‌چر	mixture <sup>n</sup>
	ئاویته		
(از درد) نالیدن، ناله کردن	نالین - نالای	مون	moan <sup>v</sup>
نال، آه و ناله، نالوی	پرخه - ناله - ئاه و ناله	مون	moan <sup>n</sup>
	ئاه و نالوله، رو، زاری		

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
mock <sup>v</sup>	ماک	په نه خوای بچووک	مسخره کردن - ریشخند گرفتن
model <sup>1</sup> <sub>n</sub>	مادل	ژمیردن هه تک که رده ی موڊل - نمونه - قالب	خوار شمردن نمونه، ماکت - قالب
model <sup>2</sup> <sub>v</sub>	مادل	سه رمه شق دروست کردن - قالب مته ی	مدل، نمونه ساختن
model <sup>3</sup> <sub>adj</sub>	مادل	نمونه وهش که رده ی نه خشه - ته رح و نمونه	طرح ریختن طرح، مدل - قالب، الگو
moderate <sub>adj</sub>	مادریت	وه سه ت - میانه	متوسط، معتدل - ملایم
moderately <sub>adv</sub>	مادریتلی	ئارام و نه مین به جوړی میانه	به طور متوسط - بااندازا
modern <sub>adj</sub>	مادیرن	نه کهم و نه زیاد تازه و نو - موڊرن	مدرن، نو، جدید - امروزی
modest <sub>adj</sub>	مادیست	نتم - به شهرم و حه یا سه روز - نه رانه ندده	متواضع، فروتن - باحیا
modesty <sub>n</sub>	مادیستی	به شه رمی - سه ر نه ره وزی - نتمی و حه یا	فروتنی، تواضع - شرم
moist <sub>adj</sub>	مئویست (مایست)	ته ر - فیسیا - نمناک	موقر خیس، مرطوب - بارانی
moisture <sub>n</sub>	مئویس چر	نم - نمناکی - نه م	رطوبت - نم - خیس
mole <sup>1</sup> <sub>n</sub>	مئول (مبول)	مووش کویره - مووشه کویره	موش کور - خال
mole - hill <sub>n</sub>	مئول هیل	ته په مووش - ته پوله مووش	تل خاکی موش کور
mole <sup>2</sup> <sub>n</sub>	مئول (مبول)	خال - خاله - لپ مار	خال - موج شکن
		شه پۆل گیر	

ʌ	ɜː	ə	eɪ	u	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مولکول - ذره	مول و لکول - زه ره بریزه	مۆلۆکیۆل	molecule <i>n</i>
لحظه، دم، آن، پو، هه، بیره	تاویکات - سات - ده م	مۆوینت	moment <i>n</i>
شاه، ملکه، سلطان	شا - شازن - شازنه نی	مۆویک	monarch <i>n</i>
سلطنتی - پادشاهی	سه لته نه تی - پادشایی	مۆویکی	monarchy <i>n</i>
دیر، صومعه - خانقاه	خانه قاهور مزگاه - دیل	مۆویس تری	monastery <i>n</i>
دوشنبه	دو و شه ممه - دو و شه مه	ماندی	monday <i>n</i>
سکه، پول، اسکناس، مال	سکی - پیوول - زه - مال	مانی	money <i>n</i>
کشیش - راهب	دنیا و هردا - هورمزبان	مانک	monk <i>n</i>
	چله کیش - کلیسا دار و عه بدال		
میمون	مه یمون - تخمه شیتان	مانکی	monkey <i>n</i>
یکنواختی - یکجوری	یه ک جوری -	مانیونی	monotony <i>n</i>
	وه که یه ک	(مانیتونی)	
یکنواخت - بی تنوع	پسه یو - یه ک جور	میناتیس	monotonous <i>adj</i>
باد موسمی - فصل بارندگی	وه رزه و - سه بوون	مان سوون	monsoon <i>n</i>
	بای فله سلی		
غول، هیولا - جانور بزرگ	غول - حول - ده عبا	مانستر	monster <i>n</i>
دیو	میرده زمه، دیو		
مهیپ، ترسناک - گنده	دیو ئاسا - ترسینه ر	مانسترس	monstrous <i>adj</i>
	ده شه تدار، زورزل		
ماه	مانت - مانگ - مانگیوه	مانت	month <i>n</i>
ماهانه / ماهانه	مانگانه مانگ و مانگ مانگی	مانتلی	monthly <i>adj</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اثر تاریخی-یادگاری	یادگاری، تاریخی-دیاری	مانیومننت	monument <i>n</i>
یادمان	جی ماوی میژوویی		
صدای گاو در آوردن	ده نگووگای بهرئه ورده ی	موو	moo <i>v</i>
	پورنای (پورانندن) وه کگا، ماما...		
حالت، روحیه - خلق	خولق و خو - حال و	موود	mood <i>n</i>
وجه	وه زع - حدوسه له		
ماه، گره ماه	مانگ - مانگه و	مون	moon <i>n</i>
	ناسمانی - شه وقه		
مهتاب - نور ماه	مانگه شه و - تریفه و	مون لایب	moonlight <i>n</i>
	مانگی - شه وقه مانگ		
لنگر انداختن - بستن کشتی	مه زاکشی له نگره و سه ی	موزور	moor <i>v-n</i>
عرب مراکش	به ستن - باهیر		
نتیجه اخلاقی-روحیه، وجدانی	ئخلاقی-پایه ی ئخلاق	ماپل (منوول)	moral <i>n</i>
بیشتر - زیادتر	فره تهر - زورتر - فره تر	مُر	more <i>n</i>
صبح - باعداد	سۆح - سوپح - به یان	مُرینک	morning <i>n</i>
الغای مورس برای کورها	ئه لغبای مورس بو کویران	مُرس کُد	morse code <i>n</i>
پشه مالاریا	توفانی - په خشه - خاکه	ماس کیتو	mosquito <i>n</i>
خزه - گیاه بی گل	خزه - جوړه گیاهه ک بی گول	ماس (موس)	moss <i>n</i>
بیشترین-خیلی، اکثر	فره ترین - زورترین	مانست، مئوسب	most <i>n</i>
	چه گردی فره تهر		
کامل، خیلی، عمدتاً	به ته وای - یه کسه ر	مانستی	mostly <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شب پره - پینه پروانه	ساس - قهَر نه وه ره - په پوله	مات	moth <i>n</i>
مادر مهربان، مادر وار	شه ولبیاس خور شه وپه	مویر	mother <i>n</i>
مادر زن / مادر شوهر	ئه دا دا یک دالکه، دایه	مویراین ل	mother - in - law <i>n</i>
حرکت - جنبش - اشاره	هه سروه - خه سوو	موشین	motion <i>n</i>
بی حرکت - بی جنبش	دایکی شوو - ئه داوشووی	موشین	motionless <i>adj</i>
محرك، سبب، انگیزه - علت	بزووت، ئی شاره ت	موتوین لِس	motive <i>n</i>
موتور، ماشین، محرك	جمه - جوین - جولیا	موتو	motor <i>n</i>
قایق موتوری	سه به به - جوینه ر	موتور - موتو	motorboat <i>n</i>
اتومبیل - ماشین	ماشین - بجوینه ر - داجوین	موتور بَت	motor car <i>n</i>
موتور سیکلت	قایقی موتو - ئی - ئا و گیلی	موتور کار	motorcycle <i>n</i>
اتومبیل بان، راننده	موتو تر دار - قه یاخ موتو	موتور ساییکل	motorist <i>n</i>
اتوبان	خوچو - وی لوا	موتور یست	motor way ::
قالب دادن، قالب ریختن	ترومبیل - ماشین	موتو	mould <i>l v</i>
	ران - شفور	موتو ری	
	ری ئی نازاد - تئو بان	موتو	
	قالب مته ی - قالب خستن	موتو	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
قالب، ریخت - ترکیب	قالب - پیژە ک	متولد	mould <sup>2</sup> n
کپک - کپکزدن	یاگەشیو - شکل دەر کەرە - کەرە رێ نانی	متولد	mould <sup>3</sup> vi
کبکی - کپکزده	کەرە دار - کەرە نه ورده	متولدی	mouldy adj
تل، تل خاک - خاکریز	تە پۆلە خاک - تە پە خاک	ماوند(متوند)	mound n
بالا رفتن از - سوار شدن	سەرلوای - سەر جوون	ماونت(متونت)	mount <sup>1</sup> v
کوه - تپه	کەژ - کێو - کەش	ماونت(متوننت)	mount <sup>2</sup> n
کوه - کوهستان	کەژ - کوستان، کوستان	متونین	mountain n
سوگواری کردن - ماتم گرفتن	پەرسە گرتە ی - گره وای	متورن	mourn v
غم خوردن	زاری کردن، رو کردن	(مژن)	
عزای سوگواری	پەرسە گرتە ی - پەرسە گرتن	مُرنینگ	mourning n
	پرسه - سیا پوشی		
موش - ترسو	مشک مەلە، بی زات	موس-ماوس	mouse n
سیبل	سوئیلی - سمیل	میستاش	moustache n
	سوئل		
دهان - دهانه - پوز	دەم - ناودەم - پۆزی	ماوزمات	mouth n
لقمه، قلمپ، خیلی کم	تیکە - تیکە چاشت، گولمە ی	ماوزفول	mouthful n
جابجا شدن / کردن	ئەو وەرایی - جیبە	موو	move v
راهی شدن	جی کردن، گۆران		
حرکت، جنبش، نقل و انتقال	جولانەو - تکانه	موومنت	movement n
قطعه موسیقی	جولنای - تە کان، گوزین		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put too

فارسی	کُرْدی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چمن زدن - علف چیدن	دره و کهرده ی - قرتاندن	مو	mow <sup>v</sup>
	کولۆ کردن - که نه ی		
آقا - مرد	ئاغه - که لیمی تاییه	میسټر (مستر)	mr <sup>n</sup>
	ته په ی پیای وشه ی پیاو		
خانم - زن	وشه ی تاییه ت بوژن	می سیز	mrs <sup>n</sup>
	کلیمی په ی ژه نی - خانم		
بسیار، خیلی، زیاد - اغلب	فره - زۆر - زیاد	ماچ	much <sup>adv-adj</sup>
گل زمین گلی - لجن	هه ره قور سه ره رگ، زه ل	ماد	mud <sup>n</sup>
گل آلودگی	هه راوی - قوراوی هه رگی	مادی	muddy <sup>adj</sup>
قاطی، گیج - درهم برهم	شیو نا - تیک دا، شیرزی	مادل	muddle <sup>1 n</sup>
	شیواندنه وه		
درهم و درهم کردن	تیک دای (دان) - شیوندان	مادل	muddle <sup>2 v</sup>
لیوان بشکه ای - بخوری	ئابجو وه ری - لیوانی	ماگ	mug <sup>n</sup>
	ئاوجو خوری وده سته دار		
قاطر - آستر	قاتره سه سه ره هیسر	میول	mule <sup>n</sup>
ضرب کردن زیاد شدن	زهر پ کهرده ی (کردن) لیدیه ی	مالتی پلی	multiply <sup>v</sup>
ضرب افزایش زیاد ولد	لیده زهر پ، زیابون	مالتی پلی کیشن	multiplication <sup>n</sup>
زیربلب زمزمه کردن	رینگه رینگ که رده ی	مام پل	mumble <sup>v-n</sup>
زۆ زدن	بو له که رده ی - چو ته کردن		
مامی، ماما - سنه	دایک - نه دا دایه، دالکه	مامی	mummy <sup>n</sup>
ورم غده بناگوش، اوربون	نالنگه گوش - لکه	مام پس	mumps <sup>n</sup>
	گوی - ئوریون		

Λ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به قتل رساندن، کشتن	کوشتن - کوشتنه ی	مردِر	<b>murder</b> <sup>1</sup> v
قاتل، آدمکش - خونی	قاتل - ئنسان کوژ	مردِرِر	<b>murderer</b> n
قتل، آدمکشی	قه تل - ئنسان کوشی	مردِر	<b>murder</b> <sup>2</sup> n
زمزمه کردن - غوغا کردن	گمه گم که رده ی (بو له بول)	مِرِمِر	<b>murmur</b> v
زمزمه - غوغا - بیج بیج	چوته چوت کردن گمه گم - چوته، بو له	مِرِمِر	<b>murmur</b> n
رینه - مره	رینگه - مره		
ماهیچه، عضله، زور بازو	مه یچه - گوشته	ماسل	<b>muscle</b> n
موزه	ماهیچه، هیزی له ش مووزه - یاگی بیناو	میوزیم	<b>museum</b> n
قارچ، رشد سریع	چیوه تاریخیان کارگه له لچی - قارچک	ماش رُم	<b>mushroom</b> n
موسیقی، آنت موسیقی، آهنگ	موسیکا - لولی	میوزیک	<b>music</b> n
موسیقایی - خوش آهنگ	موسیقایی - موسیکا	میوزیکال	<b>musical</b> adj
آهنگساز، نوازنده	لووله ژهن - موسیقارهن	میوزیشن	<b>musician</b> n
مسلمان - اسلامی	موسیقاییده ر مسلمان	موسلیم	<b>muslim</b> n, adj
به عنوان فعلی کمکی و به	ئه یوای مه شیای - ئه بی	ماست	<b>must</b> v
معنی ضرورت و بایستن	ده پا		
خردل - نوعی چاشنی	خه ردل - تونه گیا	ماسترد	<b>mustard</b> n
	تونه گیوان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زیولب زمزمه کردن	پچه پچ کهرده ی	ماتیر	<b>mutter</b> <i>v</i>
نق زدن	چوته کردن، بۆله کردن		
گوشت گوسفند	گوشتی می - گوشتو	ماتین	<b>mutton</b> <i>n</i>
	مدیی (مهر)		
مال من (صفت ملکی)	مالی من - ئینو نه من	مای	<b>my</b> <i>adj</i>
	مالامی		
خودم (ضمیر انعکاسی)	خۆم - ویم - به خۆم	مای بلف	<b>myself</b> <i>pron</i>
رمز، راز، سر	راز - رازی - سر	میستری	<b>mystery</b> <i>n</i>
اسرارآمیز، مرموز	پیراز - دلّی دار	میستریس	<b>mysterious</b> <i>adj</i>
	سردار		
اهل تصوف و عرفان	تاقمه و سوْفیان	سیس تیک	<b>mystic</b> <i>n</i>
	خانه قاداران		
تصوف - درویشی	سوْفی گه ری مهردی	میس نی	<b>mysticism</b> <i>n</i>
	شای بوخارادرویشی	سبزم	
افسانه - اسطوره	ئه فسانه - قسه ی بی بئه	میت	<b>myth</b> <i>n</i>
	رازی - چتانی خیالی		
افسانه نویس - اسطوره دان	ئه فسانه نویس	میتولجیست	<b>mythologist</b> <i>n</i>
	(نووسه ری ئه فسانه)	(میتال)	
تاریخ اساطیر - افسانه	ئه فسانه میتۆری خود ایان	میتۆلۆجی	<b>mythology</b> <i>mpi</i>
نوعی غده وپروسی	جوْره لکّی وپروسی	میکسیتۆزیس	<b>myxomatosis</b> <i>n</i>
	تالنگی		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English

myrawly *npl*

میراوی

کوردانی جاف

نام طایفه‌ای از کُردان جاف

mynaxatoumlna *n*

میناخاتومینا

له جوانرویان شاره‌زور

در اورامانات

myxcocete

میکسویت

کارگی چه پهل

نام زنان لُرد کُرد

قارچ لجن

هه لچه جنانی



هه‌سەر پرۆیز



اروشیر دوه



هه‌سەر جهام



تیرداد دوم

بهرام چوبین در هه‌سەر یا بهرام کرمانشاه



MINOTAUR

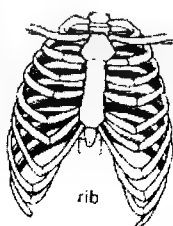
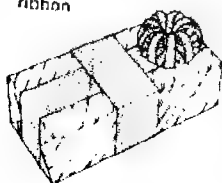


MICROMETER

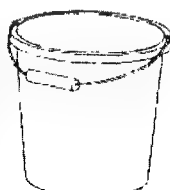


MONKEY WRENCH

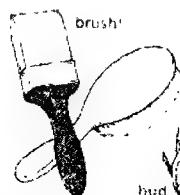
ribbon



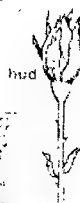
rib



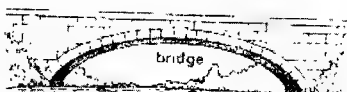
bucket



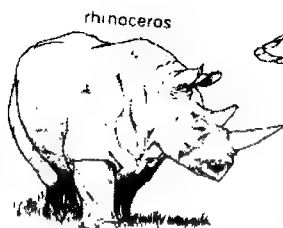
brush



bud



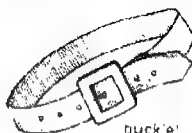
bridge



rhinoceros



ring



buckle



briefcase

۴-۶۳۱



سیر ز دوم





N

n

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چهاردهمین حرف الفباء	چواردهمین پیتی ته لنبأ	لن	N
دیدەنشده - ندید	ته بیهتر او - نه ویشا	ناریار	nadiar <sup>۱</sup>
نام - اسم	ناو - نامی	ناو	naw <sup>n</sup>
انار	هه نار - نار	نار	nar <sup>n</sup>
دستگیر کردن	گرتن - گرتە ی	نَب	nab <sup>n</sup>
سوزن کوفتن / غۆ / نۆزەن	ته شهردای - نه ره کوا ی، یا بو	نَگ	nag <sup>v</sup>
میخ - ناخن	بزماری بزماری - ناخون	نیل	nail <sup>1</sup> <sup>n</sup>
میخ کردن / زدن	میخ وه نه دای - میخ	نیل	nail <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	لیدان		
لخت، برهنه، بدون حفاظ	رووت - بی لباس - به	نِ یکید	naked <sup>adj</sup>
	ره للاً - ناشکرا		
نام، اسم، شهرت	ناو - نامی	نیم	name <sup>1</sup> <sup>n</sup>
نامیدن، نام گذاشتن	ناوینان - نامه نیای زه وروی	نیم	name <sup>2</sup> <sup>v</sup>
یعنی، به عبارت دیگر	یانی - به عنی، نه وکه ی، یاری	نیهلی	namely <sup>adv</sup>
تهه، پرستار بچه - دایه	دایه ده داده دی، دیدی	نئی	nanny <sup>n</sup>
چۆت، خواب غیلوله / سبک	وه نۆزی سووکهره رم (خاو)	نَب	nap <sup>n</sup>

h m n ŋ l i J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دستمال سفره-کهنه بچه	ده سمال - په رو	نَپ کین	napkin <i>n</i>
کهنه بچه	پورشه کی منال په روزه ورو	نَپی	nappy <i>n</i>
باریک، تنگ، محدود	ته نک - باریک، ته نگ - ناپان، کو تا فکر	نَرو (ترو)	narrow <i>adj</i>
متعصب	پیس - خراو - ویتال	نامتی	nasty <i>adj</i>
ناخوشایند، ناپسندزشت	ملهت - نه ته وه	نی شن	nation <i>n</i>
ملی - قوم - امت	مللی - گشتی - په یگرد	نشال	national <i>adj</i>
ملی - تبعه - شهروند	ملیهت دانشتو - نه ته وه	نشالیتی	nationality <i>n</i>
ملیت، تابعیت ملی و قومی	خه لک - زاده - خولقی	نیتو	native <sup>1</sup> <i>n</i>
اهل - فطری، ذاتی	جی زاد		
بومی، مادری - محلی	دایکی - سه ربه دای	نیتو	native <sup>2</sup> <i>adj</i>
طبیعت - خصلت، خوی - ذات	بومی و خوئی ته بیعت - خولق	نِ بچرناچر	nature <i>n</i>
	خو - زات، جوړ		
طبیعی - عادی، متداول	سروشتی مزاتی - ته بیعی، نوت	نچرال	natural <i>adj</i>
به طور طبیعی - فطرتا	به جوړی سروشتی	نچرالی	naturally <i>adv</i>
ذاتا	به ساده یی و عادی		
بدرفتار، شلوغکار - شیطان -	شیطان نادروس، توخس	نئی	naughty <i>adj</i>
نَسز	نا پاک - نه حس		

i:    ɪ    e    æ    a:    ɒ    ɔ:    u    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باشیظنت - بابداتی	به ناپاکی - به شه‌پ	ئشی لی	naughtily <i>adv</i>
	و شور - به به دجنسی		
دریانوردی / هوانوردی کردن	ده لیا گهردی - هه و ا گهردی	نیوی گیت	navigate <i>v</i>
دریا / هوانوردی - ناوبری	که شتی گهردی - ده لیا داری	نیوی گیشن	navigation <i>n</i>
ناوگان جنگی - نیروی دریایی	هیزی ده لیایی - که شتی	نیوی	navy <i>n</i>
ابی سیر - شرمه‌ای	جه نگیه کانی هیزی ده لیایی		(navyblue)
دریانی - دریانوردی	سه‌ر به هیزی ده لیایی	نیپول	naval <i>adj</i>
نزدیک - صمیمی	نزیك - گیانی	نیر	near <i>adj, adv, prep</i>
همجوار - دم‌دست	له پال ده‌س - جه پال ده‌س، کن	نیربایی	nearby <i>adj, adv</i>
تقریباً کم و بیش	نزیك به - ته قریبه‌ن	نیرلی	nearly <i>adv</i>
تمیز، مرتب - پاکیزه	پاک و ته میس - ریک و پیک	نیت	neat <i>adj</i>
به طور مرتب - باسلیقه	به جووری مره‌ته‌ب	نیت لی	neatly <i>adv</i>
ضروری، لازم - چیز لازم	لازم - واجب - زه‌رووری	ن سپیری	necessary <i>adj</i>
ضرورت، احتیاج - لزوم	ئاتاج - زه‌روور - نیاز	نی میستی	necessity <i>n</i>
گردن - گردنه	مل	نیک	neck <i>n</i>
گردنبند گلوند	ملوه‌نی - ملوانکه	نیک لیس	necklace <i>n</i>
	ملوه‌ن - ته‌وقه		
محتاج - نیاز	نیازدار - محتاج	نید	need <sup>1</sup> <i>n</i>
	ئاتاج		
نیاز داشتن - بایستن	نیازبیه‌ی - نیازبوون	نید	need <sup>2</sup> <i>v</i>
	پیویست بوون		
سوزن	چه‌نی - ده‌رزی - سووژن	نیدل	needle <i>n</i>

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نگاتیو - منفی - ولرونه	مه نفی - سه ره ووار	نِگِیو	negative <i>n</i>
نادیده انگاشتن - غفلت کردن	سه ره وژیر گوش په نه نه دای	نِگِی لَکت	neglect <sup>1</sup> <i>v</i>
غفلت - بی توجهی	گوی بی نه دان بی ناز - بی چاودیری	نِگِی لَکت	neglect <sup>2</sup> <i>n</i>
کوتاهی - قصور	غافلئ		
سیاهبوست - کاکاسیا	زه نگی - سیایست	نِگِرو	negro <i>n</i>
سیاهبوست زن	رهش پوس و ئافریقای ژنی سیایست - زه نی	نِگِرس	negress <i>n</i>
همسایه - همنوع	رهش پوسه هاوسا - هامسا، له کن	نِیِر	neighbour <i>n</i>
بغل دست	جیران - هاومال، جه پال		
همسایگی - همجواری، محله	هاوسایی - هامسایی	نِی بره د	neighbourhood <i>n</i>
حوالی - نزدیکی	هاومالئ، محله و گه رک		
نه این نه آن - هیچیک	هیچکام - هیچکامئ	ناییدر	neither <i>n</i>
از آن دو - هیچکدام	حه رحیح		
پسر برادر - خواهر	کور و والئ - کورئ	نِویو	nephew <i>n</i>
پسرخواهر شوهر برادر زن	خوشک - برازا - والّه زا		
عصبی - برگ - خونسردی	عه سه ب ده مار س نه یه مه ژگ	نِرو	nerve <i>n</i>
توسیده - بی قرار - ناآرام	ترسیا گئی قه رار ده س پاچه	نِروس	nervous <i>adj</i>
عصبی	ته رسیا و توره		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بابی قراری - باهالت عصبی	به بی قراری به بی سه بری	نرولسی	nervously <i>adv</i>
لانه - اشپانه (هیوانات)	لیانه - پهروه رده گا	نِست	nest <i>n</i>
یک دست (گارد)	هیلانه، دهسته		
تور (ماهیگیری، ...) - دام	تور - ته لَی داو، ناخری	نِت	net <i>n</i>
شبکه (راهن، ...) - خطوط	تور - کلۆ په رای	نِت وِرک	network <i>n</i>
شبکه تلویزیون	کۆمه له ری شه به که وه ک		
	(رادیو - قه تار)		
هرگز، هیچوقت - ابدأ	حه جگیز، هیچ وه خت - قه ت	نور	never <i>adj</i>
اما، هنوز، با وجود این	هیچتا کوو - هیماریج	نیوریلِس	nevertheless <i>adv</i>
	چینه بیج ویده رده - ئی ستایج		
جدید، نو، برای اولین مرتبه	نوه - تازه - نو به ر	نیوو	new <i>adj</i>
تازگی، اخیراً	تازه بی - چی وه خته نه	نیولی	newly <i>adv</i>
اخبار - خبر	ده نگ و باس - خه به ر	نیویز	news <i>n</i>
روزنامه، هفته نامه	روژنامه - رو نامه	نیویزپپر	newspaper <i>n</i>
	حه و ته نامه		
بعدی - بار دیگر	دوایی داها توو، جاری تر	نیکست	next <i>adj, adv</i>
بعد	دماوه - پال - له کن		
گاز / دندان زدن	گاز گرتی (گرتن) - لا گاز	نیبل	nibble <i>u</i>
کم کم خوردن	که رده ی، هیواش خواردن		
دلپذیر، خوب - نازنین	خاس - عال یاش - چاک	نایس	nice <i>adj</i>
به خوبی - بهقتشگی	به باشی به خاسی و چاکی	نایسلی	nicely <i>adv</i>

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
nickname <i>n</i>	نیک‌نیم	له‌قه‌ب - ناسروابه...	اسم / نام مستعار له‌قه‌ب
niece <i>n</i>	نیس	کچی بریا خوشک	دختر برادر / خواهر
night <i>n</i>	نایت	کناچی بریا والی	برادر / خواهر (زن - شوهر)
nine <i>n</i>	ناین	شه و - شه وه	شپ
ninth <i>n</i>	ناین س (ت)	ژماره‌ی نو شماره و نو‌ی	عدد ۹
nineteen <i>n, adj</i>	ناین تین	نهۆم - نو‌یه‌م، نهۆمی	نهم، نهمین ۱۹
nineteenth <i>n, adj (19th)</i>	ناین تین س (ت)	نو‌یه‌مین - نهۆمین	نوزدهمین / نوزدهم تا
ninety <i>n, adj</i>	ناین تی	نۆزده هۆم	نوزدهم، ۱۹
ninetieth <i>n, adj (90th)</i>	ناین تی س (ت)	نه‌وه‌د - نه‌وه‌د	عدد ۹۰
no	نو	نه‌وه‌دۆم - نه‌وه‌ده‌م	نودم، نودمین، ۹۰
noble <i>adj</i>	نوبل	نه - هیچ، نا	نه، خیر - هیچ
nobly <i>adv</i>	نوبلی	شەریف - نه‌جیم - عەسل	شریف، نجیب - اصیل
nobody <i>pron</i>	نوبادی	به‌نه‌جیمی به‌گه‌وره‌یی	نجیبانه، شرافتمندانه
nod <i>v</i>	ناد	هیچکەس	هیچکس، هیچ‌کاره
nod <i>n</i>	ناد	به‌سەر ئیشاره‌که‌رده‌ی	باسر / اشاره کردن، چرت زدن
noise <i>n</i>	نووژ (نئوژ)	سەر له‌قاندن	اشاره باسر - چرت
nolsily <i>adv</i>	نئوزیلی	سەر ته‌کنای	سرودا، قیل و قال
		ئیشاره‌ت به‌سەر	
		نۆزه - ده‌نگه‌ده‌نگ	
		قَالَ و مَقَالَ - شَلُوق	
		به‌شَلُوقی - به‌قَالَ قَال	با سر و صدا

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پرسو و صدا، پریل و قال	پرده نگ و هه را	نویزی	<b>noisy</b> <i>adj</i>
چادر نشین - بیابانگرد	پیرقم و قال	نومید	<b>nomad</b> <i>n</i>
چادر نشینی - خانه بدوش	خهرات (کهولی) ئاسا	نومیدیک	<b>nomadic</b> <i>adj</i>
هیچ یگ، هیچ، هیچ کدام	کۆچه ری - بیوانی	کەش گەردی، هه واری	<b>none</b> <i>pron. adv</i>
پوچ، بی معنی، چرند، پاوه	هیچکام - هیچ - هیچکامان	نان	<b>nonsense</b> <i>n</i>
ظهر، نیمروز	پوچ بی مه عنا، قور	نان بینس	<b>noon</b> <i>n</i>
هیچکس، احدی	نیمه رو - نیوه رو	نوو	<b>no one</b> <i>pron</i>
نه... و نه	هیچکەس	نوو	<b>nor</b> <i>conj</i>
عادی، معمولی، طبیعی، سالم	نه... و نه (ناگیانو کاکه ی)	نور (نور)	<b>normal</b> <i>adj</i>
معمولاً، به طور عادی	عادی - ته بیعی - سروشتی	نوریل (نورمال)	<b>normally</b> <i>adv</i>
شمال - شمالی - شمالاً	عاده تی به جور سروشتی نورمالی (جلی)	نور (س)	<b>north</b> <i>n</i>
شمالی - روبه شمال	شمال له جوغرافیا	شمالی جوغرافیایی باکوور	<b>northern</b> <i>adj</i>
به سوی شمال	شمالی - شمالی باکووری	نورترن	<b>northward</b> <i>adv</i>
بینی، دماغ، بویایی	به لای باکوور و روبه و شمال	نور و ردز	<b>nose</b> <i>n</i>
سوراخ بینی	لووت - لووت ته، بویایی	نوز (نوز)	<b>nostril</b> <i>n</i>
نه (قید نفی)	وله و لووتی - کونه	ناس تیل	<b>not</b> <i>adv</i>
	لووت - برناخ	نات	
	نه مکلیمه ی تایبته بو نه فی، نا		

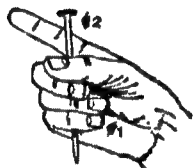
i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
note <sup>1</sup> n	نوت (نوت)	نوتی موسیقا - نه سکه ناز	نت موسیقی - یادداشت
notebook n	نوتبوک	نوسراوه ی کو تا	توضیح - اسکناس - علامت
note <sup>2</sup> v	نوت	دهفته رچه ی نووسینه وه	دفترچه یادداشت
nothing n	ناتینگ	نویسه ی - نووسان	یادداشت کردن / برداشتن
notice <sup>1</sup> n	نوتیس (نوتیس)	هیچ - هیچیه	هیچ، هیچ چیز، اصلاً
notice <sup>2</sup> v	نوتیس	راگه یاننامه، بیره وه ری	اگهی، یادداشت - خبر
noticeable adj	نوتیس لیل	خه بهرنامه - گویدان	اخطار - دقت
nought n	نُت	دیه ی - سه رنج دان	دیدن، توجه کردن
noun n	نُون	روون - ناشکراره علووم	هویدا، آشکار - جالب توجه
novel n	ناول	ژماره ی هیچ - سفر	عدد صفر - هیچ
novelist n	ناولیست	ناو - نامی	اسم
november n	نوویمبر	رازه ی دری ژه داستان	زمان، نوول - داستان بلند
now adv, conj	نوناو	تازه - عهجه یو - قسه	تازه
nowadays adv	نۆدیز	راز نويس - قسه نويس	زمان نويس، داستانسرا
nowhere adv	نووور	یازدهه مین مانگی	نوامبرماه یازدهم سال فرنگی
nuclear adj	نیوکلیپر	میلادی - نوامبر	۳۰ روزه
		ئیسه - نه لجان - ئیسنا - نه لجان	الان، اکنون، حالا
		نه مرو - نه لجان	امروزه - دراین ایام
		که ته ی - ئیسه ولا	
		هیچکۆگه - هیچ کو	هیچ جا، در هیچ کجا
		نه تو می هه سته یی - ناوکی	هسته ای - اتمی



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بخش مرکزی، هسته	ناوک - کرۆک - ههسته	نیوکلیس	nucleus <sup>n</sup>
سقلمه زدن - ارنج زدن	سیخورمه شه نه ی به نائیشک	ناج	nudge <sup>1</sup> <sub>v</sub>
سقلمه (فشار کم با ارنج)	لیدان - یۆق نیای سیخورمه - هه ریژن	ناج	nudge <sup>2</sup> <sub>n</sub>
هَل	شه نه - یۆقه - ته که		
آفتازار و مزاحم ادبیت	ئازار و ته زیته - به لّا	نیوژنس (نو)	nuisance <sup>n</sup>
شماره، نمونه - تعداد	ژماره - عه ده ده - شماره	نامپر	number <sup>1</sup> <sub>n</sub>
پیشمار، متعدد، زیاد	فره - زور - خه بلی	نیومرس	numerous <sup>adj</sup>
شمردن، نموده دادن	شمارای - نموده ای (دان)	نامپر	number <sup>2</sup> <sub>v</sub>
عدد برقم، شمارشی	شماره - ژماره - ره قه م	نیومرل	numeral <sup>n</sup>
واهبه، زن تارک دنیا	ژه نه ی چله کیشه - ژنی	نان	nun <sup>n</sup>
	دهیری - راهب - ژه نه ی - دنیا و رده ره		
پرستار، نرس - دایه	په ره ستار دایانه دایه	نرس	nurse <sup>1</sup> <sub>n</sub>
پرستاری کردن	په ره ستاری که رده ی	نرس	nurse <sup>2</sup> <sub>v</sub>
خوراک دادن	(کردن) - به خپو کردن		
فندق، .... - مهره پیچ	میوه ی مه غزداروه ک گو یژ	نات	nut <sup>n</sup>
اجیل	فندق - ئاجیل - مۆری		
نایلون	باغه - نه یلون	نایلون	nylon <sup>n</sup>
	جوړی تالی په لاستیکی		
حوری - زن زیبا	جوړی ده لیا باژنه ی زه ریفه	نیمف	nymph <sup>n</sup>
دختر جوانی که غریزه	کچی نابالغ که هیزی	نیمفت	nymphet <sup>n</sup>
جنسی هراوشد بیداست	جنسی هه بی		
زنائی که میل جنسی	ژنائی که مه یلی جنسی	نیمف مانی	nymphomania <sup>n</sup>
غیر عادی دارند	غهیری عادی یان هه یه		

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June



NAILS



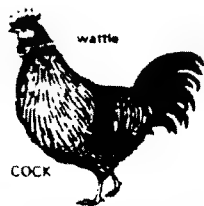
NOOSE



NUT



PHEASANT



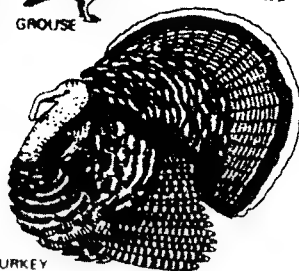
COCK



HEN



GROUSE



TURKEY



DUCK



PARTRIDGE



QUAIL



GOOSE

webbed foot



O

O

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
حرف یانزدهام الفبای انگلیسی	پیتی یانزدهیم له ته لفا	أ	<b>O</b>
لفظی فولکلوری دراوژ کردی	ئوگیان له هه ورامان باوه	ئوگیان	<b>ogian</b> <i>int</i>
ئو-ای-وای	ئوچی بوه	ئو	<b>o</b> <i>int</i>
بله	به لئی، ئه ی چون-ئه ی	أ-پس	<b>o yes</b> <i>adv</i>
ساعت سه	ساعتی سی-سه عاتمه یه ری	تری اکلاک	<b>3 o , clock</b> <i>adv</i>
درخت بلوط، آدم پخمه	دار به رو-دار به لو-خول	ئوک (ئوف)	<b>oak</b> <i>n (oaf)</i>
پارو در قایقوانی	پارووی ئاو گهر-پاروو	ئور	<b>oar</b> <i>n</i>
وادی، واحه آبادی در کویر	بیوان - یا گیوه بیوانی	ئوی بیس	<b>oasis</b> <i>n</i>
سوگند، قسم، ناسزا	که ئاو و دره ختش بو		<b>oath</b> <i>n</i>
چودوسر	سوین-قه سه م، دژوین	ئوت	<b>oat</b> <i>n</i>
فرمان بردن، اطاعت کردن	یه وه ی بیوانیه-جو هه رده	ئوتس	<b>obey</b> <i>v</i>
	سه ردانواندن-گویدان	ئویی	
	سه ره ته ره ئاسه ی		
اطاعت، فرمانبری	سه ره ئاسه ی-گویدان-ئتاعت	ئویی ډینس	<b>obedience</b> <i>n</i>

## حرفشنوی

f	v	θ	ð	s	z	f	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مطیع، فرمانبر - سر به زیر	مو تیع - گوش دەر	نوب دینت	obedient <i>adj</i>
شیء - چیز - پدیدە - مفعول	چت - چبو - مە نزوور	أب چکت	object <sup>1</sup> <i>n</i>
هدف - مقصود	هە دە ف		
مفعول	کراو - مە فەعوول	أب چکت	object <sup>2</sup> <i>n</i>
	کار سه ر ئامه		
اعتراض کردن - مخالف	پۆره کو ئیای - به دژ که	أب چکت	object <sup>3</sup> <i>v</i>
بودن	سی و یسان، نارازی بون		
اعتراض - مخالفت	دژ به مخالفت - ئیراد	أب چکشن	objection <i>n</i>
مجبور کردن / ساختن	مه جبوور - که رده ی (کردن)	أب لایچ	oblige <i>v</i>
	سلمنای، لتف	(أب لایچ)	
وظیفه، اجبار، الزام، منت	وه زیفه - ئیجبار - لازم	أب لی گی شین	obligation <i>n</i>
مستطیل	چوار گۆشه - چوار سووچ	أب لایگ	oblong <i>n, adj</i>
زیر نظر داشتن، اظهار داشتن	نه زه ردان - چاو دیری کردن	أب زرو	observe <i>v-n</i>
رعایت، پیروی	شنا سایی - چه م پۆره بیهی		
تحت نظر - گفته - رعایت	تاقی که ری - چه م که وت	أب زرو ی شین	observation <i>n</i>
رسم مشاهده، نگارش	له به ر چاو گر - بینین		
مانع، راه بنج، جلوگیری	به رگر - وه رگیر	أبس تکل	obstacle <i>n</i>
لجوج، لجباز - یک دنده	سه سه خت - سمنج	أبس تینت	obstinate <i>adj</i>
	خو هه لکیش - سین سه خت		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مسدود کردن، بستن	به ستن - به سه ی	ایس تراکت	obstruct <i>v</i>
گند کردن	وه رگیری که رده ی		
مانع، سد - گرفتگی - گیر	به رگری - وه رگیری	آبس تراکشن	obstrucion <i>n</i>
	ته لّی به رگر سه د		
بدست آوردن، دریافت داشتن	به ده ست هاوردن	إب تین	obtain <i>v</i>
خنگسپ خمسگندله	جوړ کردن - نه سه ی، کول	أب تیوس	obtuse <i>adj</i>
بدیهی، آشکار، روشن - هویدا	وازیح - ناشکرا،	أب وپس	obvious <i>adj</i>
	روون، روشن		
به طور آشکار یا معلوم	به جوړی ناشکرا	أب وپس لی	obviously <i>adv</i>
	ناشکران - روشننه		
فرصت، زمان معین - علت	وه خت - فرسه ت	إکیزین	occasion <i>n</i>
باعث	بایس - روداو		
گهگاه، گاه و گدار	بازی وه خت - جار جاری	إکیزیل	occasional <i>adj</i>
	بره ی جار		
گاه و بی گاهی، گهگاهی	بازی جار - گله گلیوه	إکیزیلی	occasionally <i>adv</i>
ساکن بودن - وقت گرفتن	گرتن - به کار بردن	اک بیوی	occupy <i>v</i> (pied-pying)
اشغال کردن	داگیر کردن - دانشتووبوون		
کار، شغل - اقامت - اشغال	کار - پیشه - نشته جی	اک بیوی شین	occupation <i>n</i>
	مه رزیا		
رخ دادن، به خاطر آوردن	رودان - رووه دای به بیر هاوردن	إکر	occur <i>v</i>
لقیانوس	نه دّاده لیآ نه قیانوس شاده لیآ	ئوئین	ocean <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کلمه‌ای که در پرسیدن گفتن	و شه‌ی کات ژمیر - که لیمێ	اکلاک	<b>o, clock</b> <i>adv</i>
ساعت به کار می‌رود	تایوه تیه و سه عاتی		
اکتبر - ماه دهم میلادی	مانگی ده یه مه سالی میلادی	اکتوبر	<b>october</b> <i>n</i>
احتاپوس، هشت پا	هه شت پا - هه شت پی	اکتیس	<b>octopus</b> <i>n</i>
	جان‌ه‌وه‌رو ده لیای		
عجیب، طاق، تک - خُرد	تاق هه‌ر دمه جوت لنگه، ورد	آد - آد	<b>odd</b> <i>adj (even)</i> (چلت)
بو، رایحه - بوی خوش	بوڤن - بوڤی وه شه - بوڤ	ئودر	<b>odour</b> <i>n (odor)</i>
متعلق به، از - حاوی، محتوی	عه لامه تی ملکیت له، ای	آو	<b>of</b> <i>prep</i>
از (مقداری) ساخته شده، باره	جی گری (کسره و همزه)		
دور، جدا - خاموش - دور	کوشنا - کوژین - دور	آف	<b>off</b> <i>adv, prep</i>
فاسد، بد - غلط‌فروشی	خراو - حیا - خه تا		
عصبانی کردن، خطا کردن، آزاردن	خه تا کردن (که رده‌ی)	إفند	<b>offend</b> <i>v</i>
	ره نجنای - تووره کردن		
جرم، خطا، تجاوز - دل‌خوری	خه تا گونا عه - هیرش	إفینس	<b>offence</b> <i>n (se)</i>
همه، گناه	بی حرمه تی - تووره‌ی		
تعارف کردن، پیشنهاد دادن	پیشکەش کردن - په نه	أفر	<b>offer</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
تقدیم کردن	واته‌ی - فه‌رموو کردن		
تعارف - پیشنهاد - عرضه	فه‌رموو - چه نه واز فیدا	أفر	<b>offer</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
نثار	لی خواز - پیشکەش		
دفتر، اداره، شرکت، بنیت، مطب	ده فته‌ر - عه‌داره - شرکەت	آفیس	<b>office</b> <i>n</i>
افسر (لوتش)، ... ها مویرکار مند	مه‌عموور - ئه‌فسه‌ر - سه‌ریه‌ل	آفیسیر	<b>officer</b> <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رسمی، اداری - عالی ژتبه	رەسمی - ئەداری، کارمەند	آفی شال (شیل)	official <sup>1</sup> adj
مامور، مسئول - صاحب منصب، کارمند	مە ئوموڕ - کارمەند مە سوول	آفی شال	official <sup>2</sup> n
بارها، غالباً - بیشتر اوقات	زۆرجار - فرە ووه ختی	آفن	often adv
نفت - روغن - چربی	فرە جار نەفتە - نەوت - پۆن	اویل	oil <sup>1</sup> n
روغنی	روەن، پۆنی		
روغن زدن، چرب کردن	چەورکەر دە ی - هە نوین	اویل	oil <sup>2</sup> v
پماد (پوستی)، مرهم	روڤ لیدان مە له م - پۆنی پیست	آین یمنت	ointment n
پیر، مسن - سن، سال - کهنه،	پیر - که وەن سال - سنە	اولد	old adj
قدیمی، دیرینه	کوڤنە - کوڤن - تە مەن		
کهنه، قدیمی - آفل	کوڤنە - قە دیمی - قە دیم	ئولد فشیویند	old - fashioned adj
زیتون، زیتونی - سبزه	میوه ی دار زه یتوون	آلیو	olive v
روغن زیتون	زە یتوون، سەوزە روو روڤنی زە یتوون - روەن	آلیو اویل	olive oil n
اهلت	زە یتوون چیشتی هیلکه و تە ماته	آم لیت	omelet n
حذف کردن - از قلم انداختن	هیلە و تە ماته لا بردن - لا و رده ی - و سه ی	أمیٹ	omit v
قادر متعال	خودای گه و ره	آم نیپ تنت	omnipotent adj

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(برای نشان دادن مکان چیزی)	له - جه - سه رو - له سه	آن	<b>on</b> <i>prep,adv</i>
(برای نشان دادن روز / ماه)	ر - له لای - جه مه وه سو		
دریاره، رابع به - روشن، در	بان - روْشن		
حال کار - پیوسته، بدون توقف	به - با		
برتن، درتن، به تن			
یکبار، یکلغعه - روزی،	یه ک جار - روْیوه	وآنس	<b>once</b> <i>adv</i>
روزگاری، یک وقتی - وقتی	روْژی - جار یکان		
عدد یک - یک نفر، یک چیز	ژماره ی یه ک - یه ک که س	وان	<b>one</b> <i>adj,n,pron</i>
یک، ی - همان، یک	یکه چت - تا قانه سی		
شخص، آدم، کس	یه کئ - یو		
خود، خود را، خودش	خوْی - خوْش - جه خوْی	وان یلف	<b>oneself</b> <i>pron</i>
پیاز - پیازچه	پیاز - پیواز - تهره پیاز	آن ین	<b>onion</b> <i>n(greenonion)</i>
یگانه - فقط - اما، ولی	فه قهت - به س - ته نیا	ئوئلی	<b>only</b> <i>adj,adv</i>
بر، از، به سوی، به توی	به ره ورو ورو به رو به، دلی	آن تو(ناو)	<b>onto</b> <i>prep</i>
به پیش، به طرف - به بعد	رو ورو وور - به پیش	آن ووردز	<b>onwards</b> <i>adv</i>
نشت کردن، جاری شدن	به ر - وهر		
تراویدن	ده لئای - تکه کردن	أز - ئوز	<b>ooze</b> <i>v</i>
آماده به کار، بازآزموده	فواره کرده ی نفیشتنای		
باز کردن / نشدن - فتح کردن	باز - واز - ئازاد - ئاشکرا	اوپن	<b>open</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
	باز کردن - واز کرده ی	اوپن	<b>open</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
	نه وه کردن - ده مودای		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(حرب،...) بازکن - گشاینده	وازکەر - دەر بازکەر	اوپنەر	opener <i>n</i>
فضای باز، مدخل - شکاف	کون - وڵە - سەرە تا	ئوپنینگ	opening <i>n</i>
روزنه	وەر - کانی - چه مه		
أهرا - رقص و آواز مخصوص	تۆپیرا - جوهره قسّی	ئوپەر (آپەر)	opera <i>n</i>
روسیه	له روس و فدرانسه باوه		
کار / عمل - جراحی /	عه مه ل کردنی له ش - عه داره	آپریت	operate <i>v</i>
عمل کردن	کهرده ی - که لک وه رگر تن		
شیوه کار - جراحی - کار	عه داره و به خییو - عه مه لی	آپریشین	operation <i>n</i>
	چه راحی - عه مه لکه رد		
أپراتور، براه انداز، نگرداننده	رانه ره و زری - خەر، مدیر	آپریتر	operator <i>n</i>
	گیل نه ر - جی به جی کەر		
عقیده، فکر، اندیشه - باور	نه زهره - باوهر	اوپینین	opinion <i>n</i>
رای	زه نده - فکر - نه قیده		
حریف، رقیب - مخالف	حه ریف - تهره ف - زدمو کل	اوپوننت	opponent <i>n</i>
شانس، فرصت - مجال	فرسه ت - مه حال به خته	آپرتیون تی	opportunity <i>n</i>
مخالفت کردن - مقابله کردن	مخالف بیه ی - ناره زایی	اوپوز (لیوز)	oppose <i>n</i>
	کردن - جواوودای		
مخالفت، مقابله - ضدیت	مخالف ناره زایمو کل - دژ	آپوزیشن	opposition <i>n</i>
مخالف، متضاد - ضد	زد - ناره زا - دژیه	آپوزیت (آپزیت)	opposite <sup>1</sup> <i>n</i>
روبرو، مقابل - مخالف	به رانه به ر - وه رانه وه	آپوزیت	opposite <sup>2</sup> <i>adj</i>
	زد - تهره ف		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عینک ساز / فروش	چەمکەر-عینەک ساز	آپتی شین	optician <i>n</i>
بینایی سنجی	عەینەک ورەش (فروش) - چاوەک		
انتخاب، اختیارگزیشتن	نختیار - بژاره	آپ شین	option <i>n</i>
	هەلبژێر - وچنیهی		
اختیاری، انتخابی	نختیاری - بژاردهی	آپ شینل	optional <i>adj</i>
دلخواه	هەلبژێری - وچنیهی		
یا، یا اینکه، والا	یا - یا کوو - یا مکوو	ئور (أر)	or <i>conj</i>
شفاهی - زبانی - گفتاری	شەفاهی - دەمی بێه قسێ	أرال	oral <i>adj</i>
پرتقال	پرتەقال و نارنج	أرنج (أرنج)	orange <sup>1</sup> <i>n</i>
(رنگ) نارنجی	رەنگی پرتەقالی - نارنجی	أرنج (أرنج)	orange <sup>2</sup> <i>n, adj</i>
مسیر، مدار	مەدار - ریباز - یاگە	اوربیت	orbit <sup>1</sup> <i>n</i>
	ئامۆشیە - الوادە وردان		
در مداری گردیدن	لە مەداریک گەریان	اوربیت	orbit <sup>2</sup> <i>v</i>
درختستان، درختزار - باغ میوه	باخو میوهی - دەرە خسان	اورچر (أرچد)	orchard <i>n</i>
	باخە دار		
گروه نوازنده، ارکستر	گرووی موسیقازەن	ئورکی ستر	orchestra <i>n</i>
صحن اصلی تئاتر	ژە نکۆ - موسیقازەنی	(أرکی ستر)	
نظم، ترتیب - ردیف - دستور،	ئە مر - عە مرە - نۆع	أردر (ئوردیر)	order <sup>2</sup> <i>v</i>
فرمان، امر - گونه	دەستور - نە زم - رز		
امر کردن، فرمان دادن	عە مرکەر دەی - دەستور دای (دان) ئوردیر		order <sup>1</sup> <i>adj</i>
معمولی، عادی، روزمره	عاده تی - عادی، روانه	ئوردینری	ordinary <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور معمول - مثل همیشه	به جوړی عادی	نوردینریلی	ordinarily <i>n</i>
معمولاً	به عاده‌تی وه‌ک چاران		
سنگ معدن - خاک معدن	به‌ردی‌کان - توه‌نه‌وێکانگی	نور	ore <i>n</i>
عضو، اندام - ارگ - سازمان	ئه‌ندام - عازا - وه‌سیله	نورگین (ارگان)	organ <i>v</i>
لرگان	نورگ - هه‌ندام، بئکه		
سازمان دادن - مرتب کردن	سامان دای (دان)	نورگینیز (اوگانیز)	organize <i>n</i>
	دامه زران		
تدارکات‌سازمان، تشکیلات	نیاز - ته‌داره‌ک‌سازمان	نورگینی‌زین	organization <i>n</i>
ساختار - ساماندهی	ئه‌ره‌مه‌رزنا - حازرکه‌ران		
مبدأ، اصل، منشأ - نواد	به‌نگه‌سه‌رچاوه - عه‌سل	آری جین	origin <i>n</i>
علت	سه‌رچه‌مه‌بیج‌بنه‌چه‌ق		
اصلی - بگو، بدیع - نوین	عه‌سل - تازه، ئه‌وه‌لین	آری جینالی	original <i>adj</i>
خلاق	بنه‌ره‌تی - سه‌رچاوه‌یی		
در آغاز، در ابتدا - مبتکرانه	جه‌عه‌سل - جه‌ئه‌وه‌ل	آری جی‌نال	originally <i>adv</i>
	له‌عه‌زه‌ل - له‌بنا		
تزئینی، زیورالات - زینت	ته‌داره‌ک‌پرازان‌ه‌وه‌شخڵ	أرنیمت	ornament <i>n</i>
زیب	وی یارای - شخڵ‌دار	(نورین‌میت)	
زیبشی - تزئینی، آذینی	پرخشڵ - زینه‌تی	نورین‌میتل	ornamental <i>adj</i>
	جوان کراو		
یتیم - یتیم کردن	هه‌تیوه‌هه‌تیم‌هه‌تیوکردن	نورفین	orphan <i>n-v</i>

ʌ cup      3: bird      ə ago      eɪ day      ɔʊ go      aɪ five      aʊ now      ɔɪ boy      ɪə near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یتیم خانه - پرورشگاه یتیمان	هه یتیم خانه - په	نورفین بیج	orphanage <i>n</i>
شتر مرغ	روه ردگه ی هه تیوان وشتەر که رگه - وشتەر مر	آستریج	ostrich <i>n</i>
دیگری، دیگر - چیز دیگر	مړیکی گه وره له عاره بسان ئه ویو - ئه ویه ک	آزرا (آزرا)	other <i>adj-pron</i>
مگر - جز به جزء	ئه وی تر - ئه و - جگه		
وگرنه، والا - غیر، دیگر	وه یلا - گوا - ده سا	آدروپز	otherwise <i>adv</i>
بایستن، لازم بودن - باید	جا پو - جا پچی ئه بی - ده با - مه شیو	نوت (آت)	ought <i>v-ovx</i>
اونس - نوعی عیار وزن بوا بر	ئه وی - ئه شوی مه وو ئایره و کیشای که ۳۱	نونس	ounce <i>n</i>
با ۳۱ گرم	گره مین به زنی که ۳۱ گر مه		
مال ما، متعلق به ما	ئی نی ئیمه - ئینو ئیمه مالی هه مه	نور (آور)	our <i>adj</i>
مال ما (ضمیر ملکی)	ئی نی ئیمه را ناوی ملکی زه میری ملکی، مالو ئیمه	آورز	ours <i>pron</i>
خودمان - خودما	خو مان - خو یمان - خو ه مان	آوریلوز	ourselves <i>pron</i>
سبقت گرفتن - گیر آوردن	وه لی دای - له به ردان	نوورتیک	overtake <i>v</i>
جلو زدن	گیر نه ورده ی		
پدھکار / مرهون بودن	قه رزار به ی - قه رزار بون به	نو	owe <i>v</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چونکه، بۆی اینکهدهکار	له بهر نه وهی - چونکه	نوینگ تو	owing - to <i>prep</i>
به دلیل	وه وروئانه یه - قه زار		
جغد - بوم	باده قوش - بوم - بوم	اول (نول)	owl <i>n</i>
متعلق به، مال، خود، خویش	ساحیو چيو - مالی	ئون	own <sup>1</sup>
خودم - خودمان ....	خۆم - ئینوویم		
مالک بودن، دارا بودن، داشتن	ساحیویه ی (بوون)	اون	own <sup>2</sup>
	مالک بوون		
مالک، صاحب - اعتراف	مالک - ساحب - ساحیو	نویز	owner <i>n</i>
گاوتر	گاوی ئیر - ئیر - گاوهیت	آکس	ox <i>n</i>
چشم درشت	چاوه گوره - چه م پان	آکس آید	ox - eyed <i>adj</i>
	چه م واز - چاوباز		
ابی سیریشمه ای	ئاوی دیز - که ووی	آکس بلو	ox - blue <i>adj</i>
	مه یله وئه رخه وانی، خمی		
صدف خوراکی	سه ده فه و ده لیای	نویستر	oyster <i>n</i>
	سه ده ف له ده لیا		
لایه اوزون - (03) گازی که جلو	چینی له ئوکسیژن که به ری	ئوزئون	ozone <i>n</i>
پروتوهای مضرب خورشید را	تیزگی بان به ته وشى	(لفظ فرانسو)	
می گیرد	خوړ نه گری		
درخت آدامس کرده ی یا بته که	وه نسی یا قه سقه وان که	قزوان	qzwan
در کردستان می روید	شیره ی نه بیته بنیشت (ویژ، ن)		

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



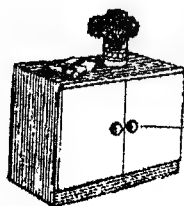
donkey



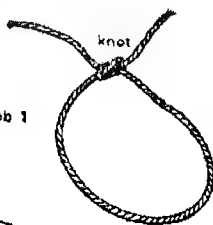
OWL



OSTRICH



knob 1



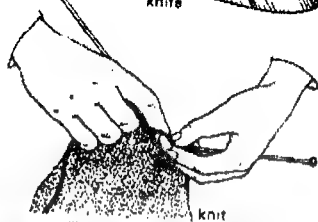
knot



knife



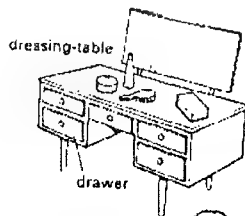
knee



knit



dress' 2

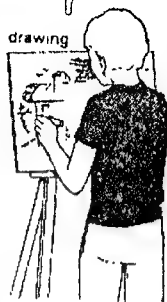


dressing-table

drawer



drink' 1



drawing

ارد دوم  
۸۰-ق-م

doll

بروک

شاپور دوم  
۲۲۵-م

P

p

انگلیسی

تلفظ

کردی

فارسی

English

Pronunciation

Kurdish

Persian

P	پی	پیت یا حەرفی شانزده	حەرف ئشانزەهەم الفبای
		یەم لە ئەلفبای ئینگلیسی	انگلیسی
parowjiara <i>n-sub</i>	پاروجیارە	قەسەم بە خۆر لە هەورامان یارە	قسم به خورشید در منطقه اورامان هنوز رایج است
pap <i>n</i>	پاپ	ناوی پاپی گەرە لە زەمانی یار تە کانه له کلیسای پاپە یان باوک یان لە پاوه دروست کردووە گەرە کی (سەردی)	نام پاپ مشهور در عهد اشکانیان که در پاوه کلیسای پاپه یعنی پدر را در محله (سەردی) ساخت. (۲+۵۰ میلادی)
pa ( <i>dad</i> ) <i>n=papa</i>	پا	کە ئیمی کۆلۆکریا و پاپای - کورت کراوی پاپایان باوک یا بابە و تاتە	کلمه کوتا ه شده پاپا یا بابا
pace <sup>1</sup> <i>n-v</i>	پیس	هە نگاو هە نگام - قە دەم	گام، قدم - با قدم اندازه گرفتن
pace <sup>2</sup> <i>v</i>	پیس	هە نگاو هە لگرتن - هە	گام برداشتن، قدم زدن
pack <sup>1</sup> <i>v</i>	پک	نگام نیای - قە دەم دای بە ستن - پیچای	جا دادن، بستن، پیچیدن
pack <sup>2</sup> <i>n</i>	پک	رائه وه که رده ی بار کردن پیارزه به سه - ده سته	بسته، بسته، بقچه کیسه
package <i>n</i>	پکیج	کۆل - تۆشه وه ره به سه - به سه کار تۆن	بسته، بقچه، محموله کارتن

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
packet <i>n</i>	پَکیت	پاکه ت ببه سته ی بچووک	پاکت، بسته کوچک - قوطی
		به سه ی وردی	
pad <i>n</i>	پَد	(پارچه ی زه خم) باندی زه خم	نودوزی - بالشنگ
		پشک دوشه کله - پستی	باندزخم - پانومه گریه
paddle <sup>1</sup> <i>n</i>	پَدل	پارو - سه وُل - تیخه	پارو - راکت بازی
		چهرخ - چوَلِیبا سشووی	
paddle <sup>2</sup> <i>v</i>	پَدل	پارو و دای - پارو و لیدان	پارو زدن - کوفتن
		رانه لوی دلیّ ئاوینه	
paddy <i>n</i>	پَدی	برینج زار - پوسه برینج	شالیزار - شلتوک برنج
		شهل تووک - جاره برینج	
padlock <i>n</i>	پَدلاک	قولف، قولف کردن	قفل (مهر صندوق، ...)
page <i>n</i>	پِیج	لا په ره - دیس - سه	صفحه (کاغذ / کتاب) - ورق
		فحه و قاقه زی	
pail <i>n</i>	پیل	سه تلّ - سه تله - دۆله	سطل، دلو
pain <i>n</i>	پین	دهرد - ئیش - ره نج	آسیب، درد زحمتناکم
		سه ده مه - له تمه	
painful <i>adj</i>	پین فول	پرئیش - دهروون ریش	دردناک - بُر زحمت،
		پرده رد	آزرده
pains <i>n</i>	پینز	په له ئاژۆ - ته قالا	تلاش، نقلا
		کوشش - هه ول	
paint <sup>1</sup> <i>n</i>	پینت	ره نگ	رنگ

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رنگ کردن / زدن نقاشی کردن	ره‌نگ که‌رده‌ی (کردن)	پینت	paint <sup>2</sup> <i>v</i>
نقاش، نقاش ساختمان	نه‌قاش - ره‌نگ‌ده‌ر	پینتر	painter <i>n</i>
نقاشی	نه‌قاشی	پینتینگ	painting <i>n</i>
جفت (بهم چسبیده) - دوتا	جووت - جفت - پیوه	پیر	pair <i>n</i>
کاخ - قصر - گوشک	قه‌سره - کاخه	پلیس	palace <i>n</i>
سفید، روشن - رنگ‌پریده	عه‌مه‌ره‌نگ‌پرۆشن، رن‌گپرا	پیل	pale <i>adj</i>
مات - مرز	ره‌نگ‌پرا - سه‌رحه‌د		
نخل، درخت خرما	دارخور - مادره‌ختو خورمای	پام	palm <sup>1</sup> <i>n</i>
کف دست	لواسه - ناوه‌ده‌سی	پام	palm <sup>2</sup> <i>n</i>
ماهیتابه، تاوه / تابه‌کاسه	ماهی تاوه - مایتاوه	پن	pan <i>n</i>
تشت	تاوه - له‌گان - پیاله		
پاندا - خرس چینی	پاندا - ورچی چین	پن‌د	panda <i>n</i>
شیشه، جام (دریاپنه)	شیشی، شوشه - جام - شیشه	پین	pane <i>n</i>
پهنه‌قاب‌نگرو و سقف، بیزگرد	پانایی - تیکه - ئاره‌ق‌چن، گرو	پنل	panel <i>n</i>
وحشت، هراس، ترس، هول	ته‌رسی - ترس - زاوړچوو، ده‌شه‌ت	پنیک	panic <sup>1</sup> <i>n</i>
وحشت کردن، ترسیدن	ته‌رسی (ترسین) زاوه‌رچون	پنیک	panic <sup>2</sup> <i>v</i>
نفس نفس زدن	ده‌شه‌ت گرت‌ه‌ی		
	هه‌ناسه سوار بیه‌ی	پنت	pant <i>v</i>
	ماندوو بوون		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پانتومیم - نمایش بی سخن	نمایشی بێ قسه - نمایشی	بَن تَمیم	pantomime <i>n</i>
گنجینه، صندوقخانه - انباری	رازى دىو و جن و پهرى ئوتاقى خوراک و پیخور	بَن تَرى	pantry <i>n</i>
شورت - شلوار	ئوتاقه و وارده مه نه یگه - نه خانه همار پاتۆل - پاتۆل	بَن تَس	pants <i>n</i>
کاغذ - روزنامه - نوشته،	رژیره و آل		paper <i>n</i>
ورقه - برگ هویت - صفحه	قاقه - کاغذ به رنگه، سه نه د	پَپیر	paper <i>n</i>
گیره کاغذ	روزنامه - نووسراوه		paper clip <i>n</i>
گیره کاغذ	گیره ی کاغذ - قولاو	پَپیر کلِپ	paper clip <i>n</i>
چترنجات - باجتریرین	سجاقه و قاقه زى		parachute <i>n-v</i>
چترنجات - باجتریرین	چه تری نه جات - چه تره	بَچشوت	parachute <i>n-v</i>
سان، رژه - نمایش	وپره واره ی (پهرین) رژه - وى نیشان دا - خو	پَرید	parade <sup>1</sup> <i>n</i>
عرض اندام	نیشان دا به سه ف چون		parade <sup>2</sup> <i>v</i>
سان رفتن، رژه رفتن	رژه لوائ (چوون) - وى	پَرید	parade <sup>2</sup> <i>v</i>
بهشت - فردوس - جنت	نیشان دای به قه تاره لوائ بههشت - یا گه خوړى	پَردیس	paradise <i>n</i>
پارافین، نفت خام	و پهری - پهر دیس پارافین - ماده ییک	پَرفین	paraffin <i>n</i>
	به دی هاتوو له نه وت		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پاراگراف، بند	چەن د پەر - چە ند سه تری	پەرگراف	paragraph <i>n</i>
پارالل، موازی - عرض	به نه د پەر ته ریب دوی کیری (=)	پەرل	parallel <i>adj</i>
جغرافیایی، مشابه	له ولای - خه تی نه و یاریای		
ناقص کردن، فلج کردن	فه لهج که رده ی (کردن)	پەرلێز	paralyze <i>v(se)</i>
فلج - لڤکا وفتاگی	ئیفلیج کردن ئیفلیج - ئه ره که وته	پەرلێز	paralysis <i>n</i>
بستم قطع زمین - قه واره	دا که وته به سه به سه - تیکه زه وی	پاریل	parcel <i>n</i>
پوزش، بخشش - عفو	لێ بوار - به خشین	پاردین	pardon <sup>1</sup> <i>n</i>
معذرت خواستن - چشم پوشی	ئازاد که ی - گوزه شت عه فو لیخواز تن	پاردین	pardon <sup>2</sup> <i>v-n</i>
عفو	گوزه شت خوازای		
پدر و مادر، والدین	ئه دا و با به دایک و باوک	پرنت	parent <i>n</i>
ناحیه تحت نفوذ کشیش - بلوک	شاری ژیر ده سه لاتی	پریش	parish <i>n</i>
بخش	که شیش - شاره که شیش		
باغ ملی، گردشگاه عمومی	سه یرانگای گشتی - باخ	پارک	park <sup>1</sup> <i>n</i>
پارک کردن (اتومبیل...)	ویاگی وه شی گرد که سی یاگی متدرنا و ماشینی	پارک	park <sup>2</sup> <i>v</i>
	جیی راوه ستانی ماشین		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پارلمان، مجلس نمایندگان	جه‌مخانه و نماینده‌انو خه‌لکی	پارلیمنت	parliament <i>n</i>
یا شورا	عماره‌تی پارلمان یا مه‌جلیس		
طوطی، تقلید کردن	تووتی - جوړی وه په‌له‌وهر	پَوت	parrot <i>n-v</i>
	تایوه‌تو، هندستانی		
قسمت، بخش، جزء، شرکت کردن	به‌ش - له‌ت - شوین	پارت	part <sup>1</sup> <i>n</i>
در فعالیت، نقش، بازی (در فیلم)	یاگی - لا - وه‌زیفه		
قسمتی، بخشی - تاحدی	به‌شی‌له‌تی به‌شه‌ی - لته‌ی	پارتلی	partly <i>adv</i>
یکدیگر را ترک کردن - جزء	له‌یه‌ک جگنی بوون	پارت	part <sup>2</sup> <i>v</i>
جدا کردن	چه‌بو‌ی جیا به‌ی - جیا بون		
یکی از دو شکل فعل	دوو جوړه‌فرمان یا ن فعل	پارتی‌سی‌پل	participle <i>n</i>
وجه وصفی	(وه‌سفی) حال و گزوه‌شته		
خاص - دقیق - تک	تایه‌ت ده‌قیق - ته‌یوه‌ت	پرتیکیولر	particular <i>adj</i>
مخصوصاً - قلم، به‌قلم	به‌تایه‌ت (تایوه‌ت)	پرتیکیولری	particularly <i>adv</i>
	چه‌گردفره‌ته‌ر		
همکار، شریک، زوج	شه‌ریک - شوو - یار	پارتیز	partner <i>n</i>
مهمانی، جشن - گروه - حزب	میمانی - جه‌ژن	پارتی	party <i>n</i>
	حزب - پارت - ده‌سته		
گذشتن، قبول شدن - رفع	ویه‌رده‌ی (داوگرتن)	پَس (پاس)	pass <sup>1</sup> <i>n</i>
شدن	ره‌دکه‌رده‌ی - یواردن		
قبولی در امتحان - گردنه	ویارده‌مله‌ته‌بوول‌له‌ره‌د	پَس (پاس)	pass <sup>2</sup> <i>n</i>
جواز عبور - دریند	تیمتخان - جواز به‌رنامه‌ی		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
راهرو، سراسر - بخشی از	را ره و نو و سراه به ده	پسیج	passage <i>n</i>
نوشته - کوچ - گذر - مجرا	گوزهر - پاسا جه به شی		
مسافر (قطار...) سرنشین	مسافیر - سه فهر که ر	پسینچر	passenger <i>n</i>
عابر، رهگذر	را گوزهر - ری بو ار	پسیربی	passer - by <i>n</i>
هیجان، احساس قوی شهوت	شور و شهوق - خورش	پشین	passion <i>n</i>
هرارت - عشق	ئحساسات سه یلی زور		
پر شور - شهوانی - زودخشم	تنده مه زاج - پر شور	پشینیت	passionate <i>adj</i>
شکل فعل مجهول - غیرفعال	زرنای - توندخو		
پذیرا	فعل یافه زمانی نبو - چیرکار	پسیو	passive <i>adj</i>
پاسپورت، گذرنامه	بی ره مه ق - سه بو ور		
	پاسپورت - گوزهر نامه	پسپورت	passport <i>n</i>
مدتها پیش، هر قدیم	ره ده نامه		
	ویره ده رابر دوو، له میژ	پست	past <sup>1</sup> <i>n</i>
	له پیش - نه و سا		
گذشته، زمان گذشته	وه ختی ویره ده	پست	past <sup>2</sup> <i>adj</i>
	فرمانی رابر دوو		
از کنار - گذشته - سابق	له پالی - له که نار	پست	past <sup>3</sup> <i>prep, adv</i>
	جه پاله نه - له کن		
خمیر - چسب - سریش	هه میر هه ویر - چه سب	پیست	paste <i>n</i>
سرگرمی، تفریح	شادی - خوشی - وه شی	پس تایم	pastime <i>n</i>
	نیشات - سه یران		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نوازش کردن/دادن-هاسته	لاو نای - لاو ندن	پَت	pat <sup>1</sup> <sub>v</sub>
دست زدن به	پووه ته قیای		
نوازش - به وقت - چانه	لاو نا - لاو اندنه وه	پَت	pat <sup>2</sup> <sub>n</sub>
خمیر	قالبه کهره، گونکه		
وصله، پینه، مزرعه کوچک	پینه-تیکه-پارچه زه وی	بَچ	patch <sup>1</sup>
تکه	ورده - وه سلّه		
پینه کردن، وصله کردن	پینه کهرده ی (کردن)	بَچ	patch <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	وه سلّه دای (کردن)		
جاده باریک، کور، مرامگنر	په سه را - کویره ریگه	بَژ (پَس)	path <sub>n</sub>
طریق	ری - جاده، ته ریقه		
صبور، شکیا - بیمار	ناو هس - نه خو ش	پی شنت	patient <sup>1</sup> <sub>adj</sub>
	سابر - پرتاقت		
صبور، حوصله، بردباری	سه بر و تاقت - سه ور	پی شنس	patience <sub>n</sub>
	و سه بووری		
صبورانه، باصبر و حوصله	به سه بر - به تاقت	پی شنتلی	patiently <sub>adv</sub>
	سابرانه		
مریض، بیمار	بیمار نه وه ش - نه خو ش	پی شنت	patient <sup>2</sup> <sub>n</sub>
گشت - پاسداری	پاسه وانی - چه م داری	پاترول	patrol <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	گیلهر - گهره ر		
گشت زدن - نگهبانی دادن	پاسه وانی کردن - چه م داری کهرده ی	پَترول	patrol <sup>2</sup> <sub>v</sub>

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای ضربه آهسته دادن	ته په ته پ که رده ی - زرمه ها تن	بیر	patter <sup>v</sup>
طرح، شکل، رنگ - الگو	نه خشه - نمونه	پترن	pattern <sup>n</sup>
طریقه	شکل - شیوه - روش		
مکث، وقفه	مندرا - وِسا - ماتلی	پوز (پتوز)	pause <sup>1</sup> <sup>n</sup>
	ماتل		
مکث کردن، وقفه داشتن	مندرای - وِسیان	پوز (پتوز)	pause <sup>v</sup>
	ماتل بیهی (بوون)		
پیاده‌رو - راه آسفالتی	پیاده‌را - رای توهن	پیوینت	pavement <sup>n</sup>
	فهرشه - ری به‌ردین		
پنجه، پا (حیوان) - پنجه‌جول	په‌نجه و پای - په‌نجه ی پی	پتو	paw <sup>n</sup>
	چه پوله‌ حه یوان		
گرو گذاشتن - رهن دادن	ره‌هن دای - گره‌ن یان - پاوئه‌من	پتوینو	pawn <sup>v</sup>
مزد دادن، پرداختن	پی‌دان - په‌نه دای	پی	pay <sup>1</sup> <sup>v</sup>
	وچارده ی (بیه‌ره پی ی)		
پرداخت - وجه پرداختی	وچارده سوارده - په‌نه‌دا	پی‌منت	payment <sup>n</sup>
مزد، دستمزد حقوق	هه‌ق‌ده‌س کاره‌ه‌ق ده‌ست	پی	pay <sup>2</sup> <sup>n</sup>
نخود، نخودسبز	نوک - نه‌یه‌وله‌ره	پی	pea <sup>n</sup>
بایگانی مالی	دانایانی مالی، چارده‌یری	پی‌کیونیری	pecuniary archives <sup>n</sup>
	مالیاتی	آرچیوز	
آشتی، صلح - سکوت	سلحه - ناشتی	پیس	peace <sup>n</sup>
قرارداد	بیده‌نگی - تارامی - بیریار		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
peaceful <i>adj</i>	پیس فۆل	ئارام - ساکت - کش و	آرام، ساکت، صلح جو
		مات - هیمَن و ته هوهَن	با صفا
peach <i>n</i>	پِچ	هه شتالۆه - قوڅ	هلو - شفتالو
peacock <i>n</i>	پِی کاک	تاوس (که رگه ی هندی یه)	طاووس
peak <i>n</i>	پِیک	قوچه کش - ئاسوگا	قله کو، بالای تپه - لپه کلاه
		کهل - نووک	اوج
peal <i>n</i>	پیل	هاره نه ره - گرمه شراخه	صدای گوشخراش - غُزَن و عِد
peal <i>v</i>	پیل	گرماندن - گرمای	طنین انداختن، غریندن
		نه رنای - هاره ئامه ی	
peanut <i>n</i>	پِی نات	باده مزه مینه - موامزه مینه ی	بادام زمینی، بادام خاکی
pear <i>v</i>	پِر	هه رمی - هه مرو - مرو	گلایی - آمرو
pearl <i>n</i>	پِرل	مرواری - مرواریه	مروارید - صدفی
pebble <i>n</i>	پِل	ریژ - به رده خرکه	ریگ، شن
		زیخ - پیچه ک - ریخ	
peck <i>v</i>	پِک	به ده نووک خواردن	نک زدن، با منقار خوردن
		دند دووک شه نه ی	
peculiar <i>adj</i>	پِی کیولیر	عه جه یواتی - تایبته	عجیب، غیر معمولی - ویژه
		ته یوه تی - تاقانه	
pedal <sup>1</sup> <i>n</i>	پِدل	پاده ر - جی بی - په دال	پدال، رکاب
		رکاوله دوچه رخه	
pedal <sup>2</sup> <i>v</i>	پِدل	پادا ی - پِی لیدان	رکاب زدن، پدال زدن
		په دال دای - رکاودان	



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عابر، رهگذر - بی‌روح	راگۆزەر - ری گۆزەر	بی‌دس تروین	pedestrian <i>n,adj</i>
پوست میوه	خراپ و بی‌هازوتین پستی میوه - توکیلی میوه	پیل	peel <sup>1</sup> <i>n</i>
پوست گرفتن (میوه،...)	توکل میوه - پوس - پیس پاقلیس کەردە ی - پیس	پیل	peel <sup>2</sup> <i>v</i>
نظرانداختن، نگاه کردن فزادانه	دەر هاوردن - توکل کە نه ی نەزەر وسە ی - تە واشا	پیپ	peep <sup>1</sup> <i>v</i>
چیک چیک کردن	بە پە لە کردن - چە م وسە ی زو		
نگاه‌گشرا، نگاه‌سریع فزادانه	چە م وز - چا و خست بە دزە	پیپ	peep <sup>2</sup> <i>n</i>
چوب لباسی - گیره لباس	لا ونیم دیای، بە دزە روانین گیره ی لباس - چۆ دە وار	پی	peg <i>n</i>
میخ چوبی، میزن	گیره سیپال - بزمار		
قلم، قلم خودنویس	خودکار - قە لە م	پن	pen <sup>1</sup> <i>n</i>
	خونویس		
آغل - زاغه فرغدانی	پە چە حە یوان - یاگە کەرگە	پن	pen <sup>2</sup> <i>n</i>
پنالتی، جریمه، تنبیه	گاجی وگە وریزاخه، کولین جریمه - تاوان - خە تا	پنل تی	penalty <i>n</i>
مداد	مه داد	پن سیل	pencil <i>n</i>
رخنه / نفوذ کردن	دە لئای دە لاندن - دلئی لوای	پن یتیریت	penetrate <i>v</i>
	کون کردن - ناوچون		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چاقو، چاقوی توجیبی	چه قوی باخه‌لی - چاقوو	پن نایف	penknife <i>n</i>
قلم تراش	گیفانی - مه‌داد تراش		
پنی (سکه رایج بریتانیایی)	پووله‌ورده جه ئینگلیس	پنی	penny <i>n</i>
$\frac{1}{100}$ پوند	ورده پوول له ئنگلستان		
حقوق بازنشستگی - پانسیون	هه‌قوئی بازنشستی	پن‌شن	pension <i>n</i>
	مواجووی ناخری کاروپیری		
مردم، اشخاص، افراد	مەردم - خەلک	بی‌هل	people <i>n</i>
	کەسان - نەفەرێ		
پودر فلفل - فلفل سبز	ئالەت تونی - ئالە ته	پیپر	pepper <i>n-v</i>
فلفل زدن	بیبار - گەردە بیبەر		
نعناع - قرص نعناع مسوسنبر	نەعنا کبۆی - قورسی	پیپر مینت	peppermint <i>n</i>
	نەعنا - نەعنا هەردی		
هر، در، بلبوسیل، سازاه	لە - هەر - بە - با - جە	پر	per <i>prep</i>
درصد %	دەرسەد - بە شتی لەسەد	پرسنت	percent <i>n</i>
	چیوێ جە سەدی		
(روی شاخه / میله) نشستن	ئەوێ نشتە - ئەوێ نیشن	پرچ	perch <i>v</i>
نشستگاه	لەسەر (دار - تەل - ...) چل		
عالی - کامل، درست‌نبی عیب	کامل دروست - باش	پرفیکت	perfect <sup>1</sup> <i>adj</i>
	درؤس - تەوا - چاک		
کاملآ به‌طور کامل - خیلی	بە تەواوی جە گردوگرد	پرفیکتلی	perfectly <i>adv</i>
کامل کردن - تکمیل کردن	کامل کەردە - تەواکردن	پرفکټ	perfect <sup>2</sup> <i>v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کمال - تکمیل	که مآل - ته کمیل	پرفکشن	perfection <i>n</i>
عمل کردن، انجام دادن	کار ته وا کردن	پرفرم	perform <i>v</i>
موسیقی زدن	عه مه ل کرده ی		
اجرا، بازی در (فیلم)	کار کرد - تجرا - نمایش	پرفرمنس	performance <i>n</i>
نمایشنامه) - عمل - عملکرد	وی نشان دای		
عطر، بوی خوش - شمع ل کردن	عه تر - بوی وه شه	پرفیوم	perfume <i>n</i>
شاید - چه بسا	بونی خو ش - نه شه دیو		
	مو مکنه ن - گه هاز	پرهیس	perhaps <i>adv</i>
	مو مکی نه، وادیاره		
دوره، عصر - نقطه	ده و ره وه عده - نوخته	پریود (پریود)	period <i>n</i>
	ده و ران - نوخته ی ئاخو ره - جومله		
نا بود شدن، هلاک شدن	پیش پیش بی ی - تیا چو رن	پیش	perish <i>v</i>
	ورد و هان بی ی		
دائم، ثابت - همیشگی	دایم - بوه می شه	پرینیت	permanent <i>adj</i>
	هه تا هه تایه		
دائماً - به طور همیشگی	دایمی - هه می شه یی	پرینتلی	permanently <i>adv</i>
اجازه دادن، مجاز دانستن	ئی اجازه دان (دای)	پریمیت	permit <sup>1</sup> <i>v</i>
	ئازاد ئاسه ی		
جایز - موج - زوا	ئی اجازه ئازاد ئاس، ره وا	پریشین	permission <i>n</i>
جواز کار، گواهینامه اجازه	جواز - جه واز	پریمیت	permit <sup>2</sup> <i>n</i>
	ئی اجازه نامه		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شخص، فرد کس - آدم - نفر	کەس - نه‌فه - شه‌ر - وجود	پرسن	person <i>n</i>
شخصی، خصوصی - فردی	ته‌یه‌تی - تاییه‌تی	پرسنال	personal <i>adj</i>
	وی‌یی - خویی		
کارگزینی	کاربه‌ریو به‌ری کارگزینی	پرسنال‌افر	personal affairs <i>n</i>
شخصاً - به‌تنهایی	به‌خۆم - چه‌رویم به‌تن	پرسنالی	personally <i>adv</i>
ترغیب کردن - واداشتن	هانه‌هانه‌دای - موچیار	پرسود	persuade <i>v</i>
	که‌رده‌ی - رازی کردن به		
تشویق، ترغیب‌وادر سازی	هانه‌هانه - موچیار	پرسويزۆ	persuasion <i>n</i>
اعتقاد	ته‌شویق‌هه‌لنیا، نه‌قیده		
حیوان / آدم مزاحم، افت، بلا	به‌لا - تا‌عوون - په‌تا - قولج	پست	pest <i>n</i>
دردسر	خودا - تریشقنای - قولج		
جانور دست‌آموز - سگلی	حه‌یوانی پت کریا	پت	pet <i>n</i>
غیض - نولزش	جانه‌وه‌ری ده‌ستی		
گلبرگ گلها	گولبه‌رگ - په‌ره‌گول	پتال	petal <i>n</i>
	په‌ره‌ی گولان	پتل	
عریضه، دادخواست - تقاضا	عه‌رزو حال - داد	په‌تی‌شین	petition <i>n</i>
	خواز - عه‌ریزه - ته‌قازا		
بنزین له نینگلیس	بنزین - بنزیل	پترول (پترول)	petrol <i>n</i>
فلسفه - اصول نظریه‌ها	فله‌سه‌فه - حکمه‌ت	فیلاسوفی	philosophy <i>n</i>
	علمی عله‌ت - پروون‌که‌ر		
مخفف telephone	کورت‌کراوی ته‌له‌یفون	فتون (فون)	phone <sup>l</sup> <i>n</i>

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تلفن زدن / کردن - صدا	ته له یفون که رده ی (کردن)	فون	phone <sup>2</sup> <i>v-n</i>
عکس، فتو	ده نگ - سدا - بانگ		
عکس گرفتن	عه کس - شیوه - وینه	فوتوگراف	photograph <sup>1</sup> <i>n</i>
عکاس، عکسبردار	وینه گرتن - عه کس گر ته ی	فوتوگراف	photograph <sup>2</sup> <i>v</i>
هنر عکاسی - عکسبرداری	وینه گر - عه کس وز	فوتوگرافر	photographer <i>n</i>
	پیشه ی وینه گری	فوتوگرافی	photography <i>n</i>
	عه کس وزی		
عبارت (جمله ناقص)	جمله ی ناته مام	فِرز	phrase <i>n</i>
گزاره	راویژ - کور ته جمله		
فیزیکی، طبیعی، مادی، جسمی	فیزیکی - سرو شتی بیه ده نی	فیزیکل	physical <i>adj</i>
دکتر، پزشک - طبیب	دوکتور - دوگدر - هه کیم	فیزیشن	physician <i>n</i>
فیزیک - علم فیزیک	علم و فیزیکی - فیزیک	فیزیکس	physics <i>n</i>
فیزیکدان	فیزیکزان - نو ساو فیزیکی	فیزیسیست	physicist <i>n</i>
پیانو - نوعی آلت موسیقی	جوره نامرازیکه له موسیق	پیانو	piano <i>n</i>
	وه سیلیوه موسیقای		
پیانست، نوازنده، پیانو	پیانوژن - لیده ری پیانو	پیانست	pianist <i>n</i>
انتخاب کردن، برگزیدن	هه لیژاردن - جیاوه	پیک	pick <sup>1</sup> <i>v-n</i>
مضرب - ذخمه	که رده ی - که نه ی (که نندن)		
انتخاب بگزیده، بزیده	هه لیژیر - جیاو زو چنیه ی	پیک	pick <i>n</i>
کلنگ کلنگ زدن	پاچ - زه نگن شه نه ی	پیک آکس	pick <sup>2</sup> <i>n</i>
پیک نیک، گردش	سه یران هه رو که ش گیلای	پیک نیک	picnic <i>n</i>

f	v	θ	ð	s	z	f	ʒ
fall	voice	thin	they	so	zoo	she	vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تصویر، نقاشی، عکس	نه قاشی - وینه - شیوه عه کسه	پیک چر	picture <sup>1</sup> n
پنداشتن، انگاشتن تصور - مجسم	به وینه نیشان دان - به زه ندنه ورده ی - خیال کردن	پیک چر	picture <sup>2</sup> v-n
تکه، قطعه، پاره، برگ	تیکه - لت - لهت	پیس	piece n
سوراخ کردن، فرو رفتن	تۆپه پارچه کون کردن - وڵ کردن	پیرس	pierce v
نفوذ کردن	دلنی لوی - ده لاندن		
خوک - ادم خوک صفت	خوگ - به راز - به کانه وده ره - خوگ باو	پیگ	pig n
کبوتر - کفتر	کوتر - کاوه تری	پی چن	pigeon n
بچه خوک	که مو و ته ر به چۆله خوگ	پیگ لیت	piglet n
توده، انبوه، تل، کومه	به چکه به راز کۆما - ماش (ماشو تفان)	پایل - بیل	pile <sup>1</sup> n
پُرز	کۆمه ل ده سه - په لو پۆ		
انباشتن، توده کردن	هۆر و دای - په رکه رده ی پر کردن - جهم کردن	پایل - بیل	pile <sup>2</sup> v
زائر، زیارت کننده	زیارهت که ر - ته و اف که ر	پیل گریم	pilgrim n
سفر زیارتی، زیارت	زیارهت - سه فه ر پۆ زیارهت و ته و اف	پیل گریم بیج	pilgrimage n

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(دارو) قرص - حب	حب - حب - دنکه	پیل	<b>pill</b> <i>n</i>
ستون، تیر، خربالیه	دانه - حبه بی بهرگری کۆله کۆ - کۆله که - پایه	(پیلر)	<b>pillar</b> <i>n</i>
بالش، متکا	سَرینگا - سَره نگا	پیلو	<b>pillow</b> <i>n</i>
روبالشی، روکش، متکا	ژیره سهر - چیره سهر روه سهره نگا به ره سَرینگا	پیلوکس	<b>pillowcase</b> <i>n</i>
خلبان، خاخذ، کاپیتان، کشتی	خه له بان - فو و که وان	پایلت	<b>pilot</b> <i>n</i>
پونز، سنجاق قفلی، سنجاق ته گرد	ته یاره ران، ناویه سنجاق - سنجاقی	پین	<b>pin</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
سنجاق کردن / زدن	سنجاق لێدان (دای)	پین	<b>pin</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
نیشگون گرفتن، کمی (نمک)	قورینج گرتی - قورج گرتن	پینچ	<b>pinch</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
اضطرابی	دهس پوره نیای بردن له		
مقدار اندک، ذره	تۆزه ی - زهره یه ک	پاین-پیین	<b>pinch</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
درخت کاج، صنوبر، نزار	قورینجی - قورج، که می داره کاج سهوزه دار له ر	پاین	<b>pine</b> <i>n</i>
اناناس، میوه کاج	ئه ناناس - میوه یه ک	پاین آپل	<b>pineapple</b> <i>n</i>
(رنگ) صورتی، گل، میخک	گه رمیانی، تۆم کاج ره نگی سورره تی، میخه ک	پینک	<b>pink</b> <i>n, adj</i>
پاینت - نوعی پیمانه	پیوانه یه ک، که ۸	پینت	<b>pint</b> <i>n</i>
پیشاز، پیشگاه، مهاجر اولیه	دانه ی گالو نیکه ئاماده و پیش ره موهه ندسی ئه ر ته ش	پینیر	<b>pioneer</b> <i>n</i>

i:

ɪ

e

æ

a:

ɒ

ɔ:

ʊ

u:

see

sit

ten

hat

arm

got

saw

put

too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هسته، دانه، تخمه	تۆم - دنکه - ناوک	پیپ	pip <sup>n</sup>
لوله، پیپفلوت، چُپِق	پیشه - میوه - تۆو لولی، لولوله، قلیانه، تیزه	بایپ-بیپ	pipe <sup>n</sup>
جیغ	پۆشکه شه راوشمشال		
قُردریانی، قُردا، تشاراتی	دزی ده لیبی - دزو چا پو	پایرت	pirate <sup>n</sup>
تپانچه، هفت تیر	کتیوی - که شتی دزانی ده لیا		
گوڤال، چاله معدن، هسته هلو	ده مانچه - ده وانچه	پیس تل	pistol <sup>n</sup>
هسته میوه مار، تفاع شیرجه	چال - چالی - وله،	پیپ	pit <sup>n</sup>
زمین بازی، زیرویمی، صد لقییر	کون، ناوک میوه - پی شه میوه زه وی و هرزش و کایه - مشه ما	پیچ	pitch <sup>1</sup> <sup>n</sup>
برپاداشتن، چا هر زدن - پزاندن	نه رمی و قوری ده نگ - قیر ده وار و چادر هه لدان	پیچ	pitch <sup>2</sup> <sup>v</sup>
ترحم، دلسوزی، دریغ	کۆک کردن سه ره و چیریه ی ره حم - دل سووتان	پی تی	pity <sup>1</sup> <sup>n</sup>
ترحم کردن، دلسوزی کردن	به زه ی - ناخ و داخ دل سوته ی په ی	پی تی	pity <sup>2</sup> <sup>v</sup>
مکان، محل - جا - شهر،	ره حم کردن به دل سووتان جیگه - یاگه - شوین	پلیس	place <sup>1</sup> <sup>n</sup>
دهکده - رتبه	دیار، دی، مقام، شار		
گذاشتن، قرار دادن	نیای هیشتن، بیرهاوردن ئه ره نیای - ویرنامه ی	پلیس	place <sup>2</sup> <sup>v</sup>

بجا آوردن

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
واضح، روشن، آشکار، زک	روون - ئاشکارا ده شت	پلین	plain <sup>1</sup> ad:
دست - عادی - دشت	روشن - مه علوم، ساده		
به طور آشکار، به وضوح	به ئاشکارا - به روی	پلین لی	plainly adv
	روشن - به ئاسانی		
جلگه، دشت - ساده	دهشت - سارای ده شته	پلین	plain <sup>2</sup> n
بافتن (طناب، مو، ... ) گیس کردن	چینه ی گیسو گرته ی - چن	پلنت پلنت	plait <sup>1</sup> v (pieat)
بافتن موی بافته طرزه	چینه - گرته - گیس ی	پلنت پلنت	plait <sup>2</sup> n
	نه وه گیریا - چنیاگ		
طرح، نقشه، برنامه ریزی	نه خشه - گلال و ته رح	پلن	plan <sup>1</sup> n
	به برنامه - پروژه		
برنامه ریزی کردن، قصد کردن	نه خشه کیشان بو	پلن	plan <sup>2</sup> v
	به برنامه ده سوویه ی		
هواپیما - مخفف aeroplane	ته یاره - بالوین	پلین	plane n
رنده - صاف	فروکه، ساف برنده		
جرم آسمانی، ستاره	ماده وه بر دین ئاسمانی	پلنیت	planet n
	گیلدر - گهره - خول خور		
الوار، تخت، برنامهمروار	دیمه که به ردو، به برنامه	پلنک	plank n
	ته موه دار - ئامانچ		
گیاه، نبات - ابزارگان	گیا - گیواو - رووه ک	پلانت (پلنت)	plant <sup>1</sup> n
کاشتن، نصب کردن	دار نیای - کالای - کیلین	پلانت	plant <sup>2</sup> v
	داچه قانندن له زهوی		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کشتزار، مجتمع کشاورزی	زه‌وی گه‌وره‌ی کشتوکاڵ	پلانتیشن	plantation <sup>n</sup>
گچ ساختمانی	گه‌چ و خاکی سپی	پلاستر	plaster <sup>1 n</sup>
اندودن، گچ کاری کردن	موشه‌ما-گه‌چ کاری کردن	پلاستر	plaster <sup>2 v</sup>
پلاستیکی، پلاستیک	په لآستیک - باغه	پلستیک	plastic <sup>adj, n</sup>
بشقاب-پلاک-دندان مصنوعی	ده‌وری، دیانی مه‌سنووی	پلیت	plate <sup>n</sup>
سکوی قطار- جایگاه مساحنه	سه‌کو‌ی قه‌تار- جی‌گای	پلت فورم	platform <sup>n</sup>
بازی کردن - نواختن (ساز)	خوار هاتی ته‌یاره، ته‌ختای گه‌مه‌که‌رده‌ی - کایه‌کردن	پلی	play <sup>1 v</sup>
به بازی گرفتن	موسیقازنه‌ی		
بازیکن، بازیکن فوتبال	گه‌مه‌که‌ر - کایه‌که‌ر	پلیر	player <sup>n</sup>
نوازنده - بازیگر	لیدهری موسیقا		
زمین بازی و ورزش	زه‌وی کایه - زه‌مینو	پلی‌گرنوند	playground <sup>n</sup>
بازی سرگرمی-نمایشنامه،	وه‌رزش و گه‌مه‌ی کایه - گه‌مه - شوخی	پلی	play <sup>2 n</sup>
فیلم	نمایش		
زیبا، دلچسب - گوارا	نمه‌کین - دل‌به‌رزه‌ریف	پلزنټ	pleasant <sup>adj</sup>
به طور دلچسب	تام‌دار - پریشات به دلوازی - به جو‌ری	پلزنټلی	pleasantly <sup>adv</sup>
شاد / خوشحال کردن	ره‌زامه‌ندی - به‌وه‌شی شادکه‌رده‌ی (کردن) به‌وشحال که‌رده‌ی - رازی کردن	پلیز	please <sup>1 v</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لذت، خوشی، آرزو و حظ و میل	خوڤشی، سه سرووری، سه شێ	پلیزر	pleasure <sup>n</sup>
خواهش (مؤدبانه) لطفاً	لیباران - خوایش	پلیز	please <sup>2 n</sup>
فراوانی، مقدار زیاد	فره و فره راوان، به کجار زۆر	پلنتی	plenty <sup>n</sup>
فراوان، بسیار، زیاد	فره - زۆری زۆر	پلنتی فول	plentiful <sup>adj</sup>
گازانبر، انبردست	گاز-قرتینه ریز مارکیش	پلایرز-پلی پرز	pliers <sup>n</sup>
باغچه مقوار، زمین	باخچه - تیکه زه وی	پلات	plot <sup>1 n</sup>
طرح	ته لانه زه مین، نه خشه ی مال		
نقشه (خانانه) بدستان	نه خشه و ناپیایی، بوختان	پلات	plot <sup>2 n</sup>
طرح، توطئه	نه خشه ی ژیره سه راز		
نقشه (خانانه) کشیدن	نه خشه ی ژیره سه رکیشان	پلات	plot <sup>3 v</sup>
توطئه کردن	چیر پا خالی که رده ی		
خیش، گاواهن	گاوه سه ن - هیش	پلو-پلئو	plow=plough <sup>1 n</sup>
	هیته - جووت (کاکای جوتیار)		
شخم زدن / کردن	جووت کردن هیته که رده ی	پلو-پلئو	plough <sup>2 v</sup>
کندن، کشیدن، بچیدن، چروتن	که نه ی که نندن - ته کنای، زات	پلاک	pluck <sup>v-n</sup>
سربپوش - دو شاخه (برق)	دو و شاخه ی کاره با و	پلاکی	plug <sup>1 n</sup>
پریرز - کلید	به رقه ده رپوش - کلیلی به رقه		
دو شاخه را به برق زدن	دو و شاخه به به رقه (برق)	پلاکی	plug <sup>2 v</sup>
مسدود کردن	دان دو و شاخه وه نه دای		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آلو - دلپسند	هه لۆ وه لۆه سیاره یازه رده	پلام	plum <i>n</i>
لوله کشی آب	لوله که شی ئار له مأل لوله که شی ئاوی	پلامینگ	plumbing <i>n</i>
گوشتالو، ئه‌ل چاق چله	چاخومه س - خه په کو له	پلامپ	plump <i>adj</i>
تلپ افتادن	قه له و غره چاخ، شلیه کردن		
جمع، بیش از یکی - چند تایی	جه معه - جه م - جه	پلرل	plural <i>adj, n</i>
صورت جمع	یو یوبان - جه مدای		
به علاوه، باضافه	به علاوه سه علاوه ی (+)	پلاس	plus <i>prep</i>
بعد از ظهر - ظهر تا نیمه شب	دوانیوه رو - دمانیمه رو	پ - ام	p.m.
پلوتو (خدای زمین) پلوتون	خودای ژیرزه وی، پلوتون	پلوتو	pluto <i>n</i>
جیب (لباس) خودخوری	گیفانه - گرافان، میراق	پاکیت	pocket <i>n</i>
پول توجیبی - پول کیف	پوولی ناوگیفان	پاکیتمانی	pocket money <i>n</i>
پوسته، غلاف (گیاه) انیام	پوولو دلی گیفانی جی توّم - یاگه توّم	پاد	pod <i>n</i>
شعر - چکامه	توّم دان - که مکول شیعری - شیعری	پویم - پوایم	poem <i>n</i>
شاعر - سخن سرا	هوانراوه - بویتژ شاعیر - شیعری واچ	پوات	poet <i>n</i>
اشعار - آثار شعری	هوانراوه بویتژ شیعری جویتزه کان	پویتی - پواتری	poetry <i>n</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اشاره کردن / نمودن	نیشاره ت کردن - نیشاره	پوینت	point <sup>1</sup> v
تیز کردن مداد	که رده ی - قه ره وڵ گه ته ی		
نوک تیز - سو تیز	نووک تیژ، ته شه ریام	پوینتد	pointed <sup>adj</sup>
نوک تیز - هدف - امتیاز،	نووک تیژ، قوناغ - جی	پوینت	point <sup>2</sup> n
مرحله - نقطه - محل	مه نزوور - نوخته - میزان		
زهر، سم قاتل	سه م - سام - ژال	پوینزن	poison <sup>1</sup> n
	ژه حر - ژه قله موت		
زهری، سمی - مسموم کننده	ژه حر ی - سام تیکه ل	پایزنس	posionous <sup>adj</sup>
	ژاری - سه مدار	پوینزنس	
مسموم کردن، زهر دادن	ژه حر پیدان - ژارو سه م	پایزن (پوینزن)	poison <sup>2</sup> v
	په نه دای - سه م تیکه ل که رده ی		
فرو کردن، به هم زدن	نه قیزه دای - پووه که رده ی	پوک	poke v
با ارنج زدن به	ئاگر بلا و کردن، سیخور مه لیدان		
تیرچوبی - دکل - میله	راژه - نیله مل دار، توله	پتول	pole <sup>1</sup> n
قطب (زمین) - تیرچه	ته وقه زه مین - ته وقی	پتول	pole <sup>2</sup> n
	تویی زه وی، قوتپ		
پلیس، پاسبان	پاسه وان - پاسه بان	پولیس - پلیس	police n
خط مشی - سیاست - تدبیر - مصلحت	ره وه ندره وه یه - ته گویر	پالیسی - پلیسی	policy n
براق کردن، جلا دادن	واکس دای - رو شن و	پالیش	polish v
واکس زدن	که رده ی - بریق ه پی دان	پتولیش	

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
روغن جلا واکس	روڤن جه لا - واکس	پالیش	polish <sup>2</sup> n
مؤدب، باتریت، نفیر، هیخته	عه ده و - ئارام و سه نگین	پتولیش پولایت	polite adj
علم سیاست، فن حکومت	هیمن و نه جیب علمی سیاست	پلیت پالی تیکس	politics n
سیاسی - فئذترانه	سیاسی، به ته دبیر	پولی تیکل، پلی تیکل	political adj
سیاستمدار - دولتمرد	سیاست زان، سیاست پیشه	پالی تی شن	politician n
دانشکده فنی، پلی تکنیک	زانکۆی فنی	پالی تکنیک	polytechnic n
حوض، آبگیر، استخر	حهوز - حه ساره	پاند	pond n
آبگیر، تالاب، استخر، شراکت	گوومه - سه راو گوومه - هه سیر - میرگ	پوول	pool n
فقر، ندار - بیچاره، بد	میرگه سه رمایه شهریک فه قیر - گه دا سواڵ	پوور	poor adj
کم	که ره ئه رامه نده داماگ، که م		
صدای تق - بامب	ته په ئامه ی - چتی خالی	پاپ	pop <sup>1</sup> n
ترکیدن	کردن - تلپه که رده ی - ته قه، واق		
موسیقی پاپ / مردمی - ثورق	موسیقای پاپ - چریه فرته	پاپ	pop <sup>2</sup> n
پاپ - پاپ اعظم	پایی ئه عزه م، زابه ری،	پتوپ	pope n
عامه پسند، محبوب، باب	گشتی - گشت په سه ند	پاپ یولر	popular adj
مردمی	به ناو یانگ - باو		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اعتبار، محبوبیت عوام پسند	شۆرت - قابلی	پاپیولریتی	popularity <i>n</i>
تعداد جمعیت مردم، گروه	ژماره‌ی نفوس - ژمار	پاپیولیشن	population <i>n</i>
گوشت خوک	گوشتو خووگی - گوشته	پُرك بئورك	pork <i>n</i>
شوربا، حلیم، فزنی	شۆربا - شۆروا - حلیم، فزنی	پاریج (دوخوا)	porridge <i>n</i>
بندر، شهر بندری، طرف چپ	شاری که ناری ده لیا، لای چپ	پُرت	port <i>n</i>
شراب، قورمز	شه‌راوی سووری پر ته قالی		
حمال، باربر - سرایدار	کۆل بهر - ده‌روان	پُرتیر	porter <i>n</i>
دریان	حه‌مال - حه‌مال		
بخش، سهم، دانگ، تکه	به‌ش - قسمه‌ت - تیکه، دانگ	پُرتین	portion <i>n</i>
تصویر / نقاشی، چهره	وینه - شیوه - عه‌کسه	پُرتیریت	portrait <i>n</i>
محل، مکان، شغل، مقام، نظر	مقام - یاگی - جی - پیشه	پوزی‌تین	position <i>n</i>
وضعیت، موقعیت، حالت، جا	وکار - وه‌زه - حال	پزی‌تین	
معلمن - قطعی، (عدد +)	یه‌قین - ئاشکرا - ژماره‌ی	بازی‌تیو	positive <i>adj</i>
کامل، صلت، مطلق	موسبه‌ت هه‌ره‌قه‌تی، کامل		
حتماً، مطمئناً	دل‌نیا به - حتمه‌ن	بازی‌تیولی	positively <i>adv</i>
دارا بودن، مالک بودن	داراییه‌ی - مالکوو	پزس	possess <i>v</i>
	ساحه‌ب بون		
تصاحب، مالکیت، دارایی	ساحه‌ب مالک سا حیو	پرس‌تین	possession <i>n</i>

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فعال، کاری، عملی، واقعی	به که لک سو و ده ند، عه مه لی	پَرکتیکال	<b>practical</b> <i>adj</i>
تقریباً، عملاً، به طور عملی	له عه مه لا - جه هه قیقه ت	پَرکتیکالی	<b>practically</b> <i>adv</i>
تمرین، مشق، رسیروال	هه و ل - کو شان - خو، عاده ت	پَرکتیس	<b>practice</b> <i>n(se)</i>
	په له قاژێ - عه مه ل		
تمرین کردن - عمل کردن	عه مه ل که رده ی - ته مرین	پَرکتیس	<b>practise</b> <i>v</i>
	کردن - شویناچوون		
تحسین / ستایش کردن	ته حسین کردن - باس و	پَریز	<b>praise</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
	خه یری که رده ی - تاریف دان		
تمجید، تحسین، ستایش، آفرین	ته حسین باس و خه یری	پَریز	<b>praise</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	تاریف - ئافهرین، سه نا		
کالسکه بچه - فُر شکه بچه	ره و ره و دَر و شکه ی منالانه	پَرَم	<b>pram</b> <i>n</i>
نماز خواندن، دعا/	نما و نو پَر کردن - دوعا	پَری	<b>pray</b> <i>v</i>
نیایش کردن، عبادت کردن	که رده ی - هۆ ره و لالیای و ره خودای		
دعا، نماز، نماز گزار، عبادت	دو عا، نما، نو پَر، هۆ ره - نما که ر	پَر پَر	<b>prayer</b> <i>n</i>
موعظه کردن، نصیحت کردن	ئیر شاد که رده ی - مو چیار ی	پَر پِج	<b>preach</b> <i>v</i>
پند دادن	که رده ی (کردن)		
واعظ، مبلغ، کشیش	مو چیار ی که ر - ئیر شاد که ر	پَر پِجَر	<b>preacher</b> <i>n</i>
احتیاط - پیشگیری	هۆ شیاری - وریایی جه رگری	پَری کوشین	<b>precaution</b> <i>n</i>
گرانها، پریهلو، سواسی	قیمه تی - فخره گران - ئازیز	پَر شِس	<b>precious</b> <i>adj</i>
پیش بینی کردن	وه ربینی که رده ی - له پیشه وه	پَری دیکت	<b>predict</b> <i>v</i>
پیشگویی کردن	وتن - جه وه ل خه و ره دای		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پیشگوئی، پیش بینی	جەوڵ خەوردای	پەری دیکشن	prediction <i>n</i>
	وەرینی لێ پیش و تنه وه		
مبصر کلاس - استاندار	سەرپرسی کە لاس - مفسیر و	پەری فکت	prefect <i>n</i>
رئیس پلیس	کە لاسی - ئۆستاندار		
تربیع دادن، پرتو شمردن	بان تەر زانای باش تر	پەری فەر	prefer <i>v</i>
	زانین		
مزیت، برتری - ترجیح، بفرق	بان تەر - باش تر	پەری فینس	preference <i>n</i>
پیشوند - تفاوت	پیش نەروە نیا، خواز	پەری فیکس	prefix <i>n</i>
	بەرەوشە، جیاواز		
حامله، باردار، بچستن، پز	ئاوس - ئەوهره، پەر	پەرگینت	pregnant <i>adj</i>
	دووگیان - لەم پەر		
تعصب، پیش داوری - غرض	غەرەز - زەم	پەرچودیس	prejudice <i>n</i>
اسیب	پیش قەزاوت - زەرەر		
	ناھەق گوویی، قین		
آماده کردن - تدارک دیدن	حازز کردن (کەردە ی)	پەری پەر	prepare <i>v</i>
	تە دارە ک دان		
آماده، مهیا - تدارک	تە دارە ک - حازر	پەرپزیشن	preparation <i>n</i>
تهیه	ئاماده		
حرف اضافه مثل in-to	بیتەکانی ئیزافی وە ک To	پەریزی شن	preposition <i>n</i>
	ورده قسسی - جملەریک کەر - پەسە (in)		

u: d k g t f d: pure pen bed tea did cat got chin June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نسخه (دکتر) - فرمان	نویسه و دوگدری - نووسراوی	پریس کریپشین	prescription <i>n</i>
ره نمود	دوکتور به لگه رده وای - فرمان		
در اینجا، اینجا - فعلی	حازر - ئیسه زه مانی	پرزنت	present <sup>1</sup> <i>adj</i>
حاضر - اکنون	حال (فه زمانی ئیستا)		
در حال حاضر - کنونی	لهم کاته - جه ئیسه دیاری	پرزنت	present <sup>2</sup> <i>n</i>
هدیه	پهی تو - پیشکش		
به زودی - حالا - اکنون	چی زوانه نه - لهم	پرزنتلی	presently <i>adv</i>
	نزیکانا - زوو - ئیسه		
هدیه دادن، اعطاء کردن	پیشکش کردن - نیشان دای	پرزنت	present <sup>3</sup> <i>v</i>
حفظ کردن - مریا کردن	پاریژنای - چاو دیری	بری زرو	preserve <i>v-n</i>
کمپوت، کنسرو، مربا	کردن مـره باو ترشی که رده ی		
نگهداری - حفاظت، حفظ	چاو دیری - پاریزی	پرزروی شین	preservation <i>n</i>
نیگداری	هوشیاری، چه م داری		
رئیس جمهور - رئیس،	سه روک کو مار	پرزیدنت	president <i>n</i>
مدیر (شرکت)	ره یس کو مه ل - مودیر		
فشار دادن - اطو زدن	شواری - گوشین	پرس	press <sup>1</sup> <i>v</i>
پیگیری کردن	ئوودان - وشیردن		
فشار زور و اجبار، تنگنا	زوروشیر بیگاری هیژ	پرشیر	pressure <i>n</i>
ماشین چاپ - مطبوعات	ماشینی چاپ مه نگه نه	پرس	press <sup>2</sup> <i>n</i>
چاپخانه - نشر، جراید	ناوی میوه گرتن - چاپ، بلاوگه ری		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وانمود ساختن - تظاهر کردن	وی نابەڵەد کەردە ی	پەری یتند	pretend <i>v</i>
ادعا کردن	خۆ بە باری ترا دان		
زیبا، جذاب، قشنگ، خوشگل	خۆ به نه زانی دان دل رفین - زەریف	پەری تی	pretty <sup>1</sup> <i>adj</i>
تقریباً - نسبتاً - تاحدی	جوان - نمە کین تائە نە زانی یە ک - تا	پەری تی	pretty <sup>2</sup> <i>adv</i>
بازداشتن، ممانعت کردن	هە دە دە ی - نزیک به بەرگری کردن (وهر)	پەری و نت	prevent <i>v</i>
جلوگیری کردن	گرته ی) - بەرگری ترن		
پیشگیری - جلوگیری - منع	بەرگری - وەرگیری	پەری و ن شین	prevention <i>n</i>
قبلی، سابق، پیشین - قبل	و ه ل ین - رابردوو	پەری و یس	previous <i>adj</i>
	لە می ژ - چە و و ه ل		
قبلاً سابقاً - پیشتر	جە تە دیم لە کۆ نە و، لە مە و پیش پەری و یسلی		previously <i>adv</i>
صید، شکار، طعمه - اسیر	مە لی کۆ ژ را و - پە لە وە ری	پەری	prey <i>n</i>
غنیمت	کوشیا - نه چیر - تالانی - دیل		
ارزش، قیمت، بها - مئنه	قیمەت - ئیژای - نرخ	پەرایس	price <i>n</i>
زخم کردن (یا آلت برنده) / روزنه	پۆرە چە قنای - پیا کردن	پەریک	prick <i>v</i>
درد کردن - سوراخ کردن	و ل کە ر دە ی - کون - ئی ش ئا لۆش		
خار، تیغ - خارش - سوزش	پیکۆل - ئا لۆش دە ر دە ری - دەرک پەری کل		prickle <i>n</i>
تیغ دار، خاردار - زبر	دەرە دار دەرک دار، زوور	پەری کلی	prickly <i>adj</i>
سوزش دار	پەرچە کۆ ل - زوور - قەرچان		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
pride <i>n</i>	پراید	فیز - فیس - ئفتخار	غرور، تکبر، خودنمایی
prilest <i>n</i>	پریست	شانازی - خۆنۆندن (هاها)	فخر - سربلندی
primary <i>adj</i>	پرای مری	پیشه وای ئایینی مه لای مه سیحی - موغ	کشیش - موبد - روحانی
prime minister <i>n</i>	پرایم مینستر	ئه وه لێن - سه ره تایی	نخستین، اولیه، ابتدائی
primitive <i>adj</i>	پری میتیو	بنچینه و پایه یی	عمده
prince <i>n</i>	پرنس	سه روک وه زیر سه ره زیر کۆن - کوئه - قه دیم	نخست وزیر
princess <i>n</i>	پرینسس	زه مان - قه دیمی، در	باستانی، قدیمی - ابتدایی
principal <sup>1</sup> <i>adj</i>	پرینسیپل	شازاده - ئه میر	بی تمئن
principally <i>adv</i>	پرینسیپلی	کوره شا	شاهزاده - حاکم - سر دسته
principal <sup>2</sup> <i>n</i>	پرینسیپل	شازاده خانم - کناچه شا	شاهپور
principle <i>n</i>	پرینسیپل	به شی فره - لای فره	پرنسس - شاهزاده خانم - ملکه
print <sup>1</sup> <i>v</i>	پرینت	عه سل - مودیر، بن مایه زۆرتەر - جه ئه سلۆ	عمده، اصلی، مهم برنسس
		له عه سلآ	اصل، سرمایه
		مودیری مه دره سه مودیر	به طور عمده - اساساً
		و مه دره سه ی، ره یس	فدیر (مدرسه، ...) - برنسس
		مه رام و مه سله ک	مسلك، مرام اخلاقی
		عه سلێ گرده ی بنه وا، ئخلاق	اصل قانون، قاعده
		چاپ که رده ی (کردن) مۆردان	چاپ کردن - شهر کردن

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چاپگر، چاپ‌کن - چاپچی	چاپ‌گر - چاپچی	پرین‌زِر	printer <sup>n</sup>
چاپ - طبع، چیت، پوست، شهر	چاپ، مور، وینه، ئستامپ	پرینت	print <sup>2</sup> <sup>n</sup>
حبس، زندان	حیفز - زیندان	پرینز	prison <sup>n</sup>
	به نندیخانه		
زندانی، اسیر	زیندانی - حیفزی	پرینزِر	prisoner <sup>n</sup>
	به ندی - دیل		
خصوصی، شخصی، محرمانه	ته یوه تی - تاییه تی، سه‌ریاز	پری‌وت	private <sup>adj</sup>
به‌طور خصوصی، قلباً	به جو‌ری تاییه ت - به	پری‌وت‌لی	privately <sup>adv</sup>
	ته یوه نی و مه‌حره‌مانه		
امتياز، ویژه، مزیت	هه‌ق - هه‌قی تاییه ت	پری‌وی‌لیج	privilege <sup>n</sup>
برخوردار	بان‌ته‌ری - که‌لک		
جایزه - غنیمت	جایزه - ئه‌نعام	پرایز	prize <sup>n</sup>
	خه‌لاتی		
محتملاً - احتمال‌دار، که	زه‌نده مه‌لو - وادیاره	پرابیلی	probably <sup>adv</sup>
	ره‌نگه‌ن، شایه‌د		
مسئله، سؤال، مشکل	گیر و گرفت - مه‌سه‌لئ	پرابلیم	problem <sup>n</sup>
	مه‌سه‌له - مه‌ته‌ل		
مُعْضِل			
رفتن، ره‌سپار شدن	لوای - روین - ده‌س به	پروئوسید	proceed <sup>v</sup>
	کاربیه‌ی، درپژه پیدان		
ادامه دادن			
پروسه، روند، جریان	ره‌وند - چوونه‌بر	پروئوسیس	process <sup>n</sup>
زوال، اقدام	جه‌ره‌یان، ره‌وش، دادخوازی		

ʌ      3:      ə      eɪ      əu      aɪ      au      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صف، دسته، گروه، مشایعین	سه‌فه - ده‌سته	پروسین	procession <i>n</i>
یا (همراهان)	کۆمه‌له‌ی خه‌لک		
تولید کردن، ساختن	وه‌ش که‌رده‌ی سازین	پرو دیوس	produce <sup>1</sup> <i>v</i>
تولید، محصول، حاصل، ضرب	به‌ره‌م سه‌مه‌ر - حاسل	پرادا کت	product <i>n</i>
تولید، ساخت - فرآورده	وه‌ش کرد - خوش	پروداک‌شین	production <i>n</i>
	کرد - به‌ره‌م - سازین		
محصول (کشاورزی)	به‌ره‌می که‌شاوه‌ری	پرو دیوس	produce <sup>2</sup> <i>n</i>
سبزی - میوه	سه‌مه‌رو کشتوکالی		
شغل، حرفه - اقرار - ادعا	پیشه‌وکار - ثیقرار، ثدعا	پروفشین	profession <i>n</i>
حرفه‌ای - شغلی	کاری - شوغلیوه	پروفشینل	professional <i>adj</i>
کارکشته	تاوسه‌ری - یه‌ک‌جور شوغل		
استاد دانشگاه	ئوستاد - ئوستاد و دانشگای	پروفیسر	professor <i>n</i>
سود، منفعت - بهره	سوود - فه‌یده - خه‌یر	پرافیت	profit <i>n</i>
سودآور، پرسود - پُرترآمد	پپر خیر - پر خه‌یر - پهر	پرافیت‌ایل	profitable <i>adj</i>
	فه‌یده، چاک		
برنامه - نمایش	به‌رنامه و نمایش	پروگرام	programme <i>n(me)</i>
پیشرفت، ترقی - بهبود	ئاوه‌دان - پیش‌ره‌و	پروگرس	progress <sup>1</sup> <i>n</i>
	وه‌رلوا - تهره‌قی		
پیشرفت کردن - بهبود یافتن	ته‌ره‌قی که‌رده‌ی (کردن)	پروگرس	progress <sup>2</sup> <i>v</i>
	ته‌ودان‌بیه‌ی		
پروژه، طرح، برنامه، برآورد	ته‌رحه‌ی بارنامه‌بین‌وز	پروچکت	project <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ممتاز، برجسته - مشهور	ممتاز - وه ره چه م	پرامی ننت	prominent <i>adj</i>
قول دادن، عهد کردن	به رز نه زهر - که م نه زیر قه وڵ دای (دان)	پرامیس	promise <sup>1</sup> <i>v</i>
عهد، وعده، پیمان - قول	شه رت که رده ی		promise <sup>2</sup> <i>n</i>
ارتقاء، مقام دادن	عهد و یه پیمان شه رت وه فا وه و به رده ی	پرامیس پرامووت	promote <i>v</i>
رواج دادن	پیش بردن بیان چون ی روت به	پروموت	promotion <i>n</i>
ارتقاء، ترفیع، تبلیغ	وه و به ر ی - به پیش	پرامووشن	
اگهی بازرگانی	به ر ی به ره و ته ره قی، ره و اج		prompt <i>adj</i>
فوری، بی درنگ، سریع	زو و خه وری - گورج - جابه جا	پرامیت	
ضمیمه، جانشین اسم	راناو - جی ناو باتی نامی	پرونانون	pronoun <i>n</i>
تلفظ / ادا کردن	هه جا که رده ی - حرف و	پرونانونس	pronounce <i>v</i>
اعلام کردن	پسته کان به ده نگ و تن		pronunciation <i>n</i>
تلفظ، ادل آواسازی	هه جا - یو یو واته و	پرونانونس	
گواه، شاهد، نشانه، دلیل	جیا که رده و، حه ر ه کان	پیشن	proof <i>n</i>
آزمون	دوام دار - شاهد	پرووف	
پروانه کشی و هواپیما	ده لیل محه ک - نشانه		propeller <i>n</i>
مخ هواپیما	مه له خ له فرو که - په ره له که شتی و ته یاره	پراپلر	
مناسب، صحیح، درست، خوب	دروست دروس ری که به جی	پراپر	proper <i>adj</i>
به طور صحیح، به درستی	به دروستی وری کی به راسی	پراپرلی	properly <i>adv</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision





فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خودخواه، مغرور، سربلند	فیزن - جهۆی رازی	پرنود	proud <i>adj</i>
خودخواهانه، باسربلندی	له خو رازی، سه ره رز		
اثبات کردن، امتحان کردن	به ته که بر به فیس و ئیفاده	پرنودلی	proudly <i>adv</i>
ضرب المثل، مثل	تاقیۆ کرده ی - ئیشان دان	پروو	prove <i>v</i>
تدارک دیدن، تهیه کردن	مه ته ل - مه ته له	پراورب	proverb <i>n</i>
	تاماده کردن - گیر نه ورده ی	پروواید	provide <i>v</i>
	حازر که رده ی		
به شرط اینکه، مگر	به ئان شه رت به وشه رته	پروواید	provided(that)
تهیه، تدارک، خواروبار	تاماده - حازر - ته داره ک	پرووین	provision <i>n</i>
استان، ایالت، قلمرو	وه لا ت - ئوستان - ناحیه	پراوینس	province <i>n</i>
حوزه	مه ل به ند		
ایالتی، استانی، شهرستانی، اقل	وه لا تی - ئوستانی، شاری	پراوین ئیل	provincial <i>adj</i>
عمومی، همگانی، آشکار	گشتی - گردی - په ی	پابلیک	public <sup>1</sup> <i>adj</i>
جامعه	گردیو گشت - ئاشکرا کو مه		
مردم، ملت، جامعه	نه ته وه - مله ت	پابلیک	public <sup>2</sup> <i>n</i>
	خه لک، جامیعه		
منتشر ساختن / کردن	بلا و کردن - په خشو	پابلیش	publish <i>v</i>
چاپ کردن	که رده ی، چاپ کردن		
انتشار، نشر، آلو، نشو به	په خشی - بلا و کهری	پابلی کیشن	publication <i>n</i>
ناشر (فرد / شرکت)	په خشو کهر - بلا و کهر	پابلی شیر	publisher <i>n</i>
نفس زدن، فوت کردن	هه ئاسه سواری به ی - فوو	پاف	puff <sup>1</sup> <i>v</i>
باد کردن	کردن (که رده ی) بیاتیکردن		

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put
							too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فوت، پف، پنگ، وزش	فوو - کوکو و دووکه‌لی	پاف	puff <sup>2</sup> <i>n</i>
کشیدن، خربه‌دیدن، ماهیچه	پفه ک‌جا، پوک سیگار و جگه‌ره کیش کرده‌ی (کردن)	پُل	pull <sup>1</sup> <i>v</i>
کشش، ضربیدگی	که نه‌ی - درهاوردن دیان دریژ که‌ری - کیشه	پُل	pull <sup>2</sup> <i>n</i>
پولوور - زیرپوش کنشی	کیشان، که‌نو بی‌یه چیر پووشی که ژدار	پُل‌پور	pullover <i>n</i>
پیراهن پشمی	ژیر پووشی که‌ش دروو		
نبض، ضربان، تپش (قلب)	دل‌داوه نه‌ی - ره‌گ	پالس	pulse <i>n</i>
تلمبه، پمپ، کفش با تسمه بلند	لیدان - نه‌ها - دل‌فرین په‌م - واده‌ری، تلومبه	پامپ	pump <sup>1</sup> <i>n</i>
تلمبه‌زن، پمپ‌کردن، تپیدن	په‌م دای (دان) - بادان	پامپ	pump <sup>2</sup> <i>n</i>
کدو تنبل، کدو حلوا‌یی	کدوله که زه‌ره	پامپ‌کین	pumpkin <i>n</i>
زدن - سوراخ کردن، شهر	کدوله کی شیرینه نه‌ره پاچای - کون کردن	پانچ	punch <sup>1</sup> <i>v</i>
منگنه - پانچ	ول‌که‌رده‌ی - کوای - لیدان		
وزش، عمل نواختن / زدن	کوتان - نه‌نه‌دای، سیخورمه	پانچ	punch <sup>2</sup> <i>n</i>
وقت شناس - خوش قول	وه‌ش قه‌ول - خوش قه‌ول	پانک‌چال	punctual <i>adj</i>
به موقع، سرفراز	وه‌خت نه‌ژناس له‌سه‌ری وه‌خت وکات - سه‌ری	پانک‌چوالی	punctually <i>adv</i>

قه‌رار - جه‌سه‌روقه‌راری

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
(دنوخته) علامت‌گذاری کردن	عهلامهت نیای - نوخته دانان	پانکچوایت (انت)	punctuate <i>v</i>
علامت‌گذاری در نگارش /	عهلامهت نان - نوخته نیای	پانکچوای شین	punctuation <i>n</i>
نوخته	جومله‌ی، نواخته دانان		
پنچر، سوراخ بادیرو	ولّ بیه - کون و شرپ	پانکچر	puncture <sup>1</sup> <i>n</i>
	قرنجیای		
پنچر کردن، سوراخ‌شدن	شروولّ بیه‌ی - کون بوون	پانکچر	puncture <sup>2</sup> <i>v</i>
مجازات کردن / نمودن	عهده و که رده‌ی هغه لاقه	پانیش	punish <i>v</i>
ادب کردن	کردن، گوّشمالّی دان		
تنبیه، مجازات، جزاء	فه لاقه - گوّشمالّی	پانیش مینت	punishment <i>n</i>
قصاص	سه رکوت		
دانش‌آموز، شاگرد، مردمک	دانش گیر - تازه کار	پیوپیل	pupil <i>n</i>
	گلینه‌ی چاو، گلاره‌ی چاو		
عروسک نمایشی، آلت دست	وه یولّی گه مه‌ی	پاپیت	puppet <i>n</i>
	بوکلّه‌ی نمایش، بوکی جاش		
توله‌سگ	تووته کوّله بیه چکه سه‌گ	پابی	puppy <i>n</i>
خالص، پاک، زلال، بی‌عیب	پاک - زه رال - خاوین	پیور	pure <i>adj</i>
	بیگه‌رد - بی‌غش		
رنگ‌زردسکی، ارغونی، جگری	نه‌رخه وانی و جه‌رگی	پرپل	purple <i>n, adj</i>
خرخر کردن، خرناس کشیدن	پرختنای - پرختاندن	پر	purr <i>vi</i>
	مراندن - مرختاندن		
فربه و تنگ نفس	چاخو هه ناسه سوار	پسی	pursy <i>adj</i>

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
 pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چوک و شوخ و یریم جراث	هه و کیم - پیسی - چلک	پاس	pus <i>n</i>
آذوقه و خواربار رسان	کاروانی پیخور - قافله	پروپیر	purveyor <i>n</i>
	و یاری دای		
جوش چرکدار	جوش و زامی چلکین و ئاردار	پاستیول	pustule <i>n</i>
متهور در کار - سودجو	کارزان و پولدوست	پاشینگ	pushing <i>adj</i>
توسه بزدل	ترسه نوک - ترسه زال	پیوسی لاتی مس	pusillanimous <i>adj</i>
کنار گذاشتن	لاوردهی - لابردن	پوت ایسید	put aside
گندیدن - فاسد شدن	پو ترکیای گه نای گه نین	پیوتری فای	putrefy <i>v</i>
گندیدگی - فساد	گه نیو گه نا گه نیگی	پیوتری فاکشن	putrefaction <i>n</i>
مُج بیج	پوز بیچ	پاتی	puttee <i>n</i>
کوتوله - قذکوتاه	باواقوره ت کور ته بالآ	پیگمی	pygmy <i>n</i>
بیژامه زیرشلواری جامه خواب	بیجامه - ژیرشه و آل	پجایمز	pyjamas <i>n</i>
هرم - نوعی شکل هندسی	هره م - جوړه شکلی	پیرمید	pyramid <i>n</i>
پیتون (نوعی مار ۱۰۰ کیلویی)	جوړه مار یک ۱۰ گه زی و	پیتن	python <i>n</i>
غیر رسمی) در آمریکا	سه دکیلو		
پیرانشهر، شهری در کردستان	ناوی شاری له کوردستانی	پیرانشار	pyranshar
شمالی و دریای کوه قندیل	ئیران وله په نای قه ندیل		
پاوه شهری در کردستان جنوبی	پاره - یه کی له شاره کانی کوردستانی پاوه		pawa
و مرکزا و امانات دریای کوه	خوار و مه لبه ندی هه و ر امان		
آتشگاه و شاه کوه	له په نای شاهویه		



PYRAMID



PLAITS



PENDULUM



PORANDOKHT



PESTLE AND MORTAR



PADLOCK



PLIERS



PARACHUTE



PYLON



PICKAXE



PEAR

KETTLE DRUM  
OR TIMP ANI

BASS DRUM



TAMBOURINE



DRUMSTICKS



CYMBALS



SIDE-DRUM



GLOCKENSPIEL



BONGOS



TRIANGLE



XYLOPHONE



EAGLE



NEST



OWL



BIRDS OF PREY



FALCON



VULTURE

# Q q

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
هفدهمین حرف الفبای انگلیسی	حه نده مین پیتی ته لفا	کیو	<b>Q</b>
جوجه کبک که سریعاً مخفی می شود	که و باره گوار یاجو جه ژه ره ژ	کواژنکوباز	<b>qawbarr</b>
صدای اردک در آوردن	ده نگی مرئاوی ده رهاوردن	کوک	<b>quack</b> <sup>v</sup>
پزشک قلبی	چا چو لپازی که رده ی		
صلاحیت دار کردن، واجد	قابلیت دار که رده ی - نیجازه	کوالی فای	<b>qualify</b> <sup>v</sup>
شرایط بودن	پیدان لیاقت داربون		
قابلیت، تشخیص لیاقت	تاریف - باس - قابل	کوالی فی کشین	<b>qualification</b> <sup>n</sup>
قید و شرط	شناسان به		
کیفیت، خاصیت، جنس	شایسته ی باشی سیفیه ت	کوالی تی	<b>quality</b> <sup>n</sup>
مرغوبیت	جنس - چو نیه تی و چا کی		
کمیت، مقدار، عمده، تعداد	نه ند دازه - نه ند دازه میزان - تی کراکوان تی تی		<b>quantity</b> <sup>n</sup>
مباحثه، مجادله، بگومگو	داوا - نزاعه، قره	کوارل	<b>quarrel</b> <sup>1</sup> <sup>n</sup>
مباحثه / مجادله کردن	ده نگ به رئا مه ی - داوا	کوارل	<b>quarrel</b> <sup>2</sup> <sup>v</sup>
مراقبه کردن	کردن - به یه کا چوون		
معدن سنگ، شکار، طعمه	کانگه توه نکانگه به رده ی، راو	کواری	<b>quarry</b> <sup>n</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوارت - پیمانە یک لیتری	پێوانە یەک لیتری	کۆرت (کۆرت)	quart <i>n</i>
ربع - محله، بۆزن، کوی	چارە کە سەعات محەلێ	کوارتەر	quarter <i>n</i>
مسکن - جا	کۆڵان - سەروازخانە	(کۆرتەر)	
خوابگاه، آسایشگاه	خەوگە هەرم گانارام	کوارتەرس	quarters <i>n</i>
اسکله، بارانداز	و قەرارگا - قەرارگە		
	باروزگا جە دەلیا	کی	quay <i>n</i>
	بارخستگە لە دەلیا		
فرمانروای زن، ملکه	شاژنە - مەلە کێ	کوین	queen <i>n</i>
شاهبانو	مەلە کە شاژن شاھەنگ		
عجیب، غریب دیوانه	عەجەب - عەجایب، خەره فیا	کویر	queer <i>adj</i>
به طور عجیب و غیر عادی	بە جووری عەجایب	کویرلی	queerly <i>adv</i>
	بە عەجەبوی		
رفع تشنگی کردن	خاموش کردن - ئەرە مرئای	کونچ	quench <i>v</i>
خاموش کردن	داکوژاندن، تینگی لا بردن		
پرسش، سؤال، استعلام	سو عاله - پەرسا - پەرسەو	کویری	query <sup>1</sup> <i>n</i>
سؤال کردن، پرسیدن	پرسین - ئەرەو پەرسای	کویری	query <sup>2</sup> <i>v</i>
	دووشک بیهی		
سؤال، پرسش - مسئله	سوئال - پەرسای	کۆسچن (کۆسچین)	question <sup>1</sup> <i>n</i>
بازجویی - موضوع	مەسەلێ - لێ پرسین		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سؤال کردن، پرسیدن	سوئال کەردە ی (کردن)	کۆسچن	question <sup>2</sup> v
	پرسین له		
علامت سؤال (؟) در پایان	عه لاهه تی سوئال	کۆسچن مارک	question mark n
جملات سؤالی صف (مردم)	(؟) له دوا ی جومله کان		
صف (مردم) - گیسو	رز و مهردمی - سهفه	کیو	queue <sup>1</sup> n
	سهف - قه تار - گیسسه		
صف ایستادن / کشیدن	رز دای - سهف کیشان	کیو	queue <sup>2</sup> v
	سهف مندرای		
تند، سریع بزود	تند - توند - زوو	کوبک	quick adj
احساسات ته دِل	به فره		
سریعاً - فوراً	به فره وه - به توندی	کوبکی	quickly adv
	به تند و تیژی - جابه جا		
بی سرو صدا - آرام	ئارام و نه مین	کواپت	quiet <sup>1</sup> adj
سکوت - ملایم	بی ده نگ - کش و مات		
به آرامی - به لرمی	به ئارامی به بی ده نگ	کواپتی	quietly adv
آرامش - ساکن	ئه راهه نده ی - ئاسوده ی	کواپت	quiet <sup>2</sup> n
	ماتی - بی ته کان		
لحاف - بالاپوش	لیفه - لیف	کواپلت	quilt n
کاک، کاملاً - قبری	تیکرا - گرد و گرد	کواپت	quite adv
صدر صمد - بی گومان	سه رجه م - به راستی		
لوزیدن، تکان خوردن	له رزین له رزای له رزنا ی	کویوڤر	quiver v

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English

بازی چيستان، سوالات کوتاه quiz *n* کوبز سونالی ئمتحانی

آزمون به یوی خوا ی به که سی که نین quote *v* کونوت باس کردن - باس

نقل کردن، نقل قول کردن بازگو کردن کهرده ی و تن (واته ی) (کوت) quotation *n* کونوتشن باس - نه قل - نام

نقل، اقتباس، ذکر به رده ی، مزه نه مغلنه - فهرست قیمت quotient *n* کوشنت خارجه قسمت له ریازی

خارج قسمت - میزان اوگفت (که با گُردی می خواند) کو توت سوتی و آتش وئوت سوت quoth *v* کوته - کو تراوی گو یزو کوته

کوته - مخلوطی از کوبیده مغز گردو و پسته وحشی و توت قزانو توویه که له هه ورامان quta *n*

گردو و پسته وحشی و توت قزانو توویه که له هه ورامان قزستانان سازی ده که ن

است که نوعی قاویت بوده و در اورامان باب است





triangle



tray



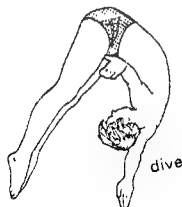
horn



tree



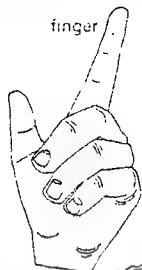
trolley



dive

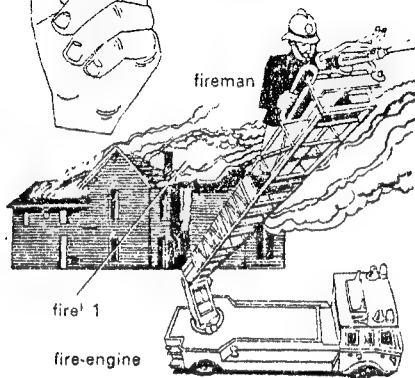


trigger



finger

fingerprint



fireman

fire

fire-engine



dog



diving-board

# R r

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdîsh	Persian
<b>R-r</b>		هه ژده هو مین حه ر فه و نه ل فبای آر	هه جده همین حرف الفبای انگلیسی
<b>Ra</b> <i>n</i>	را	را - ری - ریگا	راه - ده
<b>Raw</b> <i>n</i>	راو	راو	شکار حیوانات وحشی
<b>rabbi</b> <i>n</i>	رَبّی - ربّی	رَوّحانی جوو (یهوودی) - خاخم	خاخام یهودی
<b>rabbit=hare</b> <i>n</i>	رَبیت - رابیت	که رویشک - هه و ریشه	خرگوش خانگی و صحرائی
<b>race</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	ریس	ره گه ز - جو ر - ره سه ن	نژاد، نوع، طایفه، مبارزه
<b>racial</b> <i>adj</i>	ری شال - ریشل	ره گه زی - ره سه نی	نژادی
		بنه مالی و تخمی	
<b>race</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	ریس	کی به رکّی - هو ر	مسابقه رقابت
		سره نگنا، یو یارای	
<b>race</b> <sup>3</sup> <i>v</i>	ریس	هو ر سره نگنای - تاقی	مسابقه دادن - تاختن
		کردن - مسابقه دان	
<b>rack</b> <i>n</i>	رک	ره فه - تاقچه - قه فه سه	رف، قفسه، طاقچه، شکمچه
		کادان، نه له م و ره نج	صفحه دندهر نیچرخ
<b>racket</b> <i>n</i>	رکت - راکیت	راکته تیس - راکتو	راکت (تیس، ...)
		گه مه که رده ی، باج گری	باجگیری - هیا هو

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ممکن، شدنی، انجام پذیر	ممکین بیه - جوړیو	پاسیبل	possible <i>adj</i>
احتمال، امکان، چیز ممکن	ئیمکان - ره ننگه - واد یاره	پاس بیلیت	possibility <i>n</i>
تا حد امکان، شاید احتمالاً	گه هاز - تاشوینی لازم	پاسی بلی	possibly <i>adv</i>
تیر (چوبی / اهنی / سنگی) مقام	دار - کوڵه که - دار تهل	پوست (پوست)	post <sup>1</sup> <i>n</i>
پست کردن - مطلع کردن	نامه پوست کردن - نامی	پوست	post <sup>2</sup> <i>v</i>
	پوس و سهی		
پست (نامه، ...) پاسگاه کار	پوس - پوست بو نامه، مقام	پوست	post <sup>3</sup> <i>n</i>
هزینه پستی - تمبر لازم	پوولی پوست دان	پوستیج	postage <i>n</i>
	پولو و پوستی		
کارت پستال کارت پستی	کارتی موباره کبادو پوست	پوست کارد	postcard <i>n</i>
	کار ته و مواره کی جه عه یده نه		
پستی - نامه رسان	پوس چی - نامه یاون	پوست فن	postman <i>n</i>
اداره پست، پستخانه	عه داره ی پوست - عه داره	پوست آفیس	post office <i>n</i>
	و پوستی		
شغل، پست، مقام، رتبه	پیشه - مقام - روتبه	پوست	post <sup>4</sup> <i>n</i>
	دهره جه		
پوستر، پوستر تبلیغاتی	به رگه ی راگه یاندن	پوستر	poster <i>n</i>
	به رگه و خه وهران		
عکس دیواری	دما و سهی - دواختن	پست پون	postpone <i>v</i>
به تأخیر انداختن	تیانچه - دهفر - گوژی	پات	pot <i>n</i>
کوزه، سبد، ظرف - دیگ	کو و په - تو و په - گوژی - تیان		
دیزی			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کوزه گری، سفالگری، ظرف سفالی	کۆزه گه‌ری - کوپه سازی	پاتری	pottery <i>n</i>
سیب زمینی	سیوه زه مینی - سیفه	پیتی‌تو	potato <i>n</i>
	زه مینه		
ماکیان، مرغان خالگی	مر و کهله شیر - که‌رگو	پولتری	poultry <i>n</i>
طیور	که‌ره‌شیل - بالنده کان		
روی، پریدن - جستن	هه‌لمه‌ت و په‌لاماردان	پونس - پاونس	pounce <i>v</i>
ربودن	جه یا گنجی هورپرای - مله‌ره دای		
پاوند / پونسواحدوزن	پوند که ۴۵۴ گره‌مه‌له	پوند - پاوند	pound <sup>1</sup> <i>n</i>
	واحدی کیشان و وه‌زن (lb)		
پوند واحد پول انگلستان	واحدی پولی ئینگلیس 0	پوند - پاوند	pound <sup>2</sup> <i>n</i>
کویندن، سایدن - پورکردن	گه‌وره‌حه یوان - کوتان	پوند - پاوند	pound <sup>3</sup> <i>v-n</i>
تپیدن	کوی - وردکردن		
جاری ساختن / شدن، باریدن	رژاندن - ئه‌ره‌که‌رده‌ی	پور (پُر)	pour <i>v</i>
	پاشای - مته‌ی - ئاوجوین		
تنگدستی، فقر، تهیدستی	هه‌ژاری - فه‌قیری	پاوری	poverty <i>n</i>
	که‌مه‌ده‌سی - ده‌سه‌لاتی		
پودر، گرد، خاکه - باروت	گه‌رده - پودر - توژ	پاودر	powder <i>n</i>
	خاکه‌قه‌ن - خاک و خوژل - باروت		
قدرت، توان، نیرو، اختیار، برقی	هیز - زور - قوه - هازی	پاور	power <i>adj</i>
مقتدر، نیرومند، پُر زور	به‌هیز و توانا - گوریز	پاورفول	powerful <i>adj</i>
	وه‌کار - هه‌رزور		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
radar <i>n</i>	ریدار	رادار - وه سیلتوه که به مه و جی خه وه مه کیانو	رادار
radiator <i>n</i>	ری دی یتر	رادیا تور - ده زگا و	رادیا تور (ماشین،...)
radio <i>n</i>	ریدیو	هوا ده ر و ماشینان	سردن
radius <i>n</i>	ریدیس	راد یو - ده زگای رادیو	فرستنده / گیرنده رادیویی
raffish	زفیش	لیزگی - تیشکی نور	شعاع (دایره) محدوده محد
raft <i>n</i>	رافت	شوعاعی دایره (بازنه)	بی شرف
rag <i>n</i>	زگی	بی شه رفو جاش	کلک زورق بقایق یهن
rage <i>n</i>	ریج	جو ره قایقی - جو ریو	کهنه، پاره - تکه پارچه، کهنه
raid <sup>1</sup> <i>n</i>	رید	ئاو گیل و پانه بین	چت - شر، کونه
raid <sup>2</sup> <i>v</i>	رید	چر - تووره من، قین، قه لژ	خشم، غضب، قهر، غد
rail <i>n, v</i>	ریل	مله ره دای - هه لمه ته	پورش، حمله ناگهانی
railing <i>n</i>	ریلینگ	په لامار، راوانان	شیخون
railway <i>n</i>	ریل وی	هه لمه ت دان، به ملادان	پورش بردن، شیخون زدن
		هه لمه ت په ی دای	
		ری ی ئاسنی بو قه تار	ریل آهن، نرده
		مه عجر و نه رده	خوده گیری کودن
		مه عجر - میل	میله نرده ریل گذری
		نویل ئاسا ریگای قه تار	
		ری ئاسن - چیمه نه فره قه تار	خط آهن - سازمان راه آهن

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باران باریدن	باران بارین - واران وه شته ی	راین	rain <sup>1</sup> <sub>v</sub>
باران	باران - رنه پ - وارن	راین	rain <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	وه شت		
رنگین کمان، قوس و قزح	پولکه زیرینه - سینه	راین پو	rainbow <sub>n</sub>
	زه رین		
(لباس) بارانی	بارانی - کورته واران	راین کت	raincoat <sub>n</sub>
	لییاسه باران		
بارانی، بارانزا	هه وای بارانی	راین	rainy <sub>adj</sub>
	وه شت واران		
بلند کردن، بالا بردن	سه ره رده ی، به خێو کردن	راین	raise <sub>v</sub>
پرورش دادن	هه لگرتن - هورگرتی		
کشمش، هویز	کشمیش، میوژ هه چ کوچی	راین	raisin <sub>n</sub>
شن کش، مرفزن باز	لم کیش - ریز نه ور، خره باله	رایک	rake <sup>1</sup> <sub>n</sub>
باشن کش، صاف کردن	به لم کیش، صاف که رده ی	رایک	rake <sup>2</sup> <sub>v</sub>
جمع کردن	جه م کردن		ran <sub>see</sub> run
دامداری بزرگ	جیی به خێو کردنی	رانچ	ranch <sub>n</sub>
مزرعه بزرگ	مالآت یا گئی په روه رده و		rang <sub>see</sub> ring
	مالآتی و حه یوانی		
سلسله جبال - گوناگون، متنوع	زه نجیر - جورانجور، چنین	راینچ	range <sub>n</sub>
تیر رس، دیررس، بُردچراگاه	مه یدان - رزه که شیی، له وه رگه		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رتبه، درجه، سری، طبقه، لرح	رز-مقام، دهره، جه-شان	رتک	rank <i>n</i>
آزادسازی (آزندان، ...)	وه-ریه‌ی جه زندان	زن-بیم	ransom <i>n</i>
باچ - باپاچ آزاد کردن	ئازاد کران له به ند، باج		
تند، سریع، تنداب	توند - تند - زوو	رپید	rapid <i>adj</i>
	به فیه و په له، فرته		
به سرعت، سریعا	به توندی-ده رجا، ده س به جی	رپیدلی	rapidly <i>adv</i>
کمیاب، نادر، بی نظیر	قیمه تی - که م پیدا	یر	rare <i>adj</i>
رقیق - گوشت نیم پز	که م پیدا		
به ندرت، به طور کمیاب، کم	حه رفره که م-یه کجار که م	یرلی	rarely <i>adv</i>
ادم پست فطرت، ادم ردل	به شه‌ری بی شه‌رف-نا پیاو	راس کل	rascal <i>n</i>
سفله، ناکس، بی شرف	نانه جیم - قول که وته		
بی ملاحظه، نسنجیده	بی په‌روا - بی شه‌رم	رش	rash <sup>1</sup> <i>adj</i>
بی‌پروا	نه زاندو		
از روی بی فکری	له رووی بی فکری	رش‌لی	rashly <i>adv</i>
	جه بی هوشی		
جوش صورت، کپیر	هیری - زیپکه له پارێ	رش	rash <sup>2</sup> <i>n</i>
	جوش و زام		
موش صحرايي، جاسوسی کردن	مشکه هه‌ردی - مله‌و	رات	rat <i>n</i>
	کەش و نزاران، جاشی‌گه‌ری		
فی، بها، عولرض - سرعت	نه‌رخ - قیمه‌ت - قه‌رار	ریت	rate <i>n</i>
مقدار، نوع	باج - کوڊ، میزان		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تا اندازهای، نسبتاً	تا حەدەیی - هه‌چتا کو	رایر	rather <sup>n</sup>
بیشتر، کمی	فره تر، که می		
سهمیه بندی کردن	جیره به ندی که رده ی	رژین	ration <sup>1</sup> <sub>v</sub>
کوپن دادن	جیره به نی کردن		
سهمیه، جیره، کوپن	بهش - جیره - مافی دیاری	رژین	ration <sup>2</sup> <sub>n</sub>
تکان دادن و به صدا در آوردن	ده نگ به ر نه ورده ی	رتل	rattle <sup>1</sup> <sub>v</sub>
	له قاندن و ده نگ ده ر هارودن		
جفجفه، وزاجی کردن	خشخشه زه - نگوله، راودان	رتل - راتل	rattle <sup>2</sup> <sub>n, v</sub>
دره باریک و عمیق، آبکند	ده ره قووله - چومی قوول	روین	ravine <sub>n</sub>
خام، نپخته - دست نخورده	ناشی - کال - نیاوا	رو	raw <sub>adj</sub>
تازه کار	نه گه ییگ، بی ته جره به		
اشعه، پرتو، تابش، اندکی	تیزگی - لیزگی - تشک	ری	ray <sub>n</sub>
ریش تراش، تیغ ریش	تیخ - قوتراش	ری زر	razor <sub>n</sub>
تراشی، تیغ	خوتراش، ریش تاش		
رسیدن به - دسترسیدن	یاوای به - گه یین به	ریج	reach <sup>1</sup> <sub>v</sub>
رساندن	یاونای به - گه یاندن		
حصول، دسترسی	ده سه ره سی - یاوای	ریج	reach <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	ده س گه یین		
واکنش نشان دادن	جوابی چتی دان - جواو	ری آکت	react <sub>v</sub>
عکس العمل داشتن	ودای - کاری بیه ی		
واکنش، انعکاس، ارتجاع	جواب دانه وه - جواو دای	ری آکین	reaction <sub>n</sub>

ʌ      ɜ:      ə      eɪ      əʊ      aɪ      aʊ      ɔɪ      ɪə  
 cup    bird    ago    day    go    five    now    boy    near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خواندن، قرائت کردن، مطالعه	خویندن، وه نه ی، فیربون	رید	<b>read</b> <i>v</i>
خواننده (کتاب، ...)، قاری	ئه وه وان - خوینه ر	ریدر	<b>reader</b> <i>n</i>
کتاب خواندنی	وانه ر		
آماده، حاضر، مایل، علاقمند	حازر - ئاماده - مایل	ردی	<b>ready</b> <i>adj</i>
به طور آماده	به جووری ئاماده - به	ردیلی	<b>readily</b> <i>adv</i>
	حازری		
واقعی، حقیقی، راستین	هه ره قه تی - راسته قینه	ریل	<b>real</b> <i>adj</i>
	هه قیقی		
حقیقتاً، واقعاً، راستی	جه هه قیقه ته نه، به راستی	ریلی	<b>really</b> <i>adv</i>
	ئه شه دو - خوادا بزائو		
دریافتن، درک کردن	فامین - فامای - زانای	ریلایز	<b>realize</b> <i>v</i>
کسب کردن	زانین		
درک، تحقق، ادراک و فهم	فاما - په ی لوا	ریلایزی شین	<b>realization</b> <i>n</i>
	پی زانی، په ی بردن		
جمع کردن (محصول)	دره وکردن - جه م که رده ی	ریپ	<b>reap</b> <i>v</i>
درو کردن	گلیر و که رده ی، خه رمان کردن		
عقب، پشت، در عقب	په شتی - دما	ریپر	<b>rear</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
قسمت عقب، عقب	دوا - پشت	ریپر-ریپر	<b>rear</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
(بچه، دام، ...) داری کردن	به خییو کردن وه ی که رده ی	ریپر-ریپر	<b>rear</b> <sup>3</sup> <i>v</i>
سبب، علت، عقل، خرد	ده لیل - علله ت فام	ریزن	<b>reason</b> <i>n</i>

ua p b t d k g tʃ dʒ  
pure pen bed tea did cat got chin June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
منطقی - مناسب	ئاقل - ماقوول	ریزن لیل	reasonable <i>adj</i>
خردمند - میانرو	عادلانە - حساوێه		
به طور منطقی	به جووری ئه قلائی	ریزن لیلی	reasonably <i>adv</i>
استدلال کردن، دلیل آوردن	به ده لیل سابت کردن	ریزن	reason <sup>2</sup> <i>v</i>
	روشتو کهرده ی		
مطمئن ساختن	دل نیا کردن		
(علیه...) شوریدن	هوړملی کردن	ریل	rebel <sup>1</sup> <i>v</i>
نافرمانی کردن	چه ته یی کردن		
سریچی، شورش، غائله	هوړملی - چه ته یی	ری پل پین	rebellion <i>n</i>
گردنکشی	سه رکه شی		
یاغی، شورشی، نافرمان	چه ته - هوړمل	ریل	rebel <sup>2</sup> <i>n</i>
	سه رکه ش، ری پر		
دریافت کردن / داشتن	به ده س یاوای - گرتە ی	ری سایو	receive <i>v</i>
پذیرفتن	گرتن، راگرتن		
رسید (دریافت پول)	ره سیده پوول	ری سمیت	receipt <i>n</i>
قبض	به رگه ی گرتنی پوول		
گوشی تلفن - گیرنده	گوشی ته له یقوونی - ده س یاوای	ری سایور	receiver <i>n</i>
دریافت کننده	ده س گه یی شه ریکودزی	ری سیپنیت	recipient <i>n</i>
مهمانی / مراسم رسمی، موصول	میمنای - میوانی	ری بیپشین	reception <i>n</i>
	قه بوول		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اخیر، تازه، جدید	تازه و نو - تازه	ری سنت	recent <i>adj</i>
	چی وه خسته نه		
اخیراً - به تازگی	به تازه بی له م وه ختانا	ری سنتلی	recently <i>adv</i>
دستور آشپزی / پخت	ده ستووری کار - نو سخه	ر سیپ	recipe <i>n</i>
	ده سووره چاشت		
بی باک، ترس، بی ملاحظه	بی په روا - بی باک	رکیس	reckless <i>adj</i>
	جهرگ دار		
بی باکانه، بی دقت	به بی باکی به جهرگ داری	رکیسلی	recklessly <i>adv</i>
حدس زدن - محاسبه کردن	حه ساو که رده ی - حیساب	رکن	reckon <i>v</i>
	کردن - گمان دای		
شناختن، قبول داشتن	ناسین - نه ژناسای	رکجنایز	recognize <i>v</i>
بهرسمیت شناختن کشوری	به یاد نه ورده ی		
تشخیص، شناخت	بی سه ی - ناسینه وه	رکجنیشین	recognition <i>n</i>
بجاآوری	دوژینه وه		
پیشنهاد دادن / کردن	په نه سپارده ی - سپاردن	رکچند	recommend
نصیحت کردن	ناساندن - نه زهردان		
توصیه، سفارش، معرفی	په نه سپارد - سپارد	رکچنژی شین	recommendation <i>n</i>
	معه رفی - ناساندنه وه		
نگاشتن - صفحه ضبط کردن	تۆمار کردن - زه بت	رکرد	record <i>v</i>
	که رده ی - نویسای		
نوار، ثبت، ضبط، صفحه آواز	تۆمار - نویسه - زه بت	رکردینگ	recording <i>n</i>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گزارش، شرح، ریکورد، سند	واته‌ی - خه به رمه دره ک	رِکُرد	record <sup>2</sup> <i>n</i>
مدرک، برگه، صفحه، آواز	راپۆرت بیه یان کرد، به رگه		
بهبود، باز یافتن	خوشو بون - خاسو بیه ی	ری کاوِر	recover <i>v</i>
بازگرفتن	به ده س هاوردن		
بهبودی، بازپس گیری	دۆزینه وه - ئه وه ئه وده ی	ری کاوِری	recovery <i>n</i>
سورگرمی، تفریح	خاسو بیه چاکو بون		
	سه یران - خوشی، گه یران	رِکْرِیشِن	recreation <i>n</i>
	ده شت و کوگیلا		
عضو جدید گروه	تازه کار - ئه ندامی نو یی	ری کرووت	recruit <sup>1</sup> <i>n</i>
	کو مه لئ		
عضو جدید گرفتن	ئه ندامی تازه گرتن	ری کرووت	recruit <sup>2</sup> <i>v</i>
سرباز گرفتن	ئستخدام که رده ی		
مستطیل	چوارگۆشه - چوار سووچ	رِکْتَاَنگِل	rectangle <i>n</i>
قرمز، سرخ	سوور - ئال	رِد	red <i>n, adj</i>
تنزل دادن، کاستن	که م کردن - که مو	ریدیوس	reduce <i>v</i>
وژن کم کردن	که رده ی - چه نه و سه ی	ریدیوس	
کاهش، تنزل، کوچک تر شده	که مو که رد - که م کرد	ری داکشین	reduction <i>n</i>
	خوار هاورد - چه نه و ز		
نی، نی، لیک، آب سنگ	نه یچه نه یجی - سمه ری، یلو یِر	رِید	reed <i>n</i>
قرقره، هاسوره	قرقره نه ی پیچ، که و تن	رِیل	reel <i>v</i>
تولتو خوردن	ده زگ پیچ له تریه رده ی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
refer <i>v</i>	ری فِر	نیشارهت کردن به علوای	مراجعة/ اشاره کردن
		په ی بکوکن چون دویاره ناردن	بازگشت دادن
reference <i>n</i>	رِفِرَنس	ئوه لوایشارهت، رۆین یۆ	مرجع، مراجعه، رجوع
		په نه دانیشتانی ته ره فی	بازگشت - معرفی نامه
referee <i>n</i>	رِفِرِبی	په ی لوا - لارۆین	داور مسابقه داوری کردن
reflect <i>v</i>	ری فِلِکت	داوه رد اوه روگه مه ی (کایه)	منعکس کردن - فکر کردن
		وه رگه ران بو دوا زره نگیای	پژواک داشتن
reflection <i>n</i>	ری فِلِکشین	به بیر هاوردن	بازتاب (حرارت، نور،...)
		دما نا مه ی هورۆ گیل	پژواک - عکس - تفکر
refresh <i>v</i>	ری فِرِش	هه لۆ گه ران یۆ دوا	خستگی در کردن
		شه که تی بهر که رده ی مانگی ده ر	تجدید قوا کردن
		کردن - هیز ی نو ی	
		گر تن	
		حه سانه وه	
refreshment <i>n</i>	ری فِرِشمنت	وارده مه نی و نو شانه	خوراکی و نوشیدنی، خوردنی
		خواره ده مه نی و نو شینه وه	فرح بخشی
refrigerator <i>n</i>	ری فِرِی چرِیتر	یه خچال - جیی ساردۆ	یخچال
		که ری - یا گه چنای	
refrigerator		هه م معناه - دووشه ی	مخفف (Fridge)
fridge		یه ک مانا	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پناهگاه، محل امن و امان	جان په نا - گیان په نا	رفیوج	refuge <i>n</i>
پناهنده (سیاسی، ...)	په نا گه، سه ره په نا په نا نه ور - په نا هاورد	رفیوجی	refugee <i>n</i>
اوله	وئوس یانه - په ناخوازی سیاسی		
خودداری کردن	وئ لادای - خو لادان	ری فیوز	refuse <i>v</i>
جواب رد دادن	دهس پووه نیای، قه بول نه کردن		
امتناع، خودداری	خولاگر - وئ لادهر	ری فیوزل	refusal <i>n</i>
سریچی	لادهرید وورگیر، گوئ نه دان		
نگریستن، ملاحظه کردن	ته و اشا کردن - چه م	ری گارد	regard <sup>1</sup> <i>v</i>
خیره شدن	وسه ی دیای، روانین		
دربار، قرائع به، مربوط به	جه موه سوو - بابه تو	ری گاردینگ	regarding <i>prep</i>
	له باری		
توجه، ملاحظه، احترام	چه م داری - چاودئری	ری گارد	regard <sup>2</sup> <i>n</i>
درمورد، ارادت	قه درگیری - چه م جه لا، ریز		
بدون توجه، باوجود	بئ چه م داری - چه م جه	ری گاردلس	regardless <i>adv</i>
	لانه ویمپ چاودئری، بهم حاله		
درو، سلام، ارادت	ریز و سلا - قه در و سپاس	ری گاردس	regards <i>n</i>
فوج، هنگ (سربازان)	له شکر - سوپا - پهل	رجی مینت	regiment <i>n</i>
رژیم غذایی	جووق، رژیم خوراک		
منطقه، ناحیه، ولایت، بخش	مدته قه - وه لات	ری چن	region <i>n</i>
مدلینه ند، ناوچه			

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لیست، فهرست، هواکش	به‌رگه‌ی ناوه‌کان - ناو ناخن	رَجی سِتر	register <sup>1</sup> n
دستگاه ثبت فرگشتور	مینوت ده‌فتری نووسان		
لیست / ثبت نام‌کردن،	نام نویسی که‌رده‌ی ناو	رَجی سِتر	register <sup>2</sup> v
نمایاندن	نویسین - ناو نووسان		
اشاره، نمایش، ثبت نام	نام نویسی - ناو نویسی	رَجیس تِری شِین	registration n
ضبط	ئیشاره - توّمار		
متأسف بودن / شدن	ته‌ئه‌سف‌وارده‌ی - په‌شیمان	ری گِرت	regret <sup>1</sup> v
پشیمان شدن	بوون، ناخ کردن		
تأسف، تأثر، پشیمانی	په‌شیمان - ته‌ئه‌سف	ری گِرت	regret <sup>2</sup> n
دریغ	ئه‌فسوس، ناخ		
مرتب، منظم، پایدار	رِیک و پِیک - نه‌زم و	رِگیولِر	regular adj
عادی	رِیکی		
نظم، ترتیب	رِیک - موه‌ته‌ب	رِگیولِریتی	regularity n
دائماً، به‌طور منظم	به‌نه‌زم و ته‌رتیب	رِگیولِری	regularly adv
مرتباً	هه‌میشه و دایم		
ضابطه، قانون، قاعده	بریار دراو - تایین کراو	رِگیولِشین	regulation n
تنظیم، مقررات	قانون و زابته		
تمرین کردن، آموزاندن	ته‌مرین‌که‌رده‌ی مه‌شق کردن	ری هِرس	rehearse v
تمرین، تکرار، آموزی	ته‌مرین مه‌شق دیسان کرد	ری هِریسل	rehearsal n
سلطنت کردن و حکومت کردن	حکومت‌که‌رده‌ی سه‌لته‌نه‌ت	رِین	reign <sup>1</sup> v
	و پادشاهی کردن		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سلطنت، حکومت	حکومت - پادشاهی	رین	reign <sup>2</sup> <i>n</i>
فرمانروایی	سه‌لته‌نه‌ت		
افسار، دهنه، مهار	له‌غاو - هه‌وسار	رین	rein <i>n</i>
لگام	ده‌سه‌ج‌له‌و		
رد کردن، قبول نکردن	قه‌بوول نه کردن - ده‌س	ری‌چکت	reject <i>v</i>
	پووه‌نیای، رانه‌گرتن		
به‌وجد آمدن، شادی کردن	مه‌سروور و شادمان	ری‌جیس	rejoice <i>v</i>
	بیهی - خوشی کردن		
مربوط بودن، نسبت دادن	نه‌قل و یاس کردن - راپورت	ری‌لیت	relate <i>v</i>
شرح دادن، نقل کردن	دای - مه‌ربووت بوون		
قوم و خویشی، خویشاوند	خزمایه‌تی - قه‌ومی و	ری‌لیتد	related <i>adj</i>
	خی‌شی		
فامیل، قوم و خویش	فامیل، نسبت، که‌س	ری‌لی‌شن	relation <i>n</i>
نسبت	قه‌وم و خزم - نه‌قل		
خویشاوندی - رابطه	خویشی - قه‌ومایه‌تی	ری‌لی‌شن‌شیپ	relationship <i>n</i>
(دوستانه) وابستگی	نسبت و خزمی		
قوم و خویش، فامیل	قه‌وم و خزم و که‌س	رلی‌تیو	relative <i>n</i>
وابسته - موصولی	مه‌ربووت - قه‌ومی		
آرام کردن / شدن	ئیسراحت که‌رده‌ی	ری‌ل‌کس	relax <i>v</i>
استراحت کردن	ئارام کردن و بوون		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آسودگی، آرامش، استراحت	ئارامی و ئاسایش، سیای	ری لَ کسِشِن	<b>relaxation</b> <i>n</i>
شلی	قه رار - حه سانه وه		
آزاد / رها ساختن	وهردای - بهردان	ری لیس	<b>release</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
پخش کردن	ئازاده کرده ی، بلاو کردن		
آزادی، خلاصی، رهایی	ئازادی - وهردا - بهردا	ری لیس	<b>release</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
پخش	خلاصی، بلاو کردی		
آرام کردن / ساختن	ته سکین دای - ئارام کردن	ری لیو	<b>relieve</b>
کمک / مرخص کردن	ئاسوده کهرده ی، بهردان		
رفع نگرانی، آسودگی	ته سکینه - ئارامی، یاری	ری لیف	<b>relief</b> <i>n</i>
تسکین، امداد	ره حهت - و گوشایش		
مذهب، گیش، دین، آیین	مه زه ب - دین - ئایین	ری لی چن	<b>religion</b> <i>n</i>
دینی، مذهبی، دین دار	ئایینی - دینی	ری لی چس	<b>religious</b> <i>adj</i>
	مه زه وی		
بی مهل، بیزار	بی مه یل بلینی نهویه، بیزار	ری لاکیتت	<b>reluctant</b> <i>adj</i>
اعتماد کردن، اطمینان داشتن	باور کهرده ی - پروا	ری لای	<b>rely</b> <i>v</i>
متکی بودن	کردن - خاترجه م بیه ی		
مورد اعتماد، معتمد	به ور په نه کریا - باوهر	ری لای پل	<b>reliable</b> <i>adj</i>
موثق	پیی کراو - ئه مین		
ماندن، بجا / باقی ماندن	ماتل بیه ی - ئه وه مه نه ی	ری مین	<b>remain</b> <i>v</i>
توقف کردن	مانده جی بوون		
باز ماندگان، باقی مانده	ئه وه مه نه - ئه و باقی ماباقی	ری مین در	<b>remainder</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بقایا بچسند	دوا هات - به جیّ ماو	ری مینز	remains <i>n</i>
مابه قی، لاشه			
گفته، سخن، نظر، تذکر	وته - واته - قسه	ری مارک	remark <sup>1</sup> <i>n</i>
اظهار	نزهه، وتراوه		
گفتن، تذکر دادن، متوجه شدن	نزهه ردان - په نه واته ی - ورتن	ری مارک	remark <sup>2</sup> <i>v</i>
شایسته، جالب توجه	سه ره رز - به لیا قهت	ری مارک ایل	remarkable <i>adj</i>
	به چاو که وت، که م نه زیر		
خیلی، زیاد	فره - زور - نیشانه دار	ری مارک اپلی	remarkably <i>adv</i>
علاج، چاره، درمان	عه لاجه - چاره سه ری	ر میدی	remedy <i>n</i>
مداوا	ده رمان، ریّ حه ل		
به خاطر آوردن	جه و پری به ی - به ویر ئامه ی	ری می پر	remember <i>n</i>
به یاد آوردن	به خیالّ هاتن		
یادآوری کردن، تذکر دادن	به یاد و سه ی - به یاد	ری مایند	remind <i>v</i>
	خستن - پی ورتن		
پرت، دور دست، کوچک	په رت - دووره دهس	ری موت	remote <i>adj</i>
	دووره جیّ، محالّ		
دور	دوور - دیر	ری موئلی	remotely <i>adv</i>
انتقال دادن، برداشتن	جیّ به جیّ کردن - بردن - هور	ری موو	remove <i>v</i>
از بین بردن	گرته ی - ئالو گور کردن		
انتقال، برداشتن، نقل مکان	لا بهره - ئال و گور	ری موول	removal <i>n</i>
	هور گرت - جیّ به جیّ		

ʌ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تازه کردن - احیاء کردن	ئه‌وه تازه کهرده ی-زینگ کردن	ری‌نیو	renew <sup>v</sup>
فراهم کردن	ئه‌وه‌دان کهرده ی، ری‌خستن		rent <sup>1</sup> <sub>n</sub>
اجاره‌کرایه، پاره‌گی	کره‌اکری-کره‌اگرت، دراوی	رنت	
	رنیادریا-تلیش		rent <sup>2</sup> <sub>v</sub>
اجاره پرداختن، کرایه دادن	کره‌اگرتیه ی - کری	رنت	
اجاره کردن	گرتن یا دان		repair <sup>1</sup> <sub>v</sub>
تعمیر / مرمت کردن	خاسو کهرده ی (کردن)	ری‌پر	
سالم شدن، جبران کردن	وه‌شو کهرده ی، چاک کردن		repair <sup>2</sup> <sub>n</sub>
تعمیر، مرمت، بازسازی	وه‌شو کهرد - خاسو	ری‌پر	
وصله‌پینه	کرد-ئه‌وه‌دان، چاک‌کراو		repay <sub>v</sub>
باز پرداختن، پس دادن (پول)	ئه‌وه‌دای-دوادان، دانه‌وه‌دوا	ری‌پی	repeat <sub>v</sub>
تکرار کردن، بازگو کردن	دووباره واتیه	ری‌پیت	
	دیسانو و تن		repetition <sub>n</sub>
تکرار، بازگویی، عمل دوباره	عه یزن دووباره دیسانه‌وه	ری‌پی‌تیشن	
	دیشان ویژ-دووباره		replace <sub>v</sub>
بازگرداندن، عوض کردن	ئه‌وه‌واری-ئه‌وه‌ئه‌ورده ی	ری‌پلیس	
سرجای خود گذاشتن	گورین-جی‌نشین کردن، سه‌ری جی‌نان		replacement <sub>n</sub>
جایگزینی، ناپاس، عوض	عه‌وه‌زوبه‌ده‌ل کردن	ری‌پلیس‌منت	
	جی‌گوری - واری		reply <sup>1</sup> <sub>v</sub> (pl-plies)
پاسخ دادن / گفتن	جواب‌دان-جواو‌دای	ری‌پلای	

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جواب، پاسخ	جواب - جواو	ری پلای	reply <sup>2</sup> <sub>n</sub>
شرح دادن، گزارش دادن	راپورت دای - خه بهردان	ری پورت	report <sup>1</sup> <sub>v</sub>
خبر دادن	خه وه ردای، راگه یاندن		
گزارش، خبر، شایعه	راپورت - خه بهر	ری پورت	report <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	خه وه ر		
گزارشگر، خبرنگار	خه وه ر ده ر - خه بهر	ری پورتیر	reporter <sub>n</sub>
	ده ر - راپورت ده ر		
نماینده... بودن، وانمود کردن	نیشان دان (دای) - نویته ر	په ری پزنت	represent <sub>v</sub>
نشان / ارائه دادن	بوون - نماینده بیهی، نواندن		
نماینده، نمونه، نشانگر	نویته ر - نماینده	په ری زنتیو	representative <sub>n</sub>
سز زنش کردن	یه کی داکو تان - ته ره کوا ی	ری پروج	reproach <sub>v</sub>
عیبجویی کردن	لومه کردن - تانه دای		
زاد و ولد کردن - نسخه	وه ک خو دروست کردن - دیسان	په ری دیوس	reproduce <sub>v</sub>
بردار ی / گهی کردن	چاپ کردن - پسه وی وه ش که رده ی		
ژادوولد، تولید مثل، تکثیر	عه ینووی - وه ک خو	ری په روداکشین	reproduction <sub>n</sub>
گهی، نسخه برداری	زاوروژا - روو نویس		
خزنده (جانوری مثل مار)	له م خشکه خز ه	رپ تایل	reptile <sub>n</sub>
جمهوری	کو مار، جمهوری	ری پابلیک	republic <sub>n</sub>
شهرت، اعتبار، ابرو و ناموس	مه یشووری - شو ره ت - ئاورو و	ری پیوتی شین	reputation <sub>n</sub>
درخواست / تقاضا کردن	گه ره ک بیهی - لی	ری کپست	request <sup>1</sup> <sub>v</sub>
	خوازین - داوا کردن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
درخواست، تقاضا، خواهش	لێ خواز - داوا گهه ک بون	ری کۆست	request <sup>2</sup> n
لازم / نیاز / احتیاج داشتن	نیاز بون - گهه ک بون	ری کوایر	require v
تاکید کردن	لازم بیهی، فشار هینان بو		
ضرورت، احتیاج، نیاز، شرایط	نیاز - لازم - زه روور	ری کوایرمنت	requirement n
رهایی بخشیدن / دادن	نجات دای - نازاد کردن	رس کیو	rescue <sup>1</sup> v
نجات دادن	به فریا گهه بین به داد یاوای		
نجات، رهایی، غریادرسی	نجات - نازاد - به	رس کیو	rescue <sup>2</sup> n
پژوهش، تحقیق، جستجو	فریا گهه ی - فریاره سی		
تتبع	لێکۆلینه وه - په یجۆر	ری میرچ	research <sup>1</sup> n
پژوهش کردن، تحقیق کردن	شوین کهوت، تهفه رنج		
	لێکۆلین - په یجۆر	ری سیرچ	research <sup>2</sup> v
شباهت داشتن / بودن	بیهی - شوین کهوتن		
همانند بودن	شیوه ویوی دای وه ک	ری زم بیل	resemble v
همانندی، تشابه، شباهت	یه ک بون - پسه یوی بیهی		
همسانی	پسه یوی - شیوه ویوی	ری زم بیلنس	resemblance n
عصبانی شدن، رنجیده شدن	وه ک یه ک بون		
دلخوار شدن	ره نجیای - توره بیهی	ری زنت	resent v
عصبانی، خشمگین، غیظ	توره بون، قین لێ هاتن		
رزو / ذخیره کرده، توداری	ره نجیای توره - جر ئامه	ری زنت منت	resentment n
خودداری	په ی هورگر ته ی هه لگر تن بو	ری زرو	reserve <sup>1</sup> v
	وه لینه گه ته ی، پاریز		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
reservation <i>n</i>	رِزروئِشین	داخست هه‌لگیر، بارگه	رزرو، ذخیره‌قرارگاه
reserve <sup>2</sup> <i>n</i>	ری‌زرو	هۆرگیر - نه‌ره‌وز، کوچه‌ر لا‌وسه‌ی - خسته‌لا‌هه‌لگیر	کوچ نشین ذخیره، رزرو، کنار گذاری،
reservoir <i>n</i>	رزوار	دانیان له‌پیش، دلی‌داری هماره‌ئو - جیکه‌ئو یکانی ئاو	اندوخته، سربازا، احتیاط منبع آب، آب‌انبار، اندوخته
residence <i>n</i>	رِزیدنس	هانه، گۆما و سه‌ره‌په‌نگاو مال - جیبی دانیشن	دریاچه پشت بند منزل، خانه - اقامت
residential <sup>adj</sup>	رِزیدنشل	یانه - ماوا ماوا - یاگی تته‌ی	سکونت مسکونی، اقامتی
resign <i>v</i>	ری‌زاین	سو‌کنا بو‌نیشن که‌نارگر ته‌ی سه‌زایه‌ت دان	استعفا دادن / کردن، صرف‌نظر کردن
resignation <i>n</i>	رِزی‌گنی‌شین	که‌ناره‌گیری سه‌زایه‌ت ده‌س هه‌لگرت	استعفا نامه - تسلیم رضا، تفویض
resist <i>v</i>	ری‌زیست	له‌به‌ران به‌رپاوه‌ستان نارازی بیه‌ی مه‌ل نه‌دان	مخالفت کردن، منع کردن زیربار نرفتن
resistance <i>n</i>	ری‌زیستنس	نارازی مه‌نوع‌پاوه‌ستاوی خو‌راگیری، سین‌که‌رده‌ی	مقاومت، پافشاری تاب و توان
resolve <i>v</i>	ری‌زالو	حل‌که‌رده‌ی - خیال‌بیه‌ی بهریار له‌سه‌ردان، لا‌بردن، گۆران	تصمیم‌گرفتن، حل کردن تبدیل شدن
resolution <i>n</i>	رِزولوشن	بهریار - عه‌زم - خیال، ریزه سه‌رچاوه - کان - همار	عزم، تصمیم، قصد، پراهم‌حل منابع (مالی، پولی، ...)، دارایی
resources <i>n</i>	ری‌سُسیس، رِسیس		

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
احترام، رعایت - جهت	ئێحترام - ریز و سپاس	ریس پکت	respect <sup>1</sup> n
وابسته	قه درو حرمت، نه زهر		
قابل احترام، ارجمند	ریز بۆ دانان، ماقول	ریس پکتیل	respectable adj
محترم	ئابرو دار - عه ده و		
احترام گذاشتن / کردن	حرمت گرتن - قه در گرتن	ریس پکت	respect <sup>2</sup> v
پاسخ دادن / گفتن	جواب دان - جواو دای	ریس پند (پاند)	respond v
جواب، پاسخ، واکنش	جواب - جواو	ریس پئس	response n
مسئول، متعهد	کار به رێوه بهر - په یمان	ریس پئسی بل	responsible adj
وظیفه شناس	به ستوو - جواو گو		
مسئولیت، پاسخگویی	کار به رێوه بهری	ریس پانسی بی لتی	responsibility n
	لییر سراوی حه زیفه		
استراحت، راحت - بقیه	ره حهت - حه سانه وه	رست	rest <sup>1</sup> n
خواب	ئه وه سیاه، ماباقی		
استراحت کردن - قرار دادن	ئه وه سیاه - مانگی ده ر	رست	rest <sup>2</sup> v
دست از کار کشیدن	کردن - ئارام بیهی		
رستوران	رستوران - یاگی نان	رسترانت	restaurant n
	واردی - چیشته خاته		
بازسازی کردن - پس دادن	ئه وه دای - عه ینوه لی بهر	ریس تر	restore v
برگرداندن به جای اول	ئه ورده ی - عه لو گه راندن		
جلوگیری کردن، بازداشتن	به رگری کردن له	ریس ترین	restrain v
	قه داخه که رده ی		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
محدود کردن، در تنگنا	ته یوه تی که رده ی	ریس تریکت	restrict <sup>v</sup>
گذاشتن	وه ر بینای - به ر به ستن		
اثر، نتیجه، مقصود، جواب	ده س هات - ئاخو - نه تیجه	ری زالت	result <sup>i</sup> <sub>n</sub>
سوزدن، منتج شدن	نه تیجه دای جه - حاسلوو	ری زالت	result <sup>2</sup> <sub>v</sub>
انجامیدن	به ر ئامه ی جه - رودان		
از سرگرفتن، دوباره	ده سو په نه که رده ی	ری زیوم (زووم)	resume <sup>v</sup>
بدست آوردن	دیسان ده س پیکردن		
نگهداشتن، حفظ کردن	نگاداری که رده ی	ری تین	retain <sup>v</sup>
وکیل گرفتن	چاود پیری کردن - وه کیل گرتن		
بازنشست شدن، به بستر رفتن	که نار و لاگرتی - نیشته جی	ری تایپر	retire <sup>v</sup>
به جای آرام رفتن	بوون - دانیشتن له کار		
بازنشستگی، خلوت	نیشته جی - لاگرت	ری تایپرمنت	retirement <sub>n</sub>
انزوا	که نار گرت، خه لووت		
عقب نشینی کردن	دواوه هاتن - دمانامه ی	ری تربیت	retreat <sup>1</sup> <sub>v</sub>
عقب نشینی، خلوت	هورگیلا ی، وه رگه ران		
خلوتگاه	دمانامه - دواها ت	ری تربیت	retreat <sup>2</sup> <sub>n</sub>
برگشتن، برگرداندن	هورگیلا - دواگه ریان		
تلافی کردن	هه لگه ریان - هور و گیلا ی	ری ترین	return <sup>1</sup> <sub>v</sub>
برگشت، عودت، تلافی	هور و گیلا ی، هه ق سه ندن		
سود مجدد	هه ل و گه ر یا هور و گیلا ی	ری ترین	return <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	وه رگیری، سزا		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
فاش کردن / ساختن	ئاشاراکه رده ی - نیشان دان	ری وییل	reveal <sup>1</sup> v
اشکار کردن	به رووسی، چاودان		
انتقام، بخونخواهی	سزاهه ق چه نه سه ی	ری وینج	revenge <sup>2</sup> n
	تۆله سه نده وه		
عالیجناب، ارجمند	جوړه له قه بیوه	ری ورنند	reverend <sup>3</sup> n
	جه ناب - گه وره م		
وارونه ساختن، لغو کردن	پیچه وانه که رده ی - هه لۆ	ری ورس	reverse <sup>1</sup> v
عقب عقب رفتن	گه راندن - هورۆ گیلنای		
معکوس، وارونه، عکس	هورۆ گیلانه - پیچه وانه	ری ورس	reverse <sup>2</sup> n
دنده عقب اتومبیل	سه ره وژ بره لۆ که راه		
نقد (کتاب، فیلم، ...)	لیکۆ لینه وه - رخنه	ری ویو	review <sup>1</sup> n
مرور - بررسی	گرتنه وه - مرور و رد و باره بین		
نقد (فیلم، ...)	رخنه گرتن - دوو باره	ری ویو	review <sup>2</sup> v
مرور، بازنگری اگر	هورسه نگنای - ئنتقاد کردن		
تجدید نظر / مرور کردن	لیکۆلین و پیاوین	ری وایز	revise <sup>1</sup> v
اصلاح کردن	دیسان مرور که رده ی - دوو باره بینای		
مرور، تجدید نظر، بازبینی	دوو باره بینا - پیاویننه وه	ری ویژن	revision <sup>2</sup> n
اصلاح	مرور - لیکۆلین		
نیروی تازه یافتن، زنده کردن	زیندوو بوون - زینده	ری وایو	revive <sup>1</sup> v
روایح دادن	بیه ی هیژی تازه گرتن، پره واج دان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شورش کردن، عصیان کردن	راپه‌رین و خه‌بات	ری‌ولت	revolt <sup>1</sup> <sub>v, n</sub>
بیزار - طغیان	به‌رپ‌رای - ئاشو که رده‌ی		
شورشی، چن‌دش‌آور	په‌رجه‌ته‌رس - پرله‌ترس	ری‌ول‌تینگ	revolting <sub>adj</sub>
	ته‌رس‌ئه‌ور، شو‌رش‌گیر		
شورش، طغیان، عصیان	ئاشو - به‌رپ‌را - خه‌بات	ری‌ولت	revolt <sup>2</sup> <sub>n</sub>
	شو‌رش، بیزاری		
چرخیدن، دور زدن، چرخاندن	خول‌یای سو‌ورخواردن	ری‌والو	revolve <sub>v</sub>
تپانچه	ده‌ورو‌دای (دان)، ده‌مانچه	ری‌والور	revolver
انقلاب، شورش - حرکت	ژیر و بان کردنه‌وه	ری‌ولووین	revolution <sub>n</sub>
دورانی، تغییر اساسی	شو‌رش - سو‌وران		
	شیوایی - خول‌یای		
پاداش، جایزه، انعام	خه‌لات - ئه‌جروئه	ری‌ورد	reward <sup>1</sup> <sub>n</sub>
مژدگانی - سزا	نعام - مزانی		
جایزه / پاداش دادن	خه‌لات‌دان - ئه‌نعام‌دای	ری‌ورد	reward <sup>2</sup> <sub>v</sub>
کرگدن حیوانی آفریقای	که‌رگه‌ده‌ن - جو‌ره	راینایرس	rhinoceros <sub>n</sub>
	حه‌یوانیک له‌ ئافریقا		
مخلف rhinoceros	دوو وشه‌ی یه‌ک مانا	راینایا	rhino
قافیه - نثر / شعر قافیه‌دار	قافیه - شی‌عری قافیه‌دار	راینیم	rhyme <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	ه‌ونراوه‌ی دوا‌به‌ند		
هم قافیه بودن، قافیه داشتن	هم قافیه‌بیه‌ی	راینیم	rhyme <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	قافیه‌دار بوون		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ریتیم؛ وزن؛ سجع، ضرب	ریتیم - سره نگان و شیعری	ریتیم	rhythm <i>n</i>
دنده (قفله سینه)؛ سیم چتر	په راسوو - په راسووی	ریب	rib <i>n</i>
سریه بسوکی گداشتن	چه له می		
روبان، نوار، بند، پارچه	قه یتان - شریته - تاله بهن	رین	ribbon <i>n</i>
برنج	برنج - مهره زه	رایس	rice <i>n</i>
ثروتمند، پولدار، متمول	ده سه لا تدار - دارا	ریج	rich <i>adj</i>
پُربوکت، سرما به دار، توانگر	ده وله مه ند - پرما یه		
(خوراکی) پر کالری، مقوی	پرئه رزش - قیমে تی		
ثروت، دارایی، پولداری	مال و سروهت	ریجیز	riches <i>plural, n</i>
خلاصی یافتن، رها کردن	نه جات دان - نازاد	رید	rid <i>v (ridden, ridding)</i>
	کردن - وه ردای		
چیستان، معما؛ سوارخ سوراخ کردن	مه ته له مه ته ل، وُل وُل	ریدل	riddle <i>n</i>
سوار شدن، سواری کردن	سوار بیه ی سوار جوون	راید	ride <sup>1</sup> <i>v (rode-ridden)</i>
راندن	رانه به رده ی، به ریوه بردن		
راکب، سوارکار، مسخره	را به رسوار - ته سپ سوار	رایدر	rider <i>n</i>
سواری، سوارکاری، راندنی	سواری - غار که ری	راید	ride <sup>2</sup> <i>n</i>
برآمدگی، خرنشسته، غله	ناسوی کیو - ته پوله	ریج	ridge <i>n</i>
	هور ئامه، که ل		
چرند، مهمل، خنده دار	خوه دار - قسه ی قور	ری دی کیولس	ridiculous <i>adj</i>
مضحک	قسی مفتی، زور خراب		
تفنگ (قنداق دار)، دستباز، دزد	تفه نگ - چه ک، چه پاو کردن	رای فل	rifle <i>n, v</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خوب، صحیح، (سمت) راست، حق	دروس - خاس بر است، چاک	رایت	right <sup>1</sup> adj
راست دست	دهس راس بر آس ده ست	رایت هتدد	right - handed adj
راستی، درستی، کار درست و	راستی - لای راست	رایت	right <sup>2</sup> n
حساب حق و حقوق - طرف راست	دروستی - چاکی		
به طور صحیح / درست - به	راست - دروست	رایت	right <sup>3</sup> adv
طرف راست، به سمت راست	به باری راست - ده قیق		
کاملاً، به طور کامل	باش و عال		
به طور مستقیم / راست			
دوره، لبه، حاشیه	لج - لیو - ده وره ویچن	ریم	rim n
کناره	زه نجیره تیان، قه راخ		
پوست (ميوه، ...)، پوست	پیس - پوس - توکل	رایند	rind n
پوسته	گر ته ی، تو ی کل		
حلقه، دور حلقه انگشتری، گروه	هه لقی - نه نگو سنبه، ده نگ	رینگ	ring <sup>1</sup> n
تلفن زدن / کردن، زنگ زدن	ته له یفوون دای	رینگ	ring <sup>2</sup> v (rang, rung)
	ته له فوون کردن		
	بانگ کردن - چریه ی		
ابکشی کردن، آب کشیدن	ئاو که شی که ره ی شواری	رینس	rinse v (rinsed, rinsing)
	ئار کیشان - گوشین		
فته، آشوب، بلوا، شورش	ئاشو - فیتنه - شه ر	رایت	riot <sup>1</sup> n
هنگامه	و شو ر، حه شر		

ʌ	ɜ:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کانۆن بازنه‌ستگان	کۆری نه‌شته جیگان	پتایرداوسوئیشن	retireds
اشوب و بلوا راه انداختن	ناشو و سه‌ره‌ی - جار	رایت	association
دریغ، پاره کردن، هز دادن	وجه نه‌جال به‌ری خستن	ریپ	riot <sup>2</sup> v
دریدگی - چاک	دراندن - درپیی	ریپ	rip v, n
(میوه) رسیده، انسان جاافتاده	میوه‌ی گه‌ییگ	رایپ	ripe adj
آماده	میوه‌ی یاوا - یاوا		
موج کوچک، ریزموج	لله‌ی وردیه‌وئاوئ	ریپل	ripple <sup>1</sup> n
موج‌دار کردن / شدن	شه‌پۆلی بچووکئ ئار	ریپل	ripple <sup>2</sup> v
برخاستن، طلوع کردن	شه‌پۆل دارکردن - گرنج په‌نه‌دای	رایز	rise <sup>1</sup> v (rose, risen, rising)
ایستادن	راسوئیه‌ی - رۆجیار		
افزایش، ترقی، بلندی‌وتپه	به‌رئامه‌ی هه‌ل‌سان - خو‌ر هه‌ل‌هاتن	رایز	rise <sup>2</sup> n
آغاز	به‌رزی - زیاد و زۆر		
ریسک، مخاطره، احتمال خطر	فره‌کرد		
به مخاطره انداختن	مه‌ترس - ته‌رس جه - خه‌ته‌ر	ریسک	risk <sup>1</sup> n
کار خطر کردن	به‌خه‌ته‌ر وه‌ی - به	ریسک	risk <sup>2</sup> v
حریف، رقیب	خه‌ته‌رخستن، دڵ به‌ده‌ریادان		
رقابت کردن	ره‌قیب - هام‌قه‌تار	رای‌ول	rival n, v
	نه‌زیر، چاو‌خستن		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رقابت، همچشمی، هم‌آوردی	ھاو چاوی - ھەم چەمی	رای و لری	rivalry <sup>n</sup>
	ملۆزمی - بەر بەرە کانه		
رود، رودخانه، شط	رۆخانه - چۆم - چەم	ریور	river <sup>n</sup>
	رۆبار - گالال، سیروان له پاوه		
جاده، راه، خیابان	جاده - ریگا - را	رود (رئود)	road <sup>n</sup>
طریقه، شیوه	خیایان		
سیروسایاحت کردن، پرسه زدن	سەیران کەردە (کردن)، خولان رنوم (روم)		roam <sup>v</sup>
غریدن، غرش کردن	نەرنای - نەراندن	رور	roar <sup>1 v</sup>
نعره کشیدن	داخوڕین		
غرش، نعره، خنده بلند	نەعرە - نەرە - خوڕە	رور	roar <sup>2 n</sup>
	داخوڕین		
کباب کردن / شدن	کەواوکەردە - کەباب	روست	roast <sup>v</sup>
برشته کردن	کردن - بڕێژنای - بڕژاندن		
زدی کردن، رهنزی کردن	بڕیە - دزی کەردە	راب	rob <sup>v(robbed, robbing)</sup>
دستبردن	دزین و بڕین، تالان کردن		
سارق، وهزن، دزد	دز - راب - جەردە، چەتە	رابر	robber <sup>n</sup>
سرقت، دزدی	دزی - رابری، چەتە گەری	رابری	robbery <sup>n(PL berries)</sup>
لباس بلندردا	لیباسی درێژی - سەر	رنوب (روب)	robe <sup>n</sup>
لباس حمام و قضات	کەوا - جبە - عابا		
رویات، آدمک، آدم آهنی	بەشەری ئاسنین، بەشەرباو	روبات	robot <sup>n</sup>
	دەزگای باتی بەشەر		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سنگ - تخته سنگ، صخره	ته خته به رد که مه رو کو	راک	rock <sup>1</sup> <i>n(rak)</i>
	سه خت - تاش - ما		
سنگی، سنگلاخی، بق	توه نی به ردین پر ژاق	راکی	rocky <i>adj</i>
	رووشایی، شل		
راکت، موشک، فشش	مووشه ک - نهیره	راکیت	rocket <i>n</i>
	مووشینه - ئارپژین		
میل (نازک) - عصا	گوچان - میله - چیو	راد	rod <i>n(rad)</i>
چوبراست، دیلم، شنبه	گالوک، نویل، زمه		rode <i>see ride</i>
ادم ردل / پست، هرزه	زول - پهس - نادروس	روگ	rogue <i>n</i>
بی شرف	فیل بازو جاش باو		
رل، نقش، کار، وظیفه	کار - وه زیفه، نه قش	رل	role <i>n</i>
غلطاندن، غلتیدن، چرخاندن	تلنای - تلاندن - تل	رل	roll <sup>1</sup> <i>v</i>
لوله / صاف کردن	دای (دان)، لوله کردن		
طومار، لوله، توپ - نان برگی	لوله - قه وال - تو مار	رل	roll <sup>2</sup> <i>n</i>
چانه خمیر، غلتک	توپه جنس، گونکه، بان تلیر		
(مسیحی) کاتولیک رومی	رومی - خه لکو رومی	رمن	Roman <i>n, adj</i>
کلیسای کاتولیک	خه لکی روم، مزگی کاتولیکان		Catholic
دلباختگی، عشق - داستان	رازه ی په ر ماجه را	رومنس	romance <i>n</i>
عاشقانه، جماع کردن	رازی ئاشقانه، ئشق بازی		
رومانتیک - خیالی، عاشقانه	خه یالی - خیالی	رومن تیک	romantic <i>adj</i>
عشقی	نه کریا، ئشقی		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
roof <i>n</i>	رووف	بان سه‌رویانه‌ی، تاق	بام، سقف (اتومبیل، خانه، ...)
		سه‌ریان - میچ - بن‌دار	تاق - تاق زدن
room <i>n</i>	رووم	جی - دیو - هو تاق	اتاق - فضا، جا، فضای کافی
		یاگی	
root <i>n</i>	رووت	ریخه‌ریشه، بیخ‌وبن	ریشه، ریشه درخت
		ریشکه‌دار	سرچشمه - پایه
rope <i>n</i>	رُپ	وه‌رِسه‌ش‌ریته، که‌مه‌ند	طناب، ریسمان، کمند
		ته‌نافه - گرویس	جُدا کردن
rose <sup>2</sup> <i>n</i>	رُز	وله سووری - گوله	گل سرخ، گل رز
		باخی‌ولی (ناخ‌ته‌نیایی)	کلی‌رنی
rot <i>v</i>	رات	گه‌نین - گه‌نای	فاسد شدن / کردن
		خراوگیلاّی	گندیدن
rotten <i>adj</i>	رُتِن	گه‌ناگه‌نیک - خراو، پوترکیا	فاسد، پوسیده، گندیده
rotate <i>v</i>	رُتیت	ئه‌وه‌خولنای - چه‌رخاندن	چرخیدن، چرخاندن
		به‌ده‌وراگه‌ریان، سوران	دورزدن
rotation <i>n</i>	رُتیشین	ئه‌وه‌خ‌خولیا - چه‌رخین	چرخش، گردش، چرخه
		به‌ده‌ورگه‌ریا‌سوور، ده‌ور	نوبت
rough <i>adj</i>	راف	رووش - ناساف	ناهموار - خشن - ناتمام
		زور - زرو - بی‌عه‌ده‌و	زنده - زمین‌ناصاف
roughly <i>adv</i>	رافلی	به‌توره‌یی - نزیک به	تقریباً - با‌خشونت

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گرد، مدور، کامل	خرت - خر - خور - ژوند		round <sup>1</sup> <i>adj. n</i>
غیراعشاری، غیردوره	گلیره - هه لقی، کامل		
دور تادور، گر داگر، دور، کروی	ده و رانده و ر سه ران سه ر	ژوند	round <sup>2</sup> <i>adv</i>
اطراف، سه طرف دیگر، اطراف	به ده و راه به لای تر، ده و		or around <i>adv. prep</i>
چرخ فلک - میدان بزرگ	مه یه ن مه یه دانی، رای قه میج	ژوند، ئوت	roundabout <i>n</i>
دور و دراز	وباد ریگه و ره - چه رخوفه له ک		
راه، مسیر، جاده	ری - ریگه، راه، جاده	رووت	route <i>n</i>
جریان کار، کار عادی	زه وه ندی کار، وه ک جاران	رووتین	routine <i>n</i>
روزمره	جهره یانو کاری		
ردیف، برآسته، حصف برده	رزده سته، ریک و پیک، سف	ر	row <sup>1</sup> <i>n</i>
نزاع، دعوا، داد و بیداد	راوه راو - قال و مقاتل	رو	row <sup>2</sup> <i>n</i>
اشوب	هه راوده نگ، ده م قره		
پاروژدن، دعوا کردن	پارو دای - پارو ولیدان	زو	row <sup>1</sup> <i>v</i>
سلطنتی، شاهی	سه لته نه تی - پاشایی	رو یال	royal <i>adj</i>
عضو خانواده سلطنتی	مه ربووت به خانه واده ی	رو یالتی	royalty <i>n</i>
حق التألیف کتاب	سه لته نه تی، شاهی		
مالیدن، ساییدن، پاک کردن	مالای - ساوای - پاک کردن - مالین	راب	rub <i>v(rubbed, rubbing)</i>
ماساژ دادن			
لاستیک - پاک کردن	مه داد پاک کون - کاپو	رابهر	rubber <i>n</i>
کش لاستیکی	که ژی لاستیکی - کیش	رابهرند	rubber band <i>n</i>
زباله، آشغال، مخزرف، آشغال	زو یل - نه ژغال - قس	رابیش	rubbish=trash <i>n</i>
	به لاشی - شه خهل		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی					
Persian	Kurdish	Pronunciation	English					
گستاخ، بی ادب، نفهم، بدشکل	نه قام چروودا ریی عه ده و	روود	rude adj					
کلیم، قالی، قالیچه، جل و پلاس	قالیچی - قالیچه - بهر	راگی	rug n					
دارای پستی و بلندی	جیی به رزی و نزمی دار	راگید	rugged adj					
ناهموار، سنگلاخ	یاگی به رزو نزمی داره مرووشایی							
ویران ساختن / کردن	ههروژاندن - رژنای	رووین	ruin <sup>1</sup> v					
ویرانه، خرابه، بخرابی	ویرانه - که لاهه کوئه	رووین	ruin <sup>2</sup> n					
	خراوه - گه رده نشین							
حکمرانی / خط کشی کردن	خهت که شی کردن - حکومهت	روول	rule <sup>1</sup> v					
زیر نفوذ گرفتن	که رده ی - حوکم و حکومهت کردن							
حاکم - خط کش	گه وره - خهت کیش	روویلر	ruler n					
	خهت که ش							
قانون - حکومت، دولت	قانون - حکومهت	روول	rule <sup>2</sup> n					
رسم، گونیا	ده و لهت							
رام (عرق نیشکر)	ئاره قو نه ییجه شه که ری	رام	rum n					
نوعی عرق	ئاره قی له له زور چاکه							
رعدا سا غریدن، ابر	گرمنای (گرماندن)	رامبل	rumble v					
غُرّه	نرکه و سه ره ئامه ی							
شایعه شناسی کردن - هو	چاودا خستن -	روویر	rumour n					
	چا و و قواو							
دویدن - کار کردن، عمل کردن	ره مای را کردن، کار کردن	ران	run <sup>1</sup> v (ran-run) running					
سفر کردن، مسافرت نمودن	سه قه ز کردن - تلوییه ی							
uə	p	b	t	d	k	g	t/	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

rung

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
rung <sup>1</sup> see ring	رانگ	سپه‌فر - را - فره ثالف چار	دو - مسافرت، سفر - امتیاز در بازی، مسیر، حصار دام
rung <sup>2</sup> n	رانگ	پله‌ی په‌یجه - پله و سردی	پله نردبان
rural adj	رونول-رونول	ده‌گایی - لادی‌یی - خه‌لکی لادی	روستایی، دهاتی
rush <sup>1</sup> v	راش	په‌له کرده‌ی - به‌په‌له	هجوم بردن / آوردن
rush <sup>2</sup> n	راش	روین برپا پهرین، په‌لاماردان په‌له‌هه‌لمه‌ت - په‌لامار	شتافتن، غافلگیر کردن عجله، شتاب، هجوم، یورش، نی
rust <sup>1</sup> n	راست	ژه‌نگه - ژه‌نگ لی‌داو - ژه‌نگین	زنگ زدگی، زنگ (فلز)
rusty adj	راستی	ژه‌نگ و نه‌دا - ژه‌نگ	زنگ زده، زنگ زورفته
rust <sup>2</sup> v	راست	لی‌داو ژه‌نگ‌دای - ژه‌نگ‌لی‌دان	از کار افتاده زنگ زدن (فلز)، زنگ‌فلز
rustle <sup>1</sup> n	راسل	خشه‌خش کرده‌ی، شنه‌(وا)	خش خش کردن
rustle <sup>2</sup> n	راسل	خشه‌خش کردن، سروه‌ی نه‌سیم ده‌نگی خشه‌خش - خشه‌نامه‌ی، سروه‌راسل	صدای برگ‌ها به وقت نسیم صدای خش خش، وزش نسیم
rut n	رات	یاگه‌ئه‌راده و سه‌رو	رد یاریکه چرخ پر خاک نرم
ruthless adj	رووت‌لس	خاکی - جی‌ته که ره‌سه‌ره‌رز دل ره‌ق - بی‌ره‌حم	شیار - مستی بی‌رحم، ستمگر، سنگدل
rye n	رای	گه‌نمه ره‌شه - پو	گندم سیاه - چاودار
rye - grass n	رای‌گراس	تاله‌گیا - گه‌نم تال‌که‌ر گری‌دانه، مرو‌ره	علف تلخ - تلخه گیاه گندم‌زار
ryot n	رایت	وه‌رزیه‌ر - رای‌ته	وعیت
ryngy n	رینگی	هه‌نگو بی‌نالی‌ته رینگاله‌ر - رینگی چیشته	شیره‌فسل و شیرۀ غذاهای آبکی

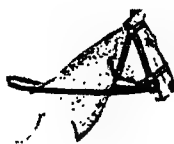
f v θ ð z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



REVOLVER



RAKE



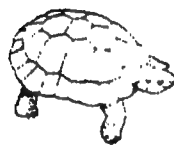
REINS



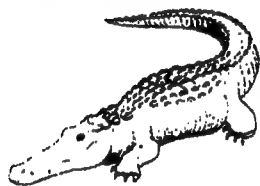
RECEIVER



CHAMELEON



TORTOISE



CROCODILE



TURTLE



LIZARD



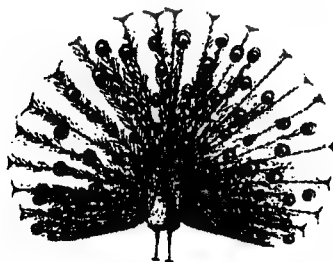
ALLIGATOR



PARROT



KIWI



PEACOCK



PARAKEET



MYNAH



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غمگین، محزون، پراندوه	خه مین - ناره حهت	سَد	<b>sad</b> <i>adj</i>
جانگداز	خه مبار - مهلول		
باهالت، محزون، ستا سفاذه	به غه مباری به خه مینی	سَدلی	<b>sadly</b> <i>adv</i>
زین (اسب، دوچرخه) زین کردن	زین مزینه لکه گوشت	سَدل	<b>saddle</b> <i>n-v</i>
مسافرت برای شکار در آفریقا	بۆراو روین - سه فەر و راوی	بِیْفاری	<b>safari</b> <i>n</i>
سالم، درامان، ایمن، امن	ساق - ساغ - نه من و نه مان، بی خه تر	بِیْف (بییف)	<b>safe</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
به طور سالم، با احتیاط	بی خه تر بی مه ترسی به نه منی و نه مینی	بِیْفی فلی	<b>safely</b> <i>adv</i>
ایمنی، امنیت، سلامت	نه من و نه مینی	بِیْفیتی	<b>safety</b> <i>n</i>
امن و امان	بی ته رس - بی ترس		
گاوسندوق - محتاط	گاوسه نوق - سندوقی	بِیْف	<b>safe</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	ناسنین		
شکم دادن، فرو نشستن	له م نیای - خوار کیشان	سَگ	<b>sag</b> <i>v-n</i>
أفت - تنزل - شل	وار نشته ی - شل بون		<b>said</b> <i>see</i> <b>say</b>
بادبان (کشتی / قایق)	بارفین - واهر - بابه نا	بِیْل	<b>sail</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
مسافرت دریایی	واپه نا - په رده ی باگیر		
سفر دریایی کردن،	سه فهری ده لیای که رده ی	بِیْل	<b>sail</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
قایق رانی کردن	که شتی رانی کردن		
ملاح، ملوان، سرباز نیروی دریایی	مه لوان، مه له که رسه ربازی ده لیا	بِیْلر	<b>sailor</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>saint</b> <i>n</i>	سینت	جه خوداته رس - ئه ولیا	شخص مقدس، فرد محترم
		به شهری پاک و راستگو	قه دیس
<b>salacious</b> <i>adj</i>	سیلیشس	شاوه تزا	شهوت انگیز
<b>safe gurding</b> <i>n</i>	بیمگار دینگ	چاود پری - پاسه وانی	حراست - محافظت
<b>sake</b> <i>n</i>	سیک	خاتره - خاتر	خاطر
<b>salad</b> <i>n</i>	سَلید	سالاد	سالاد
<b>salary</b> <i>n</i>	سَلیری	مواجووه قوڤ، مانگانه	حقوق ماهیانه، حقوق
			مواجب
<b>sale</b> <i>n</i>	بیل	بۆ فروش هه راجی تالانی	برای فروش، هراج، مزایده
<b>(saloon) of confarence</b>	سالون آف	سالوونی و توویژ و قسان	سالن کنفرانس و جلسات
<i>n</i>	کان فیرنس	مه ره - جه مگه	میخانه - تالار
<b>salesman</b> <i>n</i>	بیل زین	پیای و فروشه ره راله که ر	فروشنده (مرد)
<b>salmon</b> <i>n</i>	سَمین	ماساوی روخانه ی	ماهی آزاد، ماهی قزل آلا
		ماسی رو بار سه نگی عه ناوی	
<b>salt</b> <i>n-v</i>	سَلت (سالت)	نه مه ک - خوی - نه مه کی دای	نمک، نمک زدن - شور
<b>salty</b> <i>adj</i>	سَلتی	نه مه کی - په ر نه مه ک سسوپر	شور، پر نمک - نمکین
		فره (زور) - نه مه ک سسول	نمکی
<b>salute</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	بیلووت	سلاو - سلام - سلاوی	سلام دوستانه، سلام نظامی
		سه ر بازی	
<b>salute</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	بیلووت	سلاو کردن - سلام کرده ی	سلام نظامی / سلام دادن

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یکسان، همان (شخص، چیز)	یه‌ک جوړ - هه‌ر ئانه	یسیم	same <i>adj</i>
همانند - یک‌جوړ	هه‌ر ئه‌و - ئه‌وه		
نمونه، مستوره، سرمشق	نموونه - په‌ی بینای	سام‌ه‌ل	sample <sup>1</sup> <i>n-v</i>
	بو‌تاقی کردن		
امتحان کردن، نمونه‌گیری	تاقی کردن - تاقی ئه‌وه	سام‌ه‌ل	sample <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن	که‌رده‌ی - نمونه‌گرتن		
ریگ، شن، سنگریزه، ماسه	ریژی - ماسه - ریخ	سند	sand <i>n</i>
	لم - لمارته		
ساحل شنی / ماسه‌ای	که‌ناره ئاوی لم‌دار	سندس	sand <i>n</i>
	قه‌راخه ئاوی ماسه‌دار		
شنی، ماسه‌ای - هئایی	لمی - ماسه‌دار - لم‌دار	سندی	sandy <i>adj</i>
معبشکتشکل‌سپه‌ناگاه	که‌نیه‌-کلیسا، مزگی	سَنکچوری	sanctuary <i>n</i>
ساندویچ - بین‌دوچیز گذاشتن	جوړه پی‌خوړیک	سَن‌دوچ	sandwich <i>n-v</i>
فشردن	نه‌وعیوه وارده‌مه نی		
	پسه وگیتی وکولیری		
منطقی، عاقل، معقول	ماقوول - ناقل - ساق	سین	sane <i>adj</i>
سالم - خردمند	و سه‌لیم، وریاو‌چاک		
به‌داشتی کردن، از میکروب	بیداشتی و ته‌میز کردن	سَنیتایز	sanitize <i>v</i>
پاک کردن	خاوین کردن، سپرین		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>sap</b> <i>n</i>	سَپ	شیره و گیواو یا داری	شیره گیاهی قابل خوردن
		شیره ی گیواو دار-نکم-کیبهره	نپرو- توان- نقب
		دو شاو هیزخازی	
<b>sardine</b> <i>n</i>	ساردین	جوړه ماسییه ک بچووک	ساردین نوعی ماهی
<b>sat</b> <i>see sit</i>		که پیخوړیکی لی	
		دروست نه کری ژورده ماساوی	
<b>satellite</b> <i>n</i>	تَیْلَیت	مانگ ئاسا که شتی هه وا	ماهواره مقمر مصنوعی-تابع
		چومانگه خوله پوره مانگ باو	
<b>satisfy</b> <i>v</i>	سَن تِیس فای	رازی که رده ی دل نیا کردن	راضی کردن، خشنود ساختن
		ئزرا کردن دلشاد کردن	مطمئن ساختن / کردن،
		وژاردن	قانع کردن / ساختن
<b>satisfaction</b> <i>n</i>	سَن تِیس فکشین	ره زادل نیا رازی	خشنودی، رضایتلارضاء
		ره زامه ندی	
<b>satisfactory</b> <i>adj</i>	سَن تِیس فکتری	به ره و چاکی مرووه و خاسی	رضایتبخش-قانع کننده
<b>saturday</b> <i>n</i>	سَن تِردی	شه ممه = شه ممه	شنبه
<b>sauce</b> <i>n</i>	سُس	مه زه چاشت = تامه	سس، چاشنی-سُوب
		چیشت = تام = رب	خوشاب میوه شیره
<b>saucepan</b> <i>n</i>	سُس پَن	ماهی تاره = تیانه ی	ماهیتابه، تاوه / تابه
		ده سه داره، قه وله مه	قابلمه
<b>saucer</b> <i>n</i>	سُسیر	ژیر پیالَه = چیر پیالَه	نعلبکی = زیر استکان

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سوسیس - کالباس	ریخولە ی پر کراو له گوشتی به رازیا گاجوړیو گوشتی قهواله	ساسبیج (سسیج)	sausage <i>n</i>
درنده، وحشی بی تمدن	سمنج - در - دماکه و ته وه حش و جاش	سُوبِج	savage <i>adj</i>
از خطر رهانیدن، رهایی	نجات دادن - جهم که رده ی لادای جه خه ته روه ردای	بیو	save <i>v</i>
بخشیدن، نجات دادن	جهم کردن (پول) جهم که رده - پاشه که وت	بیوینگ	saving <i>n</i>
ذخیره / صرفه جویی کردن	پس انداز، اندوخته		
نجات دهنده	وسریا - نجات دهر		
منجی، ناجی، نجات دهنده	نجات دهر - نازاد که ر	بیویر	saviour <i>n</i>
رهاگر	وهر دهر		saw <sup>1</sup> see
اژه - مشار	مشار ده سه ره هره	سُو	saw <sup>2</sup> <i>n</i>
اژه کردن، اژه کشیدن	مشار کیشان - مشار که رده ی	سُو	saw <sup>3</sup> <i>v</i>
گفتن، سخن گفتن، حکایت کردن	واته ی - وتن - گوتن	بی	say <i>v</i>
ضرب المثل، گفتار نفز	مه ته ل - قسی قه دیمیان	بیینگ	saying <i>n</i>
پند	وته ی چاک، مو چیار ی		
پوسته زخم	په تر و - پیستی زام	سکپ	scab <i>n-v</i>
اعتصاب شکستن	په تر و که (ئاوردشوه سو)		
دار بست بندی چوب بست	ته روا له - چوبه س	سکفول دینگ	scaffolding <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
با آب جوش یا بخار سوختن	به ئاو ی گه رم سووتاندن	سکالد	scald <sup>v</sup>
تا و لدار کردن	به ئاو ه ی گه رمه سووچنای		
وسیله منبرج - انداز، مقیاس	ئامرازی ئه ندازه یۆ	سکیل	scale <sup>n</sup>
(نقشه) گام (در موسیقی)	پیان و کیشان - قازو تو		
فلس، پولک، باسکول	پووله که - ئه ندازه		
ترازو، میزان	ترازی - ترازو	سکیل س	scales <sup>n</sup>
	ئامرازی کیشمانه کردن		
پوست و موی سر	پیست و مووی سه ر	سکلب	scalp <sup>n</sup>
	پۆس و موو سه ری		
گریختن، به ناخت رفتن	رما ی - را کردن	سکمپر	scamper <sup>v-n</sup>
فرار - دوندگی	به رشیه ی - هه لهاتن		
اقتضاح بر سوای، آبروریزی	بی ئابرووی شه رمه ساری	سکندل	scandal <sup>n</sup>
داغ، اثر زخم (روی پوست)	جی زام - یا گه زه خم و	سکار	scar <sup>1 n</sup>
جای سوختگی و زخم	ریش داخ - سکه ل، جی زام		
اثر زخم گذاشتن، داغ زدن	داخ که رده ی (کردن) نیشانی	سکار	scar <sup>2 v</sup>
جای سوختگی	به زه خم که رده ی - نیشانی نیای - جی گه زام مان		
کم یاب، نادر، کم پیدا، نایاب	نا پیدا - که م - که م دۆز راو	سکرس	scarce <sup>adj</sup>
به ندرت ساندکی - ندرتاً	حه رف ره که م - به	سکرسی	scarcely <sup>adj</sup>
	زه حمه ت یه زۆر - که می		
تو ساندن، زم دادن	سَل دای - ته ر سنا ی سَل دان	سکر	scare <sup>1 v</sup>
هراساندن	هۆر کور کیای		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لولو سرخوڕمن-مترسک	داهۆل - وه یوه و بالی	سکیر کرنو	scarecrow <i>n</i>
ترس بیجا، ترس بی مورد	ترسه نوکی - بی هیچ	سکیر	scare <sup>2</sup> <i>n</i>
هراس	ته رسای - ته رسه - ترس		
شال گردن، روسری، چارقد	رووسه ری - هه وله و	سکاف	scarf <i>n</i>
	ملی - شالی مل له چه ک		
قزمز و شن - قزمز نارنجی	سوورخون قام - چون ون	سکالیت	scarlet <i>n, adj</i>
متفرق ساختن، افشاندن	بلاو کردن - پاشای	سکتر	scatter <i>v</i>
پاشیدن	چه یه ک دور و سه ی		
صحنه - محل وقوع - بخش	بهش - یاگی روه دای	سینین	scene <i>n</i>
قسمت بین - جلگاه	جیی رووداو - جیی نمایش		
منظره، چشم انداز	دیمه ن - چه م وز	سینیری	scenery <i>n</i>
دور نما	چاو خست، چاو روان		
رایحه دل انگیز - عطر - بو	عه تر و عه بیر - بوئی	سینت	scent <i>n-v</i>
بو بردن - بی بردن	خوش - بو - بو بردن		
برنامه، جدول برنامه	ناوئاخن - بارنامه	شدیول	schedule <i>n</i>
زمان بندی	چه دوه و کاری، سوورته		
دانشمند فاضل، عالم، محقق	زانا - ژیر - ناقل	سکالر	scholar <i>n</i>
دانشجو	مدریک و ژیره و مه ری		
بورس تحصیلی - کمک هزینه	خه لات و دیاری بو	سکالرشپ	scholarship <i>n</i>
آموزشی - آموختگی	شاگردی زیره ک زنانای		
	فیری بونه وه - سه ودا		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مدرسه، آموزشگاه، دبستان	مه‌یره سه - جیی	اسکول	school <i>n</i>
دانش، علم، فن - مهارت	ده‌رس خویندن - فیرگا		
شیوه	علم - زانست - زانایی	ساینس	science <i>n</i>
علمی، مربوط به علم - فنی	زانباری، لئی هاتی		
دانشمند، عالم - دانشور	علمی - زانستی	ساین تی فیک	scientific <i>adj</i>
	زانا - لیکۆلەر	ساین تیست	scientist <i>n</i>
	چە نه یا واجه علم		
قیچی - مقراض	دواردی دو پردک، دو پردو	سی زرز	scissors <i>n</i>
سز نش کردن، پرخاش کردن	دا کوتان - لۆ مه کردن	سکولد	scold <i>v</i>
(زن بقو)	تانه وه نه دای		
با دست یا قاشق برداشتن	هه لگۆزین هه و رگۆزای	سکوب	scoop <i>v-n</i>
کندن - ملاقه	به چه مچه، چه مچه یگه وه		
کمی سوزاندن، پژمرده شدن	به ی سو چنای سو وتاندن	سکرچ	scorch <i>v-n</i>
سوختگی سطحی	بی تین سیس یای، بو دان		
امتیاز، نمره خراش - خط افتادگی	نمره نمره ی سه رکه وتن، قرنجیا	سکر	score <sup>1</sup> <i>n</i>
امتیاز، نگهداشتن / نوشتن	حیساب له ده ستابوون	سکر	score <sup>2</sup> <i>v</i>
خراش / خط انداختن	نمره وگه می نویسی، کلایشن		
خوار شمردن - پست شمردن	به چاوی خوار ته و اشا کردن	سکرن	scorn <sup>1</sup> <i>v</i>
	سووک پوره دیای		
بی احترامی، تحقیر	سووک ژمیری - تخیل	سکرن	scorn <sup>2</sup> <i>n</i>
خوار شماری	سووک پوره دیای		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کژدم، عقرب	ماره کۆل - دماره کۆل	سکُریپ	scorpion <i>n</i>
باخشم نگریستن - اخم کردن	دو پیشک مۆق که رده ی پروه پیوه رده دای	سکُول	scowl <sup>1</sup> <i>v</i>
اخم، نگاه غضب آلود تهدید	تیر دای - نه خم که رده ی، خرا، ته و اشا کردن مۆق - تیر - نه خم	سکُول	scowl <sup>2</sup> <i>n</i>
بازحمت بالا بردن، تندخیزدن	خرا و روانین به سه ختی سه رلوی	سکُرمبل	scramble <i>n</i>
تلاش کردن	به ته قالا سه روین - توند خزین		
خرده، تکه پس مانده	ورده - تیکه - ریزلانه	سکُزپ	scrap <i>n</i>
قطعه - قراضه	بریک - تو زیک - لت و کت		
(با ابزار تیز) خراشیدن	تاشای - تاشین - هور	سکُریپ	scrape <i>v</i>
تراشیدن - سرهم کردن	که نه ی - هه لکلاشین		
خراشیدن، پنجه انداختن	کلاشای - خوراندن	سکُزچ	scratch <sup>1</sup> <i>v</i>
چنگ زدن	پوس رنیای - کراندن چنگۆل گرتە ی		
خراش، خط افتادگی	کرنا - کلاشا - رنیا	سکُزچ	scratch <sup>2</sup> <i>n</i>
چرکنویس	زریا - ریش، قرنجان		
دادگشیدن / زدن، جیغ زدن	قیژنای - قیراندن	سکُریم	scream <i>v</i>
نعره کشیدن	قیژنای - قیواندن - زریکنای		
جیغ، داد، فریاد - نعره	قیژه - قیره - قیره، شریخه	سکُریم	scream <i>n</i>
زوزه	هاوار - قیوه - زریکه		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نعره زدن	سهرنای بۆرنای، قیچان	سکرېچ	screech <sup>v</sup>
صدای	سهراندن بۆراندن نه رنای		
چیخ	نهره بۆره سه ره، زریکه	سکرېچ	screech <sup>n</sup>
پرده (د)	په رده - په رده ی جیا	سکرین	screen <sup>n-v</sup>
سۆر-تۆر	وه که روه ی چنه بیژن		
پیچ-بروانه	چهر - په ره	سکروو	screw <sup>1 n</sup>
پیچ گوشتی	ئاچهر - پیچ گوشتی	سکرو درایور	screwdriver <sup>n</sup>
پیچ کردن/خو	پیچ دای (دان) - تندۆ	سکرو	screw <sup>2 v</sup>
	(که رده ی تن کردن)		
خطنگارش*	خه ت، نمایش نامه	سکرپیت	script <sup>n</sup>
باشتاب نوشتن	به په له نووسین (نویسه ی)	سکری بل	scribble <sup>v</sup>
علم دین - کد	کتیبی مقه ده س، نه نجیل	سکرپ چر	scripture <sup>n</sup>
با ئوس کشیدن	به پییاهاوردن به یوره	سکراپ	scrub <sup>v(surbed)</sup>
مالش دادن/مساج	ساوی مشتوما لدا ی- پرونا ی		
سنگتراش، مجر	توهن تاش - به رد تاش	سکال پتر	sculptor <sup>n</sup>
تندیس گر	شیوه ساز		
پیکرتراشی، مجر	توهن تاشی به رد تاشی	سکال پچر	sculpture <sup>n</sup>
دریا، بحر	ده لیا - ده ریا	سی ی	sea <sup>n</sup>
صدف دریایی	سده ده فی ده لیا- جوړی	سی ی ئیل	sea - shell <sup>n</sup>
	جانه وه ری ده لیا		
ساحل، کنار دریا	قه راخه ده لیا- که ناری ده لیا	سی ی ساید	seaside <sup>n</sup>
فک، خوک آبی -	خو وگی ده لیا- جوړه ی	سییل	seal <sup>1 n</sup>
صخه	جانه وه رو ده لیا ی، موړ		

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مهر و موم کردن	مۆر و مۆم کەردە ی	سبیل	seal <sup>2</sup> v
تضمین کردن	نامە سەر بە مۆر کردن		
درز، شکاف، زنگنه، کوک	ترە ک - ترە کە - تە قەڵ	سبیم	seam n
گشتن، جستن، جو یا شدن	چەرچوروی، تری شکه پە ی گیلای - بۆگەریان	سیرج	search <sup>1</sup> v
	سرنج دان - سرنج دای (دان)		
بازرسی، کند و کاو	سرنج - لیکۆلینه وه	سیرج	search <sup>2</sup> n
جستجو - تجسس	ورد و بیه		
فصل، ایام - دوران	وەرز و سالی - وەرز ی	سی زن	season n
آدینه زدن، گوشت خوارانیدن	سال، فەسل، ئالەت لیدان		
صندلی، جا، خشتک، جایگاه	یاگی - جی - کەت	سیت	seat n
ثانی، دوم، دومین، نخست دوم	دووهەم، دووۆم، دو یەمین، کات	سیکند	second adj
مدرسه متوسطه، دبیرستان	دەوڕە ی دە بیرستان	سیکندری اسکول	secondary school n
مرموز، پنهان، سری، مخفی	راز - رازی - پۆژیا	سیکریت	secret n, adj
راز	نامە علووم، ون		
هشتی، دبیر، سفیر، وزیر	ویژە، رەزەر، دەرته ردار	سیکرتری	secretary n
	دەستیار - بالۆیز		
قسمت، بخش، قاج، بخشه	بەش، محەللی، لەت و تیکە	سیکشین	section n
امن، بی خطر، محکم، مصون	ئەمن و ئەمان، بی ترس	سیکیور (سیکر)	secure adj
خاطر جمع	بی مه ترسی - قایم		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>security</b> <i>n</i>	سیکیوریتی	ئه من بێ خه ته ر دڵ نیا	امنیت، اطمینان، سلامت
	(سیکوری)	پشت گهر می	تأمین-اوراق بهادار
<b>see</b> <i>v</i>	سی	بینای بینین - ته و اشا کردن	دیدن، مشاهده کردن، فهمیدن
<b>seed</b> <i>n-v</i>	سید	ناوکه - توّم دولی - توّم	بذر، دانه، تخم، تخم کاشتن
		تووّ - پیشه میوه	هسته یادانه درآوردن
<b>seek</b> <i>v</i>	سییک	لیکۆلین - سه ر و گوّش	جويا شدن، جستجو کردن
		ئاودای شوّنه لوائ، سه یر کردن	دنبال گشتن
<b>seem</b> <i>v</i>	سیمیم	نمانای - بهر چاو هاتن	نمودن، به نظر آمدن
		وه روجه می ئامه ی، وادیاره	گوی
<b>seep</b> <i>v</i>	سییب	ئارام تکه که رده ی - تکه کردن	آهسته چکه کردن، تراویدن
		ده لّئای (ده لّاندن) شربون	نشت کردن
<b>seesaw</b> <i>n</i>	سی دی شو	هه له ق و مه له ق - له بان	الاکلنگ، نوسان کردن
		دار سه ر و خوار چوون، هاتو چو کردن	
<b>seize</b> <i>v</i>	سیز	رفانای - رّفاندن، گرتن	ربودن، قاپیدن، چنگ زدن
		چه نه ئه سه ی لیّ سه ندن	دستگیر کردن
<b>seldom</b> <i>adv</i>	سیلیم	زۆر که م بفره که م جاروبار	به ندرت - گهگاه، کمتر
<b>select</b> <i>v</i>	سیلکت	هوّر و چینه ی - هه لّیژاردن	انتخاب کردن، برگزیدن
<b>selection</b> <i>n</i>	سیلکشین	هه لّیژ پرا و - چنیا، لاوس	برگزیده، منتخب، سوا
<b>self</b> <i>n</i>	سیلف	ویم - خوّم - وى - خو	خود، خویش، به خود، ضمیر
<b>selfish</b> <i>adj</i>	سیلفیش	فیزن - قوت - جه وى	خودپسند، خودخواه، مغرور
		رازى - خو هه لّ کیش	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خودخواهانه، خودپسندانه	به فیزه وه بیه ته که بره وه	سلفیشلی	<b>selfishly</b> <i>adv</i>
خودخواهی، خودپسندی	فیز زلی - قوتی	سلفیش نِس	<b>selfishness</b> <i>n</i>
	جه وی رازی		
فروختن، بفروش رساندن	فروتن حوره ته ی، فروش چون بیل	بیل	<b>sell</b> <i>v</i>
فروشنده	فروشهر - چیووره ش	بیلر	<b>seller</b> <i>n</i>
نیم دایره، منحنی	نیو دایره - نیمه خه ره	بیمی بیرکل	<b>semicircle</b> <i>n</i>
	نیو یازنه، که مان یاو		
سمیکولن (!)، نقطه ویرگول	ناوی ته م نیشانه (؛) نوخته	بیمی کتولن	<b>semicolon</b> <i>n</i>
مجلس سنا، مجلس اعیان	مه جلس - مه جلسو	بیمیت	<b>senate</b> <i>n</i>
	به رگوزیده کان - جه مخانه		
	و نماینده کان		
سناتور (عضو مجلس سنا)	ئه ندای مه جلسی	بیستر	<b>senator</b> <i>n</i>
	هه لیز پراوان - گرو		
	و مه جلسی (کور)		
ارسال داشتن، فرستادن	کیانای - هه ناردن	ببند	<b>send</b> <i>v</i>
موجب شدن	کیاسته ی، ناردن، بایس بون		
ارشد، بزرگتر - مهم	خویندکار گه وره تر سه ره تر	ببین پر	<b>senior</b> <i>adj</i>
بالادست، سال آخری	خویندکاری سالی ناخری ده رس		
جس، خرد - معنی، منظور	فام بفهم - جس - ته قل	ببین س	<b>sense</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
حس، احساس - شور	نیشات - ده رک و فام	ببین بی شین	<b>sensation</b> <i>v</i>
هیجان	حسی شعور		

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دارای عقل سلیم، آگاه	ماقوول - زانا، وریا	بین س بل	<b>sensible</b> <i>adj</i>
معقول	هوشیار - نه قَل دار		
حساس، بزودرنج، تحریک پذیر	دَل ناسک که م تاقه ت، زو جوش بین سی تیو		<b>sensitive</b> <i>adj</i>
حس / درک کردن	پی زانین - په نه زانای	بین س	<b>sense</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
	په ی به رده ی		
جمله، حکم، برای	جمله - ره ست، قتا	بین تنس	<b>sentence</b> <i>n</i>
مجزا، جداگانه، جدا کردن	جیا وه که رده ی - جگن کردن	سپ ریت	<b>separate</b> <i>v</i>
جدایی، دوری، مجزا	جیا وه که ری - جگن، جیا	سپ ریشن	<b>separation</b> <i>n</i>
	که ری - دور له به ک - جیاواز		
سپتامبر ماه نهم میلادی	مانگی نو یه له سالی میلادی	سپ تمپر	<b>september</b> <i>n</i>
گروهبان یکم	گروویان ده ره جه داری	سارچنت	<b>sergeant</b> <i>n</i>
	نیزامی - سه رگرو، سه ریه ل		
سریال، داستان دنباله دار	له دوا یه ک - قه تار	سیریل	<b>serial</b> <i>n</i>
پشت سرهم، مسلسل، مکرر	په شته ویوی - رازی در پژه		
سری، دوره، سلسله، رشته	رشته - چین چین	سیریز	<b>series</b> <i>n</i>
ردیف	دهوره دهه سته، زه نه جیره		
جدی، موثر، مهم، خطرناک	گه وره - موهم	سیریس	<b>serious</b> <i>adj</i>
	سوور - قورس ته به سه نگین		
به طور جدی، شدیداً	به سووری ته واو	سیریس لی	<b>seriously</b> <i>adv</i>
جدا	به ره قی و سین سه ختی		
وعظ، موعظه، نطق، خطابه	مو چیا ری - نه سیحه ت، نوتق بیرمن		<b>sermon</b> <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خدمت کردن - (غذا) سرو کردن	خدمت کردن - خزمهت که ده ی	بِیرو	serve <i>v</i>
نوکر، خدمتکار	دایانه - ههروه نه	بِیرونت	servant <i>n</i>
	خزمهت کاروه رده س		
خدمت کار، سرویس، مراسم	خزمهت - کۆمهک هاوکاری	بِیرویس	service <i>n</i>
خدمات (در ادارات)	خزمهت کاری	بِیرویس یونیت	services unit <i>npl</i>
جلسه، نشست، اجلاس	جهم خانه - کۆ	بِیشین	session <i>n</i>
چرگه	بوونه وه - کۆر، جه رگه		
سرویس و دست و سیله برقی	ده سه زرف - ده زگا	بِیت	set <sup>1</sup> <i>n</i>
	جمله به جموعه، حالهت		
قرار دادن، گذاشتن - ایجاد	دانیان - ئه ره نیای پروین	بِیت	set <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن، شروع کردن، وادار	حازر کردن وهش که ده ی - کار نیای		
کردن / ساختن - کار گذاشتن،	تاقی یو کردن - میزان کردنی سه عات		
کار دادن، امتحان به عمل آوردن	پو جیار پرای - خوش کردن - که رگ		
غروب کردن، رفتن، عازم شدن	نیای - ئاماده کردن - خو رپه رین		
مهیا کردن، آماده کردن			
مستقر شدن - آرام کردن	ئارام کردن - ئه ره مه رزیای	بِیتل	settle <i>v</i>
نشستن - وایز کردن	نشته جی بوون پیاگه بین		
توافق - نشست بر سیدیگی	قه بوول - ئه ره نشته	بِیتل جنت	settlement <i>n</i>
مُستعمره - وایز	دانیشته - دانیشتن بو باس		
ساکن، مقیم، مهاجر	نیشته جی - دانیشتنو	بِیتلر	settler <i>n</i>
	یاگه گیر		

h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how    man    no    sing    leg    red    yes    wet

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
setting <i>n</i>	بستینگ	جێ ی ڕوداو - یاگه مرخوان	زمینه، صحنه، جای نگین
seven <i>n, adj</i>	سیون	ژماره‌ی حه‌وت - شماره	عدد ۷
		و حه‌فتی	
seventh <i>n, adj</i>	بیونس (ت)	حه‌وته‌م - حه‌فتۆم	هفتم، هفتمین، هفتمی
seventeen <i>n, adj</i>	سیون تین	حه‌فده	عدد ۱۷
seventeenth <i>n, adj</i>	سیون تین س (ت)	حه‌فده هۆم - حه‌فده یه‌م	هفدهم، هفدهمین
seventy <i>n, adj</i>	سیون تی	حه‌فتا	عدد ۷۰
seventieth <i>n, adj</i>	بیونس تیس (تیت)	حه‌فتایه‌م - حه‌فتاهۆم	هفتادمین (70th)
several <i>adj-n</i>	بیورل	چه‌ند - چندده، جگجی، جیا	چند، چندین، جدا، چندتا
severe <i>adj</i>	سیویر	سه‌خت گر - توند و سه‌خت	سخت، شدید، عبوس، ساده
secretariat <i>n</i>	سکرتریت	ده‌بیرخانه - نامه‌خانه	دبیرخانه (اداره)
severely <i>adv</i>	سیویرلی	به‌سه‌ختی - به‌توندی	شدیداً، به‌سختی، دشوار
sew <i>v</i>	ستو (سو)	دروین - وراسه‌ی	دوختن، دوخت و دوز کردن
		جامه‌دۆزان، دوران	بخیه کردن
sewing <i>n</i>	سوینگ	خیاتی - دۆزای - دروین	خیاطی، دوخت و دوزندگی
sewing machine	سوینگ ماشین	چه‌رخو خیاتی - چه‌رخ‌ی دوران	چه‌رخ خیاطی
sewage <i>n</i>	سوچ	فاز لاو - گه‌ناو	فاضلاب - گنداب
sex <i>n</i>	سێکس	مه‌سه‌له‌ی جنسی - جنسی	جنس - رابطه جنسی - جنسیت
		نیرومئ - چه‌زه‌به‌ی جنسی و ده‌زگا	اندام جنس - نژدگی
shabby <i>adj</i>	شبی	کۆنه - پوترکیا - شر بی شه‌ره‌فی، په‌ست	گهنه، پوسیده، فئدرس پاره‌پوره - رنگ‌روورفته

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سایه - رنگ، کوکزه	سیوهر - سیبهر - سه سیر	شید	shade <sup>1</sup> n
حصیرینجر، مخاب	پیرانه چراسه هه ندوکه مه ران		
سایه دار، سایه افکن	سیوهر دار - سیبهر دار	شیدی	shady adj
مشکوک	سه هه تدار		
سایه کردن، سایه دار کردن	سیوهر و که رده ی	شید	shade <sup>2</sup> v
پوشاندن	سیبهر کردن، داپوشان		
سایه، اندوه، غم	سیوهر - لیلی - ره شی	شدو (شیدو)	shadow n
کم	و سیاوی، زور کم		
میله باریک - هواکش - تیر	میله - دار - ته موه دار	شافت	shaft n
ساقه - محور - سوراخ چاه	کۆله که لولو له سۆبه سی پا		
لرزاندن، جنباندن، تکان دادن	ئه وه شه کنای شه له	شیک	shake v
لوزه - دست دادن به کسی	قنای له قانندن - جواندن		
کلمه ای به جای Will	وشه ی یان که لیمه ی	شل	shall v aux
	به باتی ویل Will		
کم آب، کم عمق، کم ژرفا	که کم ئاو - که م قوول	شلو (شلیو)	shallow adj
	قوول نه بوو، قوول (جول) نه بی		
(احساس) شرم، خجالت	شهرم و حه یا	شیم	shame n-v
کتفا کردن، تنگ بالا آوردن	خه جاله ت نه نگ و عار		
شامپو	شامپو، معاده ی شور دنی موو	شمپوو	shampoo <sup>1</sup> n
شامپو زدن	شامپو دای (دان)	شمپوو	shampoo <sup>2</sup> v
	shan't see shall		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شکل، ریخت، قواره، حالت	شیۆه شەکل بەژن، حال	شیپ	shape <sup>1</sup> n
شکل خاصی دادن، شکل گرفتن	بە شەکلێ دەرهاوردن	شیپ	shape <sup>2</sup> v
ساختن	وەش کەر دە ی شەکل دان		
تقسیم کردن، بخش کردن	بەش کردن - بەش بەر دە ی	شیر	share <sup>1</sup> v
شریک بودن	(کەر دە ی)، یاریبە ی		
سهم، حصه، بخش، قسمت	بەش - پەنە در یای	شیر	share <sup>2</sup> n
	ماف و قسمەت		
کوسه (ماهی)	کۆسە ماسی ماساویۆه	شارک	shark n
	لاگیرە و درە		
تیز - تند، تیزبین	تن و تیز - تیژ - وریا	شاب	sharp adj
بُزَن - حقیقاً، فرز	هۆشیار، گال و تیژ		
به تند ی، باهوشمندی	بەزیرەکی - بەوریایی	شارپلی	sharply adv
	بەتوند و تیژی (برای برام)		
تیز کردن / شدن	تیژ و کەر دە ی - تیژ	شارپن	sharpen v
شدید کردن	کردن - تیژبە ی		
خورد کردن / شدن	ورد کەر دە ی (بیە ی)	شَتر	shatter v
متلاشی شدن، درهم کوبیدن	ورد کردن (بوون)		
تواشیدن (ریش)، اصلاح کردن	ریش تراشین - ریش تاشای	شیویشو	shave <sup>1</sup> v
اصلاح صورت، ریش تراشی	رو و تراشی - تاش رو و گرتن	شیویشو	shave <sup>2</sup> n
شال - شال کردن	شال - مشکێ ژەنان	شَل	shawl n
	پەرویا سوۆلی، شالی مل		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
او (مؤنث)وی	ئەو - ئادە (ژەنی) - وی	شی	she
چیدن-بریدن-ههز کردن	قرتنای - خوری چنن	شیر-شیر	shear <sup>v</sup>
قیچی-باغبانی-پشمزنی	گوشت بریهی-دارپاچین دویردک - دواردی	شیر	shear <sup>n</sup>
عادی	مه قهس		
الونک، طویله سر پوشیده	گه ور - همار - کادان	شید	shed <sup>1</sup> <sub>n</sub>
ریختن- انداختن، مور یختن	سه رشیه-هه لئس مته ی	شید	shed <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	پیس گرتن-خستن-کاروسه ی		
گوسفند(قوج - میش)	مه ر - مه یه - می	شیپ	sheep <sub>n</sub>
عمودی، راست، ناگاه کچرفتن	قنچ و قیت - راست	شیر-شیر	sheer <sup>adj-v</sup>
	راس-ناکابادان، ویراژدای		
ورق، ورقه، صفحه - ملقه	تواق تواق - وه ره قه	شییت	sheet <sub>n</sub>
لایه - سطح	ئاسن-هه لافه-پانی-توی..تو		
قفسه، رف، طاقچه	قه فسه دوکان - ره قه	شلف	shelf <sub>n</sub>
تخته سنگ - جزیره مرجانی	تاقچه، توه نه تاویر		
بدنه، پوست، صدف، لاک	توکل - پیس - نوکل	شیل	shell <sup>n-v</sup>
گولمه یوکه، سیوس گرفتن	گولمه سه ده فلش، فی شک		
پناهگاه، حفاظ، پناه	سه رپه نا - قه لخان	شیلتر	shelter <sup>1</sup> <sub>n</sub>
پناهندگی	جان په نایه رگل وه رگیر		
پناه دادن / بردن	په نادای (دان) - په نا	شیلتر	shelter <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	به رده ی (بردن)		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    :they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چوپان، شبان، شبانی کردن	شوانه-شوان، شوانی کردن	شِید	shepherd <sup>n-v</sup>
سهر-حفاظ-سپهرشدن	قه‌لخان - رهم گیر	شیلد	shield <sup>1</sup> <sup>n-v</sup>
حفظ کردن، سپهر کردن	گلۆدهر، بهرگر-به رگل دان		
جابه‌جا کردن، حرکت دادن	پاراستن - پاریزنا ی	شیلد	shield <sup>2</sup> <sup>v</sup>
چم خوردن	جی به جی کردن	شیفت	shift <sup>1</sup> <sup>v</sup>
نوبت کار - نوبت کاری	یاگه‌وارای - تل‌دای (دان)		
دگرگونی	نوگه کار - نوگه	شیفت	shift <sup>2</sup> <sup>n</sup>
تاییدن، برق زدن، درخشیدن	چاره‌سازی - کارزانی		
براق، درخشان، مبرجلا	دروشای (دروشیان)	شاین (شین)	shine <sup>v</sup>
آفتابی	پر شنگ دان - بریق‌ده‌ای		
کشتی، سفینه، ناو	بریق‌ده دار - دروشیا	شاینی (شینیی)	shiny <sup>adj</sup>
باکشتی حمل کردن	پر شنگ دار، ساووه رتاوی		
کشتیا - توایی	کشتی - ناوگه ر	شِیپ	ship <sup>n-v</sup>
کشتی رانی	ناوگیل، بار بردن به کشتی		
پیراهن مردانه، زیر پیراهن	کشتیه کان - که شتی	شِیپ‌ینگ	shipping <sup>n</sup>
لوزیدن، تکه تکه کردن	بارجا به نددی، که شتی گهردی		
لرز-مور مور - تکه هرچیز	گجی - کراس - کرواس	شِرت	shirt <sup>n</sup>
صدمة شوک الکتریکی - تکان‌روانی	شیوای - شیوان، ورد کردن	شیور	shiver <sup>v</sup>
	له‌رزای - له‌رزین - شیو بیه ی		
	له‌رز - شیو یا مور - چرکی، شیوال	شیور	shiver <sup>n</sup>
	شوکه - ته‌کانه - ده‌شهت، خه‌رمان		shock <sup>1</sup> <sup>n</sup>

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
shock <sup>2</sup> <i>v</i>	شاک	ته‌کان‌واره‌ی (خواردن)	هول کردن، تکان خوردن
shoe <i>n-v</i>	شوو	ترس‌پیدان - هورکورکی‌ای	شوکه کردن
shoelace <i>n</i>	شوولیس	که‌وش - پالای، نال کردن	کفش - نعل اسب، نعل کردن
shoe-maker <i>n</i>	شوومکیر	به‌نه‌که‌وش - به‌نه‌پالا	بندکفش
shoot <sup>1</sup> <i>v</i>	شووت	که‌وش‌دوز - پالاوراز	کفاش - پینه‌چی
shoot <sup>2</sup> <i>n</i>	شووت	گوله‌ته‌قنای (ته‌قاندن) - چرپنای	شلیک کردن - جهیدن،
		پرای - گۆ که‌رده‌ی - دره‌اتن	جوانه‌زدن - پریدن
		نمام - گۆ - گۆپستکه	نهای - جوانه - قلمه
		خه‌واو - نه‌مامی نو‌ره‌س	
		چرو	
shop <sup>1</sup> <i>n</i>	شاپ	دووکان - فروشگه	دکان، فروشگاه، مغازه
		جی‌ی فروش - یاگی‌رره‌ته‌ی - کرین	کارگاه
shopkeeper <i>n</i>	شاپ‌کیپر	دووکاندار - ساحیو	مغازه‌دار، دکاندار، کاسب
		دووکان	
shop <sup>2</sup> <i>v</i>	شاپ	کرین - سه‌ندن - نه‌سه‌ی	خوید کردن، خوریدن
shopping <i>n</i>	شاپینگ	چیو‌ته‌سه‌ی - چت‌کرین	خوید
shore <i>n</i>	شُر	قه‌راخه‌ده‌لیا - که‌تاره	ساحل - کرانه
		ده‌لیا و رو‌بار	
short <i>adj</i>	شُرَت	کۆل - کۆتا - کورت	کوتاه، مختصر، شورت
		شورت	اتصال‌ی برق
shortage <i>n</i>	شُر‌تیج	نه‌و‌یه‌ی - نه‌بوون - که‌می	کمبود، فقدان، کم‌سری

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کم شدن، کوتاه شدن	کۆلۆ که رده ی - قرتنای	شُرتن	shorten <sup>v</sup>
	کورت کردن		
شورت، شلوار کوتاه	تونکی - تونکه - شور تی	شُرَتس	short <sup>n</sup>
	شورت		shot <sup>1</sup> see shoot
صدای گلوله - تیر - ساچمه	ده نگو گولە ی - گولە - تە قە	شات	shot <sup>2</sup> <sup>n</sup>
جُرعه، تزریق، غرسوده	ساچمیی، گولمه ناوشر		
باید، بهتر است، خواهم	مه شیو - ئەبی - ئەوی	شُد	should <sup>v</sup>
	مه وو، ده با		
شانه، دوش، کت، حاشیه جاده	شانه ومل شان، تە قە بل	شُلیر	shoulder <sup>n</sup>
فریاد کردن / زدن	هاوار که رده ی - قیراندن	(شَوَت/شات)	shout <sup>1</sup> <sup>v</sup>
فریاد، داد، جاز، بانگ	هاوار - قیران - قَال - زیران	(شَوَت/شات)	shout <sup>2</sup> <sup>n</sup>
بیلچه، خاک انداز، پارو	بیل - خا که ناز، پاروو	شاول	shovel <sup>1</sup> <sup>n</sup>
	خره باله - ییله		
پارو کردن، بیلچه زدن	پارو کیشای (کیشان)	شاول	shovel <sup>2</sup> <sup>v</sup>
	به بیل پاکو که رده ی		
نشان دادن - تعریف کردن	نیشان دان (دای)	شو(شئو)	show <sup>1</sup> <sup>v</sup>
نمودار شدن	وه رچه م و سه ی فاش کردن		
نمایشگاه - شو (کنسرت، ...)	نیشان - نیشان گه، نمایش	شو(شئو)	show <sup>2</sup> <sup>n</sup>
پُر - تظاهر - ادا	ته ما شا گه - فیز		
ویژه، تکه بزنده کردن	شر - پرو لنگ - دراو	شرِد	shred <sup>n</sup>
ویژرین کردن	دریا، ورد، هه نجنین - تولا ش		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زیبک، زړنگ، ناقلانژند	زړنگ - ژیر به هوش، زۆل	شرود	shrewd <i>adj</i>
جیغ زدن / کشیدن	قیرنای - شریخانندن	شریک	shriek <sup>1</sup> <i>v</i>
	شریخانی، قیرانندن		
جیغ، داد، فریاد	قیر - شریخه - شریخنا	شریک	shriek <sup>2</sup> <i>n</i>
	قیوه، زریکه		
جیغ، صدای گوش خراش و تیز	شریخه - قیچه، زریکه	شریل	shrill <i>adj</i>
زیارتگاه، حرم، معبد، مرقده	یاگه تواف - جی تواف	شرین	shrine <i>n</i>
	دهیر - که نیسا، مهرقه		
کوتاه کردن / شدن پارچه	چرچویه - ئاو لوی	شرینک	shrink <i>v</i>
عقب کشیدن	بچووک بوون - کورتو بوون		
بوته، درختچه، بته	متکه - بنجه - ههژگ	شراب	shrub <i>n</i>
شانه بالا انداختن	شان هه لڅستن - شانه	شرای	shrug <i>v</i>
بی اعتنائی کردن	هور ئاسه ی، گوی نه دان		
لرزیدن - منجمد شدن	لهرزین - لهرزای	شادر	shudder <i>v</i>
چندش گرفتن	بیزار بیه ی (بوون)		
لرز، تنفر، چندش	لهرز بیزار برق، قه لژ	شادر	shudder <i>n</i>
بستن، تعطیل کردن	بهستن - داخستن، ری برین	شات	shut <i>v</i>
کیپ کردن	بینای - به سه ی		
پرده، پشت دری، کرکوه	پرده ی پشتی ده ر	شاتر	shutter <i>n</i>
	پرده (پشت ده لاقه و په نجه ره)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کمر، خجول، ترسو	شەرمین - که م پروو، حیا دار	شی (شای)	shy adj
ملاحظه کار، خجالتی	تەرس دار بێ که م پروویی		
خجولانه	بە شەرم بێ شەرمە ساری	شای لی	shyly adv
دارای تهوع - بیمار	ناوەش - نەخۆش	سیک	sick adj
زده دل - از لار دهمسیر بیزار	نەوێش، هۆق - ئازاردەر		
بیماری، مریضی، تهوع	ناوەشی - نەخۆشی	سیک نیس	sickness n
	نەوێشی، بیزار		
سمت، جهت، پهلو، فرعی	پالارە - پاسەرە پرووێ	ساید (سید)	side n
جانب - فرعی - نزد	بەرە بێار - لا - کێ - پال		
یک طرفه، یکپوری، از یک طرف	بە یەک لارە بێ یەک بارا	سایدوی س	sideways adv
آه کشیدن، حسرت خوردن	هەناسە هۆر کێشای	سی (سای)	sigh <sup>1</sup> v
	ئاخ هەلکێشان، داخ و تن		
احسرت، تحریغ	ئاھی سەر دهمە ناسە ی	سی (سای)	sigh <sup>2</sup> n
	کال - ئاخ، ئوی، داخه یگران		
بینایی - منظره، صحنه	بینایی دیدە - دیمەن	سیت (سایت)	sight n
رؤیت، نشانه یاب	روو داخینان، قەرەوڵ لە چەک		
علامت، اثر - نشان	نیشان - یاگی - جی، اشاره	ساین (سین)	sign <sup>1</sup> n
تابلو - رتبه - اشاره	عەلامەت، تابلۆ - شوێنە		
تابلو علامه جاده و راهنمایی	تابلۆ - نیشان و تابلۆی جاده	ساین پست	signpost n
امضاء کردن	ئیمزا کردن - ئیمزا	ساین (سین)	sign <sup>2</sup> v

که رده ی

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
امضاء	ئیمزا - شه قَل	سیگنچر	signature <i>n</i>
علامت، نشانه، اشاره	نیشان - پێخام - عه لامه ت	سیگنال	signal <i>n</i>
بااهمیت - معنی دار	پیرمانا و مه عنامو هیم	سی گنی فی کنت	significant <i>adj</i>
پُر معنی	و به که لک و گرن گ		
معنی و مفهوم بااهمیت	مه عنا - مه نزو و ر	سی گنی فی کنتس	significance <i>n</i>
	که لک، مانا، گرن گ		
سکوت، خاموشی، ساکت کردن	خامو ش - بی ده نگی	سای لنتس	silence <i>n-v</i>
	تارامی، خامو ش کردن		
ساکت، خاموش - بی حرف	که م قسه - خامو ش	سای لنت	silent <i>adj</i>
	بی ده نگ، کش و مات		
به آرامی - باسکوت	به نه هو و ن و تارامی	سای لنتالی	silently <i>adj</i>
	به بی ده نگی		
ابریشم، نخ، ابریشم	هه و ریشم - نه یه ی هه و ر	سیلک	silk <i>n</i>
پارچه ابریشم	یشمیه ده زگه ئاو ریشم		
کم ابریشم	کرمی هه و ریشم	سیلک و م	silkworm <i>n</i>
	کرمه و هه و ریشمی		
کودن، اهمق - بی شعور	بی نه قَل - نه قام - گه و ج	سیلی	stupid <i>adj</i>
	گیل - گنج - مینگو ل		
لقره، سیم - رنگ نقره ای	زیو - نو قره، نو قره رنگ	سیلور	silver <i>n</i>
نسیبه، مانند - یک جور	وه ک - پسه و - یه ک جو ر	سیمیلر	similar <i>adj</i>

عه ینه هو و - ماچی

h m u ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
همانندی، تشابه، شباهت	شکڵ دای - شکڵ دان	سیمیلر تی	similarity <i>n</i>
	هه‌روه‌که یه‌که - یو ییه‌ی		
آسان، ساده، ساده لوح، افتاده	ره‌حه‌ته‌سه‌سه‌سووک	سیمپل	simple <i>adj</i>
به‌سادگی، باخلاق، سادگی	به‌ره‌حه‌ته‌یه‌سه‌سووکی وریکی	سیمپلی	simply <i>adv</i>
ساده / آسان کردن	ئاسان کردن - سه‌سووک ته‌ر	سیمپلی فای (فی)	simplify <i>v</i>
	که‌رده‌ی - کورتۆ کردن		
گناه، معصیت، خطا	گوناهه‌گوناه‌لاری و خه‌تا	سین	sin <i>n</i>
از زمانی که، از آن زمان	چاوه‌ختۆ تائیه‌سه - له‌و	سین س	since
چندی است که	وه‌خته‌تائیه‌ستاه‌جه‌وه‌ختیۆ، ده‌میکه		
درستکار، وفادار، بی‌ریا	وه‌فاداره‌سه‌سل، باوه‌فا	سین سمیر	sincere <i>adj</i>
	بنه‌ره‌ت ری‌ک - ساق		
مخلصانه، صمیمانه	به‌خالسانه - به‌ریکی و	سین سمیرلی	sincerely <i>adv</i>
صافخانه	ساقی به‌دروسکار به‌وه		
آواز خواندن، خواندن ترانه	گۆرانی واته‌ی - گۆرانی	سینگ، سینج	sing <i>v</i> (بودادن <i>singe</i> )
صدای، سماع، آهنگ	وتنه‌یه‌ی - خویندن - گیزه‌هاتن		
خواننده، آوازخوان، نغمه‌سر	گۆرانی واچ - گۆرانی	سینگر	singer <i>n</i>
پرنده، آوازخوان	بیژ - خوینه‌ر - وه‌نه‌ر		
تک، یکتا، تنها، مجرد	یو - یه‌کی - ته‌نیاه‌ازه‌و	سین گیل	single <i>adj</i>
عزب - سوا کردن	سه‌لت - سه‌لت - تاک		
مفرد (مقابل جمع) - یکتا	به‌س‌یه‌که - تاک - تاک و تاقانه	سین گیولر	singular <i>adj, n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سینک (سینی ظرفشویی)	زەرف شووری - یاگی	سینک	sink <sup>1</sup> n
دستشویی	شته و ده فران زەرف شووری		
پایین رفتن، فرو رفتن	خنیکای خنکان دلی	سینک	sink <sup>2</sup> v
غرق شدن - لم دادن	ئاوی نهواری لوائی له ئاو		
آفت کردن	خوار روین - نقم بیهی		
جرعه جرعه نوشیدن،	چه شکە کەردە ی - چه شین	سپ	slp <sup>1</sup> v
چشیدن، مزه مزه کردن	هۆرلۆشته ی - لۆشین، مەزە کردن		
جرعه جرعه، مزه مزه	چه شکە کەردە ی - چه شین	سپ	slp <sup>2</sup> n
	هەلۆش - گۆلم گۆلم مەزە و تام		
اقا - جناب - آقای عزیز	لە قەب بوگەورە و	سیر	slr n
	ئاغا		
اژیر - زنگ خطر، غریبا	دەنگی مەترسی و خەتەر	سایرن	siren n
	زوزو و خەوێردای		
	ژەنە ی جادووگەر - ژنی دلفر قین		
خواهر - نرس، پرستار - واهبه	والی - خویشک - باجی	سیستر	slster n
	خوشک - ژەنە و دە پروکە نیسە ی		
خواهر زن / شوهر، برادر زن	براژن - والی ژەنی	سیستراइन (لۆ)	sister-in-law n
	براژەنی - خوشکی شو		
	والی شووی		
نشستن - جلسه داشتن	دانیشتن - ئەره نیشتە ی، قەرار گرتن	سیت	sit v

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اتاق نشیمن	دیوی دانیشتن	سیتینگ رووم	sitting - room <i>n</i>
	ئوتاقه و ئه‌ره‌نشته‌ی		
محل، جا - مکان	جی - یاگی - سه‌کو	سایت (سیت)	site <i>n</i>
موقعیت - وضعیت، شرایط	حال یه‌زعه‌دوخ، کار	سیچوایشن	situation <i>n</i>
عدد ۶	شه‌ش شش - ژماره‌ی شه‌ش	سیکس	six <i>n,adj</i>
ششم، ششمین - $\frac{1}{6}$	شه‌شه‌م - ششوم	سیکس‌س (ت)	sixth <i>n,adj (6th)</i>
عدد ۱۶	ژماره‌ی شانزده	سیکس‌تین	sixteen <i>n,adj</i>
	شماره و شانزده‌ی		
شانزدهم، شانزدهمین - $\frac{1}{16}$	شانزده‌یه‌م - شانزه‌هوم	سیکس‌تین‌س (ت)	sixteenth <i>n,adj</i>
عدد ۶۰	ژماره‌ی شه‌ست	سیکس‌تی	sixty <i>n,adj</i>
	شماره و شه‌سی		
شصتمین - $\frac{1}{60}$	شه‌سته‌یه‌م - شه‌سوم	سیکس‌تی‌س (ت)	sixtieth <i>n,adj</i>
اندازه، ساین، آهار، چسپ	ئه‌ندازه - ئه‌ندازه‌فیت، چه‌سپ	ساینز	size <i>n</i>
روی یخ سرخوردن	خزه خزالی که‌رده‌ی	اسکییت	skate <sup>1</sup> <i>v</i>
کفش پاتیناژ	له‌بان یه‌خ سوور		
	خواردن - له‌سه‌ر یه‌خ		
	خزبان - خزالی و کرێله‌که‌رده‌ی		
کفش چرخ‌دار / تیغه‌دار	که‌وشی تایه‌ت بو‌خزبان	اسکییت	skate <sup>2</sup> <i>n</i>
	پالای خزه خزالی		
اسکلت، استخوان بندی	چوارچیوه‌ی له‌ش - داریه‌سو	اسکلین	skeleton <i>n</i>
کالبد - چارچوب	به‌ده‌نی - قاپوور - داریه‌ست		

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
طراحی سریع، شرح کوتاه	نه خَشه‌ی ساده‌به‌یانی	اسکیچ	sketch <sup>1</sup> n
خلاصه	کورت - پیلان		
طراحی کردن، کشیدن	کیشان - پیلان و گلاڵ	اسکیچ	sketch <sup>2</sup> v
کروکی کشیدن	ده‌رخستن - نه خَشه‌ی کیشان		
شرخوردن، لیز خوردن	خزین - خزای - خلیسکیان	اسکید	skid v
لغزیدن	سو و رواردی، کریله‌که‌رده‌ی		
اُستادی، خُبرگی - مهارت	ئوستادی - جه‌ده‌س ئامه‌ی	اسکیل	skill n
	کارزانی - شاره‌زایی		
ماهراڤه، استادانه، ماهر	به‌کارزانی‌به‌ئوستادی	اسکیل‌فل	skillful(y) adv-adj
مُجْزِب	شاره‌زایی - جه‌ده‌س ئامه‌ی		
پوست (حیوان، میوه،...)	پیس - پوس - پیست	اسکین	skin n
روکش - جدار	(میوه - حه‌یوان - دار)		
خیلی لاغر، لاغر - نحیف	لاواز - ره‌ق و ته‌ق	اسکینی	skinny adj
	بئ‌تین - له‌ر		
جست‌و‌خیژ کردن، لی‌لی کردن	(په‌رین) سه‌رووارپرای	اسکیپ	skip v-n
لی‌لی - طناب‌بازی	بازیردن - قونین، چوزان کردن		
دامن - دور زدن به اطراف	داوینه‌کراس - دامنه‌گجی	اسکیرت	skirt n
	کوله‌نجه‌گجی - کراسی‌کولی ژنان		
جمجمه، استخوان‌سر	بوّله - کاپوّله - کلله	اسکال	skull n
	کاسه و سه‌ره‌ی		
آسمان	ئاسمان	اسکای	sky n

f      v      θ      ð      s      z      f      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
آسمانخراش	یانه‌ی حەر فره به‌رز	اسکای‌سکری‌پر	skyscraper <i>n</i>
ساختمان خیلی بلند	مالی زۆربه‌رز - پِرقات		
تکه - تخته‌سنگ	تونه تاو پیره - به‌ردی	اسلَب	slab <i>n</i>
قطعه - پاره - قالب	پان - تیکه به‌رد و دارو... (ورده)		
شست، شل - گُند، تبیل	فش - شل - بی‌قوه	اسلَک	slack <i>adj-n</i>
کم‌کار	ته‌مه‌ل - ئو فتاده، بی‌قابل		
به هم کوبیدن، محکم بستن	به توندی دهر به‌ستن	اسلَم	slam <i>v</i>
	تند به‌ره بینای، کوتان		
زبان غیر ادبی، زبان عامیانه	زبانی غه‌یره کتیبی	اسلَنگ	slang <i>n</i>
	زوانی غه‌یره نه‌ده‌بی، خو‌مانی خو‌یمانه		
کج شدن، یکوری شدن	لارییه‌ی - لار کردن	اس لانت	slant <i>v</i>
شیب‌دار شدن	شه‌فتوول‌یه‌ی، لیژو سه‌ر کردن		
سیلی زدن، چک زدن	شه‌پلاخ شه‌نه‌ی زله‌لیدان	اس‌لَپ	slap <sup>1</sup> <i>v</i>
سیلی، چک - شوق	شه‌پلاخ زیلی زله‌زیله	اس‌لَپ	slap <sup>2</sup> <i>n</i>
ذبح، سلاخی، کشتار، خونریزی	سه‌ره‌رین گیانگیری، کوشتار	اسلَیتر	slaughter <sup>1</sup> <i>n</i>
کشتار کردن - سس‌بریدن	کوشتن - سه‌ره‌بریه‌ی	اس‌ل‌تر	slaughter <sup>2</sup> <i>v</i>
بنده، عبد، برده، غلام	غولام - نوکه‌ر مه‌یته‌ر گزیر	اس‌لیو	slave <i>n</i>
	له‌له‌ودایان، وه‌رده‌س		
برده‌گی، برده‌داری، بندگی	نوکه‌ری - غولامی جاشی	اس‌لیوری	slavery <i>n</i>
خرمالی	مه‌یته‌ری، بیگاری، گزیری		
خواب، لاا	وهرم - خه‌و - خاو، خه‌ف	اس‌لیپ	sleep <sup>1</sup> <i>n</i>

h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how    man    no    sing    leg    red    yes    wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خوابیدن، لالا کردن	خه وین - نوستن - ته ی، خه فتن	اسلپ	sleep <sup>2</sup> <i>v</i>
خواب، آلوده، جنب و جوش	وه ر مالاوسی - خه و	اسلی بی	sleepy <i>adj</i>
	داری - ئالوده خه و		
استین	قۆل - سهر قۆل	اسلیو	sleeve <i>n</i>
باریک، قلمی، اندک	بهله باریک - به رزه بالا	اسلیندر	slender <i>adj</i>
	ته نک و قه دشمال - که م		
برش، باریکه، تکه	قاژ - تواق - کووژ	اسلایس	slice <sup>1</sup> <i>n</i>
قاچ، سهام	تیکه، بهش		
باریکه کردن، تکه کردن	کوژ کوژ که رده ی - تیکه تیکه	اسلایس	slice <sup>2</sup> <i>v</i>
	کردن - قاژ که رده ی		
قاچ و بخش کردن	خزین - خزای - خلیسکان	اسلاید	slide <sup>1</sup> <i>v</i>
لیز خوردن، سر خوردن، افتادن	کرپله - سووژ - خزان	اسلاید	slide <sup>2</sup> <i>n</i>
سرسره - لغزش	خزالی		
اسلاید - شر	سووک و که م - کورت و	اسلایت	slight <i>adj</i>
سبک، خفیف، مختصر	موخته سه ر - که م تین - نزار		
ریزه، نحیف، کم محلی	که می - جه م و جوژی	اسلایتلی	slightly <i>adv</i>
کمی، مختصری	پریک - نه خته ی - توژه ی		
تا اندازه ای	باریک و ناسک - له ر	اسلایم - اسلیم	slim <sup>1</sup> <i>adj</i>
لاغر، ظریف، کم باریک	ته رچک، درپژه بالا		
ناچیز	وی له رو که رده ی - له ش	اسلایم - اسلیم	slim <sup>2</sup> <i>v</i>
روژیم لاغری گرفتن	له ر کردن - خو سووک کردن		
لاغر شدن			

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	a:m	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بند حفاظ (دست، ...) = فلاخن	به رزه قانیه - قوچه قانی	اسلینگ	sling <sup>1</sup> n
بند - مهار - تسمه	به نه تفه نگ به ندی ده ست شکان		
انداختن، پرت کردن	تووردان فیره دان (دای)	اسلینگ	sling <sup>2</sup> v
	وسه ی - ئالو چنای، وه شانندن		
لغزیدن - یواشکی در رفتن	خزین و خزای وه ریه ی	اسلیپ	slip <sup>1</sup> v
جیم شدن - افتادن	ده رچوون - تراز یای		
خطا، اشتباه - سرشوه	خزا - وه ر - ده رجوو	اسلیپ	slip <sup>2</sup> n
لیز - تکه کاغذ قلمه	سه هوه - خزه خزانی، خه تا		
	ترازیاکریله، خزان، قه له مه دار		
دمپایی، کفش دمپایی	پالای سه ریایی	اسلیپر	slipper n
	که وش ی به ره بێ		
لیز، لغزنده، لیزخیزیکار	خزناتارام زورخو ساف لیلیق	اسلیپری	slippery adj
درز، شکاف باریک	تره که - تریشکه مکنی بچووک	اسلیت	slit <sup>1</sup> n
شکافتن، چاک دادن	ئه شکاوا ی - درین	اسلیت	slit <sup>2</sup> v-n
بریدگی، شکاف	هه لدرین - هوردریه ی		
سرواشیمی، شیمب، سرازیری	لیژی سه ره سه ره و چیره	اسلئوپ	slope <sup>1</sup> n (سلاپ)
سریالایی	به ره و خوار که سه ره کویلیژ، سه ره و ژور که		
سرواشیمب شدن / بودن	لیژییه ی (بوون) سه ره و چیره	اسلئوپ	slope <sup>2</sup> v
سرازیر شدن	به ی سه ره و خوار که بوون		
سوراخ، درز، شکاف	وله - کون - تریشکه	اسلات	slot n

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>slow</b> <i>adj</i>	اسلۆ	ئارام بهیواش، دیرقام	آهسته، کند، عقب، یواش
<b>slowly</b> <i>adv</i>	اسلۆلی	به ئارامی - به سه بر و	به آهستگی، به کندی
		تا قهت - به کولی	
<b>slug</b> <i>n</i>	اسلاگی	ساجمی شنه یه تانۆ که، گۆنه	حلزون بدون صدف، گولوله
		که ف و ز - قه پۆ چکه - گوله تا پر	چهارپا و مساجمه، خه ریه
<b>sly</b> <i>adj</i>	سلای	زۆل خیل باز دلی دار جاش	مودی، کلک، زند
<b>slyly</b> <i>adv</i>	سلای لی	به زۆلی - به خیل بازی	مودیانله، خیله گورانه
<b>smack</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	اسمک	زیله وه شاندن - شه	سیلی زدن
		پلاخ شه نه ی، ملچه کردن	ماچ صدا دار کردن
<b>smack</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	اسمک	زیله زیلی، ماچ ملچه، تام	سیلی، ماچ، مزه، تکی
<b>small</b> <i>adj</i>	اسمئل	بچووک وردی ورد که م	کوچک، بریز، اندک، سناچیز
<b>smart</b> <i>adj-v</i>	اسمارت	جوان زه ریف، زرنک	زیبا، شیک، باهوش، زیل
		خو جوان مد ریک، ده ردگی شان	به خود پیچیدن - رنج بردن
<b>smash</b> <i>n</i>	اسمش	مه رده ی شکاندن، ورد کردن	خود کردن، شکستن
		پیش و ورد که رده ی	له کردن - انداختن به زمین
<b>smear</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	اسمیر	پیس که رده ی - پیس کردن	لکه دار کردن، آلودن
		چه په ل که رده ی، بوخت کردن	تهمت زدن
<b>smear</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	اسمیر	له که - پیس - چه په ل	آلودگی، روغنی، لکه، بر سواگری
<b>smell</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	اسمیل	بو دای (دان) - بو کردن	بو کردن - بو دادن
		(که رده ی) - بو ئامه ی	بو کشیدن
<b>smell</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	اسمیل	بو - عه تر - عه بیر - یۆن	بو، رایحه، بوایی

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لېښند ژدن، تېسم کردن	زه رده خه تده که رده ی (کردن)	اسمایل	smile <sup>1</sup> v
روخوش بودن	خوای - پیکه نین		
لېښند، تېسم	زه رده خه تده - خوای	اسمایل	smile <sup>2</sup> n
روی خوش	پیکه نی - خوه - بزه		
دود، بخار	دوو کهل - دوو	اسموک	smoke <sup>1</sup> n
دود کردن، سیگار کشیدن	دوو کهل کردن - دوو دای	اسموک	smoke <sup>2</sup> v
دود دادن	جگه ره کیشای		
هموار، نرم، مسطح، سلیس	ساف - کرکای کرک	اسمووز	smooth adj
زبان چرب و نرم	پانایی - نه رم و نیا، بی چین		
به نرمی، به آسانی	به ساف و به ک جور به	اسمووزلی	smoothly adj
	ئارامی و نه رمی		
خفه کردن، کاملاً پوشاندن	خنیکنای - خنکاندن، داپوشان	اسماژر	smother v
سوختن دوددار	سو تان بی شو له	اسمئولیر	smoulder v
سوختن بدون شعله	دو کهل که رده ی نه یری		
قاچاقی وارد کردن	قاچاخ ی نه ورده ی	اسماگل	smuggle n
قاچاق کردن	قاچاخ ی هاوردن		
قاچاقچی	قاچاخ چی	اسماگلر	smuggler n
حلزون - لیسک	لیقه - که ف وز شیتانوک	سنیل	snail n
مار - مثل مار رفتن	ماروه ک ماروین	سنیک	snake n-v
صدا کردن - گاز گرفتن	گازگرتن - ته پگرتنه ی، دژوین دان سن پ		snap <sup>1</sup> v
پاره شدن، تشریدن	ده نگه اتن له - دنوک وه شانندن		

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای شکستگی - عکس	ده‌نگی‌شان له‌چتی‌زرن‌گه	سَنَب	snap <sup>2</sup> <i>n</i>
پرخاش - تشر	و‌چیوه‌ی‌وینه‌و‌شیوه، ته‌شه‌ر		
خُورْد کردن، غوغا کردن، بُولیدن	پرخنای - پرخه کردن، مراندن	سَنارل	snarl <i>v</i>
قاییدن، چنگ زدن، ربودن	رفانای (رفاندن) - رینگولَی	سَنچ	snatch <i>v</i>
	که‌رده‌ی‌ده‌سو‌ئه‌سه‌ی		
مسخره / استهزاء کردن	گه‌مه‌یه‌نه‌که‌رده‌ی - په‌نه	سَنپِر‌سَنپِر	sneer <i>v</i>
پوزخند زدن	خوا‌ی - به‌یه‌کنی‌که‌نین		
عطسه زدن / کردن	پژمای - پژمین - سه‌ور	سَنپِیز	sneeze <sup>1-2</sup> <i>n</i>
عطسه - جخت	و‌ج‌خ‌ت‌ئه‌ورده‌ی		
(هوا،...) یا بینی بالا کشیدن	هوا هور لووشای	سَنیف	sniff <i>v</i>
فین‌فین کردن	هه‌لَم‌زین		
بالاکشی بینی، فین	هه‌لَم‌زی - هورلوشته‌ی	سَنیف	sniff <i>n</i>
استنشاق	هه‌ل‌کِش‌بو‌ه‌ه‌وا		
خروپف کردن، خرناس کشیدن	مرخنای - مرخه و ناله‌له	سَنُر	snore <i>v</i>
	خه‌و‌کردن - پرخه‌که‌رده‌ی		
خروخرو، خرناس، خروپف	مرخه - پرخه‌ده‌نگ‌و	سَنُر	snore <i>n</i>
	نال‌ه‌ی‌خه‌و - پیشه		
خروپف کردن، نفیر کشیدن	پیشه‌که‌رده‌ی - پرخه‌و	سَنُرت	snort <sup>vi</sup>
هوا‌ال‌زینی بیرون دادن مثل خر	پشه کردن - مرخاندن		
خرناس، خروپف، نفیر فین	پیشه - پرخه - مرخه	سَنُرت	snort <i>n</i>
برف	وه‌روه‌یه‌وره‌یه‌فر، وه‌رف	سَن‌ت‌و (سَن‌تِو)	snow <sup>1</sup> <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
برف باریدن، برف آمدن	به‌ور و به‌فر بارین	سنو	snow <sup>2</sup> v
	وه‌روه و ه‌شته‌ی		
به‌قدری، آنقدر چنان، همین‌چو	ده‌سه‌ده‌ی نی‌تره‌ه‌روه ک‌پاسه	سنو (بیو)	so adv-conj
آنچنان - نیز - حدوداً	ئارا - ئنده - پاسه		
ه‌راب‌نخیس کردن، نخیساندن	فیس‌نای - خو‌یساندن	سنوک	soak v
	ته‌ر کردن له‌ئاو		
صابون، صابون زدن	ساون - سابوون دان	سنوپ	soap n-v
پرواز کردن - ترقی فاحش	به‌رزه‌فرین - بالی ئه‌وه	سُر	soar v
کردن، اوچ گرفتن	گرت‌ه‌ی - فره‌بان و به		
	رزروین - به‌رزو‌یه‌ی		
گریستن، گریه کردن	گره‌وای - گریان - پر مه	ساب	sob v
نفس نفس زدن و گریستن	چه‌نه‌دای - پرماندن و گریان		
گریه، لابه‌زاری، هق‌هق	کول - گره‌وه - پر مه	ساب	sob n
	قه‌پولور - پارانه‌وه		
مست نکرده، هوشیار	وریا - هوشیار	سنوبر	sober adj
سر عقل آوردن	سه‌رووی - نه‌جیم		
فوتبال	توپ‌ی پی - توپ‌ه‌پا	ساکر	soccer n
اجتماع، جامعه - کلوب	جه‌مگا - کو‌بو‌ونه‌وه	سوساپتی	society n
انجمن	کو‌مه‌ل - خه‌لکی - کو‌ر		
اجتماعی - معاشرتی	کو‌مه‌لایه‌تی - کو‌مای	سوشل	social adj
	کو‌مه‌لی		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چوواب کوتاه، ضربه	گویره وهی کول - گو ره وی	ساک	sock <i>n</i>
مُشت	پووز کولئ - زه رب		
پریز، پریزمانند، چال	کونی چاو - کاسه وچه می	ساکیت	socket <i>n</i>
حفله - حفرة	سه ریچ - پریز - چال		
کاناپه، نیمکت، مبل	سه نده لی ره حه ت	سوفی	sofa <i>n</i>
	که تی ره حه تی		
نرم، ملایم، بکی، بغیرالکلی	نهرم وشل لوس له تیف	سافت	soft <i>adj</i>
لوشابه بغیرالکلی، شل	ساردی - نو شانه ی بی	سافت درینک	soft drink <i>n</i>
	ئه لکول، نهرم - شل		
نرم کردن / شدن، ملایم	نهرم که رده ی (کردن)	سافین	soften <i>v</i>
	شیرین کردن - پزگیای		
به آهستگی، به آرامی	به سه ورجه نارام وئه هوهن	سافتلی	softly <i>adv</i>
زمین، خاک	زه وی و ئه رز - خاک و	سویل (سایل)	soil <sup>1</sup> <i>n</i>
	خول - چلک وله که کردن		
کثیف کردن، خاکی شدن	پیس بون - خولی بیه ی	سایل	soil <sup>2</sup> <i>v</i>
شمسی، خورشیدی، آفتابی	هه تاوی - رو جیاری	سولار (ستولر)	solar <i>adj</i>
جوش دادن، لحیم کردن، لحیم	جوش دان، له حیم کردن	سادر	solder
سرباز - سربازی کردن	سه رواز، سه روازی کردن	سولجر	soldier <i>n</i>
ته کف (پای، کفش)	ژیره کهوش - تهخت و	ستول (بیول)	sole <i>n</i>
تنه ل نوعی ماهی، راه فرعی	ناو کهوش - بئه پالا	دِتور	(Detour)
	ژیر بی، ته نیا		

ʌ	ɜ:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
جدی، مصمم، صافخانه	قورس - سوورو ئاماده	سالیڤ	<b>solemn</b> <i>adj</i>
قانونی	مهیم، دوستانه		
به طور جدی - رسماً	به راستی و سووری	سالیڤی	<b>solemnly</b> <i>adv</i>
	به دروستی و قورسی		
جامد، منجمد، توپر - یکنگهست	په‌پولیدار - ره‌قو	سالیڤ	<b>solid</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
ناب	پته‌و - گرساو‌چیاگ		
جامد، سفت، سه‌بندی	گرساو پته‌و - ره‌قو	سالیڤ	<b>solid</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
مجرد، تنها، تک‌سفر	ته‌نیا - سه‌لت - گه‌رده	سالیتری	<b>solitary</b> <i>adj</i>
	و گوشه‌نشین		
تک، تکی، تنهایی	ته‌ک و ته‌نیا - یویی	ستولتو (سولولو)	<b>solo</b> <i>n, adj</i>
تک‌خوانی	ته‌نیایی - یه‌ک‌قوّل		
جواب، حل، راه‌حل، محلول	جواو - ری‌حل	سولوشین (سولوشن)	<b>solution</b> <i>n</i>
حل کردن، جواب پیدا کردن	حل کردن - جواو په‌نه‌دای	سالو	<b>solve</b> <i>v</i>
برخی (از) چند تا، بعضی	بازه‌ی - بازی - پره‌ی	سام	<b>some</b> <i>adj-pron</i>
	بریک، چه‌ند		
هرکس، هر فرد، کسی	که‌سیو - که‌سیک	سام بادی	<b>somebody</b> or <b>someone</b> <i>pron</i>
	کابرایو، پایوی حیسابی		
به طریقی، یک‌جوری، هر طور	به‌جوریو - به‌جوریک	سام‌هو	<b>somehow</b> <i>adv</i>
	به‌ده‌لیلیو		
معلق، پشتک، معلق‌زدن	هورو‌گیلا - هه‌لو	سام یشت	<b>someone</b> <sup>see</sup> <b>somebody</b> <i>pron</i>
	هورو‌گیلا - هه‌لو		<b>somersault</b> <i>n</i>

گه‌ریان - سه‌ملو قواتی

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چیزی، یک چیزی، چیز	چتیک - چیویو	ساممینگ	something <i>pron</i>
مدتی، وقتی، یک چنرۆزی	سهرده می - مده تیو	سام تایم	sometime <i>adv</i>
بعضی وقتها لگهگاه	یه کوه خته ی بره ی جار - بازی	سام تایم ز	sometimes <i>adv</i>
یک جانی جایی محلی	وه خت - جار به جار جی یه ک - یاگی وه شوینیک	سام وړ	somewhere <i>adv</i>
پسر جان - فرزند	رۆله گیان، کوره و کوڤه	سانی	sonny <i>n</i>
پسر، فرزند پسر	کور سه و رووی کورگه و ره	سان	son <i>n</i>
آواز، سرود، ترانه، تصنیف	گۆرانیه - سۆز - هۆره	سانگ	song <i>n</i>
زود، به زودی، همینکه، فوری	گۆرانی، دیلانی		
دوده (چراغ، بخاری، ...)	به م زووییه ی - پی زوویه، زوو	سوون	soon <i>adv</i>
	دوه رژنگ - ره شینه	سُت	soot <i>n</i>
	دوکه ل - ره شایی ناگر		
آرام کردن، ساکت کردن، دلجویی	ته سکین دان - ئارام که رده ی	سوز	soothe <i>v</i>
دردناک، جراث، غمزه	پریش - ئیش دار - خه مین	رُ	sore <sup>1</sup> <i>adj</i>
زخم، جراث، عصبانی	زام ریش هه ووکیم، توره	رُ	sore <sup>2</sup> <i>n</i>
	چم ئیشه - گلاراو		
اندوه، غم، غصه، غم خوردن	خه مین - غم و خه نه ت	زارنو	sorrow <i>n-v</i>
متأسف، بد	په شیمان - بیووری	ساری	sorry <i>adj</i>
	به خشینه - مات		

f      v      θ      ð      s      z      f      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
sort <sup>1</sup> <i>n</i>	زُرت	جۆر - نه‌وع	نوع، جور، گونه، قسم
sort <sup>2</sup> <i>v</i>	زُرت	جۆر کردن - ده‌سه‌که‌رده‌ی	دسته کردن، جور کردن
sought <i>see seek</i>	سیک	ده‌سته کردن، سه‌یر کردن	پی چیزی گشتن
soul <i>n</i>	سول (سئول)	گیان - رۆح و ره‌وان	روح، روان، جان
sound <sup>1</sup> <i>n</i>	سۆند	ده‌نگ - سدا - بانگ	آوا، صدا، صوت، تنگه
sound <sup>2</sup> <i>v</i>	سۆند	زانین و په‌ی به‌رده‌ی	دریافتن به صدا، در آمدن
sound <sup>3</sup> <i>adj</i>	سۆند	زرنای ده‌نگ به‌ر نه‌وردی ساق - ساغ - سه‌لامه‌ت	صدا کردن - ژرف یابی سالم، بقوی، محکم، معقول
soup <i>n</i>	سووپ	دروس - قوه‌ت، خه‌و قورس به‌ر چیشتی ناوداروهر	(خواب) عمیق سوپ (سبزی...)، آبگوشت
sour <i>adj</i>	سئورسئور	چاشتی ته‌ره - دۆخوا ترش، ترشیایی مه‌جاز	ترش، ترشیده، بدخلق
source <i>n</i>	سُرس	سه‌رچاوه - به‌نگه	سرچشمه، مبدأ، منبع
		به‌ره‌ت - به‌ناغه	منشاء
south <i>n, adj, adv</i>	سئوس (ساوس)	باشوور - له‌ی وارین	جنوب، جنوبی، بویه جنوب
southern <i>adj</i>	سازین سئیرن	لای خواری باشووری - وارینی	جنوبی، در جنوب، بویه جنوب
southwards <i>adv</i>	ساوس وِرد	جه‌لای واری، خواری پی به‌ره و باشوور - وروه	به طرف جنوب
souvenir <i>n</i>	سوو - ونیر	ولای واری، رویه خواری دیاری - سوقات	سوغات، یادگاری، به‌آورد

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شورای محلی شوراشوری	شه‌ره‌وی ژیره‌ومه‌ری، کۆبونه‌ره‌مه‌ویتی		<b>soviet</b> <i>n</i>
شاه، ملکه، پرتوغالی	شاه‌شازه‌نی، ژنه‌شا، بانتر	ماورین	<b>sovereign</b> <i>n</i>
بنزافشاندن، دانه کاشتن	تۆم شه‌نه‌ی هه‌شانندن	سۆ	<b>sow</b> <i>v</i>
تخم پاشیدن، خوک‌ماده	تۆم نیای - کیلان، ده‌ره		
فضا - جای خالی، کیهان	جیه‌گی خالی، هوایاگی	اس‌پیس	<b>space</b> <i>n</i>
گردن‌جا، فاصله‌بندی	خالیه - هه‌واو ناو		
	ئاسمان، چرخوگه‌ردون		
فضانورد، هواگرد	هه‌واگه‌رد - هه‌واپر	اس‌پیس‌مَن	<b>spaceman</b> <i>n</i>
	هه‌واپیو		
سفینه فضایی، فضاپیما	گه‌می - که‌شتی هه‌واپر	اس‌پیس‌شیپ	<b>spaceship</b> <i>n</i>
ماهواره، قمر	مانگی سوورده‌ره‌شیوه	اس‌پیس‌شُتل (شاتل)	<b>space shuttle</b> <i>n</i>
	مانگ - مانگ ئاسا		
بیل - بیل‌زدن	بیله‌بیل، بیل‌لیدان	اس‌پید	<b>spade</b> <i>n-v</i>
آچار و آچار دوسر فرائسه	ئاچه‌ری دوسه‌ر	اس (پنر)	<b>spanner</b> <i>n</i>
اضافی، یدکی، بزاپاس	زیادی - باتی - جی‌گر	اس‌پر	<b>spare</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
لاغر - مضایقه	یاگه‌گیر دیوله، بی‌چاودی		
بخشیدن، عفو کردن	به‌خشین - به‌خشای	اس‌پر	<b>spare</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
جرقه - اهگر - شراره	بزووسکی - پلوزکی	اس‌پارک	<b>spark</b> <i>n</i>
	پرشه‌پرشک - پرشنگ		
برق زدن، فرخشدن	دروشیای - درویشیان	اسپارکل	<b>sparkle</b> <i>v</i>
گاز داشتن (نوشابه)	بریقه‌دان، قول‌دان (ناو)		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گنجشک اهلی	میریچلی - چوله که	اسپارو	sparrow <i>n</i>
شاجره لفظی	مه لولوچ میچلی - ده م قره	اسپات	spat <i>see</i> split
صحبت کردن، سخن گفتن	قسه که رده ی (کردن)	اسپیک	speak <i>v</i>
حرف زدن	باس کردن		
سخنران، گوینده، بلندگو	قسه که ر - واچەر	اسپیکر	speaker <i>n</i>
	وته ر - باس که ر		
نیزه، زوین، نیزه زدن	نیزی - ره مه، سنجوق	اسپیر	spear <i>n</i>
مخصوص، ویژه، فردی	ته یوه تی - تاییه تی	اسپشل	special <i>adj</i>
متخصص، کارشناس	کارزان - شاره زا	اسپشالیست	specialist <i>n</i>
	چه نه ئامه - لی ها توو		
مخصوصاً، به ویژه	به تاییه ت - به ته یوه تی	اسپشالی	specially <i>adv</i>
متخصص شدن، تخصص	لی ها توو بوون - شاره زا	اسپشالایز	specialize <i>v</i>
	بییه ی - کارزان بوون		
نوع، گونه، قسم، جور	جور - نهوع - نوع	اسپشیز	species <i>n</i>
مشخص، معین، روشن	مه علووم - روون	اسپشیسیفیک	specific <i>adj</i>
	تاییه ت		
ویژه			
نمونه	نمونه	اسپسیمین	specimen <i>n</i>
لکه، ذره، خال، لکه، مک	خال - خاله - له که	اسپک	speck <i>n-v</i>
	توژی، له که خستن		
نقطه، لک، انداختن	عه ینه کی - عه ینه ک	اسپیکتکلیس	spectacle <i>n</i>
عینک، منظره، دور نما			
	چاو پوژ، دیمه ن		



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تماشاچی (شو...), تماشاگر	ته ماشا که ره واشاکه ر	اس پکت بتر	spectator <i>n</i>
سخن، نطق - سخنرانی	قسى - بوئژ - که لام	اس پیج	speech <i>n</i>
گفته، لہجہ - گویش	وتراوه - قسه کردن - زاراوه		
سرعت، شتاب، تندی	توندى - تندى و تیزى	اس پید	speed <i>n</i>
	تاو - تیژ		
به سرعت، با شتاب	به تیزی - به توندی	اس پیدیلی	speedily <i>adv</i>
	به تاو هاتن		
دیکته کردن - املا و هجی کردن	پیت پیت و تن - حەرف (گن)	اس پل	spell <i>v</i>
ورد و طلسم	جیا که رده ی - ئملا کردن		
هجی، دیکته، املا	ئملا - جیا - پیت و گو	اس پالینگ	spelling <i>n</i>
	جیا که ری - پیت جگن که ری		
خرج کردن - صرف کردن	خه رج و مه سرووف کردن	اس پند	spend <i>v</i>
تمام کردن - گذراندن	وه خت گوزەرنای		
گوی، گره، منطقه، حوزه	تۆپ ئاسا - بیل ئاسا	سفیر سفیر	sphere <i>n</i>
قلمرو، محدوده	وه که تۆپ - خرک		
	خرت، گرو لیه، مه تته قه		
کروی	تۆپی - خرت و خوڵ	سفیری کال	spherical <i>adj</i>
	قول ئاسا، گرو لئی بام		
ادویه و چاشنی	تامه چاشت - تامه	اس پایس	spice <i>n-v</i>
ادویه زدن	چیشته به هارات و ئالته باو		

u ɒ p b t d k g tʃ dʒ  
pure pen bed tea did cat got chin June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ادویه دار و تندگیرا	تام کریا-تام کراو (کریاگ)	اس پای سی	spicy <i>adj</i>
عنکبوت، بر تیل، غریب‌گاز	تام لیدرا و جبه هارا تده ر		
	که کله موشان بیه ن که ره	اسی پاییدر	spider <i>n</i>
	جال جالو که، په س په سه کوئی		
میخ نوک تیز و بلند	بزماره ی که وری-گه و ره	اس پایک	spike <i>n</i>
گل میخ	بزمار سیخ-زمه میخ هه ر		
استیاهی ریختن، ریختن	رژاندن - مته ی	اس پیل	spill <i>v</i>
ریخته شدن-انداختن	فره دای		
چرخیدن-تنبیدن-ریسیدن	ریسای-ته نه ی، سوردان	اس بین	spin <i>v</i>
چرخاندن	ته ون و جولایی کردن		
ستون فقرات، تیغ و خار	مورگی پشت-موری مازی	اس پاین	spine <i>n</i>
پیر دختر، دختر، نو شیده	کارگاهه بپر پره ی پشت، درگ		
	پیره کناچی - کچه پیره	اس بین ستر	spinster <i>n</i>
	کناچی جه یانه مه نه		
مارپیچ، حلزونی، فنر	شه یتانو کی-ئالا و لولولی	اس پایزل	spiral <i>n, adj, v</i>
حلقه، مارپیچ رفتن	په پکی-قه مچ دار، که وان باو		
روح و حیو عرق-جان	گیان روح و ره وان-جن	اس پیریت	spirit <i>n</i>
شوق، مشروب الکلی	زات-نوشانه ی نه لکولی		
تفا کردن/انداختن، سیخ	تف که رده ی-شه و تف کردن	اس پیست	spit <i>v-n</i>
باریکه و دماغه، سیخ زدن	سیخ گرتن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عداوت، دشمنی، لج‌غرض	تین و غەزە - چرو قینه، قەلژ	اس پایت	spite <sup>n-۱</sup>
غیث‌کردن	دوژمنی و نا کوکی - چر ئەوردە ی		
علیرغم، باوجود	سەرباتی گەردی هەرحە نەدە	این اس پایت‌آف	in spite of
	هەرحە نیچ		
شلپ شلپ، صدای شلپ، لکه	شلپ شلپ - دەلنا	اس پلش	splash <sup>1 n</sup>
	دەلاند - لپلپە دەنگ، شە پۆل باو		
شلپ شلپ کردن،	شلپ شلپ کردن - دلێ	اس پلش	splash <sup>2 v</sup>
عمل پاشیدن	ئاری دای شلپە کە رده ی		
عالی، باشکوه، چشمگیر	باش - بە فەقە و - گەورە	اس پلندید	splendid <sup>adj</sup>
	و بەرز - پەرچە لال		
براده، تراثه، خورده	ورده چو - پراده و	اس پلین تر	splinter <sup>n</sup>
باریکه پوشال	ئاسنی حورده ی چو یاکا یا فلز		
شکافتن - سهم‌بندی کردن	ئەشکاوا ی - هەل‌درین	اس پلیت	split <sup>1 v</sup>
قسمت کردن	ترەک بردن - لست کە رده ی بەش کردن		
پارگی، شکستگی، شکاف	ئەشکاوا - هەل‌دری - ترە کە	اس پلیت	split <sup>2 n</sup>
قسمت، جدا	لت - تلی شە - دریایی		
ضایع کردن / شدن، گندیدن	خراو یە ی - گەنای (گەنین)	اسپایل	spoil <sup>v</sup>
پوسیدن، غنیمت	خراو کردن - تالان کردن	(اسپویل)	
لوس، نثر، بی‌مزه	بی‌تام - بی‌مزه	اسپایلت	spoilt <sup>adj</sup>
	بی‌نەزاکەت	(اسپویلت)	spoke <sup>1 see speak</sup>

h      m      n      ŋ      l      r      J      w  
how   man   no   sing   leg   red   yes   wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پژه چرخ - پله نردبان	په‌ره و چه‌رخى - پله و سردى - په‌ره‌ى چه‌رخ	اسپوک	spoke <sup>2</sup> n
(جانور) اسفنج، ابرحمام	هه‌ورى نه‌رم - هه‌ورى	اسپانچ (اسپونج)	sponge n
قرقره، ماسوره	قرقره - چۆله‌نه‌یه تۆپه‌ده‌زگ	اسپول	spool n
قاشق	چه‌مچه - که‌وچک	اسپون	spoon n
(اندازه) یک قاشق	چه‌مچیه‌به‌قه‌دکه‌وچکى	اسپون فل	spoonful n
ورزش، بازی، تفریح	گه‌مه - کایه - وه‌رجس	اسپورت	sport n
لکه، خال - مکان، جا، محل	له‌که - خاله - خال	اسپات	spot n
موضوع - داغ	یاگى - شوین‌داخ		
لوله - دهانه (شیر، قوری، ...)	لوولئ - لوله‌ی قوری	اسپاوت	spout n
ناودان، فولادزن	پلورده‌ده‌مى شیرى‌ناو		
رگ‌به‌رگ شدن، رگ‌به‌رگ	پالاره‌نامه‌ی - پیچ	اسپرین	sprain v
پیچ خوردن یا	وارده‌ی - خول دای		
پاشیدن، افشاندن	(دان) - ره‌گ پلین پاشای (پاشین)	اسپری	spray <sup>1</sup> v
اسپری، افشانه، شاخه گل	شانای - وه‌شاندن شانا - پاشا - وه‌شان بشان بیلارکه‌ر - پزگده‌ر	اسپری	spray <sup>2</sup> n

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پوشاندن، پهن کردن، گستردن - باز کردن، سرایت کردن، قسمت کردن	نەره یایوی - داخستن پوژنای - پانو کردن بلاو کردن	اسپرد	spread <sup>v</sup>
چشمه - فنر، بهار - زهاب انگیزه	کانی ئاو - هانه و چه مه فەندەرە خەنەر - تەلی لول	اسپرینگ	spring <sup>1</sup> n
پریدن، جھیدن، خیزدن	بازبەردە ی - پرای پەڕین - قونین	اسپرینگ	spring <sup>2</sup> v
بهار، بهاری، کیش داری	وە هار - بهار - وەرز ی گولان، کیش داری	اسپرینگ	spring <sup>3</sup> n, adj
پاشیدن، نیم باریدن	پیا پاشین - پاشای پژگنای - پژاندن، نیم نمی باران	اسپرینکل	sprinkle <sup>v</sup>
جوانه زدن، روییدن	گوکەر دە ی - گو پیتکه کردن - ئەو و ژ یوای، شیکه - خه واو	اسپراوت	sprout <sup>v</sup>
جوانه، نوشاخه	جاسوز - شو فار	اسپای	spun <sup>see</sup> spin spy <sup>1</sup> n
جاسوسی کردن، متوجه شدن	زیره وان مەقەتش - جاش و خو فروش مەقەتشی کەردە ی - جاشی و	اسپای	spy <sup>2</sup> v
پاییدن	شو فاری کردن - قسی ئەوردە یو بەردە ی		
دعوا کردن، باهم درافتادن کلتجار رفتن	جەنگ و داوا کەردە ی شەر و هەرا کەردن، گژ یای	اسکوابل	squabble <sup>v</sup>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دعوا، مشاجره، کلتجار	هه راهه راهه نځه نځه، ئاژاوه	اسکوابل	squabble <i>n</i>
چهارگوش - میدان شهر،	میدان - مه میدان	اسکور	square <sup>1</sup> <i>adj</i>
میدان گولیا، عمود، صادق	چوار سووچ، قنچ و قیت	اسکور	square <sup>2</sup> <i>adj</i>
چهارگوش، توان دوم، برابر	چوار پهل - چوار سووچ	اسکواش	squash <sup>1</sup> <i>n</i>
آب میوه، افشیره، گدو	دو شاوی میوه - ئاوی	اسکواش	squash <sup>2</sup> <i>v</i>
له کردن، کوبیدن	میوه - شلیقیآ، کوله که شلیقاندن - هوړ	اسکواش	
جیر جیر کردن، باجیع گفتن	فلیقنای - تلیپا که رده ی تلیسنای - کوتان و ورد کردن	اسکوئیک	squeak <i>v</i>
جیک جیک کردن	زیر اندن (زیر پای) وه نای جیکه و جیره که رده ی	اسکوئیک	squeak <i>n</i>
جیر جیر جیک جیک	جیره - جیکه - زیره شریخه - قیژه، قیچه	اسکوئیل	squeal <i>v</i>
زوزه کشیدن	قیژاندن - زیریکه و قیژ نای نالئای - قیژ نای، قیواندن، لور نای	اسکوئیل	squeal <i>n</i>
جیغ زوزه، صدای تیز	قیژه - قیوه - زیریکه نالئه - قیژه، لوره	اسکوئیز	squeeze <i>v</i>
چلانیدن، فشردن، فشار دادن	گوشین - شواری - وشیردن	اسکوئرل	squirrel <i>n</i>
سنباب - سمور درختی	سمور - سمبوره سه قوری - وه زبور که ر		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زخمی کردن، زدن، چاقو زدن	چاقۆ شه نه ی زام دار کردن	استب	stab <sup>v</sup>
خنجر فرو کردن	خه نه ره ده کرن - پوره که رده ی		
اصطبل (اسبها)، طویله	گه ور - جیگه ته سپ و مالات	استیبل	stable <sup>1</sup> <sub>n</sub>
ثابت، محکم، پابرجا	پابه رجی - پابه رجاقورس	استیبل	stable <sup>2</sup> <sub>adj</sub>
	له سه ر باوهر - پته و		
انبوه، انباشته، توده	کۆمه ل - کۆپه - ملۆ	استک	stack <sup>1</sup> <sub>n</sub>
کومه، خرم، دودکش	کۆما - ته پ و خه رمان		
انباشتن، توده کردن	کۆما و ته پ کردن - کۆپه	استک	stack <sup>2</sup> <sub>v</sub>
روی هم چین	و خه رمان که رده ی - ته پ که رده ی		
استادیوم، میدان ورزشی	میدانووه رزشی - مه یدانی	استیدیوم	stadium <sub>n</sub>
	کایه ووه رزش - یاگه گه مه		
کارکنان، کارمندان، اعضا	کاربه ده س - کاربه ریو به ر	استاف	staff <sub>n</sub>
چوب دستی، گرز و چماق	کاربه ده سی - گۆچانه		
پرسنل	ده سه ک - گورز		
مرحله، دوره، درجه - صحنه	قوناغ - ده وره	استیج	stage <sub>n-v</sub>
سن، نمایش دادن	جی نمایش، تئاتر		
تولتو خوردن، شل	لاره لار رانه لوای - ری	استیچر	stagger <sub>v</sub>
مست راه رفتن	روین له کاتی مهستی و مه نگی دایله تر به رده ی		
کیف کردن، لک کردن	پیس کردن - له که دار که رده ی	استین	stain <sup>1</sup> <sub>v</sub>
لکه، لک - آبروریزی	له که - چلکی - پیس - ره نگی	استین	stain <sup>2</sup> <sub>n</sub>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پلکان، راه پله - پله	پله کانی - پلّی - پله کانه	اس تیرز	stair <i>n</i>
میخ طویل، تیرچه	بزی پیلکه		
میل	بزماری تایه ت بو به سستی	استیک	stake <i>n</i>
کهنه، بیات، بدمزه	مه نه - کو نه - کو ن	استیل	stale <i>adj</i>
ساقه، پاوریچین رفتن	پهیره و ترشیا		
جولان	تەموه دار - لاسک - قه دی دار	استک	stalk <i>n</i>
دکه، غرفه - لانه اسب	مابه نینی ریشک وله قی گیا - پاریز		
به تاخیر انداختن	لانه سه سپ - ئافر - ئافیه	استل	stall <i>n-v</i>
لکنت زبان داشتن، گیر زبان	یاگی قمه و ئالفی، ده که		
تمبر - استامپ، مهر	و مالاتی - نه و ره، دو اخستن		
قالب	به تری وزوان گیر یای قسه	استامپر	stammer <i>n</i>
مهر زدن - منگنه کردن	که رده ی - زوان گیر یان ولالی باو		
تمبر زدن	موره - مور - ته مره	استمپ	stamp <sup>1</sup> <i>n</i>
ایستادن - بودن، قرار داشتن	نه خش - چاپ		
قرار دادن	مور وه نه دای - مور	استمپ	stamp <sup>2</sup> <i>v</i>
سکو - جایگاه، صحنه	لیدان - پاوره زمینی کوی		
	ویسیان - مندرای	استند	stand <sup>1</sup> <i>v</i>
	ویسان - قه رار گه ی		
	ده که - دو کانه، جی	استند	stand <sup>2</sup> <i>n</i>
	سه کو و سافایی، دارسان		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
استاندارد - میزان - پرچم	عه یاری قانونی-میزان و	استندرد	<b>standard</b> <i>n, adj</i>
رایج، ستون، معتبر	نمونه‌ی قانونی-کیشان		<b>stand</b> <i>see stink</i>
ملاک	و پیوان-ئالا-ئالایه، باو		
ستاره - ستاره‌شکل	هه ساره - ئه ستیره	استار	<b>star</b> <i>n</i>
ادم‌برجسته، اختر	هیسّا، هونه‌زان		
خبره‌نگریستن، چشم‌دوختن	واق دیای - ماق پرای	استیر	<b>stare</b> <i>v</i>
چشم‌زهر رفتن	واق ته‌واشا کردن، تیر دیای		
	عود و به‌حت‌بیه‌ی		
آغاز کردن، شروع کردن	ده‌س‌په‌نه‌که‌رده‌ی، راپه‌رین	استارت	<b>start</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
از جا پریدن	ده‌س‌پیکردن، هورکورکیای		
شروع، آغاز، تکان‌هول	سه‌ره‌تا - ده‌س به‌کار	استارت	<b>start</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	ده‌س‌پیکه‌ری، ته‌کان		
متعجب ساختن / کردن	به‌پرئای - ته‌کان و	استارتل	<b>startle</b> <i>v</i>
از جا پراندن	ترس‌پیدان، داچله‌کان له‌خه‌و		
از گرسنگی مودن، گرسنگی	برسی‌کیشان - جه‌ئه‌ورای	استارو	<b>starve</b> <i>v</i>
کشیدن	مه‌رده‌ی، ژه‌مه‌ن‌بیه‌رده‌ی		
گرسنگی	ئه‌وراله‌می‌سک‌برسی	استاروی‌ئین	<b>starvation</b> <i>n</i>
بسیار گرسنه	زوربرسی‌یه‌تی‌غره‌ئه‌وراله‌می	استاروینگ	<b>starving</b> <i>adj</i>
اظهار کردن، بیان داشتن	وتن‌بیا‌س‌که‌رده‌ی‌واته‌ی	استیت	<b>state</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
اظهار، گفتار، بیانیه، وضع	واته - وتنه‌وه - بیا‌س		<b>statement</b> <i>n</i>
ایالت، کشور، استان	بوژی‌بو‌واج، ئوستان، نی‌شتمان	استیت‌بنت	

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
شرایط، وضعیت، حالت	حال وەزە - مەڵبەند	اس تیت	state <sup>2</sup> n
ایالت - کشور	وولەت - چۆنیەت - وەتەن		
رئیس دولت، سیاستمدار	سەرپرەس و دەولەتی	اس تیت مین	statesman n
	لە غار داری دەولەت - سیاسەتزان		
ایستگاه (راه آهن، اتوبوس)	نیزگا - جیی - ویسانی ماشین	اس تیشین	station n
جایگاه، مرکز، رادیو و تلویزیون	و قەتار - یاگی مندرای مەقەر		
ایستاده، متوقف، ثابت	ئەرە مندر - راوەستا	اس تیشیری	stationary adj
	ویسیاگ، نەجما		
لوازم التحریر، نوشت افزار	نامراز و حتی نووسان	اس تی شیری	stationery n
	ئەسیابو نویسە		
ایستادن، ماندن، اقامت کردن	مەنە - ی - ویسان - نشتە	اس تی	stay v
بی حرکت - منظم	هەمیشە - ی - بەر دەوام	اس تیدی	steady adj, adv
دانم - محکم	گورە - ی - گور - پایەرجاوپتەو		
به طور منظم، مداوماً	بە جووری بەر دەوام	اس تیلی	steadily adv
	یەک جوړ و هەمیشە		
استیک (تکه گوشت/کاو)	تیکە گوشت و کەواوی	استیک	steak n
تکه گوشت	گوشتی کەواو کردن		
دزدیدن، ربودن	دزیە - ی - دزین، تالان کردن	استیل	steal v
سرقت کردن	رفاندن - ئەرە مالای		
بخار، بخار آب	هەلەمی - هەلەم	استیم	steam <sup>1</sup> n
	دەمە - ی - هەناسە و گەرما		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ماشین بخارخور	ماشینی هیزگر لهه لمی	استیم بیلن جین	steam - engine <i>n</i>
کشتی بخار؛ ماشین بخار	داخ - ماشینی هه لمه قووت کشتی هه لم خور	استیم شیب	steamer <i>or</i> steam-ship <i>n</i>
بخار کردن - با بخار پختن	کشتی هه لمه قووت به هیزی هه لم کاری	استیم	steam <sup>2</sup> <i>v</i>
فولاد - آهن خالص	کردن - هه لم کردن به هه لمی گرینای	استیل	steel <i>n</i>
و سفت	پولا - ئاسنی ساق و په تی - چاقو تیزکر	استیب	steep <i>adj</i>
پرتگاه؛ شیب تند	لیژگا - سه ره و چیره	استیبلی	steeply <i>adv</i>
سربالا - خیساندن	شیو سه ره و ژیره سه ره و ژورکه به جووری لیژو خوار		
به طور سراسیمه	ته واو لیژکه و سهخت		
هدایت کردن - رهبری کردن	سهرپرسی کردن به ریوه	استیر	steer <i>v</i>
ساقه - تنه - دسته کوک ساعت	بردن رانه به رده ی - رابه ری کردن ته موه - قه دی گیا، بن	استیم	stem <i>n-v</i>
سنوبند آوردن	لاسک ده سه کوک، به رگرتن		
راه رفتن، قدم زدن	هه نگام هور گرتی	استیب	step <sup>1</sup> <i>v</i>
گام برداشتن - قدم بپله	هه نگاو هه لگرتن رالوای - ری روین		

ua p b t d k g tʃ dʒ  
pure pen bed tea did cat got chin June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
صدای پا - پله - مرحله، گام	ته قه و پای - هه نگاو	استپ	step <sup>2</sup> <i>n</i>
زُتبه - مرتبه	پلێ - جار هه نگامه، ده ره جه		
ناپدری، شوهر مادر	باوا پیاره زړیاوک (باب)	استپ فادیر	stepfather <i>n</i>
نامادری، زن پدر	باوا ژه نی - باوا ژن	استپ مادر	stepmother <i>n</i>
	زردایک (نانه جیمه)		
سختگیر، عیوس، غشن	وه رچهم ته نگ - مۆقن	استیزن	stern <i>adj</i>
پاشنه	ناو چاود یزخرو و ترش، پاژنه		
خورشت، تاس کباب	خورشت - خروشت	استیواسوو	stew <sup>1</sup> <i>n</i>
به آرامی بختن / جوشاندن	یو اش گرینای هیواش	استیو	stew <sup>2</sup> <i>v</i>
آب پز کردن	کولاندن و جوشاندن	استوو	
مهماندار (هواپیما...)	میوانداری فروکه	استیوورد	steward <i>n</i>
مُباشِر (مرد)	میماندارو ته یاره ی (پیا)	استوارد	
مهماندار زن، پیشکار	میوانداری ژن	استیووردیس	stewardess <i>n</i>
	میمانداره ی ژه نی	(لردیس)	
عصا، چوب باریک - توکه، قلم	گو چانه - گو چان، له ق و پوپ	استیک	stick <sup>1</sup> <i>n</i>
شمس، هیزم، شاخه	گالۆک وه کازه - چوی		
	کول - قه له م - شوش، تووله		
(با چسب) چسباندن - زدن	چه سپنای - چه سپاندن لکنای	استیک	stick <sup>2</sup> <i>v</i>
سوراخ کردن	لکاندن - پوره چه قنای - کون کردن		
چسبنده، چسبناک، چسب دار	ژلۆق - سریش ئاسا	استیکی	sticky <i>adj</i>
	چه سپ دار		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خشکه تا نشو - سخت	ره ق و سه خت - وشک و	استیف	<b>stiff</b> <i>adj</i>
غیرجاری، غلیظ	نه چه میا - نه چه ماو		
	دژ یا به ل، هه س و هو ل		
به سختی، به خشنی	به نه چه ماوی به سه ختی	استیفالی	<b>stiffly</b> <i>adv</i>
هنوز - حتی - با وجود این	هیما ر - هیچتا - جیا	استیل	<b>still</b> <sup>1</sup> <i>adv</i>
ولی باز	له وه بیج - بیجگه ئانه یچه		
آرام، ساکن، ملایم	ئارام و نه مین حی - ده نگ	استیل	<b>still</b> <sup>2</sup> <i>adj</i>
خاموش	و نه هوهن - کش و مات		
نیش زدن، نگزیدن	گه سی گه زین - چزه نه دای	استینگ	<b>sting</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
سوزش داشتن	به ئیش هاوردن، ئیش کردن		
نیش - زخم / درد نیش	چزه - زام - ئیشو چزی	استینگ	<b>sting</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
سوزش درد	موچرکی ئیشی، ئیش، سووی		
بوی گند / بد دادن	بووی پیسه وهر دای	استینک	<b>stink</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
	بووی ناجو ر بهردان		
بوی گند / بد تعفن	بووی پیسه بوونی سه رته زین	استینک	<b>stink</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
بوی زننده	بووی سه ره کاس که ره بو گهن		
باقائشق هم زدن، قاطع کردن	چه مچه، چه نه دای شله قنای اس تر		<b>stir</b> <i>v</i>
تکان خوردن	راوه شان دن له قان دن - تی که ل کردن		
کوک، بخیه، دوخت و گره	ته قه ل وراسه، کو لنج	استیج	<b>stitch</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
قولنج - کمر درد	دروین - کو که دو ز، که مه ر ژان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوختن، بخیه زدن	وراسه یـ دۆزانـ دوراندن	اس تیج	stitch <sup>2</sup> v
موجودی کالای مغازه، عادی	مایـ دهـ س مایهـ قو ته ره	اس تاک	stock <sup>1</sup> n
گدمه قنداق تفنگ، نواد	بیخـ قوناخه چه ک، ره گه زو نژاد		
موجودی برای فروش داشتن	مایه بو فروشتن - مایی	اس تاک	stock <sup>2</sup> v
	په ی وره ته ی		
جوراب زنانه	گویره وهـ گویره وی، گویروا	اس تاکینگ	stocking n
شکم، بطن - معده	ئه شقه مه - هورگ	استاک	stomach n
تحمل کردن - تاب آوردن	ورگ گه ده، تا قه ت هاوردن		
سنگ - هسته - جواهر	تۆنی - توه نی - به رد	استون	stone n
ریگ - دانه - سنگسار کردن	گه وه ر - ناوک، ریژی		
چهارپایه (بدون پشتی) مدفوع	چوارپایه - پیسی مه سته راو	استوول	stool n
خم شدن، دولا شدن	چه میان به سه ر سلا و کردن	استووب	stoop v-n
قوز - خمیدگی	سه ره نامنای - چه میای، دانوین		
به پایان رساندن، تمام کردن	ویسیان مندرای - ته مام	استاپ	stop <sup>1</sup> v
مانع شدن، متوقف ساختن، ایستادن	کردن - قه داخه که رده ی به رگرتن		
سربطری، تویی، متوقف کننده	سه ری شو وشه سه ره شیشه	استاپر	stopper n
ایستگاه (اتوبوس / قطار)، (نقطه	ئیزگا جیی ویسانی ماشین	استاپ	stop <sup>2</sup> n
انبار کردن، ذخیره کردن	همار که رده ی هه لگرتن	استور	store <sup>1</sup> v
اندوختن	بو دوا یی - نه ره وسه ی		
پس انداز - فروشگاه، انبار	هورگرت همار که رده لگرت	استور	store <sup>2</sup> n
اندوخته	همار فروشگه، پاشه که وت		

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
طبقه - آشکوب، حکایت	نهم - قات مه ر ته به، راز	استوری	storey <i>n</i> (story)
توفان، بارش شدید	تونه باره شه با - دودان	استورم	storm <i>n</i>
کولاک کردن، خروشیدن	بای سه خت - توف بای سر سر		
توفانی، کولای	توفانی - هه والو لکی	استورمی	stormy <i>adj</i>
بواری	وای ز لان یا و بوران، شه س		
داستان، گزارش، شرح قصه	حه کایه ته راز - قسه بیاس	استوری	story <i>n</i>
اجاق، چراغ، خوراکهزی، غز	چرای چیشت کولاندن - چرا	استو	stove <i>n</i>
بخاری	و گاز - سو به - فر گاز		
مستقیم، راست - تراز، هموار	راست و ریک - ساف و	استریت	straight <sup>1</sup> <i>adj</i>
منظم، قابل اطمینان	دروس سو و رویی پرده		
دریک خطر است، مستقیماً	له خه تیکی راست دا	استریت	straigh <sup>2</sup> <i>adv</i>
	هه ر به راسه ره		
راست کردن / شدن	دروست و راست کردن - ساف	استریتن	straighten <i>v</i>
قائم کردن	وراس بییه ی بریک که رده ی، قنج دانان		
با زور کشیدن - صدمه دیدن	توند بو خو کیشان	استرین	strain <i>v</i>
از صافی گذراندن	زه حمت و زیان دیه ی - ته قالا		
	که رده ی - کوشش کردن ی زور		
تنگه و باب، گرفتاری	باریکه ناوی که دوده لیا	استریت	strait <i>n</i>
تنگنه - بغاز	به یه ک و سه ل ده کا و ه یان دروشکی		
	له یه ک جگگی نه کاره ک سوئر		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عجیب، غریب، ناآشنا و سنگفت	ناشناس - عه جایب - غه ریو	اس ترینچ	strange <i>adj</i>
به طور عجیب	زۆر عه جایب - به	اس ترینچ لی	strangely <i>adv</i>
	جۆر یوه عه جه بیات		
غریبه، بیگانه، اجنبی، ناشناس	بیگانه - غه رب - غه واره	اس ترینچر	stranger <i>n</i>
خفه کردن و شدن	تاسنای - خنکاندن	اس ترین گل	strangle <i>v</i>
سرکوب کردن	سنگ که رده ی		
تسمه، بند (چرمی، ...)	قه یشه - شه - لاخ - قایش	اس ترپ	strap <sup>1</sup> <i>n</i>
نوار	دواله - به نه چه رم		
با بند بستن، با تسمه بستن	به په ته و به ن بینای	اس ترپ	strap <sup>2</sup> <i>v</i>
	به شریت به بستن		
بویا - ساقه خشک - نی	نه یجۆله و نوّشانه ی	اس ترز	straw <i>n</i>
کاه - پوشال	سمه ری - چه سیره - کا		
(حیوان) بی صاحب	حه یوانی ویل - گم بیه	اس تری	stray <sup>1</sup> <i>adj</i>
گم شده - ولگرد	ئاواره - چۆره کی		
واهر گم کردن - سرگردان شدن	ویل بیه ی - ریگا گم	اس تری	stray <sup>2</sup> <i>v</i>
	کردن - جه رای ترازیای		
خط طولانی، رگه، راهراه	برگه - خه ته - خه ته خه ت	استریک	streak <i>n</i>
لایه و چینه - دوره	شوینه خه ت - خه تی دریتۆ - تو (توی)		
جویبار - جریان پیوسته	جۆگه - جۆئاو - ده ره	استریم	stream <i>n</i>
جوی - نه ر - وژش جاری	روبار - روان ئاو، شنه و سروه		
خیابان، کو	خیابان - کو و جیه - کو لّان	استریت	street <i>n</i>

uə	p	b	t	d	k	g	tʃ	dʒ
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June



انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>strength</b> <i>n</i>	استرنټ	هیز - قوهت - زۆر	نیرو، توان، زور، قدرت
<b>strengthen</b> <i>v</i>	استرنټین	قوهت دای - هیز گرتن پته‌وی پیدان - یاری دان	استحکام بخشیدن - تقویت دادن - رمق گرفتن
<b>stress</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	استرِیس	زۆر - هیز - زۆر وتنی	قشار - تکیه کلمه
<b>stress</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	استرِیس	قسه‌یی - کیش دان زۆر له سه‌ر چتیک‌اچوون	تاکید - کشش تاکید کردن
<b>stretch</b> <i>v</i>	استرِچ	فره‌باسو چۆه‌ی که‌رده‌ی دریژه‌ره که‌رده‌ی - دریژه	بافشار ادا کردن کش دادن / آمدن - گستردن
<b>stretcher</b> <i>n</i>	استرِچر	پیدان - دریژ کردن - کیشنای ته‌ختی نه‌خۆش - ته‌ختو	گشاداشدن بازکار - تخت بیمار
<b>strict</b> <i>adj</i>	استرِیکت	بیماری، کیش‌نامه سه‌خت‌گیر - شوڤ‌گیر	کشنده قاطع، سختگیر، جدی
<b>strictly</b> <i>adv</i>	استرِیکت‌لی	ده‌قیق، روون	حقیق - مشخص
<b>stride</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	استراید	به‌ده‌قیقی - به‌سه‌ختی هه‌نگامی دریژی نیای	به‌طور جدی، قاطعانه، کاملاً با گام‌های بلند راه رفتن
<b>stride</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	استراید	هه‌نگاوی دریژه‌ل گرتن هه‌نگاوی دریژه‌هه‌نگامی دریژی، قه‌ده‌م	گام بلند، قدم کشیده گام مثبت
<b>strike</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	استرایک	وه‌نه‌دای - له‌یه‌ک دان	زدن - اعتصاب کردن، کوبیدن
<b>strike</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	استرایک	پیدان، زریان هو‌ر ته‌ق‌ه‌ل ته‌ق، په‌لامار خو‌یی شان دان، وی‌نمانای	به‌صدادر آمدن، زنگ اعتصاب، یورش، خرابه، تگ

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نخ‌سیم، تار، بز هیز، چیر، بوند	نه یه ده زک بیه نه تل	استرینگ	string <i>n</i>
نوار، باریکه، نوشته	شریته - تیکه ی ته نک	استرپ	strip <sup>1</sup> <i>n</i>
تکه	شیوال، لهت، به نه موری		
دراوردن، اکندن - برهنه	لیاس وه ته ی پرووت کردن	استرپ	strip <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن	وه ژای پروتوبیه ی - که ندن		
خط (خط باریک، ممتد)	خیتیه - خهت خهت	استرایپ	stripe <i>n</i>
راهراه، نوع - گونه	خه ته ی په رانپه ره بازه له		
راهراه، خطدار، پلنگی	خهت خه تین - میل	استرایید	striped <i>adj</i>
	میل - خه تدار و بازه له		
ضربه، ضربت، سکه و حمله	ز ره به ته - هه له مت	استرنوک	stroke <sup>1</sup> <i>n</i>
رویداد - سعی	ز ره بهت و سه کته - ناکاو		
بادهست‌نوازش کردن، مالیدن	لاواندن - لاوانای، باوه شین	استرنوک	stroke <sup>2</sup> <i>v</i>
قدم زدن / برداشتن	گیلای - گه ریان ده رگیل	استرنول	stroll <i>v</i>
دریغ بودن و پرسه زدن	و چوره کی بیه ی		
گام آهسته، قدم آهسته	هه نگار - هه نگامه	استرنول	stroll <i>n</i>
دریغی و پرسه زنی	ده رگیل - چوره کی		
	ده له چه - گه رال		
قوی، نیرومند - محکم	په رزور - وه کار - به هیز	استرانگ	strong <i>adj</i>
سالم - تندرست	زوردار - پته و و گورج		struck <i>see</i> strike
بنا، ساختار، سازه، ساخت	وهش کرد - بنچینه	استراکچر	structure <i>n</i>
	نه ساس، سازینه		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
struggle <sup>1</sup> <i>v</i>	استراگل	ته قالا که رده ی کۆشش	جنگیدن، جدال کردن
		کردن هه وڵدان (په له قازی)	تلاش کردن
struggle <sup>2</sup> <i>n</i>	استراگل	ته قالا کۆشش هه وڵ خه بات	جدال، جنگ، تلاش، ییکار
stubborn <i>adj</i>	استابرن (ین)	سین سه خت - ناحالی	سرسخت، لجوج، خودداری
		کله ره ق - نه درم نهویه	
stubbornly <i>adv</i>	استابرن لی	به سین سه ختی - به که	خودسرانه، سرسختانه
stuck <i>see</i> stick		له ره قی	
student <i>n</i>	استیوودنت	ده رس دواچوو زانست دۆز	دانشجو، شاگرد، محصل
		دانش بیژ، دانش گیر	
studio <i>n</i>	استودیو	دیوی کار - یاگی کاری	استودیو، اتاق کار
		جیی فرمان له رادیو - هه کسه خانه	کارگاه
study <sup>1</sup> <i>v</i>		ده رس وه نه ی - خویندن	تحصیل / مطالعه کردن
		فیریوون (بییه ی)	تحقیق کردن
study <sup>2</sup> <i>n</i>	استادی	فیر - وه نه ی - لیکۆلین	تحصیل - اتاق مطالعه
		فیری خویندن - جیی خویندن	پژوهش
stuff <sup>1</sup> <i>n</i>	استاف	هه ست - چیی - چت	(هر) ماده / چیز
		جنس - ماده، زویل	اسقاط - اسفال، تودلی
stuff <sup>2</sup> <i>v</i>	استاف	پر کردن - گواله گرتیه	پُر کردن، تپاندن، هجری گرفتن
		ته پنا ی - ته پاندن، کۆر و کهرده ی	
stuffy <i>adj</i>	استافی	خه فه و ته نگه لاجو گنه	خفه، دم کرده هوا
		حه ره سه ته نگ دَل ته نگ (مال)	گرفته و بسته

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لغزیدن، باگیر کردن	ترازیای - تریه‌ی - تیکه و تن	استامبل	stumble <i>v</i>
افتادن به زمین	زوان گیر کرده‌ی، که و تن - خزای		
گُده، بریده درخت	بیخی دار - ریخه و ددانی	استامپ	stump <i>n</i>
ته دندان - گیج کردن	قو تکه دار - قو ته ره		
جذاب - گیرل دلفریب	نمه کین، دل رفین	استان نینگ	stunning <i>adj</i>
احمق، کودن، پخمه	مه‌نگ و گیل - گه‌وج	استیوید	stupid <i>adj</i>
	بی نه قل سووکه نه قل، خه ره فیا (استووید)		
کودنی، حماقت، ابلهی	مه‌نگی - گیلی - خولی	استیویدی	stupidity <i>n</i>
احمقانه، به احمقی تمام	بی نه قلا نه - گیلانه	استیویدلی	stupidly <i>adv</i>
قوی، ستبر، تنومند، محکم	قوه ت - به هیژ - گوربز	اس تودی (اس تدی)	sturdy <i>adj</i>
	وه کار - نه به ز - پرتاقه ت		
خوکدانی، طولیلخوک	گه‌وره خوگ - جیگه	استای (اس تِی)	sty <i>n (style)</i>
کُل مژه	به‌راز - پیزوکن		
سبک، شیوه - فُذ - فُذل	جور - شیوه‌جاو، ره وشت	استایل	style <i>n</i>
شیک - ویژگی	نه‌وع - ته‌ریقه، نیشانه		
موضوع درسی، موضوع صحبت،	مه سه له و یاس، ده‌رس	(سب) ماب چکت	subject <sup>1</sup> <i>n</i>
مورد سخن - تبعه، اهل	وراو یژره عیه ت، مل دان		
مطیع - فاعل	باس کرد - خه‌لک، مه‌ربوت به		
فاعل، نهاد (در جمله)	کارکهر - کرده کار	سب چکت	subject <sup>2</sup> <i>n</i>
به شرط - شهروند	کار ساز (له جومله)، به وشه‌ره		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زیر دریایی	ژێره‌لیایی - که‌شتی	ساب‌میرین	submarine <i>n</i>
تسلیم کردن / شدن	وی ده‌سو‌دای - خو	بیب‌میت	submit <i>v</i>
کردن نهادن	به‌ده‌س دان - چیر و باری نام‌ه‌ی		
ماده، چیز، جسم، دارایی	ماده - چت - چیو‌هه‌ست	ساب‌س‌تس	substance <i>n</i>
بخش، پذیرش (دلره)	را‌گرتن و په‌ز یان	بیب‌س‌کریپ	subscrip <i>n</i>
کم / تفریق / منها کردن	که‌م کردن - مینها که‌رده‌ی	بیب‌ت‌زکت	subtract <i>v</i>
تفریق، منها، کاست	که‌م - مینها، که‌م کرد	بیب‌ت‌زکشین	subtraction <i>n</i>
حومه شهر، خارج شهر	به‌روشاری - ده‌ره‌وه‌ی	ساب‌رپ	suburb <i>n</i>
موفق شدن، جانشین شدن	شار - که‌ناره‌شاره		
موفق شدن، جانشین شدن	سه‌رکه‌وته‌ی - پی‌رو‌ز	ساک (بیکسید)	succeed <i>v</i>
موفقیت، کامیابی، کامرانی	بوون به‌ر نام‌ه‌ی، یا‌گه‌نشته‌ی		
موفقیت، کامیابی، کامرانی	پی‌رو‌زی - به‌ر نام‌ه‌ی	بیکس‌س	success <i>n</i>
کامیاب، موفق، کامروا	سه‌رکه‌وت، ته‌وفیق		
کامیاب، موفق، کامروا	پی‌رو‌ز - ده‌ر‌چوو	بیکس‌س‌فول	successful <i>adj</i>
با موفقیت، با کامیابی	به‌ر نام‌ه		
چنین، چنان - اینچنین	به‌پی‌رو‌زی به‌سه‌رکه‌وتن	بیکس‌س‌فولی	successfully <i>adv</i>
مانند	پیس‌ه - وا - به‌م جو‌ره	ساج	such <i>adj-pron</i>
مکین، نوشیدن	ته‌پیس‌ه		
بالتعبه بیرون کشیدن	چه‌کنای - لو‌وشته‌ی	ساک	suck <i>v</i>
	مژین هه‌ل لو‌وشتن، چله‌پنای		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غیرمنتظره، ناگهانی	ناوامة - له ناكاو	سادن	<b>sudden</b> <i>adj</i>
غفلتاً، ناگهانی-يكهو	به غافلۍ - به ناوامة	سادن لى	<b>suddenly</b> <i>adv</i>
رنج بردن، درد داشتن	له ناكاوه، له پر دا ره نچ بردن - ئيش دار	سافر	<b>suffer</b> <i>v</i>
رنج، عذاب دورد	بيهي - تاقت بردن ره نچ - ئيش - تاقت	سافر بىنگى	<b>suffering</b> <i>n</i>
تحمل كرد	ميراق - گل كردن		
كافى، بس، بسنده	وه سى - به سى	سافى شىت	<b>sufficient</b> <i>adj</i>
پسونده - كُپاله	دوا وشه - دماكه ليمه	سافى كس	<b>suffix</b> <i>n</i>
شكر - قند	شه كر بشه كه رقه ن - قه ند	شكر	<b>sugar</b> <i>n</i>
پيشنها دكرن، توصيه كردن	نه زه ردان - نه زه رداى	بيجست	<b>suggest</b> <i>v</i>
بى فكر رسيدن	برياردان، په ي ئامه ي		
پيشنه دا، نظريه، صلاحديد	بريار - نه زه ر، نه قيد	بيجس چن	<b>suggestion</b> <i>n</i>
مناسب / براؤ لده بودن	په نه كه وته ي - پي كه وتن	سووت	<b>suit</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
جوړ كردن	فيت بيه ي، جوړ كردن		
مناسب، شايسته، درخوړ	فيت - پي كه وت - لايق	سووت پيل	<b>suitable</b> <i>adj</i>
دست (لباس) عرض حال	ده سو سپيالا ن - ده سته ي لباس	سووت	<b>suit</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
چمدان، جامه دان	چه مه دان - يه غدان	سووت كيس	<b>suitcase</b> <i>n</i>
	ياگه لباس		
اخم كردن، قهر كردن	قين كردن - ناوچاو	سالك	<b>sulk</b> <i>v</i>
	پيوره داى - توران (روترش)		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سلطان، بیگ، حاکم	سلطان - به گ - والی	سالتین	sultan <i>n</i>
(حاصل) جمع / محاسبه، وجه	حساب - حه ساو بیایی	سام	sum <i>n</i>
تابستان، تابستانی، ییلاقی	هاوین - هامن، تاوسان	سایر	summer <i>n, adj</i>
قلعه، نوک، اوج، سر	کهل - ئاسو لوو ته، یال	سامیت	summit <i>n</i>
فراخواندن، دعوت کردن	لووتکه - نووکه که ژ بانگ کردن - شوین	ساین	summon <i>v</i>
خورشید، شمس، آفتاب	هه ناردن - شوڤن کیاسه ی روچیار - ئافتاو - خوڤ	سان	sun <i>n</i>
هور	هه تاو، خوهر - هور		
نور / اشعه آفتاب	وه ریلزگ لیزگی - روڤ	سان لایت	sunlight <i>n</i>
نور خورشید	تیزگی - تژگ - نوور		
آفتابی، روشن، شاد	روشنا - هه تاوی	سانی	sunny <i>adj</i>
نورانی	وه رتاو، سایقه وروشن		
طلوع آفتاب	روچیار به رنامه	سان رایز	sunrise <i>n</i>
غروب آفتاب، مغرب	خوره له لات - وه رکه وت وه رپر - خوڤ ئاو	سان بیت	sunset <i>n</i>
هوای صاف و آفتابی	وه رتاو - روشنا	سان شاین	sunshine <i>n</i>
نور خورشید	خوره تاو - سایقه		
حمام آفتاب گرفتن	حمامو وه رتاوی - خوڤه حه مام	سان بت	sunbathe <i>v</i>
زیر آفتاب خوابیدن			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
یکشنبه	یه ک شه ممه دواشه مه	سان دی	<b>sunday</b> <i>n</i>
گرمایه‌گی، آفتابزدگی	وه به‌رده‌ی، خورگه‌ستن	سان استرک	<b>sunstroke</b> <i>n</i>
عالی، فوق‌العاده، نخبه	فره به‌رز - فره‌باش و	سووپر	<b>super</b> <i>adj</i>
	مومتاز-فره‌له‌بان، زورچاک		
زیبا، عالی، باشکوه	جوان - زه‌ریف - به‌فه‌ر	سووپرب	<b>superb</b> <i>adj</i>
درجه یک، ارجمند	و شکو، رازاوه	(سوپرب)	
بهتر، برتر - بالاتر	باش تر بیان تر - چاکتر	سووپریر	<b>superior</b> <i>adj</i>
مافوق	خاس‌ته‌ر - وه‌ته‌ر		
عالی، صفت عالی، درجه عالی	سه‌فه‌تی عالی	سووپرل‌تیو	<b>superlative</b> <i>n, adj</i>
عالی‌ترین	ده‌ره‌جه و سه‌ری		
سوپر مارکت، فروشگاه بزرگ	فروشگه‌ی گه‌وره	سووپر مارکت	<b>supermarket</b> <i>n</i>
	دووکانی فره‌گه‌وره		
مافوق صوت، تندتر از	به‌ر تر له سه‌وت	سووپر سونیک	<b>supersonic</b> <i>adj</i>
سرعت صوت	بانت‌ه‌ر و سه‌وتی		
خرافه پرستی، کج باور	باور به‌درو و پووچی	سووپرستیشن	<b>superstition</b> <i>n</i>
	باوه‌ر به‌کوئه‌ پرستی		
سرپرستی کردن	سه‌ر پر سی کردن - چاودیری	سووپر وایز	<b>supervise</b> <i>v</i>
نظارت کردن	کردن - چه‌م‌داری که‌رده‌ی		
کارپردازی (اداره)	کاری مالی ریخ‌ه‌ر	سپاهلی یونیت	<b>supply unit</b> <i>n</i>

i:    ɪ    e    æ    a:    ɒ    ɔ:    u    u:  
see   sit   ten   hat   arm   got   saw   put   too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سوپرستی، نظارت	چاودیری - نه زارت	سوپرویزن	supervision <i>n</i>
شام	چەم داری - سه‌رپرسی نانی نیواره - نانه و شەوی - چیشتی شهو	ساپەر	supper <i>n</i>
مقدار، موجودی، ذخیره	له ده‌س بوو - جه‌ده‌سه	ساپلای (میپلای)	supply <sup>1</sup> <i>n</i>
تأمین / تهیه کردن	نه‌یه - ته‌دارک - جوړکرد جوړ کردن - گیرهاوردن	ساپلای (میپلای)	supply <sup>2</sup> <i>v</i>
جبران کردن - رساندن به	سامان دان (دای)		
نگهداشتن، طاقت آوردن، محکم کردن یاری	پشتیبانی	بیپۆرت (ساپورت)	support <sup>1</sup> <i>v</i>
کمک کردن (بخصوص با پول)	کردن - نگاداری که رده‌ی		
پشتیبانی، حمایت - پایه	پشتیبانی - یاری	بیپۆرت	support <sup>2</sup> <i>n</i>
نگاداری، هه‌رادیاری			
فکر کردن، اندیشیدن - تصور کردن،	خیال کردن - گمان که رده‌ی	بیپۆز (ساپوز)	suppose <i>v</i>
گمان بردن / کردن - بایستن	وه‌روچه‌می نه‌ورده‌ی		
اگر	ئه‌گه‌ر - گه‌ر - جا (بنه‌ره)	بیپوزینگ	supposing <i>conj</i>
عالی، بالاترین - والاترین	بان‌ترین - سه‌ره‌ترین	شهریم	supreme <i>adj</i>
	به‌رز و چاک		
خاطر جمع، مطمئن	دلّ نیا - متمانی	شُر	sure <i>adj</i>
آسوده - با ثبات	خاترجه‌م، یه‌قین		
مطمناً، بدون شک، قطعاً	بی‌زه‌ندی - شک‌یی گومان	شُری	surely <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کف امواج دریا، خیزاب	شه پۆلی وردکراو	شیرف سیرف	surf <i>n</i>
سطح، رویه، پوشش	للهی میڤیا و ده لیای پانایی ئاوی - دیمه	شیرفیس	surface <i>n</i>
وجه، زخ، سطحی	زاهیربان - دیم، روو	سیرفیس	surgeon <i>n</i>
دکتر جراح، جراح	دوکتوری جه راج	میرچن	surgeon <i>n</i>
جراحی، عمل - اتاق جراحی	دوگدوری جه راج جه راجی - عه مه	میرچری	surgery <i>n</i>
نام خانوادگی، فامیلی	یاگنی جه راجی ناوی خانه واده و بنه ماله	میرنیم	surname <i>n</i>
غافلگیر، رویداد غیرمنتظره	نامی بنه چه ق و خانه واده ی رو و داوی بی خه بهر	میرپرایز	surprise <sup>1</sup> <i>n</i>
تعجب	عه جه یوات - نا و امه و ده دای		surprise <sup>2</sup> <i>v</i>
به حیرت انداختن	حه یران کردن - حاق پر نای	میرپرایز	surprise <sup>2</sup> <i>v</i>
متعجب کردن	مات و حه یران که رده ی		surrender <i>v</i>
تسلیم کردن / شدن	ته سلیم بیه ی - ته سلیم کردن	میرنیدر	surrender <i>v</i>
تحویل دادن			
دربرگرفتن، محاصره کردن	ده و رگرتن - چواره ده و رگرتنه ی	میرنوند	surround <i>v</i>
	دلی و سه ی		
محیط، اطراف، دوروبر	ده و ربه ر - چواره ده و ر	میرنوندینگس	surroundings <i>n</i>
زنده ماندن، گذراندن	زینده مه نه ی - گیان	میروایو	survive <i>v</i>
دوام یافتن	به رکه رده ی - زیند و و مان		

uə      p      b      t      d      k      g      t/      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوام، بقا، پابندی	دوام و مه‌ندی حدریژه ی	بیر وایول (بیر وایول)	survival <i>n</i>
ماندگاری	ژیان ده وامی ته مه‌ن و به قا		
شک داشتن / بردن	دووشک بیه ی - خانه گمان	ساس پکت	suspect <sup>1</sup> <i>v</i>
سوء ظن بردن	بیه ی - شک لی بردن		
بدگمان، ظنین، شکاک	خانه گمان - دووشک	ساس بی شیس	suspicious <i>adj</i>
شک برانگیز	شک دار		
فرده مشکوک، مورد سوء ظن	شک په ی لوا - شک	ساس پکت	suspect <sup>2</sup> <i>n</i>
	لیبراو، شه کدار		
اویژان بودن - به تأخیر	ئالو چنای - هه لوستن	بیس پند	suspend <i>v</i>
انداختن - اویژان کردن	دهس هورگر ته ی دوواختن		
بی تکلیفی (ترس و هرجان)	بی سه روسامانی	بیس پنس	suspense <i>n</i>
ناشی از تأخیر / گمانه معلومی	چاره نه وی ماتی و پاده ره رای		
بلعیدن، فرو بردن، سرکوب کردن	قوت دان - قوته دای	سوالتو	swallow <sup>1</sup> <i>v</i>
چلچله، پرستو، بلع، قنط	په ره ستوو - پلیستره ک، قوت	سوالتو	swallow <sup>2</sup> <i>n</i>
ساییدن - مالیدن	ساوای (سافم کرد) سوین	سرام ساوام	swam = sawam <i>v</i>
باتلاق، مرداب، فغا گرفتن آب	میرگه میرگ زه لکاو ی	سوامپ	swamp <i>n</i>
قوپرنده ای آبی	جور یوه که رگه ی ناویه	سوان سسون	swan <i>n</i>
	جوره مره یکی ناوی - قوو		
گروه، خیل عظیم، زنبوران کنندو	گرو ده سته - خیل پوره هه نگ	سورم (سوم)	swarm <sup>1</sup> <i>n</i>
به صورت گروهی حرکت	بار به تدی که رده ی به خیل	سورم (سوم)	swarm <sup>2</sup> <i>v</i>
کردن، از دهام کردن	وده سته ری که و تن به ک فاز و قولنگ روشتن		

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تکان خوردن، نوسان کردن	له‌ریای شه کیای - شه کیان سوێ		sway <sup>v</sup>
تحت تأثیر قرار گرفتن	پشکان - ته کان وارده‌ی، چه میای		swear <sup>v</sup>
فحش دادن - سوگند خوردن	قه‌سم وارده‌ی - سوین خواردن سوړ		
/ دادن، قسم، اگه‌گفتن	دژمان و دژوین دان		sweat <sup>1</sup> <sub>n-v</sub>
عرق (بدن)، عرق کردن	هاره‌قی له‌ش - ئاره‌قو سوێت		
سخت کار کردن	جه‌سه‌ی، کاری سه‌خت کردن		sweat <sup>2</sup> <sub>v</sub>
عرق ریختن / کردن	ئاره‌ق که‌رده‌ی سوێت		
با کار جان کندن	هاره‌ق کردن و رژاندن		sweater <sub>n</sub>
پولیر - ژاکت	جاکه‌ت - گجی په‌ژمی سوێتر		
پیراهن پشمی	کیشدار - کراسی خوری دار		sweep <sub>v</sub>
روبین، جارو کردن	گری‌دای - گزگ دان سوویپ		
تند گذشتن	جارو‌کیشان		sweet <sup>1</sup> <sub>adj</sub>
شیرین - ملیح، مطبوع	شیرین - نمه‌کین سوویت		
خوشایند	وه‌شبو، چاک و عال		sweet <sup>2</sup> <sub>n</sub>
شیرینی، شیرینی‌جات	شیرینی - خوش‌دل رفین سوویت		
ورم / آماس کردن، بالا آمدن	ماسای - ماسین سوول		swell <sub>v</sub>
باد کردن	ئاسیان - با کردن		swelling <sub>n</sub>
آماس، ورم، پف‌کردگی، باد	ئارس ماسایا کرد، هوژنامه سووینگ		
به طور ناگهانی دور زدن	ناوامه ده ورو‌دای - له سوورو		swerve <sub>v</sub>
ویراز و تغییر جهت دادن	ریگه‌ی راست لا دان هه‌لو‌گه‌ران		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>swift</b> <i>adj</i>	سویفت	توند - تیز - تند و تیز، ناکار	سریع، تند، ناگهان
<b>swim</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	سویم	مه‌لی، له‌مه‌کرده‌ی	شنا کردن، غوطه خوردن
	سوایم	مه‌له‌کردن، که‌فه‌لیژییه‌ی	لبریژ بودن
<b>swimmer</b> <i>n</i>	سویمر	له‌مه‌کر - مه‌له‌کر	شناگر، ملوان - ملاح
		مه‌له‌وان	
<b>swimming</b> <i>n</i>	سوی‌مینگ	مه‌له - له‌می - وی	شنا، غوطه
		ئاووسه‌ی له‌ئاوونین	
<b>swimming pool</b> <i>n</i>	دسوی‌مینگ‌پوول	گۆمه و مه‌لی	استخر شنا
		حه‌وزی مه‌له‌کردن	
<b>swing</b> <sup>1</sup> <i>v</i>	سوینگ	دیله‌کانی‌کرده‌ی	چنبیدن، چنباندن، تاب
		جمنای جواندن - جولا‌نکی‌کردن	خوردن / دادن
<b>swing</b> <sup>2</sup> <i>n</i>	سوینگ	دیله‌کانی - جمنای به‌زم	تاب، پس‌ویش‌رفتن
		بیله‌کانی - هوشه‌کانی - جولا‌نکی	نوسان - آهنگ
<b>switch</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	<i>switch on/off</i> خاموش و روشن‌لبرق	سوئچ	سوئچ، کلید، برق و ماشین
<b>switch</b> <sup>2</sup> <i>v</i>		سوئچ	با کلید روشن و خاموش /
<b>swollen</b> <i>see</i> <b>swell</b>		داگرسان - کوژاندن	عوض کردن
<b>swoop</b> <i>v</i>		قه‌وانچه‌یه‌ی - توند	به‌سرعت‌غروود آمدن (عقاب)
		داکه‌وتن - رفاندن، شیرجه‌چون	از بام و پر نگاه و فرختن افتادن
<b>sword</b> <i>n</i>	شورد	شمشیره - شوشکه	شمشیر، سیف
<b>swore</b> <i>see</i> <b>swear</b>		قیاره - شمشیر	
<b>sworn</b> <i>see</i> <b>swear</b>			
<b>swum</b> <i>see</i> <b>swim</b>			

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put
							too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سیلاب، هجا، بخش	شی که ری - جیا کردن - بهش کردن	میلابیل	syllable <i>n</i>
سمبل، نشانه، علامت	نیشانه - نیشانی	سیمپیل	symbol <i>n</i>
نماد - رمز	نمونه - ره مز		
همدردی، دلسوزی	هاوده ردی - هام	سیمپاسی (سیمپ پاتی)	sympathy <i>n</i>
همدلی - ترجم	ده ردی - دلسوزی		
همدرد، دلسوز - یکدل	هاوده رد - هام دهر د	سیمپ پتیک	sympathetic <i>adj</i>
موافق - همراهی	دلسۆز - هام ساز		
علامت، نشانه بیماری	نیشان - نیشانی - یاگی	سیمپ تیم	symptom <i>n</i>
	قیزگه - علت		
سرنگ تلمبه کوچکی برای	ده رزی ده رمان - سوره نگه	سیرینج	syringe <i>n</i>
ورود دارو به بدن	تلۆمبه ی چکۆله بۆناردنی دارو به ناو خوین		
شربت، شیرمدوشاب	شهر بهت - قه نداو	سیرپ	syrup <i>n</i>
	دۆشاو، شیرهی میوه		
نظام، روش، منظومه	باو - ده زگا - ریگا	سیس تیم	system <i>n</i>
روال - ساختار	و ره وشت		
منظم - اصولی	باو دار - عه سلّی	سیس پتیک	systematic <i>adj</i>
سازمان یافته	ره وشتی، نه زم دار		
منظم کردن - دارای	به باوی و ره بهر	سیس پم تاینز	systematize <i>vt</i>
روشن کردن	نه ورده ی - نه زم پیدان		

ʌ	3:	ə	eɪ	əʊ	aɪ	aʊ	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نام رودخانه‌ای در اورامان و غرب پاره که به دریاچه شهر در بندیکان در اطراف حلبچه عراق می‌ریزد و به فارسی می‌پارته کان هاتو به ناوی <i>syrgan</i> که رود دیاله گفته می‌شود	رۆبارێکه جوان له هه‌ورامان سیروان که ته‌م ناوه له به‌ردیکی قیمه‌تی له سه‌رده جوری یه شمی سه‌وزه و کاتی لوی هه یه		<b>syrgan</b> <i>n</i>
نوع گیاه تره‌مانند که از خانواده سیر بوده و طعم بد بوی دار که حیوانات اهلی باخوردن آن شیرودوغ و ماست آنها مازا ترابه خود می‌گیرد و بخوردن آن چندان آوری می‌شود	جۆره سیره یکی کیویه وه کوکتیوال یا گیای واله که به فارسی که تامی ماست و شیر ی گای مه‌ریک که بیخو ا خراب ده کا		<b>symrowka</b> <i>n</i>
ونگین کمان بعد از ایستان بسلوان در آسمان به علت شکست نور و تشکیل زاویه ۶۲° باز مین تشکیل می‌شود	پولکه زێڕینه یاسی نه‌زه ریتنی له پاش یاراتنی زۆر له ئاسمان ته‌بین نری چون نور ته‌شکی و زاویه ی ۶۲ درجه له گه‌له‌وه‌ی ساز ته‌کا		<b>synazarrine</b> <i>n</i>
از جا تکان نخوردن شخص یا حیوان که باید به زور کشیدن حیوان به دنبال خویش حرکت او را فراهم کنیم	کاتی که ئه‌سان یا حیوان به‌ریو، نه‌روا و به‌زوری کشین به‌دای خو مانا و یا به‌قسه‌رازی بکه‌ین ته‌لین سی‌نی کردو یانی له‌سه‌ر قسه‌ی خویه		<b>syny</b> <i>n</i>
نوعی سنگ صاف رودخانه‌ای است که مردم اورامانات بویوه پاره در قدیم برای صاف کردن کف منازل و دیوارها به جای ماله استفاده می‌کردند	سیره‌کوه جۆره به‌ردیک خره سی‌ره‌کوه له‌رووباره کان ده‌ری دین و بوساف ولوس کردنی دیوار و بنه‌وای مالمو و دیوه کان که لکی لی و ده‌گر نه‌وله‌قه‌دیم له‌هه‌ورامان به‌جی‌ی ماله به‌کاریان برده		<b>syrakwa</b> <i>n</i>



saw



shovel



screws



sieve



spoon



syringes



swan



scorpion



scissors



spanners



spade



sickle



scythe



sheaf of corn



seesaw



snail



safety pin



BANJO



HARP



DOUBLE-BASS



BALALAIKA



GUITAR



SITAR



VIOLA



CELLO



مردانشاه پسر خسرو (شیرین)  
۶۲۶ - م



بیروچ و سلام  
۵۹۵ - م



# T t

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>T</b>	تی	بیسوّمین حەرفە وئە لڤبای	بیستمین حرف الفبای انگلیسی
<b>taa</b> <i>n</i>	تا	هە تا - تا (تا چه م کار مه که رو)	تا (حرف اضافه)
<b>taashwtaawer</b> <i>n</i>	تاشوئاویر	به ردی پاڻ - تاش و تاویر و ما	تخته سنگ، صخره کوه
<b>tab</b>	تب	به ند - شیواڵ - قە یتان	بند زبانه بنوار، قلاب، حلقه
<b>tabby</b>	تبّی	کته مایه - پشیلە ی مینگه	گره ماده - پیرزن بدگو
<b>tabernacle</b>	تَبْرَنکَل	پیه ره ژە نه ی خراوه و اچه و ئاشو چادر - چادّره - دوار	خیمه - سایبان زیارتگاه
<b>table</b> <i>n</i>	تَبیل	که پره، مه رقه د، که نیسا میز - چوار پایه	معبد - کلیسای بزرگ میز، جدول، خوان، لایحه
<b>tablecloth</b> <i>n</i>	تَبیل کلات	ته خته چو، سفره و خوان روومیزی - سفره ی نان	رومیزی، سفره
<b>table - tennis</b> <i>n</i>	تَبیل تَنیس	تنیسی رووی میز - جوّره توپانیک - جوړیو ه گه مه	تنیس روی میز، پینگ پونگ
<b>tablet</b> <i>n</i>	تَبْلَت	حبه - حبه بوه ره قه، ته ختای، تا پلوت بلیت	قُرص، لوح، ورقه، سنگ نوشته
<b>tack</b> <i>n</i>	تَک	پانه بزمار - پوونیز سو و که میخ، ره وال	پونز، پونس، خط مشی زویه

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به عهده گرفتن، اسباب، ابزار	پاگرتن - قه بۆل کەردە ی	تکیل	tackle <i>v-n</i>
بالا پر - قرقره و طناب	کارە ی - وە سیلە		
موقعیت شناسی، کار دانی	کارزان، سه لیقه دار	تکت	tact <i>n</i>
تدبیر	حازرجواو - وریایی		
سخن سنج، یا شعور، مردم دار	زە کاوێ دار - وریا	تکت فول	tactful <i>adj</i>
بافکر و کیاست	لە یە کدەر - نتم		
بکار دانی، بانگه سنجی	بە زە کاوێ بە فکەر بە زێرە کی	تکت فولی	tactfully <i>adv</i>
بی شعور - بی مهارت	بی ئه قل - بی ماریفه ت	تکت یس	tactless <i>adj</i>
بی تدبیر - وقت نشناس	بی میژگ - شپرز		
بحسب، دنبال کسی یا	کار تی بچووک بە ن کە و ش	تج	tag <i>n-v</i>
چیزی باغرض رفتن، منگوله	وە رلکین - نووکی فلزی، زە نگوله		
ثم، دنبه، کیل، انتها	قلینچکە دو چکە، بنه	تیل	tail <i>n</i>
ته هرچیز	دووگ دمە کلک، ژیر		
خیاط، دوزنده	خە یات - خیات به رگ دروو	تیلر	tailor <i>n</i>
برداشتن، گرفتن - بردن	گرتن بردن - هورگر ته ی	تیک	take <i>v</i>
خوردن، سفر کردن - نیاز داشتن	جە هە ل گرتن - خواردن		
پرواز - برون	پە ل دای - فرین - فرته گردن	تیک آف	takeoff <i>n-v</i>
پرواز کردن	بال گرتن		
داستان، قصه، دروغ، حکایت	راز ی - راز - قسّی - مه ته ل	تیل	tale <i>n</i>
استعداد، ذوق، قریحه	قوړه تە مایه دار - نیشات	تلت	talent <i>n</i>
	هیزی خود داد، زه ین داری		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بازوق، بالاستعداد، خوش قریحه	به هیژ - قابل زهین دار به هوش	تلتند	talented <i>adj</i>
سخن گفتن، صحبت کردن	قسه که رده ی - و توویژ کردن	تک	talk <sup>1</sup> <i>v</i>
پرحرف، و زاج، پُرچانه	راوار - مه رده و قسان	تکتیو	talkative <i>adj</i>
صحبت، گفتگو، سخنرانی، گفتار	ژاکده رولا ژاوژوژوویژ		
قد بلند، بلندتر	قسی - قسه یاس، و تار	تک	talk <sup>2</sup> <i>n</i>
قد بلند، بلندتر	دریژ - بهرز - بالابهرز	تکل	tall <i>adj</i>
دست آموز، رام، اهلی	لینی - پەت کریا	تیم	tame <sup>1</sup> <i>adj</i>
سربراه	به خیو کریا - مل دەر		
اهلی کردن، رام کردن	پەت که رده ی - به خیو	تیم	tame <sup>2</sup> <i>v</i>
نارنگی (نوعی مرکبات)	کردن - نارام که رده ی		
(مو، نخ) گره خورده	نارینگگی - نەر مه نارنج	تتچرین	tangerine <i>n</i>
پیچیدن	نه یه ی شیویا موی دژیا	تتکل	tangle <i>n</i>
گره خورده، پیچیدگی	ثالاو موی شیواو، لک که و تن		
	پیچاوی - لک که و ته	تتکلند	tangled <i>adj</i>
مخزن، منبع - تانک، زره پوش	تیک چوو - شیویا		
پاک	که نو - هماره ناو - تانگ	تتک	tank <i>n</i>
تانکر، کامیون نفت کش	ده فری جیی (ثاونه و ت) - حه و ز		
	تانکره - جیی ناو - گاز	تانکر	tanker <i>n</i>
ضربه آهسته نواختن / زدن	یاگه نه فت و گاز		
تلنگر	زه فرت دای - لیدان	تپ	tap <sup>1</sup> <i>v</i>
	یواش کوتان به ده ست		

l m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تخته، ضربه آهسته	زه فره ته ی ئارامه - یواش	تپ	tap <sup>2</sup> n
تکانچه	کوټ - ته قه ی ئارام		
شیر آب، بند آو آب	شیری ئاو شیر و ئاوی	تپ	tap <sup>3</sup> n
	ئاو بر		
روبان، نوار، تسمه	قه یتان - شریته	تیپ	tape n-v
بانوار بستن، ضبط کردن	شریت - نه وار (به ستن)		
متر (قابدار ویزه)، نوار مترج	گه زه - گه ز - متر - میتر	تیپ مژر	tape - measure n
	ئامرازی پیوان که جه م نه یی		
دستگاه ضبط صوت، گیرنده صوت	زه بت - تو مار که ری	تیپ رکورد	tape - recorder n
	ده نگ - ده نگ گیر		
قطران، قیر، قیرزدن به	قیر - قیر قه ترانی، لیل و تار	تار	tar n
تغرفه گمرکی، مالیات بر صادرات و واردات	هه قی گمرک بو بار	ترایف	tariff n
آماج، هدف، نشانه	قیزگه - کو - نیشان کردن	تارجیت (تاجیت)	target n-v
هدف گیری کردن	هه لمه ت مه نزور - قه وه ل گرتن		
آسفالت، مخلوط قیر و ماسه	ئاسفالت - لمی قیر دار	تار مک	tarmac n
	ماسه و قیری تی که ل		
نان مر بایی، توش، ئنسانیی	نانی مر به دار زنی به دن خلاق، تون	تارت	tart n
وظیفه، کار، تکلیف	کار - وه زیفه - هه ق	تاسک	task n
ذائقه - طعم، مزه - ذوق	تام - زه وق - چه شه	تیست	taste <sup>1</sup> n
سلیقه	سه لیقه - مه زه		
چشمه، طعم داشتن، مزه کردن	چه شین - چه شای مه زه دان	تیست	taste <sup>2</sup> v

i: I e ae a: D ɔ: u:  
see sit ten hat arm got saw p tea

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خال کوبی کردن، خال کوبیدن	خال کوتان - خال	تتوو	tattoo <sup>v</sup>
خال کوبی، یاد دادن	خال - خال کوتی	تتوو	tattoo <sup>n</sup>
اموختن	فیر کردن - ئیشان دای		taught <sup>see</sup> teach
مالیات، خراج، عوارض	مالیات - کوڊ - یارانه	تکس	tax <sup>1</sup> <sup>n</sup>
مالیات گرفتن، مالیات	مالیات گرفتن - مالیات	تکس	tax <sup>2</sup> <sup>v</sup>
بستن بر	گرته‌ی - مالیات گرفتن له		
مالیات، درآمد مالیاتی	مالیات - کوڊبه‌نی	تکس‌یشن	taxation <sup>n</sup>
تاکسی	تاکسی - ماشینی کری	تکسی	taxi <sup>n</sup>
	له شار - ماشینو کرای		
چای	چایی - چای - چا	تی	tea <sup>n</sup>
قاشق چایخوری	چه مچه‌ی چای خوری	تی‌اسپون	teaspoon <sup>n</sup>
	که‌وچکی چای		
اموختن، آموزش دادن	فیر کردن - ئیشان دای	تیچ	teach <sup>v</sup>
	فیرییه‌ی		
آموزگار، معلم، مربی، دبیر	ئیشان دهر - مه‌عالم	تیچر	teacher <sup>n</sup>
	فیرکەر - رابەر		
تیم، دسته‌گله، گروه	تیم ده‌سته ده‌سه - په‌ل	تیم	team <sup>n</sup>
اشک، سورشک	هه‌لسی - ئه‌سربین - فرمیسک	تیر	tear <sup>1</sup> <sup>n</sup>
پاره کردن / شدن، فزیدن	دراندن - درنای	تیر	tear <sup>2</sup> <sup>v</sup>
جز دادن	دریای - دران		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پارگی، خریدگی، چاک	دریاگ - دریا - درانه وه	تیر	tear <sup>3</sup> <i>n</i>
دست انداختن، مسخوه کردن	گه مه په نه که ده ی	تییژ	tease <i>v</i>
	گالته پی کردن، لومه کردن		
فنی - صنعتی، فن آوری	فه ند ی فه نی سسحه ت	تکنیکال	technical <i>adj</i>
تکنیسین، فنی کار، فن آوری	فه نی کار - که سیوه	تکنیسین	technician <i>n</i>
	کاری فه نی مکه رو		
تکنولوژی، وابسته به	علمی سه نهعت - فه ن	تکنولوژی	technology <i>n</i>
فن آوری	ناسی - فه نه ژ ناسی		
تهران، پایتخت ایران	تاران - پاته ختی ئیران	تهران	Tehran <i>n</i>
دندان	دیان ددان ددان ددان		teeth <i>see</i> tooth
تلگراف	تهلگراف - دوور نویس	تلگراف	telegraph <i>n</i>
	دوورنوس		
تلگرام، متن تلگراف	تهلگرام - ناردنی پیغام	تلگرام	telegram <i>n</i>
	به تهلگراف		
مکالمه تلفنی - تلفن	تهله یفون - دوورواچ	تلیفون	telephone <sup>1</sup> <i>n</i>
	دووروژ	تلیفون	
باجه تلفن	جیی (یاگی) تهله فوون کردن	تلیفون باکس	telephone box <i>n</i>
دفترچه راهنمای تلفن	ده فته ری ریشمونوی	تلیفون دایرکتوری	directory
	تهله فوون		telephone <i>n</i>
تلفن زدن / کردن	تهله فوون کردن (که ده ی)	تلیفون	telephone <sup>2</sup> <i>v</i>
	تهله فوون دان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تلسکوپ، دوربین نجومی	دوربین تاییهت بو	تِلِسکوپ	telescope <i>n</i>
	نه‌ستیره ناسی - دوربینو		
	هه‌ساران		
تلویزیون (مخفف TV)	ته‌له‌فزیوَن - تلیوژیوَن	تِلِویژن	television <i>n</i>
	ده‌زگای گرتن و ناردنی		
	وینه‌کان - شکل نما		
گفتن، نقل کردن، خبر دادن	واته‌ی - وتن - خه‌وردای	تِل	tell <i>v</i>
بیان کردن	ناشکرا کردن		
خلق، خوی، مزاج	خولق و خو - مزاج	تِمْپَر	temper <i>n</i>
حالت روحی	حاله‌ت - ته‌بیعه‌ت		
درجه‌حرارت، دمای بدن	ده‌ره‌ج‌ه‌ی گه‌رما و سه‌رما	تِمْپَرچَر	temperature <i>n</i>
	گه‌رما‌ی له‌ش (۲۷ درجه‌ی C)		
معبد، عبادتگاه، گنجگاه	ده‌یر - جه‌مخانه - جیی	تِمْپِل	temple <sup>1</sup> <i>n</i>
	عیباده‌ت بو خوداو یه‌زان، جاینگ		
شقیقه، گنجگاه	جاینگ - مابه‌ینی چاو	تِمْپِل	temple <sup>2</sup> <i>n</i>
	له‌گه‌ل گوی، مه‌رقه‌د دِل و که‌نیسه		
موقتی، فُتُور، موقت	تاو تاو - بو ماوه‌یه‌ک	تِمْپِری	temporary <i>adj</i>
	په‌ی تاوه‌ی		
به‌طور موقت، موقتا	ماوه‌یی - تاوه‌ی	تِمْپِریلی	temporarily <i>adv</i>
	تاوی - به‌ینه‌ی، جاری		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گمراه و اغوا کردن، وسوسه کردن، تحریک	شک و سه‌ی هانه هانه دای له شک خستن - خامو کرده‌ی	تیمت	tempt <i>v</i>
جنسی کردن عدد ۱۰	نه فس جوین ژماره‌ی ده شماره و ده‌ی	تین	ten <i>n, adj</i>
دهم، دهمین $\frac{1}{10}$ مستاجر (خانه / زمین)	ده هوم - ده یه م وه‌زیه‌ر - یانه گیر	تینس (ت)	tenth <i>n, adj</i>
	مال گر - کریکه‌ر	تینت	tenant <i>n</i>
تمایل داشتن، متوجه بودن پرستاری کردن	گه‌ره‌ک‌بیه‌ی - پوره‌یاوای چاودیری کردن	تیند	tend <i>v</i>
گرایش، تمایل - میل رغبت	حه‌ز - مه‌یل - مل‌دای کیشان به	تین‌دین‌سی	tendency <i>n</i>
ترد حساس، زور نخب، ملایم باخوش‌رویی، مهربانانه	ناسک - دل‌سوژ - ترت به‌خوش‌روویی به‌نیشت	تیندر تیندرلی	tender <i>adj</i> tenderly <i>adv</i>
بالاتر تنیس، بازی تنیس	به‌خو‌ه‌وه، به‌چاک‌ه‌وه تنیس‌بازی - جو‌ریک‌کایه	تینس	tennis <i>n</i>
هیجان‌زده - سفت، کشیده ناراحت، عصبی - زمان	دوو یا چوار که‌س ناره‌حه‌ت - شی‌واو - کات شی‌ویا - ره‌ق و تیک‌چو	تینس	tense <sup>1</sup> <i>adj</i>
زمان (دستور زبان) تنش‌زا خیمه، چادر، پلاس	زهمان له‌ده‌ستووری‌زوان چادر - ده‌وار - خه‌یمه	تینس تینت	tense <sup>2</sup> <i>n</i> tent <i>n</i> (ره‌ش‌مالانی‌جاف)

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دوره - ترم، دوره تحصیلی	دهوره‌ی ده‌رس‌ه‌ماره‌ی فی‌ربوون	تِرم	term <i>n</i>
مدت، شرایط و روابط	له مه‌دره‌سه - نیم سال		
شرایط، مناسبات	شه‌رتی - شه‌رته‌کان	ترمس (ترمز)	terms <i>n</i>
تراس، بهار، خواب، شیب	جیی به‌هارخه‌و-تراس جانی‌ترس (لیژی)		terrace <i>n</i>
ردیف، تراس‌بندی	رزه‌یانه‌ته‌تاره‌مال، پله‌کانی	تِرسد	terraced <i>adj</i>
وحشتناک، هولناک، بد	ده‌شەت‌دار-پَرله‌ته‌رس	تِرییل	terrible <i>adj</i>
شدید	ته‌رس‌ئه‌ور و خراپ		
به‌طور وحشتناک و بد	به‌ترس‌وله‌رزیه‌ته‌رسه‌وه	تِریلی	terribly <i>adv</i>
ترساندن، وحشت‌زده کردن	ته‌رس‌نای - ترساندن	تِریقی	terrify <i>v</i>
	ترس‌پیدان		
وحشت، ترس، نوحه	ترس‌هات - پَر ترس	تِور	terror <i>n</i>
	ته‌رسی، زیره		
قلمرو (شخص/حیوان)	جیی حکوومه‌ت کردن-وه‌لات	تِریتوری	territory <i>n</i>
خطه، ناحیه، منطقه	ملک‌وه‌لاتی-ژیره‌سه‌لاتی		
	نسان یا جانه‌وه‌ری‌خاکو و ملک		
	مه‌لبه‌ند، ناوچه		
امتحان / آزمایش کردن	نازمایش که‌رده‌ی	تِست	test <sup>1</sup> <i>v</i>
سنجیدن	تا‌قی کردن، محه‌ک کردن		
امتحان، آزمون، تست	تا‌قی کرده‌وه-نازمایش	تِست	test <sup>2</sup> <i>n</i>
آزمایش، محک و معیار	تا‌قی که‌رد - محه‌ک		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لوله آزمایش	لوله‌ی تاقی کردنه ره لولوی	تست تیوب	test tube <i>n</i>
متن (کتاب) - عبارت اقتباسی	تاقی که‌ری جه نازمایشگا	تکست	text <i>n</i>
نسخه، شاهد	جه کتێمه تله‌بی کتیب		
کتاب درسی، درسنامه	کتیب - کتیبی ده‌رسی	تکست‌بک	textbook <i>n</i>
	نامیلکه - کتیب		
از، نسبت به، تا، که	چه - له	رَن (ذَن)	than <i>conj</i>
سپاسگزاری / تشکر کردن	سوپاس کردن - خانه‌ئاوای	تَنک	thank <i>v</i>
	که‌رده‌ی، ریزدانان		
سپاسگزار، متشکر، امتنان	خانه‌ئاوای - ریزله	تَنک فول	thankful <i>adj</i>
	سوپاس له‌ریز که‌ر سپاسکه‌ر		
سپاس، تشکر	ته‌شه‌کور - سوپاس	تَنک‌س	thanks <i>n</i>
	مال‌ئاوای، ریزوئه‌ده‌ب		
آن - آن (برای معرفی کردن) که	ئانه - ئه‌وه، ئا، که‌ئه‌و	رُت - ذُت	that <i>conj-adv</i>
پشت بام، بام	بان - سه‌ریان - بانی	تَچ	thatch <i>n</i>
بام گالی، پوش	پووشدار یا گیادار		
پوشانی، کاهگلی، گالی‌دار	بانی کاهگلی - بانی	تَچ(د)تَچد	thatched <i>adj</i>
	که‌ره‌پوداری یا سمه‌ردار - پووش‌دار		
(یخ‌ویرف) آب شدن / کردن	تاوایی - تاواندن ئاو کردن	تو	thaw <i>v</i>
حرف تعریف معین، آن، این	پیتی‌جت یا ناوی دیاری و ناسراو	د	the <i>adv-adj</i>
مگر اینکه	وه‌که‌ئه‌و قالیه - ئی چراوی		

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
theatre <i>n</i>	تیاثر	تئاتر - شوی نی ته واشا	تماشاخانه، تئاتر، صحنه
theft <i>n</i>	تِفَت	کردنی نمایش - ته ماشاخانه دزی - تالان - پریه ی	دزدی - سرقت، دسْتبُرد
their <i>adj</i>	دِر - دِر	رووتنای یان شان (سفه تی مَلکی)	شان (صفت ملک) مال آنها
theirs <i>pron</i>	دِرس	وه ک باغشان (باغیان)، منالیان	مال آنها (ضمیر ملکی) آنها
them <i>pron</i>	دَم - دَم	مالی ته وان - ئینو ئا دیشان به ته وان - به ئا دیشان	آنها را، ایشان را، به آنها
theme <i>n</i>	تیم، تِم	(دام به ته وان - دام ئا دیشان) بِن مایه - ئشاشا	(حالت مفعولی) تِم بزمینه، موضوع، انشاء
themselves <i>pron</i>	دِم بیلوز	زه مینه - مه وزووع خوینان - ویشان	رساله کوتاه، بِن مایه خودشان، به خودشان
then <i>adv</i>	دِن	(رانا و زه میری وه رگه راو) دماوه - له دوایی	(ضمیر انعکاسی) زمانی - سپس، بعد
theory <i>n</i>	تیری	ماوه یه ک، جا، پاشان تئوری - دانیه بنیه ره ی علمی	هَر آن وقت تئوری، فرضیه، نظریه
there <i>adv</i>	دِر	ئه قیده ی علمی - نه زه ردان له ئه وێ - جه ئاگه، له و جا	عقیده، نگرش انجا، درنجا، به انجا
therefore <i>adv</i>	دِر فور	(راناوی ئیشاره ت) دی سا بزانه - جا بزانه ده سا بزانه، جانی تر	بنابراین، در نتیجه از این رو

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دما سنج، اندازه گیر دما	گه رما و سه ردا ئیشان ده ر	تِر مومیتِر	thermometer <i>n</i>
اینها، اینان (ضمیر اشاره)	ئه مانه - ئینی	دییژ	these <i>pron-adj</i>
آنها (آن افراد / حیوانات / اشياء)	ئه وانه - ئانی، ئادی	دی	they <i>pron</i>
کلفت، ضخیم - انبوه، فشرده	قاییم - ئه ستوور - گازره دار	تیک	thick <i>adj</i>
تیره - درشت، صدای خشن	هه س - گۆشراو - توێ (تۆ)		
به طور انبوه / فشرده	تن شواریازو رگۆشراو	تیکلی	thickly <i>adv</i>
تۆد، سارق	دز - رووتۆکه ر	تیف (تیف)	thief <i>n</i>
ران (بین و انوولگن)	جهرده - چه ته، راپر		
انگشتانه	ران - نه رمه و رانی	تای	thigh <i>n</i>
	ئه نگۆس پۆش - ده رزی گیر	تیمبل	thimble <i>n</i>
	چه ن گیر و قامک پۆش		
نازک، باریک - لاغر، ئنک	له ر - ناسک - باریک	تین	thin <i>adj</i>
واقیق - کمبشَل	بێ تین و لاواز		
به طور روان / لوقیق، بیه ر مق	ته ربه که می - خره ناسک	تینلی	thinly <i>adv</i>
چیزیشی، مرویداده، عمل، آلات	چت - چۆ - وه زع	تینگ (تینگ)	thing <i>n</i>
	ئه سپاو - رووداو		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اسباب - اوضاع، شرایط	ئه سباب - رووداو ه کان	تینگس	thing <i>n</i>
لباس	پیویسته کان هوه زعه و کار		
اندیشیدن - گمان کردن	فکر که رده ی (کردن) بگامای	تینک	think <i>v</i>
قصد و نظر داشتن	گمان کردن - خیال که رده ی		
سوم، سومین - یک سوم	یه ک سووم - یه رووم	تِرد	third <i>n, adj</i>
سومی	یک له سی - سییه مین		
عطش، تشنگی، اشتیاق	ته ژ نه ی - تینگی - گه وه ی	تِرس	thirst <i>n</i>
تشنه، عطش دار، خواهان	ته ژ نه ی - تینگ - تینوو، ته ژ نه	تِرسی	thirsty <i>adj</i>
عدد ۱۳	سیئزه - سیانزه	تِرتین	thirteen <i>n, adj</i>
	سیئزه - زیادیی		
سیزدهم، سیزدهمین	سیانزه یه م سیئزه ده هوم	تِرتین س (ت)	thirteenth <i>n, adj</i>
یک سیزدهم	سیئزه ده یه م، یه ک سیئزه ده یه م		
عدد ۳۰	سی - سیی	تِرتی	thirty <i>n, adj</i>
سی ام، سی امین	سی یه م - سیووم	تِرتی س (ت)	thirtieth <i>n, adj</i>
این (برای اشاره به نزدیک)	ئه یه - ئه مه - ئینه، ئیده، یه	دیس	this <i>pron-adv</i>
به این، اینقدر	(راناوی ئیشاره ت)		
خار - بته خار ئین	دری - درک - بنجه	تیسل	thistle <i>n</i>
خار، تیغ، خسک	تیخ بدری - درگ، پیکول	تُرن	thorn <i>n</i>
	چل - قوز میخ، قولج		
تمام، کامل - دقیق	کامیل - ته مام - ته و او	تاری (تاری)	thorough <i>adj</i>
سرتاسر، از اول تا آخر	ده قیق، سه رتا پیا	تِر	

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حقیقاً - کاملاً	یه کجارده قیق بیه ته وای	تاقایی (تاقایی) تاقایی	<b>thoroughly</b> <i>adv</i>
انها (اشاره به دور)	جه معی ده ت - نه وانه، ئانی	دنوز (دز)	<b>those</b> <i>adj-pron</i>
تو (هوقدیم بیان می شد)	ئونی، ئادی، تو	تتو	<b>thou</b> <i>pron</i>
گرچه، اگرچه، علیرغم	هه رچه ند - جگه چانه ی	زووتتو	<b>though</b> <i>conj-adv</i>
باآنکه - در هرحال	بیجگه م ئانه یه فکر کردن	تتوت (تت)	<b>thought</b> <sup>1</sup> <i>see think</i>
فکر کردن، خیال داشتن	بیر کردن - فکر و کرده ی		
اندیشه - نظر، عقیده	فکر - بیر - نه زه ر - باور	تتوت (تت)	<b>thought</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
قصد، نیت	باوهر، نیت		
عدد ۱۰۰۰ شماره هزار	ژماره ی هه زار	تتوزند	<b>thousand</b> <i>n,adj</i>
	شماره و هه زاری		
هزارم، هزارمین، هزاره	هه زارم - هه زاره مین	تتوزندس (ت)	<b>thousandth</b> <i>n,adj</i>
نیخ (ابریشمی) برشته	نه یه ده زگ بیه - په ته	تتد	<b>thread</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
ریسمان	قه یتان		
سوزن نیخ کردن، نیخ کردن	نه یه پوره که رده ی	تتد	<b>thread</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
	ده زک له ده رزی کردن		
تهدید کردن، ترساندن	ترساندن - هه ره شه	تتین	<b>threaten</b> <i>v</i>
هشدار دادن	وه نه که رده ی، هه ره شه کردن		
تهدید، لوعاب، خطر	هه ره شه - تو قنای	تتت	<b>threat</b> <i>n</i>
	ته رس دای، ترس پیدان		
عدد ۳ سه تا	ژماره ی سی - یه ری	تتری	<b>three</b> <i>n,adj</i>
پرت کردن - انداختن	توو ردای - و سه ی غره دان	تترو	<b>threw</b> <i>see throw</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	u	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به هیجان آوردن	حَالْ شِیواندن - حَالْ	تریل	thrill <sup>1</sup> v
به ذوق آوردن	گۆرپان - حَالْ واری		
شوق دار شدن	له رزداگرتن		
هیجان بشور، لێز و شوق	له ره له رزه گیسناي پړو	تریل	thrill <sup>2</sup> n
	به جۆش بگۆری سه ر ئامه ی		
گلشنای، حلق، غرغزه	قرو - گله - قروگ - گلو	ترئوت	throat n
تپیدن، زدن	دَلْ وه نه دای - دَلْ	ترب تراب	throb v
	لیدان دای وه نه ی، ترپه هاتن		
مسند، تخت (سلطنت) شاهي	ته خت - ته ختی شاهانه	تژن	throne n
تخت، اورنگ	وتایوه تی، خه سه روانی بار		
لزمیان، لێز و راه، از طریق	ل به یین له - جه دلی	ترو و سرو	through prep, adj, adv
سراسر، داخل، توری	سه رانسه ر له ناو، له پړی		
در تمام مدت، از هر جهت	له گشتی - جه گردی، له هه موکات	ترو و ات	throughout prep
در همهی	له هه رکاتێ له گشت باریکه وه		
انداختن - دور انداختن	فهره دان - وسه ی	ترئو	throw <sup>1</sup> v
پرت کردن	تووپردای - خستن		
عمل انداختن	فهره - وسه - تووپردان	ترئو	throw <sup>2</sup> n
	برک (دان)		
چپاندن، فرو کردن	دلی که رده ی (ماسنای)	ترانست	thrust v
تپاندن	پړ کردن (له ناو کردن)		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
thrust <i>n</i>	تراست	ته پناى گونى يا گواله	زورچىپانى، فزوپورى
thud <i>n</i>	تاد	گرتهى، تى کردن	صدای خفه، تالاب
thud <i>v</i>	تاد	میره میر، چلپه چلپ کردن گمه گم کرده ی - ده نگی خنکاو	تاپ تاپ صدای خفه دادن / کردن
thumb <i>n</i>	تام	ده راوردن میزه نامه ی میزه هاتن	تپ تپ کردن
thunder <i>n</i>	تاندير	ئه نگوسه گه وری قامکی گه وره	انگشت شست
		تریشقه گر مه وه وری	تندر برعدا سمان غره
		هه وره ترشقه	
thunder - storm <i>n</i>	تاندير استرم	برووسکه وچه خماخانی	توفان توام بارعد و برق
		هه ورو باران لیزه مه و توف	و باران شدید
Thursday <i>n</i>	تیرزدی	روژی په پنجشه مه پرو	پنجشنبه
		په نشه مه ی	
thus <i>adv</i>	تاز	ئه بی جو ره به مه جو ره، ده سا	بدین ترتیب - بنابراین
		ده سا ئه بی - جامه وو	بدین گونه
tick <sup>1</sup> <i>n</i>	تیک	تیک تیکی کات ژ میر گه ئی	تیک تاک (ساعت) اساس
		تیک تیکوسه عاتی (تاوشمار)	تیک کردن، کنه
tick <sup>2</sup> <i>v</i>	تیک	تیک تاک کردن ی سه عات	تیک تاک کردن - تیک
		تیک که رده ی سه عاتی	کردن / زدن
ticket <i>n</i>	تیکیت	بلیت حیثاقه، جه واز کاغذی چکوله بوفروش	بلیط، جواز، برچسب



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غفلک دادن / کردن، خاریدن	خته لای دای - ختکه دان، خوریان	تیکل	tickle <i>v</i>
جزر و مد، کشند	خواروبانی ناوله ده لیا به	تاید	tide <i>n</i>
سروسامان دادن	جه زه به ی مانگ و خور		
	واروسه رو - ئاوه و ده لیای		
تمیز، مرتب، منظم کردن	رپک و پپک - جه م و	تایدی	tidy <sup>1</sup> <i>adj</i>
	جور - ته میس - ته میز		
تمیز کردن، مرتب کردن	ته میس که رده ی - مره ته ب	تایدی	tidy <sup>2</sup> <i>v</i>
	کردن - ته میز کردن		
کراوات، ریسمان، نخ	که راوات به م، ده زگ	تای	tie <sup>1</sup> <i>n</i>
بند	ته ناف		
گره زدن، بستن (با نخ، ...)	لک دای - به ستن	تای	tie <sup>2</sup> <i>v</i>
مساوی کردن	بینای - لک دان		
ببر - ببریان	به بری هندستان - به بر	تایگر	tiger <i>n</i>
بسته شده - محکم، تنگ	به سراو - بینیا	تایت	tight <i>adj</i>
کیپ - بی سوراخ	تند (تن) - مه حکم		
به طور محکم یا تنگ	محکم که م به مه حکم می	تایتلی	tightly <i>adv</i>
	به تونی		
تنگ کردن / شدن	ته نگ کردن (که رده ی)	تایتن	tighten <i>v</i>
	محکم به یی (کردن)		
کاشی، سفال بام	خشت - خشته - کاشی مال	تایل	tile <i>n</i>
	کوزی بانی		

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
till <sup>1</sup> n	تیل	ده‌خَلو پوولَی - پوولَی	دخل (پول درمغازه) تا اینکه
till <sup>2</sup> see until	آن تیل - تیل	دووکان و ده‌خَل، تا	تا - کشت و کار کردن
tilt v	تیلِت	لارییه‌ی - لار کردن (که رده‌ی)	کج شدن / کردن، سرازیری
timber n	تیمپر	چَو - چِیو - ده‌سه‌ک	الوار، چوب، تیر، درختستان
time <sup>1</sup> n	تایم	راژە - دیمه‌که، دارسان تاو - کات - وه‌خت زمان - فرسه‌ت، سات ده‌وره - خول، جار	وقت، زمان - فرصت، وقت دور، دیر، وقت، زمان، دفعه ساعت / روز خاص
timetable n	تایم‌تیبِل	به‌رنامه‌ی سه‌عاته‌کان	جدول زمانی، برنامه‌زمانی
time <sup>2</sup> v	تایم	دابه‌ش کردنی کات و زه‌مان دابه‌ش کردنی زه‌مان و کات به‌ش که‌رده‌ی تاوه‌کان وه‌خت به‌ش که‌رده‌ی	زمان‌نما زمان‌بندی کردن زمان سنجی کردن
tin n	تین	ته‌نه‌که - قه‌لای حه‌له‌وی - قتو - قتوه	حلب - قلع - حلبی، قوطی حلبی
tinkle v	تین‌کل	ده‌نگی زه‌نگوله‌درهاوردن	صدای زنگوله درآوردن
tiny adj	تینی	ده‌نگوزه‌نگی به‌رئه‌ورده‌ی ورد - چکوله‌ریژه بچووک - وردیکله	جرینگ جرینگ کردن خرد، کوچولو، ریزه‌ریزه
tip <sup>1</sup> n	تیپ	نووک‌سه‌رسه‌ره‌ئه‌نعام‌که‌ل	سر، نوک، قلعه، اشاره
tip <sup>2</sup> n	تیپ	ئه‌نعام - پوولَی چای، په‌ند، لیژ	انعام - پند، توصیه‌سودمند

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انعام دادن، خلعت کردن	ئه نعام دان (دای)	تیپ	tip <sup>3</sup> v
کچ کردن / شدن - معلق	شەواش کردن - خەلاتی دان ئالۆچنای - هەلواستن	تیپ	tip <sup>4</sup> - over v
کردن - چپ کردن	لارۆکه رده ی - لاریبون، لیژۆبیە ی	تیپ توو	tiptoe <sup>1</sup> v
باتوک پنجه راه رفتن	نووکى پنجه - به سەر	تیپ توو	tiptoe <sup>2</sup> n
پاورچین راه رفتن	په نجه رى کردن بیه سەر	تیپ توو	tire v
با نوک پنجه، نوک پنجه ویا	په نجه رالوای، لاروله نجه کردن	تایر	tired adj
خسته کردن / شدن	به سەر په نجه، نووکى په نجه	تایرد	tissue n
زده و کسل شدن	شه که ت بیه ی - هیلاک	تایرد	title n
خسته، وامانده، فرسوده	کردن شه که ت که رده ی	تایرد	to prep, adv
از پای افتاده	مانى - مه نه - پروییه	تایرد	toad n
پارچه / کاغذ بسیار نازک	جنسى ناسک - کوتال	تایرد	
بافت بدن - دستمال کاغذی	یا پارچه ی ناسک کاغذی ناسک تی شو	تایرد	
	(ده سمال کاغذی)	تایرد	
عنوان، تیترو، اسم، نام، لقب	سەر و نه سه رخوین نامن	تایرد	
مقام - قبالة	ناو سه رنامه سه ره تا، قه باله	تایرد	
به، به سوی - به (مکانی) - در	به - په ی - بو - تا	تایرد	
مقابل، مقابل، در برابر - تا، به	رووه و - به ره و	تایرد	
غوک، وزغ (نوعی قورباغه)	جوړى قرووق	تایرد	
	جوړیوه قرواقی	تایرد	

i: see    ɪ sit    e ten    æ hat    ʌ arm    ɒ got    ɔ: saw    u put    u: too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
توتون، تنباکو	تەماکو - توتن	*توباکو	tobacco <i>n</i>
امروزه، امروزه، این روزها	ئیمرو - ئارو - ئورو	ئیدی	today <i>n,adv</i>
انگشت پا - پنجه کفش /	ئەنگۆسه و پای	توو	toe <i>n</i>
جیواب	پەنجە ی پی		
(شکلات) تافی	جوۆی شیرینی لە قەن و شیر	ئفی	toffee=toffy <i>n</i>
باهم - همزمان، دورهم	چکلیت (مەرسووم) جە پاوە نە پیۆرە - لە گەڵ یە ک	ئجیر	together <i>adv</i>
باهمدیگر	جە یە ک وە ختە نە، پیکە وە		
توالت - آبزیگاه، توالت	مەستەراو - کەناراو	توبلیت	toilet <sup>1</sup> <i>n</i>
(آرایش)	موۆرەزگا، ئارایش		
نشانه، علامت، هدیه، ژتون	قیزگە - نیشانه، دیاری	تووکین	token <i>n</i>
گوجه فرنگی	نیشانی - یاگی - جی	تیل	told <i>see tell</i>
	تەماتە - تەماتی	تئویمینو	tomato <i>n</i> (toes جمع)
	تو ماتیز		
قبر، گور، آرامگاه	قەرە - قەبر - گور	تووم	tomb <i>n</i>
	گورە - زیارەت - گلکو		
سنگ قبر	بەرە قەر - سەرپوش	تووم استون	tombstone <i>n</i>
فردا - آینده	بە یانی - سووی - سوۆحە نە	ئمارنو	tomorrow <i>n,adv</i>
	سبە ینی - داها توو، سە با		
تن (واحد اندازه گیری)	تۆن (ئەسپا یۆ ئەندازە گرتە ی)	تان (ئُن)	ton <i>n</i>
برابری با ۱۰۰۰ کیلو	هەزار کیلو - ئامرازی کیشان		

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
اهنگ صدا، تکیه صدا، آوا	جوړی ده‌نگ - جوړ و قسان	تتون	tone <i>n</i>
طنین، نغمه، صوت	قورس و سووکی ده‌نگ		
	حاله توده‌نگی، به‌زمومقام		
انبر، گیره، انبرک، قند	مه‌قاش - گیره، گاز	تانگیز	tongs <i>n</i>
زبان (در دهان) سخن	زوان جه‌دلی ده‌میه‌نه	تانی	tongue <i>n</i>
گوش	زبان له‌ناوده‌مداو تراو		
اشب	ئیشه‌و - ئیشه‌و، ئه‌وشه‌و	تینایت	tonight <i>n, adv</i>
تن (واحد اندازه‌گیری)	تۆن (یه‌ک ته‌ندازه‌گر)	تتون	ton <i>n</i>
هرتن ۱۰۰۰ کیلو است	تایره و کیشای (هه‌زار کیلو)		
همچنین، نیز - بیش از حد	هه‌روه‌ها - هه‌ر پاسه	توو	too <i>adv</i>
زیاد خیلی	زۆر - فره و فره‌راوان		
بُردن - گرفتن	به‌رده‌ی - گرت‌ه‌ی	تیک	took <i>see take</i>
	گرتن - بردن		
ابزار، وسیله، اسباب	وه‌سیله - چت - چپو	توول	tool <i>n</i>
بازیچه	ئه‌سپاو		
دندان - دندان، دنده، گاز	دیان - دان - ددان	توس (توت)	tooth <i>n</i>
	دنان - ددانه، دهنده‌ی ماشین		
دندان درد	دیان ئیشه - دان گل	توت‌لیک	toothache <i>n</i>
مسواک	دیان شو - مسواک	توت‌براش - برش	toothbrush <i>n</i>
خمیر دندان	خه‌میر دیان - هه‌ویری	توت‌پیست	toothpaste <i>n</i>
	شو‌ردنی دندان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نوک، قله، سر - سر، بالاتر	نووک - ئاسۆ - تۆپه، ده‌ر	تاب	top <sup>1</sup> n
فرفره، گلاهی بخاری	(گرو) له، لوتو ته سه‌ریان		
بلندترین، بالاترین	به‌رزترین - بان ته‌رین	تاب	top <sup>2</sup> adj
فرفره (نوع اسباب بازی)	خلۆ ته - جو ره ئه‌سیاو	تاب	top <sup>3</sup> n
اوج، سرپوش بطنی	بوکایه (بازی) خول خۆر		
موضوع مورد بحث / نوشته	عنوان - مه‌وزووع	تاپیک	topic n
مقوله، عنوان	مه‌تله‌و، نوسراوه		
لرزیدن و پایین افتادن	له‌رزین و که‌وته‌و خوار	تاپل	topple v
فرو افتادن	ئه‌وه‌دار یای		
چراغ قوه، مشعل	چرا قوه مه‌شعه له‌جۆش	تتوچ	torch n
مشعل جوشکاری	چلو سکە دراندن - دزیه‌ی		tore see tear
گردباد شدید	گه‌رده‌لول - خوله‌با	تۆرئیدو	tornado n
اژدر (غرق‌کننده کشتی)	با پیچه، تو فی ده‌ریایی		
	ئه‌ژده‌ره‌که‌شتی غه‌رق‌که‌ر	تۆرپدو	torpedo n
	که‌شتی ئاگر یاران که‌رله‌ده‌لیا		
سیل، طغیان، تنداب	هه‌ره‌سه‌سه‌یل - لافاو	تۆرنت	torrent n
سیل، آسا، تندابی	سه‌یل ئاسا هه‌ره‌س‌وار	تۆرئیل	torrential adj
	لافاو ئاسا		
سنگ پشت، لای پشت	کیسه‌ل - کیسه‌لی	تۆرتس (تیس)	tortoise n
شکنجه کردن / دادن	زه‌جر دان (دای) لی‌دان	تۆچر	torture v
	شکه‌نجه‌دای، گازی تاوه‌دای - ئه‌شکه‌نجه‌دان		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زجر، شکنجه، عذاب	زه جر - شه نجه	تُرچِر	torture <sup>n</sup>
رنج	گازوتاو، ره نچ دان		
انداختن، چنباندن، تکان دادن	خستن - چمنای - جواندن	تُس-تاس	toss <sup>v</sup>
غلت زدن	فره دان - تل دای، راه شانندن		
جمع، مجموع، جمع زدن	گشت - گردو گرد - تیکرا	تُتل (توتال)	total <sup>1 n</sup>
	به یه که وه - جه م، هه موان		
کامل، مطلق، تمام	کامل - ته وار - ته مام	توتال	total <sup>2 adj</sup>
مطلقاً، به طور کامل، به کلی	یه کسه ره - یه کسه ر	توتالی	totally <sup>adv</sup>
	به ته وای، به یه کجاری		
لمس کردن، دست مالیدن به	ته قیای - هور ته ق، ته قین به	تاچ	touch <sup>1 v</sup>
تماس پیدا کردن	تووش هاتن ده س لیدان		
لمس، سقوده لامسه، تماس	ده س پودهری بئوژه - توژی	تاچ	touch <sup>2 n</sup>
وابسته، اندکی	ده س لیڤه ری - هیژی وریایی و ناسینه ره		
سفت، سخت - قوی و شجاع	ره ق سه سخت، جیر، محکم	تاف-تف	tough <sup>adj</sup>
پُر طاقت، کله شق	سه بوور پته و، ته وقه به شه ر		
تور، سفر، گردش، گنگشت	توور - سه فهر	توور-توور	tour <sup>1 n</sup>
مسافرت کوتاه	سه یران، گول گه شت		
سفر کردن، تور رفتن	سه فهر کردن - سیران	تئور-توور	tour <sup>2 v</sup>
	کردن (که رده ی)		
سیاح، تور یست، جهانگرد	توور یست - سه یران که ر	تُر یست	tourist <sup>n</sup>
گردشگر	دنیا گیل - جه هان گه ر		

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
باطناب / زنجیر کشیدن	بوکسل کردن - کیشان	توو	tow <i>v</i>
بکسل کردن، یدک کشیدن	به ته ناف یا زنجیر - کیش کرده ی		
فر جهت، به سوی، به سمت	به رهو - رووهو - به لای	توردز	towards <i>prep</i>
به، مقابل، نزدیک به	روویه، به باری کا		
حوله دست و صورت	هوله - وشکۆ کهر	تول-تاؤل	towel <i>n</i>
	حهوله ی روو		
برج و بارو	بورج - برج - قه لآ	تاوړ	tower <i>n</i>
شهر، شهرک، مرکز شهر	شار - نه و دانی - شار هک	تاون	town <i>n</i>
تالار شهرداری، ساختمان	عماره تی کوڤره کان له شار،	تاون هل	town hall <i>n</i>
شهرداری	جه مخانه وشاری، خانووی		
	جه م بوونی مهردم له شار		
اسباب بازی، بازیچه	ئه سپا و بازی - ئه سبا بو	تتوی	toy <i>n</i>
وسیله سرگرمی	زه و روان - چییۆ قۆلی یا جتی منالانه		
ردپا، اثر، نشانه	یا گه پا - جی پی	تربیس	trace <sup>1</sup> <i>n</i>
جای چرخ	نیشان - شوین		
گهی گرفتن / کردن	وینه گرتن - کوپی کردن	تربیس	trace <sup>2</sup> <i>v</i>
دنبال کردن بردیابی کردن	شیوه گره ی، شوینا چون		
جاده سنگلاخی - پیست	جاده ی بهردین - جاده ی	تۆک	track <sup>1</sup> <i>n</i>
مسابقات	توه نین - شو نه - جاده		
ردپای حیوانی را دنبال کردن	له شوین چتی روین	تۆک	track <sup>2</sup> <i>v</i>
پیگیری کردن	شون هور که رده ی		

i:      ɪ      e      æ      a:      ɒ      ɔ:      ʊ      u:  
see      sit      ten      hat      arm      got      saw      put      too



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
تراکتور	تراکتۆر - ماشین بۆ	تَرَکْتِر	tractor <i>n</i>
داد و ستد - تجارت - کار	کیشان و کشت و کال تجارت سه‌دو فروشت	تَرِید	trade <sup>1</sup> <i>n</i>
(همراه با تخصص) معامله	کار - پیشه - کاسبی		
تجارت / معامله کردن	معامله کردن - تجارت	تَرِید	trade <sup>2</sup> <i>v</i>
خرید و فروش کردن	که‌رده‌ی - کاسبی که‌رده‌ی		
تاجر، بازرگان، سوداگر	تاجر - بازرگان	تَرِیدِر	trader <i>n</i>
کاسب، سوداگر	کاسب - بارورهش	تَرِیدِس‌مِین	tradesman <i>n</i>
سنت، آداب و رسوم، عَرَف	چت فروش دهب‌ده ستور پر سه‌م	تَرِیدِشِین	tradition <i>n</i>
عادات و رسوم	باوهری گهل و هۆز		
شتی، عَرَفی	ئه‌جدادی - ره‌گه‌زی	تَرِیدِشِنال	traditional <i>adj</i>
تردد، ترافیک، رفت و آمد	قه‌دیمی و ره‌سم و باو هاتو چوو - ئامه و لوا	تَرافِیک	traffic <i>n</i>
چراغ راهنمایی، چراغ قهرمز	چراوه و رانموونی	تَرافِیک لایتس	traffic lights <i>n</i>
تراژدی - نمایشنامه	چرای رینموونی وه ینام - نمایشنامه‌ی	تَرایزیدی (جیدی)	tragedy <i>n</i>
واقعی / جدی، ناخجعه	هه‌ره‌قه‌تی - مسیبه‌ت		
غم‌انگیز، مصیبت‌بار، جانسوز	نالهار - غه‌مگین	تَرایجِیک	tragic <i>adj</i>
دل‌خواش	پرله غه‌م - باروخه‌مان		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به طور مصیبت بار و دلخراش	به جوړی خه فه ت بار	تراجیکالی	tragically <i>adv</i>
ردنشانه؛ اثر بر دها براه باریک	به دَل میریای و ناله بار گاوه سن - خه ت - جیگه پی	تربیل	trall <i>n</i>
جاده سنگلاخی	نیشان کرد - شو نه، ریگا		
کاروان، تریلر، خانه متحرک	کاروان - تره یلی	تریلر	trailer <i>n</i>
ترن، قطار - رشته	گیای دیواری قه تاری ریگه ی ئاسن	ترین	train <sup>1</sup> <i>n</i>
ردیف، صف	قه تاری ئنسان یا		
تربیت کردن، تمرین دادن، تعلیم	جانه وهر - رز - رشته ته علیم دای (دان)	ترین	train <sup>2</sup> <i>v</i>
دادن؛ آماده کردن (خود/دیگری، ...)	به خێو کردن - په نه یا ونای		
تربیت، تمرین، پرورش	ته ربیه ت - په روه رده کردن	ترینینگ	training <i>n</i>
آموزش - کارآموزی	فرو کوش، فیر کردی		
خائن، خائن به میهن	خاین - دژ به نیشتمان	تربیتر	traitor <i>n</i>
وطن فروش، خیانت کار	وولات - جاش - خیانت کار		
اولر، بی خانمان و لگود	چۆره کی - ده رگیل	تزمپ	tramp <i>n</i>
خانه بدوش، قلندر	ئاواره - بی سه رو شوین		
لگد / لگد مال کردن	گه رال، ده له چه، خو پری شیلا ی - تلیپا که رده ی	تزمیل	trample <i>v</i>
پایمال کردن	ژیر پی خستن شیلا ندن، تلی قاندن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انتقال دادن، جابجاشدن	په نه دای - پیدان - واگوزار	تَرَسفِر	transfer <sup>1</sup> v
منتقل شدن	که رده ی - سپاردن به، بردن		
واگذاری، انتقال، جابجایی	سپارد - واگوزار کرد	تَرَسفِر	transfer <sup>2</sup> n
حواله	په نه دای - پیدان - جی به جی		
مسخ کردن، تغییر شکل دادن	خوگورین، واریای	تَرَسفِرم	transform v
رادیوی کوچک، توالیزستور	رادیوی بچووک - رادیوی	تَرَن زِستِر	transistor v
	وردی		
فعل متعدی یا مفعول دار	فعل متعدی - فرمانی	تَرَن سِ تِیو	transitive n, adj
	مه فعوول دار		
ترجمه کردن، برگرداندن	هورگیلانی - وه رگیژان	توان س رلیت	translate v
تبدیل کردن	هه لگه راندن		
ترجمه، ترجمان	وه رگیژا - هورگیلا	تَرَنسِلِشِن	translation n
	هورگیلناو، وه رگیژان		
شفاف، واضح	روشن زه رال - پرووناک	تَرَن سِ پِرنت	transparent adj
حمل و نقل کردن	ئه ورو د به رده ی - برد و	تَرانسپورت	transport <sup>1</sup> v
	گواست کردن - بردن و هاوردن		
توازی کردن	ئه ورو د به ر د بر دو گواست	تَرانسپورت	transport <sup>2</sup> n
حمل و نقل، حمل و تواریز	داو - ته لئی - دامه	تَرَب	trap <sup>1</sup> n
تله، دام، خفقه، ترفند	ته پله کی - به ره رته		
گیرانداختن، به تله انداختن	به ته له و سه ی - به دام	تَرَب	trap <sup>2</sup> v
	خستن - گیر خستن - رابرین		
به دام افتادن	سه فهر کردن		

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
travel <i>v</i>	تراول	ریگا پرین، سه‌فه رکردن	سفر کردن، پی‌موندن، گشتن
traveller <i>n</i>	تراولر	سه‌فه‌ری - دنیا گیل	مسافر، تورست، همنورد
trawler <i>n</i>	تراولر	جیهان‌گر ئاوگه‌ری ماهیگرتن	قایق / کشتی ماهیگیری
tray <i>n</i>	تری	سینی سه‌وه‌ته، ده‌وری	سینی (جویی، فلزی، ...)
tread <i>v</i>	ترد	پاپوره نیای - شیلای تلیقانندن - بی‌پیانان	لگد کردن، پا گذاشتن روی
treason <i>n</i>	تریژن	تلیپا که‌رده‌ی خیانت به‌نیستمان و وه‌لآت	خیانت به پادشاه، ...
treasure <i>n</i>	تریژر	خوفروش‌وی وره‌ش پسه‌جاشیگه‌ری گه‌نج - خه‌زانه	خیانت - به‌وطن گنج، گنجینه، خزانه
treasury <i>n</i>	تریژری	تلاوگه‌وه‌ر، ئالتون خه‌زانه‌داری - پاسی	پُرپها - ده‌فینه خزانه‌داری، صندوق دولت
treat <sup>1</sup> <i>n</i>	ترییت	گه‌نج‌گه‌نج‌بانی، هماری مالیات جه‌ژنه‌وه‌شی میمانی	خزانه مهمانی، سور - لذت‌حق
treat <sup>2</sup> <i>v</i>	ترییت	سه‌یران و خو‌شی ره‌فتار که‌رده‌ی چه‌نی...	کیف رفتار / درمان کردن
		ده‌رمان کردن، چاود‌یری	عمل کردن

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رفتار، معالجه، طرز برخورد	ره‌فتار - ته‌بیعت - یۆ	ترییت تمنت	treatment <i>n</i>
درمان	ده‌رمان - خوڤه‌رمان - عه‌لاج کردن		
پیمان، معاهده، عهدنامه	په‌پیمان - قه‌وڵ - پریار	ترییتی	treaty <i>n</i>
قرارداد	قه‌رار و په‌پیمان		
درخت، دار	دار - دره‌خت	تری	tree <i>n</i>
تکان خوردن، لرزیدن	ئه‌وه‌شه‌کیای - له‌رزین	تریمبل	tremble <i>v</i>
	له‌ریای - پشکان		
خیلی بزرگ، عظیم - عالی،	فره‌گه‌وره - یه‌کجار	تریمندیس	tremendous <i>adj</i>
شگفت‌انگیز، جانانه	زل - ترس‌دار - زاله‌به‌رزورگرنگ		
به‌طور شگفت‌انگیز	به‌ناپاوه‌ری - به‌عه‌جه‌یواتی	تریمندسلی	tremendously <i>adv</i>
گودال باریک عمیق حفر شده	درناله، چالی - چال	ترنچ	trench <i>n</i>
فرزمین - گودال - چال	تریشکه، کیه‌وگۆله		
تجاوز کردن، بی‌اجازه	زۆرملی که‌رده‌ی	ترس‌پس	trespass <i>v</i>
داخل شدن - تخلف کردن	گۆی نه‌دان، قانون شکینی		
متجاوز، متخلف	زۆرمل - نه‌ژنه‌وا	ترس‌پسر	trespasser <i>n</i>
	ناهق‌که‌ر، هۆرمل		
بازپرسی - تست، آزمون	تاقی که‌رده‌وه‌گۆومه‌خورد	تراپال	trial <i>n</i>
آزمایش - هوارت	لپرسینه‌وه - محاکیمه	تراپل	
مثلث، سه‌گوشه، سه‌ضلعی	سێ گۆشه - یه‌ره‌سووچ	ترای‌انگیل	triangle <i>n</i>
	سێ په‌ل		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مثلثی شکل، مثلثی سه گوش	یه‌ره سووچی سێ گۆشه	ترای انجیولر	triangular <i>adj</i>
طایفه، قبیله، قوم، ایل	هۆز - تایفه - گهل	تزیب‌تزیاب	tribe <i>n</i>
عشیره	خیل - عیل - قه‌وم		
ایلی، طایفه‌ای، قبیله‌ای	عیلی - تایفه‌یی	تزیب‌ل	tribal <i>adj</i>
عشایری	هۆزی، خیلی		
شعبه قرعی رودخانه	له‌قی رووبار - باجده‌ر	تری بیوتیری	tributary <i>n</i>
شاخابه	شاخه و روخانه‌ی		
ستایش - پیشکشی، پول‌زور	سه‌ره‌په‌ری - سه‌ره‌په‌ی	تری بیوت	tribute <i>n</i>
خراج، باج	نامنا - پی‌به‌خش		
کلک - شیطنت، شوخی	باجه - باج، پولی باج		
حیله، ترفند	زۆلی فیل‌هه تیمچه‌گه‌ری	تریک	trick <sup>1</sup> <i>n</i>
خفه‌زدن، کلک‌زدن	نادروس - گۆل		
گوشبری کردن	خله تاندن - ناپی‌اگی کردن	تریک	trick <sup>2</sup> <i>v</i>
قطره قطره جاری شدن	فهریودان - گۆل‌دای		
چکیدن، نشت کردن	تک‌تک‌رژیان - تکه‌تک‌نامه‌ی	تری‌کل	trickle <i>v</i>
جریان‌چکه‌چکه، جریان‌کم	تکه‌تکه‌رده‌ی - تکیان‌وده‌لاندن		
سه‌چرخه	تکه‌تک - تکه - دل‌و‌پ	تری‌کل	trickle <i>n</i>
	رژانه‌وه - قه‌تره‌قه‌تره‌هاتن		
	سێ ته‌که‌ره - یه‌ره‌ئه‌راده	تری‌سیکل	tricycle <i>n</i>
	سێ چه‌رخه		

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
tried <i>see</i> try	تراید	کۆشش و ته قالا کردن	کوشش کردن
		ههول دان	
trigger <i>n</i>	تریجر	ماشه و تفهنگی	ماشه (تفنگ)
		ماشه ی تفهنگ	
trim <i>n, adj</i>	ترایم	پۆشته - ته داره ک و رازنه وه	پیراستگی - آراستگی
		ته میس - رازانه وه ش دوخت	تزیین
trip <sup>1</sup> <i>n</i>	تریپ	گیله ی سه یران - سه فهر	مسافرت کوتاه، گردش، سفر
		دیدار و گه یران	
trip <sup>2</sup> <i>v-n</i>	تریپ	خه تا کردن - شه وه دار یای	سکندری خوردن - بسر
		به هه له چون که وتن - هه له - خه تا	افتادن، بایکوبی کردن
triumph <i>n</i>	ترایمف	سه رکه وت - پیروزی	فتح - جشن پیروزی، ظفر
		به رته وه - شادی	
trod <i>see</i> tread <i>v</i>	تراد	تلنای - تلاندن	پا گذاشتن بر - پایمال کردن
		ژیرپی خستن	
trodden <i>see</i> tread <i>v</i>	ترد	تلیقنای - له قه شیل	له کردن - لگد کردن
		که رده ی - شیلاندن	
trolley <i>n</i>	ترالی	تتوبوس به رقی	ترامول، اتوبوس برقی
troop <i>n</i>	تروپ	گهل - پهل - به ی	قشون، لوتش، سربازان
		گرو - سه روازی - له شکر	دسته - گروه
trophy <i>n</i>	تروفی	تالانی جهنگ - خه لات	جایزه (مسابقه / بازی)
		جایزه، نیشانی سه رکه وتن	نشان پیروزی

ua      p      b      t      d      k      g      tf      d3  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
tropics <i>n</i>	تروپیکس	وه لاتی گهرمه سیر-گه رمیان	مناطق گرمسیری
		مه دار (پانی جوغرافیایی)	مدار - استوایی
tropical <i>adj</i>	تروپیکال	گه رمیانی گهرمه سیری گهرم	گرمسیری-داغ، حازه
trot <i>v</i>	ترات	غار کردن - چوارنالی لوائی	یورتمه رفتن، ریز هودین
trot <i>n</i>	ترات	چوارنالی - غار غاری به تاو	یورتمه، چهارنعل روی
trouble <sup>1</sup> <i>n</i>	ترابل	گرفتاری - ناره حهت	ازدگی، آشفتگی، درد
		دهردیسهر، دلّه شوره	بدببیری - نگرانی
trouble <sup>2</sup> <i>v</i>	ترابل	عه مگین کهرده ی	آزوده ساختن / کردن
		پوره کولیی - زه حمهت دان	ناراحت کردن
trough <i>n</i>	تُرُف (تراف)	قمه وحه یوانی - تاو خورگا	آخور، آبشخور
trousers <i>n.pl</i>	تروزرز	پانتول - شه وال	شلوار
		پاوه ری - پاتوللی	
trowel <i>n</i>	تروال	بیلچه - ماله - گیواو	بیلچه (باغبانی)، مالی بنایی
		هورکیش	
truant <i>n</i>	تروانت	زه وروی مه دره سه رهم	طفل گریز یا از مدرسه
		منالی راکهرله مه دره سه	وظیفه شناس
truck <i>n</i>	تراک	ماشینی باری - جی قه تار	واگن - کامیون، بارکش
true <i>adj</i>	تروو	راسته قینه - پاس	درست، صحیح، راست، اصل
		خودایی - ههره قه تی، عه سل	واقعی، حقیقی
truly <i>adv</i>	تروولی	له حه قیقهت ببه راستی	به راستی، در واقع، واقعا



فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ترومپت (نوعی ساز بادی)	جوڤڤی ساز - جوڤڤو	ترامپیت	trumpet <i>n</i>
گُرنا = شیبور	شه پیوڤری وادهم سازی، باده مین		
تنه درخت / آدم - چمدان	ته موه دره خت - کوته	ترانک	trunk <i>n</i>
خرطوم، فیل، صندوق	چه مه دان - یه غدان		
مایوی شنا	تونکی - حیا پوش، ته موه	ترانکس	trunks <i>n</i>
	تونوکه ی مه له کردن، ناوچه دی دار		
اعتماد داشتن / توکل کردن	باوړکرن به وړپه نه بیه ی	تراست	trust <sup>1</sup> <i>v</i>
معتد، امین، رازدار	جیی باوړ - یاگه به وړ	تراست وړتی	trustworthy <i>adj</i>
اعتماد، اطمینان، توکل	به وړیا وړ - نه قیدیه	تراست	trust <sup>2</sup> <i>n</i>
راستی، حقیقت، صداقت	راسی - راسی - هه ق	ترووت	truth <i>n</i>
صادق، راستگو، صدیق	راست و پښاساق - دروست	ترو و تفل	truthful <i>adj</i>
سمی کردن - آزمودن	هه وڵ دان - کوښش که رده ی	ترای	try <sup>1</sup> <i>v</i>
تلاش کردن - محاکمه کردن	تاقی کردن - حه ول دای		
تلاش، سعی، کوشش، تکاپو	هه وڵ - کوښش - حول	ترای	try <sup>2</sup> <i>n</i>
	ته قالا، پله قازی		
ثشت (چوبی / فلزی) - وان	کاسه من - لانه جینه، له گان	تاب	tub <i>n</i>
لگن، تغار	ته شتی چوین (چیوی) وان		
لوله - تیوب - مترو	لولی لولوله - لاستیکی	تیوبوب	tube <i>n</i>
استوانه - خرخره - نای	ناسکی ته که ری ماشین - مترو		
تو کردن / زدن - جمع کردن	قوڵ هورداي - دلئی نیای	تاک	tuck <i>v</i>
بالا زدن، چین دوختن	(له ناوینان) - چه م کردن، دولا کردن (قوڵ)		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
سه‌شنبه	سێ شەمه - یەره شەمه	تیووژدی	Tuesday <i>n</i>
انبوهی، پریشتی (هو، علف...)	پۆر-پۆر-پەر (ریش گیا)	تافت	tuft <i>n</i>
کاگل فر مرغ‌دسته	خه‌مانه، فکۆل، کلاوی که‌رگی		
محکم / سخت کشیدن	به‌نق و جهر کیشای به‌زور	تاگی	tug <sup>1</sup> <i>v</i> (bat)
	کیشان - ته‌قالا که‌رده‌ی		
کشش ناگهانی - گوشش، تقلا	ته‌قالا - کو‌شش هه‌ول	تاگی	tug <sup>2</sup> <i>n</i>
	ئه‌زله‌قه‌نا وامه‌ کیشای		
یدک‌کش، کشتی یدک‌کش	که‌شتی یاری ده‌ریه‌ده‌ کدار	تاگی	tug <sup>3</sup> or tugboat <i>n</i>
	ئاوگه‌ری یارمه‌تی		
به‌ناگاه‌افتادن، پُشتک‌زدن	گلیرای - خزای - که‌وتن له	تامبل	tumble <i>v</i>
	ناکا - نا وامه‌ گنای - پاتروزیکی		
غلت و معلق زدن	پیاله - ئاوخوری	تامبلر	tumbler <i>n</i>
	لیوان، سه‌ملوقواتبه‌ر		
لحن، مقام (در موسیقی)	مقام - به‌زم - ئاهه‌نگ	تیوون	tune <sup>1</sup> <i>n</i>
کوک‌کردن (آلت موسیقی)	کۆک‌که‌رده‌ی - کۆک‌کردنی له	تیوون	tune <sup>2</sup> <i>v</i>
	موسیقیا - ته‌نزیم کردن		
تنظیم و رکلاژ کردن	نکم - کیه - کیه‌ره	تانیل	tunnel <sup>1</sup> <i>n</i>
نقب، تونل، راهرو	چاروله، کونه‌ژیره‌وی		
	کیه‌ره که‌نه‌ی - نکم‌لیدان	تانیل	tunnel <sup>2</sup> <i>v</i>
	تونه‌یل لیدان		
عمامه، دستار، گلازه‌نانه	کلاره‌سمال - پیچه‌ی سه‌رفیس تیرین		turban <i>n</i>

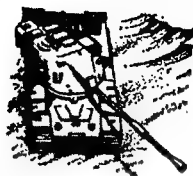
i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بو قلمون، کشور ترکیه	به قلمه مو ته - بۆقله	تُرکی	turkey <sup>n</sup>
چرخیدن، چرخاندن - پیچیدن،	وه لا توترکیه ی (تورکیا) چه رخاندن - پیچ دای	تِرَن	turn <sup>1</sup> <sub>v</sub>
عوض کردن، تغییر دادن	قه مچیا ی هه لگه ریان و پلایان		
(جهت / موقعیت) بالغ شدن	خولدان واری - لا دای (دان) له رِی		turn <sup>2</sup> <sub>n</sub>
چرخش، گردش - تغییر مسیر	چه رخان - قه مچ - پیچ، کار	تِرَن	
/ جهت، پیچ - نوبت، فرصت	هه له وگه ره و رگیل - خول، نوگه		
شوگ، دوره، طرز	بار - لا - نوگه - سوور، ته کان - یادان		turning <sub>n</sub>
پیچ، دوراهی جاده	پیچ له جاده دو ورینه	تِرَنینگ	
محل انحراف راه	دووه رایی جاده ی، قه مچ و یادان		
لاک پشت (ابی)	کیسه ل ئاوی - کیسه لی ئاویه	تِرَنل	turtle <sub>n</sub>
دندان، عاج (فیل، گراز، ...)	شفره و خو وگی - ددانی	تاسک	tusk <sub>n</sub>
دندان دراز	به راز - عاجه فیل		
معلم خصوصی (فرد /	له له و دایان - سه پرس	تیوتِر	tutor <sup>1</sup> <sub>n</sub>
کلاس کوچک (معلم خاله	فیر که ری تایوه تی - قه یۆم		
تدریس (خصوصی) کردن	ده رز دای تایوه تی	تیوتِر	tutor <sup>2</sup> <sub>v</sub>
معلمی کردن	ده رسی تاییه تی دان له مال		T.V. see television
	دایانی بۆ کردن		
موچین رو	مو وکه ن - مو وکیش	توییزرز	tweezers <sub>npI</sub>
	مو وچن		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
عدد ١٢	دوازده - دوازده	تولو	twelve <i>n,adj</i>
دوازدهم، دوازدهمین، $\frac{1}{12}$	دوازدهمین - دوازدهم	تولفس (ت)	twelfth <i>n,adj</i>
عدد ٢٠	ژماره ی بیست - شماره ی بیست	تونتی	twenty <i>n,adj (pl-iies)</i>
بیستم، بیستمین	بیستم - بیستم	تونتیس (ت)	twentieth <i>n,adj</i>
دو بار، دو دفعه، دو برابر	دو جار - دو	توآیس	twice <i>adv</i>
شاخه کوچک، تَرک، خَس	تَهَرک - شیکه - چَل	تویک	twig <i>n</i>
دو قلو، جفت، دو تایی	دوانی - دوانه	توین	twin <i>n</i>
سوسو زدن، چشمک زدن	زیوه زریو کردن - برووکیای	توین کل	twinkle <i>v</i>
درخشیدن، برق زدن	وریجه وریج که رده ی، دروْشان		
نابیدن / تاباندن (نخ، مو،...)	رِیسین - رِیسان، پِیچان	تویست	twist <sup>1</sup> <i>v</i>
کج کردن، به خود پیچیدن	رِیسای ببادان، لار کردن		
تاب، پیچ - چرخش، پیچش	بادان - رِیسه - پِیچ دا	تویست	twist <sup>2</sup> <i>n</i>
خم، دستکاری و تحریف	خولنا، قه مچ و پِیچ		
بی اختیار تکان دادن، اجزاء بدن	له رزۆک بیه ی له ش له قینه بون	تویج	twitch <i>v-n</i>
لرزش داشتن بدن	تهز نامه ی له رزین - ئالاوی - غرینی له ش		
تیک، عصبی، تشنج، تکان	خول له قه قه فره که رده ی		
	له رزۆک - تهز له رزه نوک	تویج	twitch <i>n</i>
	دا چله ک - گلموچه - جه موبوون		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
عدد ٢	ژماره‌ی دو و شماره‌ی دو و ٢	توو	two <sup>n,adj</sup>
نوع، تیپ، نمونه، جور	جۆر - نوع - شیواز	تایپ (تیپ)	type <sup>1</sup> <sub>n</sub>
تیپیک، نوعی، ویژه، خاص	جۆری راسته قینه، نمونه	تیپیکال	typical <sup>adj</sup>
تایپ کردن / نمودن	نویسته‌ی - نوسان	تایپ	type <sup>2</sup> <sub>v</sub>
نامگذاری و شناسایی کردن	ماشین کردن، ناویان		
ماشین تحریر و نوشتن	ماشینی نووسین	تایپ‌رایتر	typewriter <sub>n</sub>
	ماشینو نویسه‌ی		
تایپیست، ماشین نویس	ماشین نوس (نویس)	تایپیست	typist <sub>n</sub>
توفان، تندباد در آلبانوسها	تۆف - وای سِر سِر	تای فوون	typhoon <sub>n</sub>
	تۆفان - تون‌باله ده‌لیا کان		
شخص مستبد ستمگر	مروفی زالم - پیای زالم	تایرنت	tyrant <sub>n</sub>
ظالم	ونابه کار - حاکمی زالم		
حکومت استبدادی، جور و ظلم	ده‌وله تی ئستبدادی	تیرنی	tyranny <sub>n</sub>
بیداد و درندگی	دلوه تی دژمه نو ئازادی		
	حکومته تی زلم، بی‌داد و جهور		
تایر، لاستیک چرخ	ته‌که‌ر - ئه‌را ده - تایر	تایر	tyre = tire <sub>n</sub>
حلقه لاستیک	هه‌لقه لاستیک		
فبتدی - آدم‌ناشی، نوچه	کار نه‌زان، تازه‌کار، گونده‌وکه‌گیر	تایرونو	tyro = tiro <sub>n</sub>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لقب پادشاهان روسیه	له قه‌بی شا‌کانی روس	سزار سزارا	<b>tzar = czar</b> <i>n</i>
زخم عفونی حاصل از خنجر	زامی تیروخه نجه‌رکه‌له	تیراوی	<b>tyrawe</b> <i>n</i>
وتیرزهری که فراورامانات	میژ‌ه وه، له‌هه ورامان، ناوی		
در قدیم مرسوم بوده	تیراوی بو‌ه وه داروی عیلاجی،		
نام منطقه و یک ایل	که م‌بو‌ه چون تیره کان سه‌می بوون		<b>tylakow</b> <i>n</i>
سلحشور کُود در بین سقز و	تيله کوناوی ناوچ ییکه‌له دهه تی‌له‌کو		
دیواندزه با مرکزیت ایرانشاه	و روبه‌ری شاری سه قزوئیوی		
می‌بایند که عده‌ای در عهد	طایفه یه‌ک کوردی جاف‌له‌ومه		
سلجوقیان به اطراف یاسوج	لبه‌نده یه‌که‌له سه‌رده می‌ناشوریه		
نقل مکان کرده‌اند و در عهد	کان تیل یا خا‌که تلایان‌له و ناوچه		
آشوریان خاک طلا در این	ده‌رهیناوه و ئه‌م وشه‌ناشوریه		
منطقه استخراج می‌کرده‌اند که	یانی کیوی تلادار		
<i>Tylakow</i>			
(تیل‌کو) یک کلمه آشوری			
واژ دویخش: تیل یعنی خاک طلا و			
کو یعنی کوه تشکیل شده‌است			



TANK



TEAPOT



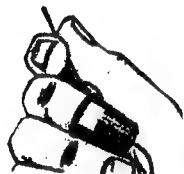
TIGER



TRUMPET



TELESCOPE



THIMBLE



TIARA



TURBAN



TROWELS



TORCHES



# U u

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>U</b>	یو	بیست و یه که مین پیتی نه لقبای	بیست و یکمین حرف الفبای انگلیسی
<b>ubiquitous</b> <i>adj</i>	یوبی کوی تس	هه میشه حازر له هه رجی	حاضر در همه جا
<b>udder</b> <i>n</i>	آدر	گوانی حه یوان	پستان گاو و غیره
<b>ugliness</b> <i>b</i>	اگلی نس	ونتالی - قه لبی	زشتی، ببقیافه، کریه
<b>ugh</b> <i>int</i>	اُاوخ	ناشیرین جی فهری، ئو	اُخ - آه
<b>ugly</b> <i>adj</i>	اگلی	خوین تال - و نتال	زشت، کویه، زننده
		دیو ئاسا، بی فەر	لقب
<b>umbrella</b> <i>n</i>	امپرلا	چه تر، چه تره	چتر
<b>umpire</b> <i>n</i>	امپایر	سه رگه مه کایه بین سه رحوکم	داور مسابقه، میانجی، داوری کردن
<b>unable</b> <i>n</i>	آن ایل	زایف - عاجز، نه زان کار	ناتوان (هر انجام کاری)
<b>unanimous</b> <i>adj</i>	یوئنی مز	هه م تسه هه م فکر ها نه زه ر	همای، به اتفاق آراء
<b>uncertain</b> <i>adj</i>	آن بیرتن	دووشک - گمی - نامه علووم	نامطمئن، مردد، نامعلوم
<b>uncle</b> <i>n</i>	آن کل	لالو - مامو - خالو	عمو، دایی، شوهر خاله / عمه
مام شوی پور شو دیدی (مه تیه)			

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
ناراحت، ناراحت‌کننده، معذب	ناره حهت - خه م بار	آن کام فور تیل	<b>uncomfortable</b> <i>adj</i>
غیر عادی، کمیاب، نادر	نالە بار - نار یک، که م، نه وی	آن کوین (کابین)	<b>uncommon</b> <i>adj</i>
بی‌هوش - غافل، ناآگاه	بی هوش - غافل، بی‌خه بهر	آن کون شیز	<b>unconscious</b> <i>adj</i>
کشف کردن / نمودن	په نه زانای - ده رکه وتن	آن کاوړ	<b>uncover</b> <i>v</i>
زیر، پایین، کمتر از، زیرین	چیر - ژیر که متر له، پایه بند	آن ډر	<b>under</b> <i>prep, adv</i>
پایین تراز، زیر نظر	خوار تر - وار ته رجه		
تحمل کردن - تن در دادن	تا قهت به رده ی سه بر کردن	آن ډر گو	<b>undergo</b> <i>v</i>
دانشجوی دانشگاه - محصل	دانشجو - مه دره سه یی	آندر گراجویات	<b>undergraduate</b> <i>n</i>
زیرزمینی - زیر زمین، افراطی	ژیرزه وی - چیرزه مین	آندر گزوند	<b>underground</b> <sup>1</sup> <i>adj, adv</i>
مترو، قطار، زیرزمینی	ژیرفر - مترو - قه تاری	آندر گزوند	<b>underground</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
	ژیرزه وینی		
زیربست، گیاهان زیر درختان	ژیرروا و - چیر سه وزیه	آندر گروت	<b>undergrowth</b> <i>n</i>
خط کشیدن، زیرچیزی	هیل ژیر کیشان - خیت	آندر لاین	<b>underline</b> <i>v</i>
تأکید کردن	چیر کیشای، مالوم کردن		
زیر - پایین، زیرین	ژیر - چیری، خواروار	آندر یت	<b>underneath</b> <i>prep, adv</i>
دانستن، فهمیدن	زانای - فامین	آن دیرس تئند	<b>understand</b> <i>v</i>
قلق چیزی را فهمیدن	حالی به ی - زانین		
فهم، درک، برداشت، شناخت	فام - شعور - ده رک	آن دیرس تئندینگ	<b>understanding</b> <i>n</i>
تعهد کردن، پذیرفتن	به مل گرت ه ی - قه بو و کردن	آندر یتک	<b>undertake</b> <i>v</i>
زیرپوش، لباس زیر، زیرشلوار	چیر پوش - ژیر لباس	آندیر وړ	<b>underwear</b> <i>n</i>
گره باز / شل کردن	لکو که رده ی - تلیش نای	آن دو	<b>undo</b> <i>v</i>
خشی و باطل کردن	شل کردن، حراز کردن، له کار خستن		

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ʊ	u:	
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
مطمئناً، بدون شک	بێ شک - بێ زهه	آن دو تێدلی	undoubtedly <i>adv</i>
	بزانه - حتم بزانه		
لباس درآوردن / کندن	لیباس بهر ته ورده ی	آن دێس	undress <i>v</i>
لخت شدن	جل ده رهاوردن، روتو بون		
دلواپس، نگران، بی آرام	په کهر - په شیو - خه مین	آن لزی	uneasy <i>adj</i>
بدلواپسی، بابی قرار ی	به په کهری به په شیوی	آن لزی	uneasily <i>adv</i>
بیکاری، بی مصرف	بێ کار - به ره لالا - به تال	آن ام پلوید	unemployed <i>adj</i>
بیکاری، بی شغلی	بێ کاری - به تالی، وه یلانی	آن ام پلویمنت	unemployment <i>n</i>
ناهموار، نامسطح، ناصاف	قۆز، ناریک، ناساف	آن لون	uneven <i>adj</i>
غیر منتظره، پیش بینی	نا باوهر - بێ باوهر	آن اکر پکتد	unexpected <i>adj</i>
نشده	ناوامه - له نا کاو		
به طور غیر منتظره، به صورت	به نا به وری - بێ ئستزاری	آن اکر پکتدلی	unexpectedly <i>adv</i>
غیر مترقیه			
نا عادلانه، تبعیض آمیز	نا هه ق - نا عادلانه	آن فیر	unfair <i>adj</i>
شل کردن، باز کردن	واز کردن - شل که رده ی	آن فایسن	unfasten <i>v</i>
	به ره دای - نه وه که رده ی		
لای چیزی را باز کردن	ده مو دپریه ی - لای چتی	آن فولد	unfold <i>v</i>
پهن کردن و گستردن	واز کردن به رو سه یی داخستن		
نگونیمخت، بدشانس	بێ به خت - داماک	آن فور چنت	unfortunate <i>adj</i>
بد اقبال	چاره سیاو، به دشانس		
بدبختانه، با کمال تأسف	به بێ شانس ی - به داماگی	آن فور چنتلی	unfortunately <i>adj</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
غیر دوستانه، نامهربان	ناپاوانه - دورو و نه	آن فرزندلی	unfriendly <i>adj</i>
سود - نه چوشت	ره فیتی، سه رد		
ناسپاس، سفله	ناسپاس - ناشوکر	آن گرت فول	ungrateful <i>adj</i>
غمگین، محزون، ناشاد	ناشاد - خه مین مه لوول	آن هپی	unhappy <i>adj</i>
غیر بهداشتی، بزیابخش	دورو و نه پاک - نا ته میس	آن هل سی	unhealthy <i>adj</i>
لباس فرم، یونیفورم، بیکدست	جووړی لباس - لیباس سیوه	یونیفورم	uniform <i>n</i>
یکجور - هم شکل	ته یوه تی (یه کجور)، وه ک یه ک		
وحدت، اتحاد - اتحادیه	یه کیه تی - یوگری	یونین	union <i>n</i>
همبستگی - وصلت	یویی - پیکه وه		
یگانه، یکتا، تک	بی نه زیر - جیاواز	یونیک	unique <i>adj</i>
بی نظیر	به سی یه ک - ته نیا یو - تا قانه		
یک - عدد، دانه، قسمت	یو - یه کی - ده سه ی - ده سی، به ش	یونیت	unit <i>n</i>
متحد کردن / شدن / ساختن	یه کی کردن - یو بیه ی	یونایت	unite <i>v</i>
به هم پیوستن، یکی شدن	یو که رده ی، یه ک گرتن		
عالم هستی، جهان، گیهان، گییتی	دو نیا - دنیا - جیهان	یونیورس	universe <i>n</i>
جهانی - همگانی، عمومی	دنیا یی - گشتی، عالم گر	یونیورسال	universal <i>adj</i>
	تینو و گردی - جیهانی		
دانشگاه، مدرسه عالی	دانژگا - دانشگا، زانکو	یونیورسیتی	university <i>n</i>
نا عادلانه، غیر منصفانه	ناهق - نادرووس	آن جاست	unjust <i>adj</i>
ناروا	بی عه دلی		
به طور غیر منصفانه و ناروا	به نادرووسی به ناهق	آن جاستلی	unjustly <i>adv</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نامهربان، کم لطف، بی محبت	دل‌ره‌ش - نا‌کۆک، که‌م میل	آن کایند	unkind <i>adj</i>
	بی شه‌وق - بی لوتف		
ناشناس، ناشناخته، غریبه	نه ژناس - نه ناس یا - نه ناس	آن ناو (نۆن)	unknown <i>adj</i>
اگر نه - مگر این‌که، جز آن‌که	سامه‌گه - جگه‌نا نه یه	آن لیس	unless
جز	ده‌بی - مه‌گه‌ر، بی‌جگه		
برخلاف، غیر، نا‌مشابه	دژی - پی‌چوانه - غه‌یرو	آن لایک	unlike <i>prep</i>
بعید، نامحتمل، باور نکردنی	دوورله - جه‌باوهری دوور	آن لایکلی	unlikely <i>adj</i>
بار خالی کردن، قالب کردن	باردا گرتن باریه‌ره گرتی	آن لود	unload <i>v</i>
(با کاید) باز کردن، بشودن	قوڵف نه‌وه که‌رده‌ی	آن لاک	unlock <i>v</i>
	قوڵف واز کردن به کلیل واز کردن		
نحس، بدیمن، بدشانس	به‌دیومن - ناموباره‌ک	آن لاک‌ی	unlucky <i>adj</i>
	به‌دشانس - نه‌حس - نگبته		
غیر ضروری، نا لازم	به‌کارنامه‌به که‌لک نه‌هات	آن نی‌سیسیری	unnecessary <i>adj</i>
	زه‌رور نه‌بون		
خالی کردن و باز کردن (چمدان)	خالی کردن - خالی که‌رده‌ی	آن پک	unpack <i>v</i>
ناخوشایند، زننده، ناگوار	ناخو‌ش - ناشاد - خراو	آن پلزنه‌ت	unpleasant <i>adj</i>
به‌طور ناخوشایند، به‌طور	به‌ناشادی - به‌خراوی	آن پلزنه‌تلی	unpleasantly <i>adv</i>
نامطبوع	به‌ناخو‌شی		
نامعقول، زیاد	نال‌ه‌بار، ناما‌قول، ناجو‌ر	آن ریزن‌لیل	unreasonable <i>adj</i>
نامطمئن، غیر قابل اطمینان	بی‌ث‌میتان - جاو‌ر په‌نه‌وه	آن رلی‌لیل	unreliable <i>adj</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
نااهن، خطرناک، ناآرام	پرخه تەر - بێ ئه منی	آن سی ف	unsafe <i>adj</i>
غیروفا بیتبخش، بد	مه ترسی دار ناکوکی - ناره زایه تی	آن ساتیس فاکتری	unsatisfactory <i>adj</i>
نمست، ناپایدار، بی ثبات	ناباشی شل - فش - ناپته و	آن استدی	unsteady <i>adj</i>
به صورت ناپایدار	بێ مه زاج به ناپته وی - به فشی	آن استدیلی	unsteadily <i>adv</i>
نامناسب، ناجور، ناشایست	به جار و بار ناجوړ، ناشایس، ناله بار	آن سویتیل	unsuitable <i>adj</i>
نامنظم، به هم ریخته، نامرتب	ناریک شیو یا شیواو	آن تادی	untidy <i>adj</i>
به طور نامنظم / نامرتب	به شیواوی - به شیرزی	آن تایدیلی	untidily <i>adv</i>
گرم... و باز کردن	لک نه وه که رده ی لک واز	آن تای	untile <i>v</i>
حل و فصل کردن	کردن گری و از کردن، سامان دان		
تا، تا اینکه، تا وقتی که	تا - تا کوو	آن تیل	until or till <i>prep, conj</i>
نادرست، غیر واقعی، بی وفا	نادروس، نابه جان، داروس	آن تروو	untrue <i>adj</i>
غیرعادی، فوق العاده	عه جه یو د و و رجه نه قل	آن یوزؤل	unusual <i>adj</i>
به طور غیرعادی و عجیب	به جووری ناباوهر	آن یوزؤلی	unusually <i>adv</i>
مريض، بیمار، ناخوش، بیمارگونه	به عه جه ییاتی نه وه ش، نه ساق، نه خوش	آن ول	unwell <i>adj</i>
بی میل، ناراضی، ناخواهان	بێ مه یلی، نه رازی، نه ره زا	آن ویلینگ	unwilling <i>adj</i>
با بی میلی و ناراضی	به بێ مه یلی، به دل ناره زی	آن ویلینگلی	unwillingly <i>adv</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گوه... را باز کردن	لک وازکردن-لک ته وه	آن ویند	unwind <sup>v</sup>
تمدّد اعصاب کردن	که رده ی-وازکردن، بواردن		
بی شعور - غیرعقلانه	بی ته قل - بی شعور	آن وایز	unwise <sup>adj</sup>
	بی فکر		
بالا، از / به / در بالا، به / در	بان-جه به-جه سه ر	آپ	up <sup>adv, prep, adj</sup>
حالت ایستاده / برخاسته	له بان		
مدرن، جدید، تازه، صبروز	تازه - نو - نو ی	آپ تودیت	up to date <sup>adj</sup>
برفلز (آسمان، ...) به بالا	رو به بان-رو به سه ر	آپ ورنز	upwards <sup>adv</sup>
سربالایی، به طرف خله	سه ره و ژور سه ره و کوو	آپ هیل	uphill <sup>see hill adj</sup>
بر، به بروی، بالای، نزدیک	له رووی جانی سه رجه	آپ آن (لیان)	upon <sup>prep</sup>
بالا تر، فوقانی، بالایی، بلندتر	باننگ - سه ری - بانتر	آپر	upper <sup>adj</sup>
عمودی، راست، قائم، شریف	قنچ-راوه ستاو-کو له که	آپ رایت	upright <sup>adj</sup>
چپه کردن / نشدن، وارونه کردن	هو رده رده ی-هه ل دیران	آپ عیت	upset <sup>v</sup>
وارونه - به طور معکوس	هو رو گیلّا - ژیرویان	آپ ساید دوان	upside-down <sup>adj</sup>
زیر و رو - آشفته	هه لو گه ریّا، شیواو		
طبقه بالا، بالایی، بلکان	سه رخا ن-قاتی بان سه ره وه	آپ استیز	upstairs <sup>see stairs adj</sup>
وادر به انجام کاری کردن	بیگاری گرت ی - به	لرچ (لج)	urge <sup>1 v</sup>
اصرار کردن	زو ربه کار کیشان، زور هیتان		
اشتیاق، شوق، اصرار، میل زیاد	شوق سه یل، زورحه ز	لرچ	urge <sup>2 n</sup>
فوری، خیلی مهم، فشر	زوو - فره مهیم - زور	لرچنتلی	urgent <sup>adj</sup>
	به که لک، سمج	لرچنت	

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به صورت اورژانس	به فرره - به توندی	لارجنتلی	urgently <i>adv</i>
بافوریت	به په له - ئورژانسی		
مارا، به ما بخودمان	به ئیمه به هه مه - پیمه	أس	us <i>pron</i>
به کار بردن، مصرف کردن	به کار بردن به کار	یوز-یوس	use <sup>1</sup> <i>v</i>
استفاده کردن	به رده ی - که لک بردن		
کار کرده، کهنه، قراضه	کار کرده - به تال	یوزد	used <i>adj</i>
	کۆنه		
مصرف، استعمال، کاربرد	نستفاده - فه یدە	یوز	use <sup>2</sup> <i>n</i>
فایده، نیاز، سروال	که لک - به هره، نیاز		
مفید، سودمند، به درخور	باش - خاس - خه یردار، چاک	یوزفول	useful <i>adj</i>
به طور سودمند، به مفیدی	به خاصی - به باشی	یوزفولی	usefully <i>adv</i>
	به چاکی و عالی		
بی مصرف، بی فایده، بی اثر	بی سود بی فایده، بی عورزه	یوزلس	useless <i>adj</i>
به صورت بی مصرف، بی اثر	به بی سودی به بی که لکی	یوزلسلی	uselessly <i>adv</i>
آشنا با، معتاد به، مجبور به	عاده ت که رده - چه شته به	یوزدتو	used to <sup>1</sup> <i>adj</i>
عادت داشتن، مجبور بودن	عاده ت بیه ی - عاده ت	یوزدتو	used to <sup>2</sup> <i>v</i>
خوگرفتن	کردن (بوون) فیریون به		
مرسوم، معمول، عادی،	هه میشه بی حه ک جاران	یوزوال	usual <i>adj</i>
همیشگی	هه سم - عاده تی		
به طور معمول، معمولاً	به عاده ت - فره و	یوزوالی	usually <i>adv</i>
	جاران - هه میشه دایم		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
وسپله، ابزار (ضروری)	ده فر - چۆی - شت	یوتنسل	utensil <i>n</i>
ظرف، ابزار، آشپزخانه	ئامراز و ئه سپاو		
بیشترین، دورترین، حداکثر	فره تهرین - زۆرترین	آت موست	utmost <i>adj, n</i>
گفتن، صحبت کردن، ذکر کردن	وتن - قسه کرده ی - یاس کردن	آتر	utter <sup>1</sup> <i>v</i>
کل، کامل، صرف، تام، سراسرا	ته مام - ته واو - کامیل	آتر	utter <sup>2</sup> <i>adj</i>
به طور کل، کاملاً، سراسرا	به ته مامی به ته واوی، هه مو	آترلی	utterly <i>adv</i>
زیان کوچک - ملازه	زمانی چکۆله ی ناو قرو	یووویولی	uvula <i>n</i>
عیال پرست، زن دوست	مالو منال دۆس	اکسۆیس	uxorious <i>adj</i>
کشور ازبکستان	وه لاتی ئوزبه کستان	أزبکستان	uzbekistan
به آبستن مزارع و باغ ها	ئاژین کرده ی، ئاودان	أژین	uzhin <i>v</i>





CARROTS



CAULIFLOWER



BRUSSELS SPROUTS



LETTUCE



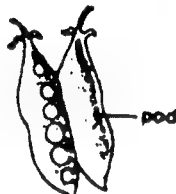
ONION



LEEK



CASSAVA



PEAS



YAM



PLANTAIN



PAPRIKA



CUCUMBER



MARROW



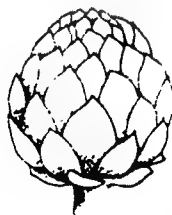
TOMATO



ZUCCHINI



CHICORY



GLOBEARTICHOKE



CABBAGE



EGGPLANT

# V v

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>V</b>	وی	بیست و دو و مین پیتە و ئەلقای	بیست و دو مین حرفا، الفبای انگلیسی
<b>va</b> <i>n</i>	وا	ناوی خودای باران له هه و راما	باد - وا - با
<b>vaw</b> (vow)	وناو - وئو	ناوی خودای دلداری و	نام یکی از هفت یاراهورامزدا
<b>vacancy</b> <i>n</i>	وی کین سی	زه ماوه ندله هه و راما نی کۆن حوڤۆ روتبه - جیی خالی	واکشیته / واکشیته و روراما پست / مقام خالی
<b>vacation</b> <i>n</i>	وکشین	بیکاری، پوستی خالی ئیداره مه ره خه سی - ته حتیلی	اطاق خالی مرخصی، تعطیلی - استعفا
<b>vacuum</b> <i>n</i>	وکیوم	ده س کیشی - خه لاسی له کار بی هوا - خالی له هه و الو شه	کناره گیری - فراغت خلاء (فضای تهی از هوا)، مکند
<b>vague</b> <i>adj</i>	ویگ	نه ناسراو - نه ژناس	مبهم، گنگ، نامشخص
<b>vaguely</b> <i>adv</i>	ویگلی	نامه علووم و بینیا به نامه علوومی به ناسراوی	سر بسته به طور نامشخص و گنگ
<b>vain</b> <i>adj</i>	وین	بی سرود - به تال	عبت، بیهوده - خود پسند
<b>vanity</b> <i>n</i>	وین تی	فیزن، پوچ قوژی - جه وی رازی قوتی، فیز وین تی	بی ثمر - پوچ خود پسندی، غرور - پوچی
<b>valley</b> <i>n</i>	وولی	ده ره شیویدۆل سوادی	دره، میان ته / کوه
<b>value</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	ولیو	قیمت - نرخ - نه رخه	ارزش، بها، قیمت، ثقل
<b>valuable</b> <i>adj</i>	ولیوایل	قیمه تی - عه نئیک به که لک	قیمتی، گران بها، ارجمند

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
لۆژش گۆزاشتن / دادن	قیمت په نه دای	ۆلیو	value <sup>2</sup> <sub>v</sub>
قبر دانستن	(که لک - ئه رزش) دان		
وانت باری سړیوشیده	باری - بارکیش ئالادار	ۆن	van <sub>n</sub>
ناپدید شدن، محو گشتن	نقم بیه ی - ون بوون (گم)	ۆتیش	vanish <sub>v</sub>
بخار، مهنگاز، دمه	مژ - ته مه - هه لم و گاز	واپتور (واپور)	vapour <sub>n</sub>
روغن جلا، لعاب، بزاقی	بریقه دان - بریقه	وانیش	varnish <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	شهو ق - له عاو		
تغییر کردن / دادن	وارای - گۆرین	ۆری	vary <sub>v</sub>
کم و زیاد کردن	جوړاو جوړ - گۆریان		
واریته - تنوع - گوناگونی	جوړ به جوړ - نهوع	ۆری تی	variety <sub>n</sub>
گونه - جوړ - نوع	جوړ		
گوناگون، متفاوت، رنگارنگ	فهرق دار - جوړانجوړ	ۆریس	various <i>adj</i>
گلدان، ظرف زینتی	ده فر - گولدان	واز	vase <sub>n</sub>
	یا گه گۆل		
خیلی بزرگ - وسیع، پهناور	وازیح - یک جار پان	واست	vast <i>adj</i>
	وه رولاو، زوړ به رین		
سردابه، خزانه، تاق قوسی	تاق - گمه ز - و له	ۆلت	vault <sup>1</sup> <sub>n</sub>
	ژیرزه وی، سه رداو		
پریخن، چستن، جهیدن	پرای - په رین	ۆلت	vault <sup>2</sup> <sub>v</sub>
	باز به رده ی، قونین		
سبزی - نبات، گیاه	گیواو - سه وزی - گیاه	ۆجی تیل	vegetable <sup>1</sup> <sub>n</sub>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
vegetable <sup>2</sup> adj	وَجیرِیل	گیاهی سه وزای - گیوای	گیاهی، نباتی
vehicle <sup>n</sup>	وی کل	رابه‌ر - وی لوه‌ر	وسیله نقلیه، خودرو
veil <sup>1</sup> n	ویل	خوچوو - ریره‌و	روبنده، نقاب، مقنعه، پوشش
veil <sup>2</sup> v	ویل	رووبه ند - روو پوش	روبنده، پنهان کردن
vein <sup>n</sup>	وین	روو پوشان - پوژنای	سیاهرگ، ورید بزرگ، خلق
velvet <sup>n</sup>	ول ویت	روه پوشای، روبه ندان	مخمل، پارچه مخملی
verandah <sup>n</sup>	وژند	سیاره گ - سیاوره گ	سایبان (خانه)، ایوان
verb <sup>n</sup>	وِب	مه غمه‌ل - مه خمه‌ل	مصرف
verdict <sup>n</sup>	ودی کت	هه یوان - نه یوان، بانجیله	حکم برای، فتوی، داوری
verge <sup>n</sup>	وچ	به رمالوده رک	کناره، لبه، مرز، استانه
verse <sup>n</sup>	وِرس	فهرمان، فی عله	بیت - شعر، نظم - آیه
version <sup>n</sup>	وژن - وژن	شیعر - هوتراره - نه زم	مصرع
versus <sup>prep</sup>	وِرس	شیعری	نسخه و گزارش - تفسیر، ترجمه
vertical <sup>adj</sup>	وتیکل	وه رگیراو - هورگیلنای	متن
		باس - هه رزه و حال	مقابل، علیه، برضد
		جه وه رانه‌ر - له	در برابر
		به راتیه‌ر - دژبه - زد	عمودی، برآست، قائم عمود
		قنچ - راه و ستاو	خط عمودی
		ئه ره مندر، قیت	

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خیلی = بسیار	فره زۆر - پهر - خه یلی	وری	very <sup>1</sup> adv
همان، همین - درست همان	ئه موئه و - ئیدوئا	وری	very <sup>2</sup> adj
	حه ساوی، ئه وه		
ظوف - کشتی، قایق	ده فر - که شتی - ئاوگیل	وزل	vessel n
رگ - ناو	ره گ		
زیرپوش، جلیقه	ژیرکراس - چیرگجی - سخمه	وست	vest n
دامپزشک، دامپزشکی	دامپزشک - دوکتوری ئاژه ئ	ویتنری	veterinary adj
توسط (از راه)، سفر کردن (بردن) بیا	جه راو له ریی له لایان، له گه ل وای، بوی		via prep
ارتعاش / نوسان داشتن	ها تو و چوو کردن - جوولیا ی	وای بریت	vibrate v
ارتعاش، لوزه، لرزش	سه روار - جووله جوول	وای برن	vibration n
	له رز - جم		
جانشین، کشیش محل، مطران	باتی - جی نشین - یاگه نشین، میتران	وی کر	vicar n
گناه عیب، نایب، محشاء	گونا - عیب - تاوان	وایس	vice prep
حومه، محاوره، نزدیکی، گودگیر	قه راخ - نزیک - ده ورو به ر	وی سی نی تی	vicinity n
قربانی، گل خورده، مصدوم	فیدا - قربانی	ویک تیم	victim n
برنده، پیروز، پیروز مندانه	پیروز - سه رکه و ته	ویک تریز	victorious adj
	به رثامه		
پیروزی (در بازی/جنگ) فتح	سه رکه و ته به رثامه به رد	ویک تری	victory adj
فیلم / دستگاه ویدئو، دیداری	ده زگای ویدیو، دیتنی	ویدئو	video n
چشم انداز، منظر، عقیده، نظریه	دیمه ن - نه زه - بیریوا وه ر	ویو	view n
نیرومند، قوی، فعال، سرزنده	به هیژ - قوه ت - گوربز وه کار	ویگرس	vigorous adj
بسیار ناخوشایند، بسیار بیفاسد	په ست - خرا - نابه کار - ناخوش	وایل	vile adj

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
روستا، دهکده، ده، قریه	ده گادی - گوند - لادی	وی لیج	village <i>n</i>
روستانشین، دهاتی	دی نشین - ده گایی	وی لیچر	villager <i>n</i>
نقش منفی، خبیث، آدم بد	پهست به دکار، نانه جیم جاش	وی لِن	villain <i>n</i>
تاکبر، درخت مو، نرم ساقه	میوه - داره نه گور، دار تری	واین	vine <i>n</i>
سرکه و ترش آور	سرکه - ترشی هه نگور	وی نی گِر	vinegar <i>n</i>
شدید، سخت، سهمگین، خشن	سه خت - تن - سام دار	وایولنتوینلنت	violent <i>adj</i>
شدت، سختی، پرخاشگری	تونی سه ختی - زوردر	ویولنس	violence <i>n</i>
گل بنفشه - (رنگ بنفش)	گول وه نوشه به نهوش ره نگ	وایولیت	violet <i>n</i>
ویولن (نوعی ساز زهی)	ویه لون - جوړه ی	ویولن	violin <i>n</i>
افی، مار افی، آدم خائن	حەفوو - کوله کوره	وایپر - آدر	viper or adder <i>n</i>
	ماره مهرگ، جاش و نانه جیم		
حُسن، خوبی، تقوا، نجات	باشی - خاسی - وی	ویچوو	virtue <i>n</i>
	پاریزی - پاک، چاک نه سهر		
اشکار، مرئی، نمایان، پیدا	روون دیاری مه علووم	وی زی بل	visible <i>adj</i>
بینایی، دیل، خیال، تصویر، رویا	بینایی - خه یال - دیمه ن	وی ژن	vision <i>n</i>
دیدن کردن / نمودن	عه یادهت کردن - چه م	ویزیت	visit <sup>1</sup> <i>v</i>
بازدید کردن	په نه که و ته ی - لالوای		
بازدید، ملاقات، دیدار	عه یادهت - دیدار	ویزیت	visit <sup>2</sup> <i>n</i>
عماحت	هورته ق - بینان		
بازدید کننده، مهمان، ملاقات کننده	میوان - میمان - پینه ر	وی زی تر	visitor <i>n</i>

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بسیار مهم، لازم زندگی، حیاتی	لازم زه روورژیناوی، چه یاتی	واي تل	vital <i>adj</i>
واضح، روشن، آشکار، سرزنده	وازیح، پروون - ئاشکرا، قوی	وی وید	vivid <i>adj</i>
داریه / گستره وازه‌ای شخص	ناوئاخنی وشه کان	وئب یولری	vocabulary <i>n</i>
فهرست - واژگان، فهرست	فهرستوکه لیمان		
لغات (کتاب) - واژه نامه	وشه وکه لیمه		
صوت، صدا، آواز، خواسته	صدا - ده نگ - گورانی	وئویس	voice <i>n</i>
کوه آتشفشان - آتشفشان	ئاگر باران - که شی	وال کینو	volcano <i>n</i>
	ئه یرین - ئاگر بژین		
والیبال - توپ والیبال	والیبال - توپی خستن	وئولی بال	volleyball <i>n</i>
	توپی ده س		
ولت (واحد اندازه گیری برق)	وولت - نه اندازه ی بهر (کاره با)	وولت	volt <i>n</i>
	ئایره و بیمه رجو برق یا بهر ق.		
حجم، گنجایش - اندازه، جلد	یاگی - جی - نه ندازه	والیوم	volume <i>n</i>
داوطلب - خواستار	وی ئامه - ته له بکه ر	والین تیر	volunteer <sup>1</sup> <i>n</i>
	داواکهر - لی خواز		
اختیاری، آماتوری، اختیاری	وی رازی - ته له	والین تری	voluntary <i>adj</i>
	بکه ری ملی خوازی و مایلی		
داوطلب شدن، حاصل بودن	داواخوازی بوون گهره ک بیه ی	والین تیر	volunteer <sup>2</sup> <i>v</i>
استفراغ / قی کردن	هوق کهرده ی دل تیک چوون	وامیت	vomit <i>n</i>
رای دادن، نظریان کردن	ره ی دان - نه زه ردان (دای)	وئوت پوت	vote <sup>1</sup> <i>v</i>
رای دهنده	ره ی دهر - نه زه رده ر	وئیر پوتیر	voter <i>n</i>

f      v      θ      ð      s      z      ʃ      ʒ  
fall    voice    thin    they    so    zoo    she    vision

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
رای-تغرفمازاه	ره‌ی-نه‌زه-نه‌زه‌ره، ئارا	ونوت	vote <sup>2</sup> n
تعهد کردن، نفر کردن	نه‌زر کردن - قه‌ول دای	ونو(واو)	vow <sup>1</sup> v
تعهد، قول، پیمان، نفر	نه‌زر - په‌یمان - قه‌ول	ونو(واو)	vow <sup>2</sup> n
	شهرت له‌گه‌ل په‌زدان (واو خودا)		
حرف‌باصدا (I-a-e-o-u)	پیتی ده‌نگ دار-گویی زره	ونوول (واوِل)	vowel n
مسافرت (فریایی و هوایی) سفر	سه‌نه‌ری شاران گه‌رده‌لیا گهر	ونووج	voyage n
بی‌تربیت، زذل-همگانی	بی‌ئه‌ده‌ب-په‌ست، حیز و خیز	وال‌گیر	vulgar adj
روبا‌ه‌صفت، حیل‌گر	ریوی مه‌زاج - پسه‌رواس	والپاین	vulpine adj
لاش‌خور - آدم‌فرنده‌خو	درمه‌زاج - دال	والچیر	vulture n
کرکس سرگز	مردار وهر-ئسنائی دروپه‌ست و جاش یاو		
فرج دستگاه زانگی	ولوبه‌ره‌وده‌زگاوزه‌نانه‌ی	والو	vulva n
	کنونوده‌ری ده‌زگاری ژنانه		
قلوه یا کلیه و نام الهه و لکان	ولک له‌ولکان خودای ئاگر گیراوه	ولک	vwik n
یاخدا‌ی آتش که زیر زمین بوده و سبب	و مردم له‌هه‌ورامان ته‌لین و لکیم		
آتش‌فشان می‌شود چون فسفر و گوگرد	برای چون کاتی که سی‌له‌بلندی		
کلیه‌ز یاد بوده و اگر از ارتفاع بیش از	ئه‌که و یته‌خوار چون فسفر و گوگرد له		
۱۰ متر پایین بی‌رم فسفر کلیه‌در اثر	گو‌جیله یا ولک زوره‌بو‌یه‌که‌م جار		
ضربه‌تورکیده و سبب مرگ و نابودی‌انی کلیه‌کولیه‌خوسوژی ده‌کات و ته‌سوئی	و ته‌وکه‌سه‌کولیه‌ی داده‌که‌وی و بویه		
میشود و هنوز فراورامان مردم این	ده‌لین (ولکیم برای) یانی داکه‌وتی		
مسئله علمی را می‌دانند و هنگام	کولیه‌له‌له‌ش و ته‌م‌مه‌سه‌له‌چاکه‌له‌لایان		
پرسیدن از جای بلند یا خبرهای بد	علمیه‌وه‌شی بکری ته‌وه‌چون فسفوری ولک		
می‌گویند و لکیم برای یعنی	زوره‌وگه‌رمای فسفور ته‌بی‌ته‌هوی		
کلیه‌ها هم از بدن جدا شدند که	جگنی‌بونی ولک و مردن		
کنایه از مرگ است.			

h m n ŋ l r j w  
how man no sing leg red yes wet



big/large



little/small



thick



thin

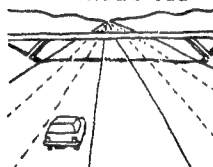
tall



short



wide/broad



narrow



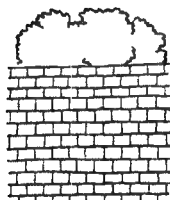
shallow



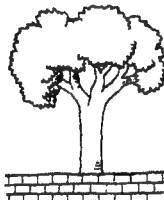
deep



high



low



long



short



happy



sad



fat



thin



old



young

# W w

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
بیست و سومین حرف الفبای انگلیسی	بیست و سێ یه مین پیتی ته لقیبا	دابل یو	<b>W</b>
باران نام یکی از هفت یار	ناوی یه کێ له حهوت یاری	واران	<b>waran</b> <i>n</i>
اهورامزاد در اورامان قدیم	هورمز یا خودای جیهان له هه رامان		
کهنه سنجاله و گلوله	نمهد - نهوگ - بهر	واد	<b>wad</b> <i>n</i>
لوله - نمد	کو نه - ملو چه		
رام رفتن در آب و گل و برف	له ئاودان - ئاو پرای	وید	<b>wade</b> <i>v</i>
تکاندن، تکان دادن، جنباندن	له قانندن - جمنای شه کنای	وگ	<b>wag</b> <i>v</i>
دستمزد، مزد، اجرت، حق	مزه ق ده سه هه ق دای	ویج	<b>wage</b> <i>n</i>
گاری، ارابه - واگن باری	ئه رابه - گاریه	وگین (واچن)	<b>waggon or wagon</b> <i>n</i>
(روباژ قطار) دلچایان	دیوی قه تار		
شیون / زاری کردن	شیوهن شین زاری کردن	ویل	<b>wail</b> <i>v</i>
زاری شیون، هفان، هنجبه	شیوهن زاری، وه ی رو	ویل	<b>wail</b> <i>n</i>
کمر - گردگاه	قه ده که مه رمی - قه د	ویست	<b>waist</b> <i>n</i>
منتظر بودن / شدن	راوهستان - ماتل بیهی	ویت	<b>wait</b> <sup>1</sup> <i>v</i>
صبر کردن	چه مه را چه وری بوون		
گارسون، پیشخدمت زن یا مرد	خدمه تکار - وه ده سه	وی ترس پی تر	<b>walter or waitress</b> <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
waiting room <i>n</i>	وی تینگ روم	دیوی هه سانه وه	اتاق انتظار در مطب و غیره
		ئوتاقه و ماتل بیه ی	
wait <sup>2</sup> <i>n</i>	ویت	ئینتزار - چه مه را	انتظار، مدت انتظار
		چاوه ری و سه بر	چشم براه
wake <i>v</i>	ویک	له خه وه لسان	بیدار کردن / شدن
		خه وروبیه ی (های بیه ی)	به خود آمدن
walk <sup>1</sup> <i>v</i>	وک	رویین لوائی ری چون	قدم زدن، پیاده رفتن، رفتن
walk <sup>2</sup> <i>n</i>	وک	ری چون وه لوائانه ی	قدم زنی، پیاده روی، پیاده
		جمیای - به ریگاروین	
wall <i>n</i>	ؤل	دیوار - هه ساره	دیوار، حصار، جزیر
wallpaper <i>n</i>	ؤل پیپر	کاغه زی دیواری دیوار پوش	کاغذ دیواری
wallet <i>n</i>	والیت	کیفی پول - جی	کیف پول - کیف بفتلی
		پول - یاگه پول	
wander <i>v</i>	واندیر	سه رگه شته ی - ئاواره بوون	سرگردان / آواره بودن
		وه نه شیویای - هه بدال بیه ی	پرسه زدن
want <sup>1</sup> <i>v</i>	وانت	گه ره ک بوون - نیاز بیه ی	خواستن - لازم داشتن، نیاز داشتن
want <sup>2</sup> <i>n</i>	وانت	نیاز - لازم - که می	احتیاج، نیاز، کمبود، فقدان
		ئاتاج - نوخسان	
war <i>n</i>	وُر	شهر - چه نگ	جنگ (بین دول / ملل) / ییکار
warfare <i>n</i>	وُر فر	به دو اکه وتنی شهر شونه و شهر و شور ی (لوائی) - جه نگ	مبارزه - جنگ

Λ	3:	ə	eɪ	əu	aɪ	au	ɔɪ	ɪə
cup	bird	ago	day	go	five	now	boy	near

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
انباز، عمومی - انبار کالا	همار - همیان	ونورهاوس	ware-house <i>n</i>
اوپر / اطلاع / هشدار دادن	خه بهروئاژیردان پراگه یاندن	ونورن	warn <i>v</i>
کشتی جنگی، رزمناو	کەشتی شەڕناوی جەنگی	وُرشیب	warship <i>n</i>
بخش بیمارستان - محله	ئاوگەری شەڕ		
منطقه - صنفیر - دفع کردن	دیوی گشتی خه سه خانه	وُرد (وُ)	ward <i>n</i>
	نەخۆشخانە مالت شوین و جی		
	به بخشی بیمارستان - گهره ک		
سرپرست، ناظر، رئیس زندان	سەرۆک سەرپرس - چاو دیر	وُدن (وُردن)	warden <i>n</i>
کمد لباس، بختکن - اشکاف	جی لیباس - یاگه سیپال	وُردنوب	wardrobe <i>n</i>
مخزن، انبار کالا	همار - زاخه - په ستو	وُرهاوس	warehouse <i>n</i>
اجناس، کالا، متاع	جنس - بار - شت	وُر	ware <i>n</i>
سفالینه	کەلووپەل - قورە سازی		
گرم (نه داغ و نه سرد)	گهرم - پیرشور و شهوق	وُرم (وُم)	warm <sup>1</sup> <i>adj</i>
مهدآمیز			
گرمی، گرم، محوار و تنم صحبت	گهرمی - گهرما بپوق - شرا	وُمت (وُرم ت)	warmth <i>n</i>
گرم کردن / شدن	گهرم بوون - گهرم	وُم	warm <sup>2</sup> <i>v</i>
	کهرده ی (بیه ی)		
از خطر آگاهانیدن	خه وهردار کهرده ی - پین و تن	وُن (وُرن)	warn <i>v</i>
اطلاع دادن	چله کنای - خه بهردار کردن		
آگاهی - اخطار - تذکر	پین و تن - خه بهرداری	وُنینگ	warning <i>n</i>
اوپر - اطلاع - هشدار	ئاگاداری - خه وه رکهرد		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
حکم قانونی، مجوز، حواله	حوکمی قانونی به‌رگه‌ی	وارنت	warrant <i>n</i>
غُمر موجه	ئیزن به‌رگه‌و ئیجازه‌ی ده‌لیل		
گذشته فعل <i>be</i> (بودن)	را بردووی فیعلی	واز	was <i>v</i>
	تووی - ویه‌رده‌و تووی		
ئستشودان، ئستن، پاک‌کردن	شۆردن، شتن - شته‌ی	واش	wash <sup>1</sup> <i>v</i>
ئستشو، رختشویی	شۆردن، جل شۆردن	واشینگ	washing <i>n</i>
	سیپال شۆری		
ماشین رختشویی	ماشینی لیپاستشۆری	واشینگ‌ماشین	washing machine <i>n</i>
ئستشو - ئستنتی‌ها	شۆردنی - ئه‌وه‌شته‌ی	واش	wash <sup>2</sup> <i>n</i>
لگن دستشویی، کاسه‌دستشویی	ده‌سشۆری له‌گان	واش‌ریزین	washbasin <i>n</i>
زنبور معمولی غیرعسلی	زه‌ردوواله - زه‌رده‌واله	واسپ	wasp <i>n</i>
تلف کردن / شدن، اسراف کردن	مه‌سروف کردن - خراونای	وی‌ست	waste <sup>1</sup> <i>v</i>
ولخرجی - ژاله‌اسراف	زوێل - ده‌س‌یاده‌ - ئه‌ژغال	وی‌ست	waste <sup>2</sup> <i>n</i>
ساعت مچی / جیبی - کشیک،	سه‌عاتی ده‌ست / باخه‌لی	واچ	watch <sup>1</sup> <i>n</i>
نگهبانی - دیده‌بان - محافظ	کیشک - پاسه‌وان		
نگهبان - شب‌گرد	نگابان - قه‌ره‌ول - پاسه‌وان	واچ‌من	watchman <i>n</i>
مراقب / مواظب بودن	پاس‌که‌رده‌ی هوْشیار	واچ	watch <sup>2</sup> <i>v</i>
	بی‌ه‌ی (بون)		
آب (روخانه، ...)	ئاو - ئاوی - ئه‌و	واتر (وُتِر)	water <sup>1</sup> <i>n</i>
آبشار	تاف - تافگه‌بیل به‌وَر	وُتِر فُول (فُل)	waterfall <i>n</i>
خدا آب	موکَل ئاو - زددی ئاو	وُتِر پرووف	waterproof <i>adj</i>

دژ به‌ئاو

f v θ ð s z ʃ ʒ  
fall voice thin they so zoo she vision

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
water <sup>2</sup> v	وێر	ئاودان - ئاودای	ایاری کردن، آب دادن
watt n	وات	ئاوده‌رده‌ی (دیوان) مقیاس - ئایره و به‌رقی وات-واحدی هیزی کاره‌با	ابگی کردن وات‌واحداندازه‌گیری برای برق
wave <sup>1</sup> n	ویو	پیمه‌ری هیزی برق و کاره‌با ده‌س له‌قاندن شمه‌پۆل	موج - دست تکان دادن
wave <sup>2</sup> v	ویو	لپه‌ئاوجوڵ ده‌س ته‌کنای-جوولاندن	فژ - اهتزاز دست‌تکان‌دادن، جنباندن
wax n	وکس	ده‌س شه‌کاندن-جواندن (لانیکی) مووم به‌ره‌مه‌وه‌نگی روونی می‌ش وکس	علامت دادن مووم-واکس، پارافین
way n	وی	ری-راشوین به‌ین لا‌بار-جووربا‌و‌روال	راه، مسیر، جهت، طرف مسافت، راه - مسیر - طریقه
we pron	وی	ئیمه - هیمه (هه‌مه)	استفاده، طرز عمل ما ضمیر فاعلی
weak adj	ویک	بی‌تین هه‌ژاره‌قه‌له‌شل	ناتوان، ضعیف، ضعیف‌النفس، ابدار
weakness n	ویک‌نس	زایفی بی‌هیزی شلی	ناتوانی، نقص، عیب، شستی
weaken v	ویکین	بی‌هیز بوون زایف بیه‌ی	ناتوان/ضعیف‌کردن/شستن
wealth n	و‌لس	مال‌ده‌وله‌ت مسروته	ثروت، دارایی، پول زیاد
wealthy adj	و‌لسی	ده‌وله‌مه‌ند - دارا	ثروتمند، متمول، مالدار
weapon n	وین	سیلاح - چه‌ک ئامرازی شه‌ر	اسلحه، سلاح، جنگ‌افزار
wear v	ویر	له‌به‌رکردن وه‌رکه‌رده‌ی	پوشیدن، به‌تن کردن، زدن

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خسته، وامانده، کسل، فرسوده	هه‌لاک - نه‌رامه نده شه که ت	ویری	<b>weary</b> <i>adj</i>
باخستگی - باکسلی	به شه که تی به نه‌حه ساوی	ویریلی	<b>wearily</b> <i>adv</i>
هولووضع هولتغییرنگ	هه‌وا - هه‌وا - گوریان	وڊر	<b>weather</b> <i>n</i>
بافندگی کردن، بافتن	رِیسای - رِیسین	ویو(وی)و	<b>weave</b> <i>v</i>
نساجی کردن	ری سته ی		
نساجی، بافندگی، بافت	جوله ی - رِیسای	ویوینگ	<b>weaving</b> <i>n</i>
	رِیسه‌ری		
تار عنکبوت - تور	رِسیا - تالی دوو جالکه	وِب	<b>web</b> <i>n</i>
شبکه - پرده پا	تاله که کله مووشان - تور		
مراسم ازدواج، عروسی	شو دای - ره سمی	وڊینگ	<b>wedding</b> <i>n</i>
عقد	زه ماوهن - زه مه‌ونده		
چهارشنبه	چوار شه مه - چوار شه ممه	وڊز دی	<b>wednesday</b> <i>n</i>
علف هرز / هرزه	به شه‌ری له‌ر - گیاه	وید	<b>weed</b> <sup>1</sup> <i>n</i>
موی زاید بدن	هه‌رد - گیواوی وه حشی		
وچین کردن - موی زاید زدن	گیای ویل که نندن - زه‌وی	وید	<b>weed</b> <sup>2</sup> <i>v</i>
حذف کردن	له‌گیای قه‌لب و خراو پاک کردن		
هفته - هفت‌روز	حه‌وته - حه‌فته	وییک	<b>week</b> <i>n</i>
روز کار (هفته)	روژه کار - روکاری	وییک‌دی	<b>weekday</b> <i>n</i>
	رو حه‌فته		
(تعطیلی) پایان هفته، آخر هفته	ته‌حتیلی دوا ی حه‌وته	وییک‌اند	<b>weekend</b> <i>n</i>
هفتگی، به‌صورت هفتگی، هفته‌نامه	حه‌وته یی - حه‌فته یی	وییک‌لی	<b>weekly</b> <i>adj, adv</i>

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی English	تلفظ Pronunciation	کردی Kurdish	فارسی Persian
weep <sup>v-n</sup>	ویپ	گره‌وای گویان زاری کردن	گریستن، گریه کردن
weigh <sup>v</sup>	وی	وی کیشای - خو کیشان	کشیدن، وزن داشتن، سنجیدن
weight <sup>n</sup>	ویت	بار - قورس - قورسی سه نکه	وزن، سنگینی، وزنه‌بار
weird <sup>adj</sup>	وی‌رد	عه جایی - جه باور نامه	عجیب، غیر عادی، شگوف
welcome <sup>1 adj</sup>	ول‌کام	خوش هات - هه رحناک	خوشایند، استقبال
welcome <sup>2 v</sup>	ول‌کام	به خیر هاتن و تن به شه‌امای که رده‌ی	خوشامد گفتن - تعارف کردن
welcome <sup>3 n</sup>	ول‌کام	خیر و یرژی - خه یر نامه‌ی واته‌ی	خوشامدگویی - مورد تقد
well <sup>1 adj</sup>	ول	عال - خاس - ریک و پیک - چاک	خوب، سالم، تندرست، خوب
well <sup>2 adv</sup>	ول	به باشی - به خاسی	خوب، به خوبی، به‌طور
		به ته‌واوی به جاری به به	رضایتبخش - به‌طور کامل،
			به‌طور کل، به کلی، کاملاً
well <sup>3 n</sup>	ول	بیره - چای نار - چاواوای و له	چاه (اب/نفت) - چشمه‌منبع
were <sup>v</sup>	ور	فه‌رمانی رابور دووی	گذشته فعل be
		فه‌رمانی تووی	
west <sup>n, adj, adv</sup>	وست	وه‌رتا و پر - خو ره لآت	غوب، مغرب - یاختر
		خو ره پر	جهان غوب
western <sup>adj</sup>	وست‌رن	جه‌وه‌ر پر له خو رتاوا	غربی، یاختری
		له خو ره پر	
westwards <sup>adv</sup>	وست‌ورس	به‌ره‌وه‌خو رتاوا به‌ره‌وه	به طرف غوب
		وه‌ر پر - به‌ره‌وه‌خو ره پر	به سوی یاختر
wet <sup>1 adj</sup>	وت	نمناکی - ته‌ری بارانی وارانی	مروطوب، نمناک، بارانی، غیس



فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خیس کردن، مرطوب کردن	ته‌رکه‌رده‌ی - ته‌رکردن	وت	wet <sup>2</sup> v
بالن، وال	نه‌ه‌نگ‌ه‌وال - وده‌لیای	ویل	whale n
اسکله، بارانداژ	باروزگا بارگه‌ی که شتی	وُرف‌یورف	wharf n
چم‌کدام‌بانچه، هرچه‌چقنر	یاگنّی باروسه و که شتی		
هرقنر، هرچی	چی - چی‌ش - کام - چه‌ننّی	وات (وُت)	what adj-adv
گندم نماینده غله	هه‌رچه‌نده‌رچنده - هه‌رچی	وُتاوِر	whatever pron-adj
چرخ - فرمان (اتومبیل)	گه‌نم - خه‌له‌گه‌نمه	ویت	wheat n
	ته‌که‌ر - ته‌راده	ویل	wheel n
	فهرمانی ماشین		
چرخ دستی - فرغون	چه‌رخ‌ی ده‌ستی، فرغون	ویل‌پرو	wheelbarrow n
هه‌رگاه‌که، هه‌روقت‌که‌کی	هه‌رکا‌تّی - هه‌روه‌خته‌ی، که‌ی	وِن‌اوِر	whenever adv-conj
درکجا، کجا، از کجا	له‌کو‌ی - جه‌کو - کو‌ی	وِر	where adv-conj
جایی‌که، که - درچه‌مورد	چکۆ‌گه، له‌چ‌باو‌ی - کا‌تّی		
دره‌رکجا‌که، هه‌رجا‌که، چه‌محل	له‌هه‌رکو‌یدا - جه‌هه‌رکو‌گه‌ی	وِراوِر	wherever adv-conj
که‌آیا، بخواه، چه‌که‌آیا	ئه‌گه‌ر - داخ‌م - که - چه	وِدر	whether conj
کدام‌یک، کدام‌یک، هه‌رکدام	کام - کامه - که	وِیج	which pron-adj
هه‌نگام‌یکه، در صورت‌یکه‌بان‌که	وه‌خته‌ی له‌کا‌تّیکا، هه‌رچه‌ن	وِیل	while n, conj
زاری کردن، شیون کردن	شیوه‌ن و گه‌ریان - گه‌روای، وه‌ی‌ر	وِین	whine v
ضجه، زاری، ناله، شیون	ناله - زاری - شیوه‌ن	وِین	whine n
زوزه	نالین به‌کو‌ل، وه‌پرو - کروز‌یای		
شلاق - تازیانه	شه‌لاخ	وِیپ	whip <sup>1</sup> n
(باوسله‌ی) زدن - حرکت کردن	لیدان به‌شتی - داوه‌نه‌ی (به)	وِیپ	whip <sup>2</sup> v

ua	p	b	t	d	k	g	tf	d3
pure	pen	bed	tea	did	cat	got	chin	June

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
چرخیدن، چرخاندن	ویلنای - چەرخنای	وړل	whirl <sup>v</sup>
گردیدن	چەرخاندن - فەرەدان، سوران		
دوران، چرخش، سرچرخه	گیلیای - خولان	وړل	whirl <sup>n</sup>
	سورانه وه - خولیا		
موی صورت مرد، اسپیل گریه	مووی پ روی میرد	ویسکەر	whisker <sup>n</sup>
تەریش	موور و هویای، سوویلی کتێ		
بیج، بجوا کردن	پچه بیج که ده ی له گوێ	ویس پر	whisper <sup>1 v</sup>
زمزمه کردن	قسه کردن - چفه که رده ی		
نجوا، بیج، زمزمه	قسه ی هیواش	ویس پر	whisper <sup>2 n</sup>
زوزر	چو و ته چووت - چفه		
سوت، سوت سوتک	فیکه که ره زوزره که ره خیقینه	وی زل	whistle <sup>1 n</sup>
سوتن، زن آکشدن، صفیر زدن	فیکه کردن - فیکتای	وی زل	whistle <sup>2 v</sup>
سفید، سفیدی، رنگ پریده	چەرمگ - سپی - چەرمە	وایت	white <sup>1 adj</sup>
سفید، سفید رنگ (تخم مرغ، پوست)	چەرمە - سپی - رەنگ - چەرمگ	وایت	white <sup>2 n</sup>
چه کسی، چه کسانی، که، که او	کێ - کێرا - که - کێیان	هو	who
هر که، هر کس، کسی، که، هر کی	که سێ که - هەر که سێ	هواپر	whoever
	هەر که سیوه، هەر که		
مجموع، کامل، کل، همه	گشت - گرد پکوموک	هول	whole <sup>1 adj</sup>
خالص	هه موو - گشت - ته مام		
به طور کل، کاملاً	به ته وای - گرد و گردو	هولی	wholly <sup>adv</sup>
سراسر	سه رجه م به جاری - تیکرا		

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
کل مقدار / چیز	چت - چۆ - گشت	هول	whole <sup>2</sup> <i>n</i>
تمام و کمال	هه موو - گرد، یه کسه ر		
کهرا، به چه کسی، به چه کسانی،	به کۆ - به چه که سیوه	هوم	whom <i>pron</i>
که او را، که آنها را، لایانها	به کییان - که نهو - که		
	نهوان - نهها ئادی		
مال چه کسی، مال که، مال کدام	ئینو کۆی مالی کۆی، هینی کۆی	هوز	whose <i>pron-adj</i>
چرا، به چه دلیل / علت، برای چه	بۆ - پچی له بهر چی علت چیه	وای	why <i>adv, int, n</i>
شور، بدکار، خیلی بد	زۆر خراو - پیا خراو	ویکد	wicked <i>adj</i>
بدجنس	زۆل ملۆزم، جهله ب و جاش		
به طور فیزیکی بد و نابکاری	زۆر به خراوی - فره	وی کیدلی	wickedly <i>adv</i>
	خراو - به خراپه		
پهناور، وسیع، گشاد، گسترده	پان بـلا وـوازیچ مه ددار - هـرین واید		wide <sup>1</sup> <i>adj</i>
پهنا، عرض، گشادگی، پهنی	پانایی - پانی مه دداری و بهر ئی نی	ویت	width <i>n</i>
کلاگاملاً، به طور کل و گسترده	کوم پلیت - به ته وای	وایدلی	widely <sup>2</sup> <i>adv</i>
	به جاری - یه کسه ر		
بیوه زن (زن شوهر مرده)	ژنی شوو مردوو بیوه ژه نی	ویدو	widow <i>n</i>
مرد بیوه (مرد زن مرده)	پای بی ژن - پایوی بی ژن	ویدور	widower <i>n</i>
همسر، عیال (زن شوهردار)	ژنی شوودار - ژه نی شووداره	وایف	wife <i>n</i>
کلاه گیس، پوستیژ	کلاوه موینه مووی مه سنو عی	ویگ	wig <i>n</i>
موی مصنوعی	کلاو موو - باتی موو		
وحشی، خور و روی بی تمدن	وه حش - خو پیری بی نه ره نگ	وایدل	wild <i>adj</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet

فارسی	کُردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
به‌طور وحشی-وحشیانه	خویری گه‌ری به‌دره نده گی	وایدلی	wildly <i>adv</i>
با دیگر افعال به‌کار می‌رود و	ئه‌م فه‌رمانه بو‌داها توو	ویل	will <sup>1</sup> <i>v</i>
زمان آینده را می‌سازد	به کار نه‌بری - ئی که لیمی		
خواستن - وصیت کردن	په‌ی زه‌مانی ئاینده‌ینه		
	خوازین - گه‌ره ک‌بون		
میل، اراده، تصمیم	مه‌یل - ئیراده - قه‌رار	ویل	will <sup>2</sup> <i>n</i>
نیت، قصد	بریار - نیه‌ت		
وصیتنامه - عزم	نووسراوی پیش مردن	ویل	will <sup>3</sup> <i>n</i>
اماده‌رضایت‌آمیز مایل	ئاماده‌رازی - ره‌زا اراغیب	ویلینگ	willing <i>adj</i>
با اشتیاق - با رغبت	به‌ه‌وق به‌گه‌رمی به‌شه‌وق	ویلینگلی	willingly <i>adv</i>
بودن، پیروز شدن - دست‌یافتن	پیروزیبون سه‌رکه‌وته‌ی	وین	win <i>v</i>
برنده‌فاتح - پیروز	پیروز - سه‌رکه‌وته	وینتر	winner <i>n</i>
	به‌ره‌نده - به‌رئامه		
پیچاندن، چرخاندن	خول‌دان - کوک‌که‌رده‌ی	ویند	wind <sup>1</sup> <i>v</i>
کوک کردن	پیچ دای - پیچان		
باد طوفان - بو	ئه‌فه‌س وایا، واده‌مه	ویند	wind <sup>2</sup> <i>n</i>
آسیاب بادی	ئاساوی وایی - ئاشه‌با	ویندمیل	windmill <i>n</i>
شیشه جلو اتومبیل	شووشه‌ی ماشین - شیشی	وینداس کرین	windscreen <i>n</i>
	ماشینی جه‌وه‌ر		
توفانی، بُریاد بادخیز	پرتوف - گه‌رده‌لورول	ویندی	windy <i>adj</i>
بادگیر	واده‌مه - واگا - باگه		

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation:	English
پنجره - ویتَرین مغازه	ده لاقه - ونه دیک - شووشه ئی	ویندو	window <i>n</i>
فریچه	نیشانگه - دووهری یا په نچه ره		
لَب پنجره - تخته	بهری دووهری - قه راخو	ویندوسیل	window - sill <i>n</i>
زیر پنجره	ده لاقه ی - بیره په نچه ره - کن په نچه ره		
شواب (الگور) - می - باده	شه راو - مه ی - باده	واین	wine <i>n</i>
بال پرده / حشره	بال ی - له لهر - بالو	وینگ	wing <i>n</i>
جناغ سینه - جناح حزب	گیانداران - بال ی - بالنده		
چشمک زدن - با چشم اشاره کردن	چهم قرتنای - چاو	وینک	wink <i>v</i>
چشم برهم نهادن	لئ گرتن - چاو قرتاندن (تروکان)		
چشمک غمز هکرتسمه	چهم و سه ی - چاو قرتنای - چاو قرتنه	وینک	wink <i>n</i>
زمستانی، زمستان	زۆسانی - زم سان - زمستان	وین تر	winter <i>n, adj</i>
باکهنه خشک کردن	به پهر و وشکو کهرده ی	وایپ	wipe <sup>1</sup> <i>v</i>
پاک کردن - مالیدن	وشک کردن و مالین		
گردگیری، خاکروبی	تۆزگیری - یانه	وایپ	wipe <sup>2</sup> <i>n</i>
	ته میس کهری - خۆلگیری مال		
مفتول، سیم - سیم (بوق،...)	تهل - ته وه که - سیم	وایر	wire <i>n-v</i>
رادیو - تلگراف سیم کشی کردن	رادیو یی - سیم، ته لگراف	وایرلس	wireless <i>n</i>
عاقل، بخردمند، خردمندانه، بخردانه	ثاقل - فامیده - نتم - زاناو ریا	وایز	wise <i>adj</i>
عقل، خرد - هوشمندی	ئه قل - فام - هوش	وایزدم	wisdom <i>n</i>
عاقلا نه - هوشمندانه	ثاقلانه - با فکرا نه	وایزلی	wisely <i>adv</i>
	به بیرو را و وریایی		

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
خواست، خواسته، آرزو میل	ئاره زوو - ئارات - ئومید، مه یل	ویش	wish <sup>2</sup> n
زیرکی، تیزهوشی، عقل بفهم	وینه ویت - زرنگی - مدریک	ویت	wit n
خوش طبعی - شوخ	زه یین دار - ئاقلی وریایی		
بذله گو، لطیفه گو، بخوش طبع	تسه وهش - شوخی کەر	ویتى	witty adj
بابذله گوئی، به شوخ طبعی	شوخی باز - گالته کەر		
	به تسه وهشی - به بزه	ویتى لى	wittily adv
	و که نین		
ساحره، جادوگرزن، سحر باز	ژهنی ره ماله - ژنی	ویج	witch n
	جادو و گهر		
با (همراه) - با (به وسیله)	با - به - له گه ل - چه نی	ویز	with prep
با (دارای) - با (چگونگی)	بو - له		
با (علیه، ضد)			
برداشت کردن (پول از حساب، ...)	پوول هه لگرتن، لی سه ندن	ویز درو	withdraw v
	دواکیشان - دماوه		
کردن، عقب کشیدن	گیلاي - ده ست کیشان		
خشک کردن / شدن، پژمرده	سیسیای - هه ژار بوون	ویزر	wither v
کردن / شدن	وشک بیه ی - وشک بوون		
در کمتر از، در، داخل، درون، توی	تاوی له ججه دلی - ناو	وی زین	within prep, adv
بدون بی، آنکه، بیرون بی	بیجگه بی بی - ئانه یه، دەر	وی ز ئوت	without prep
شاهد، گواهی، علامت، دلیل	شه ید - شاهد - قه سه م خور	ویت نیس	witness n
	خه به در - نازرو ئاگا - نیشانه		

uə      p      b      t      d      k      g      tʃ      dʒ  
pure    pen    bed    tea    did    cat    got    chin    June

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
wobble <sup>v</sup>	وۆبل-وۆبل	وهردای - بهرە لا	یله رفتن، لق زدن
woman <sup>n</sup>	وۆمن	نازاد ناسە ی به لاروله نجه روین	تلو تلو خور دن
wonder <sup>1 v</sup>	وۆنڊر	ژه نی - ژن	ژن
wonder <sup>2 n</sup>	وۆنڊر	عه جه یب ئامای ماق پرای	تعجب کردن، شگفت زده شدن
		چتی عه جیب - چییوی	چیز شگفت آور - تعجب
wonderfully <sup>adv</sup>	وۆنڊرفولی	ته یوه تی - چییوی عه جه یو	به طور شگفت آور،
		به جوۆری عه جیب به لچ	به صورت عجیب
wood <sup>n.adj</sup>	وۆد	گه سه ی به عه جه یواتی	چوب، کنده، هیزم، بیشه،
		چیو - هیزمی - کوته	
wooden <sup>adj</sup>	وۆدن	ویشه - چو - دارسان	الوار، فرختزار
wool <sup>n</sup>	وۆل	چووی - چییوی - جه چووی	چووی، بخشکاوایی روح
woollen <sup>adj</sup>	وۆلن	په ژم - خوری ده زگه په ژمی	لخ / ماده پشمی
word <sup>n</sup>	وۆرد(ود)	په ژمی له جنسی خوری	پشمی - پشمینه
		وشه - که لیمه - واته	کلمه، حرف، واژه، کلام
		قسی	سخن
work <sup>1 v</sup>	وۆرک	کار کردن، کار که ره ده ی	کار کردن - فعال بودن
work <sup>2 n</sup>	وۆرک	کار - که ره وه - پیشه	کار، عمل - فعالیت - شغل
worker <sup>n</sup>	وۆرکیر	کریکار، کاره که ره مه له	کارگو، خدمتگذار، فاعله
workman <sup>n</sup>	وۆکمن	تۆکه ره ره وه نه به ره ده س	کارگر - صنعتکار
		وه رزیه ره له هغه عله	مزدبگیر - عمله
work-shop <sup>n</sup>	وۆرک شاپ	کارگه - یاگه کار	کارگاه - استودیو

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
گَره / سیاره زمین، زمین	دنيا - عالم - جيهان	وُلد	world <sup>n</sup>
جهان، دنیا - جهانی			
کرم، کرم خاکی، زالو، کرم زگی	کرمی - کرم - کرمه ژن	وُم	worm <sup>n</sup>
نگران کردن، آزرده، دلشوره داشتن	ره نجانندن - دَل نیشناي	واری	worry <sup>1 v</sup>
نگوان، مضطرب، دلواپس	هه وُل - ره نهجه رو	وارید	worried <sup>adj</sup>
دلشوره دار	بی قه رار - خه ميار - نگه ران		
نگرانی، اضطراب - غصه	په ریشان - خه مین - دلشوره	واری	worry <sup>2 n</sup>
بدتر، بیمارتر، به شکل بدتر	خراوتر - ناو هه ش تهر	وُس	worse <sup>adj, adv</sup>
شدیدتر	نه خو ش تر - خراپ تر		
نماز گزاردن / خواندن	دو عاخویندن - نوێژ کردن	وُشپ	worship <sup>1 v</sup>
عبادت کردن - پرستیدن	نماکه رده ی - په ناب هه زانی به رده ی		
عبادت، پرستش، خنیايش	راز و نیاز - خودا پر سی، لپیا ران	وُشپ	worship <sup>2 n</sup>
بدترین - بدتر از همه	خراوترین - چه په ل تهرین	وُست	worst <sup>adj, adv, n</sup>
ارزش، قیمت، بهلأجرت	بايخ - نرخ - ئی ژای - قیمة	وُت	worth <sup>1 prep</sup>
ارزش، قدر - اوج	قه در - که لک - قه یر	وُت	worth <sup>2 n</sup>
ناچیز، بی ارزش، خردنخور	نا ته مام بی - که لک که م قیمة	وُرس لس	worthless <sup>adj</sup>
لایق، شایسته، مستحق - لارجمند	لایق هه ق دارشایسته، قابل	وُتی	worthy <sup>adj</sup>
زمان گذشته will	زه مانی رابردوی ویل	وُژ	would <sup>v</sup>
آسیب رساندن - صدمه زدن	زامار کردن - زه فره ت دای	وُند (وونود)	wound <sup>2 v</sup>
زخم، آسیب، جراحت	زه خم - زام - زه فرت	وُند (وونود)	wound <sup>3 n</sup>
پوشاندن، پوشانیدن، پیچیدن	پوشناي - دا پوشین	رَب	wrap <sup>v</sup>
	پوژاندن - ده ور پیچان		

h	m	n	ŋ	l	r	J	w
how	man	no	sing	leg	red	yes	wet



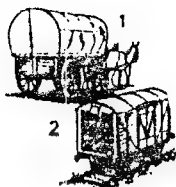
فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
دق دلی خالی کردن	هه ق سه نندن - د یقی دَل	رک	wreak <i>v</i>
انتقام گرفتن	خالی کردن		
ناج / حلقه گل	تاج - تاجه - باز نه گۆل	ریت	wreath <i>n</i>
لاشعاب آلوده اسقاط	چتانی کوئه - ئاو هاورده	رک	wreck <sup>1</sup> <i>n</i>
قسمتها / قطعات درهم	ویرانه - خراب بون	رک بچ	wreckage <i>n</i>
شکسته خواب شدگی - خوابه	چتانی ده رده خور		
خود / خواب کردن	تیک دای - خراو کردن	رک	wreck <sup>2</sup> <i>v</i>
بله کردن	ورد کردن - رو خاندن		
کشیدن، ضرب دیدن - بایج خورن	کیشان - کیشای - گاشیه ی	رنج	wrench <i>v</i>
بایج خور دگی - ضرب دیدگی	پیچ که و ته ی - پیچ	رنج	wrench <i>n</i>
	که و تن - زه ربه ت دین		
کشتی گرفتن - گلاویز شدن	زوران گرتیه ی - زوران گرتن	رسل	wrestle <i>v</i>
کشتی گیر	زوران گیر - زورانگر	رسلر	wrestler <i>n</i>
کشتی گیری - کشتی	زورانگیری	رسلینگ	wrestling <i>n</i>
بیج و تاب خوردن - لولیدن	ئالابوون لولوبیه ی	ری گل	wriggle <i>v</i>
چلاندن، فشردن - پیچاندن	گوشین - شواره ی	رینگی	wring <i>v</i>
	پیچ دای - شویدن		
چین و چروکینواوری	چرچ - ژاکاو - ژاکیا	رینکل	wrinkle <i>n</i>
مچ، مچ دست	موچ - مه چک	ریست	wrist <i>n</i>
ساعت مچی	سه عاتی دهستی سه عاته و ده سی	ریست و اچ	wrist - watch <i>n</i>
نوشتن، مکاتبه کردن	نووسین - نویسای	رایت	write <i>v</i>
کسی که کتاب می نویسد - مؤلف	نوو سه ر - نویسه ر	رایتر	writer <i>n</i>

i:	ɪ	e	æ	ɑ:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
پێچاندن سیم - ازسوم	تەریقۆ / بون، بیهی	رایت	writhe <sup>v</sup>
رێچ بژدن	به ده ور به سان، چماندن		
نوشتەستەستە خط نوێسندگی	نووسراوه - نویسیا	رایتینگ	writing <sup>n</sup>
اثر - نوشتار	نووسراو - نویسه		
ناچور، بەدزشتە نادرست - غلط	بە تال - نادرووس - خراوگونا	رانگ	wrong <sup>1</sup> adj
بە ناحق، بە طور نامناسب، بە غلط	ناچۆر - بیه لاری بیه هه له	رانگلی	wrongly <sup>adv</sup>
بە غلط، اشتباهاً، عمل غیر قانونی	نە زانی - ناریک - هه له	رانگ	wrong <sup>2</sup> adv
خطا، اشتباه	هه له چوو - خه تا - ناره وا	رانگ	wrong <sup>3</sup> n
خطاکار - گناهکار	خه تاکەر - تاوان بار	رانگ دۆر	wrongdoer <sup>n</sup>
نادرست - اشتباه	نادرووس - ناله بار - ناریک	رانگ فول	wrongful <sup>adj</sup>
تاییدە پێچیدەکی و کۆڵە غیر عادی	چەرت - لار - پێچیا - لاو	رآی	wry <sup>adj</sup>
خراب شدن، غرور یختن	وړای - تە پین - رزای	وړای	wrray <sup>v</sup>
ژاژخایی - وژاجی	ژاژوڵی - وړی - وړدان	وژ	wrre <sup>adj</sup>
	وقسە ی بی سە مەر		
نام دهی، با صفا دار و امان	ناوی دێ - یه که له مه لبه ندی	وژا	wrra <sup>n</sup>
و شمال پاوه	هه ورامان وله ژوری پاوه وه		
نام گیاه آقطی که در عید	وړ - ناری گیای تاییه تی هه ورامانه	وژ	wrr <sup>n</sup>
یهودیان مقدس است و نوع سپاه	که جو ه کان و مو به ده کان له تو می		
آن فقط دار و امان و می توان	ئەم گیاه و خەر به ننگ ماده یه ک		
(سرشیو) دیده می شود	موخه در به ناوی (Haouta ها ئومه)		
	یان لئی سازه کردوه که له عه بده		
	کاناوه کو جگه ره و سیگار کیشاویانه		
	ومه ست و مه خمور و مه سرو و رپوون		
	وله ساقه ی ده زک بوگرویس یان سازیه		



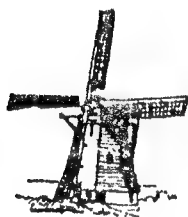
WHORL



WAGONS



WREATH



WINDMILL



WREN



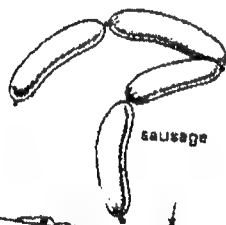
WEATHER VANE



WOODPECKER



sandal



sausage



sandwich

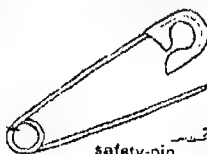


sail' 1



شاهپور دوم

۲۲۵



safety-pin

# X x

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>X</b>			بیست و چهارمین حرف الفبای انگلیسی بیست و چواره مین پیتی نه لقباً
<b>xamdary</b> <i>adj</i>	زامداری	ریش و زامداری	زخم دار - مجروح
<b>xanthippe</b> <i>n</i>	زان تی پی	ژنی سه لیته - ژه نی	زن سلیتم زن شرور
		گازگیره (قه ره چناخ)	
<b>xanthin</b> <i>n</i>	زان تین	به ره موماده ی زه ردی گولان	ماده زرد رنگ گلیا
<b>xanthic</b> <i>adj</i>	زان تیک	زه رد باومه یله وزه رد	زرد فام زردگون
<b>xanthomelanous</b> <i>adj</i>	زان تیرلنوس	سه وزه رو یگه نم و سه وزه	سبزه رو، گندم رنگ
<b>xanthus</b> <i>n</i>	زان تئس	پیس زه رد - زه رد بام	زرد پوست
<b>xmas</b> <i>n</i>	کریمس	جه ژنی سه لیبیه کان جه ژنه ومه سیحان	کریمس، جشن صلیبون
<b>x - ray</b> <i>n</i>	یکس ری	تیزگی ئیکس - تیزگی ئیکس	اشعه ایکس یا رونتگن
<b>x - ray</b> <i>v</i>	یکس ری	تیزگ شانای - شه وق	اشعه زن، درمان با
		هاو یشتن	اشعه X
<b>xenophile</b> <i>n</i>	زنوفایل	جاش و چلکا و خور	بیگانه پرست
<b>xylem</b> <i>n</i>	زای لم	لوله ی چبوی له دار	اوند چوبی، بافت چوبی، گزیلم
<b>xylophone</b> <i>n</i>	زای ل فون	باقتی چبوی	نوعی سنتور چوبی، گزیلوفون

ua pure p pen b bed t tea d did k cat g got tʃ chin dʒ June



FALCON



FUNNEL



FILE



FEZ



FLUTE



FROG



BLUEBELL



POPPY



PANSY



DANDELION



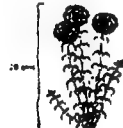
HOLLYHOCK



THISTLE



CHRYSANTHEMUM



CARNATION



HYACINTH



FOXGLOVE



CROCUS



IRIS



TULIP



BUTTERCUP



DAFFODIL



ROSE



VIOLET



DAISY



SNOWDROP



GERANIUM



GRAPEFRUIT



LEMON



GRAPES



MELON



BANANAS



PEAR



PLUMS



PAIWI PAW



BLACKBERRIES

# Y y

انگلیسی	تلفظ	کُردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>Y</b>			بیست و پنجمین حرف الفبای انگلیسی
<b>yari</b>		ثایینی ناگر پرسی و مه ز دایه تی یاری	شاخه ای از این کهن گردان در
		له هه ورامان	اورامان که دنباله این زردشتی است
<b>yacht</b> <i>n</i>	یات	ئاو روین - به له م ئاو دهر - وابه له م	قایق بادبانی / بادبان دار
		ئاو گه ری بابو دکه شتی سه یران	کشتی تفریحی
<b>yard</b> <i>n</i>	یارد	به ری مال - حه وش - حه وشه	۹/۴ متر حیاط - یارد
		حه ساری مال	حصار - کارگاه
<b>yawn</b> <i>v</i>	یان	باو یژگ کردن - و یژی	خمیازه کشیدن، دهان گشودن
		ئه ره ئاسه ی	
<b>year</b> <i>n</i>	پر	سال - هه رز ساله - ته مه ن	سال - بین - زمان
<b>yearly</b> <i>adj, adv</i>	پرلی	هه موو سال - گورد ساله ی	هر ساله، سالانه
<b>yeast</b> <i>n</i>	بیست	ترشه هه ویر - ئامیان	خمیر ترش، خمیر مایه، مایه
		هه میره ترشه - که ره نان	خمیر آبجو - کفک
<b>yell</b> <i>v</i>	یل	هاوار کردن - نه پ نای	نعره زدن، داد کشیدن
		دهنگ ئامه ی - نه پ اندن	هوار کشیدن

فارسی	کردی	تلفظ	انگلیسی
Persian	Kurdish	Pronunciation	English
زرد، زرد رنگ، زرد تلایی	زەرد - زەرد پەسو	یلو (پلئو)	<b>yellow</b> <i>adj, n</i>
ترسو	مانگور و جیاری - زەنگی زەرد		
بله، آری، بلی، به چشم، توافقی	بە لێ - ئە ی چی ش - ئە ری	پس	<b>yes</b> <i>int</i>
دیروز - روز پیش	دو یکه - هیزی - دوی نی	پس تەردی	<b>yesterday</b> <i>n, adv</i>
تا حال، تا کنون - هنوز - ولی	هێچتا - هێمار - جاری	یت	<b>yet</b> <i>adv</i>
تسلیم کردن - بار دادن	بە دەست دان - سپاردە ی	ییلد	<b>yield</b> <i>v</i>
(میوه...) - واگذار کردن	بار دای - بایس بون		
یوغ، بردگی	هیش و نیله - چیر	یئوک	<b>yoke</b> <i>n</i>
	چه پوک - نیل - ژیر دە سی جاش ئاسا		
زرد، تخم مرغ	زەرد یئە زەردە نیە و هیله ی	یئوک	<b>yolk</b> <i>n</i>
تو، شما، فرهادم	تۆ - کەس - تە	یو	<b>you</b> <i>pron</i>
خام، جوان، خردسال، نوپاوه	جوان - کۆر پەزە و رۆ - لاو	یانگ	<b>young</b> <sup>1</sup> <i>adj</i>
جوان - بچمنورس	منال - کور - زار و له	یانگ	<b>young</b> <sup>2</sup> <i>n</i>
مال تو - مال شما	ئێ نی تۆ - ئێنیو تۆ	یور	<b>your</b> <i>adj</i>
مال تو - از آن تو	ئێ نی تۆ - ئێنیو ویت	یورس	<b>yours</b> <i>pron</i>
خودت، خودتان، خودت	خۆت - ویت - ویتان	یور بیلف	<b>yourself</b> <i>pron</i>
جوانی، مرد جوان، نوجوان	کاتی جوانی - تازه خەت - لاو	یوس	<b>youth</b> <i>n</i>
جوان - جوانی، شاداب	جوانی و لاوی	یوس فول	<b>youthful</b> <i>adj</i>
مخفف <i>you have</i>	کورتە ی <i>you have</i>	یوو	<b>you, ve</b>
زرد، زعفران، زرد یا نعره کشیدن	لورە نەرە، لورە ونەرە کیشان	یاو - ل - یال	<b>yowl</b> <i>v, n</i>
ایام، نوئل - کریس مَس	کاتی نوئل و کریس مەس	یول	<b>yule</b> <i>n</i>
جوان تحصیل کرده و پُر درآمد	جوانی پولدار و مەدرە کد ر	یوپ	<b>yup-pie</b> <i>n</i>

h m n ŋ l r J w  
how man no sing leg red yes wet



old



new

clean



dirty



weak



strong



cheap



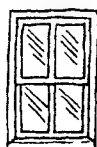
expensive



open



closed/shut



hot



cold



soft



hard

loud



quiet



wet



dry



loose

tight



# Z z

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
<b>Z</b>	زد	بیست و ششمین حرف الفبای انگلیسی بیست و سهمین پیتی ته لقباً	
<b>zaz</b> <i>n</i>	زاز	ناوی کلیسای له پاره که له ده	نام کلیسای درپاره در عهد
<b>zany</b> <i>adj</i>	زینی	وره ی ته شکانه کان بنا ویا نگ، بوه	فرهاد چهارم اشکانی
<b>zeal</b> <i>n</i>	زیل	خول و گه وچ و گیش، خه ره فیا	لودمبله، دیوانه
<b>zebra</b> <i>n</i>	زیبرا، زیبر	غیره ت به وشی زه و ق و شه و ق	ذوق و شوق - تعصب، اشتیاق
<b>zero</b> <i>n</i>	زیرو	که ره کیوی - هه ره کویه	گورخر - خر و هشی
<b>zigzag</b> <i>n</i>	زیگ زی	سفر - پو وچ - حیج	عدد صفر (۰)
<b>zinc</b> <i>n</i>	زینک	چد و ت وراس - قه مچ و پیچ بادهان	زیگزاگ، مارپیچی، جنانگی
<b>zip</b> <sup>1</sup> <i>n</i>	زیپ	جور یوه فلزی چه ر مه	روی، فلز روی، زینک
<b>zip</b> <sup>2</sup> <i>v</i>	زیپ	زیپ دو خین - نه نجه نه، گیفه	زیپ صغیر گلوله
<b>zone</b> <i>n</i>	زون (زونون)	زیپ به ستن - زیپ بینای (به سه ی)	با زیپ بستن، زیپ را کشیدن
		جی - شوین - یاگی	ناحیه، منطقه، بخش
		به ش - وه لات - محله	جا
<b>zoo</b> <i>n</i>	زوو	باغی وه حش یاخ و ره حشیا تی	باغ وحش - ددباغ

i:	ɪ	e	æ	a:	ɒ	ɔ:	ʊ	u:
see	sit	ten	hat	arm	got	saw	put	too

انگلیسی	تلفظ	کردی	فارسی
English	Pronunciation	Kurdish	Persian
zoological <i>adj</i>	زولوژیکال	مه‌ریوت به‌جانه‌ره ژئناسی	مربوط به جانورشناسی
zoology <i>n</i>	زولجی	جانه‌وه ژئناسی (ناسی)	جانورشناسی
zoroaster <i>n</i>	زنورواستیر	زه‌ده‌شت له‌هه ورامان	زرتشت پیامبرایایی
zoroastrian <i>n</i>	زنورواستیرن	زه‌ده‌شتی زه‌ورو ئاسمانی	زرتشتی‌تاش پرست
zoom <i>v, n</i>	زووم	ویزه کردن - هه‌لسانی	اوچ گرفتن - ووز کردن
		ته یاره - زۆم	زوم دوربین
zoomlens <i>n</i>	زووم‌لنز	ئاده‌سی زۆم‌له‌دوربین	عدسی زوم‌رد دوربین فیلم‌برداری
zoophyte <i>n</i>	زنوفایت	گیای جانه‌وه رئاسا (باو)	گیاه‌جانورمانند دریاها
		وه کومه رجان‌وخه یاری ده‌ریایی	مثل شقایق و مرجان



هرمز دوم پسر نرسی  
م - ۳۰۱



بهرام سوم  
م - ۲۹۳



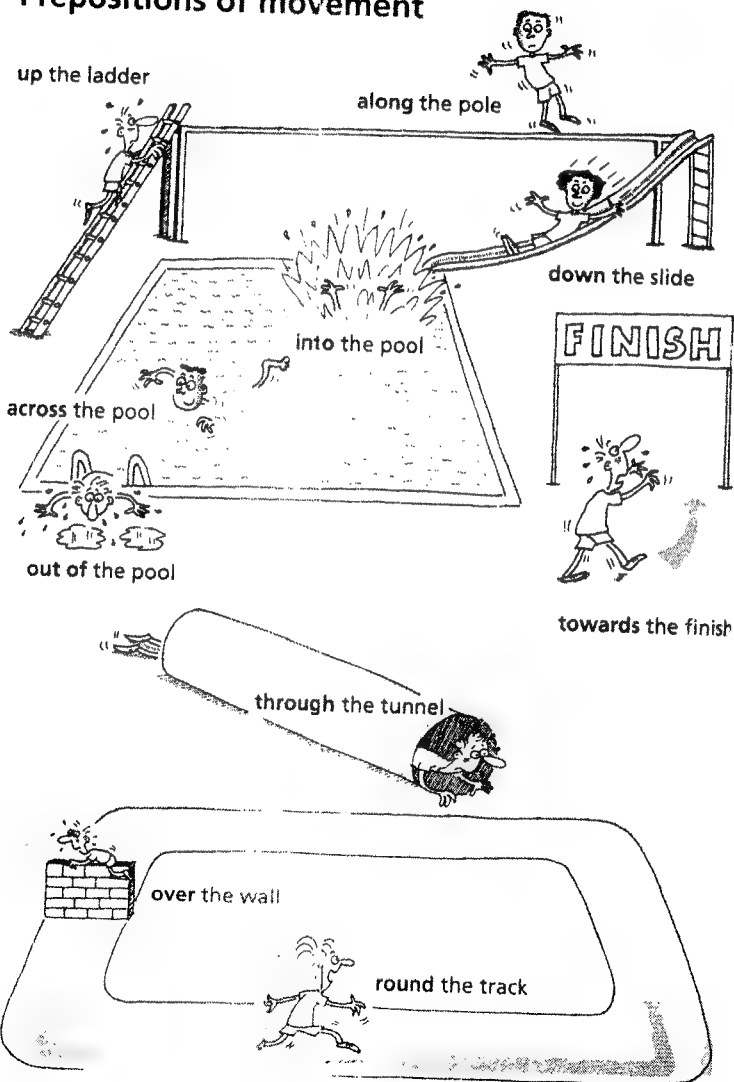
هرمز چهارم پسر انوشیروان  
م - ۵۷۹

فرهاد دوم  
۱۲۷ - ق - م



A 3: a ei au ai au ɔɪ ɪə  
 cup bird ago day go five now boy near

## Prepositions of movement



## Numbers – اعداد

### ژماره کان – شماری

<b>Zero</b> /zi:rəu/	صفر	سفر	<b>nineteen</b> /nainti:n	نوزده	نوزده
<b>one</b> /wʌn	یک	یهک - یو	<b>twenty</b> /twenti/	بیست	بیست
<b>two</b> /tu:	دو	دوودوی	<b>twentyone</b> /wʌn/	بیستویک	بیستویک
<b>three</b> /θri:	سه	سییه ری	<b>Thirty</b> /θ3:ti/	سی	سی
<b>four</b> /fɔ:r	چار	چووار	<b>Forty</b> /fɔ:ti/	چهل	چهل
<b>five</b> /faiv/	پنج	پینج پهنج	<b>Fifty</b> /fifti/	پنجاه	پنجاه
<b>six</b> /siks	شش	شش ششش	<b>Sixty</b> /siksti	شصت	شصت
<b>seven</b> /seven	هفت	هوت هفت	<b>Seventy</b> /sevnti	هفتاد	هفتاد
<b>eight</b> /eit	هشت	ههشت	<b>Eighty</b> /eiti	هشتاد	هشتاد
<b>nine</b> /nain	نه	نۆ	<b>Ninety</b> /nainti	نود	نود
<b>ten</b> /Ten/	ده	ده	<b>Hundred</b> /hʌndrəd/	صد	صد
<b>eleven</b> /ilevn	یازده	یانزه	<b>Thousand</b> /θauznd/	هزار	هزار
<b>twelve</b> /twelv	دوازده	دوانزه	<b>Million</b> /million/	میلیون	میلیون
<b>thirteen</b> /θ3:ti:n/	سیزده	سیانزه	<b>Billion</b> /billion/	بیلیون	بیلیون
<b>fourteen</b> /fɔ:tin	چهارده	چوارد	<b>First</b> /f3:st/	اول	هوه لیه کوّم
<b>fifteen</b> /fifti:n/	پانزده	پازده	<b>Second</b> /sekənd/	دوم	دووهه م
<b>sixteen</b> /siksti:n/	شانزده	شازده	<b>Third</b> /θ3:d/	سوم	سییه م یه روّم
<b>seventeen</b> /sevnti:n/	هفده	هفده	<b>Fourth</b> /fɔ:θ/	چهارم	چووارم
<b>eighteen</b> /eiti:n/	هجده	ههژده	<b>Fifth</b> /fifθ/	پنجم	پینجم

## مشاغل – Jobs کاره‌کان – شوغلی

**Actor(Actress)/æktər/** هنرپیشه مرد(زن)

**Archeologist** باستانشناس

**/ɒkiələdʒist/n** کوژناس

**Artist/a:tist/n** نقاش، هنرمند

**Author(writer)/ɔ:θər/** نویسنده نوسه

**Baker/beikər/n** نانوا نانکەر

**Barber(hairdresser)** آرایشگر

**/ba:bər/n** مرد(زن) نه‌وه‌رازین

**BlackSmith/blæksmiθ/n** آهنگر

**Builder/bildər/n** بنا نوّسادیار

**Butcher/butfər/n** قصاب قه‌ساو

**Captain/kæptin/** ناخدا سهران

**Carpenter/Ka:pintər/n** نجار چو‌تاش

**Clerk/klɜ:k/n** فروشنده فروشەر

**Cook/kʊk/n** آشپز چی‌شت‌ساز

**Dentist/dentist/n** دندانپزشک

**Doctor/dɒktər/n** دکتر دوکتور

**Driver/draivər/n** راننده شفور

**Engineer/endʒinjər/n** مهندس

**Farmer/fa:mər/** کشاورز وه‌رزیه‌ر

**Fisherman/fi:fərmæn/n** ماهیگیر

**Gardener/ga:dnər/n** باغبان باخه‌وان

**Janitor/dʒənɪtər/n** دربان پاسه‌وان

**Lawyer/lɔ:jər/n** وکیل وه‌کیل

**Mason/məɪsn/n** سنگ‌تراش-معمار

**Master/ma:stər/n** دبیر-رئیس

**Mayor/meər/n** شهردار شاره‌وان

**Mechanic/məkænik/** مکانیک

**Miner/mainər/** معدنچی کانگه‌چی

**Minister/minister/n** وزیر وه‌زیر

**Nurse/nɜ:s/n** پرستار

**Pilot/pailət/n** خلبان هه‌واگه‌رد

**PipeFitter/paipfitər** لوله‌کش

**Poet/pəvɪt/n** شاعر

**Postman/pəʊstmæn/n** پستیچی

**Policeman/pəli:smæn/n** پلیس، پاسبان

**Prime Minister** نخست وزیر

/praɪmɪnɪstər/n سەرۆک وه‌زیر

**Reporter** خبرنگار، گزارشگر

/rɪpɔːrtər/ خه‌به‌رده‌ر

**Servant=maid**/sɜːvənt/ خدمتکار

مرد(زن) خزمه‌تکاری پیاوژن

**Shoe Maker**/fuːmeɪkər/n کفاش

**Soldier**/səʊldʒər/n سەرواز سرباز

**Steward(ess)**/stjuəd/ مهماندار آقا

(خانم) خزمه‌تکاری پیاوژن

**Professor**/prəfesor/n استاد، پروفیسور

**Student**/stjuːdnt/n دانش

آموز

**Surgeon**/sɜːdʒən/n جراح جهرآخ

**Tailor (dressmaker)** خیاط مرد(زن)

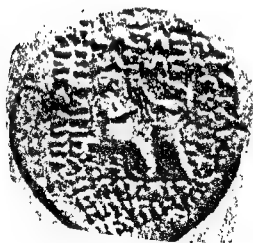
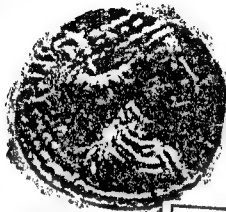
/teɪlər/n

**Teacher**/tiːtʃər/n معلم ئاموژگر

**Waiter**/weɪtər/n گارسون خزمه‌تکار

**Worker**/wɔːkər/n کارگر کری‌کار

**porter**/pɔːtər/n باربر هه‌مال



ارشک اول  
۲۵۶-ق-م

اردوان دوم  
۱۲۸-ق-م

## مغازه‌ها – Shops دووکانون – دووکانی

**Bakery**/beikəri/ نانوايي نانکەری

**BarberShop**/ba:bərʃɒp/ آرایشگاه

مردانه ئارایشگاهی پیاوانه

**BlackSmithShop** آهنگری ئاسنگه‌ری

**BookShop**/bʊkʃɒp/ کتابفروشی

**Butchery**/butʃəri/ قەسابی قەسابی

**Carpentry**/ka:pintəri/ نجاری چۆتاشی

**Confectionery**/kənʃekʃnəri/ قندادی

**DairyShop**/deəriʃɒp/ شیرانی فروشی

**DressMakingSaloon** خیاطی

/dresmeikin/ زنانه خه‌یاتی ژنانه

**DrugStore**/drʌgstɔ:r/ داروخانه

بزرگ داروخانه‌ی گه‌وره

**Green** سبزی/میوه

**Grocery**/groʊsəri/ فروشی میوه‌سه‌وزی فروشی

**Grocery**/grəʊsəri/ بقالی، خواروبار

فروشی دوکانداری که‌لوپه‌ل

**HairDressingSaloon** آرایشگاه

زنانه ئارایشگاهی ژنانه

**Harberdashery** خرازی

**Jewellery**/dʒu:əlri/ جواهرفروشی

**Kiosk**/ki:ɒsk/ کیوسک، غرفه

**Pharmacy**/fa:məsi/ داروخانه

**ShoeShop**/ʃu:ʃɒp/ کفش‌ی

**Shop**/ʃɒp/ مغازه دوکان

**Stall**/stɔ:l/ دکه بئکه

**Stationery**/steɪʃnəri/ لوازم‌التحریر

فروشی ئامرازی نویسن

**Store**/stɔ:r/ فروشگاه، انبارفروشه

**Supermarket** سوپرمارکت

/su:pəma:kit/ دوکانی هه‌رنیازی

**TailorShop**/teɪləʃɒp/ خیاطی

مردانه خه‌یاتی پیاوان

**WatchMaker'sShop** ساعت‌سازی

سه‌عات‌سازی

## واژه‌های مذهبی – Religious Words

### وشه نائینه کان – که لیمی نائینی

**Ablution**/əbluːʃn/ دس نویتّ وضو

**Angel**/eɪndʒl/ فرشته فری شته

**Bible**/baɪbl/ انجیل عیسی (ع)

**Bishop**/bɪʃəp/ اسقف-مُطران شیخ ترسا

**Call for Prayer**/kɔːlfɔːpreər/ اذان

**Chapter (Surah)**/tʃæptər/ سوره

**Christian**/krɪstʃən/ مسیحی ته رسا

**Church**/tʃɜːtʃ/ کلیسا مزگه سیحان

**Creator**/kriːeɪtər/ خالق وەش کەر

**Creature**/kriːtʃər/ مخلوق خلوقیای

**Cross**/kros/ صلیب

**Devil (Satan)**/devl/ شیطان-دیو

**Faith**/feɪθ/ ایمان ئە قیده

**Fasting**/faːstɪŋ/ روزه رۆژو-رۆچی

**God**/ɡɒd/ خدا هورمزخواخودا

**Heaven**/hevən/ بهشت یاگه حوړی

**Hell**/hel/ جهنم یاگه موکل

**Holy War (Jihad)**, جهاد

**Crusade**/həʊliwɔːr/

**Jesus Christ**/kraɪst/ حضرت مسیح

**Jew**/dʒuː/ یهودی جوو موسایی

**Kiblah**/kɪblə/ قبله

**Koran**/kəˈrɑːn/ قرآن قورحان

**Martyrdom**/maːtədəm/ شهادت

**Martyr**/maːtə/ شهید

**Moslem**/mosləm/ مسلمان

**Mosque**/mɒsk/ مسجد مزگت

**Be Upon Him** صلوات

**Prayer**/preər/ نماز نویتّ

**Priest**/priːst/ کشیش-موبد

**Prophet**/prɒfɪt/ پیامبر

**Psalms**/saːm/n زبور

**Psalm**/saːm/n داود (ع)

**Satan**/seɪtən/ شیطان مهله کتاوس

**Sin**/sɪn/ گناه گوناح

**Sohof**/sohaːf/n صحف ابراهیم

**Temple**/templ/ معبد زکرا

**Torah**/Toraː/ تورات موسی (ع)

**evil**/iːvl/ بد-شرارت آمیز

**holograph**/holəgrɑːf/ خودنوشت

وصیت نامه وەسیه نامه نویس

**verse**/vɜːs/ آیه شیعر



## لوازم التحریر - Stationery

### ئەسبابی نوێسە - وەسێلەکانی نووسین

**BallPen**/bɔ:lpen/ خودکار وی نوێس

**BlackInk**/blækɪŋk/ ڕەڤەڕە ڕەڤە

**Book**/buk/ کتێب کتێبو

**Calculator** ماشین حساب

/kælkjuleɾ

**Calendar**/kælɪndə/ تقویم

**Chalk**/tʃɔ:k/ گچ

**Clip**/klɪp/ گیرە گیرە

**ColourPencil**/kɔlərpensl/ مەدار نەگی

**Compass**/kəmpəs/ قەڵەب نەما

**Compasses**/kəmpəsəs/ پەرگار

**Crayon**/kreɪən/ مەدار شەمعی

**Desk**/desk/ مێز تحریر مێزی نووسین

**Desk Lamp** چراغ مەطالعە

/deskLæmp/ چرای خوێندن

**Duster**/dʌstə/ تەختە پاک کەن

**Envelope**/envələʊp/ پاکت (نامە)

**Eraser(rubber)**/ɪreɪzə/ پاک کەن

**File**/faɪl/ پۆشە

**Fountain Pen** خودنوێس خودنوێس

/faʊntɪnpən

**Globe**/gləʊb/ گۆرە جەغرافیایی گۆرە جەغرافیایی

**Glove**/glʌv/ دەست کێش دەست کێش

**Glue**/glu:/ چسب مایە چسب مایە

**Inkpot**/ɪŋkpɒt/ دوات جی جەو هەر

**Ink**/ɪŋk/ جوهر جەو هەر

**Loose-leafBook** کلاسور

**Magicpen**/mædʒɪkpen/ مازیک

**Map**/mæp/ نقشە نەخشە

**Notebook**/nəʊtbʊk/ دفترچە

**Pen**/pen/ قەلم، خودکار

**Pin**/pɪn/ سەنجا ق تەگەرد

**Protractor**/prətræktə/ نەقالە

**Puncher**/pʌntʃə/ مەنگنە کونا کەر

**Reed**/ri:d/ قەلم ڕەشت-نی نەبجە

**Ruler**/ru:lə/ خەت کێش خەت کێش

**(pencil)Sharpener** (مەدار) تراش

/ʃa:pənə/

**ScotchTape** چسب نواری-اسکاج

/skotʃTeip/ چه‌سپی‌نه‌واری

**Seal**/si:l/ مهر مۆر-مۆر

**Set-square**/set-skweər/ کونیا

**Stamp**/stæmp/ تمبر ته‌مر

**Stamp**/stæmp/ استامپ مۆرخواز

**Staple**/steipl/ سوزن‌بوخت دهرزی‌دروین

**Stapling**/steipliŋ/ ته‌بوژی‌کتاب

۲۵- خسرو دوم ۵۹۱-۶۲۸م

۲۶- قباد دوم ۶۲۸م

۲۷- اردشیر سوم ۶۲۸-۶۳۰م

۲۸- پوراندخت ۶۳۰-۶۳۱م

۲۹- آذرمدخت ۶۳۱م

۳۰- خسرو سوم ۶۳۱م

۳۱- هرمز پنجم ۶۳۱-۶۳۲م

۳۲- خسرو چهارم ۶۳۲م

۳۳- یزدگرد سوم ۶۳۲-۶۵۱م

**Stapler**/steipær/ ماشین‌دوخت‌کاغذ

**ThumbTack**/θʌmtæk/ پونز

**Type-writer**/taipraitər/ ماشین‌تحریر

**magnet**/mægnit/ آهن‌ربا ئاسن‌کیش

**magnifyingglass** ذره‌بین وردبین

/mægnifaingla:s/

**pencil**/pensl/ مداد میداد-دسه‌داده

۱۳- یزدگرد اول ۳۹۹-۴۲۰م

۱۴- بهرام پنجم ۴۲۰-۴۳۸م

۱۵- یزدگرد دوم ۴۳۸-۴۵۷م

۱۶- هرمز سوم ۴۵۷-۴۵۹م

۱۷- بیروز اول ۴۵۹-۴۸۴م

۱۸- بلاش ۴۸۴-۴۸۸م

۱۹- قباد اول ۴۸۸-۴۹۷م

۲۰- جاماسب ۴۹۷-۴۹۹م

۲۱- قباد اول ۴۹۹-۵۳۱م

۲۲- خسرو اول ۵۳۱-۵۷۹م

۲۳- هرمز چهارم ۵۷۹-۵۹۰م

۲۴- بهرام ششم ۵۹۰-۵۹۱م

## ماههای میلادی و فصول مانگی و فەسلێ – مانگان و وەرزان

Month/maɪnθ/ ماه مانگ

January/dʒænjʊəri/ ژانویه-دی سەرماوەز

February/februəri/ فەبرە-بەین رێبەند

March/ma:tʃ/ مەرس-سەفەند وەنۆشەما

April/eɪprəl/ آوریل-فروردین خاکەلیو

May/meɪ/ مە-اردیبهشت گولان

June/dʒu:n/ ژوئن-خرداد جۆزەردان

July/dʒu:lai/ ژوئیه-تیر پوشره

August/ɔ:gəst/ اوت-مرداد گەلاویژ

September سەپتامبەر-شەڕیور

/septembər/ خەرمەنان

October/ɒktəʊbər/ اکتبر-مهر رەزما

November/nəʊvembər/ نوامبر-آبان

December/dɪsembər/ دسامبر-آذر

Season/si:zn/ فصل وەرز

Spring/sprɪŋ/ بهار وەهاریه‌هار

Summer/sʌmə/ تابستان هەمان

Autumn(Fall)/ɔ:təm/ پاییز

Winter/wɪntər/ زمستان زمسان زستان

Century/Sentʃəri/ قرن سەدسال



مەرمەز سەم پەسر یەزد کردەدوم  
۹-۴۵۷-م

## روزهای هفته روانوهفتهی - رَوَزانیحهوته

Monday/mañdei/ دوشنبه دوشه‌مه

Tuesday/Tju:zdei/ سه‌شنبه سی‌شه‌مه

Wednesday/wenzdei/ چهارشنبه چوار‌شه‌مه

Thursday/θ3:zdei/ پنج‌شنبه په‌نج‌شه‌مه

Friday/fraidei/ جمعه هه‌ینی

Saturday/sætədi/ شنبه شه‌مه

Sunday/sañdei/ یکشنبه یه‌ک‌شه‌مه



سکه‌های ساسانی

اشک دوم  
۲۴۷ - ق - م

## خانواده - Family

### یانه و بنه ماله

**Father**/fɑðər/ پدرجابه - تاته بابا یوکی

**Mother**/mʌðər/ مادر - دایکشا

**Grandfather** - پدر - بابوکه گه وره

/grændfɑðər/ بزرگ

**Grandmother** - مادر - دایکه

/grændmʌðər/ بزرگ - گه وره

**Son**/sʌn/ پسر - کورکورپه

**Daughter**/dɔ:tər/ دخترکیژ - کچ کناچی

**Grandson**/grændsʌn/ نوپسری - کورفا

**DaughterGrand** نوهدختری کچهزا

**(paternal)Uncle** عمو - مامو مام

/pətɜ:nlʌŋkl/

**(Maternal)Uncle** دایی

/mætɜ:nəlʌŋkl/ خالوخال - لالو

**(paternal)Aunt/a:nt** عمه - مته تیه

**(Maternal)Aunt** خاله - پوریدی

**Sister/sistər** خواهر - خوشکوالی

**Brother**/brʌðər/ برادر - برا



اشک پنجم (فرهاد اول)

۱۷۶ - ق - م

محمد اشکانی

## رنگها - Color

### رنگه کان - رنگی

**Black**/blæk/ سیا، مشکی سیاوَرَش

**Blue**/blu:/ آبی ناویکه وووشین

**Brown**/braʊn/ قهوه‌ای قاوه‌ی

**DarkBlue**/da:kblu:/ آبی پررنگ

(و نه‌وشه‌ئاسا)

**Green**/gri:n/ سبز سه‌وز

**Grey**/gri:/ خاکستری بول‌بام

**LightGreen**/laitgri:n/ سبز کم‌رنگ

**Orange**/ɔ:rindʒ/ نارنجی پرتَه‌قالی

**Pink**/pink/ صورتی سوورَه‌تی

**Red**/red/ قرمز سوورخال

**Violet**/vaiələt/ بنفش به‌نه‌وش

**White**/wait/ سفید سپی‌چهرمه

**Yellow**/jeləʊ/ زرد زهره‌د



مهرداد اول  
۱۷۱ - ق - م



اشک چهارم  
۱۹۱ - ق - م

## حيوانات – Animals حه يوانی – حه يوانه کان

<b>Animal</b> /æniml/	حيوان	حه يوان	<b>Animal</b> /æniml/	حه يوانانی لینی
<b>Ant</b> /ænt/	مورچه	مروچی میړوله	<b>Donkey</b> /dɒŋki/	الاغ
<b>Ass</b> /æs/	خر	ولآخ هه رکه ر	<b>Duck</b> /dʌk/	مرغابی
<b>Bear</b> /beər/	خرس	نه شه ورچ	<b>Eagle</b> /i:gl/	عقاب
<b>Bee</b> /bi:/	زنبور	عسل هه نگ	<b>Elephant</b> /elifənt/	فیل
<b>Beetle</b> /bi:tl/	سوسک	قولانچه	<b>Fish</b> /fiʃ/	ماهی
<b>Butterfly</b> /bʌtərflai/	پروانه	په پوله	<b>Fly</b> /flai/	مگس
<b>Calf</b> /ka:f/	گوساله	گورده گویړه که	<b>Fox</b> /fɒks/	روباه
<b>Camel</b> /kæml/	شتر	وشر	<b>Frog</b> /frɒg/	قورباغه
<b>Canary</b> /kəneəri/	قناری	قه ناری	<b>Giraffe</b> /dʒira:f/	زرافه
<b>Cat</b> /kæt/	گره	کته پیشی لی	<b>Gnat</b> /næt/	پشه
<b>Centipede</b> /sentipi:d/	هزارپا	هه زار پی	<b>Goat</b> /gəʊt/	بز
<b>Chicken</b> /tʃikin/	جوجه	جوجه لی	<b>Goose</b> /gu:s/	غاز
<b>Cock</b> /kɒk/	خروس	که له شیر	<b>Hedgehog</b> /hedʒhɒg/	جوجه تیغی ژو ژو
<b>Cow</b> /kau/	گاو	گاو — گا	<b>Hen</b> /hen/	مرغ
<b>Crocodile</b> /krɒkədail/	سوسمار	بزرگ	<b>Hoopoe</b> /hu:pu:/	هدهد، شانه بستر
<b>Crow</b> /krəʊ/	کلاغ	قالاو	<b>Horse</b> /hɔ:s/	اسب
<b>Deer</b> /diər/	آهو	ناسک	<b>Kangaroo</b> /kæŋgəru:/	کانگورو
<b>Dog</b> /dɒg/	سگ	تو و ته ده له گه مال	<b>Kid</b> /kid/	بزغاله
<b>Domestic Animals</b>	حيوانات اهلی		<b>Lamb</b> /læm/	بَره

**Leopard**/lepəd/ یوزپلنگ جوړه پلنگی  
**Lion**/laien/ شیر شیر  
**Lizard**/Lizəd/ مارمولک مارملکه مه زوی  
**Lobster**/lobstər/ خرچنگ قارژنگ  
**Locust**/ləukəst/ ملخ کولله قولمه  
**Monkey**/mʌnki/ میمون مه میمون  
**Mouse**/maʊs/ موش مشک مله  
**Nightingale**/naitnɡeɪl/ بلبل بلبل  
**Octopus**/ɒktəpəs/ اختاپوس، هشت پا هشت پی  
**Ostrich**/ɒstrɪtʃ/ شترمرغ مروشتر  
**Owl**/aʊl/ جغد بوم جاده قوش  
**Panther (Jaguar)**/pænθər/ پلنگ  
**Parrot**/pærət/ طوطی توتی  
**Partridge**/paːtrɪdʒ/ کبک کهو - ژه ره ژ  
**Peacock**/piːkɒk/ طاووس تاوس  
**Penguin**/penɡwɪn/ پنگوئن  
**Pigeon**/pɪdʒen/ کبوتر کوتر کاو هتر  
**Quail**/kweɪl/ بلدرچین که ره واله  
**Rabbit**/ræbɪt/ خرگوش هه وری شه  
**Rhinoceros**/raɪnɒsərəs/ کرگدن  
**Scorpion**/skɔːpiən/ عقرب بوویشک  
**Shark**/ʃaːk/ کوسه جوړه ماسیه کی در نه دینه

**Sheep**/ʃiːp/ گوسفند مه یه مه رخی  
**Silkworm**/sɪlkwɜːm/ کرم ابریشم  
**Snail**/sneɪl/ حلزون سه وزی خوړ  
**Snake**/sneɪk/ مار مار  
**Sparrow**/spærəʊ/ گنجشک چوله که  
**Spider**/spaɪdər/ عنکبوت که کله موشان  
**Squirrel**/skwɪrəl/ سنجاب سموره  
**Swallow**/swɒləʊ/ پرستو، چلچله  
**Swan**/swɒn/ قو قوی ئاوان  
**Tiger**/taɪɡər/ ببر به بری به یان  
**Toad**/təʊd/ وزغ جوړه قرپو قی  
**Turkey**/Tɜːki/ بوقلمون به قله موت  
**Turtle**/tɜːtl/ لاک پشت کیسه ل  
**Vulture**/ˈvʌltʃər/ کرکس دالی گهر  
**Wasp**/wɒsp/ زنبور زه رده واله  
**Whale**/weɪl/ نهنگ - وال نه ههنگ  
**Wild Animals** حیوانات حه یوانه  
**/waɪdəniml/** وحشی کیویان  
**Wolf**/wʊlf/ گرگ وه رگ گورگ  
**Woodpecker**/wʊdpekər/ دارکوب  
**Worm**/wɜːm/ کرم کرمی - کرم  
**Zebra**/ziːbrə/ گورخر که ره کیوی



## اعضاء بدن (bodyorgans) تیکی لاشه ی - به شه کانی له ش

<b>Ankle</b> /æŋkl/	مچ-قوزکپا قاپوره	<b>Eye</b> /ai/	چشم چاوچه م
<b>Armpit</b> /a:mpit/	زیربغل بن بال	<b>Face</b> /feis/	صورت روویدیم
<b>Artery</b> /a:təri/	سرخرگ رَه گی سوور	<b>Finger</b> /fingər/	انگشت دست فامکئه نگوس
<b>Back</b> /bæk/	پشت په شتی پشت	<b>Fist</b> /fist/	مشت مشت
<b>Beard</b> /bied/	ریش	<b>Foot</b> /fut/	پا پی پا
<b>Belly</b> /beli/	شکم سکه مه	<b>Forearm</b> /fə:ra:m/	ساعدمه چهک
<b>Blood</b> /blʌd/	خون ونی خوین	<b>Forehead</b> /fə:rid/	پیشانی ته ویل
<b>Body</b> /hodi/	بدن له ش	<b>Gum</b> /gam/	لته قرو-گلوه
<b>Bone</b> /bəʊn/	استخوان پی شه	<b>Hand</b> /hænd/	دست ده سده ست
<b>Brain</b> /brein/	مغز، مخ مه ژگ	<b>Head</b> /hed/	سر سه رسه ره
<b>Breast</b> /brest/	سینه-پستان به رهک	<b>Heart</b> /ha:t/	قلب دل
<b>Capillary</b> /kəpiləri/	مویرگ رَه گموو	<b>Jaw</b> /dʒɔ:/	فک، آرواره چه ناکه مکله
<b>Cheek</b> /tʃi:k/	لب، گونه-گپ گولم	<b>Kidney</b> /kidni/	کلیه گوجیلی-ولک
<b>Chin</b> /tʃin/	چانه چه ناکه-زنج	<b>Knee</b> /ni:/	زانو نه ژنو-زهنگوول
<b>Ear</b> /ɜ:r/	گوش گوی-گوش	<b>Leg</b> /leg/	ساق پا لاق-لنگ
<b>Elbow</b> /elbəʊ/	آرنج هه ریژن	<b>Lip</b> /lip/	لب-لچ ولیو
<b>Eye-brow</b> /ai-brəʊ/	ابرو برو	<b>Liver</b> /livər/	کبد-جگر-یه هه رهک
<b>Eye-lash</b> /ai-læʃ/	مژه برژانگ	<b>Lung</b> /lʌŋ/	ریه-سی-شوشی
<b>Eye-lid</b> /ai-lid/	پلک پیله چه مپوش		

<b>Moustache</b> /məsta:f/	سویل	سوئل
<b>Mouth</b> /mauð/	دهان	دهم
<b>Muscle</b> /masl/	عضله- ماهیچه، مه‌یچه	
<b>Nail</b> /neil/	ناخن	ناخون
<b>Navel</b> /neivəl/	ناف	ناوک‌نه‌ها
<b>Neck</b> /nek/	گردن	مل
<b>Nerve</b> /nɜ:v/	عصب	دهمار
<b>Nose</b> /nəʊz/	بینی	لووته‌لووت
<b>Palm</b> /pa:m/	کف‌دست-لواسه	
<b>Pancreas</b> /pæŋkries/	لوزالمعده-	
	بادام‌معده	
<b>Shoulder</b> /ʃəʊldər/	کتف-شانه	
<b>Side</b> /said/	پهلو-کنار-پالو-پال‌کن	

۶- بهرام سوم ۲۹۳ م

۷- نرسی ۲۹۳-۳۰۳ م

۸- هرمز دوم ۳۰۳-۳۰۹ م

۹- شاپور دوم ۳۰۹-۳۷۹ م

۱۰- اردشیر دوم ۳۷۹-۳۸۳ م

۱۱- شاپور سوم ۳۸۳-۳۸۸ م

۱۲- بهرام چهارم ۳۸۸-۳۹۹ م

<b>Skin</b> /skin/	پوست	پی‌ست‌پۆس
<b>Sole</b> /səʊl/	کف پا	ژیرپی‌چیرپا
<b>Spine</b> /spain/	ستون فقرات	مازی‌پشت
<b>Stomach</b> /stamək/	معده	هورگ
<b>Thigh</b> /θai/	ران	شلکه‌ران
<b>Throat</b> /θrəʊt/	گلو	قرو‌خلوه
<b>Toe</b> /təʊ/	انگشت پا	ئه‌نگوسه‌وپای
<b>Tongue</b> /tʌŋ/	زبان	زوان-زمان
<b>Tooth</b> /tu:θ/	دندان	دیان‌ددان
<b>Vein</b> /vein/	سیاهرگ	ره‌گی‌ره‌ش
<b>Waist</b> /weist/	کمر	میوین‌گن‌اوقه
<b>Wrist</b> /rist/	مچ‌دست	موچ‌مه‌چه‌ک
<b>heel</b> /hi:l/	پاشنه‌پا	پازنه

سال‌شمار شاهان ساسانی

۱- اردشیر اول ۲۲۴-۲۴۱ م

۲- شاپور اول ۲۴۱-۲۷۲ م

۳- هرمز اول ۲۷۲-۲۷۳ م

۴- بهرام اول ۲۷۳-۲۷۶ م

۵- بهرام دوم ۲۷۶-۲۹۳ م

## (clothing) پوشاک

### لیباس - سیالی

**Belt/belt/** کمر بند مردانه میوین

**Blouse/blu:z/** بلوز جاکت

**Boots/bu:t/** بوتین - چکمه

**BowTie/bəʊtai/** پاپیون یه خه بهن

**Cap/kæp/** کلاه به دار کلاوشه به ق

**Cloak/kləʊk/** شل - خرقه رو کراس

**Coat/kəʊt/** کت کورت

**Collar** یقه یه خه یه خه

**Gloves/ɡlʌv/** دستکش دهس کهش

**Hankerchief/hændkətʃif/** دستمال

**Hat/hæt/** کلاه کلاو

**Helmet/helmit/** کلاه ایمنی کلاوی به رگری

**Jacket/dʒækɪt/** ژاکت جاکت

**Lining/linɪn/** آستر ناسه ر

**NeckTie/nektaɪ/** کراوات مل بهس

**Overall/əʊvərɔ:l/** روپوش روپوش

**Pants/pænts/** شلوار زنانه شوال

**Pyjamas/pə'dʒa:mez/** زیر شلوازی

پیژامه ژیه شوال - چیر پاوهره

**Raincoat/reɪnkəʊt/** بارانی باران گیر

**Robe/rəʊb/** عبا - جبه - ردا کواکهوا

**RubberBoots/rʌbərbu:ts/** چکمه

**Sash/sæʃ/** کمر بند زنانه که مهره

**Scarf/skɑ:f/** روسری، شال گردن شه ده

**Shirt/fɜ:t/** پیراهن کراسر گجی

**Shoes/fu:/** کفش کهوش پالا

**Shorts/fɔ:ts/** شلوارک تونکی

**Skirt/skɜ:t/** دامن داوین کوله نجه

**Sleeve/sli:v/** آستین قول

**Slippers/slipər/** دمپایی سه رپایی

**Socks/sɒks/** جوراب ساقه گویروا

کوتاه گوره وی

**Stocking/stɒkɪŋ/** جوراب ساقه

بلند شوره گویره وه

**Suit/sju:t/** کت و شلوار کوتوشوال

**T-Shirt/fɜ:t/** تی شرت (پیراهن ژیراکراس

آستین کوتاه)

**Trousers/traʊzəz/** شلوار مردانه پاتول

**Turban/tɜ:bən/** عمامه کلاوده سمال

**Underwear/ʌndəweɪə/** زیر پوش

**Veil/veil/** چادر دهوار - رهش مال

**overcoat/əʊvərkeʊt/** پالتو په سه کی

## طبیعت (Nature/neɪtʃər/)

## ته‌بی‌عه‌ت - سروشت

<b>Africa</b> /æfrikə/	آفریقا	ئیفریقا	<b>Forest(jungle)</b> /fɒrɪst/	دارستان	جنگل
<b>America</b> /əmerikə/	آمریکا	ئیمیریکا	<b>Galaxy</b> /gæləksi/	کۆمەڵی ئەستێرە	کهکشانی
<b>Asia</b> /Asia/	آسیا	ئاسیا	<b>Gulf</b> /gʌf/	ئاوکه‌ند	خلیج
<b>Australia</b> /ɔːstreiliə/	استرالیا	ئوسترالیا	<b>Hail</b> /heil/	تەرزەتوهرگی	تگرگ
<b>BlackMud</b> /blækmaʊd/	با‌ط‌لاق	میرگ	<b>Harbour</b> /haːbər/	شاری‌دەریا	بندر
<b>Bush</b> /buʃ/	بوته	م‌ت‌که	<b>Hill</b> /hil/	بازی‌تە‌پۆ‌له‌باسک	تپه
<b>Cape</b> /keɪp/	دماغه-خشکی‌رفته‌در آب‌ئاوێر		<b>Island</b> /aɪslænd/	ئاو‌دە‌و‌ر	جزیره
<b>Chain(range)</b>	رشته‌کوه،	کۆ‌ی‌ستان	<b>Lightning</b> /laɪtnɪŋ/	برق-برووسکه	
	سلسله‌جبال	زەنجیره‌کیو	<b>Mine</b> /maɪn/	معدن	کانگه
<b>Cloud</b> /klaʊd/	ابر-ه‌و‌ر‌ه‌ل‌آ		<b>Mist(fog)</b> /Mɪst/	مه-تە‌م	مژ
<b>Continent</b> /kɒntɪnənt/	قاره	و‌ش‌کی	<b>Moon</b> /muːn/	ماه	مانگ-مانگه
<b>Desert</b> /dezət/	بیابان	بیا‌وان‌و‌ه‌ر‌د	<b>MoonEclipse</b>	خسوف-ماه‌گرفت	
<b>Earth</b> /ɜːθ/	زمین	زە‌و‌ی‌ئ‌ه‌ر‌ز	/muːniklɪps/	مانگ‌گ‌رت	
<b>Earthquake</b> /ɜːθkweɪk/	زلزله‌بومه	لە‌ر‌زە	<b>Mountain</b> /maʊntən/	کوه	کێ‌و‌ک‌ه‌ش
<b>Ebb&amp;Tide</b> /eb/	جزرومد	ئاو‌بان‌و‌نش‌ت	<b>Ocean</b> /əʊfən/	اقیانوس	دای‌کی‌دە‌ریا
<b>Equator</b> /ɪkweɪtər/	خط‌استوا		<b>Oceania</b> /əʊfɪniə/	اقیانوسیه	
<b>Europe</b> /jʊərəp/	اروپا	ئ‌رو‌پا	<b>Peak</b> /piːk/	قله	ئاسۆ‌ک‌ه‌ل‌و‌وت‌ه
<b>Flood</b> /flʌd/	سیل	ل‌اف‌او‌ه‌ه‌ر‌س	<b>Plateau</b> /plætəʊ/	فلات	پانای‌ی
<b>Flower</b> /flaʊər/	گل	گۆ‌ل	<b>Rain</b> /rein/	باران-ر‌ن‌ه‌ر‌ن	واران

<b>Rainbow</b> /reinbəʊ/	رنگین کمان	سینه زهری نی
<b>River</b> /rivər/	رودخانه	رووبار چه م
<b>Sand</b> /sænd/	شن	ریخ وریزی
<b>Sea</b> /si:/	دریا	ده لیا
<b>Sky</b> /skai/	آسمان	ثاسمان
<b>Snow</b> /snəʊ/	برف	وه و میه فرو به ور
<b>Soil</b> /soil/	خاک	خاکو خوّل
<b>Star</b> /sta:r/	ستاره	هه ساره منه ستیره
<b>Steppe</b> /step/	جلگه-استپ	پانوبه رین
<b>Storm</b> /stɔ:m/	توفان	توفو که رده لولول
<b>Strait</b> /streit/	تنگه-کنار آبی وری	ئاو پر که
<b>Stream</b> /stri:m/	نهر، جویبار	جو که ئاو، چه م

<b>Sun</b> /sʌn/	خورشید	روّ جبار خوّر
<b>SunEclipse</b>	کسوف-گرفت خورشید	
/sʌniklips/	خورگرت	
<b>Thunder</b> /θʌndər/	رعد-تری شقه غر مه هور	
<b>Universe</b> /ju:nivɜ:s/	جهان-دنیا	
<b>Valley</b> /væli/	درّه	دره و چه م
<b>Volcano</b> /vɒlkeɪnəʊ/	آتشفشان	ئه بریز گن
<b>WaterFall</b> /wɔ:tərfɔ:l/	آبشار	تاف جیل
<b>Wind</b> /wind/	باد	واحه مه بجا
<b>Wood</b> /wʊd/	بیشه، جنگل-چوب	چو
<b>planet</b> /plænɪt/	سیاره	هه ساره
<b>pole</b> /pəʊl/	قطب	ژیرو بانی زه وی



پیروز پسر یزدگرد دوم

## Foods/fu:d/ خوراکیها

### وارد مه نیی - پی خوره کان

**Animal Fat**/æniml fæt/ روغن حیوانی

**Beef**/bi:f/ گوشت گاو گوشته گا

**Boiled Egg**/boileg/ تخم مرغ آب پز

**Boiled potatoes** سیب زمینی آب پز

**Boiled rice**/boildrais/ کته کته

**Bologna**/bələgnə/ کالباس

**Bread**/bred/ نان نانه

**Broth**/brɒθ/ آب گوشت ناو گوشت

**Butter**/bʌtər/ کره کهره کهری

**Canned Food**/kændfu:d/ کنسرو

**Canned Fruit**/kændfru:t/ کمپوت

**Cheese**/tʃi:z/ پنیر به نیر به نیره

**Chicken**/tʃikin/ جوجه جوجه له

**Cookies**/kʊkis/ شیرینی خشک

**Cream**/kri:m/ خامه فرولورکی

**Cutlet**/kʌtlit/ کتلت ته ماته وهیله

**Egg**/eg/ تخم مرغ هیله هیله

**Fish**/fi:f/ ماهی ماسی ماساو

**Flour**/flaʊər/ آرد هاردناردی

**Fried Egg**/fraideg/ نیمرو هیله وورون

**Fried potatoes** سیب زمینی سرخ کرده

**Ham**/hæm/ ژامبون - ران خوک به راز ده گوشت

**Hamburger**/hæmbɜ:ɡər/ همبرگر

**Hen**/hen/ مرغ کهره مرغ ریشک

**Honey**/hʌni/ عسل هه نکوین

**Hot Dog**/hɒtdɒg/ سوسیس پخته

**Ice cream**/aɪskri:m/ بستنی

**Ice**/aɪs/ یخ سه هول - رچه

**Jam**/dʒæm/ مربا

**Kidney**/kedni/ قلوه - کلیه گوچیه ولک

**Lamb**/læm/ گوشت بره گوشته کاور

**Lemon Juice**/leməndʒu:s/ آب لیمو

**Liver**/kivər/ جگر جهره جیه ههر

**Lump Sugar**/lʌmpfʊɡər/ قند قه ن

**Meat Paste**/mi:tpeɪst/ گوشت چرخ

کرده قیمه ی گوشت

**Pastries**/peɪstri:s/ شیرینی تر

<b>Pepper</b> /pepər/	فلفل	بیبەرئالەت
<b>Pickle</b> /pikl/	ترشی	تورشى
<b>Salami</b> /səla;mi/	کالباس خشک	
<b>Salmon</b> /sæmən/	ماهی آزاد ماسی	
<b>Salt</b> /solt/	نمک	خوی نمەکی، مه کی
<b>Sausages</b> /sɒsɪdʒ/	سوسیس	
<b>Shortening</b>	روغن نباتی جامد	روغن نباتی جامد
<b>Soft Egg</b> /softeg/	تخم مرغ عسلی	
<b>Soup</b> /su:p/	سوپ	دوخوا
<b>Sour Grapes</b>	آبغوره	ئاوقوره
<b>Steak</b> /steik/	گوشت کبابی	که باب
<b>Stew</b> /stju:/	خورشت	خورشت

<b>Sugar</b> /ʃʊgər/	شکر	شه کهر
<b>Tongue</b> /Tʌŋ/	زبان	زوانی ناو دەم
<b>Veal</b> /vi:l/	گوشت گوساله	گوشتی گۆیرە که
<b>Vegetable Oil</b>	روغن نباتی	روغن نباتی مایع روغن
<b>Vinegar</b> /vinigər/	سرکه	ترش
<b>Yoghurt</b> /jəʊgərt/	ماست	ماس
<b>heart</b> /ha:t/	دل-قلب	دل
<b>meat</b> /mi:t/	گوشت	گوشت
<b>minced meat Stew</b>	خورشت قیمه	
<b>Cooked Rice</b> /kʊkdraɪs/	پلو	پلاو
<b>salad</b> /sæləd/	سالاد	



بهرام اول  
۲۷۴ - م

## Transport means      وسایل نقلیه

### وه سیلانو نامه ولوای - وه ساییلی ها تو چوو و گردن

<b>Aeroplane(Airplane)</b> نه یاره هواپیما	<b>Minibus/minibas/</b> مینی بوس
<b>Bicycle/bæisikl/</b> دو چرخه	<b>Motorcycle/məʊtərsikl/</b> موتور
<b>Boat/bəʊt/</b> قایق جوړی ناوگه رد	<b>Ship/fip/</b> کشتی ناوگه ر
<b>Bus/bʌs/</b> اتوبوس	<b>Taxi(Cab)/Tæksi/</b> تاکسی
<b>Car/ka:r/</b> اتومبیل، ماشین	<b>Train/trein/</b> قطار
<b>Carriage/kæridʒ/</b> درشکه	<b>Tram/træm/</b> تراموا
<b>Cart/kæt/</b> گاری گاریه	<b>Tricycle/trisikl/</b> سه چرخه
<b>Coach/kəʊtʃ/</b> کالسکه که جاوه	<b>Truck(Lorry)/lɒri/</b> کامیون
<b>DoubleDecker</b> اتوبوس دو طبقه	<b>massy/masi/</b> سنگین - ماسا - توپیر
<b>Metro(Undergroud n Train)</b> مترو	



ولاش چهارم  
م - ۱۹۹



بلاش برادر پیروز  
م - ۴۸۴



## ابزار آلات Tools وهسیلی - وهسیله کان

<b>Axe</b> /æks/	تبر	ته ورتوهر
<b>Board</b> /bɔ:d/	تخته	چیوی ساف
<b>Clamp</b> /klæmp/	گیره	قولاو
<b>Cord</b> /kɔ:d/	ریسمان-زه	كهوان
<b>Drill</b> /dril/	مته	مه تی مه ته
<b>Hammer</b> /hæmər/	چکش	
<b>Key</b> /ki:/	کلید	کریل کلید
<b>Ladder</b> /ladər/	نردبان	په یجه سرده
<b>Nail</b> /neil/	میخ	بزماری بزماری
<b>Phillips screw</b>	پیچ گوشتی	
<b>Driver</b>	چهارسو	چوارسوچ
<b>PickAxe</b> /pɪkæks/	کلنگ	زهنکچاچ
<b>Pincers</b> /pɪnsəz/	گازانبر	گاز
<b>Pliers</b> /plaiəz/	انبردست	گاز
<b>Saw</b> /sɔ:/	اره	مشاروده سه ره
<b>Screw</b> /skru:/	پیچ	جه ریچ

<b>ScrewDriver</b>	پیچ گوشتی	
/skru:draɪvər/	(دوسو)	
<b>ScrewSpanner</b>	آچار فرانسه	
/skru:spænər/		
<b>Socket</b> /sɒkɪt/	پرین	
<b>Spade</b> /speɪd/	بیل	بیله بیل
<b>Spanner</b> /spænər/	آچار	ناچهر
<b>Switch</b> /swɪtʃ/	کلید برق	کلیدی بهرق
<b>Tools</b> /tu:l/	ابزار	ئامراز چیوی
<b>Wire</b> /waɪər/	سیم	تهل ته وکه
<b>oil.well</b> /ɔɪlweɪl/	چاه نفت	وله نه فته
<b>paint</b> /peɪnt/	رنگ	
<b>paintingBrush</b>	قلم مو	
/peɪntɪŋbrʌʃ/		
<b>plug</b> /plʌg/	دوشاخه برق	

۳۰- بلاش دوم ۷۸-۱۴۸ م

۳۴- بلاش پنجم ۲۰۸-۲۱۳ م

۳۱- مهرداد چهارم ۱۳۰-۱۴۸ م

۳۵- اردوان پنجم ۲۱۳-۲۲۴ م

۳۲- بلاش سوم ۱۴۸-۱۹۱ م

۳۶- ارتاواز ۲۲۴-۲۲۸ م

۳۳- بلاش چهارم ۱۹۱-۲۰۸ م

## بیماریها (diseases) ناو هشیه کی - نه خوشیه کان

**Cancer**/kænsər/ سرطان دهردی گران

**Tuberculosis** سل سیل

/tiu:b3:kjʊləʊsis/

**Measles**/mizlz/ سرخک سورنجه

**Scarlet Fever** مخملک دره یلی

/ska:litfi:vər/

**Small Pox**/pɒks/ آبله هه لوی

**Chicken** آبله مرغان هه لوهر

Poxpɒks/

**Diphtheria**/difθiəriə/ دیفتری تاسیان

**Tetannus**/Tetənəs/ کزاز قروگیر

**Rabies**/reibi:z/n هاری سه گاز

**Infantile Paralysis** فلج اطفال

**Flu**/flu:/ آنفولانزا هه لامهت

**Diarrhoea**/daiəriə/ اسهال سک چون

**Typhoid** حصبه په تابه مان

**Fever**

**Cholera**/cholera/ وبا وهوا

**Epilepsy**/epilepsi/ صرع فی غهش

**Leprosy**/leprəsi/ جذام گری گولی

**Plague**/pleig/ طاعون تاعون

**Jaundice**/dʒɔ:ndis/ زردی، یرقان

**HoopCough** سیاه سرفه قفه رهشه

/hʊpkɒf/ کوکه

**Malaria**/mæleəriə/ مالاریا نازاره باریکی

**Pneumonia**/nju:məʊniə/ ذات الریه

سینه پهلو ناوسانی، سروشوش

**Diabetes**/daiəbetik/ بیماری قند

**Bloodpressure** فشار خون

/blʌdpresər/

۲۴- مهرداد ۴۹ م

۲۵- ونن دوم ۵۱ م

۲۶- بلاتس اول ۵۱-۷۸ م

۲۷- پاکر دوم ۷۸-۸۳ م

۲۸- اردوان چهارم ۸۰/۸۱ م

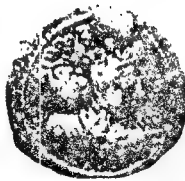
۲۹- خسرو ۱۰۹-۱۲۹ م

## اتاق خواب (bedroom)

### دیوی نوستن - ئوتاقه ووتهی

Bed-side-lamp	چراغ خواب چراخاو
Bed/bed/	نخ خواب نه خرخه و
Bedding/bedin/	رخت خواب جی و بان
Bedroom/bedru:m/	اتاق خواب
Blanket/blæŋkit/	پتو
Pillow/piləv/	بالش - متکا - پشتی
Quilt/kwilt/	لحاف لیف
Sheet/fi:t/	ملحفه و مره قه مە لافه

Wardrobe/wɑ:drəʊb/	گهنبه کمد
cradle/kreidl/	گهواره - لانک - بیبشکی
	له لوه
makeTable/meikteibl/	میز
	توالت / آرایش
mattress/mætris/	تشک دوشه ک
pram/præm/	کالسکه
sisy/sisi/	مردزن صفت شه کله



۱۸- فرهاد پنجم ۳ ق.م - ۴ م

چهارمین برادر قباد  
۴ - ۱۹۶ م

۱۳- مهرداد سوم ۵۷-۵۵ ق.م

۱۹- ارد دوم ۴-۸ م

۲۰- ونن اول ۸-۱۱ م

۲۱- اردوان سوم ۱۲-۳۸ م

۲۲- وردان اول ۴۰-۴۵ م

۲۳- گودرز ۴۱-۵۱ م

۱۴- ارد اول ۵۷-۳۷ ق.م

۱۵- یاکر ۳۹ ق.م

۱۶- فرهاد چهارم ۳۷/۳۸ ق.م

۱۷- تیرداد دوم ۲۶/۲۷ ق.م



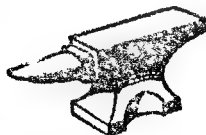
ARCH



ANCHOR



ACORN



ANVIL



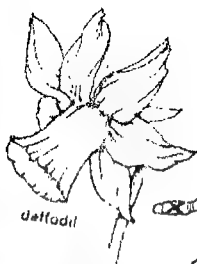
AXE



چاگاس



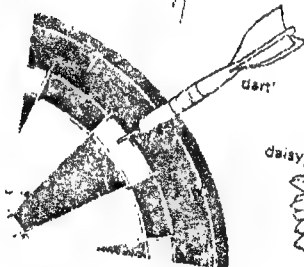
قباد پسر پیروز  
م-۴۸۹



daffodil



dance



dart



daisy

## اتاق پذیرایی (sittingroom) نُتاقی میوانداری

**Carpet**/ka:pit/ فرش، قالی، قالیچه

**Rug**/ʌg/ قالیچه بهر

**Curtain**/kɜ:tn/ پرده پرده

**Venetian Blinds** پرده کرکره

/vəni:fnblainsd/

**Chandelier**/ʃændəliər/ لوستر چلچرا

**Lampshade** چراغ خواب

/ləmpʃeid/ آباژور چراغ خه

**Tape**/teip/ نوار ضبط صوت شری

**Furniture**/fɜ:nitʃər/ موبل موبل

**Sofa**/səʊfə/ کاناپه موبلی رَه‌ه‌تی

**Cushion**/kʊʃən/ نازبالش-پشتی

**Ashtray**/æʃtrei/ زیرسیگاری

**Painting**/peɪntɪŋ/ تابلو (نقاشی)

**Heater**/hi:tər/ بخاری برقی چرابه‌رقی

**heating central** شوفاژ گهرماده‌ر

**Air conditioning** تهویه مطبوع

/eərkəndɪfəniŋ/

**Tape recorder** ضبط صوت زه‌بت

/teɪpɪkə:dər/

سالشمار شاهان اشکانی

۱- ارشک اول ۲۵۰-۲۴۷ ق.م

۲- تیرداد اول ۲۴۷-۲۱۱ ق.م

۳- ارشک دوم ۲۱۱-۱۹۱ ق.م

۴- فریادپات ۱۹۱-۱۷۶ ق.م

۵- انزهاد اول ۱۷۶-۱۷۱ ق.م

۶- مهرداد اول ۱۷۱-۱۳۸ ق.م

۱۰- اردشیر سوم ۳۵۹-۳۳۷ ق.م

۱۱- آرسس ۳۳۷ ق.م

۱۲- داریوش سوم ۳۳۷-۳۳۰ ق.م

## حمام (bathhouse)

## حهمام

Bathroom/bæθru:m/ حمام حهمام

Bathtub/bæθtʌb/ وان-حمام فرنگی

Blade,Razor/bleid تیغ تیغ

Comb/kəʊm/ شاننه

Electric-hairDrier سشوار

ElectricShaver ریش تراش

/ilektri:kfeivər/ برقی ریش تاش

Ewer/evər/ آفتابه ئافتاوه

Mirror/mirər/ آینه ئهینه وجام

Perfume/pɜ:fju:m/ عطر عه بیر

SafetyRazor خود-ریش تراش

/seiftireizər/ ریش تاش

Shampoo/fæmpu:/ شامپو

Shower/fauər/ دوش شوړه ئاو

SittingToilet توالت که ناراو

/sitiŋToilit/ فرنگی

Soap/səʊp/ صابون-ساون

SquattingToilet توالت ده سشوری

/skwotiŋToilit/

Towel/Tauəl/ حوله هه وله

Wash-Stand دستشویی

/wɒfstænd/ که ناراو

WaterHeater آبگرمکن

/wɔ:tərhi:tər/ ناوگه رمکه

۵- اردشیر اول ۴۶۵-۴۲۵ ق.م

سال شمار شاهان هخامنشی

۶- خشایارشای دوم ۴۲۵ ق.م

۱- کوروش ۵۵۹-۵۲۹ ق.م

۷- داریوش دوم ۴۲۵-۴۰۵ ق.م

۲- کمبوجیه ۵۲۹-۵۲۱ ق.م

۸- کوروش دوم ۴۰۱-۴۰۰ ق.م

۳- داریوش اول ۵۲۱-۴۸۵ ق.م

۹- اردشیر دوم ۴۰۵-۳۵۹ ق.م

۴- خشایارشا ۴۸۵-۴۶۵ ق.م

## لوازم آشپزخانه (kitchenmeans) نامرزی ئاشپه زخانه – وه سیلی ئاشپه زخانه

**Apron**/eiprən/ پدشربند وهریین

**Blender**/blendər/ ههزن چه نه دهر

**Bottle Opener** در بازکن دهر باز کهر

/bɒtləʊpənər/ (بطری)

**Bowl**/bəʊl/ کاسه-پیاله جاموڵه

**Broom**/bru:m/ جارو گزگزی

**Bucket (Pail)**/bʌkit/ سطل سه تل

**Can Opener** در بازکن بهر هواز کهر

/kənəʊpənər/ (کنسرو...)

**Charcoal**/tʃa:kəʊl/ زغال خه لوز

**Cup**/Kʌp/ فنجان-قرووشکه

**Dish**/diʃ/ دیس-بشقاب-آنتن

**Faucet**/fə:sit/ شیر آب شیر هئاو

**Fork**/fɔ:k/ چنگال

**Freezer**/fri:zər/ فریزر ساردو کهر

**Fruit Juicer**/fru:tdʒu:s/ آبمیوه گیری

**Funnel**/fʌnl/ قیف-ر هه تهی پاریزهر

**Gas Cooker**/gæskʊkər/ اچق گاز

**Gas Lighter**/gæslaitər/ فندک گاز

**Jug**/dʒʌg/ پارچ تونگه ئاو

**Kerosene Cooker** چراغ نفتی

/kerəsi:nkʊkər/ چرای نه وتی

**Lighter**/laitər/ فندک فه نه دک

**Match**/mætʃ/ کبریت کرمیت گورد

**Meat Grinder** چرخ گوشت

/mi:tgraɪndər/ چه رخی گوشت

**Mixer**/miksər/ مخلوطکن ئاویته کهر

**Napery**/neipəri/ سفره

**Oven**/ʌvən/ فر-اچاق گاز چرا گاز

**Paper Tissue** دستمال ده سمال

/peɪpərˈti:ʃu:/ کاغذی نه رمه

**Plate**/pleɪt/ بشقاب ده وری

**Refrigerator** یخچال

/rɪfrɪdʒəreɪtər/

**Rice Cooker**/raɪskʊkər/ پلوپز

**Salt Shaker**/sɒltˈʃeɪkər/ نمکدان

**Samovar**/sæməvɑːr/ سماور

**Sauce Pan**/sɔːspæn/ قهوله مه قابله

<b>Saucer</b> /So:sər/	نعلبکی ژیر پیاله	<b>churn</b> /tʃɜ:n/	ظرف کره سازی
<b>Sink</b> /sɪŋk/	ظرفشویی زهرفشور		که ره چن
<b>Spoon</b> /spu:n/	قاشق چه مچه	<b>kettle</b> /ketl/	کتری کتریه
<b>Teapot</b> /ti:pɒt/	قوری قوریه	<b>knife</b> /naɪf/	کارد، چاقوچه قو
<b>Tray</b> trei/	سینی - که شهفه	<b>skinchurn</b>	جاروغن خبکه
<b>Vacuum Cleaner</b>	جاروبرقی	/skɪntʃɜ:n/	چرمی - خبگ مه شکله روژ
/vækjuəmkleɪnər/			
<b>Washing Machine</b>	ماشین لباسشویی		الفبای گشته دبیره
/wɑʃɪŋməʃi:n/	ماشینی لباسشویی		

در دوره ساسانیان

س	د	پ	ه	ط	ع
ا	ب	پ	پ	ت	ج
ح	خ	د	ر	ز	ژ
س	ش	ک	گ	ل	لی
م	ن	د	ی		



## سبزیجات (vegetables)

## سه‌وزی - سه‌وزیه کان

aubergine/əʊbəʒi:n/ بامجان بامجان

Barley/ba:li/ جو به‌وه‌جۆ

Basil/bæzl/ ریحان ری‌حان

Bean/bi:n/ لوبیا-باقله وله‌ره

Cabbage/kæbidʒ/ کلم

Carrot/kærət/ هویج گزه‌ر

Celery/seləri/ کرفس که‌ره‌وز

Coriander/kurindər/ گشنیز تاو‌لی

Corn/kɔ:n/ ذرت کو‌مه‌ل‌دانه

Garlic/ga:lik/ سیر

Grass Pea ماش ماش

/grɒspi/ نخودسبز

Leek/li:k/ تره‌کوهی-سیرسبز

Lentil/lentil/ عدس نیسک‌میژوی

Lettuce/letis/ کاهو

Marrow/mærəʊ/ کدو مسما‌یی کوله‌که‌خانما‌نی

Mushroom/mʌʃrʊm/ قارچ کارمر

Olive/oliv زیتون زه‌یتون

onion/ʌnjən/ پیاز پیاز

Parsley/pa:sli/ جعفری جافری

Pea/pi:/ نخود نوک‌خو‌یه

Potato/pəteitəʊ/ سیب‌زمینی

Radish/rædif/ تربچه توره‌سو‌ور

Spearment/spiərmint/ نعناع نانا

Spinach/spinidʒ/ اسفناج

SplitPeas/splitpi:s/ لپه لپه

Tarragon/tærəgən/ ترخون ته‌رخون

Tomato/təmeitəʊ/ گوجه‌فرنگی ته‌ماته

Wheat/wi:t/ گندم گه‌نم‌گه‌نمه

## نوشیدنیها (drinks) نوشانه گان - نوشانی

Banana with Milk	شیرموز	Juice/dʒu:s/	آب میوه ناومیوه
Chocolate Coffee	شیرکاکائو	Milk/milk/	شیر شوت
/tʃɒklətʃɒfi/		Soft Drink/soft drink/	نوشابه
Churned Sour Milk	دوغ دو	Tea/ti:/	چای چایی-چا
Coffee (Black Coffee)	قهوه قاوه	Water/wɔ:tər/	آب ناوئاوی-ئهو
Coffee Shake	کافه گلاسه	Wine/wain/	می-شراب شهر وا
/kɒfiʃeɪk/	قهوه	alcoholic drink	نوشابه الکلی
Drinking Water	آب خوردن ناوخواردن	mug/mʌg/	آبجو خوری-آب خوری ناوخواوری



بلاش ۴۸۴ - م

## میوه‌ها (fruits)

## میوه‌کان -- میوئ

Almond/a:mənd/ بادام وامی‌بادامی

Apple/æpl/ سیب سیو-ساوی

Apricot/eiprikot/ زردآلو شیلانه

Banana/bəna:nə/ موز مه‌وز

BlackBerry/blækberi/ شاتوت

توت‌سیاه سورەتفی-توودەسوورە

Cantaloupe/kæntəlu:p/ طالبی کالە

Cherry/tʃeri/ گیلاس گیلاس

Coconut/kəʊkənʌt/ نارگیل

Cucumber/kju:kʌmbər/ خیار خیار

Date/deit/ خرما خورما

Fig/fig/ انجیر هه‌نجیر

Grape/greip/ انگور تری-هائی

Grapefruit گریپ‌فروت

/greipfru:t/

Greengage گوجه‌سبز هه‌لوچه

/gri:ngeidʒ/ آلوچه

Lemon/lemen/ لیمو لیمو

Melon/melən/ خربزه خه‌ربزه

Mulberry/mʌlberi/ توت‌سفید توو

Nectarine/nekʌtərin/ شلیل

Orange/ɔ:rindʒ/ پرتقال پرتە‌قال

Peach/pi:tʃ/ هلو هه‌شتالو-مقووخ

Pear/peər/ گلابی هه‌رمی-هه‌مرو

Persimon/pəsimən/ خرمالو

Pineapple/painæpl/ آناناس

Pistachio/pista:tʃiəʊ/ پسته وه‌نی

Plum/plʌm/ آلو هه‌لو

Pomegranate/pɒmigrænit/ انار هه‌نار

SourCherry/sauərtʃeri/ آلبالو

SourLemon/sauərlen/ لیموترش لیموترش

Strawberry/strɔ:beri/ توت‌فرنگی

SweetLemon لیموشیرین

/swi:tlemen/

Tangerine/tændʒəri:n/ نارنگی

Walnut/wɔ:lnʌt/ گردو گویز-وه‌زی

WaterMelon هندوانه شامی-هه‌نی

/wɔ:tərmelən/

quince/kwɪns/ درخت‌به-به به‌به‌به‌ی

raspberry/ra:zbri/ تمشک دوودلقی

## متضادها – Antonyms

### که لیمی زدویوی – که لیماتی دژبه یه ک

above ≠ below بالا بان سهر

Accept ≠ refuse قبول کردن قه ببول

agree ≠ oppose, موافق بودن

disagree مایل بیهی

Borrow ≠ lend قرض گرفتن قه زگرتن

above ≠ below بالا بان و خوار

afew/little ≠ alotof تعداد/مقدار کمی

arrival ≠ departure ورود هاتن

artificial ≠ natural مصنوعی

at first ≠ at last در ابتدا له پیش

back ≠ front پشت، عقبه پشته

bad ≠ good بد خراو

begin ≠ finish آغاز کردن دهس پیکرن

begin ≠ finish شروع کردن

behind ≠ in front of پشت پشت

best ≠ worst بهترین

better ≠ worse چاکتر باش تر

bright ≠ dark روشن رۆشنا بریقّه

carefully ≠ carelessly با دقت

careful ≠ careless ریک دقیق

cheap ≠ expensive ارزان هه رزان

complete ≠ incomplete کامل نه تمام

conceal ≠ reveal پوشاندن،

مخفی کردن شار دنه وه

cool ≠ warm سرد سارد و سه رد

countable ≠ uncountable قابل شمارش

deny ≠ confess, admit انکار کردن

dependent ≠ independent وابسته

dirty ≠ clean کثیف پیس و پۆخله

display ≠ hide نشان دادن ده رختن

down ≠ up پایین وار خوار

dry ≠ wet خشک وشک و برنگ

east ≠ west شرق خوره لات

easy ≠ difficult آسان سووک

empty ≠ full خالی هالی و خوالا

everything ≠ nothing همه چیز

far ≠ near دور دوور خزیک

fat ≠ thin چاق چاخوله رولاوان

forget ≠ remember فراموش کردن

fortunate ≠ unfortunate خوشبخت

friend ≠ enemy دوست دُش

get on ≠ get off سوار شدن سوار بون

happy ≠ sad, unhappy خوشحال

hard ≠ easily به سختی به سهولت

hard ≠ easy سخت سهخت

heavy ≠ light سنگین قورس

ill ≠ well, healthy بیمار ناوَدش

increase ≠ decrease افزایش دادن

Keep on ≠ stop ادامه دادن پره پیّان

large ≠ small بزرگ گه‌وره

late ≠ early دیر دیر

local ≠ universal محلی ویمانه

many ≠ few زیاد (قابل شمارش) زورغره

man ≠ woman مرد بیایپیاو

massy ≠ light نَپر-سنگین قورس

mallee ≠ repose زودخورد ناژاوه

more ≠ less بیشتر فره‌ره زورتر

most ≠ least بیشترین فره‌ترین

much ≠ little زیاد (غیر قابل شمارش) فرد

night ≠ day شب شه‌وه‌شه‌وه

obey ≠ disobey اطاعت کردن قه‌بول

old ≠ new قدیمی، کهنه کونه

outside ≠ inside بیرون به‌رده‌ر

over ≠ under بالای، فوق له‌رووی

patient ≠ impatient صبور با‌سه‌بر

poor ≠ rich فقیر دام‌گ‌وه‌ژار

possible ≠ impossible ممکن

put on ≠ take off پوشیدن (لباس) له‌به‌ر کردن

quiet ≠ busy آرام، ساکت خاموش

rapidly ≠ slowly به سرعت به تیزی

raw ≠ cooked خام-سبز و کال کال

regular ≠ irregular باقاعدہ ریک

right ≠ wrong درست دروست

throes ≠ safe درد زایمان بریتان

sell ≠ buy فروختن فروشتن-وه‌ته‌ی

shine ≠ dark درخشیدن درویشان

short ≠ long, high کوتاه کول‌کورت

sick ≠ well مریض، بیمار نه‌خوش، ناوَدش

slowly ≠ fast, quickly با‌هستگی

slow ≠ fast, rapid آهسته، کند ثارام

small ≠ big کوچک چکول‌ه‌وردی

smart ≠ stupid زرنگ، نا‌قلا ژیر

south ≠ north      جنوب      لای خواروار

spiritual ≠ material      معنوی، روحی

start ≠ end, conclude      شروع کردن

strong ≠ weak      قوی      به هیژ گوریز

summer ≠ winter      تابستان      هاوین

sunrise ≠ sunset      طلوع آفتاب      وهرکوت

take off ≠ land      بلند شدن      هواپیما

take off & wear      در آوردن      دهرهاوردن

tall ≠ short      بلند      به رزه وراز

thick ≠ thin      ضخیم، کلفت      قاییمنه ستور

take apart ≠ put together      جدا کردن

true ≠ false      صحیح      دروست

ugly ≠ beautiful      زشت      بی فھر

useful ≠ harmful, useless      مفید

usual ≠ unusual      عادی      وه کجاران

war ≠ peace      جنگ      جهنگ

white ≠ black      سفید      سپی چه رنگ

wide ≠ narrow      پهن      پان و برین

wife ≠ husband      همسر (زن)      که یوانو

wild ≠ domestic      وحشی      کیوی، در

wise ≠ mad      عاقل      ژیرکه وچ

with ≠ without      با      له گهل، چهنی

young ≠ old      جوان      لا و جووان

yaray ≠ niaray      توان یارای

دهره قهت نامه ی

## مترادفها – Synonyms

### که لیمی هام لفی – وشه کانی وه ک یه ک

abandon=leave    لوای    ترک کردن

accept=agree    قبول کردن په زیران

add=increase    جمع کردن    کو کردن

alone=lonely    تنها    ته نیا

anney=distress    آزردن    توراندن

پریشان کردن ره نجانندن

assist=help    کمک کردن یاری دان

at last=finally    سرانجام    ثاقی بهت

autumn=fall    پاییز

be able to=can    توانستن توی نین

beg=ask    خواستن لیخاوتن

begin=start    شروع کردن    دهس پیکردن

belief=idea, opinion    عقیده نه زور

blank=empty    خالی    هالی

call on=meet    ملاقات کردن عیادهت

callup=telephone, ring    تلفن کردن

choose=pick    انتخاب کردن    جیا کردن

chop=cut    بریدن    برین

confused=mixed up    گیج-آشفته

consume=eat    مصرف کردن،

خوردن    خواردن واردهی

continue=go on    ادامه دادن په رده دان

cut=slice    بریدن    برین-بریهی

dedicate=devote    اختصاص دادن،

وقف کردن به پی دان

desire=wish    آرزو کردن    ثاوات خواوتن

dirty=untidy    کثیف    ناپاک-چییس

dispute=battle    نزاع، جدال    هه راهه را

each=every    هر    هه

enough=sufficient    کافی    بهس

enthusiastically=eagerly    با اشتیاق    به زه ووقی

experiment=experience    آزمایش

= try on    تاقی کردنه وه

extinguish=put out    خاموش کردن کوژاندن

far=distant    دور    دوور ودریز

fascinating=interesting    جذاب،

جالب    دل ر فین

fast=quick سریع توندوتیز  
fat=notthin چاق قه‌له‌و  
fill in=fillout کامل کردن پر کردن  
finish=end,runoutof تمام کردن  
finish=runout of تمام کردن دواها تن  
fromtimetotime= گاهی‌گاهی برّی‌جار  
occasionally بازی‌وخت  
glad=happy شادخوشحال مه‌سرور  
gloomy=dim دل‌تنگ، تاریک، تیره، لیل  
gradually=littlebylittle بتدریج  
hard=difficult سخت ره‌ق  
immediately=atonce= فوراً  
straightaway جابه‌جا  
information=data اطلاعات خه‌به‌ران  
intend=attemp,try قصد/کوشش  
کردن هه‌ول‌دان  
large=big=enormous بزرگ‌گه‌وره  
lookafter=takecareof مواظبت  
کردن از هو‌شیاری کردن‌له  
marvelous=wonderful عالی‌چاک  
maybe=perhaps گه‌هاز شاید

nice=beautiful,pretty قشنگ، زیبا  
occassian=opportunity فرصت  
pour=spill ریختن دا کردن-رژاندن  
put off=postpone به‌تعویق انداختن  
put on=haveon پوشیدن له‌به‌ر کردن  
put on=wear پوشیدن وه‌ر که‌رده‌ی  
puzzled=confused گیج ورّ  
reject=refuse رد کردن دوا دان  
remote=far away دور، پرت، دور  
reply=answer, پاسخ‌دادن جواب‌دان  
response  
reward=prize جایزه خه‌لات  
safe-healthy,well سالم، خوب باش  
say=tell گفتن واته‌ی-وتن  
secret=mystery راز رازی  
shine=glow درخشیدن درو‌شیای  
sick=ill بیمار نه‌خو‌ش‌ناکو‌ک  
soiled=dirty خاکی، کثیف خو‌لی  
telephon=callup تلفن‌زدن تلفون‌دان  
tiny=verysmall خیلی‌کوچک بجوک  
tobake=Tocook پختن لی‌نان  
travel=trip=jonrney سفر سه‌فه‌ر



trouble=bother زحمت دادن زحمت پییدن

true=correct درست راست

vacant=unoccupied, empty خالی خالی

empty

value=worth ارزش قیمت

wear=dressin پوشیدن له بکردن

whole=all همه گشت گردوگرد

wrong=notright غلط نادرویس



سایر سوم



بهرم پنجم



دین اول



۲-۶۳

آذر میخت

## افعال بی قاعده – Irregular Verbs

### فیعلی بی نه زمی – فەرمانه ناجۆره کان

مصدر	زمان حال	زمان گذشته	قسمت سوم فعل
<b>arise</b> /əraɪz/	برخاستن - هورزای - هه لسان	<b>arose</b>	<b>arisen</b>
<b>awake</b> /əweɪk/	بیدار شدن / کردن - داچله کان	<b>awoke</b>	<b>awaked, awoken</b>
<b>be</b> /bi/	بودن - بیهی - بوون	<b>was-were</b>	<b>been</b>
<b>bear</b> /beər/	تحمل کردن، بدنيا آوردن - زاین	<b>bore</b>	<b>borne, born</b>
<b>beat</b> /bi:t/	(بهم) زدن - لیڤان - ته قیای	<b>beat</b>	<b>beaten</b>
<b>become</b> /bɪkʌm/	شدن - بون - بیهی	<b>became</b>	<b>become</b>
<b>befall</b> /bɪfɔ:l/	رخدادن - قومیای - قومان	<b>befell</b>	<b>befallen</b>
<b>begin</b> /bɪɡɪn/	آغاز کردن - دهس پیکردن	<b>began</b>	<b>begun</b>
<b>behold</b> /bɪhəʊld/	مشاهده کردن - دیتن - دیهی	<b>beheld</b>	<b>beheld</b>
<b>bend</b> /bend/	خم کردن / شدن - چه منای - چه ماندن	<b>bent</b>	<b>bent</b>
<b>beseech</b> /bɪsi:tʃ/	التماس کردن - چاران - لالیای	<b>besought</b>	<b>besought</b>
<b>beset</b> /biset/	احاطه / عاجز کردن - دهوردان	<b>beset</b>	<b>beset</b>
<b>bet</b> /bet/	شرط بستن - شەرت بینای - بلیڤدان	<b>bet, betted</b>	<b>bet, betted</b>
<b>bid</b> /bid/	گفتن، فرمودن - ووتن - واتهی	<b>bade, bid</b>	<b>bidden, bid</b>
<b>bind</b> /baɪnd/	بستن - بینای - بهستن	<b>bound</b>	<b>bound</b>
<b>bite</b> /baɪt/	گاز گرفتن - قه پ گرتی - گاز گرتن	<b>bit</b>	<b>bitten, bit</b>
<b>bleed</b> /bli:d/	خون آمدن - ون - نامهی - خوین هاتن	<b>bled</b>	<b>bled</b>
<b>bless</b> /bles/	دعا / تقدیس کردن - دو عاکردن	<b>blessed, blest</b>	<b>blessed, blest</b>

<b>blow</b> /bləʊ/	وزیدن، ضرب زدن، واثامه‌ی جهاقن	<b>blew</b>	<b>blown</b>
<b>break</b> /breik/	شکستن - می‌یای - شکیان	<b>broke</b>	<b>broken</b>
<b>breed</b> /bri:d/	پرورش دادن - به‌خیو کردن	<b>bred</b>	<b>bred</b>
<b>bring</b> /brɪŋ/	آوردن - نه‌ورده‌ی - هاوردن	<b>brought</b>	<b>brought</b>
<b>broadcast</b> /brɔ:dkast/	پخش کردن (از رادیو) - بلاو کردن	<b>broadcast(ed)</b>	<b>broadcast(ed)</b>
<b>build</b> /bild/	ساختن - دروست کردن - سازای	<b>built</b>	<b>built</b>
<b>burn</b> /bɜ:n/	سوختن، سوزاندن - سوچنای	<b>burnt, burned</b>	<b>burnt, burned</b>
<b>burst</b> /bɜ:rst/	ترکاندن، ترکیدن - تره‌کاندن	<b>burst</b>	<b>burst</b>
<b>buy</b> /bai/	خریدن - کرین - سه‌اندن - سه‌ی	<b>bought</b>	<b>bought</b>
<b>cast</b> /ka:st/	انداختن - خستن - و سه‌ی	<b>cast</b>	<b>cast</b>
<b>catch</b> /kætʃ/	گرفتن - گرتن - گره‌ی	<b>caught</b>	<b>caught</b>
<b>choose</b> /tʃu:z/	انتخاب کردن - هه‌لیژاردن	<b>chose</b>	<b>chosen</b>
<b>cling</b> /klin/	چسبیدن - لکین - لکای	<b>clung</b>	<b>clung</b>
<b>clothe</b> /kləʊð/	پوشاندن - داپوشنن، پوژنای	<b>clothed, clad</b>	<b>clothed, clad</b>
<b>come</b> /kʌm/	آمدن - ثامه‌ی - هانتن	<b>came</b>	<b>come</b>
<b>cost</b> /kɒst/	ارزیدن - ئیژای - نه‌ژان	<b>cost</b>	<b>cost</b>
<b>cut</b> /kʌt/	بریدن - برین - بریه‌ی	<b>cut</b>	<b>cut</b>
<b>deal</b> /di:l/	معامله کردن - مامو له کردن	<b>dealt</b>	<b>dealt</b>
<b>dig</b>	کندن، حفر کردن، کندن که نه‌ی	<b>dug</b>	<b>dug</b>
<b>do</b> /du:/	انجام دادن - کردن، کنه‌رده‌ی	<b>did</b>	<b>done</b>
<b>draw</b> /drɔ:/	کشیدن، رسم کردن - کیژشان	<b>drew</b>	<b>drawn</b>

<b>dream</b> /dri:m/	خواب دیدن - خه و دین - وه م دیه ی	<b>dreamt, dreamed</b>	<b>dreamt, dreamed</b>
<b>drink</b> /driŋk/	نوشیدن - نوشای - خواردن	<b>drunk</b>	<b>drunk</b>
<b>drive</b> /draiv/	راندن - به ر یوه بردن - رانه به رده ی	<b>drove</b>	<b>driven</b>
<b>dwell</b> /dwel/	مبارزه کردن - خه بات کردن - زدمدرای	<b>dwelt</b>	<b>dwelt</b>
<b>eat</b> /i:t/	خوردن - واردی - خواردن	<b>ate</b>	<b>eaten</b>
<b>fall</b> /fɔ:l/	افتادن - خوار که و تن که و ته ی	<b>fell</b>	<b>fallen</b>
<b>feed</b> /fi:d/	غذا دادن - نان دان	<b>fed</b>	<b>fed</b>
<b>feel</b> /fi:l/	احساس کردن - ههست کردن	<b>felt</b>	<b>felt</b>
<b>fight</b> /fait/	جنگیدن - جه نگین - جه نگیای	<b>fought</b>	<b>fought</b>
<b>find</b> /faɪnd/	یافتن - دریافتن - فامین - زانای	<b>found</b>	<b>found</b>
<b>flee</b> /fli:/	فرار کردن - گریختن - رآ کردن - ره مای	<b>fled</b>	<b>fled</b>
<b>fly</b> /flai	پرواز کردن - فرین - بالی - گرتی	<b>flew</b>	<b>flown</b>
<b>forbid</b> /fəbid/	ممنوع / قدغن کردن - به رگری کردن	<b>forbade, forbade</b>	<b>forbidden</b>
<b>forget</b> /fəget/	فراموش کردن - له بیر چون ویر شیه ی	<b>forgot</b>	<b>forgotten</b>
<b>forgive</b> /fəgɪv/	بخشیدن - به خشای - به خشین	<b>forgave</b>	<b>forgiven</b>
<b>freeze</b> /fri:z/	یخ بستن / زدن - رچیای - رچان	<b>froze</b>	<b>frozen</b>
<b>get</b> /get/	بدست آوردن - گرتن - یاوای	<b>got</b>	<b>got, gotten</b>
<b>give</b> /gɪv/	دادن - دان - دای	<b>gave</b>	<b>given</b>
<b>go</b> /gəʊ/	رفتن - لوای - روین	<b>went</b>	<b>gone</b>
<b>grind</b> /graɪnd/	کوبیدن - ساییدن - کوفتن - کوا ی	<b>ground</b>	<b>ground</b>
<b>grow</b> /grəʊ/	رشد کردن - خیز یای - روان	<b>grew</b>	<b>grown</b>

hang/hæŋ/	آویزان کردن، آویختن، آلاؤ چنای	hung,hanged	hung,hanged
have/hæv/	داشتن - هه بون - واردهی	had	had
hear/hiə/	شنیدن - بیستن - نه ژنه ویهی	heard	heard
hide/haid/	پنهان کردن - شاردهی، قایم کردن	hid	hidden
hit/hit/	زدن - برخورد کردن، لیدان، چوره مالای	hit	hit
hold/həʊld/	نگاه داشتن - گرتهی - گرفتن	held	held
hurt/hɜ:t/	صدمه زدن، له تسان، زهره ردای	hurt	hurt
keep/ki:p/	نگهداری کردن - چاوداری کردن	kept	kept
kneel/ni:l/	زانو زدن، نه ژنودان، چوکدای	knelt	knelt
know/nəʊ/	دانستن، شناختن - شناسین	knew	known
lay/lei/	خواباندن، قرار دادن - نه ره نیای	laid	laid
lead/li:d/	هدایت کردن - رابه ری کردن	led	led
lean/li:n/	تکیه دادن، پالودای، پال که و تن	leant, leaned	leant, leaned
learn/lɜ:n/	یاد گرفتن - فیروبون، فیروبیهی	learnt, learned	learnt, learned
leave/li:v/	ترک کردن - لوای - روین	left	left
lend/lend/	قرض دادن - قهر زدن، وام دادن	lent	lent
let/let/	اجازه دادن - نيزن وهر گرفتن	let	let
lie/lai/	دراز کشیدن - دروغ گفتن - لائاسای	lay	lain
light/lait/	روشن کردن - روشن کردن	lit, lighted	lit, lighted
lose/lu:z/	گم کردن - باختن - گم کردن	lost	lost
make/meik/	ساختن - سازیز، وهش که ردهی	made	made

<b>melt</b> /melt/	ذوب کردن - تاوانای - تاواندن	<b>melted</b>	<b>melted</b>
<b>mistake</b> /misteik/	اشتباه کردن - هه‌له‌چون	<b>mistook</b>	<b>mistaken</b>
<b>misunderstand</b>	سوء تفاهم شدن - خه‌فت کردن	<b>misunderstood</b>	<b>misunderstood</b>
<b>overcome</b> /əuvəkam	غلبه کردن - داگیر کردن - مارآی	<b>overcame</b>	<b>overcome</b>
<b>pay</b> /pei/	پرداختن - دان به - په‌ی‌دای	<b>paid</b>	<b>paid</b>
<b>put</b> /put/	گذاشتن - نیای - دانیان	<b>put</b>	<b>put</b>
<b>read</b> /ri:d/	خواندن - خویندن - وه‌نه‌ی	<b>read/red/</b>	<b>read/red/</b>
<b>rebuild</b> /ri:bild/	باز ساختن - له‌نوی‌سازین	<b>rebuilt</b>	<b>rebuilt</b>
<b>rid</b> /rid/	خلاص کردن - آزاد کردن - به ردان	<b>rid, ridded</b>	<b>rid, ridded</b>
<b>ride</b> /raid/	سواری کردن - راندن - غار کردن	<b>rode</b>	<b>ridden</b>
<b>ring</b> /rin/	زنگ / تلفن زدن - زه‌نگ‌دای‌دان	<b>rang</b>	<b>rung</b>
<b>rise</b> /raiz/	طلوع کردن - برخاستن - هه‌لسان	<b>rose</b>	<b>risen</b>
<b>run</b> /ran/	دویدن - ره‌مای - را کردن	<b>ran</b>	<b>run</b>
<b>saw</b> /so:/	اره کردن - مشار دای - هه‌ره‌دان	<b>sawed</b>	<b>sawn, sawed</b>
<b>say</b> /sei/	گفتن - واته‌ی‌گوئن - وئن	<b>said</b>	<b>said</b>
<b>see</b> /si:/	دیدن - دیتن - بینای - بی‌نین	<b>saw</b>	<b>seen</b>
<b>seek</b> /si:k/	جستجو کردن - په‌ی‌گیلای - بو‌گه‌ران	<b>sought</b>	<b>sought</b>
<b>sell</b> /sel/	فروختن - فروشتن - وره‌ته‌ی	<b>sold</b>	<b>sold</b>
<b>send</b> /send/	فرستادن - کیانای - ناردن	<b>sent</b>	<b>sent</b>
<b>set</b> /set/	قرار دادن - چیدن - چنیه‌ی - چنین	<b>set</b>	<b>set</b>
<b>sew</b> /səu/	دوختن - دروین - وراسه‌ی	<b>sewed</b>	<b>sewn, sewed</b>

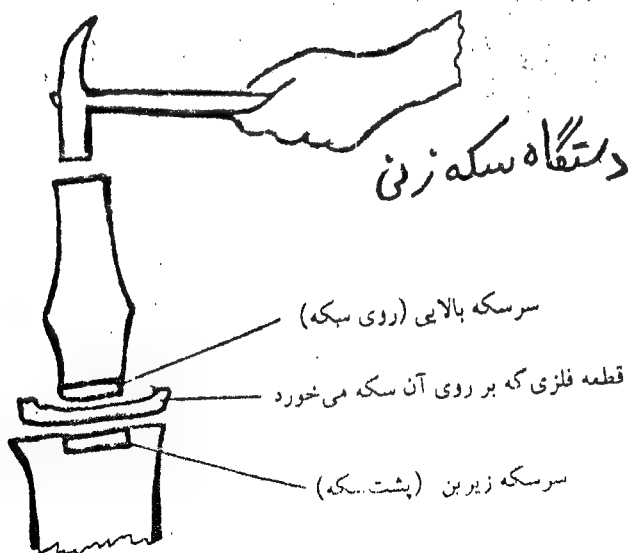
shake/fəik/	تکان دادن - نه و هسه کنای، له قاندن	shook	shaken
shave/fəiv/	تراشیدن - تاشین	shaved	shaved, shaven
shine/fain/	درخشیدن - درو شییای، درو شیان	shone	shone
shoe/fu:/	کفش پوشیدن - له پی کردن	shod	shod
shoot/fu:t/	تیراندازی کردن - تیر شه نهی	shot	shot
show/fəʊ/	نشان دادن - نیشان دان به	showed	shown, showed
shut/ʃʌt/	بستن - به ستن - بینای	shut	shut
sing/sɪŋ/	آواز خواندن - گۆرانی وتن	sang	sung
sink/sɪŋk/	فرورفتن، غرق شدن - خنیکای	sank	sunk, sunken
sit/sit/	نشستن - دانیشتن - نیشتهی	sat	sat
sleep/sli:p/	خوابیدن - وتهی - نوستن	slept	slept
slide/sli:d/	سربیدن، سُرخوردن خزای خزیان	slid	slid
smell/smel/	بویدن - بو کردن، رکه ردهی	smelt, smelled	smelled
speak/spi:k/	صحبت کردن - قسه کردن	spoke	spoken
speed/spi:d/	به سرعت رفتن - به تند چون، فرته	sped, speeded	sped, speeded
spell/spel/	هجی کردن - جیا که ردهی/کردن	spelt, spelled	spelt, spelled
spend/spend/	صرف کردن وقت، گذراندن - رآبواردن	spent	spent
split/split/	شکافتن - هوردن، یه - درین	split	split
spoil/spoil/	فاسد کردن/شدن - گه نای - گه نین	spoil, spoiled	spoil, spoiled
spread/spred/	گسترده - پهن کردن - داخستن	spread	spread
spring/sprɪŋ/	جهیدن، پریدن - تونین - پرای	sprang	sprung

<b>stand</b> /stænd/	ایستادن - مندرای - ویسان	<b>stood</b>	<b>stood</b>
<b>steal</b> /sti:l/	دزدیدن - دزین - دزیه‌ی	<b>stole</b>	<b>stolen</b>
<b>stick</b> /stik/	چسبیدن - لکنای - چه سپاندن	<b>stuck</b>	<b>stuck</b>
<b>sting</b> /stin/	نیش زدن - گه‌سه‌ی - گه‌زین	<b>stung</b>	<b>stung</b>
<b>strike</b> /straik/	ضربت زدن - لیّان - یوّدای	<b>struck</b>	<b>struck, stricken</b>
<b>swear</b> /sweər/	سوگند خوردن - سوینّ خواردن	<b>swore</b>	<b>sworn</b>
<b>sweep</b> /swi:p/	جار و کردن - گزگ دان/دای	<b>swept</b>	<b>swept</b>
<b>swim</b> /swim/	شنا کردن - مه‌له‌کردن	<b>swam</b>	<b>swum</b>
<b>swing</b> /swin/	تاب خوردن - دیله‌کانی‌که‌رده‌ی	<b>swung</b>	<b>swung</b>
<b>take</b> /teik/	بردن، برداشتن - بردن - هه‌لگرتن	<b>took</b>	<b>taken</b>
<b>teach</b> /ti:-tʃ/	درس دادن - فیّر کردن - تالیم‌دای	<b>taught</b>	<b>taught</b>
<b>tear</b> /teər/	پاره کردن - درآندن - دری‌ی	<b>tore</b>	<b>torn</b>
<b>tell</b> /tel	گفتن - وانه‌ی - وتن	<b>told</b>	<b>told</b>
<b>think</b> /θɪŋk/	فکر کردن - بیروّ کردن	<b>thought</b>	<b>thought</b>
<b>throw</b> /θrəʊ/	پرتاب کردن - تووّر دان - دای	<b>threw</b>	<b>thrown</b>
<b>thrust</b> /θrʌst/	فرو کردن - چپاندن - دلیّ که‌رده‌ی	<b>thrust</b>	<b>thrust</b>
<b>trust</b> /trʌst/	توکل - اطمینان - ئیمان یون‌به	<b>trust</b>	<b>trust</b>
<b>undergo</b> /ʌndərgəʊ/	تحمل کردن - تاقت بردن، سه‌بر	<b>underwent</b>	<b>undergone</b>
<b>understand</b> /ʌndəstænd/	فهمیدن، درک کردن، فامین	<b>understood</b>	<b>understood</b>
<b>undertake</b> /ʌndəteik/	متعهد شدن - قول دادن، مه‌رج	<b>undertook</b>	<b>undertaken</b>
<b>upset</b> /ʌpset/	ناراحت شدن - تیکّ چون	<b>upset</b>	<b>upset</b>



wake/weik/	بیدار شدن - خاوه رو بیهی	woke, waked	woken, waked
wear/wear/	پوشیدن - وه رکه ردهی، بهر کردن	wore	worn
weave/wi:v/	بافتن - وادی - بادان	wove	woven
weep/wi:p/	گریستن - گرهوی - گریان	wept	wept
win/win/	برنده شدن - سه رکه وتن	won/wʌn/	won
wind/wind/	پیچاندن - کوک کردن - کوک کردن	wound/wu:nd/	wound
withdraw/wiðdrɔ:/	پس گرفتن - نه و سهانای لی ستاندن	withdrew /wiðdru:/	withdrawn /wiðdrɔ:n/
write/rart/	نوشتن - نویسن - نویسهی	wrote/rəut/	written/ri:tɪn/

قالبهای ضرب سکه



تدارک لغت

## Supplementary vocabulary

### Some occupations (بعضی شغل‌ها)

accountant	حسابدار	accountant	حسابدار
actor, actress	هنرپیشه (مرد-زن)	editor	مدیر روزنامه-سر دبیر
architect	معمار	electrician	برق کار-به‌رق‌کار
artist	اهل هنر-هنرپیشه-هونه‌ر-مهندس	engineer	مهندس
barber	آرایشگر-رازینه‌ر	factory worker	کارگر کارخانه
beautician	زیباشناس-جوانی‌ناس	farmer	کشاورز-وه‌ر-زیر
biologist	زیست‌شناس-حیاتیات‌ناس	fisherman	ماهی‌گیر-ماسی‌گر
bookkeeper	دفتردار-دفعه‌ر-دار	firefighter, fireman	آتش‌نشان-ناگر-کوژین
busboy	شاگرداننده-شاگرد-دشفور	flight attendant	خدمتکار پرواز
bus driver	راننده-اتوبوس-شفور	flight attendant	خدمتکار پرواز
carpenter	نجار-چیوتاش	(steward, stewardess)	پیشخدمت (مرد-زن)
clerk	دبیر-منشی-ده‌بیر-خاموژگر		خز مه‌تکاری-پیانوژن
counselor	رای‌زن-موچاری‌کهر	florist	گل‌فروش-گول‌فروش
computer	برنامه‌ریز-کامپیوتر	grocer	بقال-عطار-چت‌فروش
programmer	ریخه‌ری-کامپیوتر	housekeeper	زن‌خانه‌دار-که‌یوانو
cook	آشپز-چیشیت‌ساز	illustrator	توضیح‌ده‌نیشاندهر
dentist	دندانپزشک-دندان‌ساز	janitor	سرایدار-هه‌روه‌نه
designer	طراح‌نه-خشه‌زان	journalist	روزنامه‌نگار-روزنامه‌نویس
doctor	دکتر-دوکتور-دوگدر	technician	تکنیسین-آزمایشگاه
doorman	دربان-نگهبان-ده‌روان	laboratory	تکنیسین-فهرزان

lawyer	وکیل-وهکیل	sailor	ملوان-مهلهزان
letter carrier	نامه‌بر-نامه‌دهر	salesperson(salesman,	فروشنده
mechanic	مکانیک-کارزانی ماشین	saleswoman)	(مرد-زن)
nurse	پرستار-دایان	sanitation worker	کارمند بهداشت
office worker	خانه‌کارگر	secretary	وزیر-دبیر-وه‌زیر
painter	نقاش	security guard	ضامن سلامت
park ranger	گشتی پارک-گزیری پارک	singer	خواننده-گورانی‌واچ
pharmacist	دارو فروش-ده‌وافروش	taxi driver	راننده تاکسی
photographer	عکاس-وینه‌گیر	teacher	آموزگار، فیرکهری علم
pilot	خلبان-هه‌واگرد	telephone operator	گرداننده تلفن
plumber	لوله‌کش-لوله‌ک‌ش	teller	تحویلدار بانک
professor	پرفسور	truck driver	راننده کامیون
police officer	افسر پلیس	typist	ماشین نویس-ماشین‌نوس
(policeman,	پلیس مرد-پیاوی پولیس	waiter,waitress	پیشخدمت (مرد-زن)
policewoman)	پلیس زن-ژنه پولیس	writer	نویسنده-نوسه‌ر
research assistant	دستیار تحقیق، یار لی‌کول	veterinarian	بیطاری یادامپزشکی

## Some family members (بعضی شاخه‌های خانواده)

	F	M
grandparents جد-جده	grandmother مادر بزرگ	grandfather پدر بزرگ-باوا
parents والدین-ساحیب	mother مادر-دایکئه‌دا	father پدر-بابا-بابه-خاته
children بچه-زه‌ورۆ	daughter دختر-کناچی-کچ	son پسر-کور-منال
children بچه-منال	daughter دختر-کچ	son پسر-کور
grandchildren نوه	granddaughter نوه-دختری	grandson نوه-پسری-کورزا
منالی-منال	sister خواهر-خوشک-والی	brother برادر-برا
son فرزند-منال-کورپه	wife همسر-هامدهم	husband شوهر-شوو

F	M
aunt عمه-خاله-پورمه-تیه-دیدی	uncle عمو-دایی-خالو-مامو-مام-لالو
niece دختر-برادر-خواهر-خوشکه-زاواله-زا	nephew پسر-خواهر-برادر-برازا
cousin خاله-زاده-پور-زاهه-تیه-زا	cousin عمو-زاده-ثامو-زامو-زا
mother-in-law مادر(زن-شوهر)-خه‌سو	father-in-law پدر-شوهر-پدر-زن-هه-سوره
sister-in-law خواهر(زن-شوهر)-والی-شوی	brother-in-law برادر-زن-باجناغ-هاو-زاوا
daughter-in-law عروس-بووک-وه‌یوه	son-in-law داماد-زه‌ما-زاوا

## Some languages (بعضی زبان‌ها)

Albanian	آلبانیایی	آلبانیایی	Kurdish/Awramian	کُردی (اورامی)
Arabic	عربی	عربی	-suranian-krmanji	سُورانی-کرمانجی
Chinese	چینی	چینی	Korean	کُره‌ای
Czech	چکسلواکی	چکسلواکی	Norwegian	نروژی
Danish	دانمارکی	دانمارکی	Pashto	پشتو
Dutch	هلندی	هلندی	Polish	لهستانی
English	انگلیسی	انگلیسی	Portuguese	پرتغالی
Farsi	فارسی	فارسی	Romanian	رومانیایی
Finnish	فنلاندی	فنلاندی	Russian	روسی
French Creole	فرانسوی	فرانسوی	Serbo-Croatian	سُربی-کروواسی
German	آلمانی	آلمانی	Spanish	اسپانیایی
Greek	یونانی	یونانی	Swahili	سواحیلی
Hebrew	عبری یهودی	عبری یهودی	Swedish	سوئدی
Hindi	هندی	هندی	Thai	تایلندی
Hungarian	مجارستانی	مجارستانی	Turkish	ترکی
Italian	ایتالیایی	ایتالیایی	Urdu	اردو
Japanese	ژاپنی	ژاپنی	vietnamese	ویتنامی

## Some countries

### بعضی کشورها

Algeria	الجزایر	ئه‌لجزایر
Argentina	آرژانتین	ئارژانتین
Afghanistan	افغانستان	ئه‌فغانسان
Australia	استرالیا	ئوسترالیا
Bolivia	بولیوی	بؤلیه‌وی
Brazil	برزیل	برزیل
Canada	کانادا	کانه‌دا
Chile	شیلی	شیلی
China	چین	چین
Colombia	کلمبیا	کولومبیا
Denmark	دانمارک	دانمارک
Ecuador	اکوادور	ئکوادر
Egypt	مصر	میسر
England	انگلستان	ئینگلیس
Finland	فنلاند	فنلاند
France	فرانسه	فرانسه
Germany	آلمان	ئالمان
Great Britain	بریتانیای کبیر	
Ghana	غنا	غه‌نا
Greece	یونان	یونان

## Some nationalities

### بعضی ملیت‌ها

Algerian	الجزایری	ئه‌لجه‌زایری
Argentine	آرژانتینی	ئارژانتینی
Afghan	افغانی	ئه‌فغانی
Australian	استرالیایی	ئوسترالیایی
Bolivian	بولیوایی	بولیه‌ویایی
Brazilian	برزیلی	برزیلی
Canadian	کانادایی	کانه‌دایی
Chilean	شیلیایی	شیلیایی
Chinese	چینی	چینی
Colombian	کلمبیایی	کولومبیایی
Danish	دانمارکی	دانمارکی
Ecuadorian	اکوادری	ئه‌کوادری
Egyptian	مصری	میسری
English	انگلیسی	ئنگلیزی
Irish	ایرلندی	ئیرله‌ندی
French	فرانسوی	فرانسه‌وی
German	آلمانی	ئالمانی
british	بریتانیایی	بریتانیایی
Ghanaian, Ghanian	غنایی	
Greek	یونانی	یونانی

Holland	هولند	هولندی	Dutch	هولندی	هلندی
Hungary	مجارستان	مجارى	Hungarian	مهمجارى	مجارى
India	هند	هندى	Indian	هندى	هندى
Indonesia	اندونزى	اندونزیایى	Indonesian	اندونزیایى	اندونزیایى
Iran	ایران	ئیرانى	Iranian	ئیرانى	ایرانى
Iraq	عراق	عیراقى	Iraqi	عیراقى	عراقى
Ireland	ایرلند	ئیرلهندى	Irish	ئیرلهندى	ایرلندى
Israel	اسرائیل	موسایى	Israeli	موسایى	اسرایلیى
Italy	ایتالیا	ئیتالیاىى	Italian	ئیتالیاىى	ایتالیایى
Japan	ژاپن	ژاپونى	Japanese	ژاپونى	ژاپنى
Jordan	اردن	ئوردونى	Jordanian	ئوردونى	اردنى
Kampuchea	کامبوج	کامبوجى	Kampuchean	کامبوجى	کامبوجى
Kurdistan	کردستان	کوردى	Kurdish	کوردى	کردى
Korea	کوره	کوره‌یى	Korean	کوره‌یى	کره‌ای
Laos	لائوس	لائوسى	Laotian	لائوسى	لائوسى
Lebanon	لبنان	لوبنانى	Lebanese	لوبنانى	لبنانى
Mexico	مکزیک	مکزیکى	Mexican	مکزیکى	مکزیکى
Morocco	مورکو	موروکویى	Moroccan	موروکویى	موروکویى
Norway	نروژ	نروژى	Norwegian	نروژى	نروژى
Pakistan	پاکستان	پاکستانیى	Pakistani	پاکستانیى	پاکستانیى
Peru	پرو	پروى	Peruvian	پروى	پروى
Panama	پاناما	پانامایى	Panamanian	پانامایى	پازامایى

Poland	لهستان	لیستان
Portugal	پرتغال	پرتقال
Saudi Arabia	عربستان	ثاره بسان
Spain	اسپانیا	ئسپانیا
Sweden	سوئد	سوید
Switzerland	سوئیس	سویس
Syria	سوریه	سوریه
Thailand	تایلند	تایلند
The Dominican Republic	جمهوری دومینیکن	
Netherlands	هلند	هوله‌ند
The Philippines	فلیپین	فلی‌پین
The Soviet Union	فدراتیوروسییه	کۆماری لیگرتوی‌روس
Tunisia	تونس	تونس
Turkey	ترکیه	تورکیه
Venezuela	ونزوئلا	ونزوئلا
Vietnam	ویتنام	ویتنام

Polish	لهستانی	لیستانی
Portuguese	پرتغالی	پرتقالی
Saudi	صعودی	سئودی
Spanish	اسپانیایی	ئسپانیایی
Swedish	سوئدی	سویدی
Swiss	سوئسی	سویسی
Syrian	سوری‌ای	سوری
Thai	تایلندی	تایله‌ندی
Dominican	دومی‌نی‌که‌نی	
Dutch	هلندی	هوله‌ندی
Filipino	فلی‌پینی	فلی‌پی‌نی
Soviet	روسی	رؤوسی
Tunisian	تونسی	تونسی
Turkish	ترکی	ترکی
Venezuelan	ونزوئلایی	ونزوولایی
Vietnamese	ویتنامی	ویتنامی
UE(united Europe)	اتحادیه اروپا	
یه‌کیه‌تی‌ولآتانی‌ئوروپا		



## منابع فرهنگ لغت آرام

1. English through - I - A - Richards. Gibson (2002)
2. Brighter Grammar - Margaret Macaulay From OXFord university (2001)
3. OXFord Advanced learner's Dictionary of current English - 2001 - Hornby
4. Stern, H. 2002. Issues and options in language Teaching. London OXFord university press.
5. English - persian Dictionary by Farshid E.K.-S. Mooney (2002)

سکه شاهان هخامنشی



داریوش سوم

در یک: ۳۳۶ - ق - م



کوروش هخامنشی

۵۵۰ - ق - م



سکندر

داریوش اول

۵۲۳ - ق - م



داریوش دوم

۴۲۲ - ق - م

ΒΑΣΙΛΕΥΣ ΜΕΓΑΛΟΥ ΑΡΣΑΚΟΥ ΦΙΛΕΛΛΗΝΟΣ

ماه بزرگ ارشک، دوستدار یونان

خط یونانی